مجموعه قوانین و مقررات

حقوق بین الملل

تدوین و گردآوری:
سیدعباس پورهاشمی

مجمع علمی و فرهنگی مجد

مجموعه قوانین و مقررات

حقوق بین‌الملل

تدوین:
سید عباس پورهاشمی

مجمع علمی و فرهنگی مجد

ایران، قوانین و احکام
مجموعه قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل / تدوین عباس پورهاشمی.
ـ تهران: مجد، ۱۳۸۰.
۳۹۲ ص.

ISBN 964- 6153- 74 - 7

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
ص.ع. به فرانسه: Abbas Poorhashemi Recueil de loiset reglementation endroit international.
کتابنامه: ص. ۳۷۷ ـ ۳۹۰.
۱. حقوق بین‌الملل ـ ـ ایران. الف. پور هاشمی، عباس، گردآورنده. ب. عنوان.
KMH۴۷۱/۵/آ ۲۸ ۳۴۰/۹
۱۳۸۰
کتابخانه ملی ایران ۲۱۵۲۹ ـ ۸۰م
محل نگهداری:

مجموعه قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل

تدوین: سید عباس پورهاشمی

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۸۰ تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

دفتر مرکزی:
تهران، میدان‌انقلاب، ابتدای خیابان۱۲فروردین، پلاک ۱۰، طبقه‌دوم
تلفن: ۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۴۹۰۹۹۸ دورنگار: ۶۹۵۰۸۴۱

شابک: ۷-۷۴-۶۱۵۳-۹۶۴
ISBN: 964-6153-74-7

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

راجع به ازدواج با تبعه خارجی

راجع به ترکه اتباع خارجه

اشتغال اتباع خارجی

مجازات اتباع خارجی

فصل سوّم ـ قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل عمومی

قانون اساسی و حقوق بین‌الملل عمومی

مقدمه

حقوق بین‌الملل، حقوق جامعه بین‌المللی است، جامعه‌ای که در آن دولتها به عنوان شخصیت حقوقی مستقل عضویت دارند و در تعامل و اجرای مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیازمند مقررات و قواعدی هستند که متعهد و ملزم به رعایت آن باشند. در جامعهٔ بین‌المللی، علاوه بر دولتها، سازمانهای بین‌المللی نیز به قواعد و حقوق بین‌المللی احتیاج دارند تا برنامه‌ها و اهداف خود را در درون آن قواعد حقوقی تنظیم نمایند.

در کنار دولتها و سازمانهای بین‌المللی، اشخاص حقیقی نیز در درون شبکهٔ حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند تا به عنوان اعضای حقیقی جامعه بین‌المللی سایر دولتها تعامل نمایند. از همین‌جاست که اصطلاح حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی به منصه ظهور می‌رسد. حقوق بین‌الملل عمومی، مجموعه قواعد و مقرراتی است که در جامعهٔ بین‌المللی عمومی قابل اجرا است و عمدةً میان دولتها و سازمانهای بین‌المللی جاری و ساری است. البته این قواعد بایستی مورد پذیرش تمام یا اکثریت قابل توجه اعضای آن قرار گرفته باشد مانند عهدنامه‌ها یا کنوانسیونهای بین‌المللی.

اما حقوق بین‌الملل خصوصی، مجموعه قواعد و مقرراتی است که رابطهٔ افراد را در زندگی بین‌المللی تنظیم می‌کند.

از این رو می‌توان عنوان «بین‌المللی» بودن را در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی و بین‌الملل عمومی وجه اشتراکی قلمداد نمود تا در پرتو آن بتوان با تتبعی در قوانین داخلی و یا قوانین و مقررات بین‌المللی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، مجموعه‌ایی را تدوین و گردآوری کرد، و این همان مجموعه است.

علی‌رغم اینکه در چند سال اخیر بازار تدوین مجموعه قوانین و مقررات حقوقی در بسیاری از موضوعات از قبیل (حقوقی، جزایی، کار، خانواده، چک، تجارت و ...) گرم بوده است، اما جای مجموعه قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل خالی بوده است. گرچه تهیه و تدوین مجموعه قوانین حقوق بین‌الملل به لحاظ تداخل موضوعات بین‌المللی و داخلی خود منشأ دشواریهای خاصی بوده است و جدایی کامل آن را در موضوعات حقوقی دشوار ساخته است، اما به لحاظ موضوعی ما در این کتاب تلاش کرده‌ایم تا حد زیادی این تفکیک را امکان‌پذیر نماییم.

هر چند از یک منظر می‌توان میان منابع حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی تفاوت قائل شد، به این نحو که منابع حقوق بین‌الملل عمومی، معاهدات بین‌المللی و عرف بین‌المللی و اصول کلی حقوقی و قواعد آمرهٔ بین‌المللی است و از طرفی منابع حقوق بین‌الملل خصوصی،

منابع داخلی اعم از قانون و رویه قضایی است و بخشی از آن نیز منابع بین‌المللی است. اما مطابق اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

از این رو می‌توان قانون مصوب مجلس شورای اسلامی را در منابع حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی در ایران وجه اشتراک بیّن این دو حقوق دانست. گرچه معاهدات و کنوانسیونهای بین‌المللی که اجرای آن برای ایران لازم‌الاتباع است، بسیار است و در این کتاب نمی‌گنجد، ولی ما برخی از معاهدات و کنوانسیونهای مهم بین‌المللی را در بخش مربوط به حقوق بین‌الملل آورده‌ایم.

البته تذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که برخی از معاهدات و قراردادهای بین‌المللی به لحاظ اینکه به موضوع حقوق خصوصی پرداخته است می‌توان آن را در زمرهٔ حقوق بین‌الملل خصوصی دانست و از آن جهت که دولتها این معاهدات را به عنوان قواعد و مقررات لازم‌الاتباع میان خود پذیرفته‌اند، حقوق بین‌الملل عمومی تلقی کرد، از این رو نمی‌توان به تقسیم فصلها در این کتاب به لحاظ موضوعی خرده گرفت. ما در فصل اول این کتاب قوانین و مقررات راجع به «صلاحیت محاکم» را آورده‌ایم، زیرا صلاحیت و اهلیت رسیدگی به دعاوی بین‌المللی گام اول در ورود به عرصهٔ طرح دعاوی است. در فصل دوم این کتاب، قوانین و مقررات پیرامون حقوق بین‌الملل خصوصی از قبیل تابعیت، اقامتگاه و تجارت خارجی و شرکتهای خارجی و ... را گردآوری کرده‌ایم. در فصل سوم این کتاب، برخی از مقررات و قوانین مهم پیرامون حقوق بین‌الملل عمومی را که لازم‌الاتباع می‌باشد، تدوین نموده‌ایم.

و در نهایت نگارنده به عدم جامعیت و کامل بودن قوانین مطرح شده در حقوق بین‌الملل اعتراف دارد ولی به عنوان گام اول امیدوار است با راهنماییها و هدایتهای ارزندهٔ استادان گرامی و قضات دانشور دستگاه قضایی، گامی در راستای تدوین مقررات جامع حقوق بین‌الملل بردارد.

انشاءالله

سید عباس پورهاشمی

فصل اوّل

پیرامون صلاحیت دادگاهها و محاکم جمهوری اسلامی ایران

قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی[1]

مصوب ۱۸ آبان ۱۳۷۸ م ۱۹ آبان ۱۳۷۸ ش

ماده واحده - به موجب این قانون اتباع ایرانی می‌توانند در موارد ذیل از اقدامات دولتهای خارجی که مصونیت قضائی ناشی از مصونیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نموده باشند در دادگستری تهران اقامه دعوا کنند. در این صورت دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است به عنوان عمل متقابل به دعوای مذکور رسیدگی و طبق قانون حکم مقتضی صادر نماید.

فهرست دولتهای مشمول عمل متقابل توسط وزارت امور خارجه تهیه و به قوه قضائیه اعلام می‌شود.

۱ - خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولتهای خارجی که مغایر با حقوق بین‌المللی باشد از جمله دخالت در امور داخلی کشور که منجر به فوت، صدمات بدنی و روانی و یا ضرر و زیان مالی اشخاص گردد.

۲ - خسارات ناشی از اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروههای تروریستی که دولت خارجی از آنها حمایت نموده و یا اجازهٔ اقامت یا تردد و یا فعالیت در قلمرو حاکمیت خود به آنان داده باشد و اقدامات مذکور منجر به فوت یا صدمات بدنی و روانی و یا ضرر و زیان مالی اتباع ایران گردد.

تبصره ۱ - دعاوی موضوع این قانون که منشأ آن قبل از تصویب این قانون بوده قابل طرح و رسیدگی می‌باشد.

تبصره ۲ - چنانچه دولتهای دیگری در اجرای احکام ناقض مصونیت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن مساعدت و همکاری نمایند مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

تبصره ۳ - آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارتخانه‌های دادگستری و امور خارجه تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

---

۱ - روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۵۰ مورخ ۱۳۷۸/۹/۷

قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی[1]

ماده واحده ـ برای مقابله و جلوگیری از نقض بیشتر مقررات و موازین حقوق بین‌الملل توسط دولتهایی که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران را نادیده گرفته و می‌گیرند بند ذیل به عنوان بند (۳) به ماده واحده صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۸ اضافه می‌شود:

۳ ـ با توجه به اصل عمل متقابل میزان در تقویم خسارات مادی و معنوی زیاندیدگان و در صورت لزوم خسارات تنبیهی احکام مشابه صادره از دادگاههای خارجی خواهد بود.

تبصره ۱ ـ محکوم به، به ریال تعیین و به علاوه میزان طلای معادل محکوم به نیز به قیمت تاریخ صدور حکم در رأی قید می‌شود.

تبصره ۲ ـ هزینه دادرسی و مالیات وکلای خواهان این نوع دعاوی پس از اجرای حکم به حساب خزانه داری کل واریز خواهد شد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ یازدهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

آیین‌نامه اجرایی قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی مصوب ۱۳۷۸[2]

مصوب ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۹ هیأت وزیران

شماره ۷۵۳۰/ت ۲۲۸۳۷ هـ ۱۳۷۹/۲/۳۱

ماده ۱ ـ دادگاههای دادگستری تهران در خصوص دعاوی اتباع ایرانی علیه دولتهای خارجی فقط در صورتی می‌توانند رسیدگی کنند که دولت خوانده طبق موارد پیش‌بینی شده در ماده واحده قانونی موضوع این آیین‌نامه مصونیت دولت و یا مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران را نقض نموده باشد، که در این صورت براساس اصل عمل متقابل، دولت خوانده فاقد مصونیت در

---

۱ ـ روزنامه رسمی کشور. شماره ۱۶۲۸۴ تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۸.

۲ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۹۵ مورخ ۱۳۷۹/۳/۱۰

دادگستری جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.
ماده ۲ ـ وزارت امور خارجه ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این آیین‌نامه، فهرست کشورهایی که مصونیت دولت جمهوری اسلامی ایران یا مقامات رسمی آن را نقض نموده یا در اجرای احکام ناقض این مصونیتها مساعدت کرده‌اند را به قوه قضائیه اعلام می‌دارد.
ماده ۳ ـ در صورتی که دولتی در آینده مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران یا مقامات رسمی آن را نقض نماید یا در اجرای احکام ناقض این مصونیتها مساعدت کند، مراتب توسط وزارت امور خارجه به قوه قضائیه اعلام می‌شود.
ماده ۴ ـ تعیین دولتهای خارجی حامی اشخاص یا گروههای تروریستی موضوع بند (۲) ماده واحده قانون یاد شده با وزارت امور خارجه است.
ماده ۵ ـ تشریفات طرح دعوی، رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن مطابق قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است.
تبصره ـ خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولتهای خارجی که مغایر با حقوق بین‌الملل باشد با رعایت اصل عمل متقابل تعیین می‌شود.
ماده ۶ ـ دولت جمهوری اسلامی ایران کلیه راههای بین‌المللی بویژه مراجعه به مراجع بین‌المللی را که برای اعاده و احیای مصونیت خود لازم و مفید می‌داند نیز بررسی و اقدام مقتضی معمول خواهد داشت.

اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی دولتهای خارجی

مصوب ۱۳۷۸[۱]

وزارت دادگستری ـ وزارت امور خارجه

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۰ با توجه به نظر رییس محترم مجلس شورای اسلامی (موضوع نامه شماره ۲۸۳۰/ هـ/ ب مورخ ۱۳۷۹/۶/۳۰) تصویب نمود:
در تبصره ماده (۵) آیین نامه اجرایی قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی ـ مصوب ۱۳۷۸ (موضوع تصویبنامه شماره ۷۵۳۰/ ت ۲۲۸۳۷ هـ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۱) عبارت «اصل عمل متقابل» به عبارت «مقررات مربوط» اصلاح می‌شود.

معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

---

۱ ـ روزنامه رسمی کشور. شماره ۱۶۲۱۳ تاریخ ۱۳۷۹/۷/۳۰.

راجع به صلاحیت دادگاههای خارجی

برخی از مواد قانون اجرای احکام مدنی

مصوب یکم آبان ۱۳۵۶[1]

فصل نهم: احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی

ماده ۱۶۹ ـ احکام مدنی صادر از دادگاههای خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراست مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

۱ ـ حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهود یا قراردادها احکام صادر از دادگاههای ایران در آن کشور قابل اجراء باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید.

۲ ـ مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.

۳ ـ اجرای حکم مخالف با عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.

۴ ـ حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم‌الاجرا بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

۵ ـ از دادگاههای ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد.

۶ ـ رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد.

۷ ـ حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد.

۸ ـ دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیت‌دار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.

ماده ۱۷۰ ـ مرجع تقاضای اجرای حکم دادگاه شهرستان محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه است و اگر محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران است.

ماده ۱۷۱ ـ در صورتی که در معاهدات و قراردادهای بین دولت ایران و کشور صادرکننده حکم ترتیب و شرایطی برای اجرای حکم مقرر شده باشد همان ترتیب و شرایط متبع خواهد بود.

ماده ۱۷۲ ـ اجرای حکم باید کتباً تقاضا شود و در تقاضانامه مزبور نام محکوم له و محکوم علیه و مشخصات دیگر آنها قید گردد.

ماده ۱۷۳ ـ به تقاضانامه اجرای حکم باید مدارک زیر پیوست شود:

۱ ـ نسخه‌ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت مطابقت آن با اصل به وسیله مأمور

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۹۶۱۰ مورخه ۱۳۵۶/۹/۲۶

سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم یا ترجمه رسمی آن به زبان فارسی گواهی شده باشد.
۲ - رونوشت دستور اجرای حکمی که از طرف مرجع صلاحیت‌دار مربوط صادر شده با ترجمه گواهی شده آن.
۳ - گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که حکم از آنجا صادر شده یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم در ایران راجع به صدور و دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیت‌دار.
۴ - گواهی امضای نماینده سیاسی یا کنسولی کشور خارجی مقیم ایران از طرف وزارت امور خارجه.

ماده ۱۷۴ - مدیر دفتر دادگاه عین تقاضا و پیوستهای آن را به دادگاه می‌فرستد و دادگاه در جلسه اداری فوق‌العاده با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه آن قرار قبول تقاضا و لازم‌الاجراء بودن حکم را صادر و دستور اجراء می‌دهد و یا با ذکر علل و جهات رد تقاضا را اعلام می‌نماید.

ماده ۱۷۵ - قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از آن پژوهش بخواهد.

ماده ۱۷۶ - دادگاه مرجع پژوهش در جلسه اداری فوق‌العاده به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رأی پژوهش خواسته امر به اجرای حکم صادر می‌نماید و در غیر این صورت آن را تأیید می‌کند ضمناً رأی دادگاه قابل فرجام نخواهد بود.

ماده ۱۷۷ - اسناد تنظیم شده لازم‌الاجراء در کشورهای خارجی به همان ترتیب و شرایطی که برای اجرای احکام دادگاههای خارجی در ایران مقرر گردیده قابل اجراء می‌باشد و به علاوه نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده باشد باید موافقت تنظیم سند را با قوانین محل گواهی نماید.

ماده ۱۷۸ - احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی به مرحله اجراء گذارده می‌شود.

ماده ۱۷۹ - ترتیب رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای احکام و اسناد خارجی و اشکالاتی که در جریان اجراء پیش می‌آید همچنین ترتیب توقیف عملیات اجرایی و ابطال اجراییه به نحوی است که در قوانین ایران مقرر است. مرجع رسیدگی دادگاههای مذکور در ماده ۱۷۰ می‌باشد.

ماده ۱۸۰ - موارد مندرج در باب ششم قانون اصلاح محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری و مواد راجع به اجرای احکام در قانون تسریع محاکمات و سایر قوانینی که مخالف این قانون باشد ملغی است.

صلاحیت دادگاه راجع به دعاوی مربوط به اختراع و علامات تجاری

از قانون ثبت علایم و اختراعات[1]

مصوب یکم تیرماه ۱۳۱۰

ماده ۴۶ ـ رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی مربوطه به اختراع یا علامات تجارتی در محاکم تهران به عمل خواهد آمد اگرچه در مورد دعاوی جزایی جرم در خارج از تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج از تهران دستگیر شده باشد که در این موارد تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یا دستگیری متهم به عمل آمده و دوسیه برای رسیدگی به محاکم تهران ارجاع می‌شود.

ماده ۴۷ ـ اگر در ضمن رسیدگی جزایی متهم برای دفاع خود موضوع مالکیت علامت تجاری یا اختراع را مطرح کند خود محکمهٔ جزا باید در این موضوع نیز رسیدگی نماید.

ماده ۴۸ ـ طریق تأمین دلیل موارد و ترتیب توقیف محصولاتی که مخالف حق حاصل از ثبت علامات تجارتی یا حق اختراع باشد و همچنین موعدی که اگر بعد از تأمین یا توقیف اقامهٔ دعوی نشود تأمین یا توقیف باطل می‌گردد به موجب نظامنامه‌هایی که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود معین خواهد شد اعم از اینکه مطابق نظامنامه‌های مزبور مراجعی که برای انجام این امور معین می‌شود مقامات قضایی باشند یا مأمورین کشوری از قبیل مأمورین گمرک و غیر آنها.

صلاحیت دادگاه راجع به غایب مفقودالاثر

از قانون امور حسبی

مصوب دوم تیرماه ۱۳۱۹ با اصلاحیه‌های بعدی[2]

ماده ۱۲۶ ـ امور راجع به غایب مفقودالاثر با دادگاه شهرستان محلی است که آخرین اقامتگاه غایب در آن محل بوده.

---

۱ ـ منتشر در مجله رسمی شماره ۷۷۲ سال ۳۱۰ (صفحات ۵۵ ـ ۴۷ مجموعه قوانین سال ۱۳۱۰).

۲ ـ روزنامه رسمی شماره ۳۴۸۶ سال ۱۳۱۹ (ص ۳۵ مجموعه قوانین ۱۳۱۹)

ماده ۱۲۷ ـ هرگاه اقامتگاه غایب در خارج از ایران باشد دادگاهی برای رسیدگی به امور غایب صالح است که آخرین محل سکونت غایب در حوزهٔ آن دادگاه بوده.

ماده ۱۲۸ ـ هرگاه غایب در ایران اقامتگاه یا محل سکنی نداشته یا اقامتگاه و محل سکنای او در ایران معلوم نباشد دادگاه محلی برای رسیدگی به امور غایب صالح است که ورثه غایب در آن محل اقامت یا سکنی دارند.

ماده ۱۲۹ ـ در صورتی که ورثه غایب در ایران معلوم نباشد دادگاهی صالح است که غایب در آنجا مال دارد.

از مواد آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب

مصوب فروردین ۱۳۷۹

باب اول: در صلاحیت دادگاهها

فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها

ماده ۱۰ ـ رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.

ماده ۱۱ ـ دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیر منقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامهٔ دعوا خواهد کرد.

تبصره ـ حوزه قضایی عبارت است از: قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم‌بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد.

ماده ۱۲ ـ دعاوی مربوط به اموال غیر منقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد.

ماده ۱۳ ـ در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادها ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود.

ماده ۱۴ ـ درخواست تأمین دلایل و امارات از دادگاهی می‌شود که دلایل و امارات مورد

درخواست در حوزه آن واقع است.

ماده ۱۵ ـ در صورتی که موضوع دعوا مربوط به مال منقول و غیر منقول باشد، در دادگاهی اقامهٔ دعوا می‌شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است، به شرط آنکه دعوا در هر دو قسمت، ناشی از یک منشأ باشد.

ماده ۱۶ ـ هرگاه یک ادعا راجع به خواندگان متعدد باشد که در حوزه‌های قضایی مختلف اقامت دارند یا راجع به اموال غیر منقول متعددی باشد که در حوزه‌های قضایی مختلف واقع شده‌اند، خواهان می‌تواند به هریک از دادگاههای حوزه‌های یاد شده مراجعه نماید.

ماده ۱۷ ـ هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوای دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوای طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوای اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است.

ماده ۱۸ ـ عنوان احتساب، تهاتر یا هر اظهاری که دفاع محسوب شود، دعوای طاری نبوده، مشمول ماده (۱۷) نخواهد بود.

ماده ۱۹ ـ هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیت‌دار متوقف می‌شود. در این مورد، خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن به دفتر دادگاه رسیدگی‌کننده تسلیم نماید، در غیر این صورت قرار رد دعوا صادر می‌شود و خواهان می‌تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامهٔ دعوا نماید.

ماده ۲۰ ـ دعاوی راجع به تَرَکه متوفی اگرچه خواسته، دِین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که تَرَکه تقسیم نشده در دادگاه محلی اقامه می‌شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به دعاوی یاد شده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران، در حوزهٔ آن بوده است.

ماده ۲۱ ـ دعوای راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته، در حوزه آن اقامت داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.

ماده ۲۲ ـ دعاوی راجع به ورشکستگی شرکتهای بازرگانی که مرکز اصلی آنها در ایران است، همچنین دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود.

ماده ۲۳ ـ دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی که تعهد

در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه می‌شود. اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آنکه شعبه یاد شده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.

ماده ۲۴ ـ رسیدگی به دعوای اعسار به طور کلی با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوای اصلی را دارد یا ابتدا به آن رسیدگی نموده است.

ماده ۲۵ ـ هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی‌نفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.

فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن

ماده ۲۶ ـ تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوایی که به آن رجوع شده است با همان دادگاه است. اعتبار صلاحیت، تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد.

ماده ۲۷ ـ در صورتی که دادگاه رسیدگی‌کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیت‌دار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجوع الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدید نظر استان ارسال می‌کند. رأی دادگاه تجدید نظر در تشخیص صلاحیت، لازم‌الاتباع خواهد بود.

تبصره ـ در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دو حوزه قضایی از دو استان باشد، مرجع حل اختلاف به ترتیب یاد شده، دیوان عالی کشور می‌باشد.

ماده ۲۸ ـ هرگاه بین دادگاههای عمومی، نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت، اختلاف محقق شود همچنین در مواردی که دادگاهها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیر قضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رأی دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت، لازم‌الاتباع می‌باشد.

ماده ۲۹ ـ رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت در دادگاه تجدید نظر استان و دیوان عالی کشور، خارج از نوبت خواهد بود.

ماده ۳۰ ـ هرگاه بین دیوان عالی کشور و دادگاه تجدید نظر استان یا دادگاه تجدید نظر استان با دادگاه بدوی در مورد صلاحیت اختلاف شود حسب مورد، نظر مرجع عالی لازم‌الاتباع است.

نیابت قضایی به محاکم خارجی
از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب[۱]
مصوب ۲۱ فروردین ۱۳۷۹

ماده ۲۹۱ ـ در مواردی که تحقیقات باید خارج از کشور ایران به عمل آید، دادگاه در حدود مقررات معهود بین دولت ایران و کشور مورد نظر، به دادگاه کشوری که تحقیقات باید در قلمرو آن انجام شود نیابت می‌دهد تا تحقیقات را به عمل آورده و صورتمجلس را ارسال نماید. ترتیب اثر بر تحقیقات معموله در خارج از کشور متوقف بر وثوق دادگاه به نتیجه تحقیقات می‌باشد.

ماده ۲۹۲ ـ دادگاههای ایران می‌توانند به شرط معامله متقابل، نیابتی که از طرف دادگاههای کشورهای دیگر راجع به تحقیقات قضایی به آنها داده می‌شود قبول کنند.

ماده ۲۹۳ ـ دادگاههای ایران نیابت تحقیقات قضایی را برابر قانون ایران انجام می‌دهند، لکن چنانچه دادگاه کشور خارجی ترتیب خاصی برای رسیدگی معین کرده باشد، دادگاه ایران می‌تواند به شرط معامله متقابل و در صورتی که موازین اسلام و قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد برابر آن عمل نماید.

ماده ۲۹۴ ـ در نیابت تحقیقات قضایی خارج از کشور، دادگاه نحوهٔ بررسی و تحقیق را برابر قوانین ایران تعیین و از دادگاه خارجی که به آن نیابت داده می‌شود می‌خواهد که بر اساس آن کار تحقیقات را انجام دهد. در صورتی که دادگاه یاد شده به طریق دیگری اقدام به بررسی و تحقیق نماید اعتبار آن منوط به نظر دادگاه خواهد بود.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۷۰ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۱

فصل دوّم

قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی

قانون اساسی و اتباع خارجی

از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مصوب مرداد ماه ۱۳۶۸[۱]

اصل دوازدهم

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هریک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود.

اصل سیزدهم

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

اصل چهاردهم

به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم اللّه عن الذین لم یقاتلوکم فی‌الدین و لم‌یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان اللّه یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

اصل چهل و یکم

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل چهل و دوم

اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۲۹۵۷ مورخ ۱۳۶۸/۶/۶

در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

اصل هشتاد و یکم

دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

اصل هشتاد و دوم

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

اصل یکصد و چهل و پنجم

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

اصل یکصد و چهل و ششم

استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هرچند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است.

قلمرو شمول و اجرای قانون مدنی در مورد اتباع خارجی

از قانون مدنی

مصوب ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۷ با اصلاحیه‌های بعدی و اصلاحیه
مصوب ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۷۰ [1]

ماده ۵ ـ کلیهٔ سکنهٔ ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

ماده ۶ ـ قوانین مربوطه به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیهٔ اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود.

ماده ۷ ـ اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسایل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

ماده ۸ ـ اموال غیر منقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملک کرده یا می‌کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.

ماده ۹ ـ مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد

---

۱ ـ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۱۴ مورخ ۱۳۷۰/۹/۱۱

در حکم قانون است.
ماده ۱۰ ـ قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.

کلیات دربارهٔ اشخاص

از قانون مدنی

مصوب ۲۸ بهمن و ۲۱ اسفندماه ۱۳۱۳ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ فروردین‌ماه ۱۳۱۴
با اصلاحیه‌های بعدی[1]

ماده ۹۵۶ ـ اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولدشدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.
ماده ۹۵۷ ـ حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.
ماده ۹۵۸ ـ هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.
ماده ۹۵۹ ـ هیچ کس نمی‌تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.
ماده ۹۶۰ ـ هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف نظر نماید.
ماده ۹۶۱ ـ جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:
۱ ـ در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.
۲ ـ در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده.
۳ ـ در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه‌نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.
ماده ۹۶۲ ـ تشخیص اهلیت هرکس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود مع ذالک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوق انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص

---

۱ ـ صفحات ۲۲۵ ـ ۱۰۰ مجموعه دوره نهم قانونگذاری مجلس شورای ملی سابق.

داد.

حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران می‌باشد شامل نخواهد بود.

ماده ۹۶۳ ـ اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.

ماده ۹۶۴ ـ روابط بین ابوین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.

ماده ۹۶۵ ـ ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود.

ماده ۹۶۶ ـ تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیای منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می‌باشند مع ذالک حمل و نقل‌شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.

ماده ۹۶۷ ـ ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراث و مقدار سهم‌الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.

ماده ۹۶۸ ـ تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدین اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

ماده ۹۶۹ ـ اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند.

ماده ۹۷۰ ـ مأمورین سیاسی یا قونسولی دول خارجه در ایران وقتی می‌توانند با اجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد ـ در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود.

ماده ۹۷۱ ـ دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.

ماده ۹۷۲ ـ احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرای تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد.

ماده ۹۷۳ ـ اگر قانون خارجه که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر

اینکه احاله به قانون ایران شده باشد.
ماده ۹۷۴ ـ مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجراگذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.
ماده ۹۷۵ ـ محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی راکه برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجراگذارد اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

پیرامون تابعیت

از قانون مدنی

مصوب ۲۸ بهمن و ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۱۳ با اصلاحیه‌های بعدی[1]

ماده ۹۷۶[2] ـ اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:
۱ ـ کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
۲ ـ کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
۳ ـ کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند.
۴ ـ کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.
۵ ـ کسانی که در ایران از پدری که تبعهٔ خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.
۶ ـ هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.
۷ ـ هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.
تبصره ـ اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.
ماده ۹۷۷[3] ـ الف ـ هرگاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ـ بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق

---

۱ ـ ص ۲۲۵ ـ ۱۰۰ مجموعه قوانین دوره نهم قانونگذاری مجلس شورای ملی سابق.
۲ ـ مواد ۱۰۳۰ ـ ۹۷۶ در جلسه ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۱۳ تصویب شده است.
۳ ـ اصلاحی مصوب ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۴۸ (منتشره در روزنامه رسمی شماره ۷۳۱۷ مورخ ۴۸/۱۲/۲۸ صفحات ۶۴۳ و ۶۴۴ مجموعه قوانین سال ۱۳۴۸).

دولت متبوع پدرشان دایر به این که آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

ب - هرگاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

ماده ۹۷۸ - نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده‌اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط به اجازه می‌کنند معامله متقابله خواهد شد.

ماده ۹۷۹ - اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

۱ - به سن هیجده سال تمام رسیده باشند.

۲ - پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.

۳ - فراری از خدمت نظامی نباشند.

۴ - در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشند.

در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

ماده ۹۸۰ - کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه می‌باشند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرایط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند.[1]

ماده ۹۸۱ - حذف گردیده.[2]

ماده ۹۸۲ - اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نایل گردند[3]:

۱ - ریاست جمهوری و معاونین او.

۲ - عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه.

---

۱ - اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴

۲ - طبق قانون ۱۳۷۰/۸/۱۴

۳ - اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴

۳ ـ وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری.
۴ ـ عضویت در مجلس شورای اسلامی.
۵ ـ عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر.
۶ ـ استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و یا مأموریت سیاسی.
۷ ـ قضاوت.
۸ ـ عالیترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه نیروی انتظامی.
۹ ـ تصدی پستهای مهم اطلاعاتی و امنیتی.

ماده ۹۸۳ ـ درخواست تابعیت باید مستقیماً یا به توسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد:
۱ ـ سواد مصدق اسناد هویت تقاضاکننده و عیال و اولاد او.
۲ ـ تصدیق‌نامه نظمیه دایر به تعیین مدت اقامت تقاضاکننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش.
وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجع به شخص تقاضاکننده را تکمیل و آن را به هیأت وزراء ارسال خواهد نمود تا هیأت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند و در صورت قبول‌شدن تقاضا سند تابعیت به درخواست‌کننده تسلیم خواهد شد.

ماده ۹۸۴ ـ زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند ولی زن در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هجده سال تمام می‌توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کند لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود.

ماده ۹۸۵ ـ تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ وجه درباره اولاد که در تاریخ تقاضانامه به سن هجده سال تمام رسیده‌اند مؤثر نمی‌باشد.

ماده ۹۸۶ ـ زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه راکتباً مطلع کند ولی هر زن شوهرمرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی‌تواند مادام که اولاد او به سن ۱۸ سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می‌شود حق داشتن اموال غیر منقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیر منقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً به ارث اموال غیر منقولی بیش از آن حد به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را به نحوی از انحاء به اتباع ایران منتقل کند والا اموال مزبور با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از

وضع مخارج فروش قیمت به آنها داده خواهد شد.

ماده ۹۸۷ ـ زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاوجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیاز راجع به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.[1]

تبصره ۱ ـ هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعی زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.[2]

تبصره ۲ ـ زنهای ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند، تشخیص این امر با کمیسیونی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه و کشور و اطلاعات است.[3]

ماده ۹۸۸ ـ اتباع ایران نمی‌توانند تبعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل:

۱ ـ به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.

۲ ـ هیأت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد.

۳ ـ قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی منتقل کنند زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر اینکه اجازه هیأت وزراء شامل آنها هم باشد.

۴ ـ خدمت تحت‌السلاح خود را انجام داده باشند.

تبصره الف[4] ـ کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند (۳) از این ماده درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت ایران خارج شوند چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرره فوق حداکثر تا یک سال موکول به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد.

---

۱ ـ اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴

۲ ـ اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴

۳ ـ اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴

۴ ـ اصلاحی مصوب ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۴۸

تبصره ب[1] ـ هیأت وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهات دیگری محجورند اجازه دهد فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند می‌توانند به تابعیت از درخواست مادر تقاضای ترک تابعیت نمایند.

ماده ۹۸۹ ـ هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان‌لم‌یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و به علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

تبصره ـ هیأت وزیران می‌تواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد.

به این‌گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ایران یا اقامت می‌توان داد.[2]

ماده ۹۹۰ ـ از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلیه خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آنکه دولت تابعیت آنها را صلاح نداند.

ماده ۹۹۱ ـ تکالیف مربوط به اجرای قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و تقاضای بقای بر تابعیت اصلی را دارند به موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید معین خواهد شد.[3]

---

۱ ـ الحاقی مصوب ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۴۸

۲ ـ الحاقی مصوب ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۳۷ منتشره در روزنامه رسمی شمارهٔ ۴۱۰۲ مورخ ۳۷/۱۲/۱۸ (صفحات ۶۵۴ و ۶۵۵ مجموعه قوانین سال ۱۳۳۷).

۳ ـ اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴

دربارهٔ اقامتگاه

از قانون مدنی

مصوب ۲۸ بهمن و ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۱۳ با اصلاحیه‌های بعدی[۱]

ماده ۱۰۰۲ ـ اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است.

اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.

ماده ۱۰۰۳ ـ هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

ماده ۱۰۰۴ ـ تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر به عمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل انتقال یافته باشد.

ماده ۱۰۰۵ ـ اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است مع ذالک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.

ماده ۱۰۰۶ ـ اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنهاست.

ماده ۱۰۰۷ ـ اقامتگاه مأمورین دولتی، محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند.

ماده ۱۰۰۸ ـ اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنهاست.

ماده ۱۰۰۹ ـ اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود.

ماده ۱۰۱۰ ـ اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجع به آن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند.

---

۱ ـ ص ۲۲۵ ـ ۱۰۰ مجموعه قوانین دورهٔ نهم قانونگذاری مجلس شورای ملی سابق

اقامتگاه و تابعیت اشخاص حقوقی از قانون تجارت

مصوب ۱۳۱۱

ماده ۵۸۸ ـ شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبیعه فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت ـ بنوت و امثال ذلک.

ماده ۵۸۹ ـ تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود.

ماده ۵۹۰ ـ اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

ماده ۵۹۱ ـ اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.

قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران[1]

مصوب ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی

ماده ۱ ـ هریک از اتباع خارجه برای ورود و اقامت و خروج از ایران باید اجازه مأمورین مربوطه ایران را تحصیل نمایند.

ماده ۲ ـ اجازه ورود به ایران و عبور از آن به وسیله ویزای مأمورین ایران در خارجه در روی تذکره و یا اوراق و شهادتنامه‌های هویت صادره از طرف دولت متبوعه هرکس تحصیل می‌شود مأمورین ایران در خارجه در موارد ذیل باید از دادن ویزا خودداری نمایند:

الف ـ در صورتی که صحت اسناد ارایه شده را تردید نمایند.

ب ـ اشخاصی که مطابق قوانین ایران تبعه ایران محسوب شده و بخواهند با اوراق تابعیت غیر ایرانی به ایران مسافرت کنند.

ج ـ اگر حضور خارجی در ایران بر ضد امنیت مملکت و یا نظم عمومی و یا به جهات دیگری منافی مصالح مملکتی باشد.

د ـ اگر خارجی در ایران سابقه محکومیت به جنحه و یا جنایت داشته یا در مملکت خارجه محکوم به جنحه و یا جنایت شده باشد.

هـ ـ اگر خارجی قبلاً از ایران اخراج شده باشد.

و ـ اگر حضور خارجی در ایران به ملاحظه حفظ‌الصحه عمومی و یا عملیات منافی عفت صلاح

---

۱ ـ منتشره در مجلس رسمی شماره ۷۳۱ سال ۳۱۰ صفحات ۲۴ ـ ۱۹ مجموعه قوانین سال ۱۳۱۰ (صفحات ۶۳ ـ ۵۵ مجموعه دوره ۸ قانونگذاری مجلس شورای ملی).

نباشد.

ز ـ اگر خارجی نتواند اثبات نماید که وسایل تحصیل معاش خود را در ایران به وسیله سرمایه یا مشاغل مفیده خود دارا می‌باشد. روادیدی که مأمورین ایران در خارجه به بیگانگان می‌دهند علاوه بر حق ورود با مراعات ماده سوم قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه حق نود روز اقامت در ایران را نیز به دارنده می‌دهد.[1]

تبصره ۱ ـ مأموران مرزی مجاز از طرف شهربانی کشور می‌توانند برای خارجیان روادید عبور صادر نمایند.[2]

تبصره ۲ ـ شهربانی کشور در مرکز و شهربانیهای مراکز استان و شهرستان می‌توانند برای خارجیان مقیم روادید بازگشت به ایران صادر نمایند.

ماده ۳ ـ هرگاه یکی از موانع مذکوره در ماده ۲ در موقع ویزا بر مأمورین ایران در خارجه مکشوف نبوده و یا بعداً موجود شود مأمورین مربوطه می‌توانند از دادن اجازه توقف دایم یا موقت خودداری نموده و یا اجازه‌های صادره را ملغی نمایند. در هریک از موارد فوق پس از الغای اجازه صادره، شهربانی محل شخص خارجی را از ایران اخراج خواهد کرد.

تشخیص علل مذکوره در این ماده و ماده قبل منحصراً بسته به نظر مأمورین مربوطه ایران است ولی در غیر موارد مذکوره امتناع از دادن اجازه جایز نیست.

ماده ۴ ـ اقامت اتباع خارجه در ایران بر دو قسمت است: اقامت موقت و اقامت دایم.

اقامت دایم در صورتی است که خارجی در خاک ایران اقامتگاه قانونی اختیار نموده باشد و در غیر این صورت اقامت خارجی در ایران موقت محسوب می‌شود.

اجازه اقامت موقت و یا دایم از طرف شهربانی باید داده شود. هیچ یک از اتباع خارجه بدون اجازه مزبور و بیش از مدت معینه در اجازه‌های مذکوره نمی‌توانند در ایران اقامت نمایند اجازه موقت یا دایم قابل تجدید و تمدید می‌باشد.

ماده ۵ ـ اتباع خارجه ملزم می‌باشند در انقضای مدت اجازه عبور و یا توقف از خاک ایران خارج شوند مگر اینکه از شهربانی تقاضای تمدید مدت کرده و تحصیل اجازه نمایند.

در اجازه ورود و عبور ممکن است گذشتن یک یا چندین مرتبه از سرحدات نیز قید شود.

ماده ۶ ـ اجازه اقامت دایمی از طرف شهربانی مرکز ناحیه‌ای که خارجی می‌خواهد در آن ناحیه اقامتگاه اختیار کند با رعایت مقررات ماده ۳ داده خواهد شد.

خارجی ممکن است این اجازه را قبل از ورود خود به ایران به وسیله نمایندگان ایران در خارجه

---

۱ ـ قسمت اخیر ماده ۲ مصوب ۱۳۳۷/۲/۳ (منتشره روزنامه رسمی شماره ۳۸۹۱ مورخ ۳۷/۴/۲ صفحه ۱۰۳ مجموعه قوانین سال ۱۳۳۷) می‌باشد.

۲ ـ تبصره‌های یک و دو الحاقی مصوب ۳۱ خردادماه ۱۳۵۰ (منتشره در روزنامه رسمی شماره ۷۷۱۸ مورخ ۵۰/۵/۷ صفحات ۳۲۴ و ۳۲۵ مجموعه قوانین سال ۱۳۵۰) می‌باشد.

تحصیل کند جواز اقامت دایمی باید هر سه سال تجدید شود.[۱]

ماده ۷ ـ اجازه عبور از خاک ایران از طرف نمایندگان ایران در خارجه با رعایت مقررات ماده ۳ داده می‌شود و به خارجی حق می‌دهد در مدت معینه در اجازه‌نامه در نقاط بین راه توقف نماید خط سیر و مدت لازم برای عبور ممکن است در اجازه‌نامه قید شود مدت را شهربانی می‌تواند لدی‌الاقتضا تمدید نماید.

ماده ۸ ـ هر خارجی که بخواهد در ایران اقامت نماید مکلف است ظرف ۸ روز پس از ورود به ایران خود را برای تحصیل پروانه اقامت به شهربانی محل معرفی نماید.

تبصره ـ مسؤولین اماکن عمومی و خصوصی و صاحبان یا متصرفان اماکن شخصی حسب مورد موظفند هر تبعه خارجی راکه یک شب یا بیشتر نزد آنها توقف می‌نماید ظرف ۲۴ ساعت پس از ورود به کلانتری یا ژاندارمری محل اطلاع دهند.[۲]

فهرست اسامی خارجیان در دفتری که در شهربانی کشور تنظیم می‌شود تمرکز خواهد یافت.

ماده ۹ ـ هر خارجی که در خاک ایران اقامت دارد باید از دولت متبوعه خود سندی داشته باشد که هویت و تابعیت او را ثابت نماید.

شهربانی محل می‌تواند لدی‌الاقتضا به خارجی که به عللی نتوانسته است سند سابق‌الذکر را تحصیل کند جواز موقتی برای اقامت یا اجازه مخصوص برای خروج از ایران بدهد و در این صورت شهربانی محل حق دارد محل توقف موقت خارجی را در ایران یا خط سیر او را معین و محدود کند ممکن است بر اسناد مثبته تابعیت خارجی و همچنین در جواز اقامت موقتی اسامی زوجه و اولاد و احفاد ذکور و اناث خارجی و برادران و خواهران او که به حد بلوغ نرسیده و در تحت تکفل و همراه او هستند نیز ثبت شود.

ماده ۱۰ ـ اجازه خروج از ایران به بیگانگان از طرف مأمورین شهربانی محل اقامت دایمی یا موقت آنها داده خواهد شد.

تبصره ـ بیگانگانی که به ایران وارد می‌شوند و مدت توقف آنها از نود روز تجاوز نکنند احتیاج به روادید خروج ندارند لیکن موظف می‌باشند برای خروج از ایران اعلامیه خروجی را تکمیل و به مأمورین گمرکی مرز خروجی تسلیم نمایند.[۳]

ماده ۱۱ ـ خارجی را ممکن است در موارد ذیل از خاک ایران خارج و یا محل توقف او را تغییر داد:

الف ـ اگر برخلاف مقررات این قانون رفتار نماید.

---

۱ ـ اصلاحی مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۱

۲ ـ اصلاحی مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۱

۳ ـ اصلاحی مصوب ۱۳۳۷/۲/۳

ب ـ در صورتی که مطابق مقررات مواد ۳ و ۴ اجازه عبور و یا توقف خارجی ملغی شود.
تصمیم اخراج را اداره شهربانی به موقع اجرا می‌گذارد.
در هر موقعی که تصمیم اخراج اتخاذ شود و تأخیر اجرای آن منافی مصالح مملکتی نیست از طرف شهربانی و یا از طرف ادارات ذی صلاحیت دیگران تصمیم و مهلتی که برای اجـرا داده می‌شود به شخصی که باید اخراج شود اخطار خواهد شد.
هرگاه خارجی میل کند که در مدتی که از طرف اداره صلاحیت‌دار تعیین می‌شود از ایران خارج بشود آزادانه خارج خواهد شد والا تحت‌الحفظ اخراج می‌شود. مصارف اخراج در مواردی کـه خارجی باید تحت‌الحفظ اخراج شود از محل عواید مقرره به موجب ماده ۱۴ تأدیه خواهد شد.
ماده ۱۲ ـ در مواقعی که از اعطای جواز اقامت امتناع شده و تصمیم اخراج از طرف مقامات ذی صلاحیتی که دولت معین می‌کند اتخاذ می‌شود خارجی حق خواهد داشت بـه وزارت کشـور مراجعه کرده تقاضای تجدید نظر در تصمیم مزبور را بنماید. این تقاضا کتباً و یا تلگرافاً به وسیله مقام صلاحیت‌داری که تصمیم اتخاذ کرده، داده خواهد شد. ولی خارجـی مـی‌توانـد مـدلول تقاضای خود را مستقیماً هم به وزارت کشور ارسال نماید.
تقدیم تقاضای تجدید نظر موجب تعویق اجرای تـصمیم اخـراج بـه اسـتثنای مـواردی کـه از نقطه‌نظر مصالح مملکتی فوریت دارد، خواهد بود ولی ممکن است تا تعیین نتیجه تجدید نظر شهربانی خارجی را در تحت مراقبت مخصوص خود قرار دهد.
ماده ۱۳[1] ـ برای حفظ امنیت و یا مصالح عمومی و یا به ملاحظات صـحی هـیأت وزیـران می‌توانند تصمیمات ذیل را که ورود و اقامت و خروج و عبور خارجیان را محدود یا مشروط می‌نماید، اتخاذ کند:
الف ـ جلوگیری از کلیه یا قسمتی از مراودات سرحدی.
ب ـ منع توقف موقتی یا دایمی در بعضی از مناطق یا عبور از بعضی از مناطق ایران.
ج ـ اتخاذ وسایل مخصوص نظارت نسبت به خارجیان در موارد فوق‌العاده.
د ـ خارجیانی که بدون داشتن اسناد لازم وارد خاک ایران شده یا می‌شوند و یا با داشتن اسناد لازم از راههای غیر مجاز به کشور وارد گردیده یا می‌گردند علاوه بر مجازات مقرر در قانون ورود و خروج اتباع خارجه مصوب نوزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۰ بنا به پیشنهاد وزارت جنگ آنان را برای مدتی که از ۵ سال تجاوز نکند ملزم به اقامت اجباری در محل معین نموده و یا اینکه آنها را از کشور اخراج نماید.[2]

---

۱ ـ اصلاحی مصوب ۱۳۳۶/۱/۲۹ (منتشره در روزنامه رسمی شماره ۳۵۷۲ مورخ ۳۶/۲/۲۶ صفحه ۶۱ مجموعه قوانین سال ۱۳۳۶).
۲ ـ بند (د) ماده ۱۳ که الحاقی مصوب ۱۳۳۱/۱۱/۱۶ بوده به شرح بالا طبق مصوبه ۱۳۳۶/۱/۲۹ اصلاح گردیده است.

ماده ۱۴ ـ برای صدور اجازه موقت و یا دایم و تمدید اجازه عبور خارجیان حقوق ذیل اخذ خواهد شد:

۱ ـ برای تمدید اجازه عبور و صدور اجازه اقامت موقت و تجدید آن معادل یک ریال طلا.

۲ ـ برای صدور اجازه اقامت دایم و تجدید آن معادل ۲ ریال طلا.

تبصره ـ کارمندان دفتری و خدمتگزاران سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای دول بیگانه در ایران به شرط رعایت معامله تقابله نسبت به این قبیل کارمندان دولت شاهنشاهی در آن کشورها از پرداخت حق تمبر پروانه اقامت معاف خواهند بود.[1]

ماده ۱۵ ـ اشخاص ذیل به حبس تعزیری از ۱ تا ۳ سال و یا به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم می‌شوند مگر اینکه جرم آنها مشمول قوانینی گردد که مجازات سخت‌تری معین کرده باشد: اصلاحی ـ ۱۳۶۷/۷/۱۴

۱ ـ هرکس گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور جعل کند و یا با علم به مجعول بودن از آنها استفاده کند و یا این قبیل اوراق مجعوله را برای دیگری تحصیل نماید.

۲ ـ هرکس عامداً در نزد مأمورین ذی‌دخل برای تحصیل تذکره و یا جواز اقامت و یا جواز عبور شهادت کذب داده و یا اظهارات خلاف واقع نماید و یا موضوعاتی را که در تشخیص تابعیت مؤثر است، کتمان نماید و یا گذرنامه و یا جواز اقامت و یا جواز عبور و یا ورقه هویتی که به وسایل مزبور تحصیل شده است عامداً از آنها استفاده کند.

۳ ـ هرکس عامداً بدون داشتن اسناد و جواز لازم از مرز ایران عبور کند و همچنین هرکس که از راههای غیر مجاز و یا مرزهای ممنوعه عبور نماید.

۴ ـ هرکس برای اثبات هویت و یا تابعیت خود از اسناد یا اوراق و یا ورقه هویت متعلق به دیگری استفاده کند و هرکس برای اثبات تابعیت و یا هویت یک نفر خارجی اسناد و اوراق و یا ورقه هویت متعلق به خود یا غیر را به دیگری بدهد.

۵ ـ هرکس که برای فرار از اجرای تصمیم اخراج که دربارهٔ او اتخاذ شده است، مخفی شود و یا پس از اخراج شدن از ایران مجدداً بدون اجازه به خاک ایران مراجعت کند.

۶ ـ هرکس در یکی از اعمال مذکوره فوق شرکت یا معاونت کرده باشد.

۷ ـ هرکس برای استفاده از حقوقی که به موجب این قانون و یا آیین‌نامه‌های مربوطه به آن می‌توان تحصیل نمود، در خارج از کشور مرتکب یکی از اعمال مذکوره در بندهای ۱، ۲، ۴ این ماده بشود پس از آمدن به ایران در صورتی که در خارج از کشور به موجب حکم قطعی محکوم و مجازات نشده باشد، تعقیب و مجازات خواهد شد.

---

۱ ـ الحاقی مصوب ۴۳/۱۰/۲۱ (منتشره در روزنامه رسمی شماره ۵۸۸۳ مورخ ۴۴/۲/۱۴ صفحه ۵۴۱ مجموعه قوانین سال ۱۳۴۳).

تبصره ۱ ـ شروع به ارتکاب جرمهای مذکوره در این ماده در حکم ارتکاب خواهد بود.
تبصره ۲ ـ خارجیانی که به تبع اغنام و احشامشان وارد خاک ایران شوند، علاوه بر ضبط احشام به نفع دولت ایران به پنج ماه تا یک سال حبس یا ۳۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد و در صورتی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت همسایه عهدنامه‌ای منعقد شده باشد، براساس آن عمل خواهد شد.
ماده ۷ ـ در تعیین مجازات مذکور در این قانون توسط قاضی باید شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب رعایت گردد اصلاحی ـ ۱۳۶۷/۷/۱۴ قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و پنج تبصره در جلسه علنی روز پنجشنبه چهاردهم مهرماه یکهزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۷/۷/۲۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

روزنامه رسمی شماره ۱۷۲۲۹ مورخه ۱۳۶۷/۸/۱۸
ماده ۱۶ ـ هر خارجی که مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن را رعایت نکند به جزای نقدی از ۲۰۱ ریال تا ۱۰ هزار ریال محکوم خواهد شد مگر اینکه عمل او به موجب این قانون یا قوانین دیگر مجازات شدیدتری داشته باشد. همین مجازات دربارهٔ مسؤولین اماکن عمومی و خصوصی و صاحبان یا متصرفان اماکن شخصی که به تکلیف مقرر در ماده ۸ عمل نکنند مجری خواهد بود. اصلاحی ۱۳۵۰/۳/۳۱
ماده ۱۷ ـ محاکمه متخلفین از مقررات این قانون در محاکم عمومی به عمل خواهد آمد.
ماده ۱۸ ـ اشخاص ذیل از مقررات این قانون مستثنی خواهند بود:
۱ ـ کسانی که دارای مصونیت سیاسی هستند.
۲ ـ مأمورین کنسولی دول خارجه و افراد عایله آنها که با هم در یک خانه زندگانی می‌کنند و اعضای رسمی آنها، ولی اگر اتباع ایران از طبقات مذکوره مقیمین در یکی از ممالک خارجه از مزایای مزبور کلاً یا بعضاً بهره‌مند نباشند نسبت به اتباع مملکت مزبور از طبقات فوق معامله متقابله خواهد شد. از طرف مأمورین ایران به مشمولین فقرات ۱ و ۲ این ماده برای ورود به ایران و همچنین برای عبور و خروج از ایران به شرط معامله متقابله ویزای سیاسی داده می‌شود.
۳ ـ اعضای هیأتهای اعزامیه دول خارجه که با موافقت دولت ایران وارد ایران می‌شوند و کسان دیگری که دارای ویزای مأمور ایران باشند.
تبصره ـ مقررات مربوطه به اجرای این ماده از طرف وزارت امور خارجه با موافقت وزارت کشور ضمن نظامنامه مخصوص تعیین می‌شود.
ماده ۱۹ ـ در مورد کارکنان وسایط نقلیه هوایی و قطارهای ترانزیتی و کشتیها و مسافرینی که قصد ورود و اقامت در ایران را نداشته و اسناد لازم راکه به موجب این قانون باید دارا باشند، ندارند و در موقع توقف موقت کشتیها و هواپیماها و قطارها در ایران پیاده می‌شوند وزارت

کشور با موافقت وزارت امور خارجه و وزارت دارایی آیین‌نامه مخصوصی تدوین و برای اجرا به شهربانی کشور و سازمانهای مربوط ابلاغ خواهد نمود. اصلاحی مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۱

ماده ۲۰ ـ خارجیانی که در تاریخ اجرای این قانون در ایران می‌باشند در ظرف ۲ ماه از تاریخ مزبور مستقیماً به شهربانی محل اقامت خود مراجعه کرده، اجازه اقامت تحصیل نمایند دوایر شهربانی بر طبق ماده ۴ و ۶ عمل خواهند نمود.

ماده ۲۱ ـ در نقاطی که شهربانی تأسیس نشده باشد وظایفی راکه به موجب این قانون بر عهده آن محول است حاکم یا نماینده حکومت محل انجام خواهد داد.

ماده ۲۲ ـ ماده واحده مصوبه ۱۱ تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی منسوخ است.

ماده ۲۳ ـ این قانون از پانزدهم خردادماه ۱۳۱۰ شمسی به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران[1]

شماره ۷۶/۱۸ ۱۳۵۳/۱/۸

ماده ۱ ـ گذرنامه اشخاص زیر در وزارت امور خارجه ثبت و برای آنان کارت هویت صادر خواهد شد:

الف ـ مأموران دیپلماتیک سفارتهای خارجی و خانوادهٔ آنها.

ب ـ کارمندان اداری و فنی سفارتهای خارجی و خانوادهٔ آنها.

ج ـ مأموران کنسولی خارجی و خانوادهٔ آنها.

د ـ کارمندان اداری و فنی مأموریتهای کنسولی خارجی و خانوادهٔ آنها.

هـ ـ مأمورین رسمی و کارشناسان اعزامی سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی و سازمانهای وابسته و خانوادهٔ آنها.

و ـ مأموران رسمی سازمانهای بین‌المللی که به موجب موافقتنامه‌های مربوطه برای انجام مأموریت در ایران اقامت می‌نمایند و خانواده آنها.

تبصره ـ منظور از خانواده اشخاص مذکور در این ماده همسر و فرزندان و افراد تحت تکفل آنها که با هم در یک خانه زندگی می‌کنند، می‌باشد.

ماده ۲ ـ گذرنامه اشخاص زیر در مرکز از طرف وزارت امور خارجه جهت صدور پروانه کار و پروانه اقامت رایگان به وزارت کار و امور اجتماعی و شهربانی کشور ارسال می‌گردد و در

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۸۵۳۵ مورخه ۱۳۵۳/۲/۱۴.

شهرستانها از طرف استانداری و یا فرمانداری کل و یا فرمانداری به اداره کار و امور اجتماعی و شهربانی محل فرستاده می‌شود:

الف ـ کارشناسان و معلمان خارجی که در چهارچوب موافقتنامه‌های همکاری علمی و فرهنگی از طرف دول خارجی و یا سازمانهای بین‌المللی به ایران اعزام می‌شوند.

ب ـ خدمهٔ مأموریتهای دیپلماتیک و کنسولی.

ج ـ خدمتگزاران شخصی مأموران دیپلماتیک و کنسولی.

وزیر امور خارجه — وزیر کشور

آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۹ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران[1]

شماره ۶۴۷۴/۵۳ — ۱۳۵۶/۳/۳۱

ماده ۱ ـ به مسافران و کارکنان وسایل نقلیه هوایی و آبی که در حین عبور از داخل مرزهای هوایی یا آبی کشور جمهوری اسلامی ایران به واسطهٔ حوادث قهری یا اشکالات فنی و یا به هر علت موجه دیگری ناگزیر از توقف موقت در ایران شوند از طرف مراجع ذی صلاح اجازه توقف موقت داده خواهد شد.

ماده ۲ ـ خلبان و ناخدا و یا نمایندگان مسؤول شرکتهای هواپیمایی و کشتیرانی مربوط موظف می‌باشند فهرست و مشخصات کامل افرادی که قصد پیاده شدن را دارند تهیه و در اختیار مراجع ذی صلاح قرار دهند.

ماده ۳ ـ اجازه توقف موقت پس از شناسایی کامل مسافران توسط مراجع ذی صلاح به مسؤولیت خلبان و ناخدا و یا نمایندگان مسؤول شرکتهای هواپیمایی و کشتیرانی مربوط با رعایت ماده ۲ داده خواهد شد.

ماده ۴ ـ گواهینامه فنی و یا گواهی اشتغال خلبان و ناخدا و خدمه و کارکنان موضوع ماده یک به منزلهٔ مدرک مسافرت معتبر بوده و پس از اخذ آن اجازه توقف موقت داده می‌شود، و هنگام پایان مدت توقف مدارک مزبور مسترد گردد.

ماده ۵ ـ اجازه توقف موقت تا زمانی که از طرف خلبان و ناخدا و یا نمایندگان مسؤول شرکتهای هواپیمایی و کشتیرانی مربوط به ترتیب ادامه مسافرت داده نشده است معتبر خواهد بود.

ماده ۶ ـ پس از رفع علت توقف موقت و مراجعه مسافران برای ادامه مسافرت خلبان و ناخدا و

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۸۴۹۸ مورخه ۱۳۵۶/۵/۸.

یا نمایندگان مسؤول شرکتهای هواپیمایی و کشتیرانی مربوط موظف به پذیرفتن و سوار نمودن مسافران مربوط خواهند بود مگر آنکه امتناع نامبردگان از ادامه مسافرت مستند به عذر موجهی باشد.

ماده ۷ ـ معاهدات و یا موافقتنامه‌های بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دول متبوع افرادی که ناگزیر به توقف موقت در ایران می‌باشند، رعایت خواهد شد.

وزیر امور خارجه وزیر امور اقتصادی و دارایی وزیر کشور

آیین‌نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه[1]

مصوب ۱۲ خردادماه ۱۳۵۲

ماده ۱ ـ مأموران مرزی مجاز از طرف شهربانی کشور می‌توانند در مرزهایی که مجاز شناخته شده برای دارندگان گذرنامه‌های معتبر خارجی که قصد عبور از ایران را دارند براساس نظرات قبلی وزارت امور خارجه و رعایت ماده ۲ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب سال ۱۳۱۰ برای مدت حداکثر ۱۵ روز با دریافت حق روادید طبق تعرفه مربوط روادید عبور صادر نمایند.

ماده ۲ ـ صدور روادید عبور برای اشخاص زیر موکول به تحصیل اجازه خاص وزارت امور خارجه خواهد بود:

الف ـ افراد بدون تابعیت و یا دارندگان برگ گذر (لسه پاسه) های خارجی.

ب ـ اتباع دولی که از طرف وزارت امور خارجه تعیین می‌شود.

ماده ۳ ـ مأمورین شهربانی در مرکز و شهربانیهای مراکز استان و شهرستان می‌توانند برای بیگانگانی که دارای پروانه اقامت معتبر می‌باشند با رعایت مقررات مربوطه روادید رفت و برگشت صادر نمایند.

تبصره ۱ ـ روادید برای یک بار رفت و برگشت صادر خواهد شد.

تبصره ۲ ـ مدت اعتبار روادید رفت و برگشت از تاریخ خروج از مرز سه ماه خواهد بود.

تبصره ۳ ـ مدت اعتبار روادید رفت و برگشت برای خروج از کشور یک ماه می‌باشد و قابل تمدید نیز خواهد بود.

تبصره ۴ ـ (الحاقی ۱۳۵۳/۱۲/۲۸) برای اتباع بیگانه‌ای که در خدمت وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی می‌باشند بنا به درخواست سازمان مربوط، اجازه رفت و برگشت برای یک یا چند بار در مدت اعتبار پروانه اقامت صادر خواهد شد.

---

۱ ـ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۸۲۷۶ مورخ ۱۳۵۲/۳/۳۰ (جزوه شماره ۲۳۱ ضمیمه روزنامه رسمی).

تبصره ۵ ـ (الحاقی ۱۳۵۵/۱۱/۲۵) برای اتباع بیگانه‌ای که در مؤسسات غیر دولتی در ایران اشتغال دارند بنا به درخواست مؤسسه مربوط و تعهد آن مؤسسه مبنی بر پرداخت مالیات بر درآمد مستخدم ـ اجازه یک یا چند بار رفت و برگشت در مدت اعتبار پروانه اقامت صادر خواهد شد.

ماده ۴ ـ هر خارجی که بخواهد در ایران اقامت نماید مکلف است ظرف ۸ روز پس از ورود به ایران برگهای درخواست صدور پروانه اقامت را تنظیم و تکمیل و امضاء نموده به انضمام سایر مدارک لازم به شهربانی محلی که می‌خواهد در آنجا اقامت اختیار کند تسلیم نماید. شهربانی محل پس از رسیدگی مدارک ارایه شده پروانه اقامت موقت با اخذ حقوق قانونی صادر و یا از صدور پروانه اقامت امتناع می‌ورزد.

ماده ۵ ـ اجازه اقامت دایم از طرف شهربانی مرکز استان یا شهرستانی که خارجی می‌خواهد در آن ناحیه اقامتگاه دایمی و قانونی اختیار کند با رعایت مقررات ماده ۳ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب سال ۱۳۱۰ در صورت احراز هریک از شرایط زیر پس از موافقت شهربانی کشور صادر خواهد شد:

الف ـ متقاضی دارای ۵ سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و به هنگام تقاضا به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشد.

ب ـ متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و مقام عالی علمی یا شغل یا تخصص او در امور تولیدی و عمرانی به تأیید مقامات صلاحیت‌دار مملکتی رسیده باشد.

ج ـ متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و خدمات شایسته و ارزنده او به امور عام‌المنفعه در ایران به تأیید مقامات صلاحیت‌دار مملکتی رسیده باشد.

د ـ متقاضی دارای زن و فرزند ایرانی باشد.

هـ ـ متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و در امور تولیدی و عمرانی ایران که مورد تأیید مقامات صلاحیت‌دار ایران باشد سرمایه‌گذاری کرده باشد.

و ـ متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و درآمد شخصی یا حقوق یا مستمری بازنشستگی او به تأیید یکی از بانکهای مجاز ایران رسیده باشد.

تبصره ـ اقامت خارجیان از نظر این آیین‌نامه وقتی اقامت قانونی محسوب می‌شود که به استناد پروانه اقامت باشد.

ماده ۶ ـ حق صدور پروانه اقامت موقت یا دایم به میزان مقرر در ماده ۱۴ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران وصول خواهد شد و برابر آن تمبر به پروانه اقامت الصاق و باطل می‌گردد.

ماده ۷ ـ پس از صدور پروانه اقامت را به کلانتری یا حوزه ژاندارمری که خارجی در حوزه

استحفاظی آن اقامت خواهد کرد ارسال می‌نماید و کلانتری یا ژاندارمری مربوط مکلف است این سوابق را به منظور مراجعات آتی نگهداری نماید.

ماده ۸ ـ پناهندگان خارجی که طبق آیین‌نامه پناهندگان دفترچه اقامت پناهندگی از شهربانی کشور دریافت نموده‌اند از مقررات مواد ۴ و ۵ این آیین‌نامه مستثنی می‌باشند.

ماده ۹ ـ دارندگان پروانه اقامت موقت یا دایم باید تغییر محل کار و یا اقامت خود را به شهربانی یا ژاندارمری محل قبلی و ظرف ۸ روز از ورود به محل اقامت و یا کار جدید به شهربانی یا ژاندارمری محل جدید کتباً اطلاع دهند.

ماده ۱۰ ـ هر تبعه خارجی مکلف است پروانه اقامت یا سایر مدارک مسافرت خود را در صورت تقاضای مأموران انتظامی ارایه نماید.

ماده ۱۱ ـ صدور المثنی پروانه اقامت طبق مقررات بلامانع می‌باشد که با دریافت حقوق قانونی و الصاق و ابطال تمبر انجام خواهد شد.

ماده ۱۲ ـ اتباع خارجی باید برای تسلیم برگهای درخواست صدور پروانه اقامت شخصاً یا به وسیله نماینده خود به شهربانی محل مراجعه نمایند.

ماده ۱۳ ـ خارجیانی که در استخدام وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و یا وابسته به دولت می‌باشند می‌توانند برگهای درخواست صدور پروانه اقامت را تکمیل نموده و پس از گواهی وزارتخانه یا مؤسسه مربوط توسط نماینده معرفی شده سازمان محل خدمت خارجی به شهربانی محل ارسال نمایند.

ماده ۱۴ ـ مسؤولین اماکن عمومی موظفند ظرف ۲۴ ساعت پس از ورود خارجی هویت و تاریخ ورود او را در فرمهای مخصوص اعلامیه ورود درج و به نزدیکترین کلانتری یا پاسگاه ژاندارمری تسلیم نمایند.

تبصره ۱ ـ از لحاظ این آیین‌نامه اماکن عمومی اطلاق می‌شود به هتلها، متلها و مسافرخانه‌ها و پانسیونها و به طور کلی همه اماکنی که به نحوی از انحاء مسافر می‌پذیرند.

تبصره ۲ ـ فرمهای مخصوص اعلامیه ورود مسافرین توسط شهربانی کشور تهیه و در اختیار اماکن عمومی گذارده می‌شود.

ماده ۱۵ ـ صاحبان یا متصرفان اماکن شخصی موظفند توقف هر خارجی را که یک شب یا بیشتر در منزل آنها به هر عنوانی اقامت می‌نمایند به هر وسیله ممکن به نزدیکترین کلانتری یا پاسگاه ژاندارمری اطلاع دهند.

ماده ۱۶ ـ در مواقعی که شهربانی کشور طبق موازین قانونی از صدور یا تمدید یا تجدید پروانه اقامت خودداری و به اخراج خارجی اتخاذ تصمیم نماید این تصمیم را به متقاضی کتباً ابلاغ خواهد نمود و خارجی می‌تواند ظرف ۱۵ روز از تاریخ رؤیت اخطاریه برابر ماده ۱۲ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه تقاضای تجدید نظر در تصمیم شهربانی را به وزارت کشور تسلیم

نماید وزارت کشور پس از دریافت تقاضانامه موضوع را در جلسه‌ای مرکب از مدیرکل سیاسی وزارت کشور ـ نمایندگان وزارت امور خارجه ـ وزارت دادگستری ـ سازمان اطلاعات و امنیت کشور و شهربانی کشور مطرح و تصمیمات و امنیت کشور و شهربانی کشور ابلاغ خواهد کرد.

ماده ۱۷ ـ شهربانی کشور باید مواد قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب سال ۱۳۱۰ و اصلاحیه‌های آن و مقررات این آیین‌نامه را برای اطلاع عموم به زبانهای فارسی و انگلیسی و فرانسه چاپ و همچنین در جراید کثیرالانتشار منتشر نماید وزارت امور خارجه نیز متن و ترجمه‌های مزبور را به مأموریتهای در خارجه و مأموریتهای دیپلماتیک و کنسولی خارجی در ایران ارسال خواهد نمود.

ماده ۱۸ ـ آیین‌نامه‌های مربوط به ورود و اقامت اتباع بیگانه که با مفاد این آیین‌نامه مغایرت داشته باشد از تاریخ تصویب این آیین‌نامه ملغی است.

تصویبنامه در خصوص الحاق تبصره (۲) به ماده (۵) آیین‌نامه اجرایی قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران[1]

مصوب ۱۳۵۲/۳/۱۲ ـ وزارت کشور ـ وزارت امور خارجه

شماره ۲۶۲۲۸/ت ۲۰۳۶۰ هـ **۱۳۷۹/۶/۲۲**

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۶/۱۶ بنا به پیشنهاد شماره ۲۶۲۹/۱/۶۱ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۲ وزارت کشور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۵) آیین‌نامه اجرایی قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران ـ مصوب ۱۳۵۲/۳/۱۲ ـ اضافه می‌شود:

«**تبصره ۲** ـ اجازه اقامت فرزندان متولد در خارج، از مادر ایرانی و پدر خارجی همچنین از مادر خارجی که به تابعیت ایرانی پذیرفته می‌شوند، با ارایه مدارک قانونی صادر شده از کشور متبوع فرزندان صادر خواهد شد. فرزندان مورد اشاره وفق شرایط ذیل می‌توانند به استناد اجازه یاد شده، در ایران اقامت نمایند:

الف ـ فرزندان اناث مادامی که ازدواج ننموده‌اند.

ب ـ فرزندان ذکور تا رسیدن به سن هجده (۱۸) سال تمام هجری شمسی.

پ ـ چنانچه مادر فرزند ذکور در ایران اقامت داشته باشد و یا فرزند ذکور در حال تحصیل باشد و

---

۱ ـ نقل از شماره ۱۶۱۸۸ ـ ۱۳۷۹/۶/۳۰ روزنامه رسمی

در هریک از موارد مزبور، سن فرزند از میزان مقرر در بند (ب) فوق بیشتر شود، به ترتیب مورد تا زمان اقامت مادر و یا اتمام تحصیل.»

معاون اول رییس‌جمهور ـ حسن حبیبی

قانون گذرنامه

مصوب ۱۰ اسفندماه ۱۳۵۱[1] با اصلاحیه‌های بعدی

فصل اول: کلیات

ماده ۱ ـ گذرنامه سندی است که از طرف مأموران صلاحیت‌دار دولت، مذکور در این قانون برای مسافرت اتباع ایران به خارج و یا اقامت در خارج و یا مسافرت از خارج به ایران، داده می‌شود.

ماده ۲ ـ اتباع ایران برای خروج از کشور و یا اقامت در خارج و یا مسافرت از خارج به ایران باید تحصیل گذرنامه نمایند. صدور گذرنامه منوط به ارایه اسنادی است که هویت و تابعیت ایرانی تقاضاکننده را ثابت نماید. اسناد مزبور به موجب آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد.

ماده ۳ ـ خروج از کشور بدون ارایه گذرنامه یا مدارک مسافرت مذکور در این قانون ممنوع است.

ماده ۴ ـ ورود به کشور و یا خروج از آن فقط از نقاطی که بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیأت وزیران تعیین و آگهی خواهد شد، مجاز است.

ماده ۵ ـ بازرسی گذرنامه و مدارک مسافرت و رسیدگی به آنها در مرز با شهربانی کشور و در نقاطی که شهربانی نباشد به عهده ژاندارمری کشور است. مأموران مربوط مکلفند از ورود افرادی که فاقد گذرنامه یا مدارک لازم برای ورود به ایران باشند، جلوگیری نمایند.

تبصره ـ (اصلاحی ۵۸/۱۰/۵) در مواردی که افرادی فاقد گذرنامه و یا مدارک مسافرت برای مراجعه به ایران باشند در صورتی که تابعیت ایرانی و یا ایرانی بودن آنان محرز شود با رعایت ماده ۲۰ این قانون مکلفند برگ بازگشت به ایران را از مأموریتهای سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارجه دریافت نمایند. ضوابط تشخیص و ایرانی بودن این قبیل اشخاص به موجب آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد.

ماده ۶ ـ برگ مسافرت موضوع ماده ۹ و همچنین برگ بازگشت موضوع ماده ۲۰ و پروانه‌های گذر موضوع مواد ۲۹ و ۳۰ از نظر این قانون در حکم گذرنامه است.

فصل دوم: انواع گذرنامه

ماده ۷ ـ گذرنامه بر سه قسم است:

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۸۲۲۴ مورخ ۵۲/۱/۳۰

الف ـ گذرنامه سیاسی.
ب ـ گذرنامه خدمت (اعم از فردی یا جمعی).
ج ـ گذرنامه عادی (اعم از فردی یا جمعی).
تبصره ـ مشخصات انواع گذرنامه‌ها از لحاظ رنگ و شکل و قطع و تعداد اوراق و نظایر آن و همچنین سازمان تهیه‌کننده آنها به موجب آیین‌نامه‌ها اجرایی این قانون تعیین می‌گردد.
ماده ۸ ـ از تاریخ تصویب این قانون گذرنامه‌های تحصیلی به تدریج به گذرنامه‌های عادی تبدیل خواهد شد.
ماده ۹ ـ وزارت امور خارجه می‌تواند در موارد لزوم با موافقت وزیر امور خارجه برای کسانی که به مأموریتهای خاص اعزام می‌شوند به جای گذرنامه برگ مسافرت انفرادی و یا دسته جمعی صادر نماید. مشخصات برگهای مذکور در آیین‌نامه اجرایی قانون تعیین خواهد شد.

فصل سوم: گذرنامه‌های سیاسی و خدمت[1]

ماده ۱۰ ـ (صلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۰)[2] برای شخصیتهای زیر گذرنامه سیاسی صادر می‌شود:
۱ ـ رهبر
۲ ـ رییس‌جمهور
۳ ـ رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، ریس مجلس شورای اسلامی، رییس قوه قضاییه، معاون اول رییس‌جمهور، اعضای شورای نگهبان، تولیت آستان قدس رضوی، وزرای دولت جمهوری اسلامی ایران و معاونان رییس‌جمهور.
۴ ـ نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای عالی امنیت ملی، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۵ ـ رییس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رییس دیوان عدالت اداری، رییس و دادستان دیوان محاسبات، معاونان رییس قوه قضاییه، رییس سازمان بازرسی کل کشور، رییس دفتر مقام معظم رهبری، رییس کل بانک مرکزی و رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
۶ ـ رییس ستاد کل نیروهای مسلح، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رییس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و جانشینان ایشان، فرماندهان نیروهای سه‌گانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران، فرماندهان حفاظت اطلاعات نیروهای یاد شده.
۷ ـ نمایندگان مستقیم مقام معظم رهبری با معرفی رییس دفتر ایشان، نمایندگان ویژه رییس‌جمهور یا معاون اول رییس‌جمهور به معرفی دفتر ایشان، نمایندگان ویژه هیأت وزیران

---

۱ ـ اصلاحی مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۶۲ (روزنامه رسمی شماره ۱۱۱۸۸ مورخ ۱۳۶۲/۵/۴).
۲ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۵۵۱۶ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۷.

جهت مأموریتهای خاص به معرفی دفتر هیأت دولت و رؤسای دفاتر رؤسای قوای سه‌گانه و مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۸ ـ رؤسای بنیاد مستضعفان و جانبازان، سازمان تبلیغات اسلامی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران و استانداران کشور و شهردار تهران.

۹ ـ رؤسای جمهور سابق، نخست‌وزیران سابق، معاونان اول سابق رییس جمهور رؤسای سابق مجلس شورای اسلامی، رؤسای سابق قوه قضاییه، اعضای سابق شورای عالی قضایی با معرفی بالاترین مقام دستگاه مربوطه.

۱۰ ـ مشاوران مقام معظم رهبری و معاونان دفتر معظم‌له با معرفی رییس دفتر ایشان، معاونان و مشاوران رییس جمهوری، معاونان معاون ـ اول رییس جمهور، دبیر شورای عالی امنیت ملی و رؤسا و دبیران کمیته‌های شورای مزبور، معاونان وزراء، رؤسای دفاتر تخصصی تحت سرپرستی بلافصل رییس جمهور.

۱۱ ـ شخصیتهای عالی دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و سایر مقامات مندرج در جزء ۵ و اعضای شورای عالی قضایی، وزراء و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و معاونان ریاست جمهوری و رییس قوه قضاییه که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عهده‌دار مناصب فوق بوده‌اند و رؤسای سابق نمایندگیهای سیاسی و کنسولی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با معرفی بالاترین مقام دستگاه مربوطه.

۱۳ ـ سفرا، مدیران کل و معاونان آنان و رؤسای ادارات وزارت امور خارجه، مأموران ثابت سیاسی و کنسولی.

۱۴ ـ مأموران رمز و مخابرات و کسانی که به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران مقامی را در مؤسسات و نهادهای بین‌المللی عهده‌دار می‌شوند، پیکهای سیاسی و کسانی که به مأموریت موقت سیاسی و کنسولی اعزام می‌شوند با موافقت وزیر امور خارجه.

۱۵ ـ رییس، معاونان و مدیران کل منطقه‌ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، رایزنان و وابستگان فرهنگی که در پوشش کادر وزارت امور خارجه به خارج از کشور اعزام می‌شوند.

۱۶ ـ مدیران کل مدارس خارج از کشور و دفتر همکاریهای علمی و بین‌المللی و سرپرستیهای مدارس خارج از کشور به پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش.

۱۷ ـ در غیر از موارد یاد شده در بالا برای انجام مأموریتهای خاص سیاسی حسب ضرورت، با تشخیص وزیر امور خارجه.

تبصره ۱ ـ همسران مشمولین بندهای ۱ و ۲ و ۳ این ماده می‌توانند از گذرنامه سیاسی جداگانه استفاده نمایند.

تبصره ۲ ـ نام همسران افراد موصوف در بندهای ۴ تا ۱۴ این ماده در صورتی که همراه دارنده

گذرنامه در گذرنامه سیاسی ثبت و از همان گذرنامه استفاده خواهند نمود و تفکیک گذرنامه و صدور گذرنامه سیاسی جهت آنان با موافقت وزیر امور خارجه امکان‌پذیر خواهد بود.

تبصره ۳ـ(اصلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۰) نام فرزندان ذکور کمتر از (۱۸) سال مشمولین این ماده و فرزندان اناث آنان تا هنگام ازدواج در صورتی که همراه دارنده گذرنامه باشند، به تقاضای دارنده گذرنامه سیاسی ثبت و از همان گذرنامه استفاده خواهند نمود و در صورت نیاز به تفکیک پس از استعلام از وزارت امور خارجه و در صورت موافقت طبق مقررات این قانون برای آنها گذرنامه خدمت یا عادی صادر خواهد شد.

تبصره ۴ـ(الحاقی ۱۳۷۷/۲/۲۰) همطرازان مقامات مندرج در این ماده (بر طبق قانون نظام هماهنگ پرداخت) اعم از شاغلان و سابق با معرفی بالاترین مقام دستگاه مربوطه از گذرنامه سیاسی استفاده خواهند نمود.

ماده ۱۱ـ برای اشخاص زیر گذرنامه خدمت صادر می‌گردد:

۱ـ اشخاصی که به عنوان همراه با رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری به خارج از کشور مسافرت می‌نمایند.

۲ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۰) اشخاصی که به عنوان همراه در ارتباط با مأموریت با ریاست جمهور یا معاون اول رییس جمهور به خارج از کشور مسافرت می‌نمایند با معرفی مقام مربوط.

۳ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۰) اشخاصی که به موجب تصویبنامه هیأت وزیران برای انجام مأموریت به خارج از کشور اعزام می‌شوند با معرفی دفتر هیأت دولت.

۴ـ کارمندان وزارتخانه‌ها و سازمانها و ارگانهای وابسته به دولت و ارگانهای نظامی که به خارج از کشور اعزام می‌گردند با معرفی وزیر مربوطه و ذکر علت مأموریت.

۵ـ مأموران اداری و فنی وزارت امور خارجه و همسران آنها با موافقت وزیر امور خارجه.

تبصره ۱ـ نام همسر و فرزندان کمتر از ۱۸ سال مشمولین این ماده در صورتی که همراه دارنده گذرنامه باشند به تقاضای دارنده گذرنامه خدمت در همان گذرنامه ثبت می‌شود.

تبصره ۲ـ نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج نمی‌توانند برای همسر و فرزندان همراه، گذرنامه خدمت جداگانه صادر نمایند ولی در صورت نیاز به تفکیک پس از استعلام از وزارت امور خارجه و در صورت موافقت طبق مقررات این قانون برای آنها گذرنامه عادی صادر خواهد شد.

ماده ۱۲ـ صدور گذرنامه سیاسی و خدمت به عهده وزارت امور خارجه است.

ماده ۱۳ـ مدت اعتبار گذرنامه سیاسی و خدمت یک سال است مگر در مورد مأموران ثابت دولت در نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور که اعتبار گذرنامه تا خاتمه مدت مأموریت آنان خواهد بود.

تبصره ۱ـ تمدید مدت گذرنامه‌های سیاسی و خدمت طبق مقررات این قانون با موافقت

وزارت امور خارجه در مرکز توسط اداره گذرنامه و روادید و در خارج از کشور توسط نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد شد.

تبصره ۲ ـ کلیه دارندگان گذرنامه‌های سیاسی و خدمت در موقع ورود به کشور باید گذرنامه خود را به وزارت امور خارجه تحویل دهند.

فصل چهارم: گذرنامه عادی

ماده ۱۴ ـ صدور گذرنامه عادی در ایران به عهده شهربانی کشور و در خارج از ایران مأمورین کنسولی کشور یا مأموران سیاسی عهده‌دار امور کنسولی خواهد بود. مقررات مربوط به ترتیب صدور و تمدید و تجدید و اصلاح گذرنامه به موجب آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد.

ماده ۱۵ ـ محصلینی که برای تحصیل عازم خارج از کشور می‌باشند با رعایت قانون وظیفه عمومی در مورد تحصیلات غیر دانشگاهی از طرف وزارت آموزش و پرورش و در مورد تحصیلات دانشگاهی از طرف وزارت علوم و آموزش عالی به شهربانی کشور معرفی می‌شوند. شغل آنها در گذرنامه محصل ذکر می‌گردد و از پرداخت کلیه وجوه مربوط به صدور گذرنامه معاف می‌باشند. این معافیت شامل محصلینی که گذرنامه تحصیلی آنان تدریجاً به گذرنامه عادی تبدیل خواهد شد نیز می‌باشد محصلینی که گذرنامه تحصیلی آنان به گذرنامه عادی تبدیل می‌شود از مقررات معافیت تحصیلی احضار به خدمت زیر پرچم استفاده خواهند کرد.

ماده ۱۶[1] ـ به اشخاص زیر هیچ نوع گذرنامه برای خروج از کشور داده نمی‌شود:

۱ ـ کسانی که به موجب اعلام کتبی مقامات قضایی حق خروج از کشور را ندارند.

۲ ـ کسانی که در خارج از ایران به سبب تکدی و یا ولگردی و یا ارتکاب سرقت و کلاهبرداری و یا به هر عنوان دیگر دارای سوء شهرت باشند.

۳ ـ کسانی که مسافرت آنها به خارج از کشور به تشخیص مقامات قضایی مخالف مصالح جمهوری اسلامی ایران باشد.

تبصره ۱ ـ رسیدگی و تشخیص افراد مذکور در بند ۲ این ماده به عهده کمیسیونی مرکب از نمایندگان:

۱ ـ کسانی که به موجب اعلام کتبی مقامات قضایی حق خروج از کشور را ندارند.

۲ ـ کسانی که در خارج از ایران به سبب تکدی و یا ولگردی و یا ارتکاب سرقت و کلاهبرداری و یا به هر عنوان دیگر دارای سوء شهرت باشند.

۳ ـ کسانی که مسافرت آنها به خارج از کشور به تشخیص مقامات قضایی مخالف مصالح جمهوری اسلامی ایران باشد.

---

۱ ـ اصلاحی مصوب ۳ آبان ۱۳۶۲ (روزنامه رسمی شماره ۱۱۲۹۰ مورخ ۱۳۶۲/۹/۸).

تبصره ۱ ـ رسیدگی و تشخیص افراد مذکور در بند ۲ این ماده به عهده کمیسیونی مرکب از نمایندگان:

۱ ـ وزارت امور خارجه.

۲ ـ وزارت دادگستری.

۳ ـ وزارت کشور.

۴ ـ شهربانی جمهوری اسلامی.

۵ ـ وزارت اطلاعات که به دعوت وزارت کشور تشکیل خواهد شد، می‌باشد.

تبصره ۲ ـ از تاریخ تصویب این ماده واحده، ماده ۱۶ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ و تبصره و بندهای آن و همچنین لایحهٔ قانونی اصلاح ماده ۱۶ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۴ شورای انقلاب نسخ می‌شود.

ماده ۱۷ ـ دولت می‌تواند از صدور گذرنامه و خروج بدهکاران قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری و ثبت اسناد متخلفین از انجام تعهدات ارزی طبق ضوابط و مقرراتی که در آیین‌نامه تعیین می‌شود جلوگیری نماید.

ماده ۱۸ [۱] ـ برای اشخاص زیر با رعایت شرایط مندرج در این ماده گذرنامه صادر می‌شود:

۱ ـ صدور گذرنامه و تمدید و صدور اجازه خروج انفرادی اشخاص کمتر از هجده سال تمام و کسانی که تحت ولایت یا قیمومیت می‌باشند با اجازه کتبی ولی یا قیم آنان فقط در موارد ذیل امکان‌پذیر خواهد بود.

الف ـ بیماران با معرفی شورای عالی پزشکی.

ب ـ افرادی که یکی از والدین یا قیم قانونی آنها مقیم خارج از کشور باشد.

ج ـ همسر و فرزندان کارکنان دولت جمهوری اسلامی ایران که مدت مأموریت آنان بیش از شش ماه باشد با تأیید بالاترین مقام وزارتخانه، نهاد یا سازمان دولتی.

د ـ گروههای کارآموزی و یا گردش علمی و یا شرکت در سمینارها و مسابقات علمی و فرهنگی و تیمهای ورزشی با معرفی بالاترین مقام ارگان و نهاد مربوطه.

هـ ـ جانبازان و مجروحین انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با معرفی بالاترین مقام نهاد مربوطه در مرکز یا امضای مجاز معرفی شده توسط مقام مذکور برای معالجه.

و ـ همسر و فرزندان کسانی که برای فرصتهای مطالعاتی بیش از شش ماه اعزام شده یا می‌شوند و نیز همسر و فرزندان دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور با تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

ز ـ کسانی که با پروانه گذر زیارتی عازم مسافرت خارج از کشور می‌باشند.

---

۱ ـ بند ۱ اصلاحی ۱۳۷۰/۵/۲۳ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۵۱ مورخ ۱۳۷۰/۶/۲۸.

تبصره ۱ ـ افراد مزبور به جز موارد فوق‌الذکر در مواقع اضطراری با تشخیص کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌های کشور، اطلاعات، امور خارجه و شهربانی و نماینده دادستانی کل کشور که به دعوت وزارت کشور و در محل این وزارتخانه تشکیل می‌گردد، مجاز به خروج انفرادی خواهند بود. متقاضیان این تبصره مکلفند مدارک مربوط را به اداره گذرنامه تحویل و از آن طریق به کمیسیون مزبور ارسال گردد.

تبصره ۲ ـ صدور گذرنامه و اجازه خروج از کشور برای افراد کمتر از هجده سال که والدین آنها فوت شده یا به حکم دادگاه محجور تشخیص داده شود و به اتفاق قیم یا سرپرست قانونی خود قصد ازدواج از کشور را دارند، بلامانع می‌باشد.

تبصره ۳ ـ صدور، تمدید، تفکیک و تجدید گذرنامه برای افراد کمتر از هجده سال به وسیله نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به جز در موارد استثناء در بندهای این قانون ممنوع می‌باشد.

تبصره ۴ ـ افرادی که ولی آنها فوت شده و طبق حکم دادگاه به حد رشد رسیده و یا به ولی یا قیم دسترسی ندارند و دارای شرایط فوق‌الذکر باشند می‌توانند با ارایه موافقت دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه، گذرنامه و اجازه خروج دریافت دارند.

۲ ـ مشمولین وظیفه عمومی با اجازه کتبی اداره وظیفه عمومی.

۳ ـ زنان شوهردار ولو کمتر از ۱۸ سال تمام با موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اعم از قبول درخواست یا رد آن حداکثر ظرف سه روز اعلام دارد کافی است. زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده‌اند از شرط این بند مستثنی می‌باشند.

ماده ۱۹ ـ در صورتی که موانع صدور گذرنامه بعد از صدور آن حادث شود یا کسانی که به موجب ماده ۱۸ صدور گذرنامه موکول به اجازه آنان است از اجازه خود عدول کنند از خروج دارنده گذرنامه جلوگیری و گذرنامه تا رفع مانع ضبط خواهد شد.

ماده ۲۰ ـ به ایرانیانی که به کشور مراجعت می‌کنند و فاقد گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه باشند و یا اینکه مدت اعتبار آن اسناد منقضی شده باشد به شرط آنکه تابعیت ایرانی آنها مسلم باشد برگ بازگشت که فقط برای بازگشت به ایران معتبر است داده می‌شود.

تبصره ـ برگ بازگشت از طرف مقامات سیاسی و کنسولی در خارج از کشور به طور رایگان صادر می‌شود و در مرز از دارنده آن اخذ می‌گردد.

فصل پنجم: همراهان

ماده ۲۱ ـ نام اطفال کمتر از ۱۸ سال تمام که همراه هریک از والدین یا جد یا جده پدری یا مادری یا زن‌پدر و یا شوهر مادر و یا خواهر و برادر خود مسافرت می‌نمایند در صورت

درخواست ولی یا قیم آنها به حسب مورد در گذرنامه اشخاص مذکور ثبت خواهد گردید.

ماده ۲۲ ـ نام نوزادانی که از زنان ایرانی مقیم خارج هنگ توقف مادر در ایران متولد می‌شوند در گذرنامه مادر ثبت می‌شود و در این مورد نیازی به جلب موافقت پدر نیست و همچنین در مواردی که در خارج از ایران شوهر ایرانی در کشور محل تولد نوزاد حاضر نباشد.

تبصره ـ اطفال موضوع بند ۴ ماده ۹۷۶ و موضوع ماده ۹۷۸ قانون مدنی مادام که تحت ولایت یا حضانت پدر یا مادر خود هستند می‌توانند به معیت والدین خود با گذرنامه خارجی آنان به خارج از کشور مسافرت نمایند.

ماده ۲۳ ـ برای یک خانواده که باهم مسافرت می‌کنند در صورت تقاضا یک گذرنامه صادر می‌شود و نام زن و اولاد کمتر از ۱۸ سال در آن ثبت خواهد شد هیچ یک از همراهان مستقلاً حق استفاده از گذرنامه را ندارند و در صورتی که بخواهد از دارنده گذرنامه جدا شود باید گذرنامه جداگانه تحصیل نماید.

فصل ششم: اعتبار گذرنامه عادی

ماده ۲۴ ـ گذرنامه برای مسافرت به کلیه کشورها اعتبار دارد مگر به کشورهایی که دولت در موارد مقتضی مسافرت اتباع ایران را به آن کشورها ممنوع و یا محدود نموده باشد. در صورتی که بعد از صدور گذرنامه محدودیتی مقرر شود وجوه پرداختی کسانی که از مسافرت محروم شوند به آنها مسترد می‌گردد. نحوه اجرای مفاد این ماده ضمن آیین‌نامه اجرایی این قانون معین خواهد شد.

ماده ۲۵ ـ (اصلاحی ۱۳۷۳/۷/۳) مدت اعتبار گذرنامه جدید از تاریخ صدور پنج سال است و فقط برای مدت پنج سال دیگر قابل تمدید می‌باشد.

تبصره ـ (اصلاحی ۱۳۷۳/۷/۳) گذرنامه‌هایی که تا تاریخ تصویب این قانون سه سال آنها خاتمه نیافته تا پایان مدت مذکور، معتبر خواهند بود.

ماده ۲۶ ـ (حذف شده مورخ ۱۳۷۳/۷/۳)

ماده ۲۷ ـ در صورتی که گذرنامه غیر قابل استفاده و یا مفقود شود پس از رسیدگی لازم که نحوه آن در آیین‌نامه تعیین خواهد شد گذرنامه دیگری با اخذ هزینه‌های صدور صادر می‌شود.

هرگاه قابل استفاده نبودن یا مفقود شدن گذرنامه ناشی از عمل متصدیان مسؤول باشد برای بقیه مدت اعتبار گذرنامه جدید بدون دریافت هزینه‌های صدور صادر خواهد شد.

فصل هفتم: گذرنامه جمعی

ماده ۲۸ ـ گذرنامه جمعی اعم از خدمت یا عادی فقط در ایران و برای گروههای زیر صادر می‌شود:

این نوع گذرنامه‌ها به نام رییس گروه صادر و نام و مشخصات همراهان در برگ ضمیمه آن درج خواهد گردید.

۱ ـ افسران ـ درجه‌داران ـ افراد و به طور کلی کارکنان مشمول قانون استخدام نیروهای مسلح که به طور جمعی و به منظور انجام مأموریت عازم خارج از کشور باشند.
۲ ـ گروههای ورزشی که به منظور انجام مسابقات عازم خارج هستند به معرفی سازمان تربیت بدنی ایران.
۳ ـ دانشجویان و دانش‌آموزان و معلمان و استادان که برای مطالعات آموزشی و فرهنگی به معرفی وزارتخانه‌های مربوط به خارج می‌روند.
۴ ـ گروههای هنری که توسط وزارت فرهنگ و هنر یا وزارت اطلاعات معرفی می‌شوند.
۵ ـ گروههای معرفی شده از طرف سازمانهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا جمعیت هلال احمر ایران.
۶ ـ گروههای کارگری برای کارآموزی یا کسب مهارت فنی با تأیید و معرفی وزارت کار و امور اجتماعی.

تبصره ۱ ـ هریک از اعضای گروههای فوق که هنگام مسافرت از گروه خود جدا شود باید گذرنامه جداگانه تحصیل نماید.

تبصره ۲ ـ حداقل تعداد افرادی که می‌توانند از گذرنامه جمعی استفاده نمایند پنج نفر و حداکثر چهل نفر خواهد بود.

تبصره ۳ ـ صدور گذرنامه جمعی در صورتی که به منظور انجام مأموریتی به خرج سازمانهای دولتی یا جمعیت هلال احمر ایران باشد مجانی است و در غیر این صورت علاوه بر هزینه صدور یک گذرنامه از هر نفر ده درصد هزینه صدور اخذ خواهد شد.

تبصره ۴ ـ اعتبار گذرنامه جمعی یک سال است و در صورت موافقت سازمان مربوط حداکثر یک سال دیگر تمدید می‌شود.

فصل هشتم: پروانه گذر

ماده ۲۹ ـ در موارد زیر به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیأت وزیران به جای گذرنامه پروانه گذر صادر می‌شود:
۱ ـ برای تشرف به مکه معظمه و عتبات مقدسه.
۲ ـ برای کارکنان وسایط نقلیه آبی و هوایی و زمینی.
۳ ـ برای رفت و آمد اتباع دولت ایران که در نقاط مرزی کشور و نقاط واقع در سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان (دریای مکران) سکونت دارند به مناطق مرزی مجاور و نواحی جنوبی خلیج فارس.

تبصره ۱ ـ مشخصات و ترتیب صدور و مدت اعتبار و مرجع صدور پروانه‌های گذر مذکور در این ماده و هزینه صدور آنها به موجب آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد.

تبصره ۲ ـ حدود مناطق مرزی و سواحل و همچنین نقاط مرزی مجاور و نواحی جنوبی

خلیج فارس به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیأت وزیران تعیین خواهد شد.

ماده ۳۰ ـ شهربانی کشور برحسب اعلام وزارت امور خارجه به کسانی که ترک تابعیت ایران را نموده‌اند پروانه گذر خواهد داد و این پروانه فقط برای خروج از ایران معتبر است.

فصل نهم: برگ‌گذر بیگانگان

ماده ۳۱ ـ شهربانی کشور می‌تواند با موافقت سازمان اطلاعات و تأیید وزارت امور خارجه برای بیگانگان بدون تابعیت یا خارجیانی که به جهاتی قادر به تحصیل گذرنامه از کشور متبوع خود نیستند برگ گذر بیگانگان صادر نماید این برگ دلیل تابعیت ایران دارنده یا همراهان محسوب نمی‌شود.

تبصره ۱ ـ مشخصات برگ گذر بیگانگان از لحاظ رنگ و شکل و قطع و غیره به موجب آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد.

تبصره ۲ ـ نام فرزندان کمتر از ۱۸ سال این قبیل افراد در برگ گذر والدین همچنین نام زن در برگ گذر شوهر به شرط آنکه واجد شرایط مذکور در این ماده باشند ثبت می‌شود و استفاده جداگانه از این برگ به وسیله همراهان ممنوع است.

ماده ۳۲ ـ مدت اعتبار برگ گذر بیگانگان برای مراجعت به ایران از تاریخ صدور یک سال است و دارنده آن برای هر بار خروج از کشور باید تحصیل اجازه نماید.

فصل دهم: آیین‌نامه‌های اجرایی

ماده ۳۳ ـ آیین‌نامه‌های مربوط به وجوهی که از متقاضیان گذرنامه و یا اسناد در حکم گذرنامه و یا برگ گذر بیگانگان طبق مقررات باید دریافت شود و سایر آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون از طرف وزارت امور خارجه ـ وزارت کشور با جلب نظر وزارت دادگستری و وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت دارایی تهیه و پس از تصویب کمیسیونهای کشور ـ دارایی ـ دادگستری و امور خارجه مجلس به موقع اجراء گذارده خواهد شد و تا تصویب آیین‌نامه‌های مزبور مقررات فعلی قابل اجراست.

تبصره ـ در صورتی که تغییراتی در آیین‌نامه‌های مصوب ضرورت پیدا کند به تصویب کمیسیونهای مربوط مجلس خواهد رسید.

فصل یازدهم: مجازاتها

ماده ۳۴ ـ (اصلاحی ۱۳۶۷/۸/۳) هر ایرانی که بدون گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه از کشور خارج شود، به حبس از ۱ تا ۲ سال یا پرداخت جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۳۵ ـ (اصلاحی ۱۳۶۷/۷/۱۴) هر ایرانی که از نقاط غیر مجاز وارد کشور شده یا از کشور خارج شود به ۲ ماه تا یک سال حبس و یا جریمه نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال محکوم می‌گردد.

ماده ۳۵ مکرر ـ (الحاقی ۱۳۶۷/۷/۱۴) هر ایرانی که بدون داشتن گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه بخواهد از مرز غیر مجاز خارج شود و به هنگام عبور دستگیر گردد، به یک ماه تا یک سال حبس یا پنجاه هزار ریال تا سیصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب دارای گذرنامه و یا اسناد در حکم گذرنامه باشد، به حبس از یک ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهد شد.

تبصره ـ کسانی که به تبع اغنام و احشام با سوء نیت مرتکب عبور غیر مجاز از مرز شده باشند، به مجازات فوق محکوم می‌گردند و صاحب اغنام و احشام که عبور از مرز با علم و اطلاع یا به دستور او بوده، برای مدت پنج سال از سکونت در نوار مرزی محروم می‌شود.

ماده ۳۶ ـ هر ایرانی به کشوری که مسافرت به آنجا طبق ماده ۲۴ این قانون ممنوع و یا محدود شده سفر نماید به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا سه ماه و یا پرداخت غرامت از یکهزار ریال تا ده هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود.

ماده ۳۷ ـ هرکس برای دریافت گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه به نام خود یا نام دیگری اسناد و مدارک خلاف واقع یا متعلق به غیر را عالماً و عامداً به مراجع مربوط تسلیم نماید به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا شش ماه محکوم می‌شود و در صورتی که عمل او منجر به صدور گذرنامه شود به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۳۸ ـ هرکس از گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه متعلق به دیگری برای ورود به کشور یا خروج از آن استفاده نماید به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

ماده ۳۹ ـ هر مستخدم دولت اعم از لشکری و کشوری بدون رعایت قوانین مربوط در اجرای وظیفه خود عالماً عامداً گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه بدهد به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

ماده ۴۰ ـ هر مستخدم و مأمور دولت اعم از کشوری و لشکری که برای عبور غیر مجاز اشخاص به خارج از کشور به نحوی از انحای مساعدت و یا تسهیل وسیله نماید به حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۴۱ ـ هرکس برای تحصیل گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه عالماً عامداً و به قصد تقلب هرگونه اطلاع مربوط به خود یا همراهان را که در صدور گذرنامه مؤثر است برخلاف واقع در پرسشنامه ذکر نماید به شرط استفاده از گذرنامه به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد.

ماده ۴۲ ـ از تاریخ اجرای این قانون ـ قانون گذرنامه مصوب سال ۱۳۱۱ و آیین‌نامه‌های مربوط به آن و مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون جزا همچنین قوانین مربوط به گذرنامه تحصیلی و سایر قوانینی که با مواد این قانون مغایرت دارد در آن قسمت که مغایر است لغو می‌گردد.

قانون راجع به الحاق ماده واحده به قانون گذرنامه[۱]

راجع به شرایط صدور گذرنامه برای رانندگان و کمک رانندگان خط ترانزیت موضوع ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین اعتبارات عمرانی که از معافیت پرداخت عوارض گذرنامه استفاده می‌نمایند.

مصوب ۱۶ دی ۱۳۶۰

ماده واحده ـ صدور گذرنامه برای رانندگان و کمک رانندگان ترانزیت موضوع ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین اعتبارات مصوب ۴۳/۹/۲۴[۲] که از معافیت پرداخت عوارض گذرنامه استفاده می‌نمایند از تاریخ تصویب این قانون علاوه بر مقررات مذکور در قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ رعایت موارد زیر الزامی خواهد بود:

۱ ـ ارایه معرفینامه کتبی از بنگاهها یا شرکتهای مسافربری یا باربری مجاز دایر بر اشتغال متقاضی در بنگاه یا شرکتهای مزبور به شغل رانندگی یا کمک‌رانندگی که به گواهی یکی از دفاتر اسناد رسمی رسیده باشد.

۲ ـ ارایه تعهدنامه مبنی بر عدم اشتغال به شغل دیگری غیر از رانندگی یا کمک‌رانندگی که به گواهی یکی از دفاتر رسمی رسیده باشد.

۳ ـ ارایه برگ عدم سوء پیشینه کیفری.

تبصره ۱ ـ صدور گذرنامه برای رانندگان یا کمک‌رانندگان موضوع این قانون که دارای پیشینه کیفری بوده ولی از تاریخ پایان محکومیت آنان به حبس جنایی ۴ سال و حبس جنحه‌ای ۲ سال گذشته باشد. به شرط معیل بودن و داشتن حسن شهرت به تأیید شهربانی و یا کلانتری یا ژاندارمری محل با رعایت موارد فوق مجاز می‌باشد.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۰۷۹۰ مورخهٔ ۱۳۶۰/۱۲/۱۸ صفحه ۱۶۲ مجموعه قوانین سال ۱۳۶۰.

۲ ـ آیین‌نامه اصلاحی مصوب ۳ اسفند ۱۳۵۴ جایگزین آیین‌نامه مصوب ۴۳/۹/۲۴ گردیده هرچند ماده ۴ همان آیین‌نامه دربارهٔ معافیت از پرداخت عوارض گذرنامه نبوده و تصور می‌شود هدف قانونگذار تبصرهٔ ذیل مادهٔ ۴ آن آیین‌نامه بوده که طبق مادهٔ ۵ آیین‌نامه اصلاحی مذکور به قوت خود باقی است که ذیلاً آورده می‌شود. (مؤلف)

تبصره ماده ۴ ـ خلبان و کارکنان هواپیما و کشتیها و رانندگان وسایط نقلیه کرایه‌ای و کامیونهای باربری و کمک‌رانندگان اتوبوسها و کامیونها (برای هر دستگاه یک نفر) به معرفی مؤسسات مربوط و با تشخیص شهربانی کل کشور که شغل آنان راننده یا کمک‌راننده باشد و همچنین مرزنشینان و ایرانیان مقیم جزایر خلیج فارس که با جواز رفت و آمد می‌نمایند مسافر شناخته نمی‌شوند و مشمول پرداخت وجوه مقرر نخواهند بود.

تبصره ۲ ـ در صورت ثبوت خلاف نسبت به بندهای ۱ و ۲ این ماده اداره گذرنامه مکلف است اعتبار گذرنامه صادر شده را ابطال نماید و مدیر شرکت به حبس از ۶ تا ۱۸ ماه و راننده و کمک‌راننده متخلف برای مدت ۵ الی ۱۰ سال از مسافرت به خارج به عنوان راننده و کمک‌راننده ترانزیت محروم می‌گردد.

قانون الحاق ماده واحده به قانون گذرنامه

مصوب ۱۱ دی‌ماه ۱۳۶۷

ماده واحده ـ برای صدور گذرنامه جهت رانندگان و کمک‌رانندگان ترانزیت علاوه بر مقررات قانون گذرنامه رعایت موارد زیر الزامی است:

۱ ـ ارایه معرفی‌نامه کتبی از بنگاهها، مؤسسات و شرکتهای مسافربری یا باربری که از طرف وزارت راه و ترابری فعالیت آنها مجاز شناخته شده است دایر بر اشتغال متقاضی در بنگاه یا مؤسسه و یا شرکتهای مزبور به شغل رانندگی یا کمک‌رانندگی که توسط دفتر اسناد رسمی گواهی امضاء شده باشد.

۲ ـ ارایه تعهدنامه مبنی بر عدم اشتغال به شغل دیگری غیر از رانندگی یا کمک‌رانندگی که توسط دفتر اسناد رسمی گواهی امضاء شده باشد.

۳ ـ ارایه برگ عدم محکومیت مؤثر کیفری.

۴ ـ ارایه برگ عدم اعتیاد به مواد مخدر از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

تبصره ۱ ـ صدور گذرنامه برای رانندگان یا کمک‌رانندگان موضوع این قانون که دارای محکومیت مؤثر کیفری هستند ولی از تاریخ پایان محکومیت ایشان ۲ سال گذشته باشد به شرط معیل بودن با رعایت دیگر موارد فوق مجاز می‌باشد.

تبصره ۲ ـ در صورت ثبوت تخلف نسبت به بند ۱ و ۲ این ماده، در دادگاه صالح راننده و کمک‌راننده متخلف با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر به مدت پنج الی ده سال از مسافرت به خارج به عنوان راننده و کمک‌راننده ترانزیت محروم می‌شود.

در صورتی که تخلف، مربوط به صدور معرفی‌نامه خلاف باشد صادرکننده، معرفینامه خلاف از طرف شرکت یا مؤسسه یا بنگاه موضوع بند ۱ این ماده، با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید به مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه یازده دی‌ماه یکهزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۲۰ به تأیید

شورای نگهبان رسیده است. رییس مجلس شورای اسلامی ـ اکبر هاشمی

تصویبنامه در خصوص ماده ۲۴ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱[1]

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ وزارت امور خارجه ـ وزارت بازرگانی ـ وزارت کشور

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۳ بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان حج و زیارت) و به استناد ماده (۲۴) قانون گذرنامه ـ مصوب ۱۳۵۱ ـ تصویب نمود:
تصویبنامه ممنوعیت مسافرت اتباع دولت جمهوری اسلامی ایران با گذرنامه عادی به کشور عربستان در مراسم حج (موضوع تصویبنامه شماره ۸۰۶۶۵ / ه ۲۰۹۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۳) به شرح زیر تغییر می‌یابد:
مسافرت اتباع دولت جمهوری اسلامی ایران با گذرنامه عادی به کشور عربستان در مراسم حج تمتع (از اول ذیقعده تا دهم ذیحجه) فقط برای گروههای زیر مجاز خواهد بود:
۱ ـ بستگان سببی و نسبی درجه اول کارکنان دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با معرفی وزارت امور خارجه.
۲ ـ هیأتهای فرهنگی، ورزشی که برای انجام مسابقات اعزام می‌گردند، با معرفی سازمان حج و زیارت و هیأتهای تجاری و نمایشگاهی که برای برگزاری یا شرکت در نمایشگاهها اعزام می‌گردند، با معرفی و تأیید وزارت بازرگانی.
۳ ـ ایرانیان مقیم خارج از کشور که در موسم حج تمایل دارند از طریق ایران به کشور عربستان عزیمت نمایند.
۴ ـ عوامل و نیروهای خدماتی کاروانها همچنین عوامل و نیروهای خدماتی کاروانهایی که اتباع غیر ایرانی را از طریق جمهوری اسلامی ایران به حج اعزام می‌کنند، با معرفی سازمان حج و زیارت برای انجام خدمات به زایران فوق الذکر اعزام می‌شوند.

معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

---

۱ ـ روزنامه رسمی کشور شماره ۱۶۳۱۵ تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۷.

آیین‌نامه اجرایی صدور روادید اتباع خارجی در مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران[1]

مصوب ۲۷ دی‌ماه ۱۳۷۲ شورای عالی مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی

شماره ۱۶۴۴۷/ت ۲۵۲ک ۱۳۷۳/۲/۱۰

ماده ۱ ـ در این آیین‌نامه واژه‌های زیر به جای عبارتهای مشروح مربوط به‌کار می‌رود:

کشور: کشور جمهوری اسلامی ایران.

مناطق: مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران.

سازمان: سازمان هر منطقه آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران.

ماده ۲ ـ اتباع خارجی برای ورود مستقیم به مناطق از طریق مبادی ورودی و خروجی مجاز مناطق، نیاز به تحصیل قبلی روادید نخواهند داشت.

تبصره ۱ ـ برای افراد مذکور در این ماده، نمایندگان نیروی انتظامی در مبادی ورودی مناطق، اجازه اقامت مربوط را بر روی اسناد مسافرتی معتبر آنان مهر می‌نمایند. اجازه اقامت مذکور به مدت دو هفته صادر می‌شود و طبق تقاضای سازمان تا سه ماه قابل تمدید است.

تبصره ۲ ـ برای اقامت طولانیتر از سه ماه مطابق مقررات مندرج در آیین‌نامه اجرایی اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران عمل خواهد شد.

تبصره ۳ ـ صدور اجازه اقامت برای مناطق، جهت کلیه ممنوع‌الورودین به کشور ممنوع است.

ماده ۳ ـ اتباع خارجی برای ورود به مناطقی که فاقد مبادی مستقیم ورودی مورد نظر (هوایی ـ دریایی ـ زمینی) می‌باشند باید از نمایندگیهای کشور در خارج، روادید اخذ نمایند. نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور براساس مقررات و بلیت رفت و برگشت متقاضی، بدون استعلام از مرکز، روادید با اعتبار یک هفته صادر می‌نمایند.

ماده ۴ ـ اتباع خارجی که پس از ورود به مناطق، قصد مسافرت به سایر نقاط کشور را داشته باشند باید طبق مقررات تقاضای خود را به وزارت امور خارجه یا نماینده آن در منطقه تسلیم نمایند.

تبصره ـ وزارت امور خارجه یا نماینده آن در منطقه حداکثر ظرف یک هفته تقاضای مربوط را بررسی و مطابق قوانین و مقررات ذی‌ربط روادید صادر خواهد نمود.

ماده ۵ ـ اتباع خارجی مقیم مجاز، برای مسافرت به مناطق نیاز به تحصیل روادید جداگانه

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۴۳۲۳ مورخ ۱۳۷۳/۲/۱۹

نخواهند داشت. این افراد می‌توانند با رعایت مقررات داخلی کشور و ارایه مدارک اقامت معتبر، به مناطق مسافرت نمایند.
این تصویبنامه در تاریخ ۱۳۷۳/۲/۱ به تأیید مقام محترم ریاست‌جمهوری رسیده است.

معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

از مواد آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی پیرامون وکالت در دعاوی

مصوب فروردین ۱۳۷۹[۱]

ماده ۳۱ ـ هریک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند.

ماده ۳۲ ـ وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکتهای دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیر دولتی، شهرداریها و بانکها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

۱ ـ دارابودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاههای مربوط.

۲ ـ دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.

تشخیص احراز شرایط یاد شده به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم‌مقام قانونی وی خواهد بود.

ارایه معرفی‌نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است.

ماده ۳۳ ـ وکلای متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاهها برای آنان مقرر گردیده است.

ماده ۳۴ ـ وکالت ممکن است به موجب سند رسمی یا غیر رسمی باشد. در صورت اخیر، در مورد وکالتنامه‌های تنظیمی در ایران، وکیل می‌تواند ذیل وکالتنامه تأیید کند که وکالتنامه را موکّل شخصاً در حضور او امضاء یا مهر کرده یا انگشت زده است. در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید به گواهی یکی از مأمورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران برسد. مرجع گواهی وکالتنامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مأمور سیاسی یا کنسولی

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۷۰ مورخ ۷۹/۲/۱۱

ایران به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت امور خارجه، ظرف مدت سه ماه، تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. اگر وکالت در جلسه دادرسی داده شود، مراتب در صورتجلسه قید و به امضای موکل می‌رسد و چنانچه موکل در زندان باشد، رییس زندان یا معاون وی باید امضاء یا اثر انگشت او را تصدیق نمایند.

تبصره - در صورتی که موکل امضاء، مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید، دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود.

آیین‌نامه تعیین مرجع گواهی وکالت در دعاوی در ممالکی که دولت ایران در آن نمایندگی سیاسی یا کنسولی ندارد[1]

مصوب ۱۹ خردادماه ۱۳۵۲ وزیر دادگستری

ماده ۱ - در اجرای ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر داشته است:

«مرجع گواهی وکالتنامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مأمور سیاسی یا کنسولی ایران در آیین‌نامه وزارت دادگستری معین خواهد شد.»

مرجع گواهی وکالتنامه‌های موضوع ماده مذکور، به شرح زیر تعیین و اعلام می‌شود:

۱ - در صورتی که دولت ایران یا دولت محل تنظیم وکالتنامه یا هر دو دولت حفاظت منافع اتباع خود را در قلمرو دولت دیگر به نمایندگی سیاسی یا کنسولی دولت یا دولتهای ثالثی واگذار نموده باشند، وکالتنامه باید به گواهی یکی از نمایندگیهای حافظ منافع مذکور برسد.

۲ - در صورتی که دولت محل تنظیم وکالتنامه در ایران نمایندگی سیاسی یا کنسولی داشته باشد، وکالتنامه باید به گواهی این نمایندگی برسد.

۳ - در صورتی که هریک از دولتین ایران و دولت محل تنظیم وکالتنامه یا هر دو دولت در قلمرو یکدیگر انجام امور کنسولی اتباع خود را به نمایندگی سیاسی یا کنسولی خود در قلمرو دولت ثالثی واگذار کرده باشند وکالتنامه باید به گواهی یکی از این دو نمایندگی برسد.

۴ - در صورتی که هیچ یک از دولتین ایران و دولت محل تنظیم وکالتنامه امور کنسولی اتباع خود را به نمایندگی خود در قلمرو دولت ثالثی واگذار نکرده باشند، وکالتنامه باید قبلاً از طرف وزارت امور خارجه دولت ثالثی که هر دو دولت در قلمرو آن نمایندگی سیاسی یا کنسولی دارند گواهی شود و سپس به تصدیق نمایندگی ایران در قلمرو آن دولت برسد.

ماده ۲ - در کلیه موارد مذکور مقررات مواد ۹۶۹ و ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶ قانون مدنی لازم‌الرعایه

---

۱ - منتشره در روزنامه رسمی شماره ۸۲۷۶ مورخ ۱۳۵۲/۳/۳۰ (جزوه شماره ۲۳۱ ضمیمه روزنامه رسمی).

خواهند بود.[۱]

قانون ثبت احوال[۲]

مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵

فصل اول: کلیات

ماده ۱ ـ وظایف سازمان ثبت احوال کشور به قرار ذیل است:

الف ـ ثبت ولادت و صدور شناسنامه.[۳]

ب ـ ثبت واقعه وفات و صدور گواهی وفات.

ج ـ تعویض شناسنامه‌های موجود در دست مردم.

د ـ ثبت ازدواج و طلاق و نقل تحولات.

هـ ـ صدور گواهی ولادت برای اتباع خارجه.

و ـ تنظیم دفاتر ثبت کل وقایع و نام خانوادگی.

ز ـ جمع‌آوری و تهیه آمار انسانی سراسر کشور و انتشار آن.

ح ـ وظایف مقرر دیگری که طبق قانون به عهده سازمان گذاشته شده است.

ماده ۲ ـ برای مطالعه و پیشنهاد روشهای فنی و اظهار نظر درباره اصلاح یا تغییر فرمها و نمونه‌های سجلی و آماری و نحوه جمع‌آوری و انتشار آنها و تهیه دستورالعملها و روشهای فنی سجلی و طرز جمع‌آوری اوراق باطله و تنظیم و نگهداری و حفاظت اسناد و مدارک سجلی در مرکز سازمان ثبت احوال کشور شورایی به نام شورای عالی ثبت احوال تشکیل می‌شود. اعضای شورای عالی ثبت احوال عبارت خواهند بود از رییس سازمان ثبت احوال کشور یا قایم‌مقام او و یک نفر از استادان دانشکده حقوق به انتخاب رییس دانشگاه تهران و یک نفر از قضات دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری و یک نفر از کارمندان مطلع ثبت احوال به انتخاب رییس سازمان

---

۱ ـ مواد مزبور عبارتست از:

ماده ۹۶۹ ـ اسناد از حیث طرز تنظیم، تابع قانون محل تنظیم خود، می‌باشند.

ماده ۱۲۹۵ ـ محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر اینکه:

اولاً ـ اسناد مزبور به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

ثانیاً ـ مفاد آنها مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.

ثالثاً ـ کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب

۲ ـ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۹۲۱۲ مورخ ۵۵/۵/۲۳

۳ ـ اصلاحی و الحاقی مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۱۶۳۳ مورخه ۶۳/۱۱/۱۰ که کلاً در متن تلفیق گردیده.

ثبت احوال و نماینده مرکز آمار ایران، ریاست شورا با معاون وزارت کشور و رییس سازمان ثبت احوال کشور یا قایم‌مقام او می‌باشد و رأی اکثریت لازم‌الاجراء خواهد بود.

تبصره ـ نحوه جمع‌آوری و انتشار آمار انسانی و تهیه نمونه‌های مربوط به پیشنهاد سازمان ثبت احوال کشور پس از جلب نظر مرکز آمار ایران و تصویب شورای عالی ثبت احوال تعیین خواهد شد.

ماده ۳ ـ در مقر هر اداره ثبت احوال هیأتی به نام هیأت حل اختلاف مرکب از رییس اداره ثبت احوال و مسؤول بایگانی یا معاونین و یا نمایندگان آنان و یکی از کارمندان مطلع اداره مزبور به انتخاب رییس اداره ثبت احوال استان تشکیل می‌شود، وظایف هیأت حل اختلاف به قرار زیر است:

۱ ـ تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات بعد از امضاء سند و قبل از تسلیم برگه یا شناسنامه یا وفات و تکمیل سند از نظر مشخصاتی که (نامعلوم) بوده است مندرج در ماده ۲۹ این قانون.

۲ ـ رفع اشتباهات ناشی از تحریر ضمن ثبت وقایع یا نقل مندرجات اسناد و اعلامیه‌ها و مدارک به دفاتر ثبت کل وقایع و سایر دفاتر.

۳ ـ ابطال اسناد و شناسنامه‌هایی که بیگانگان مورد استفاده قرار داده‌اند و طبق ماده ۴۴ اعلام می‌شود.

۴ ـ ابطال اسناد مکرر و یا موهوم و تصحیح اشتباه در ثبت جنس صاحب سند و تغییر نامهای ممنوع.

۵ ـ حذف کلمات زاید، غیر ضروری و یا ناشی از اشتباه در اسناد سجلی اشخاص.

ترتیب تقاضا و گردش کار دفاتر هیأتها و نحوه رسیدگی و ابلاغ تصمیمات در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد.

تبصره ـ تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات اگر قبل از امضاء باشد با توضیح مراتب در حاشیه سند به عمل می‌آید و امضاءکنندگان سند ذیل توضیح را امضاء خواهند نمود.

ماده ۴ ـ رسیدگی به شکایات اشخاص ذی نفع از تصمیمات هیأت حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان به عمل می‌آید و رأی دادگاه فقط پژوهش‌پذیر است.

مهلت شکایت از تصمیم هیأت حل اختلاف ده روز از تاریخ ابلاغ است.

تبصره ـ هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی نفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو در خارج از کشور باشد با دادگاه شهرستان تهران خواهد بود.

ماده ۵ ـ سازمان ثبت احوال کشور در اجرای وظایفی که بر عهده دارد می‌تواند از وجود کارکنان سازمانهای دولتی و ارگـانها و نـهادهای انـقلاب اسـلامی مـوجود در مـحل اسـتفاده نـمایند. (اصلاحی ۶۳/۱۱/۱۸)

تبصره ۱ ـ مأموران دولت و کارکنان بیمارستانها و گورستانها مکلفند با سازمان ثبت احوال کشور در اجرای وظایف قانونی همکاری نمایند.

تبصره ۲ ـ نحوه استفاده از خدمات افراد و سازمانها و ارگانها و نهادها به مـوجب آیـین‌نامه اجرایی این قانون خواهد بود.

ماده ۶ ـ نماینده یا مأمور ثبت احوال کسی است که از طرف سازمان ثبت احوال کشور و یا ادارات تابعه برای ثبت وقایع یا دریافت اعلامات منصوب شده باشد.

تبصره ۱ ـ اعلام‌کننده کسی است که مکلف به اعلام واقعه می‌باشد و می‌تواند به شخص دیگر رسماً وکالت دهد تا از طرف او واقعه را اعلام نماید.

تبصره ۲ ـ گواه از لحاظ این قانون کسی است که صحت اظهارات اعلام‌کننده راگواهی می‌کند.

ماده ۷ ـ سن گواه و اعلام‌کننده نباید کمتر از ۱۸ سال تمام باشد.

پدر و مادری که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ازدواج کرده‌اند می‌توانند ولادت یا وفات فرزند خود را اعلام نمایند.

ماده ۸ ـ دفتر کل ثبت وقایع و وفات و شناسنامه و گواهی ولادت و اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها و دفاتر ثبت کل وقایع و نام خانوادگی از اسناد رسمی است و تا زمانی که به موجب تصمیم هیأت حل اختلاف یا رأی دادگاه بر حسب مورد تصحیح یا باطل نشده به قوت خود باقی می‌باشد.

ماده ۹ ـ رونوشت یا فتوکپی شناسنامه یا گواهی ولادت مراجعین به ادارات و مؤسسات دولتی و شهرداری و بخش خصوصی که برای انجام مراجعات آنان ضرورت دارد مستقیماً توسط آن مراجع تهیه خواهد شد.

فصل دوم: اسناد و دفاتر ثبت احوال

ماده ۱۰ ـ وقایع حیاتی هر فرد (ولادت، ازدواج، طلاق، رجوع و بذل مدت، وفات) در دفاتری به شرح زیر به ثبت می‌رسد:

الف ـ دفتر ثبت کل وقایع ـ که در آن بدواً ولادت هر فرد ثبت و وقایع مربوط به ازدواج، طلاق، رجوع و بذل مدت و وفـات هـمسر، ولادت و وفـات اولاد و وفـات صـاحب سـند از روی مندرجات اعلامیه‌ها و مدارک در آن ثبت می‌گردد.

ب ـ دفتر ثبت وفات ـ که در آن واقعه مربوط به وفات هر فرد به ثبت می‌رسد.

تبصره ۱ ـ صفحات دفتر ثبت کل وقایع باید شماره‌گذاری شود و با تعیین تعداد کل صفحات نخ‌کشی و سرب و منگنه شده به امضای دادستان شهرستان یا نماینده او برسد.

تبصره ۲ ـ دفتر ثبت کل وقایع هر سال پس از انقضاء مدت صد و بیست سال از جریان خارج

و به بایگانی راکد منتقل می‌شود.
تبصره ۳ـ هرگاه اسناد یا دفاتر از بین برود در صورت وجود سابقه از روی سوابق و در صورت نبودن سابقه با دعوت صاحبان اسناد به وسیله آگهی طبق مدارک موجود در دست آنان پس از رسیدگی دفاتر یا اسناد معدوم تجدید می‌گردد.
ماده ۱۱ ـ دفتر ثبت کل وقایع یا وفات پس از ثبت باید به امضای اعلام‌کننده و گواهان و مأمور یا نماینده ثبت احوال برسد و مهر شود و در صورت وجود گواهی ماما یا پزشک نیازی به گواهان نخواهد بود. پس از تکمیل و امضای اسناد مزبور تصحیح یا تغییر یا مندرجات آن منحصراً به موجب مقررات این قانون خواهد بود.

فصل سوم: ثبت ولادت

ماده ۱۲ ـ ولادت هر طفل در ایران اعم از اینکه پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به نماینده یا مأمور ثبت احوال اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مأمور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد ـ به نزدیکترین مأموران کنسولی و یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام شود.
ماده ۱۳ ـ ولادت واقع در ایران به وسیله نماینده یا مأمور ثبت احوال و ولادت واقع در خارج از کشور به وسیله مأموران کنسولی ایران در دفتر ثبت کل وقایع به ثبت می‌رسد. در این دفتر اطلاعات زیر قید می‌شود.
۱ ـ ساعت، روز، ماه، سال و محل ولادت استان، شهرستان، بخش، دهستان (شهر/روستا) و تاریخ ثبت آن.
۲ ـ نام و نام خانوادگی صاحب سند و جنس.
۳ ـ نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه یا شماره پروانه اقامت و یا گذرنامه و محل صدور شناسنامه یا پروانه اقامت و یا گذرنامه و محل صدور شناسنامه یا پروانه اقامت و یا گذرنامه و محل اقامت پدر و مادر.
۴ ـ نام و نام خانوادگی و محل اقامت و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و نسبت اعلام‌کننده در صورتی که غیر از پدر و مادر صاحب سند باشد.
۵ ـ نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت گواهان.
۶ ـ نام و نام خانوادگی و امضای نماینده یا مأمور و مهر ثبت احوال.
۷ ـ شماره و سری برگ مخصوص دفتر ثبت کل وقایع.
۸ ـ محل مخصوص ثبت و شماره کلاسمان آثار انگشتان صاحب سند.
۹ ـ محل مخصوص ثبت خلاصه اطلاعات راجع به ازدواج، طلاق و یا وفات همسر.
۱۰ ـ محل مخصوص ثبت شماره مسلسل و سری شناسنامه‌های صادره.
۱۱ ـ محل مخصوص ثبت خلاصه اطلاعات راجع به اولاد.

۱۲ ـ محل مخصوص ثبت وفات.
۱۳ ـ محل توضیحات.

تبصره ـ پس از ثبت ولادت اگر طفل ایرانی باشد، شناسنامه صادر و تسلیم می‌گردد و اعلامیه برای ثبت واقعه در دفتر ثبت کل وقایع صفحه مخصوص پدر و مادر به اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه آنان فرستاده می‌شود در صورتی که طفل خارجی باشد گواهی ولادت صادر و تسلیم می‌گردد.

ماده ۱۴ ـ برای هر فرد شماره شناسنامه که مخصوص به او خواهد بود تعیین می‌گردد و شماره شناسنامه هر شخص در کلیه مدارک مربوط به ثبت احوال او باید قید گردد.

ماده ۱۵ ـ ثبت ولادت باید مستند به تصدیق پزشک یا مامای رسمی یا مؤسسه‌ای که طفل در آنجا متولد گردیده است باشد، در غیر این صورت واقعه به تصدیق دو نفر گواه ثبت می‌شود.

تبصره ـ مهلت اعلام ولادت پانزده روز از تاریخ ولادت طفل است روز ولادت و تعطیل رسمی بعد از آخرین روز مهلت به حساب نمی‌آید و در صورتی که ولادت در اثناء سفر زمینی یا هوایی یا دریایی رخ دهد مهلت اعلام آن از تاریخ رسیدن به مقصد محسوب می‌شود.

ماده ۱۶ ـ اعلام و امضای دفتر ثبت کل وقایع به ترتیب به عهده اشخاص زیر خواهد بود:

۱ ـ پدر یا جد پدری.
۲ ـ مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد.
۳ ـ بند ۳ طبق قانون ۶۳/۱۰/۱۸ ملغی گردیده.
۴ ـ وصی یا قیم یا امین.
۵ ـ اشخاصی که قانوناً عهده‌دار نگهداری طفل می‌باشند.
۶ ـ متصدی یا نماینده مؤسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است.
۷ ـ صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد.

تبصره ـ در صورتی که ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد اعلام ولادت و امضای اسناد متفقاً به عهده پدر و مادر خواهد بود و هرگاه اتفاق پدر و مادر در اعلام ولادت میسر نباشد سند طفل با اعلام یکی از ابوین که مراجعه می‌کند با قید نام کوچک طرف غایب تنظیم خواهد شد.

اگر مادر اعلام‌کننده باشد نام خانوادگی مادر به طفل داده می‌شود.

ماده ۱۷ ـ هرگاه ابوین طفل معلوم نباشند سند با نام خانوادگی آزاد و نامهای فرضی در محل اسامی ابوین تنظیم می‌گردد. تصحیح اسامی فرضی یا تکمیل مشخصات ناقص به موجب اقرارنامه موضوع ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی یا حکم دادگاه یا مدارک حصر وراثت به عمل خواهد آمد و نام خانوادگی طبق احکام مربوط به نام خانوادگی اصلاح خواهد شد.

موضوع فرضی بودن اسامی پدر و مادر در شناسنامه منعکس نخواهد شد.

ماده ۱۸ ـ نماینده یا مأمور ثبت احوال ولادت طفل فاقد ولی را ثبت و مراتب را برای اقدام قانونی به دادستان اطلاع خواهد داد.

تبصره ـ در صورتی که طفل در مکانی متولد شود که خروج از آن ممنوع یا محتاج به اجازه مخصوص باشد نظیر ندامتگاه، کانون اصلاح و تربیت و غیره، متصدیان این سازمانها مکلف به اطلاع واقعه و ایجاد تسهیلات لازم برای انجام وظایف صاحب واقعه می‌باشند.

ماده ۱۹ ـ ماما یا پزشکی که در حین ولادت حضور و در زایمان دخالت داشته مکلف به صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه آن به ثبت احوال محل در مهلت اعلام می‌باشد.

ماده ۲۰ ـ انتخاب نام با اعلام‌کننده است، برای نامگذاری یک نام ساده یا مرکب (حسین، محمدمهدی و مانند آن) که عرفاً یک نام محسوب می‌شود انتخاب خواهد شد.

تبصره ۱ ـ انتخاب نامهایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نامهای زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس ممنوع است.

تبصره ۲ ـ تشخیص نامهای ممنوع با شورای عالی ثبت احوال می‌باشد و این شورا نمونه‌های آن را تعیین و به سازمان اعلام می‌کند.

تبصره ۳ ـ انتخاب نام در مورد اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون ساسی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است.

تبصره ۴ ـ در اسناد سجلی اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی کشور نوع دین آنان قید می‌شود.

تبصره ۵ ـ ذکر سیادت در اسناد سجلی ساداتی که سیادت آنان در اسناد سجلی پدر و یا جد پدری مندرج باشد و یا سیادت آنان با دلایل شرعی ثابت گردد الزامی است مگر کسانی که خود را سید ندانند و یا عدم سیادت آنان شرعاً احراز شود.

تبصره ۶ ـ مراتب تشرف پیروان ادیان دیگر به دین مبین اسلام همراه با تغییرات مربوط به نام و نام خانوادگی آنان در اسناد سجلی ثبت می‌شود.

ماده ۲۱ ـ هرگاه از وضع حمل بیش از یک طفل متولد شود برای هریک سند ولادت جداگانه به ترتیب تولد و با ذکر ساعت ولادت تنظیم خواهد شد.

فصل چهارم: ثبت وفات

ماده ۲۲ ـ وفات هرکس اعم از ایرانی یا خارجی و همچنین ولادت طفلی که مرده به دنیا آمده یا بلافاصله پس از ولادت بمیرد باید به مأمور یا نماینده ثبت احوال اعلام شود.

وفات ایرانیان در خارج از کشور به مأموران کنسولی محل اقامت یا به نزدیکترین مأموران کنسولی ایران یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام می‌شود.

وفات ایرانیان و خارجیان ساکن کشور را مأموران و نمایندگان ثبت احوال و وفات ایرانیان خارج از کشور را بر حسب محل اعلام مأموران کنسولی ایران یا مأموران و یا نمایندگان ثبت احوال

ثبت می‌کنند، وفات باید در سند ثبت وفات و همچنین در دفتر ثبت کل وقایع در صفحات مربوط به درگذشته و پدر و مادر او و شناسنامه متوفی ثبت و امضاء و مهر گردد.
وفات خارجیان پس از ثبت به شهربانی محل اعلام می‌شود و یک نسخه گواهی به سازمان ثبت احوال کشور فرستاده خواهد شد که به وزارت امور خارجه ارسال گردد.
تبصره ـ گواهی وفات به هر شخصی که درخواست کند تسلیم می‌گردد.
ماده ۲۳ ـ در سند وفات باید اطلاعات زیر قید گردد:
۱ ـ محل، روز، ماه و سال وفات و تاریخ ثبت.
۲ ـ نام و نام خانوادگی و جنس و تاریخ تولد و شغل و شماره شناسنامه و برگ ولادت یا پروانه اقامت و تاریخ و محل صدور شناسنامه یا پروانه اقامت درگذشته.
۳ ـ علت وفات در صورتی که مشخص باشد.
۴ ـ نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه پدر و مادر درگذشته.
۵ ـ نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت و سمت اعلام‌کننده.
۶ ـ نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت و شغل گواهان.
۷ ـ نام و نام خانوادگی و امضای نماینده یا مأمور ثبت احوال و اثر مهر.
۸ ـ شماره و سری برگ مخصوص ثبت وفات.
۹ ـ محل توضیحات.
ماده ۲۴ ـ واقعه وفات باید طبق تصدیق پزشک و در صورت نبودن پزشک با حضور دو نفر گواه ثبت گردد.
در مورد طفلی که مرده به دنیا آمده یا بلافاصله پس از تولد بمیرد در صورت وجود پزشک در محل، تصدیق پزشک ضروری است و در صورت نبودن پزشک گواهی دو نفر کافی است.
پزشکی که وقوع مرگ به او اطلاع داده می‌شود در هر مورد مکلف به معاینه جسد و صدور تصدیق یا اظهار نظر می‌باشد و در صورت امکان تشخیص، علت مرگ باید تصدیق شود و به هر حال یک نسخه از تصدیق یا اظهار نظر خود را باید به ثبت احوال محل در مهلت مقرر ارسال نمایند.
ماده ۲۵ ـ مهلت اعلام وفات ده روز از تاریخ وقوع یا وقوف بر آن است.
روز وفات و تعطیل رسمی بعد از آخرین روز مهلت به حساب نمی‌آید و در صورتی که مرگ در اثنای سفر رخ دهد مهلت اعلام آن از تاریخ رسیدن به مقصد احتساب خواهد شد.
تبصره ـ ترتیب ثبت وقایع ولادت و وفاتی که پس از انقضای مهلت مقرر اعلام شود در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد.

ماده ۲۶ ـ اعلام وفات و امضای سند ثبت مرگ به ترتیب به عهده یکی از اشخاص زیر است:
۱ ـ نزدیکترین خویشاوند متوفی که در موقع وفات حاضر بوده است.
۲ ـ متصدی یا صاحبان مکانی که وفات در آن رخ داده است یا نماینده او.
۳ ـ هر شخصی که در موقع وفات حاضر بوده است.
۴ ـ مأموران انتظامی یا کدخدا.
تبصره ـ متصدیان گورستان یا دفن مکلف به اطلاع وفات به ثبت احوال هستند.
ماده ۲۷ ـ در صورتی که وفات یا ولادت طی نامه رسمی از طرف مأموران انتظامی یا قضایی و یا سایر مقامات اعلام شود شماره و تاریخ اعلامنامه در سند درج و به منزله امضای سند خواهد بود.
ماده ۲۸ ـ در موارد زیر اعلام وفات به عهده مقامات زیر است:
۱ ـ در صورتی که مرگ در اثر بروز سوانح از قبیل زلزله، سیل، طوفان و آتش‌سوزی واقع شود مقامات انتظامی یا گروههای امدادی حاضر در محل مکلفند واقعه مرگ را ضمن ارسال صورت حاوی نام و نام خانوادگی و حتی‌المقدور شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و سن متوفی اعلام نمایند.
۲ ـ مرگ نظامیانی که در زمان صلح در سربازخانه و یا ضمن مانورهای نظامی یا در زمان جنگ واقع می‌شود وسیله فرمانده قسمت با تعیین نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه اعلام می‌گردد.
ماده ۲۹ ـ در مواردی که مشخصات متوفی معلوم نشود یا به بعضی از اطلاعاتی که باید در سند قید شود دسترسی نباشد در سند ثبت وفات به جای مشخصات عبارت (نامعلوم) نوشته می‌شود تکمیل مشخصات نامعلوم با هیأت حل اختلاف خواهد بود.
ماده ۳۰ ـ مدرک ثبت وفات فرضی غایب مفقودالاثر حکم قطعی دادگاه است مدیران دفاتر دادگاههایی که حکم قطعی وفات فرضی غایب مفقودالاثر از آن دادگاه صادر شده مکلفند یک نسخه از رأی صادره را طی نامه رسمی به ثبت احوال محل ارسال دارند.

فصل پنجم: ازدواج و طلاق

ماده ۳۱ ـ دارندگان دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مکلفند وقایع ازدواج و طلاق و رجوع راکه در دفاتر مربوط ثبت می‌کنند در شناسنامه زوجین نیز درج و امضاء و مهر نمایند و حداکثر هر پانزده روز یک بار وقایع ازدواج و طلاق و رجوعی راکه در دفاتر به ثبت می‌رسد روی نمونه‌های مربوط تهیه و به ثبت احوال محل تحویل و رسید دریافت دارند.
ازدواج و طلاق و رجوع ایرانیان در خارج از کشور باید به وسیله کنسولگریهای مربوط در دفاتری که از طرف ثبت احوال تهیه می‌شود ثبت و حداکثر هر یک ماه یک بار وقایع ازدواج و طلاق و رجوعی راکه در دفاتر به ثبت می‌رسد روی نمونه‌های مخصوص تهیه و از طریق وزارت امور

خارجه به سازمان ثبت احوال کشور فرستاده شود.

ماده ۳۲ ـ طلاق، رجوع و بذل مدت که در دفتر رسمی طلاق به ثبت نرسیده باشد با ارایه اقرارنامه رسمی در اسناد ثبت احوال طرفین ثبت خواهد شد.

ازدواجهایی که در دفاتر رسمی ازدواج به ثبت نرسیده باشد در صورت وجود شرایط زیر در اسناد سجلی زن و شوهر ثبت خواهد شد:

۱ ـ ارایه اقرارنامه رسمی مبنی بر وجود رابطه زوجیت بین متقاضیان ثبت واقعه ازدواج.

۲ ـ در موقع تنظیم اقرارنامه سن زوج از بیست سال تمام و سن زوجه از هجده سال تمام نباشد.

۳ ـ گواهی ادارات ثبت احوال محل صدور شناسنامه‌های زوجین به اینکه در تاریخ اعلام واقعه طرفین در قید ازدواج دیگری نمی‌باشند.

تبصره ـ نمایندگان ثبت احوال مکلفند پس از ثبت واقعه رونوشت اقرارنامه را به دادسرای محل ارسال نمایند.

ماده ۳۳ ـ کلیه وقایع ازدواج و طلاق یا وفات زوج یا زوجه و رجوع و بذل مدت و فسخ نکاح باید در دفاتر ثبت کل وقایع ثبت شود ولی در شناسنامه به شرح زیر انعکاس خواهد یافت:

در المثنای شناسنامه مرد یا زن آخرین نکاح و طلاق یا بذل مدت و در صورت تعدد زوجات آن تعداد ازدواج که به قوت خود باقی است منعکس خواهد شد.

ازدواج و طلاق غیر مدخوله در المثنای شناسنامه درج نخواهد شد.

ماده ۳۴ ـ افشای اطلاعات مذکور در دفاتر ثبت کل وقایع و اسناد سجلی جز برای صاحب سند و مقامات قضایی و دولتی ذی صلاح ممنوع است.

فصل ششم: صدور شناسنامه

ماده ۳۵ ـ صدور شناسنامه و سایر خدمات سجلی در مقابل دریافت وجه انجام خواهد شد که نحوه اخذ وجوه و میزان و نوع این خدمات به موجب آیین‌نامه اجرایی این قانون خواهد بود.

ماده ۳۶ ـ شناسنامه از روی دفاتر ثبت کل وقایع صادر و دارای مشخصات و اطلاعات زیر می‌باشد:

۱ ـ آرم جمهوری اسلامی ایران.

۲ ـ محل مخصوص انگشت‌نگاری و شماره کلاسمان آن.

۳ ـ محل الصاق عکس.

۴ ـ شماره شناسنامه.

۵ ـ نام و نام خانوادگی و جنس دارنده آن.

۶ ـ تاریخ تولد به ترتیب روز و ماه و سال هجری شمسی و قمری.

تبصره ـ ذکر تاریخ هجری قمری از هنگام اجرای طرح تعویض شناسنامه برای نوزادان الزامی است.

۷ـ محل تولد به ترتیب شهرستان، بخش، دهستان (شهر/روستا)
۸ـ نام و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه ابوین.
۹ـ تاریخ تنظیم سند به ترتیب روز و ماه و سال هجری شمسی
۱۰ـ محل تنظیم سند به ترتیب حوزه، شهرستان، بخش، دهستان (شهر/روستا)
۱۱ـ نام و نام خانوادگی مأمور تنظیم‌کنندهٔ سند و امضای مأمور صدور و مهر اداره.
۱۲ـ شماره مسلسل و سری مخصوص شناسنامه.
۱۳ـ محل مخصوص ثبت ازدواج، طلاق، وفات همسر، ولادت فرزندان و وفات صاحب شناسنامه.
۱۴ـ محل توضیحات.
۱۵ـ محل مخصوص مهر انتخابات.

تبصره ۱ـ شناسنامه‌های نمونه جدید افرادی که به سن ۱۵ سال تمام می‌رسند باید ملصق به عکس همان سال و اثر انگشت و کلاسمان انگشت‌نگاری صاحب آن باشد.

تبصره ۲ـ شناسنامه اولیه باید در سی‌سالگی تمام با عکس همان سال صاحب آن تجدید شود.

صاحب شناسنامه پس از رسیدن به سن سی‌سال مکلف است ظرف یک سال برای تجدید آن مراجعه نماید.

تبصره ۳ـ صدور شناسنامه مجدد و یا گواهی ولادت اتباع خارجه مطابق مقررات آیین‌نامه اجرایی این قانون خواهد بود.

تبصره ۴ـ به استثنای سازمان ثبت احوال کشور، دفاتر اسناد رسمی ازدواج و طلاق، نمایندگیهای دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌الملل و اداره کل انتخابات هیچ یک از ارگانها و نهادها و مؤسسات دولتی و بخش خصوصی حق نقش مهر و درج هیچ‌گونه مطلب و یا آثار دیگری بر روی شناسنامه را ندارند متخلف از این امر تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

ماده ۳۷ـ سازمان ثبت احوال کشور مکلف است به مجرد وصول اعلام ترک تابعیت و یا اخراج از تابعیت اشخاص از طرف وزارت امور خارجه ترک تابعیت و یا اخراج تابعیت را در دفاتر و اسناد مربوط منعکس و شناسنامه را معدوم نماید.

فصل هفتم: صدور کارت شناسایی

ماده ۳۸ـ در نقاطی که دولت مقتضی بداند و اعلام کند کسانی که سن آنان از ۱۵ سال به بالاست باید دارای کارت شناسایی بوده و همیشه آن را همراه داشته باشند. کارت شناسایی حاوی مشخصات و اثر انگشت و عکس و نشانی محل سکونت و گروههای اصلی خون خواهد بود. ترتیب صدور و ترتیب درج مشخصات دارنده کارت شناسایی و چگونگی تحصیل اطلاعات

مربوط به سکونت و سایر اطلاعات از قبیل گروه خون و اشخاصی که برای صغار و مجانین کارت شناسایی اخذ نمایند در آیین‌نامه اجرایی تعیین خواهد شد.

ماده ۳۹ و تبصره‌های آن ـ طبق قانون مصوب ۵۸/۱۱/۱۳ لغو شده.

فصل هشتم: نام خانوادگی

ماده ۴۰ ـ تغییر نام خانوادگی با تصویب سازمان ثبت احوال کشور خواهد بود.

تبصره ـ موارد تغییر نام خانوادگی مطابق آیین‌نامه اجرایی این قانون می‌باشد.

ماده ۴۱ ـ حق تقدم نام خانوادگی با رعایت تاریخ تقدم صدور اسناد مختص اشخاصی است که به نام آنان در دفاتر مخصوص نام خانوادگی ادارات ثبت احوال به ثبت می‌رسد و دیگری حق اختیار آن را در آن اداره ندارد مگر با اجازه دارنده حق تقدم. این حق پس از وفات به ورثه قانونی انتقال می‌یابد.

هریک از وراث می‌تواند شخصی که نام خانوادگی او را اختیار کرده مورد اعتراض قرار داده و تغییر نام خانوادگی او را از دادگاه بخواهد ولی وراث بالاتفاق می‌توانند به دیگری اجازه دهند که نام خانوادگی آنها را اختیار نماید.

تبصره ـ نام خانوادگی فرزند همان نام خانوادگی پدر خواهد بود اگر چه شناسنامه فرزند در قلمرو اداره ثبت احوال دیگری صادر گردد. فرزندان کبیر می‌توانند برای خود نام خانوادگی دیگری انتخاب نمایند.

ماده ۴۲ ـ زوجه می‌تواند با موافقت همسر خود تا زمانی که در قید زوجیت می‌باشد از نام خانوادگی همسر خود بدون رعایت حق تقدم استفاده کند و در صورت طلاق ادامه استفاده از نام خانوادگی موکول به اجازه همسر خواهد بود.

فصل نهم: تعویض شناسنامه‌های موجود و نقل آن به دفاتر ثبت کل وقایع

ماده ۴۳ ـ سازمان ثبت احوال کشور مکلف است شناسنامه‌های موجود در دست مردم را به تدریج تعویض نماید و کلیه افراد نیز مکلفند در مهلتهای معین که سازمان ثبت احوال کشور طی آگهی و وسایل ارتباط جمعی و به ترتیب گروه سنی تعیین خواهد نمود به مأموران ثبت احوال محل اقامت خود برای اعلام هویت و وقایع حیاتی خود و ارایه مدارک و دریافت شناسنامه نمونه جدید مراجعه نمایند ضمناً مرگهای ثبت نشده زوج و زوجه و فرزندان باید اعلام شود.

تبصره ـ چنانچه در طول اجرای طرح، اشخاصی اعلام فقدان و یا درخواست تعویض شناسنامه نمایند که مشمول دوره تجدید آن گروه نباشد برای آنان طبق مقررات گواهی موقت صادر خواهد شد.

ماده ۴۴ ـ اشخاصی که در مهلتهای معین در آگهی منتشره مأموران ثبت احوال را از داشتن شناسنامه مکرر یا استفاده از شناسنامه غیر یا دریافت شناسنامه موهوم یا استفاده از شناسنامه ایرانی با داشتن تابعیت خارجی مطلع نمایند از تعقیب و مجازات معاف خواهند بود والا پس از

انقضای مهلتهای معینه جرایم مزبور مستمر شناخته شده و مشمول مجازات مصرح در مواد ۴۸ و ۴۹ این قانون خواهند بود.

هویت دارندگان شناسنامه مکرر به انتخاب صاحبان و یا نمایندگان قانونی آنان تثبیت و هویت اشخاصی که از شناسنامه غیر استفاده نموده‌اند و همچنین مدارک ازدواج و طلاق و شناسنامه فرزندان مطابق شناسنامه قانونی که صادر می‌شود خواهد بود.

تبصره ـ تعویض شناسنامه همسر و فرزندان، ضمن گروه سنی همسری که در مهلت مقرر مراجعه می‌کند به عمل خواهد آمد و همچنین در موقع ثبت ولادت طفل شناسنامه پدر و مادر و افراد خانوار تعویض خواهد شد اگرچه مهلت مراجعه معین و آگهی نشده باشد.

ماده ۴۵ ـ هرگاه «هویت و تابعیت» افراد مورد تردید واقع گردد و مدارک لازم جهت اثبات آن ارایه نشود مراتب برای اثبات «هویت» به مراجع انتظامی و برای اثبات «تابعیت» به شورای تأمین شهرستان ارجاع و در صورت تأیید طبق مقررات اقدام خواهد شد.

تبصره ـ در جلسات شورای تأمین شهرستان که به منظور فوق تشکیل می‌گردد رییس اداره ثبت احوال محل نیز با داشتن حق رأی شرکت خواهد داشت.

ماده ۴۶ ـ سازمان ثبت احوال کشور، پایان مهلت تعویض شناسنامه هر دوره را از طریق وسایل ارتباط جمعی آگهی خواهد کرد و پس از پایان مهلت اعلام شده شناسنامه و گواهیهای صادره قبلی از درجه اعتبار ساقط خواهد شد و منحصراً شناسنامه‌های جدید جمهوری اسلامی ایران سند رسمی هویت و تابعیت افراد خواهد بود.

تبصره ـ افرادی که در مهلتهای مقرر مراجعه نکنند پس از تشخیص تخلف مراتب به دادگاه اعلام و طبق مقررات با آنان رفتار خواهد شد.

فصل دهم: تهیه مقدمات اجرای قانون

ماده ۴۷ ـ وزارت کشور مکلف است در مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون مقدمات اجرای آن را از حیث تهیه وسایل کار و تجهیزات و تأمین کارکنان لازم و آموزش آنان فراهم نماید.

دولت اعتبار لازم برای اجرای این قانون را تأمین خواهد نمود.

فصل یازدهم: مقررات کیفری

ماده ۴۸ ـ اشخاصی که از وظایف مذکور در مواد ۱۶ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۶ و ۳۵ و تبصره ماده ۲۶ و تبصره یک ماده ۳۶ و مواد ۳۸ و ۴۳ خودداری کنند یا با در دست داشتن شناسنامه اقدام به اخذ المثنی نمایند مورد تعقیب قرار گرفته و علاوه بر الزام به انجام تکالیف مقرر به پرداخت دویست و یک تا پنج هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

ولی هرگاه مأموران و مسؤولینی که به موجب این قانون وظایفی بر عهده دارند در اجرای آن تأخیر یا تعلل نمایند در دادگاههای اداری یا انتظامی طبق ضوابط مربوط تحت تعقیب قرار

خواهند گرفت.

ماده ۴۹ ـ اشخاص زیر به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهند شد:

الف ـ اشخاصی که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت برخلاف واقع اظهاری نمایند.

ب ـ اشخاصی که عالماً عامداً پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام از شناسنامه مکرر استفاده و یا به دریافت شناسنامه مکرر برای خود یا مولی علیه یا به دریافت شناسنامه موهوم مبادرت کنند و یا از شناسنامه دیگری خواه صاحب آن زنده یا مرده باشد به نام هویت خود استفاده نمایند.

ج ـ ماما یا پزشکی که در مورد ولادت و وفات گواهی خلاف واقع صادر کند.

د ـ اشخاصی که در مورد ولادت و وفات شهادت دروغ بدهند که شهادت آنان منجر به تنظیم دفتر ثبت کل وقایع و یا وفات گردد.

ماده ۵۰ ـ افراد بیگانه که قبل از احراز تابعیت ایرانی به منظور ایرانی قلمداد کردن خود موجب تنظیم اسناد سجلی یا دریافت شناسنامه شوند به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۱ ـ هرکس عالماً عامداً پدر و یا مادر طفل را به غیر از پدر یا مادر واقعی در اسناد و دفاتر ثبت احوال اظهار و شناسنامه دریافت کند به حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

تبصره ـ در مواردی که پدر یا مادر طفل معلوم نباشد و همچنین موارد مذکور در قانون حمایت کودکان بدون سرپرست از مشمول این ماده مستثنی می‌باشد.

ماده ۵۲ ـ مأمورانی که عالماً عامداً در جرایم مذکور در مواد ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ این قانون به هر نحوی از انحاء کمک نمایند یا گواهیهای خلاف را ملاک اجرای وظایف قانونی خود قرار دهند به مجازات مرتکب اصلی محکوم خواهند شد.

ماده ۵۳ ـ آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون و نمونه‌های اوراق و اسناد مربوط وسیله وزارت کشور و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۵۴ ـ از تاریخ اجرای این قانون و پایان مهلتهای معین قوانین ثبت احوال مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۰۷ و ۱۱ آذر ۱۳۱۰ و اول بهمن ۱۳۱۲ و دوم اردیبهشت ۱۳۱۹ لغو و هر قانونی که در مقام اجرای معارض این قانون باشد بلااثر است.

ماده ۵۵ ـ وزارت کشور، وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون هستند.

آیین‌نامه سجل قضایی[1]

مصوب ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۱ هیأت وزیران

ماده ۱ ـ در مرکز هر شهرستان تحت نظر دادستان دفتر سجل قضایی تشکیل می‌شود در این دفتر باید مستخرجه امور مذکور در ماده (۴) راجع به کسانی که شناسنامه آنها در آن شهرستان صادر شده جمع‌آوری و حفظ گردد.

ماده ۲ ـ مستخرجه احکام و تصمیمات مربوط به اشخاص زیر در اداره فنی وزارت دادگستری نگاهداری می‌شود:

الف ـ اشخاصی که شناسنامه آنها در کشورهای دیگر صادر شده.

ب ـ اتباع ایران که شناسنامه آنها در کشورهای بیگانه صادر شده است.

ج ـ اشخاصی که صدور شناسنامه آنها معلوم نیست.

د ـ اتباع کشورهای بیگانه ساکن ایران.

هـ ـ اشخاصی که تابعیت معینی ندارند و در خارجه متولد شده‌اند هرچند بعداً تابعیت ایران تحصیل کرده باشند.

حکام مقامات قضایی کشورهای بیگانه راجع به محکومت اتباع ایران یا محکومیت کسانی که قبلاً تابعیت معینی ندارند و در خاک ایران مقیمند در صورتی در برگ سجل قضایی قید می‌شود که موضوع محکومیت به موجب قانون ایران نیز بزه شناخته شده باشد.

ماده ۳ ـ اداره فنی وزارت دادگستری نسبت به کلیه دفاتر سجل قضایی نظارت تام داشته و همیشه باید مراقب حسن جریان آنها باشد.

ماده ۴ ـ در سجل قضایی باید مستخرجه امور زیر به طور خلاصه قید شود:

الف ـ در امور کیفری

احکام قطعی قابل اجرای محکومیت به کیفرهای جنحه و جنایت و تاریخ شروع کیفر و ختم آن و احکامی که در نتیجه اعاده دادرسی احکام محکومیت را الغاء نموده است.

تصمیم راجع به اعاده حیثیت و عفو عمومی یا بخشودگی پادشاه و تخفیف و تبدیل کیفر.

ب ـ در امور مدنی

احکام قطعی راجع به اعلام حجر یا الغای آن.

ج ـ در امور بازرگانی

---

۱ ـ این آیین‌نامه به شماره ۲۵۳۶ ـ ۳۲۱/۲/۲۰ منتشره در مجله رسمی شماره ۳۹۸۳ سال ۲۱ (صفحات ۸۳ ـ ۷۷ مجموعه قوانین سال ۱۳۲۱) به وزارت دادگستری ابلاغ شده.

آیین‌نامه سجل قضایی[1]

مصوب ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۱ هیأت وزیران

ماده ۱ ـ در مرکز هر شهرستان تحت نظر دادستان دفتر سجل قضایی تشکیل می‌شود در این دفتر باید مستخرجه امور مذکور در ماده (۴) راجع به کسانی که شناسنامه آنها در آن شهرستان صادر شده جمع‌آوری و حفظ گردد.

ماده ۲ ـ مستخرجه احکام و تصمیمات مربوط به اشخاص زیر در اداره فنی وزارت دادگستری نگاهداری می‌شود:

الف ـ اشخاصی که شناسنامه آنها در کشورهای دیگر صادر شده.

ب ـ اتباع ایران که شناسنامه آنها در کشورهای بیگانه صادر شده است.

ج ـ اشخاصی که صدور شناسنامه آنها معلوم نیست.

د ـ اتباع کشورهای بیگانه ساکن ایران.

هـ ـ اشخاصی که تابعیت معینی ندارند و در خارجه متولد شده‌اند هرچند بعداً تابعیت ایران تحصیل کرده باشند.

حکام مقامات قضایی کشورهای بیگانه راجع به محکومت اتباع ایران یا محکومیت کسانی که قبلاً تابعیت معینی ندارند و در خاک ایران مقیمند در صورتی در برگ سجل قضایی قید می‌شود که موضوع محکومیت به موجب قانون ایران نیز بزه شناخته شده باشد.

ماده ۳ ـ اداره فنی وزارت دادگستری نسبت به کلیه دفاتر سجل قضایی نظارت تام داشته و همیشه باید مراقب حسن جریان آنها باشد.

ماده ۴ ـ در سجل قضایی باید مستخرجه امور زیر به طور خلاصه قید شود:

الف ـ در امور کیفری

احکام قطعی قابل اجرای محکومیت به کیفرهای جنحه و جنایت و تاریخ شروع کیفر و ختم آن و احکامی که در نتیجه اعاده دادرسی احکام محکومیت را الغاء نموده است.

تصمیم راجع به اعاده حیثیت و عفو عمومی یا بخشودگی پادشاه و تخفیف و تبدیل کیفر.

ب ـ در امور مدنی

احکام قطعی راجع به اعلام حجر یا الغای آن.

ج ـ در امور بازرگانی

---

۱ ـ این آیین‌نامه به شماره ۲۵۳۶ ـ ۳۲۱/۲/۲۰ منتشره در مجله رسمی شماره ۳۹۸۳ سال ۲۱ (صفحات ۸۳ ـ ۷۷ مجموعه قوانین سال ۱۳۲۱) به وزارت دادگستری ابلاغ شده.

احکامی که به موجب آن تاجر ورشکسته اعلام شده و احکام مربوط به قرارداد ارفاقی و احکامی که حکم ورشکستگی را گسیخته و یا به ورشکسته اعاده حیثیت می‌دهد.

د ـ در امور اداری

۱ ـ تصمیمات قطعی اداری راجع به اخراج بیگانه از کشور و الغای آن.

۲ ـ سلب تابعیت ایرانی از بیگانگانی که تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند.

۳ ـ محکومین قطعی به انفصال ابد از خدمات دولتی در دادگاه عالی انتظامی و دادگاههای اداری.

ماده ۵ ـ برگ سجل قضایی پس از انقضای نود سال از تاریخ ولادت شخصی که سجل قضایی به نام او صادر شده یا پس از اطلاع رسمی از مرگ او از بین برده می‌شود.

ماده ۶ ـ راجع به محکومیتهای به دو ماه حبس جنحه‌ای یا کمتر خواه متضمن کیفر نقدی باشد و یا نه و نیز محکومیتهای به کیفر نقدی که جزء جنحه‌های مذکور در ماده ۱۹ قانون کیفر عمومی نمی‌باشد برگ سجل کیفری تنظیم نمی‌شود.

تبصره ـ موقعی که غرامت نقدی به حبس تبدیل می‌شود غیر از مواردی که در ماده ۱۹ اصلاحی قانون کیفری عمومی پیش‌بینی شده برگ سجل قضایی تنظیم نمی‌شود هرچند مدت حبس بیش از دو ماه باشد.

ماده ۷ ـ برای اطفالی که طبق مواد ۳۵ و ۳۶ قانون کیفر عمومی محکوم می‌شوند برگ سجل کیفری تنظیم نخواهد شد.

ماده ۸ ـ در مورد محکومینی که مورد عفو عمومی واقع می‌شوند سجل کیفری تنظیم نخواهد شد و در مورد محکومینی که طبق ماده ۵۵ قانون کیفر عمومی مورد عفو مقام سلطنت واقع می‌گردند طبق مواد ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ کیفر عمومی رفتار خواهد شد. اصلاحی مصوب ۳۷/۱۱/۱

ماده ۹ ـ هرکس می‌تواند از برگ سجل قضایی مربوط به خود بدون ذکر دلیل رونوشت بخواهد.

ماده ۱۰ ـ برگ‌های سجل قضایی بر سه قسم است: برگ شماره (۱) و برگ شماره (۲) و برگ شماره (۳).

ماده ۱۱ ـ در برگ شماره (۱) باید مستخرجه احکام و تصمیمات مذکور در ماده ۴ در ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ قطعیت حکم و تصمیم قید شود.

این مستخرجه شامل نکات زیر خواهد بود:

الف ـ نام و نام خانوادگی محکوم و همچنین نام و نام خانوادگی پدر و مادر محکوم در صورتی که محکوم زن باشد نام خانوادگی زمان دوشیزگی و عکس محکوم در حدود امکان.

ب ـ شماره شناسنامه و تاریخ و محل صدور آن.

ج ـ تاریخ و محل تولد.

خ ـ محل اقامت دایمی یا موقتی.

د ـ تأهل و عده اولاد.

احکامی که به موجب آن تاجر ورشکسته اعلام شده و احکام مربوط به قرارداد ارفاقی و احکامی که حکم ورشکستگی را گسیخته و یا به ورشکسته اعاده حیثیت می‌دهد.

د ـ در امور اداری

۱ ـ تصمیمات قطعی اداری راجع به اخراج بیگانه از کشور و الغای آن.

۲ ـ سلب تابعیت ایرانی از بیگانگانی که تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند.

۳ ـ محکومین قطعی به انفصال ابد از خدمات دولتی در دادگاه عالی انتظامی و دادگاههای اداری.

ماده ۵ ـ برگ سجل قضایی پس از انقضای نود سال از تاریخ ولادت شخصی که سجل قضایی به نام او صادر شده یا پس از اطلاع رسمی از مرگ او از بین برده می‌شود.

ماده ۶ ـ راجع به محکومیتهای به دو ماه حبس جنحه‌ای یا کمتر خواه متضمن کیفر نقدی باشد و یا نه و نیز محکومیتهای به کیفر نقدی که جزء جنحه‌های مذکور در ماده ۱۹ قانون کیفر عمومی نمی‌باشد برگ سجل کیفری تنظیم نمی‌شود.

تبصره ـ موقعی که غرامت نقدی به حبس تبدیل می‌شود غیر از مواردی که در ماده ۱۹ اصلاحی قانون کیفری عمومی پیش‌بینی شده برگ سجل قضایی تنظیم نمی‌شود هرچند مدت حبس بیش از دو ماه باشد.

ماده ۷ ـ برای اطفالی که طبق مواد ۳۵ و ۳۶ قانون کیفر عمومی محکوم می‌شوند برگ سجل کیفری تنظیم نخواهد شد.

ماده ۸ ـ در مورد محکومینی که مورد عفو عمومی واقع می‌شوند سجل کیفری تنظیم نخواهد شد و در مورد محکومینی که طبق ماده ۵۵ قانون کیفر عمومی مورد عفو مقام سلطنت واقع می‌گردند طبق مواد ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ کیفر عمومی رفتار خواهد شد. اصلاحی مصوب ۳۷/۱۱/۱

ماده ۹ ـ هرکس می‌تواند از برگ سجل قضایی مربوط به خود بدون ذکر دلیل رونوشت بخواهد.

ماده ۱۰ ـ برگ‌های سجل قضایی بر سه قسم است: برگ شماره (۱) و برگ شماره (۲) و برگ شماره (۳).

ماده ۱۱ ـ در برگ شماره (۱) باید مستخرجه احکام و تصمیمات مذکور در ماده ۴ در ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ قطعیت حکم و تصمیم قید شود.

این مستخرجه شامل نکات زیر خواهد بود:

الف ـ نام و نام خانوادگی محکوم و همچنین نام و نام خانوادگی پدر و مادر محکوم در صورتی که محکوم زن باشد نام خانوادگی زمان دوشیزگی و عکس محکوم در حدود امکان.

ب ـ شماره شناسنامه و تاریخ و محل صدور آن.

ج ـ تاریخ و محل تولد.

خ ـ محل اقامت دایمی یا موقتی.

د ـ تأهل و عده اولاد.

ر ـ کار.
ز ـ تابعیت.
ص ـ علامات مشخصه محکوم.
ض ـ موضوع حکم یا تصمیم.
ط ـ تاریخ عملی که منجر به صدور حکم یا تصمیم شده با قید روز و ماه و سال.
ظ ـ شماره و تاریخ حکم یا تصمیم.
ع ـ دادگاه یا مقام صادرکننده حکم یا تصمیم.
غ ـ تصریح به قطعیت حکم یا تصمیم.
ف ـ مواد قانونی که مستند حکم یا تصمیم واقع شده است.
ق ـ مدت حبس و میزان جزای نقدی و محکومیت از کلیه یا بعضی از حقوق اجتماعی در صورت تعلیق کیفر این نکته باید قید گردد.
ک ـ ذکر احتساب یا عدم احتساب مدت بازداشت در حکم محکومیت.
ل ـ تاریخ شروع و ختم اجرای کیفر.

ماده ۱۲ ـ مدیر دفتر دادسرای استان در امور جنایی و مدیر دفتر دیوان عالی کشور در امور مربوط به محاکمه وزراء و مدیر دفتر دادسرای شهرستان در امور جنحه و مدنی و مدیر دفتر دادگاه صادرکننده حکم در امور بازرگانی و مقامات صلاحیت‌دار در امور اداری از برگ شماره (۱) سه نسخه تهیه نموده نزد دادستان شهرستان مربوط می‌فرستد دادستان نیز پس از دقت و بازرسی کامل آنها را امضاء نموده یک نسخه به اداره فنی و یک نسخه به دفتر دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه می‌فرستد و نسخه سوم در دفتر سجل قضایی دادسرا بایگانی می‌شود.

ماده ۱۳ ـ هر گاه معلوم شود که شناسنامه از محلی که معرفی شده، صادر نگردیده برگ سجل قضایی نزد دادستان شهرستان ارسال‌کننده اعاده می‌گردد تا نسبت به محل صدور شناسنامه محکوم تحقیق و بازجویی بیشتری به عمل آید و اگر تحقیقات به نتیجه نرسید برگ نامبرده باید به اداره فنی برای بایگانی فرستاده شود.

ماده ۱۴ ـ متصدی دفتر سجل قضایی محل صدور شناسنامه محکوم یا اداره فنی در مواردی که محل صدور شناسنامه معلوم نگردیده موظف هستند در صورتی که محکوم دارای پیشینه محکومیت تعلیقی است و مدت قانونی منقضی نگردیده خلاصه آن را برای اطلاع دادستان شهرستان محل صدور حکم بفرستند تا حکم تعلیقی نیز اجرا گردد.

ماده ۱۵ ـ برگهای سجل قضایی باید با رعایت نام محکوم به ترتیب الفبا تنظیم گردد.
برای اتباع کشورهای بیگانه برگ سجل قضایی جداگانه و به ترتیب الفبا تنظیم می‌شود.

ماده ۱۶ ـ کلیه برگهای سجل قضایی باید به ترتیب تاریخ در پرونده نگاهداری گردد.

ماده ۱۷ ـ نسبت به اتباع کشورهای بیگانه در صورت وجود قرارداد تعاون قضایی دایره سجل

قضایی اداره فنی باید رونوشتی از برگ شماره (۲) را تهیه نموده به وسایل مقتضی به کشور متبوع شخص محکوم ارسال دارد.

ماده ۱۸ ـ برگ شماره (۲) عبارت از برگی است که شامل کلیه مندرجات برگ شماره (۱) باشد.

ماده ۱۹ ـ برگ شماره (۲) به مقامات زیر در صورت تقاضای آنان داده می‌شود:

۱ ـ دادگاهها و دادسراها و ادارات تصفیه.

۲ ـ شهربانیها.

۳ ـ نیروهای زمینی و دریایی و هوایی موقع احضار طبقات یا استخدام افراد.

۴ ـ بنگاههای عام‌المنفعه.

۵ ـ مراجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات.

۶ ـ ادارات دولتی در موقع تقاضای استخدام اشخاص و تعقیب انتظامی کارمندان و قبول تقاضای مزایده و مناقصه و اجازه بازکردن مدارس غیر دولتی و اعطای نشان و مدال.

ماده ۲۰ ـ درخواست برگ شماره (۲) باید حاوی نکات زیر باشد:

۱ ـ نام و نام خانوادگی شخص مورد درخواست.

۲ ـ تاریخ تولد و محل صدور شناسنامه و شماره آن.

ماده ۲۱ ـ برگ شماره (۳) عین برگ شماره (۲) است سوای نکات زیر که در آن قید نمی‌شوند:

۱ ـ محکومیتهایی که در نتیجه عفو یا اعاده حیثیت زایل شده.

۲ ـ محکومیتهای تعلیقی در صورتی که محکوم در ظرف پنج سال از تاریخ قطعیت حکم محکومیت جدیدی به جنحه که موجب حبس باشد یا جنایت پیدا نکرده باشد.

۳ ـ ورشکستگانی که به موجب حکم دادگاه بی‌تقصیر اعلام شده یا قرارداد ارفاقی او را دادگاه تصدیق کرده باشد.

۴ ـ محکومیتی که در نتیجه اعاده دادرسی الغاء شده.

۵ ـ محکومیت به بزه‌هایی که به علت قانونی ساقط شده باشد.

ماده ۲۲ ـ برگ سجل قضایی شماره (۳) فقط به شخص محکوم داده می‌شود.

ماده ۲۳ ـ برگ شماره (۱) کاغذ سفید و برگ شماره (۲) کاغذ زرد و برگ شماره (۳) کاغذ آبی خواهد بود.

ماده ۲۴ ـ درخواست‌کننده در تهران به اداره فنی و در شهرستانها به دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه رجوع نموده و باید منتهی در ظرف (۳) روز برگ مذکور در ماه ۲۲ به او داده شود.

تبصره ـ در مواردی که محل صدور شناسنامه درخواست‌کننده معلوم نیست باید منحصراً به اداره فنی مراجعه شود.

ماده ۲۵ ـ کسانی که گواهی نداشتن پیشینه بد درخواست می‌نمایند می‌توانند منحصراً از اداره

فنی وزارت دادگستری یا دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه خود تصدیق عدم محکومیت بخواهند این تصدیق باید در اسرع اوقات به درخواست‌کننده داده شود تصدیق مزبور از تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۱۸ در استان یک و دو و از تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۰ در سایر استانها که آیین‌نامه سجل قضایی قابل اجرا بوده داده می‌شود و تصدیقات قبل از تاریخهای مزبور را دادسرای مربوطه خواهد داد.

ماده ۲۶ ـ هر گاه اشتباهی در تنظیم برگ سجل کیفری رخ دهد دادسرای تنظیم‌کننده برگ یا دادسرای محل صدور شناسنامه باید به اداره فنی اطلاع دهد تا دایره سجل قضایی آن اداره اقدام به اصلاح آن نماید پس از اصلاح برگ اشتباه شده اداره فنی به دادسرای تنظیم‌کننده برگ و دادسرای محل صدور شناسنامه دستور اصلاح برگهای بایگانی شده در آنجا را خواهد داد.

ماده ۲۷ ـ دادستان ارتش در تهران موظف است نسبت به محکومیتهای جنحه و جنایات دادگاههای ارتش (اعم از نظامی و کشوری و امنیه) کلیه استانها و شهرستانها برگ سجل قضایی شماره یک به رنگ سفید مطابق ماده چهار (بند الف) و ماده (۱۱) در سه نسخه تنظیم نموده و یک نسخه را بایگانی و دو نسخه دیگر را مستقیماً به اداره فنی وزارت دادگستری ارسال دارد و اداره فنی نیز یک نسخه آن را که نگهداشته نسخه دیگر را به دادگستری محل صدور شناسنامه محکوم می‌فرستد و اگر محل صدور شناسنامه معلوم نباشد آن را نیز در اداره فنی نگاهداری خواهد نمود.

ماده ۲۸ ـ کسانی که پیشینه خدمت در ارتش داشته و درخواست نداشتن پیشینه بد بنمایند می‌توانند از اداره فنی وزارت دادگستری یا دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه خود تصدیق عدم محکومیت بخواهند و این تصدیق باید به اسرع اوقات به درخواست‌کننده داده شود و در صورتی که محل صدور شناسنامه درخواست‌کننده معلوم نباشد باید به اداره فنی مراجعه شود تصدیق مزبور از تاریخ اجرای این آیین‌نامه داده می‌شود و قبل از تاریخ مزبور تصدیق عدم محکومیت باید به وسیله دادرسی ارتش داده شود.

ماده ۲۹ ـ مفاد ماده ۷ در مورد نظامیها نیز قابل اجراست.

ماده ۳۰ ـ آیین‌نامه مصوب دی‌ماه ۱۳۱۸ ملغی است.

شرایط صحت نکاح

از قانون مدنی

مصوب ۱۷ فروردین ۱۳۱۴[۱]

ماده ۱۰۶۲ ـ نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید.

ماده ۱۲۲۶ ـ اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد به علت جنون یا سفه محجور می‌گردند باید در دفتر مخصوص ثبت شود.

مراجعه به دفتر مزبور برای عموم آزاد است.

ماده ۱۲۲۷ ـ فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه به عمل آمده باشد.[۲]

ماده ۱۲۲۸ ـ در خارج ایران کنسول ایران و یا جانشین وی می‌تواند نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت او ساکن یا مقیم‌اند موقتاً نصب قیم کند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه مدنی خاص تهران تصمیم کنسول یا جانشین او را تنفیذ کند.[۳]

ماده ۱۲۲۹ ـ وظایف و اختیاراتی که به موجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مقرر است در خارج ایران به عهده مأمورین قنسولی خواهد بود.

ماده ۱۲۳۰ ـ اگر در عهود و قراردادهای منعقده بین دولت ایران و دولتی که مأمور قنسولی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا می‌کند ترتیبی در خلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.

ماده ۱۲۳۱ ـ اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند:

۱ ـ کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند.

---

۱ ـ ص ۲۲۵ ـ ۱۰۰ مجموعه قوانین دورهٔ نهم قانونگذاری مجلس شورای ملی سابق.

۲ ـ اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴

۳ ـ اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴

ماده ۱۲۸۹ ـ غیر از اسناد مذکوره در ماه ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است.

ماده ۱۲۹۰ ـ اسناد رسمی درباره طرفین و وراث و قایم‌مقام آنان معتبر است و اعتبار آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد.

ماده ۱۲۹۱ ـ اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراث و قایم‌مقام آنان معتبر است:

۱ ـ اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب‌الیه تصدیق نماید.

۲ ـ هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده فی‌الواقع امضاء یا مهر کرده است.

ماده ۱۲۹۲ ـ در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

ماده ۱۲۹۳ ـ هرگاه سند به وسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و رعایت ترتیبات مقرره قانون را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتی که دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است.

ماده ۱۲۹۴ ـ عدم رعایت مقررات راجعه به حق تمبر که به اسناد تعلق می‌گیرد سند را از رسمیت خارج نمی‌کند.

ماده ۱۲۹۵ ـ محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر اینکه:

اولاً ـ اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

ثانیاً ـ مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.

ثالثاً ـ کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهود اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.

رابعاً ـ نماینده سیاسی یا قنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی یا قنسولی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.

ماده ۱۲۹۶ ـ هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود به توسط نماینده سیاسی یا قنسولی خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول‌شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضای نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند.

ماده ۱۲۹۷ ـ دفاتر تجاری در موارد دعاوی تاجری بر تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتی حاصل شده باشد دلیل محسوب می‌شود مشروط بر این که دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

ماده ۱۲۹۸ ـ دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قراین و امارات قبول شود لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی‌تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع اوست قبول و آنچه که بر ضرر اوست رد کند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که بر ضرر اوست ثابت کند.
ماده ۱۲۹۹ ـ دفتر تجاری در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی‌شود:
۱ ـ در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد.
۲ ـ وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.

نیابت قضایی به محاکم خارجی

از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب[۱]

مصوب ۲۱ فروردین ۱۳۷۹

به شرط معامله متقابل، نیابتی که از طرف دادگاههای کشورهای دیگر راجع به تحقیقات قضایی به آنها داده می‌شود قبول کنند.
ماده ۲۹۳ ـ دادگاههای ایران نیابت تحقیقات قضایی را برابر قانون ایران انجام می‌دهند، لکن چنانچه دادگاه کشور خارجی ترتیب خاصی برای رسیدگی معین کرده باشد، دادگاه ایران می‌تواند به شرط معامله متقابل و در صورتی که موازین اسلام و قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد برابر آن عمل نماید.
ماده ۲۹۴ ـ در نیابت تحقیقات قضایی خارج از کشور، دادگاه نحوه بررسی و تحقیق را برابر قوانین ایران تعیین و از دادگاه خارجی که به آن نیابت داده می‌شود می‌خواهد که بر اساس آن کار تحقیقات را انجام دهد. در صورتی که دادگاه یاد شده به طریق دیگری اقدام به بررسی و تحقیق نماید اعتبار آن منوط به نظر دادگاه خواهد بود.
مناط صلاحیت، تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد.
ماده ۲۷ ـ در صورتی که دادگاه رسیدگی‌کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیت‌دار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجوع الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدید نظر استان ارسال می‌کند. رأی دادگاه تجدید نظر در تشخیص صلاحیت، لازم‌الاتباع خواهد بود.
تبصره ـ در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دو حوزه قضایی از دو استان باشد،

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۷۰ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۱

مرجع حل اختلاف به ترتیب یاد شده، دیوان عالی کشور می‌باشد.
ماده ۲۸ ـ هرگاه بین دادگاههای عمومی، نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت، اختلاف محقق شود همچنین در مواردی که دادگاهها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیر قضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رأی دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت، لازم‌الاتباع می‌باشد.
ماده ۲۹ ـ رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت در دادگاه تجدید نظر استان و دیوان عالی کشور، خارج از نوبت خواهد بود.
ماده ۳۰ ـ هرگاه بین دیوان عالی کشور و دادگاه تجدید نظر استان با دادگاه تجدید نظر استان با دادگاه بدوی در مورد صلاحیت اختلاف شود حسب مورد، نظر مرجع عالی لازم‌الاتباع است.

قانون «رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی»[1]

ماده واحده ـ رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عیناً و به شرح ذیل به تصویب رسید:
نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان و غیر شیعه در محاکم مصوب مردادماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاهها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیتنامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند. این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.
قانون «رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی» در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۴۱۳۸ مورخه ۱۳۷۲/۷/۱

مورخ سوم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و دو مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح ماده واحدهٔ فوق به تصویب رسیده است.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ اکبر هاشمی رفسنجانی

راجع به ازدواج با تبعه خارجی

از قانون راجع به ازدواج

مصوب مردادماه ۱۳۱۰[1]

ماده ۱۷ ـ ازدواج مسلمه با غیر مسلم ممنوع است.

ازدواج زن ایرانی با تبعهٔ خارجه در مواردی که مانع قانونی ندارد موکول به اجازهٔ مخصوصی بوده و دولت باید در هر نقطه مرجعی را برای دادن اجازه معین نماید. هر خارجی که بدن اجازهٔ مذکور در فوق زن ایرانی را ازدواج نماید به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۱۸ ـ در مورد عقد و طلاقی که در دفاتر مذکور در مادهٔ اول قانون به ثبت برسد آن قسمتی از مقررات مواد ۴ و ۵ قانون سجل احوال مصوب بیستم مردادماه ۱۳۰۷ که مربوط به اعلام وقوع عقد و طلاق است لازم‌الرعایه نخواهد بود.

ماده ۱۹ ـ نظامنامه‌های لازم برای اجرای این قانون را وزارت عدلیه تنظیم خواهد کرد.

ماده ۲۰ ـ این قانون از مهرماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قانون اجازه رعایت احوال شخصیهٔ ایرانیان غیر شیعه در محاکم[2]

مصوب دهم مردادماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته نشده محاکم باید قواعد و عادات مسلمهٔ متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند:

۱ ـ در مسایل مربوط به نکاح و طلاق و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

---

۱ ـ ص ۱۶۱ مجموعه قوانین دورهٔ هشتم قانونگذاری

۲ ـ منتشره در مجله رسمی شماره ۱۳۶۹ سال ۱۳۱۲ (صفحه ۵۹ مجموعه قوانین سال ۱۳۱۲).

۲ ـ در مسایل مربوط به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمهٔ متداوله در مذهب متوفی.
۳ ـ در مسایل مربوط به فرزندخواندگی عادات و قواعد مسلمهٔ متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.[۱]

راجع به ترکه اتباع خارجه

از قانون امور حسبی

مصوب دوم تیرماه ۱۳۱۹ با اصلاحیه‌های بعدی[۲]

ماده ۳۳۷ ـ جز آنچه در این فصل ذکر می‌شود مهر و موم و برداشتن مهر و موم و تحریر و اداره ترکه اتباع خارجه به همان طریقی خواهد بود که مطابق این قانون برای ترکه اتباع ایران مقرر است.
ماده ۳۳۸ ـ هرگاه تبعه خارجه در ایران یا در خارجه فوت شود و در ایران دارای مالی باشد دادرس دادگاه بخش محلی که مال متوفی در آنجا واقع است، به درخواست هر ذی نفع یا به درخواست کنسول دولت متبوع متوفی به حفظ و تصفیه امر ترکه اقدام می‌نماید و در صورتی که متوفی وارث یا قایم‌مقام در ایران نداشته باشد بدون درخواست هم دادرس پس از اطلاع اقدام به حفظ و تصفیه ترکه می‌نماید.
ماده ۳۳۹ ـ دادگاه بخش پس از وصول درخواست ذی نفع یا کنسول و به محض اطلاع از فوت در مورد اخیر ماده فوق وقتی را که از تاریخ وصول درخواست یا اطلاع متجاوز از ۴۸ ساعت

---

۱ ـ وحدت رویه ردیف ۲۳/۶۳ — رأی شماره: ۳۷ ـ ۱۳۶۳/۹/۱۹

بسمه تعالی

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مردادماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاهها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیتنامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۲ ـ مجلسه رسمی شماره ۳۴۸۶ سال ۱۳۱۹

نباشد برای اقدامات تأمینه از قبیل مهر و موم و غیره معین کرده، کتباً به کنسول دولت متبوع اطلاع می‌دهد که در موقع اقدام به تأمین حضور به هم رساند.
عدم حضور کنسول مانع از اقدام نخواهد بود ولی بعداً می‌تواند در محل حاضر شده، مهر و موم خود را به مهر و موم دادگاه اضافه نماید.
ماده ۳۴۰ ـ در صورتی که کنسول دولت متبوع متوفی قبلاً از وفات مطلع شده و امر طوری باشد که تا اطلاع به مأمورین ایران بیم تضییع و تفریط تمام یا قسمتی از ترکه برود، می‌تواند شخصاً اقدامات موقتی را برای حفظ آن به عمل آورده و وضعیت موقتی را تا مداخله دادرس دادگاه بخش حفظ نماید.
ماده ۳۴۱ ـ در موقعی که دادگاه بخش برای مهر و موم تعیین وقت می‌کند باید بلافاصله و منتهی در ظرف یک هفته از تاریخ وصول درخواست یا اطلاع، یک نفر را برای اداره ترکه معین و معرفی نماید.
ماده ۳۴۲ ـ دادگاه می‌تواند با رعایت ماده ۲۶۴ و با در نظر گرفتن مصلحت و منافع ورثه و اشخاص ذی نفع هرکس را که طرف اعتماد بداند به سمت ترکه معین کند.
اقدامات مدیر ترکه با نظارت دادستان به عمل خواهد آمد.
در نقاطی که اداره تصفیه موجود است مدیر ترکه معین نمی‌شود و این وظیفه به اداره تصفیه رجوع می‌شود.
ماده ۳۴۳ ـ مدیر ترکه باید به محض ابلاغ انتصاب خود سه آگهی هریک به فاصله یک ماه در مجله رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محل و اگر در محل روزنامه نباشد در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران منتشر نموده اشخاصی را که به عنوانی از عناوین برای خود حقی بر ذمهٔ متوفی و یا براعیان ترکه قایل هستند دعوت نماید، در ظرف شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی خود را معرفی و موضوع حق خود را معین کنند و رونوشت یا عکس گواهی شده مدارک طلب و حقانیت خود را به او تسلیم نمایند.
هرگاه میزان ترکه کمتر از هزار ریال باشد آگهی در روزنامه لازم نیست.
ماده ۳۴۴ ـ پس از تعیین مدیر ترکه دادگاه بخش با حضور دادستان ترکه را تحریر و به او تسلیم می‌نماید.
ماده ۳۴۵ ـ برای تحریر ترکه روز و ساعت و محل تحریر به دادستان و اشخاص مشروحه اطلاع داده می‌شود:
۱ ـ تمام وراث که در ایران حاضر بوده و یا نماینده در آنجا دارند.
۲ ـ وصی اگر معلوم و مقیم ایران باشد.
۳ ـ کسانی که وصیت به نفع آنها شده اگر معلوم و مقیم ایران بوده و یا در ایران نماینده داشته باشند.

۴ ـ شریک متوفی، اگر باشد در صورتی که در ایران حاضر بوده یا نماینده داشته باشد.
۵ ـ کنسول دولت متبوع متوفی.

ماده ۳۴۶ ـ غیبت اشخاصی که اعلامنامه مندرج در ماده فوق برای آنها فرستاده شده مانع از تحریر ترکه نخواهد بود ولی در صورتی که کنسول دولت متبوع متوفی در موقع تحریر ترکه حاضر نباشد در صورتمجلس قید و رونوشتی از آن برای کنسول فرستاده می‌شود.

ماده ۳۴۷ ـ به صورت ریز ترکه باید صورتی از اموال غیر منقول که در ایران واقع است با تعیین بهای تقریبی آنها پیوست شود.

ماده ۳۴۸ ـ در صورتی که ورثه یا وصی متوفی یا قایم‌مقام قانونی آنها حاضر شوند برابر بهای ترکه تأمین دهند که هرگاه در مدت یک سال از تاریخ انتشار اولین آگهی مذکور در ماده ۳۴۳ بستانکارانی پیدا شوند که تبعه ایران یا مقیم ایران باشند و طلب آنها ثابت گردد از عهده برآیند ترکه پس از وضع هزینه آگهیها و هزینه‌های دیگر قانونی که به عمل آمده است به تصرف آنها داده می‌شود.

ماده ۳۴۹ ـ تأمین ممکن است به وسیله تودیع وجه نقد یا وثیقه دادن اموال منقول و یا غیر منقول یا دادن ضامن معتبر به عمل آید و نیز ممکن است درخواست‌کننده از همان اموال متوفی تأمین بدهد.

قبول یا رد تأمین منوط به نظر دادگاهی است که مدیر ترکه را تعیین نموده است.

ماده ۳۵۰ ـ مدیر ترکه با اجازه دادگاه بخش می‌تواند به ورثه متوفی که در حال استیصال و مقیم در ایران هستند تا موقع تصفیه ماترک مبلغی که برای معیشت آنها ضروری باشد بپردازد.

در موردی که اداره تصفیه وظیفه امین ترکه را انجام می‌دهد اجازه دادگاه بخش لازم نیست.

ماده ۳۵۱ ـ پس از انقضای مدت مذکور در ماده ۳۴۳ مدیر ترکه وقتی را برای رسیدگی به دعاوی و مطالبات معین کرده به ورثه یا وصی یا قایم‌مقام قانونی آنها و کنسول دولت متبوع متوفی اگر در محل باشد، اطلاع می‌دهد و در وقت مقرر شروع به رسیدگی نموده و پس از رسیدگی، کلیه دیون و تعهداتی را که بر ذمهٔ متوفی ثابت و محقق است با اجازه دادستان تأدیه می‌نماید و بقیه را به ورثه یا وصی یا قایم‌مقام قانونی آنها و در صورتی که اشخاص نامبرده اصلاً نباشند یا در ایران نباشند به کنسول یا سایر نمایندگان سیاسی دولت متبوع متوفی تسلیم می‌نمایند.

ماده ۳۵۲ ـ اشخاصی که مدعی حقی بر ترکه بوده و دعوی آنها از طرف مدیر ترکه و دادستان یا مدیر تصفیه تصدیق نشده باشد می‌توانند دعوی خود را در دادگاه صلاحیت‌دار اقامه یا تعقیب نمایند.

انقضای مدت مقرر در ماده ۳۴۳ موجب سقوط حق اشخاصی که در ظرف مدت حق خود را مطالبه نکرده‌اند، نمی‌باشد.

ماده ۳۵۳ ـ اگر نسبت به ترکه متوفی قرار تأمین صادر شده باشد تسلیم اموال به اشخاص مذکور در ماده ۳۵۱ با رعایت قرار دادگاه به عمل خواهد آمد.

ماده ۳۵۴ ـ هرگاه متوفی بازرگان بوده و به موجب حکم دادگاه ورشکستگی او قبل یا بعد از فوت اعلام شود اداره تصفیهٔ امور او تابع مقررات راجع به تصفیه امور بازرگان متوقف است.

ماده ۳۵۵ ـ رسیدگی به دعاوی راجع به ترکه اتباع خارجه در ایران از صلاحیت دادگاه ایران است.

ماده ۳۵۶ ـ تصدیق صادره از مقامات صلاحیت‌دار کشور متوفی راجع به وراثت اتباع خارجه یا انحصار آن پس از احراز اعتبار آن در دادگاه ایران از حیث صدور و رعایت مقررات مربوطه به اعتبار اسناد تنظیم شده در خارجه، قابل ترتیب اثر خواهد بود.

ماده ۳۵۷ ـ اگر تبعه خارجه که در ایران فوت شده، مسافر موقتی باشد اشیای متعلق به او فوراً به کنسول دولت متبوعه او تسلیم می‌شود.

ماده ۳۵۸ ـ از هزینه‌هایی که برای اداره‌کردن ترکه می‌شود باید صورت کاملی به دادستان داده شود.

ماده ۳۵۹ ـ حقوقی که به موجب این فصل برای کنسولها یا نمایندگان سیاسی خارجه مقرر شده مربوط به کنسول یا نمایندهٔ سیاسی دولی است که در خاک آن دول نسبت به کنسولها یا نمایندگان سیاسی ایران معامله متقابله بشود.

اخذ تأمین از اتباع دولتهای خارجی
از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

مصوب فروردین ۱۳۷۹[۱]

ماده ۱۴۴ ـ اتباع دولتهای خارج، چه خواهان اصلی باشند و یا به عنوان شخص ثالث وارد دعوا گردند. بنا به درخواست طرف دعوا، برای تأدیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله به آن محکوم گردند باید تأمین مناسب بسپارند. درخواست اخذ تأمین فقط از خوانده تبعه ایران و تا پایان جلسه اول دادرسی پذیرفته می‌شود.

ماده ۱۴۵ ـ در موارد زیر اتباع بیگانه اگر خواهان باشند از دادن تأمین معاف می‌باشند:

۱ ـ در کشور متبوع وی، اتباع ایرانی از دادن چنین تأمینی معاف باشند.

۲ ـ دعاوی راجع به برات، سفته و چک.

۳ ـ دعاوی متقابل.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۷۰ مورخ ۷۹/۲/۱۱

۴ ـ دعاوی که مستند به سند رسمی می‌باشد.
۵ ـ دعاوی که بر اثر آگهی رسمی اقامه می‌شود از قبیل اعتراض به ثبت و دعاوی علیه متوقف.

ماده ۱۴۶ ـ هرگاه در اثنای دادرسی، تابعیت خارجی خواهان یا تجدید نظر خواه کشف شود و یا تابعیت ایران از او سلب و یا سبب معافیت از تأمین از او زایل گردد، خوانده یا تجدید نظر خوانده ایرانی می‌تواند درخواست تأمین نماید.

ماده ۱۴۷ ـ دادگاه مکلف است نسبت به درخواست تأمین، رسیدگی و مقدار و مهلت سپردن آن را تعیین نماید و تا وقتی تأمین داده نشده است دادرسی متوقف خواهد ماند.

در صورتی که مدت مقرر برای دادن تأمین منقضی گردد و خواهان تأمین نداده باشد در مرحله نخستین به تقاضای خوانده و در مرحله تجدید نظر به درخواست تجدید نظر خوانده، قرار رد دادخواست صادر می‌گردد.

ماده ۱۴۸ ـ چنانچه برای دادگاه معلوم شود مقدار تأمینی که تعیین گردیده کافی نیست، مقدار کافی را برای تأمین تعیین می‌کند. در صورت امتناع خواهان یا تجدید نظرخواه از سپردن تأمین تعیین شده برابر ماده فوق اقدام می‌شود.

اشتغال اتباع خارجی

از قانون کار

مصوب ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۶۹[1] مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی

مبحث سوم: اشتغال اتباع بیگانه

ماده ۱۲۰ ـ اتباع بیگانه نمی‌توانند در ایران مشغول به‌کار شوند مگر آنکه اولاً دارای روادید با حق کار مشخص بوده و ثانیاً مطابق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه، پروانه کار دریافت دارند.

تبصره ـ اتباع بیگانه ذیل مشمول مقررات ماده ۱۲۰ نمی‌باشند:

الف ـ اتباع بیگانه‌ای که منحصراً در خدمت مأموریتهای دیپلماتیک و کنسولی هستند با تأیید وزارت امور خارجه.

ب ـ کارکنان و کارشناسان سازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته به آنها با تأیید وزارت امور خارجه.

ج ـ خبرنگاران خبرگزاریها و مطبوعات خارجی به شرط معامله متقابل و تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۳۳۸۷ مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۲۸

ماده ۱۸۱ ـ کارفرمایانی که اتباع بیگانه را که فاقد پروانه کارند و یا مدت اعتبار پروانه کارشان منقضی شده است به‌کار گمارند و یا اتباع بیگانه را در کاری غیر از آنچه در پروانه کار آنها قید شده است بپذیرند و یا در مواردی که رابطه استخدامی تبعه بیگانه با کارفرما قطع می‌گردد مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام ننمایند، با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد.

قانون راجع به ثبت شرکتها

مصوب ۱۱ /۳/ ۱۳۱۰

ماده ۱ ـ هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است.

ماده ۲ ـ کلیهٔ شرکتهای ایرانی مذکور در قانون تجارت (سهامی، ضمانتی، مختلط، تعاونی) که در تاریخ اجرای این قانون موجود و مطابق مقررات قانون تجارت راجع به ثبت و تطبیق تشکیلات خود با قانون مزبور عمل نکرده‌اند باید تا آخر شهریورماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات قانون تجارت تطبیق نموده و مطابق قانون مزبور تقاضای ثبت کنند والا به تقاضای مدعی العموم بدایت محلی که ثبت باید در آنجا به عمل آید، محکمه مدیران آنها را به یکصد الی هزارتومان جزای نقدی محکوم خواهد کرد و در صورت تقاضای مدعی‌العموم حکم انحلال شرکت متخلف نیز صادر خواهد شد.

در صورتی که مدت فوق برای تطبیق تشکیلات با قانون تجارت و تقاضای ثبت کافی نباشد رییس محکمهٔ ابتدایی محل به تقاضای شرکت تا سه ماه مهلت ضمان خواهد داد.

ماده ۳ ـ از تاریخ اجرای این قانون هر شرکت خارجی برای اینکه بتواند به‌وسیله شعبه یا نماینده به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد.

ماده ۴ ـ هر شرکت خارجی که در تاریخ اجرای این قانون در ایران به‌وسیلهٔ شعبه یا نماینده مشغول به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی است باید در ظرف چهار ماه از تاریخ مزبور تقاضای ثبت نماید. درصورتی که این مدت برای تهیه و تسلیم اوراق لازمه به ادارهٔ ثبت کافی نباشد رییس محکمهٔ ابتدایی تهران به تقاضای نمایندهٔ شرکت تا شش ماه مهلت اضافی خواهد داد.

ماده ۵ ـ اشخاصی که به عنوان نمایندگی یا مدیریت شعبهٔ شرکتهای خارجی در ایران اقدام به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضای موعد مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی العموم بدایت و به حکم محکمهٔ ابتدایی تهران محکوم به جزای نقدی از ۵۰ تومان تا هزار تومان خواهند شد و بعلاوه محکمه برای هر روز تأخیر پس از صدور حکم، متخلف را به

تأدیهٔ پنج الی پنجاه تومان محکوم خواهد کرد و هرگاه حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شعبهٔ شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود.

ماده ۶ ـ در مورد شرکتهای خارجی که شرایط عملیات آنها به‌موجب امتیازنامهٔ صحیح و منظمی مقرر است و صحت امتیاز را در موعد قانونی تقاضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیر مادهٔ فوق مجری نخواهد شد ولی جزای نقدی برای هر روز تأخیر بعد از صدور حکم از قرار روزی ده الی یکصدتومان است.

ماده ۷ ـ تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران شعب آن باید به ادارهٔ ثبت اسناد کتباً اطلاع داده شود و تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده و یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر اینکه شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به‌ثبوت رساند.

ماده ۸ ـ شرکتهای بیمه اعم از ایرانی و خارجی تابع نظامنامه‌هایی خواهند بود که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود. قبول تقاضای ثبت شرکتهای فوق و شرایط راجعه به ادامهٔ عملیات آنها منوط به رعایت مقررات نظامنامه‌های مزبوره خواهد بود.

ماده ۹ ـ برای اجرای این قانون از طرف وزارت عدلیه نظامنامه‌های لازمه تنظیم خواهد شد. در نظامنامه‌های مزبور باید راجع به مسایل ذیل صریحاً تعیین تکلیف شود:

۱ ـ اشخاصی که باید اظهارنامه ثبت بدهند.

۲ ـ نکاتی که باید در اظهارنامه قید شود.

۳ ـ اوراق و مدارکی که عین یا ترجمه مصدق آنها باید ضمیمه اظهارنامه شود.

۴ ـ نکاتی که در صورت تغییر باید مجدداً به ثبت برسد.

۵ ـ طرز ثبت شعب یا نمایندگان جدید.

۶ ـ اعلاناتی که پس از ثبت باید به‌وسیلهٔ اداره ثبت اسناد به خرج شرکت به عمل آید.

۷ ـ تعرفه راجع به ترجمه و تصدیق صحت ترجمه.

ماده ۱۰ ـ حقوق ثبتی برای ثبت شرکتها و مؤسسات اعم از ایرانی و خارجی مطابق تعرفه زیر تعیین می‌شود:

الف ـ حق الثبت شرکتها و مؤسسات تجاری (موضوع ماده ۱۰ اصلاحی مصوب ۱۳۴۶/۸/۲۸ قانون ثبت شرکتها) به ترتیب ذیل تعیین می‌شود:

۱ ـ تا دو میلیون ریال از کل سرمایه به ازای هر ده هزار ریال هشتاد ریال که در هر صورت از یکهزار ریال کمتر نخواهد بود.

۲ ـ تا چهار میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد دو میلیون ریال هر ده هزار ریال پنجاه ریال.

۳ ـ تا هشت میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد چهار میلیون ریال هر ده هزار ریال، سی و پنج ریال.

۴ ـ تا ده میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد هشت میلیون ریال هر ده هزار ریال، بیست ریال.

۵ ـ تا یکصدمیلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد ده میلیون ریال هر ده هزار ریال پانزده ریال.

۶ ـ از یکصدمیلیون ریال تا پانصد میلیون ریال سرمایه از مبدأ مقطوعاً دویست و پنجاه هزار ریال.

۷ ـ از پانصد میلیون ریال سرمایه به بالا از مبدأ مقطوعاً سیصد و پنجاه هزار ریال.

۸ ـ حق‌الثبت تغییرات مربوط به ازدیاد سرمایه به ازای هر دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخهای فوق‌الذکر است و حق‌الثبت هر دفعه تغییر در موارد دیگر «به استثنای تغییر سرمایه» دو هزار ریال است.

ب ـ حق‌الثبت مؤسسات غیرتجاری[1] «موضوع بند ب ماده ۱۰ اصلاحی ۱۳۴۶/۸/۲۸ قانون ثبت شرکتها» که بدون سرمایه می‌باشند، چهارهزار ریال و حقوق ثبتی مؤسسات غیرتجاری با سرمایه به ترتیب ذیل است:

۱ ـ حق الثبت مؤسسات غیرتجاری تا دو میلیون ریال سرمایه، مقطوعاً پنج هزار ریال.

۲ ـ حق الثبت مؤسسات غیرتجاری از دو میلیون و یک ریال تا ده میلیون ریال سرمایه مقطوعاً هفت هزار و پانصد ریال.

۳ ـ حق‌الثبت مؤسسات غیرتجاری از ده میلیون و یک ریال سرمایه تا یکصدمیلیون ریال سرمایه مقطوعاً ده هزار ریال.

۴ ـ حق الثبت مؤسسات غیرتجاری از یکصدمیلیون و یک ریال سرمایه به بالا مقطوعاً بیست هزار ریال.

۵ ـ حق الثبت تغییرات مربوط به ازدیاد سرمایه به ازای دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخهای فوق‌الذکر و حق‌الثبت هر دفعه تغییر در موارد دیگر «به استثنای تغییر سرمایه» یکهزار ریال است.

پ ـ شرکتهای تعاونی روستایی و سایر شرکتهای تعاونی که اساسنامه آنها طبق مقررات به تصویب رسیده باشد و همچنین سازمان تعاون و مصرف کادر نیروهای مسلح و واحدهای

---

۱ ـ اصلاحی به موجب بند ب تبصره ۷۷ قانون بودجه سال ۱۳۶۳ کل کشور مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۳۰ مجلس شورای اسلامی، و تأیید شورای نگهبان، مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۱۴۲۲ ـ ۱۳۶۳/۲/۲۶.

اقتصادی تابع آن و شرکتهای دولتی توسعه کشاورزی و شرکتهای دولتی کشت و صنعت از پرداخت حقوق ثبتی معاف می‌باشند.
ت ـ حق الثبت هر شعبه شرکتها و مؤسسات تجاری و غیر تجاری و تغییرات آن حسب مورد مطابق بندهای مقرر ب و ج این ماده خواهد بود.[1]
ث ـ از تاریخ اجرای این قانون هیچ گونه حقوق دیگری اعم از عمومی و اختصاصی برای ثبت شرکتها و مؤسسات مندرج در این قانون دریافت نخواهد شد و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شود.

ماده ۱۱ ـ نمایندهٔ هر شرکت خارجی یا مدیر شعبهٔ آن که برخلاف ماده ۳ قبل از ثبت به سمت نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت در ایران اقدام به عملیات تجارتی یا صنعتی یا مالی نماید مطابق ماده ۵ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهد شد. در مورد شرکتهای داخلی که پس از تاریخ اجرای این قانون تشکیل می‌شوند کسانی که مکلف به تقاضای ثبت شرکت بوده و در موعد قانونی به تکلیف خود عمل نکنند مطابق ماده ۲ این قانون محکوم‌به جزای نقدی خواهند شد.

ماده۱۲ ـ مواد۶۶ و ۱۴۱ قانون تجارت و ماده ۲۴۱ قانون‌ثبت اسناد نسخ و این قانون از ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۰ به موقع اجراگذارده می‌شود.

آیین نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی

ماده ۱ ـ شرکتهای خارجی که در کشور محل ثبت خود، شرکت قانون شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل درکشور متبوع، می‌توانند برای فعالیت در ایران در زمینه‌های زیر بر اساس مقررات این آیین نامه و سایر قوانین و مقررات مربوط نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام نمایند:

۱ ـ ارایه خدمات بعد از فروش کالاها یا خدمات شرکت خارجی.
۲ ـ انجام عملیات اجرایی قراردادهایی که بین اشخاص ایرانی و شرکت خارجی منعقد می‌شود.
۳ ـ بررسی و زمینه سازی برای سرمایه گذاری شرکت خارجی در ایران.

---

۱ ـ بندهای الف و ب و ت ماده ۱۰ به ترتیب به موجب بندهای الف و ب و ج تبصره ۷۷ قانون بودجه سال ۱۳۶۳ کل کشور مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۳۰ مجلس شورای اسلامی، و تأیید شورای نگهبان، مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۱۴۲۲ ـ ۱۳۶۳/۲/۲۶ به شرح فوق اصلاح شده‌اند.
ضمناً مفاد بندهای ب و ج مورد اشاره به ترتیب در بندهای ب و ت به شرح فوق منعکس و منظور شدند.

۴ ـ همکاری با شرکتهای فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث.
۵ ـ افزایش صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران.
۶ ـ ارایه خدمات فنی و مهندسی و انتقال دانش فنی و فن آوری.
۷ ـ انجام فعالیتهایی که مجوز آن توسط دستگاههای دولتی که به طور قانونی مجاز به صدور مجوز هستند، صادر می‌گردد، از قبیل ارایه خدمات در زمینه‌های حمل و نقل بیمه و بازرسی کالا، بانکی، بازاریابی و غیره

ماده ۲ ـ شعبه شرکت خارجی، واحد محلی تابع شرکت اصلی است که مستقیماً موضوع و وظایف شرکت اصلی را در محل، انجام می‌دهد. فعالیت شعبه در محل، تحت نام و با مسؤولیت شرکت اصلی خواهد بود.

ماده ۳ ـ شرکتهای خارجی متقاضی ثبت شعبه در ایران موظفند اطلاعات و مدارک زیر را به همراه درخواست کتبی به اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعت ارایه نمایند:
۱ ـ اساسنامه شرکت، آگهی تأسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذی ربط.
۲ ـ آخرین گزارش مالی تأیید شده شرکت.
۳ ـ گزارش توجیهی حاوی اطلاعات مربوط به فعالیتهای شرکت و تبیین دلایل و ضرورت ثبت شعبه در ایران، تعیین نوع و حدود اختیارات و محل فعالیت شعبه، برآورد نیروی انسانی ایرانی و خارجی مورد نیاز، و نحوه تأمین منابع وجوه ارزی و ریالی برای اداره امور شعبه.

ماده ۴ ـ نماینده شرکت خارجی، شخص حقیقی یا حقوقی است که بر اساس قرار داد نمایندگی، انجام بخشی از موضوع و وظایف شرکت طرف نمایندگی را در محل برعهده گرفته است. نمایندگی شرکت خارجی، نسبت به فعالیتهایی که تحت نمایندگی شرکت طرف نمایندگی در محل انجام می‌پذیرد، مسؤولیت خواهد داشت.

ماده ۵ ـ اشخاص حقیقی ایرانی یا اشخاص حقوقی که متقاضی ثبت نمایندگی شرکت خارجی در ایران هستند موظفند، ترجمه فارسی اسناد و اصل مدارک و اطلاعات زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی ارایه نمایند:
۱ ـ تصویر مصدق قرارداد موضوع ماده (۴) این آیین نامه.
۲ ـ مدارک شناسایی شخص متقاضی، برای اشخاص حقیقی، تصویر شناسنامه و نشانی اقامتگاه قانونی و برای اشخاص حقوقی، اساسنامه شرکت و آگهی تأسیس و آخرین تغییرات ثبت شده آن نزد مراجع ذی ربط.
۳ ـ ارایه سابقه فعالیت شخص متقاضی ثبت نمایندگی، در زمینه امور پیش بینی شده در قرارداد نمایندگی.
۴ـ اساسنامه شرکت خارجی طرف نمایندگی، آگهی تأسیس و آخرین تغییرات ثبت شده آن نزد مراجع ذی ربط.

۵ ـ گزارش فعالیتهای شرکت خارجی و طرف نمایندگی، و تبیین دلایل و ضرورت اخذ نمایندگی.
۶ ـ آخرین گزارش مالی تأیید شده شرکت خارجی طرف نمایندگی.
۷ ـ معرفی وزارتخانه ذی ربط.

ماده ۶ ـ اشخاصی که مجوز فعالیت آنها از سوی مراجع ذی صلاح لغو می‌شود مکلفند، در مهلت تعیین شده توسط اداره ثبت شرکتها و مالکیتهای صنعتی، نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایند.

تبصره ـ شرکتهایی که مجوز فعالیت آنها تمدید می‌شود، (۶) ماه مهلت دارند تا نسبت به انحلال شرکت ثبت شده و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایند.

ماده ۷ ـ شعبه شرکتهای خارجی که نسبت به ثبت شعبه خود در ایران اقدام نموده و به فعالیت می‌پردازند موظفند، هر سال گزارش سالانه شرکت اصلی مشتمل بر گزارشهای مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مقیم در کشور متبوع را به دستگاه ذی ربط ارایه نمایند.

ماده ۸ ـ کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول این آیین نامه موظفند گزارش فعالیت شعبه یا نمایندگی در ایران را همراه با صورتهای مالی حسابرسی شده خود ظرف مدت (۴) ماه پس از پایان سال مالی به دستگاههای ذی ربط ارسال دارند. حسابرسی مذکور تا زمانی که آیین نامه اجرایی تبصره (۴) ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی ـ مصوب ۱۳۷۲ ـ اعلام نشده است، توسط سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی مورد قبول دستگاه ذی ربط، که شرکای آن افراد حقیقی تأیید شده توسط اداره نظارت سازمان حسابرسی باشند، انجام می‌گیرد.

ماده ۹ ـ اداره امور شعبه یا نمایندگی ثبت شده طبق این آیین نامه، باید توسط یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران انجام گیرد.

ماده ۱۰ ـ به منظور برخورداری شرکتهای خارجی از مزایای این آیین نامه و استمرار فعالیت آنها، شرکتهای خارجی که تا قبل از لازم الاجرا شدن این آیین نامه، در ایران، از طریق شعبه یا نمایندگی خود فعالیت می‌کرده‌اند مکلفند، اطلاعات و مدارک موضوع مواد (۳) و (۵) این آیین نامه را به دستگاههای ذی ربط ارایه داده و وضعیت خود را با آیین نامه تطبیق دهند.

معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران[1]

شماره ۵۳۱۹۰/ت ۲۴۰۲۴ هـ ۱۳۷۹/۱۱/۲۳

وزارت راه و ترابری - وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت کشور

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۶ با توجه به نظر رییس محترم مجلس شورای اسلامی (موضوع نامه شماره ۲۹۵۷ هـ/ب مورخ ۱۳۷۹/۹/۳) تصویب نمود:

آیین‌نامه اجرایی قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران، موضوع تصویبنامه شماره ۳۸۵۸۲/ت ۱۹۷۸۹ مورخ ۱۳۷۷/۹/۳۰ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱ - در ماده (۲۳) عبارت «و فراهم نبودن وسیله بارگیری و حمل فوری کالا» بعد از عبارت «گمرک ورودی» اضافه می‌گردد.

۲ - تبصره‌های (۲) و (۳) ماده (۲۴) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

تبصره (۲) - مدت مذکور در فرودگاهها دو ماه و ایستگاههای راه‌آهن چهار ماه می‌باشد.

تبصره (۳) - پس از گذشت مهلت توقف قانونی، کالای عبوری متروکه شده و طبق قانون مربوط عمل خواهد شد.

معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

تصویبنامه در رابطه با سرمایه‌گذاریهای مشمول قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی[2]

وزارت امور اقتصادی و دارایی

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۳ بنا به پیشنهاد شماره ۶۶۰۸۰۰۲۱/۳۱۲۱۵ مورخ ۱۳۷۴/۸/۲۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی در رابطه با سرمایه‌گذاریهای مشمول قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی - مصوب ۱۳۳۴ - تصویب نمود:

۱ - ورود ماشین آلات، تجهیزات و مواد اولیه به عنوان قسمتی از سهم سرمایه گذاری سرمایه گذاران خارجی اعم از سرمایه سهمی و وام سهامدار از شمول مصوبات هیأت وزیران در زمینه واردات و مقررات بانکی مستثنی بوده و صرفاً تابع قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی -

---

۱ - نقل از شماره ۱۶۳۱۲ - ۱۳۷۹/۱۲/۳ روزنامه رسمی

۲ - روزنامه رسمی کشور - شماره ۱۴۹۸۵، تاریخ ۱۳۷۵/۵/۲۵.

مصوب ۱۳۳۴ ـ و آیین نامه اجرایی آن ـ مصوب ۱۳۳۵ ـ و اصلاحات بعدی آنها خواهد بود. وزارت بازرگانی با تأیید سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران مبتنی بر موافقت هیأت رسیدگی به جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی سریعاً نسبت به ثبت سفارش و صدور مجوز برای ترخیص ماشین آلات و تجهیزات و مواد مذکور از گمرکات کشور اقدام می‌نماید.

۲ ـ صادرات محصولات تولیدی شرکتهای مشترک به نحو مقرر در مجوز مربوط به پذیرش سرمایه گذاریهای خارجی (تصویبنامه‌های مربوط) تا حدی که ارز حاصل از صادرات مذکور نیازهای ارزی این گونه شرکتها را از حیث واردات مواد اولیه و قطعات نیمه ساخته مربوط به تولیدات خود، هزینه‌های ارزی جاری دیگر شامل بازپرداخت اقساط اصل و پرداخت فرع وامهای اعطایی سرمایه گذاران خارجی، هزینه‌های ارزی مربوط به قراردادهای تکنولوژی، مدیریت و خدمات فنی (مطابق تصویبنامه‌های مربوط) و همچنین ارز لازم برای تأمین سود سهام قابل انتقال سالیانه سرمایه گذاران خراجی را پوشش دهد، مجاز است و از شمول مقررات محدود کننده صادرات به لحاظ کمیت و سپردن تعهد به منظور بازگشت ارز حاصل از صادرات بر اساس مقررات دولتی موجود و یا آنچه در آینده جاری می‌گردد، معاف می‌باشد. صادر کنندگان باید قبل از صدور کالا، میزان قابل برداشت از درآمدهای ارزی خود برای هر یک از مصارف موضوع این بند را تعیین و مراتب را به تأیید هیأت رسیدگی به جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی برسانند. وزارت بازرگانی مکلف است صرفاً با تأیید سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران مجوز صادرات را صادر نماید.

۳ ـ ورود ماشین آلات، تجهیزات و مواد و متقابلاً صدور محصولات در طرحهایی که سرمایه گذاری خارجی بدون مشارکت سهمی و از طریق روشهای تأمین مالی طرح در چارچوب قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی پذیرفته می‌شود نیز تا حد ارقام مصوب طرح تابع تسهیلات مندرج در بندهای (۱) و (۲) فوق می‌باشد. بازپرداخت اقساط اصل و پرداخت فرع تسهیلات مالی طرحهای موضوع این بند منحصراً از محل صادرات محصولات همان طرح مجاز می‌باشد.

۴ ـ درآمدهای ارزی حاصل از فعالیتهای خدماتی و توریستی سرمایه گذاریهای خارجی در حدود مصارف مندرج در بند (۲) فوق با تأیید هیأت رسیدگی به جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی قابل استفاده می‌باشد.

۵ ـ انجام صادرات بیش از حد مقرر و مصرف درآمدهای ارزی بیش از مصارف تعیین شده در این تصویبنامه در چارچوب قوانین و مقررات کشور مجاز می‌باشد.

۶ ـ کلیه شرکتها و واحدهای موضوع این تصویبنامه می‌توانند وجوه ارزی حاصل از فعالیتهای خود را تا حد تأیید شده توسط سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران در یک

حساب امانی نزدیکی از بانکهای خارجی داخلی یا خارجی واریز نموده و جهت مصارف تعیین شده مستقیماً از آن برداشت نمایند.

تبصره - در مورد شرکتهایی که با مشارکت شرکتهای دولتی تأسیس می‌شوند، افتتاح حساب نزد بانکهای خارجی منوط به موافقت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.

۷ - به غیر از فعالیتهایی که مشمول اولویت یک موضوع تصویبنامه شماره ۱۳۶۱/ت ۱۱۴۶۳ هـ مورخ ۱۳۷۴/۲/۱۱ هیأت وزیران و مصوبات جایگزین آن در آینده می‌گردد، سایر فعالیتهای صنعتی و مدنی با مشارکت خارجیان در اولویت دوم قرار گرفته و از شش سال معافیت مالیاتی برخوردار خواهند بود. افزایش سنواتی معافیت ناشی از استقرار واحدهای مذکور در نقاط محروم کشور به قوت خود باقی است.

ضوابط پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی[1]

ماده ۱ - پیشنهادهای سرمایه گذاری خارجی در چارچوب ضوابط این مصوبه که از طریق سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران به تأیید هیأت رسیدگی موضوع ماده (۲) قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی رسیده باشد، پس از تصویب شورای عالی سرمایه گذاری موضوع ماده (۷) اساسنامه سازمان سرمایه گذاری تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی قرار می‌گیرد.

تبصره - ملاک تصویب مذکور موافقت اکثریت وزرا عضو شورا بوده و پس از تأیید رییس جمهور لازم الاجرا و با رعایت ماده (۱۹) آیین نامه داخلی هیأت دولت ابلاغ می‌شود.

ماده ۲ - طرحهای سرمایه گذاری خارجی بایستی ضمن ایجاد فرصت شغلی حداقل یکی از اهداف زیر را نیز تأمین کنند:

۱ - افزایش صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران.

۲ - تکمیل حلقه‌های زنجیره‌ای تولید کشور.

۳ - اکتشاف، بهره برداری از منابع زیر زمینی و فن‌آوری (مجتمع معدنی - صنعتی)

۴ - رونق بخشیدن به بازار رقابت و افزایش کیفیت کالا و خدمات و کاهش قیمتها در سرزمین جمهوری اسلامی ایران

ماده ۳ - انتقال سود و سایر انتقالات ارزی سرمایه گذاری خارجی که به تأیید هیأت رسیدگی می‌رسد، صرفاً از محل عواید ارزی یا ابطال تعهدات ارزی مربوط به صادرات کالا و خدمات

---

۱ - روزنامه رسمی کشور شماره ۱۵۹۴۵ تاریخ ۱۳۷۸/۸/۳۰.

واحدی که سرمایه‌گذاری خارجی در آن صورت پذیرفته امکان‌پذیر است.
چنانچه صادرات کالا و خدمات واحد سرمایه‌پذیر از سوی دولت ممنوع شده یا بشود، ارز لازم برای انتقالات سرمایه‌گذاری خارجی از محل اعتبار ارزی خاصی که به همین منظور در اختیار سازمان سرمایه‌گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران قرار می‌گیرد، تأمین خواهد شد.

ماده ۴ ـ واگذاری نسبتهای مختلف سهام به سرمایه‌گذاران خارجی در شرکتهایی که در اجرای طرح سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به ثبت می‌رسند یا شرکتهای ثبت شده موجود که در جهت ارتقای تولید و ظرفیت، سرمایه‌گذاری خارجی در آنها صورت می‌گیرد، به شرح زیر مجاز است و درصد مشخص سهام سرمایه‌گذار خارجی در هر یک از شقوق زیر بر اساس توافق طرفین مشارکت تعیین خواهد شد.

الف ـ در طرحهای با هدف افزایش صادرات غیر نفتی، تکمیل حلقه‌های زنجیره‌ای تولید کشور و مجتمعهای معدنی و صنعتی، رونق بخشیدن به بازار رقابت و افزایش کیفیت کالا و خدمات و کاهش قیمتها تا هشتاد درصد (۸۰٪) سهام شرکتهای مشترک، قابل واگذاری به سرمایه‌گذاران خارجی است.

ب ـ طرحهای با هدف اکتشاف و بهره برداری از منابع زیرزمینی و معادن، حداکثر تا چهل و نه درصد (۴۹٪) سهام شرکتهای مشترک، قابل واگذاری به سرمایه‌گذاران خارجی است.

تبصره ۱ ـ افزایش سقف مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در طرحهای خاص به پیشنهاد هیأت رسیدگی به جلب سرمایه‌های خارجی و تصویب هیأت دولت انجام می‌شود.

تبصره ۲ ـ طرحهایی که از طریق روشهای: [بیع متقابل]، [ساخت ـ بهره برداری ـ واگذاری (B.O. T)، [ساخت ـ مالکیت ـ بهره‌برداری ـ واگذاری (B.O.O.T)] و سایر روشهای تأمین مالی طرح (Progect Financing) توسط سرمایه‌گذاران خارجی تأمین مالی و تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی اجرا می‌شوند، مشمول محدودیتهای واگذاری نسبتهای مختلف سهام به سرمایه‌گذاران خارجی نمی‌باشد.

ماده ۵ ـ سرمایه‌گذران خارجی می‌توانند بخشی از آورده خود را تحت عنوان تسهیلات مالی سهامداران خارجی تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی قرار دهند. اقساط اصل و سود تسهیلات مالی مزبور در چارچوب ماده (۳) این تصویبنامه قابل انتقال خواهد بود.

معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

آیین نامه استملاک اتباع خارجه[1]

مصوب سال ۱۳۲۸

ماده ۱ ـ اتباع خارجه که در ایران می‌خواهند ملکی برای محل سکونت یا صنعت یا کسب خود استملاک نمایند باید اظهارنامه‌ایی مشتمل بر مشخصات زیر به ادارهٔ ثبت محل وقوع آن ملک بدهند تا برای تحصیل اجازه به ادارهٔ کل ثبت فرستاده شود:

الف ـ نام و نام خانوادگی

ب ـ تابعیت فعلی در صورت تغییر تابعیت اصلی.

ج ـ تأهل و هرگاه تقاضا کننده مرد باشد تابعیت زن او قبل از ازدواج و در صورت داشتن اولاد، جنسیت، سن و تعداد آنها.

د ـ تاریخ ورود به ایران ـ مدت اقامت ـ نقاط مختلفی که در آنجا سکونت داشته با تعیین مشاغل قبلی و شغل فعلی.

هـ ـ محل اقامت دایمی

و ـ منظور از مالکیت که برای سکونت ـ صنعت یا محل کسب می‌باشد.

ز ـ نوع و مشخصات و مساحت و شمارهٔ پلاک ثبت و محل وقوع ملک.

ح ـ تقاضا کننده در تقاضای خود تعهد می‌نماید که هرگاه بخواهد محل اقامت دایمی خود را به خارج از ایران انتقال دهد باید ملک مورد تقاضای استملاک را حداکثر تا شش ماه از تاریخ خروج از ایران به یکی از اتباع ایران یا خارجیانی که طبق مقررات اجازهٔ استملاک تحصیل نموده‌اند انتقال دهد والا اداره ثبت مربوط با اجازهٔ ادارهٔ کل ثبت ملک را طبق مقررات مربوطه به مزایده املاک بیع شرطی از طریق مزایده به فروش رسانیده وجه آن را پس از وضع هزینه‌ها و عوارض قانونی به مالک خواهد پرداخت و هرگاه در مزایده خریداری پیدا نشد ادارهٔ کل ثبت مراتب را یک مرتبه در روزنامه رسمی کشور اعلام نموده و پس از انقضای مدت شصت روز از تاریخ اعلام ملک را به هر قیمت که خریدار داشته بشد به فروش رسانده وجه آن را به شرح مذکور در فوق به مالک خواهد پرداخت.

تبصره ـ ثبت ملک به نام ورثه متقاضی در دفتر املاک منوط به رعایت مقررات این آیین نامه و سپردن تعهد مذکور در بند «ح» می‌باشد.

ط ـ تعیین اینکه متقاضی و یا افراد خانوادهٔ او از اولاد و عیال و پدر و مادر که تحت تکفل وی هستند و با وی در یک محل سکونت و یا در کسب و صنعت شرکت دارند ملک دیگری در ایران

---

۱ ـ مجموعه قوانین سال ۱۳۲۸.

غیر از آنچه که مورد تقاضا است دارا می‌باشند یا به و یا اگر ملک دیگری دارند نوع و مشخصات و محل آن باید تعیین شود.

ی ـ گواهینامه اداره مربوطه دایر بر نداشتن پیشینهٔ کیفری که متضمن عدم محرومیت از جمیع یا بعضی از حقوق اجتماعی باشد.

ک ـ رونوشته پروانهٔ اقامت دایم که عکس متقاضی در آن الصاق و گواهی شده باشد.

ماده ۲ ـ در مواردی که تقاضا از طرف شرکت یا سایر مؤسسات خارجی مجاز داده می‌شود اظهار نامه باید دارای مشخصات زیر باشد:

الف ـ تابعیت ـ نوع شرکت یا مؤسسه ـ تاریخ تأسیس ـ میزان سرمایه ـ نوع عملیاتی که در ایران می‌نماید منظوری که از استملاک دارد.

ب ـ طبق قانون دولت متبوع خود شرکت یا مؤسسه شخصیت حقوقی داشته و در ایران نیز به ثبت رسیده باشد.

ج ـ تعیین این که شرکت یا مؤسسه غیر از ملک مورد تقاضا در ایران دارای ملک دیگری هست یا خیر.

د ـ مساحت ملک مورد تقاضا ـ مشخصات ـ نوع و شمارهٔ پلاک ثبت و محل وقوع آن.

هـ ـ شرکت یا مؤسسهٔ مجاز خارجی باید طبق مقررات بند (ح) مادهٔ یک تعهد بسپارد.

ماده ۳ ـ موافقت با تقاضای استملاک که طبق مقررات بالا تنظیم شده باشد منوط به رعایت مراتب زیر می‌باشد:

الف ـ تقاضا مخالف با مقررات عمومی دولت ایران نباشد.

ب ـ تقاضا مخالف قوانین ایران و انتظامات عمومی کشور نباشد.

ج ـ درکشور متبوع متقاضی اتباع و شرکتها و مؤسسات ایرانی هم حق استملاک داشته و بتوانند لااقل همان مقدار ملک را عملاً تحصیل نمایند.

د ـ مساحت ملک مورد تقاضا متناسب با تعداد خانواده و وضعیت اجتماعی و مالی و یا نوع کسب و صنعت و منظوری که برای آن تقاضای استملاک شده است باشد.

هـ ـ محل وقوع ملک مورد تقاضا در مناطق مرزی یا نقاطی که استملاک خارجیان بر طبق مقررات محدود یا ممنوع گردیده نباشد.

و ـ در مواردی که استملاک برای محل کار و کسب باشد باید طبق مقررات و قوانین ایران مباشرت به آن شغل مجاز بوده و در صورت لزوم پروانه اشتغال به آن شغل قبلاً تحصیل شده باشد.

ماده ۴ ـ ادارهٔ کل ثبت پس از رسیدگی به درخواست استملاک با ارسال رونوشت درخواست و ضمایم آن نظریهٔ خود را به وزارت امور خارجه اعلام و وزارتخانهٔ مزبور هم نسبت به رد یا قبول تقاضا اظهارنظر نموده و در صورت لزوم از مقام نخست وزیری کسب اجازه کرده و نتیجه را بعداً

به ادارهٔ کل ثبت اعلام خواهد داشت.

ماده ۵ - تقاضای استملاک برای محل سفارتخانه‌ها یا کنسولگریها یا مؤسسات وابسته به سفارتها باید از مجرای سیاسی به عمل آمده و موافقت با آن منوط به این خواهد بود که در کشور متبوع متقاضی نسبت به تقاضای مشابه دولت شاهنشاهی[1] معامله متقابله بشود و در هر حال اخذ تصمیم با هیأت وزیران بوده و در صورت قبول در خواست مراتب را وزارت امور خارجه به ادارهٔ کل ثبت اعلام خواهد داشت.

ماده ۶- در ادارهٔ کل ثبت دفتر مخصوصی برای ثبت صورت املاکی که با تحصیل اجازه طبق مقررات موضوعه به اتباع یا شرکتها و مؤسسات مجاز خارجی منتقل شده است تهیه می‌شود که نام و نام خانوادگی متقاضی و مشخصات ملک در آن قید شده و سپس جریان به وزارت امور خارجه اعلام می‌گردد تا در دفتر مخصوصی که در آن وزارتخانه برای این کار تهیه خواهد شد مراتب را به ثبت برساند.

تصویبنامه راجع به استملاک اتباع خارجه[2]

مصوب مهرماه سال ۱۳۴۲

۱- علاوه بر مواردی که در آیین نامه استملاک اتباع خارجه پیش بینی شده هیأت دولت می‌تواند پس از رسیدگی و موافقت کمیسیون خاصی که ضمن آیین نامه اجرایی این تصویبنامهٔ قانونی طریق و شرایط انتخاب اعضای آن تعیین می‌شود به کسانی که بدون داشتن پروانهٔ اقامت دایمی به منظور سیاحت و استفادهٔ ییلاقی به کشور ایران مسافرتهای منظم فصلی در سنوات متعدد و متوالی می‌نمایند نیز اجازه جرید مال غیر منقول برای محل سکونت شخصی با رعایت تناسبهای لازم بدهد مشروط بر این که برای خرید مال غیر منقول از ارزی که رسماً به کشور منتقل می‌نمایند به وسیلهٔ یکی از بانکهای مجاز استفاده نمایند.

۲ - مدلول مادهٔ یک این تصویبنامهٔ قانونی در مناطقی قابلیت اجرا خواهد داشت که دولت مقتضی بداند.

۳ - آیین نامهٔ اجرایی این تصویبنامه قانونی به وسیلهٔ وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری و وزارت کشور تنظیم و به موقع اجرا گذارده می‌شود.

۴ - وزارت امور خارجه مکلف است لایحه تحصیل مجوز قانونی این تصویبنامه را تهیه و

---

۱ - با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط نظام شاهنشاهی و یا توجه به دستورالعمل صادره، لازم است این ماده اصلاح و عبارت دولت شاهنشاهی به دولت جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود.

۲ - مجموعه قوانین سال ۱۳۴۲.

تقدیم دارد.

آیین نامه اجرایی راجع به استملاک اتباع بیگانه در ایران[1]

مصوب مردادماه سال ۱۳۴۴

در اجرای ماده ۳ تصویبنامهٔ قانونی مورخ ۴۲/۷/۱۳ راجع به استملاک اتباع بیگانه در ایران آیین نامهٔ شماره ۶/۱۷۸۱۰ مورخ ۴۲/۱۰/۲۳ لغو و آیین نامه اجرایی تصویبنامه مذکور به شرح زیر تصویب می‌شود:

ماده ۱ ـ بیگانگانی که به منظور سیاحت و استفادهٔ ییلاقی مسافرتهای منظم فصلی در سنوات متعدد و متوالی به ایران می‌نمایند هرگاه بخواهند در ایران محلی برای سکونت شخصی خریدار نمایند باید به ترتیب زیر اقدام نمایند.

ماده ۲ ـ متقاضیان تقاضای خود راکه باید حاوی نکات زیر باشد:

الف ـ نام و نام خانوادگی و محل اقامت و رونوشت شناسنامه یا رونوشت برگ هویت.

ب ـ تابعیت فعلی و در صورت تغییر تابعیت اصلی.

ج ـ مشخصات کامل محل مورد تقاضای خود را در استانها و فرمانداریهای کل به استانداری یا فرمانداری کل بر حسب مورد تقاضای واصله را حداکثر در ظرف یک ماه با نظر شورای امنیت محل رسیدگی نموده و نتیجه را به نخست وزیری[2] ارسال می‌دارند. ○

کلیهٔ تقاضاهای واصله به مرکز و استانها در کمیسیونی مرکب از نمایندگان نخست وزیری و وزارتخانه‌های کشور، دادگستری، امور خارجه در نخست وزیری مورد رسیدگی قرار گرفته و برای تصویب نهایی به هیأت وزیران تقدیم می‌شود تصمیم کمیسیون در مورد تقاضا قطعی است.

ماده ۳ ـ در صورتی که تقاضا مورد تصویب هیأت وزیران قرارگیرد مراتب توسط دفتر نخست وزیری به متقاضی و اداره ثبت کل و در شهرستانها به استانداری یا فرمانداری کل اعلام می‌شود. اداره ثبت کل مکلف است مراتب را حداکثر در ظرف یک هفته به ادارهٔ ثبت محل ابلاغ نماید.

ماده ۴ ـ خریدار مکلف است ثمن مورد معامله را از طریق انتقال یا فروش ارز به وسیلهٔ یکی از بانکهای مجاز تحصیل نماید. دفاتر اسناد رسمی مکلفند هنگام انجام معامله گواهی بانک مجاز را از خریدار مطالبه و مراتب را با ذکر مشخصات در سند قید نمایند.

---

۱ ـ مجموعه قوانین سال ۱۳۴۴.

۲ ـ بر اساس تغییرات مصوب سال ۱۳۵۸ در پاره‌ای از اصول قانون اساسی، نخست وزیری از تشکیلات سیاسی کشور حذف گردید.

تصویبنامه در خصوص الحاق عبارتی به ضوابط پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی[1]

شماره ۲۰۰۷۶/ت ۲۳۲۷۰ هـ ۱۳۷۹/۵/۱۸

وزارت امور اقتصادی و دارایی

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۶ با توجه به نظر رییس محترم مجلس شورای اسلامی (موضوع نامه شماره ۲۷۳۴ هـ/ب مورخ ۱۳۷۹/۵/۳) تصویب نمود:

در ماده (۳) تصویبنامه شماره ۴۵۲۷۱/ت ۲۲۰۲۱ هـ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۲ (موضوع ضوابط پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی)، پس از عبارت «انتقال سود و سایر انتقالات ارزی و سرمایه‌گذاری خارجی که»، عبارت «با رعایت بند (الف) ماده (۱۳) آیین‌نامه اجرایی قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی» اضافه می‌گردد.

معاون اول رییس‌جمهور ـ حسن حبیبی

مجازات اتباع خارجی از قانون اقدامات تأمینی

مصوب ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۹[2]

ماده ۱۰ ـ دادگاه می‌تواند در مورد هر خارجی که در ایران مرتکب جرمی گردیده ولی به علت غیر مسؤول بودن معاف از مجازات شناخته شود او را به منع اقامت در خاک ایران محکوم نماید.

ماده ۱۱ ـ دادگاه می‌تواند هر خارجی محکوم به حبس را پس از اجرای مجازات برای مدتی از سه تا پانزده سال محکوم به اخراج از خاک ایران نماید.

هرگاه خارجی به طور مشروط آزاد گردیده و در مدت آزادی مشروط از خود رفتار خوب بروز داده است دادگاه می‌تواند دستور اخراج او را لغو نماید.

در مورد تکرار جرم ممکن است دستور اخراج به طور دایم صادر شود.

---

۱ ـ نقل از شماره ۱۶۱۶۰ ـ ۱۳۷۹/۵/۲۷ روزنامه رسمی

۲ ـ روزنامه رسمی شماره ۴۵۰۲ مورخ ۱۳۳۹/۵/۸

قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزهای کشور

مصوب ۱۴ مهر ۱۳۶۷

ماده ۱ ـ هر کس دیگری را به طور غیر مجاز از مرز عبور دهد و یا موجبات عبور غیر مجاز دیگران را تسهیل یا فراهم نماید، مجرم و به یکی از کیفرهای ذیل محکوم خواهد شد:

الف ـ در صورتی که عمل عبوردهنده مخل امنیت باشد چنانچه در حد محاربه و افساد فی‌الارض نباشد به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.

ب ـ چنانچه شخص عبور داده شده از افراد ممنوع‌الخروج یا ممنوع‌الورود یا قاچاقچی باشد مرتکب به ۲ تا ۸ سال حبس و جریمه نقدی از ۲۵۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد.

ج ـ چنانچه فرد عبور داده شده محکوم به کیفر یا متهم به جرمی باشد که رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه کیفری [1] باشد، مرتکب به مجازات ۲ تا ۴ سال حبس محکوم خواهد شد.

د ـ در صورتی که فرد عبور داده شده غیر بالغ باشد، مرتکب به حبس از ۳ تا ۵ سال محکوم خواهد شد.

هـ ـ در صورتی که عمل مرتکب غیر از موارد فوق باشد، مرتکب به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ ـ در صورتی که عبوردهنده از کارکنان دولت و مؤسسات وابسته به دولت باشد و با سوء استفاده از سمت خود مرتکب این عمل شده باشد، علاوه بر مجازاتهای فوق به انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می‌گردد.

تبصره ۲ ـ علاوه بر مجازاتهای مقرر کلیه اموالی که از این طریق به دست آمده است طبق بند ۳ ماده ۵ قانون مجازاتهای اسلامی و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب مجلس شورای اسلامی عمل خواهد شد.

ماده ۲ ـ قانون تشدید مجازات عبوردهندگان اشخاص غیر مجاز از مرز مصوب ۱۳۴۴ و اصلاحات بعدی و قوانین مغایر با ماده و تبصره‌های فوق ملغی است.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۷۲۲۹ مورخه ۱۳۶۷/۸/۱۸

موادی از قانون ثبت علایم و اختراعات[1]

مصوب یکم تیرماه ۱۳۱۰

ماده ۲ ـ حق استعمال انحصاری علامت تجاری فقط برای کسی شناخته خواهد شد که علامت خود را به ثبت رسانیده باشد.

ماده ۳ ـ کسانی که در ایران دارای مؤسسات تجارتی، صناعتی یا فلاحتی هستند اعم از اتباع داخله یا خارجه در صورتی که علایم تجارتی آنها موافق شرایط ذیل ثبت شود از مزایای این قانون بهره‌مند خواهند شد.

ماده ۴ ـ کسانی که مؤسسات صنعتی یا تجارتی و یا فلاحتی آنان در خارج از ایران واقع است موافق شرایط ذیل می‌توانند از مزایای این قانون بهره‌مند شوند:

۱ ـ علایم خود را به موجب مقررات این قانون در ایران به ثبت برسانند.

۲ ـ مملکتی که مؤسسهٔ آنها در آنجا واقع شده به موجب عهدنامه و یا قوانین داخلی خود از علایم تجارتی ایران حمایت کنند.

ماده ۶ ـ کسی که تقاضای ثبت علامتی را می‌نماید باید شخصاً و یا توسط وکیل ثبت آن را از شعبهٔ مخصوصی که در دفتر محکمهٔ ابتدایی تهران برای این امر تشکیل می‌شود به موجب اظهارنامه بخواهد، این اظهارنامه باید بلافاصله بعد از تسلیم به شعبهٔ مزبور در دفتر خاصی ثبت و در مقابل آن رسید داده شود.

ماده ۱۷ ـ اگر اعتراض قبل از آنکه علامت معترض علیه به ثبت رسیده باشد به عمل آید باید به ترتیب و در موعدی که در نظامنامه مذکور در مادهٔ ۲۳ مقرر می‌شود به تقاضاکنندهٔ ثبت علامت ابلاغ گردد تا در صورتی که به اعتراض تسلیم نشده و تقاضای خود را مسترد ننمود معترض در مدت مقرر در نظامنامهٔ فوق‌الذکر به محکمهٔ ابتدایی تهران رجوع کند.

در مورد این ماده عملیات راجع به ثبت متوقف خواهد ماند لیکن هرگاه معترض در ظرف مدتی که به موجب نظامنامهٔ مذکور فوق مقرر می‌شود به محکمه رجوع ننمود و یا بعد از رجوع دعوای خود را تعقیب نکرد علامت به اسم معترض علیه ثبت و وجوهی که معترض تأدیه نموده به نفع دولت ضبط خواهد شد.

ماده ۱۸ ـ هرگاه اعتراض راجع به علامت ثبت شده باشد معترض باید مستقیماً در محکمهٔ ابتدایی تهران اقامه دعوی کرده و ابطال ثبت را تقاضا نماید.

ماده ۱۹ ـ جز در مواردی که به موجب نظامنامه‌های وزارت عدلیه استثناء شود اصول رسیدگی

---

۱ ـ منتشره در مجله رسمی شماره ۷۷۲ سال ۳۱۰ (صفحه ۴۷ مجموعه قوانین سال ۱۳۱۰).

مطابق اصول محاکمات تجارتی است و در هر حال حکم محکمه در حدود قوانین استیناف و تمیز خواهد بود.

تبصره ـ مفاد حکم قطعی باید به خرج محکوم‌له در مجلهٔ رسمی وزارت عدلیه و یکی از جراید یومیهٔ تهران منتشر شود محکوم‌له می‌تواند مخارج مزبور را در جزء خسارت از محکوم علیه مطالبه نماید.

ماده ۲۰ ـ هرگاه معترض ثابت کند که نسبت به علامت به واسطه سابقه استعمال مستمر قبل از تقاضای ثبت حق تقدم داشته محکمه حکم خواهد داد که آن علامت به اسم معترض ثبت شود و اگر علامت مورد اعتراض قبلاً در ادارهٔ ثبت اسناد به ثبت رسیده باشد محکمه حکم خواهد داد که ثبت سابق ابطال و علامت به نام معترض ثبت گردد.

ماده ۲۱ ـ ترتیبات مقررهٔ فوق در موردی نیز رعایت خواهد شد که اعتراض راجع به ثبت انتقال علامت یا به ثبت تغییر خود علامت و یا راجع به ثبت تغییر محصولاتی باشد که علامت برای تشخیص و امتیاز آن به‌کار می‌رود.

ماده ۲۲ ـ کسی که نسبت به ثبتهای راجع به علامتی از تاریخ ثبت تا سه سال اعتراض نکرده باشد دیگر نمی‌تواند نسبت به ثبت آن اعتراض نماید مگر اینکه ثابت کند معترض علیه در حین ثبت عالم بوده است به اینکه علامت را خود معترض یا کسی که به معترض علامت را انتقال داده قبلاً به طور مستمر استعمال کرده ولی هرگاه معترض علیه ثابت نماید که معترض قبل از انقضای مدت ۳ سال فوق از ثبت علامت اطلاع داشته است اعتراض معترض پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۲۹ ـ کسی که بدواً مطابق این قانون تقاضای ثبت اختراع به نام خود می‌نماید مخترع شناخته می‌شود مگر اینکه خلاف ادعای او در محاکم صلاحیت‌دار به ثبوت برسد.

ماده ۳۰ ـ مخترعی که در خارج ایران برای اختراع خود مطابق قوانین محل تحصیل ورقهٔ اختراع کرده می‌تواند در صورتی که مدت ورقهٔ مزبور منقضی نشده باشد در ایران نیز برای بقیه آن مدت تقاضای ورقه اختراع کند لیکن اگر اختراع مزبور را کسی یا مؤسسه‌ای در ایران قبل از تقاضای ثبت اختراع کلاً یا جزیاً به موقع عمل یا استفاده گذارد و یا مقدمات استفاده آن را تهیه کرده باشد مخترع نمی‌تواند از عملیات آن شخص یا مؤسسه جلوگیری کند.

ماده ۳۱ ـ مفاد مواد ۶ و ۷ و ۸ این قانون در مورد تقاضای ثبت اختراع نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۳۳ ـ مدت اعتبار ورقهٔ اختراع به تقاضای مخترع با ۱۰ یا ۱۵ و یا منتهی ۲۰ سال خواهد بود در مدت مزبور که باید صراحتاً در ورقهٔ اختراع قید شود مخترع یا قایم‌مقام قانونی او حق انحصاری ساخت یا فروش یا اعمال و یا استفاده از اختراع خود را خواهد داشت.

ماده ۳۶ ـ ورقه اختراع به هیچ وجه برای قابل استفاده بودن و یا جدید بودن و یا حقیقی بودن اختراع سندیت ندارد و همچنین ورقه مزبور به هیچ وجه دلالت بر این نمی‌کند که تقاضاکننده یا موکل او مخترع واقعی می‌باشد و یا شرح اختراع یا نقشه‌های آن صحیح است و اشخاص ذی

نفع می‌توانند نسبت به موارد مزبوره در محکمه ابتدایی تهران دعوی کرده خلاف آن را ثابت نمایند.

ماده ۳۷ ـ در موارد ذیل هر ذی نفعی می‌تواند به محکمهٔ ابتدایی تهران رجوع کرده و تقاضای صدور حکم بطلان ورقه اختراع را بنماید:

۱ ـ وقتی که اختراع، اختراع جدید نیست.

۲ ـ وقتی که ورقهٔ اختراع مخالف مقررات ماده ۲۸ صادر شده باشد.

۳ ـ وقتی که اختراع مربوط به طریقه‌های علمی صرف بوده و عملاً قابل استفاده صنعتی یا فلاحتی نباشد.

۴ ـ وقتی که پنج سال از تاریخ صدور ورقه اختراع گذشته و اختراع به موقع استفاده عملی گذاشته نشده باشد.

تبصره ـ هر اختراع یا هر تکمیل اختراع موجودی که قبل از تاریخ تقاضای ثبت خواه در ایران و خواه در خارجه در نوشتجات یا نشریاتی که در دسترس عموم است شرح و یا نقشه آن منتشر شده و یا به مورد عمل یا استفاده گذارده شده باشد اختراع جدید محسوب می‌گردد.

ماده ۳۸ ـ در مورد مواد ۳۶ و ۳۶ مفاد ماده ۱۹ لازم‌الرعایه خواهد بود.

ماده ۳۹ ـ دارنده ورقه اختراع می‌تواند ملکیت یا حق استفاده از موضوع اختراع خود را کلاً یا جزیاً به هر طریقی که بخواهد به دیگری منتقل نماید.

هر گاه ورقهٔ اختراع ارثاً منتقل شده باشد مالک جدید وقتی می‌تواند از مزایای این قانون بهره‌مند شود که این انتقال را به ثبت برساند.

ماده ۴۰ ـ هر گونه معامله راجع به ورقهٔ اختراع باید به موجب سند رسمی به عمل آمده و در دفتر ثبت اختراعات نیز ثبت شود والا آن معامله نسبت به اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.

هر گاه معامله در خارج ایران واقع گردد آن معامله در ایران نسبت به اشخاص ثالث وقتی معتبر خواهد بود که در ادارهٔ ثبت اسناد تهران ثبت شده باشد.

ماده ۴۶ ـ رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی مربوطه به اختراع یا علامات تجارتی در محاکم تهران به عمل خواهد آمد اگر چه در مورد دعاوی جزایی جرم در خارج از تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج تهران دستگیر شده باشد که در این موارد تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یا دستگیری متهم به عمل آمده و دوسیه برای رسیدگی به محاکم تهران ارجاع می‌شود.

ماده ۴۸ ـ طریق تأمین دلیل موارد و ترتیب توقیف محصولاتی که مخالف حق حاصل از ثبت علامات تجارتی یا حق اختراع باشد و همچنین موعدی که اگر بعد از تأمین یا توقیف اقامهٔ دعوی نشود تأمین یا توقیف باطل می‌گردد به موجب نظامنامه‌هایی که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود معین خواهد شد اعم از اینکه مطابق نظامنامه‌های مزبور مراجعی که برای انجام

این امور معین می‌شود مقامات قضایی باشند یا مأمورین کشوری از قبیل مأمورین گمرک و غیر آنها.

ماده ۴۹ ـ در مورد خساراتی که خواه از مجرای حقوقی و خواه از مجرای جزایی در دعاوی مربوطه به اختراعات و علایم تجارتی مطالبه می‌شود خسارات شامل ضررهای وارده و منافعی خواهد بود که طرف از آن محروم شده است.

قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی[1]

مصوب ۶ دی‌ماه ۱۳۵۲

ماده ۱ ـ حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم یا وارث قانونی اوست. مدت استفاده از این حقوق که به وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ مترجم سی سال است.

حقوق مذکور در این ماده قابل انتقال به غیر است و انتقال‌گیرنده از نظر استفاده از این حقوق قایم‌مقام انتقال‌دهنده برای استفاده از بقیه مدت از این حق خواهد بود. ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است.

ماده ۲ ـ تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق، ممنوع است.

ماده ۳ ـ نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قایم‌مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است.

حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود.

ماده ۴ ـ صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی در صورتی حمایت می‌شود که در روی هر نسخه یا جلد آن علامت بین‌المللی پ لاتین در داخل دایره و تاریخ انتشار و نام و نشانی تولیدکننده و نماینده انحصاری و علامت تجارتی ذکر شده باشد.

ماده ۵ ـ تکثیر و نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون به منظور استفاده در کارهای مربوط به آموزش یا تحقیقات علمی مجاز خواهد بود مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد و اجازه نسخه‌برداری از آنها قبلاً به تصویب وزارت فرهنگ و

---

۱ ـ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۸۴۶۴ مورخ ۱۳۵۲/۱۱/۱۳

هنر رسیده باشد.

تبصره ـ نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون در صورتی که برای استفاده شخصی و خصوصی باشد، بلامانع است.

ماده ۶ ـ در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایتهای مذکور در این قانون به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است.

ماده ۷ ـ اشخاصی که عالماً و عامداً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند علاوه بر تأدیه خسارت شاکی خصوصی به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد:

۱ ـ کسانی که خلاف مقررات مواد یک و دو سه این قانون عمل کنند.

۲ ـ کسانی که اشیای مذکور در ماده ۳ راکه به طور غیر مجاز در خارج تهیه شده به کشور وارد یا صادر کنند.

ماده ۸ ـ هرگاه متخلف از این قانون شخصی حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسؤول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد.

در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه‌التفاوت از اموال شخص حقیقی مسؤول جبران می‌شود.

ماده ۹ ـ مراجع قضایی مکلفند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی به تقاضای او نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع شکایت و ضبط آن تصمیم مقتضی اتخاذ کنند.

ماده ۱۰ ـ احکام مذکور در این قانون موقعی جاری است که آثار موضوع این قانون مشمول حمایتهای مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نباشد در غیر این صورت مقررات قانون مزبور نسبت به آثار موضوع این قانون ملاک خواهد بود.

ماده ۱۱ ـ مقررات این قانون در هیچ مورد حقوق اشخاص مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را نفی نمی‌کند و محدود نمی‌سازد.

ماده ۱۲ ـ تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون منوط به شکایت شاکی خصوصی است و با گذشت او تعقیب یا اجرای حکم موقوف می‌شود.

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان[۱]

مصوب ۱۱ دی‌ماه ۱۳۴۸

فصل یکم: تعاریف

ماده ۱ ـ از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند «پدیدآورنده» و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون درنظر گرفتن سلیقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به‌کار رفته «اثر» اطلاق می‌شود.

ماده ۲ ـ اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است:

۱ ـ کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری.

۲ ـ شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.

۳ ـ اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.

۴ ـ اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.

۵ ـ نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خطهای تزیینی و هرگونه اثر تزیینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد.

۶ ـ هرگونه پیکره (مجسمه).

۷ ـ اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان.

۸ ـ اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدیده آمده باشد.

۹ ـ اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم.

۱۰ ـ اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد.

۱۱ ـ اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد.

۱۲ ـ هرگونه‌اثرمبتکرانه دیگر که از ترتیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.

فصل دوم: حقوق پدیدآورنده

ماده ۳ ـ حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق

---

۱ ـ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۷۲۸۸ مورخ ۴۸/۱۱/۲۱ (صفحه ۵۹۸ مجموعه قوانین سال ۱۳۴۸).

بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.

ماده ۴ ـ حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است.

ماده ۵ ـ پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار کند:

۱ ـ تهیه فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و مانند آن.

۲ ـ نمایش صحنه‌ای مانند تیاتر و باله و نمایشهای دیگر.

۳ ـ ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا وسیله دیگر.

۴ ـ پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر.

۵ ـ ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب‌ریزی و مانند آن.

۶ ـ استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی.

۷ ـ به‌کاربردن اثر در فراهم‌کردن یا پدیدآوردن اثرهای دیگری که در مادهٔ دوم این قانون درج شده است.

ماده ۶ ـ اثری که با همکاری دو یا چند پدید آورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدید آورندگان است.

ماده ۷ ـ نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و اسناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است.

تبصره ـ ذکر مأخذ در مورد جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان آنها تهیه و تکثیر می‌شود الزامی نیست مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد.

ماده ۸ ـ کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات جمع‌آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیر انتفاعی اداره می‌شوند می‌توانند طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید از اثرهای مورد حمایت این قانون از راه عکسبرداری یا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه‌برداری کنند.

ماده ۹ ـ وزارت اطلاعات می‌تواند آثاری را که قبل از تصویب این قانون پخش کرده و یا انتشار داده است پس از تصویب این قانون نیز کماکان مورد استفاده قرار دهد.

ماده ۱۰ ـ وزارت آموزش و پرورش می‌تواند کتابهای درسی را که قبل از تصویب این قانون به موجب قانون کتابهای درسی چاپ و منتشر کرده است کماکان مورد استفاده قرار دهد.

ماده ۱۱ ـ نسخه‌برداری از اثرهای مورد حمایت این قانون مذکور در بند ۱ از ماده ۲ و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیر انتفاعی باشد مجاز است.

فصل سوم: مدت حمایت از حق پدید آورنده و حمایتهای قانونی دیگر

ماده ۱۲ ـ مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت.

تبصره ـ مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود.

ماده ۱۳ ـ حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش دهنده است مگر آنکه برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد.

تبصره ـ پاداش و جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی و هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه به آثار مورد حمایت این قانون موضوع این ماده تعلق می‌گیرد متعلق به پدید آورنده خواهد بود.

ماده ۱۴ ـ انتقال‌گیرنده حق پدید آورنده می‌تواند تا سی سال پس از واگذاری از این حق استفاده کند مگر اینکه برای مدت کمتر توافق شده باشد.

ماده ۱۵ ـ در مورد مواد ۱۳ و ۱۴ پس از انقضای مدتهای مندرج در آن مواد استفاده از حق مذکور در صورت حیات پدید آورنده متعلق به خود او و در غیر این صورت تابع ترتیب مقرر در ماده ۱۲ خواهد بود.

ماده ۱۶ ـ در موارد زیر حقوق مادی پدید آورنده از تاریخ نشر یا عرضه به مدت سی سال مورد حمایت این قانون خواهد بود:

۱ ـ اثرهای سینمایی یا عکاسی.

۲ ـ هرگاه اثر متعلق به شخص حقوقی باشد یا حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد.

ماده ۱۷ ـ نام و عنوان و نشان ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که الغای شبهه کند به‌کار برد.

ماده ۱۸ ـ انتقال‌گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدید آورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر اینکه پدید آورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

ماده ۱۹ ـ هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدید

آورنده ممنوع است.

ماده ۲۰ ـ چاپخانه‌ها و بنگاههای ضبط صوت و کارگاهها و اشخاصی که به چاپ یا نشر یا پخش یا ضبط و یا تکثیر اثرهای مورد حمایت این قانون می‌پردازند باید شماره دفعات چاپ و تعداد نسخه کتاب یا ضبط یا تکثیر یا پخش یا انتشار و شماره مسلسل روی صفحه موسیقی و صدا را بر تمام نسخه‌هایی که پخش می‌شود با ذکر تاریخ و نام چاپخانه یا بنگاه و کارگاه مربوط بر حسب مورد درج نمایند.

ماده ۲۱ ـ پدید آورندگان می‌توانند اثر و نام و عنوان و نشانه ویژه خود را در مراکزی که وزارت فرهنگ و هنر با تعیین نوع آثار آگهی می‌نمایند به ثبت برسانند.

آیین‌نامه چگونگی و ترتیب انجام‌یافتن تشریفات ثبت و همچنین مرجع پذیرفتن درخواست ثبت به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۲ ـ حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین‌بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد.

فصل چهارم: تخلفات و مجازاتها

ماده ۲۳ ـ هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵ ـ متخلفین از مواد ۱۷ ـ ۱۸ ـ ۱۹ ـ ۲۰ این قانون به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶ ـ نسبت به متخلفان از مواد ۱۷ ـ ۱۸ ـ ۱۹ ـ ۲۰ این قانون در مواردی که به سبب سپری شدن مدت حق پدیدآورنده استفاده از اثر با رعایت مقررات این قانون برای همگان آزاد است. وزارت فرهنگ و هنر عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت.

ماده ۲۷ ـ شاکی خصوصی می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه او آگاهی شود.

ماده ۲۸ ـ هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسؤول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه‌التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود.

ماده ۲۹ ـ مراجع قضایی می‌توانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین

دادگستری بدهند.

ماده ۳۰ـ اثرهایی که پیش از تصویب این قانون پدید آمده از حمایت این قانون برخوردار است اشخاصی که بدون اجازه از اثرهای دیگران تا تاریخ تصویب این قانون استفاده یا بهره‌برداری کرده‌اند حق نشر یا پخش یا تکثیر یا ارایه مجدد یا فروش آن آثار را ندارند مگر با اجازه پدیدآورنده یا قایم‌مقام او با رعایت این قانون، متخلفین از حکم این ماده و همچنین کسانی که برای فرار ازکیفر به تاریخ مقدم بر تصویب این قانون اثر را به چاپ رسانند یا ضبط یا تکثیر یا از آن بهره‌برداری کنند به کیفر مقرر در ماه ۲۳ محکوم خواهند شد.

دعاوی و شکایاتی که قبل از تصویب این قانون در مراجع قضایی مطرح گردیده به اعتبار خود باقی است.

ماده ۳۱ـ تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او موقوف می‌شود.

ماده ۳۲ـ مواد ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون مجازات عمومی ملغی است.

ماده ۳۳ـ آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون از طرف وزارت فرهنگ و هنر وزارت دادگستری و وزارت اطلاعات تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان

مصوب ۴ دی‌ماه ۱۳۵۰ هیأت وزیران[۱]

فصل اول: مقررات عمومی تنظیم اظهارنامه ثبت اثر

ماده اول ـ ثبت اثر طبق درخواست‌نامه چاپی که از طرف وزارت فرهنگ و هنر تهیه و در اختیار درخواست‌کننده ثبت اثر گذارده می‌شود به عمل می‌آید و باید در دو نسخه به زبان فارسی نوشته و امضاء شده و حاوی نکات زیر باشد:

الف ـ نام و نام خانوادگی و تابعیت و اقامتگاه و شماره و محل صدور شناسنامه و تاریخ تولید پدیدآورنده و یا شخصی که به اعتبار قانون فوق‌الذکر قایم‌مقام پدیدآورنده اصلی اثر می‌باشد و هرگاه درخواست‌کننده شخص حقوقی باشد نام و شماره ثبت و اقامتگاه قانونی شخص حقوقی.

ب ـ در صورتی که درخواست‌نامه از طرف وکیل یا نماینده قانونی اشخاص مذکور در بند الف داده شود علاوه بر مشخصات موکل نام و نام خانوادگی و تابعیت و اقامتگاه وکیل.

پ ـ تاریخ پدیدآمدن اثر با قید روز و ماه و سال به نحوی که اثر برای چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا آماده شده باشد.

---

۱ ـ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۷۸۵۵ مورخ ۵۰/۱۰/۲۶ (صفحه ۱۶۷ ـ آ مجموعه قوانین سال ۱۳۵۰)

ت ـ در صورتی که اثر مشترک باشد ذکر نام و مشخصات پدیدآورندگان به ترتیب مذکور در بند الف بالا.

ث ـ در صورتی که ثبت نام یا عنوان یا علامت ویژه اثر نیز مورد تقاضا باشد در مورد نام و عنوان ذکر کلمه یا عبارت مورد تقاضا و در مورد علامت یا نشانه ویژه توصیف کامل آن به انضمام سه نسخه نمونه یا عکس در اندازه و رنگ اصلی و کلیشه آن.

ج ـ تعیین نوع اثر و اعلام آنکه اثر مشمول کدامیک از انواع آثار مذکور در ماده ۲ قانون می‌باشد.

فصل دوم: مقررات اختصاصی تقاضای ثبت اثر

ماده دوم ـ درخواست‌کننده ثبت اثر علاوه بر تنظیم درخواست‌نامه به شرح مندرج در فصل اول باید اطلاعات و مدارکی را که به اعتبار نوع اثر در این فصل تعیین می‌شود همراه درخواست‌نامه تسلیم نمایند:

الف ـ در مورد کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و ادبی و هنری و همچنین در مورد شعر و ترانه و سرود و تصنیف موضوع بندهای ۱ و ۲ ماده دوم قانون: دو نسخه کامل خطی یا ماشین شده یا چاپ شده یا فتوکپی اثر.

ب ـ در مورد اثر سمعی و بصری به منظور اجراء در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو و تلویزیون موضوع بند ۳ ماده دوم قانون: دو نسخه از اثر به هر ترتیبی که برای اجرای نوشته یا ضبط یا نشر شده است.

پ ـ در مورد اثر موسیقی موضوع بند ۴ ماده دوم قانون: دو نسخه اصل یا فتوکپی یا خطی از نت اثر در صورتی که نت داشته باشد به انضمام گفتار آن اگر باشد به علاوه دو نسخه اثر روی صفحه یا نوار.

ت ـ در مورد نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته و خطهای تزیینی و هرگونه اثر تزیینی و اثر تجسمی موضوع بند ۵ ماده دوم قانون:

۱ ـ دو نسخه عکس رنگی از اصل اثر مشروط بر اینکه ابعاد عکس از ۲۴ × ۱۸ سانتیمتر تجاوز نکند.

۲ ـ تعیین آنکه اثر منطبق با کدامیک از آثار مذکور در بند ۵ ماده دوم قانون می‌باشد.

۳ ـ شرح و توصیف کافی برای شناسایی و تشخیص اثر.

ث ـ در مورد پیکره (مجسمه) موضوع بند ۶ ماده قانون:

دو نسخه عکس رنگی اثر به ابعاد ۲۴ × ۱۸ سانتیمتر با ذکر مواد و مصالحی که در ساختن پیکره به‌کار رفته و تعیین ابعاد و اندازه حقیقی و وزن آن.

ج ـ در مورد اثر معماری موضوع بند ۷ ماده دوم قانون:

دو نسخه نقشه کامل همراه نقشه‌های تفصیلی و اجرایی اثر مربوط به طرح اصلی بنا و تزیینات

آن و جزییات اثر منحصراً در مواردی که ثبت آن مورد تقاضاست با شرح و توصیف کامل تا حدی که شناسایی اثر در کلیات و جزییات مورد نظر درخواست‌کننده ممکن باشد در صورتی که درخواست ثبت مربوط و منحصر به قسمتی از بنا یا ساختمان یا تزیینات آن باشد باید روی نقشه‌های اصلی به طور وضوح مشخص شود و در مورد تزیینات طرح آن باید رنگی باشد.
چ ـ در مورد اثر عکاسی موضوع بند ۸ ماده دوم قانون:
دو نمونه کامل از اثر که حداکثر ابعاد آن از ۲۴ × ۱۸ سانتیمتر تجاوز نکند.
ح ـ در مورد اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم موضوع بند ۹ ماده دوم قانون:
دو قطعه عکس رنگی یا دو نسخه کپی از اثر به اندازه ۲۴ × ۱۸ سانتیمتر.
خ ـ در مورد اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه یا میراث فرهنگی و هنری ملی پدید آمده باشد و همچنین اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد موضوع بندهای ۱۰ و ۱۱ ماده دوم قانون:
نظر به اینکه اثر پس از پدیدآمدن به صورت یکی از آثار مندرج در ماده دوم یا ترکیبی از آنها خواهد بود درخواست‌کننده ثبت با توجه به نوع اثر و ارتباط آن با یک یا چند نوع از آثار مذکور در ماده دوم قانون باید اطلاعات و مدارک خاص همان نوع یا انواع را تسلیم کند.
د ـ در مورد آثار سینمایی یک نسخه کامل از اثر با ذکر نام و مشخصات.
تبصره ـ در کلیه مواد مذکور در فصل اول و این فصل در صورتی که متقاضی توضیحات خاصی را برای معرفی اثر و چگونگی پیدایش آن لازم بداند می‌تواند در برگ جداگانه‌ای درج و همراه اظهارنامه تسلیم کند.

فصل سوم: مرجع ثبت و اقدامات ثبتی

ماده سوم ـ درخواست‌کننده اثر باید درخواستنامه ثبت را به ترتیب مندرج در فصل اول و دوم این آیین‌نامه تنظیم و در مرکز به وزارت فرهنگ و هنر و در شهرستانها به ادارات فرهنگ و هنر یا نماینده تعیین شده از طرف وزارت فرهنگ و هنر تسلیم و رسید اخذ کند.
ماده چهارم ـ مراجع دریافت درخواستنامه ثبت اثر کلیه درخواستنامه‌ها به واحد امور مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در وزارت فرهنگ و هنر ارسال خواهند نمود. واحد مزبور به درخواستنامه‌های رسیده ظرف مدت ۱۵ روز رسیدگی و اگر درخواستنامه مطابق مقررات فصل اول و دوم تنظیم شده باشد و اثر قبلاً به ثبت نرسیده باشد آنها را در دفتر مخصوص ثبت اثرها ثبت نموده و گواهینامه ثبت اثر را با قید روز و ساعت تسلیم درخواست به نام درخواست‌کننده صادر و به وی تسلیم و رسید اخذ کند.
در صورتی که درخواستنامه مطابق مقررات فصل اول و دوم بالا تنظیم نشده باشد موارد نقض یا ایراد کتباً با پست سفارشی به درخواست‌کننده ابلاغ و تا زمانی که درخواست‌کننده اقدام به رفع

نقص یا ایراد نکند درخواست ثبت بلااقدام خواهد ماند.

ماده پنجم - وزارت فرهنگ و هنر مکلف است در آخر هر ماه فهرستی از کلیه آثار ثبت شده در همان ماه را در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار روزانه تهران برای اطلاع عموم آگهی کند. فهرست مزبور در هر مورد به طور اختصار شامل نام درخواست‌کننده و تاریخ ثبت و نوع اثر و معرفی موضوع آن خواهد بود. قبول درخواست ثبت اثر و همچنین ثبت آن مانع اعتراض و ادعای حق از ناحیه دیگر اشخاص نخواهد بود.

ماده ششم - درخواست‌کننده می‌تواند قبل یا بعد از ثبت اثر تقاضای تغییر و اصلاح تکمیل یا ابطال آن را بنماید. در این صورت وزارت فرهنگ و هنر به نحو مذکور در ماده پنجم آگهی خواهد کرد.

ماده هفتم - هزینه آگهی ثبت اثر و مواد تغییر، اصلاح، تکمیل و یا ابطال آن به عهده درخواست‌کننده و ذی نفع خواهد بود.

فصل سوّم

قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل عمومی

قانون اساسی و حقوق بین‌الملل عمومی
از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
مصوب ششم مردادماه ۱۳۶۸ [1]

اصل نهم - در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل یازدهم - به حکم آیه «ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون» همهٔ مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایهٔ ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل چهاردهم - به حکم آیه شریفه «لاینهاکم اللّه عن الذین لم‌یقاتلوکم فی الدین و لم‌یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان اللّه یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنها را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

اصل چهل و دوم - اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

اصل هفتاد و هفتم - عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتهای بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هشتادم - گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.

اصل هشتاد و یکم - دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان ممنوع است.

اصل هشتاد و دوم - استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد

---

۱ - روزنامه رسمی شماره ۱۲۹۵۷ مورخ ۱۳۶۸/۶/۶

ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

اصل یکصد و بیست و پنجم - امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رییس جمهور یا نمایندهٔ قانونی اوست.

اصل یکصد و سی و نهم - صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و چهل و پنجم - هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

اصل یکصد و چهل و ششم - استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هرچند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد، ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاه و دوم - سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همهٔ مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت غیر محارب استوار است.

اصل یکصد و پنجاه و سوم - هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی و فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاه و پنجم - دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند، پناه دهد، مگر اینکه بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شود.

قانون داوری تجاری بین‌المللی[1]

مصوب ۲۶ شهریور ۱۳۷۶ م

مصوب ۹ مهرماه ۱۳۷۶ ش. ن.

فصل اول: مقررات عمومی

ماده ۱ - تعاریف و قواعد تفسیر

تعریف اصطلاحاتی که در این قانون به‌کار رفته است به قرار ذیل می‌باشد:

الف - «داوری» عبارت است از: رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا

---

۱ - منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۵۳۳۵ مورخ ۱۳۷۶/۷/۲۸

اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی‌الطرفین و یا انتصابی.
ب ـ داوری بین‌المللی عبارت است از: اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد.
ج ـ «موافقتنامه داوری» توافقی است بین طرفین که به موجب آن تمام یا بعضی از اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی به وجود آمده یا ممکن است پیش آید، به داوری ارجاع می‌شود. موافقت‌نامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد.
د ـ «داور» اعم از داور واحد یا هیأت داوران است.
هـ ـ منظور از «دادگاه» در این قانون یکی از دادگاههای تشکیلات قضایی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.
و ـ در هر مواردی که در این قانون به توافق موجود بین طرفین یا توافقی که بعد حاصل شود اشاره شده باشد، مراتب مشمول مقررات داوری مصرحه در آن توافق نیز خواهد بود.

ماده ۲ ـ قلمرو اجرا

۱ ـ داوری اختلافات در روابط تجاری بین‌المللی اعم از خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره‌ای، سرمایه‌گذاری، همکاریهای فنی، نمایندگی، حق‌العمل کاری، پیمانکاری و فعالیتهای مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت.
۲ ـ کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند داوری اختلافات تجاری بین‌المللی خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله که باشد با تراضی، طبق مقررات این قانون به داوری ارجاع کنند.

ماده ۳ ـ ابلاغ اوراق و اخطاریه‌ها

در صورتی که بین طرفین راجع به نحوه و مرجع ابلاغ اوراق مربوط به داوری توافقی صورت نگرفته باشد، به یکی از طرق ذیل عمل خواهد شد:
الف ـ در داوری سازمانی، نحوه و مرجع ابلاغ مطابق مقررات سازمان مزبور خواهد بود.
ب ـ داور می‌تواند رأساً نحوه و مرجع ابلاغ را مشخص کند و بر اساس آن اوراق داوری را برای طرفین ارسال دارد.
ج ـ متقاضی داوری می‌تواند درخواست ارجاع امر به داوری را از طریق نامه سفارشی دوقبضه، پیام تصویری، تلکس و تلگرام و اظهارنامه و نظایر آن برای طرف دیگر ارسال دارد، درخواست مزبور وقتی ابلاغ شده محسوب می‌شود که:
۱ ـ وصول آن به مخاطب محرز باشد.
۲ ـ مخاطب بر طبق مفاد درخواست اقدامی کرده باشد.

۳ ـ مخاطب نفیاً یا اثباتاً پاسخ مقتضی داده باشد.

ماده ۴ ـ شروع جریان داوری

الف ـ داوری از زمانی شروع می‌شود که درخواست داوری بر اساس مفاد ماده (۳) این قانون به خوانده داوری ابلاغ شده باشد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ب ـ جز در مواردی که ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد، درخواست داوری باید حاوی نکات ذیل باشد:

۱ ـ درخواست ارجاع اختلاف به داوری.

۲ ـ نام و نشانی طرفین.

۳ ـ بیان ادعا و خواسته آن.

۴ ـ شرط داوری و یا موافقتنامه داوری.

درخواست داوری ممکن است حاوی اطلاعاتی در مورد تعداد داوران و چگونگی انتخاب آنان به شرح مذکور در فصل سوم این قانون و همچنین راجع به موافقتنامه‌ها، قراردادها و یا وقایعی که موجب بروز اختلاف شده است، باشد.

ماده ۵ ـ انصراف از حق ایراد

در صورتی که هریک از طرفین با علم به عدم رعایت مقررات غیر آمره این قانون و یا شرایط قابل عدول موافقتنامه داوری، داوری را ادامه دهد و ایراد خود را فوراً و یا در مهلتی که به این منظور تعیین شده است، اقامه نکند، چنین تلقی خواهد شد که از حق ایراد صرف نظر کرده است.

ماده ۶ ـ مرجع نظارتی

۱ ـ انجام وظایف مندرج در ماده (۹)، بندهای (۳) و (۴) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳)، بند (۱) ماده (۱۴)، بند (۳) ماده (۱۶)، ماده (۳۳) و ماده (۳۵) به عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقر داوری در آن قرار دارد و تا زمانی که مقر داوری مشخص نشده، به عهده دادگاه عمومی تهران است.

تصمیمات دادگاه در این موارد قطعی و غیر قابل اعتراض است.

۲ ـ در داوریهای سازمانی انجام وظایف مندرج در بندهای (۲) و (۳) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳) و بند (۱) ماده (۱۴) به عهده سازمان داوری مربوط است.

فصل دوم: موافقت‌نامه داوری

ماده ۷ ـ شکل موافقت‌نامه داوری

موافقت‌نامه داوری باید طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد، یا مبادله‌نامه، تلکس، تلگرام، یا نظایر آنها بر وجود موافقتنامه مزبور دلالت نماید. یا یکی از طرفین طی مبادله درخواست یا دفاعیه، وجود آن را ادعا کند و طرف دیگر عملاً آن را قبول نماید. ارجاع به سندی در قرارداد

کتبی که متضمن شرط داوری باشد نیز به منزله موافقتنامه مستقل داوری خواهد بود.

ماده ۸ ـ موافقتنامه داوری و دعوای مطروحه نزد دادگاه

دادگاهی که دعوای موضوع موافقتنامه داوری نزد آن اقامه شده است باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوای طرفین را به داوری احاله نماید، مگر اینکه احراز کند که موافقتنامه داوری باطل و ملغی‌الاثر یا غیر قابل اجرا می‌باشد.

طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داوری نخواهد بود.

ماده ۹ ـ موافقتنامه داوری و قرار تأمین یا دستور موقت

هریک از طرفین، قبل یا حین رسیدگی داوری می‌تواند از رییس دادگاه موضوع ماده (۶) صدور قرار تأمین و یا دستور موقت را درخواست نماید.

فصل سوم: ترکیبات هیأت داوری

ماده ۱۰ ـ تعداد داوران

تعیین تعداد داوران بر عهده طرفین اختلاف است. در صورت عدم تعیین، هیأت داوری مرکب از سه عضو خواهد بود.

ماده ۱۱ ـ تعیین داوران

۱ ـ طرفهای اختلاف می‌توانند با توجه و رعایت مقررات بندهای (۳) و (۴) این ماده در مورد روش تعیین داور توافق نمایند. طرف ایرانی نمی‌تواند مادامی که اختلاف ایجاد نشده است به نحوی از انحا ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داوری یک یا چند نفر مرجوع نماید که آن شخص یا اشخاص دارای همان تابعیتی باشند که طرف یا اطراف وی دارند.

۲ ـ در صورت نبودن چنین توافقی به ترتیب زیر اقدام خواهد شد:

الف ـ برای تعیین هیأت داوری، هر طرف داور خود را انتخاب می‌کند و داوران منتخب، سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه یکی از طرفین ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ شروع داوری، داور خود را تعیین و قبول وی را تحصیل نکند یا اگر داوران منتخب نتوانند ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ انتخاب در مورد سرداور توافق و قبولی وی را تحصیل نمایند، بنا به تقاضای یکی از طرفین حسب مورد تعیین داور طرف ممتنع یا سرداور طبق مقررات ماده (۶) صورت خواهد گرفت.

ب ـ در داوری یک نفره، اگر طرفین نتوانند در مورد انتخاب داور به توافق برسند، داور بنا به تقاضای یکی از طرفین توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین خواهد شد.

۳ ـ هرگاه براساس روش تعیین داور که مورد توافق طرفین قرار گرفته است، یکی از طرفین اقدام ننماید یا طرفین و یا داوران منتخب به توافق نرسند و یا اینکه شخص ثالث، اعم از حقیقی یا

حقوقی به وظیفه‌ای که در این خصوص به وی محول شده است، عمل ننماید، هرکدام از طرفین می‌تواند برای اتخاذ تصمیم به مرجع موضوع ماده (۶) مراجعه نماید، مگر اینکه طریق دیگری مورد توافق طرفین قرارگرفته باشد.

۴ ـ مقام ناصب باید کلیه شرایطی راکه طرفین در موافقتنامه برای تعیین «داور» مقرر داشته‌اند رعایت نموده و استقلال و بی‌طرفی «داور» را ملحوظ نماید. در هر صورت سرداور را باید از اتباع کشور ثالث انتخاب نماید و داور طرف ممتنع از بین اتباع کشور طرف دیگر منصوب نخواهد شد.

۵ ـ هرگاه در موافقتنامه داوری طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف شخص یا اشخاص معینی داوری نمایند و آن شخص و یا اشخاص نخواهند یا نتوانند به عنوان داور رسیدگی کنند، موافقتنامه داوری ملغی‌الاثر خواهد بود، مگر آنکه طرفین به داوری شخص یا اشخاص دیگری تراضی کنند یا به نحو دیگر توافق کرده باشند.

۶ ـ در مواردی که داوری بیش از دو طرف داشته باشد و طرفها به نحو دیگر توافق ننموده باشند هیأت داوری به ترتیب زیر تعیین خواهد شد:

الف ـ خواهان یک داور تعیین خواهد کرد و در صورت تعدد، خواهانها مشترکاً یک داور تعیین خواهند کرد. داور خوانده یا خواندگان نیز به همین روش تعیین می‌شود.

چنانچه خواهانها یا خواندگان در مورد داور خود به توافق نرسند داور هریک از طرفین (خواهانها یا خواندگان) به وسیله مرجع موضوع ماده (۶) تعیین خواهد شد.

ب ـ تعیین سرداور بر عهده داوران منتخب است و در صورتی که به توافق نرسند سرداور توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین می‌شود.

ج ـ هرگاه در مورد خواهان یا خوانده‌بودن یک یا چند طرف داوری، اختلاف باشد هیأت داوری مرکب از سه نفر به انتخاب مرجع موضوع ماده (۶) خواهد بود.

د ـ سایر موارد در داوریهای چندجانبه از جمله جرح و قصور تابع مقرراتی است که برای داوریهای دوجانبه مقرر شده است.

ماده ۱۲ ـ موارد جرح داور

۱ ـ «داور» در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی‌طرفی و استقلال او شود، و یا اینکه واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است، نباشد. هر طرف صرفاً به استناد عللی که پس از تعیین «داور» از آنها مطلع شده، می‌تواند داوری راکه خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند.

۲ ـ شخصی که به عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می‌گیرد، باید هرگونه اوضاع و احوالی راکه موجب تردید موجه در مورد بی‌طرفی و استقلال او می‌شود، افشا نماید. «داور» باید از موقع انتصاب به عنوان «داور» و در طول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تأخیر

به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد.

ماده ۱۳ ـ تشریفات جرح

۱ ـ طرفین می‌توانند در مورد تشریفات جرح «داور» توافق نمایند.

۲ ـ در صورت نبودن چنین توافقی، طرفی که قصد جرح «داور» را دارد باید ظرف (۱۵) روز از تاریخ اطلاع از تشکیل «داوری» یا اطلاع از هرگونه اوضاع و احوال مذکور در بند (۱) ماده (۱۳) دلایل جرح را طی لایحه‌ای به «داور» اعلام کند. «داور» در مورد جرح اتخاذ تصمیم می‌کند، مگر اینکه «داور» مورد جرح از سمت خود کناره‌گیری کند و یا طرف مقابل نیز جرح را بپذیرد.

۳ ـ جرحی که با رعایت تشریفات بندهای (۱) و (۲) این ماده به عمل آمده است اگر مورد قبول قرار نگیرد، طرفی که «داور» را جرح کرده می‌تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از دریافت اخطاریه حاوی تصمیم مربوط به رد جرح، از مرجع موضوع ماده (۶) درخواست نماید که نسبت به جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. مادام که چنین درخواستی تحت رسیدگی است «داور» می‌تواند جریان داوری را ادامه داده و رأی نیز صادر کند.

ماده ۱۴ ـ قصور و یا عدم امکان انجام وظیفه

۱ ـ اگر یک داور به موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد و یا بنا به علل دیگری موفق به انجام وظایفش بدون تأخیر موجه نشود، مسوولیت وی خاتمه می‌یابد. چنانچه در تحقق موارد مذکور بین طرفین اختلاف باشد هریک از آنها می‌تواند از مرجع مذکور در ماده (۶) درخواست کند که در مورد ختم مأموریت «داور» مزبور اتخاذ تصمیم نماید.

۲ ـ صرف کناره‌گیری و یا موافقت طرف دیگر یا ختم مأموریت «داور» به معنای قبول اعتبار و صحت دلایل جرح، قصور، یا عدم قدرت بر انجام وظیفه نخواهد بود.

ماده ۱۵ ـ تعیین داور جانشین

هرگاه مأموریت یک «داور» به موجب مواد (۱۳) یا (۱۴) یا به علت کناره‌گیری، یا به لحاظ توافق طرفین در خصوص لغو مأموریت او و یا به جهات و دلایل دیگری خاتمه پذیرد «داور» جانشین مطابق مقررات حاکم بر تعیین داوری که تغییر یافته است، تعیین می‌شود.

فصل چهارم: صلاحیت «داور»

ماده ۱۶ ـ اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت

۱ ـ «داور» می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. شرط داوری که به صورت جزیی از یک قرارداد باشد از نظر اجرای این قانون به عنوان موافقتنامه‌ای مستقل تلقی می‌شود، تصمیم «داور» در خصوص بطلان و ملغی‌الاثر بودن قرارداد فی‌نفسه به منزله عدم اعتبار شرط داوری مندرج در قرارداد نخواهد بود.

۲ ـ ایراد به صلاحیت «داور» نباید مؤخر از تسلیم لایحه دفاعیه باشد. صرف تعیین «داور» و یا

مشارکت در تعیین وی توسط هریک از طرفین مانع از ایراد صلاحیت نخواهد بود ایراد به خروج «داور» از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داوری باید به محض بروز آن عنوان شود «داور» می‌تواند در هر کدام از موارد مذکور، ایراد خارج از موعد را نیز بپذیرد، مشروط بر آنکه تأخیر را موجه تشخیص دهد.

۳ ـ در صورت ایراد به اصل صلاحیت و یا به وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری (جز در صورتی که طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند) «داور» باید به عنوان یک امر مقدماتی، قبل از ورود به ماهیت دعوی نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند، اتخاذ تصمیم در مورد ایراد خروج «داور» از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث شود ممکن است در ضمن رأی ماهوی به عمل آید. چنانچه «داور» به عنوان یک امر مقدماتی به صلاحیت خود نظر بدهد، هریک از طرفین می‌تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از وصول ابلاغیه آن از دادگاه مندرج در ماده (۶) درخواست کند که نسبت به موضع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. مادام که درخواست مزبور در دادگاه تحت رسیدگی است «داور» می‌تواند به رسیدگی خود ادامه دهد و رأی نیز صادر کند.

ماده ۱۷ ـ اختیار «داور» برای صدور دستور موقت

«داور» می‌تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر نماید، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند «داور» می‌تواند مقرر نماید که متقاضی تأمینی مناسب بسپارد. در هر دو صورت چنانچه طرف دیگر تأمینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد «داور» از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد.

فصل پنجم: نحوه رسیدگی داوری

ماده ۱۸ ـ رفتار مساوی با طرفین

رفتار با طرفین باید به نحوه مساوی باشد و به هرکدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارایه دلایل داده شود.

ماده ۱۹ ـ تعیین قواعد رسیدگی

۱ ـ طرفین می‌توانند به شرط رعایت مقررات آمره این قانون در مورد آیین رسیدگی داوری توافق نمایند.

۲ ـ در صورت نبودن چنین توافقی «داور» با رعایت مقررات این قانون، داوری را به نحوه مقتضی اداره و تصدی می‌نماید. تشخیص ارتباط، موضوعیت و ارزش هرگونه دلیل بر عهده «داور» است.

ماده ۲۰ ـ محل داوری

۱ ـ داوری در محل مورد توافق طرفین انجام می‌شود. در صورت عدم توافق محل داوری با

توجه به اوضاع و احوال دعوا، و سهولت دسترسی طرفین، توسط «داور» تعیین می‌شود.
۳ - «داور» می‌تواند برای شور بین اعضاء، استماع شهادت شهود و کارشناسان طرفین، یا بازرسی کالا و سایر اموال و یا اسناد و مدارک، در هر محلی که خود مقتضی بداند تشکیل جلسه دهد، مگر طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۲۱ - زبان

طرفین می‌توانند در مورد زبان یا زبانهای مورد استفاده در رسیدگی داوری توافق نمایند. در غیر این صورت «داور» زبان یا زبانهای مورد استفاده در داوری را تعیین می‌کند. توافق طرفین یا تصمیم «داور» در این مورد شامل هرگونه لایحه، مدرک و دلیل طرفین، مذاکرات جلسات رسیدگی، مراسلات «داور» و صدور رأی خواهد بود.

ماده ۲۲ - درخواست و دفاعیه

۱ - خواهان باید ظرف مهلتی که طرفین توافق کرده‌اند یا توسط «داور» تعیین شده است، تعهدات یا جهات دیگری که به موجب آن خود را مستحق می‌داند، همچنین نکات مورد اختلاف و خواسته یا خسارت مورد درخواست را ارایه کند، و خوانده نیز باید دفاعیه خود در خصوص موارد مذکور را ظرف مهلت مورد توافق یا تعیین شده توسط «داور» تسلیم کند.
طرفین می‌توانند کلیه مدارکی راکه مرتبط تشخیص می‌دهند و یا فهرست مدارک یا سایر ادله‌ای که در نظر دارند بعداً تسلیم کنند همراه با درخواست یا دفاعیه خود تقدیم دارند.
۲ - چنانچه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر نشده باشد، هریک از آنها می‌تواند دادخواست یا دفاعیه خود را در طول رسیدگی داوری اصلاح یا تکمیل کند، مگر آنکه «داور» چنین اصلاح یا تکمیلی را به علت تأخیر یا تبعیض نسبت به طرف دیگر مجاز تشخیص ندهد.

ماده ۲۳ - جلسه استماع و رسیدگی

۱ - تشخیص لزوم تشکیل جلسه برای ارایه ادله و توضیحات بر عهده «داور» است لکن در صورتی که یکی از طرفین در زمان مناسب درخواست تشکیل جلسه نماید، برگزارنمودن جلسه استماع الزامی است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.
۲ - «داور» باید تشکیل هرگونه جلسه استماع و یا جلسه رسیدگی برای بازرسی کالا و یا سایر اموال و یا مدارک طرفین را تا مهلت کافی به طرفین ابلاغ کند.
۳ - کلیه لوایح، مدارک یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به «داور» تسلیم شده و همچنین گزارش کارشناسی یا ارزیابی یا مدارکی که ممکن است، «داور» هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد کند، باید برای طرفین ابلاغ شود.

ماده ۲۴ - قصور هرکدام از طرفین

۱ - چنانچه خواهان بدون عذر موجه در تقدیم درخواست قصور کند، «داور» قرار ابطال درخواست داوری را صادر خواهد کرد.

۲ - در صورتی که خوانده بدون عذر موجه در تقدیم دفاعیه قصور کند، «داور» رسیدگی را ادامه خواهد داد، بدون اینکه کوتاهی مزبور فی‌نفسه به معنای قبول ادعای خواهان توسط خوانده تلقی شود.

۳ - اگر هریک از طرفین از حضور در جلسه استماع و یا ارایه ادله مورد استناد خویش خودداری کند «داور» می‌تواند رسیدگی را ادامه دهد و بر اساس مدارک موجود به صدور رأی مبادرت کند.

ماده ۲۵ - ارجاع امر به کارشناس

«داور» می‌تواند در مواردی که لازم بداند موضوع را به کارشناسی ارجاع و مقرر کند که هرکدام از طرفین هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهد و موجبات دسترسی وی را به مدارک مربوط، کالا، یا سایر اموال برای انجام بازبینی فراهم آورد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

در صورت درخواست یکی از طرفین و یا در صورتی که «داور» لازم بداند کارشناس باید پس از تقدیم گزارش کتبی، در جلسه استماع نیز شرکت کند و به سؤالات پاسخ بگوید، طرفین نیز می‌توانند به منظور ادای شهادت در خصوص نکات مورد اختلاف، کارشناس یا کارشناساتی را به عنوان شاهد خود معرفی کنند.

ماده ۲۶ - ورود شخص ثالث

هرگاه شخص ثالثی در موضوع داوری برای خود مستقلاً حقی قایل باشد و یا خود را در محق‌شدن یکی از طرفین ذی نفع بداند، می‌تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داوری شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه و آیین داوری و «داور» را بپذیرد و ورودی مورد ایراد هیچ‌کدام از طرفین واقع نشود.

فصل ششم: ختم رسیدگی و صدور رأی

ماده ۲۷ - قانون حاکم

۱ - «داور» بر حسب قواعد حقوقی که طرفین در مورد ماهیت اختلاف برگزیده‌اند، اتخاذ تصمیم خواهد کرد. تعیین قانون یا سیستم حقوقی یک کشور مشخص، به هر نحو که صورت گیرد، به عنوان ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور تلقی خواهد شد. قواعد حل تعارض مشمول این حکم نخواهد بود، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲ - در صورت عدم تعیین قانون حاکم از جانب طرفین «داور» براساس قانونی به ماهیت اختلاف رسیدگی خواهد کرد که به موجب قواعد حل تعارض مناسب تشخیص دهد.

۳ - «داور» در صورتی که طرفین صریحاً اجازه داده باشند، می‌تواند براساس عدل و انصاف یا به صورت کدخدامنشانه تصمیم بگیرد.

۴ - «داور» باید در کلیه موارد براساس شرایط قرارداد اتخاذ تصمیم کند، و عرف بازرگانی موضوع

مربوط را مورد نظر قرار دهد.

ماده ۲۸ـ سازش

چنانچه طرفین در جریان رسیدگی، اختلافات خود را از طریق سازش حل کنند، «داور» قرار سقوط دعوای داوری را صادر می‌کند و چنانچه یکی از طرفین تقاضاکند و طرف مقابل اعتراض نکند، موافقتنامه سازش را به صورت رأی داوری براساس شرایط مرضی‌الطرفین با رعایت مفاد ماده (۳۰) صادر می‌کند.

ماده ۲۹ـ اخذ تصمیم توسط گروه داوران

در داوریهایی که توسط بیش از یک داور صورت می‌گیرد، هر تصمیم هیأت داوری باید با اکثریت اعضای هیأت داوری اتخاذ شود. مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۳۰ـ شکل و محتوای رأی

۱ ـ رأی باید به صورت کتبی باشد و به امضای داور یا داوران برسد. در موردی که داور بیش از یک نفر باشد، امضای اکثریت کافی خواهد بود، مشروط بر اینکه علت عدم امضای دیگر اعضاء ذکر شود.

۲ ـ کلیه دلایلی که رأی بر آنها مبتنی است، باید در متن رأی آورده شود، مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که دلایل رأی ذکر نشود، یا رأی بر اساس شرایط مرضی‌الطرفین به موجب ماده (۲۸) صادر شده باشد.

۳ ـ رأی باید حاوی تاریخ و محل داوری موضوع بند (۱) ماده (۲۰) باشد.

۴ ـ پس از امضای رأی، رونوشت آن باید به هریک از طرفین ابلاغ شود.

ماده ۳۱ـ ختم رسیدگی

رسیدگی داوری با صدور رأی نهایی یا به موجب دستور «داور» در موارد زیر خاتمه می‌یابد:

۱ ـ استرداد دعوا توسط خواهان می‌باشد، مگر اینکه خوانده بدان اعتراض نماید و «داور» برای وی منافع قانونی و موجهی در حل و فصل نهایی اختلاف احراز نماید.

۲ ـ عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی به دلیل دیگر به تشخیص «داور».

۳ ـ توافق طرفین در ختم رسیدگی.

ماده ۳۲ـ اصلاح، تفسیر رأی و رأی تکمیلی

۱ ـ «داور» می‌تواند بنا به تقاضای هریک از طرفین یا رأساً هرگونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رأی را اصلاح و یا از آن رفع ابهام کند.

مهلت تقاضای طرفین سی (۳۰) روز از تاریخ ابلاغ رأی می‌باشد، و باید نسخه‌ای از تقاضای وصول تقاضا و در مواردی که رأساً متوجه اشتباه یا ابهام شده باشد، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ ابلاغ رأی می‌باشد، و باید نسخه‌ای از تقاضای مزبور برای طرف دیگر ارسال شود. «داور» حداکثر ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ وصول تقاضا و در مواردی که رأساً متوجه اشتباه یا ابهام

شده باشد، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ صدور رأی، نسبت به اصلاح آن اقدام خواهد کرد.

۲ ـ هرکدام از طرفین می‌تواند ضمن ارسال اخطاریه برای طرف دیگر، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ دریافت رأی، از «داور» تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که اقامه کرده، ولی در رأی مسکوت مانده است رأی تکمیلی صادر کند. «داور» چنانچه این درخواست را موجه تشخیص دهد، ظرف شصت (۶۰) روز نسبت به صدور رأی تکمیلی اقدام می‌کند. «داور» می‌تواند در صورت لزوم مهلت مزبور را تمدید کند.

۳ ـ مقررات ماده (۳۰) در مورد اصلاح، تفسیر و رأی تکمیلی لازم‌الرعایه است.

فصل هفتم: اعتراض به رأی

ماده ۳۳ ـ درخواست ابطال رأی

۱ ـ رأی داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده (۶) قابل ابطال است:

الف ـ یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد.

ب ـ موافقتنامه داوری به موجب قانونی که طرفین بر آن موافقتنامه حاکم دانسته‌اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد.

ج ـ مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اخطاریه‌های تعیین داور یا درخواست داوری رعایت نشده باشد.

د ـ درخواست‌کننده ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارایه دلایل و مدارک خود نشده باشد.

هـ ـ «داور» خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به داوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات «داور» بوده، قابل ابطال است.

و ـ ترکیب هیأت داوری یا آیین دادرسی مطابق موافقتنامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقتنامه داوری، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد.

ز ـ رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است.

ح ـ رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی‌بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد.

ط ـ پس از صدور رأی داوری مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت بشود که آن مدارک را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است.

۲ ـ در خصوص موارد مندرج در بندهای (ح) و (ط) این ماده، طرفی که از سند مجعول یا مکتوم

متضرر شده است، می‌تواند پیش از آنکه درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورد، از «داور» تقاضای رسیدگی مجدد نماید، مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.
۳ ـ درخواست ابطال رأی موضوع بند (۱) این ماده ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی داوری اعم از رأی تصحیحی، تکمیلی یا تفسیری به معترض، باید به دادگاه موضوع ماده (۶) تقدیم شود، والا مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۴ ـ بطلان رأی

در موارد زیر رأی «داور» اساساً باطل و غیر قابل اجراست:
۱ ـ در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد.
۲ ـ در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد.
۳ ـ رأی داوری صادره در خصوص اموال غیر منقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی معتبر معارض باشد، مگر آنکه در مورد اخیر «داور» حق سازش داشته باشد.

فصل هشتم: اجرای رأی

ماده ۳۵ ـ اجرا

۱ ـ به استثنای موارد مندرج در مواد (۳۳) و (۳۴) آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم‌الاجراست و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (۶) ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می‌شوند.
۲ ـ در صورتی که یکی از طرفین از دادگاه موضوع ماده ۶ این قانون درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه می‌تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر دارد که درخواست‌کننده ابطال تأمین مناسب بسپارد.

فصل نهم: سایر مقررات

ماده ۳۶ ـ سایر مقررات

۱ ـ داوری اختلاف تجاری بین‌المللی موضوع این قانون از شمول قواعد داوری مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین و مقررات مستثنی است.
۲ ـ این قانون نسبت به سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران که به موجب آنها اختلافات خاصی را نمی‌توان به داوری ارجاع کرد، تأثیری نخواهد داشت.

۳ - در صورتی که در معاهدات و توافقهای فی‌مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر دول ترتیبات و شرایط دیگری برای داوریهای موضوع این قانون مقرر شده باشد، همان ترتیبات و شرایط متبع خواهد بود.

قانون فوق مشتمل بر نه فصل و سی و شش ماده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و ششم شهریورماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۷/۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رییس مجلس شورای اسلامی - علی‌اکبر ناطق نوری

کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری[۱]

(مونترال ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ = اول مهر ۱۳۵۰)

دول طرفین کنوانسیون:

با توجه به اینکه اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری امنیت افراد و اموال را به مخاطره انداخته و بهره‌برداری سرویسهای هوایی را شدیداً مختل و اعتماد مردم جهان را نسبت به امنیت هواپیمایی کشوری متزلزل می‌سازد و با توجه به اینکه وقوع این قبیل اعمال موجب نهایت نگرانی می‌باشد و با توجه به اینکه برای جلوگیری از این اعمال اتخاذ سریع تدابیر مقتضی جهت مجازات مرتکبین ضروری است. به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱ - ۱ - هرکس برخلاف قانون و عامداً مرتکب اعمال زیر گردد مجرم شناخته می‌شود:

الف - علیه سرنشین هواپیمای در حال پرواز به عمل عنف‌آمیزی مبادرت کند که طبیعت آن عمل امنیت هواپیما را به مخاطره افکند.

ب - هواپیمای در حال خدمت را از بین ببرد یا به این هواپیما خساراتی وارد سازد که پرواز آن را غیر مقدور ساخته و یا طبیعت آن اعمال امنیت هواپیما را حین پرواز به مخاطره افکند.

ج - به نحوی از انحای دستگاه یا موادی در هواپیمای در حال خدمت قرار دهد یا وسیله قراردادن آن بشود که موجب از بین رفتن هواپیما شده یا مسبب خساراتی گردد که پرواز آن را غیر مقدور ساخته و یا طبیعت اعمال مزبور امنیت هواپیمای در حین پرواز را به مخاطره افکند.

د - تأسیسات یا سرویسهای هوانوردی را از بین برده یا آسیب برساند یا کار آنها را مختل سازد و یا طبیعت هریک از این اعمال امنیت هواپیمای در حال پرواز را به مخاطره اندازد.

هـ - با علم به مجعول بودن اطلاعاتی را در دسترس بگذارد که در اثر آن امنیت هواپیمای در حال پرواز به مخاطره افتد.

---

۱ - روزنامه رسمی شماره ۸۲۹۰ مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۶

۲ ـ همچنین هرکس به اعمال زیر مبادرت کند مرتکب جرم می‌شود:
الف ـ ارتکاب هریک از جرایم مذکور در بند ۱ ماده حاضر را شروع کند.
ب ـ شریک جرم شخصی باشد که این اعمال را مرتکب شود و یا ارتکاب آنها را شروع نماید.
ماده ۲ ـ از لحاظ این کنوانسیون:
الف ـ هواپیما از زمانی که درهای خروجی آن پس از سوار شدن مسافرین و بارگیری بسته شود، تا زمانی که یکی از درهای مزبور به منظور پیاده شدن مسافرین یا تخلیه بار بازگردد، در حال پرواز تلقی می‌شود. در مورد فرود اجباری، حالت پرواز تا زمانی که مقامات ذی صلاحیت مسؤولیت هواپیما و مسافرین و اموال داخل هواپیما را به عهده گیرند، ادامه خواهد داشت.
ب ـ هواپیما از آغاز عملیات آماده‌سازی قبل از پرواز توسط مأموران زمینی یا کارکنان هواپیما برای یک پرواز معین تا ۲۴ ساعت بعد از هر فرود در حال خدمت تلقی می‌شود و به هر ترتیب زمان در حال خدمت شامل تمام مدت زمانی است که هواپیما به شرح بند الف ماده حاضر در حال پرواز می‌باشد.
ماده ۳ ـ هریک از دول متعاهد، تعهد می‌نماید برای جرایم مذکور در ماده ۱ کیفرهای شدید مقرر دارد.
ماده ۴ ـ ۱ ـ این کنوانسیون در مورد هواپیمایی که برای مقاصد نظامی یا گمرکی یا پلیس مورد استفاده قرار می‌گیرد، اجرا نمی‌شود.
۲ ـ این کنوانسیون، در موارد پیش‌بینی شده در بندهای فرعی الف و ب و ج و ه از بند ۱ ـ ماده ۱ اعم از اینکه هواپیما در حال پرواز داخلی یا بین‌المللی باشد مجری خواهد بود به شرط آنکه:
الف ـ محل واقعی یا پیش‌بینی شده برخاست یا فرود هواپیما خارج از سرزمین دولت ثبت‌کنندهٔ هواپیما باشد.
ب ـ جرم در سرزمین دولتی غیر از دولت ثبت‌کننده هواپیما وقوع یافته باشد.
۳ ـ علاوه بر مفاد بند ۲ این ماده در موارد پیش‌بینی شده در بندهای فرعی الف، ب، ج و ه بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون حاضر در صورت پیداشدن مرتکب یا مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین دولتی غیر دولت ثبت‌کننده هواپیما نیز مجری خواهد بود.
۴ ـ در مورد دولتهایی که مشمول ماده ۹ و موارد پیش‌بینی شده در بندهای فرعی الف، ب، ج و ه بند ۱ ماده ۱ می‌باشند در صورتی که محلهای مذکور در بند فرعی الف از بند ۲ این ماده فقط در سرزمین یکی از دول مذکور در ماده ۹ واقع باشد مجری نخواهد بود، مگر آنکه جرم یا مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین دولت دیگری کشف شده باشد.
۵ ـ در موارد پیش‌بینی شده در بند فرعی د از بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون حاضر مجری نخواهد بود مگر آنکه تأسیسات و سرویسهای هوانوردی در پروازهای بین‌المللی به‌کار برده شوند.
۶ ـ مفاد بندهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این ماده در موارد پیش‌بینی شده در بند ۲ ماده ۱ نیز مجری

خواهد بود.

ماده ۵ ـ ۱ ـ هریک از دول متعاهد تدابیر لازم جهت اعمال صلاحیت خود برای رسیدگی به جرایم در موارد زیر اتخاذ خواهد نمود:

الف ـ اگر جرم در سرزمین آن دولت ارتکاب یافته باشد.

ب ـ اگر جرم علیه هواپیما یا در هواپیمایی که نزد آن دولت به ثبت رسیده است ارتکاب یافته باشد.

ج ـ اگر هواپیمایی که جرم در آن ارتکاب یافته است در سرزمین آن دولت فرود آید و مظنون به ارتکاب جرم هنوز در هواپیما باشد.

د ـ چنانچه جرم در هواپیما یا علیه هواپیمایی ارتکاب یافته است بدون خدمه پرواز به شخصی اجاره داده شده باشد که محل اصلی فعالیت او و یا در صورت نداشتن محل اصلی فعالیت ـ محل اقامت دایمی او ـ در سرزمین آن دولت باشد.

۲ ـ هریک از دول متعاهد نیز، برای اعمال صلاحیت خود جهت رسیدگی به جرایم مذکور در بند ۱ بندهای فرعی الف و ب و ج ماده ۱ و همچنین جرایم مذکور در بند ۲ ماده ۱ تا آنجاکه مربوط به این جرایم باشد ـ در مواردی که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین یکی از دول متعاهد باشد و این دولت طبق ماده ۸ او را به هیچ یک از دول موضوع بند ۱ این ماده مسترد ندارد ـ تدابیر لازم اتخاذ خواهد نمود.

۳ ـ کنوانسیون حاضر سالب هیچ یک از صلاحیتهای کیفری که طبق قوانین ملی اعمال می‌گردد، نخواهد بود.

ماده ۶ ـ ۱ ـ هریک از دول متعاهد که عامل یا مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین او باشد در صورتی که اوضاع و احوال را موجه تشخیص دهد مشارالیه را توقیف یا اقدامات دیگری برای مراقبت و اطمینان از حضور او معمول می‌نماید.

توقیف یا اقدامات مذکور طبق قوانین آن دولت انجام خواهد گرفت و بیش از مدتی که برای تعقیب کیفری یا انجام تشریفات استرداد لازم باشد ادامه نخواهد یافت.

۲ ـ دولت مذکور بلافاصله به منظور کشف واقعیات به تحقیقات مقدماتی خواهد پرداخت.

۳ ـ به شخص توقیف شده به موجب بند ۱ این ماده امکان داده خواهد شد فوراً با نزدیکترین نماینده صلاحیت‌دار دولت متبوع خود تماس بگیرد.

۴ ـ هرگاه دولتی طبق مقررات این ماده شخصی را توقیف نماید بلافاصله مراتب توقیف و اوضاع و احوال موجهه را به دول مذکور در بند ۱ ماده ۵ دولت متبوع شخص توقیف شده و در صورتی که مقتضی بداند به هر دولت ذی نفع دیگر اعلام خواهد نمود. دولتی که به موجب بند ۲ این ماده به تحقیقات مقدماتی می‌پردازد نتایج تحقیق و قصد خود را دایر به اعمال یا عدم اعمال صلاحیت سریعاً به دول مذکور اعلام خواهد نمود.

ماده ۷ ـ دولت متعاهدی که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین او باشد در صورت عدم استرداد مورد را اعم از اینکه جرم در سرزمین آن دولت ارتکاب یافته است یا نه برای تعقیب کیفری به مقامات صالحه خود ارجاع خواهد نمود.
این مقامات تصمیم خود را با همان شرایطی که در مورد جرایم مهم عمومی طبق قوانین این دولت مقرر است، اتخاذ خواهند نمود.

ماده ۸ ـ ۱ ـ جرایم مورد بحث در کلیه معاهدات استرداد موجود بین دول متعاهد به خودی خود از جمله جرایم قابل استرداد تلقی خواهد گردید.
دول متعاهد تعهد می‌نمایند در معاهدات استردادی که منعقد می‌نمایند این جرایم را از جمله جرایم قابل استرداد محسوب بدارند.
۲ ـ چنانچه دولت متعاهدی که استرداد را مشروط به وجود معاهده می‌کند از دولت متعاهد دیگری که با آن معاهده استرداد ندارد تقاضای استرداد مجرمی را دریافت دارد، مختار خواهد بود کنوانسیون حاضر را در مورد جرایم مورد بحث اساس قانون استرداد بشناسد.
استرداد تابع سایر شرایط مقرر در قوانین دولت متقاضی‌عنه خواهد بود.
۳ ـ دول متعاهدی که استرداد را منوط به وجود معاهده نمی‌داند در حدود و شرایط پیش‌بینی شده در قانون دولت متقاضی عنه جرم را فی مابین خود قابل استرداد خواهند شناخت.
۴ ـ بین دول متعاهد از لحاظ استرداد ـ چنین تلقی خواهد گردید که جرایم نه تنها در محل ارتکاب آن ـ بلکه در سرزمینهای دولی که طبق بندهای فرعی ب و ج و د از بند ۱ ماده ۵ موظف به اعمال صلاحیت می‌باشند نیز واقع شده است.

ماده ۹ ـ دول متعاهدی که سازمانهای بهره‌برداری حمل و نقل هوایی مشترک یا مؤسسات بهره‌برداری بین‌المللی تأسیس می‌نمایند و هواپیماهایی که این سازمانها و مؤسسات به‌کار می‌برند دارای ثبت مشترک یا بین‌المللی باشند برای هر هواپیما طبق موازین مقرر دولتی را که از لحاظ این کنوانسیون اعمال صلاحیت می‌نماید و اختیارات دولت ثبت‌کننده را به عهده خواهد داشت از میان خود تعیین می‌کنند و به سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری اعلام می‌دارند و سازمان اخیر مراتب را به اطلاع کلیه دول طرف این کنوانسیون می‌رساند.

ماده ۱۰ ـ ۱ ـ طرفین متعاهد ـ طبق مقررات حقوق بین‌الملل و قوانین ملی تعهد ـ خواهند نمود در اخذ تدابیر معقول برای جلوگیری از ارتکاب جرایم مذکور در ماده ۱ اهتمام نمایند.
۲ ـ هرگاه به علت ارتکاب یکی از جرایم مذکور در ماده ۱ در پرواز تأخیر و یا وقفه‌ای روی دهد هریک از دول متعاهد که هواپیما و مسافرین و خدمه پرواز در سرزمین او می‌باشد، هرچه زودتر، تسهیلات لازم را برای ادامه مسافرت سرنشینان و خدمه پرواز فراهم خواهد نمود و بلافاصله هواپیما و محمولات آن را به اشخاصی که قانوناً حق تصرف آن را دارند، مسترد خواهد داشت.

ماده ۱۱ ـ ۱ ـ دول متعاهد حداکثر معاضدت قضایی را در مورد رسیدگیهای کیفری مربوط به جرایم نسبت به یکدیگر معمول خواهند داشت.
قانون قابل اجرا در کلیه موارد، قانون دولت متقاضی عنه خواهد بود.
۲ ـ مع هذا مقررات بند ۱ این ماده، در تعهدات ناشیه از سایر معاهدات دو یا چندجانبه فعلی یا آتی که کلاً یا بعضاً ناظر به تعاون قضایی کیفری باشد مؤثر نخواهد بود.
ماده ۱۲ ـ هریک از دول متعاهد که به دلایلی معتقد باشد که یکی از جرایم مذکور در ماده ۱ در شرف وقوع است، طبق قوانین ملی خود کلیه اطلاعات مفیدی را که در دست دارد، در اختیار دولی که به نظر او، بند ۱ ماده ۵ این کنوانسیون ناظر بر آنهاست، خواهد گذارد.
ماده ۱۳ ـ هریک از دول متعاهد، طبق مقررات قانونی خود کلیه اطلاعات مفیدی را که در خصوص موارد مشروحه ذیل در دست دارد هرچه زودتر در اختیار شورای سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری خواهد گذارد:
الف ـ موارد جرم.
ب ـ تدابیر متخذه در اجرای بند ۲ ماده ۱۰.
ج ـ تدابیری که علیه مرتکب جرم یا مظنون به ارتکاب آن اتخاذ شده و بخصوص نتیجه هر اقدام مربوط به تقاضای استرداد یا سایر اقدامات قضایی دیگر.
ماده ۱۴ ـ ۱ ـ اختلافات بین دو یا چند دولت متعاهد مربوط به تفسیر یا اجرای کنوانسیون حاضر که از طریق مذاکره حل و فصل نشود، طبق تقاضای هریک از آن دول به داوری ارجاع خواهد شد و چنانچه ظرف شش ماه از تاریخ تقاضای داوری، طرفهای دعوی نتوانند در مورد ترتیب داوری توافق نمایند هریک از آنها می‌توانند دعوی را طبق اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی به آن دیوان ارجاع نماید.
۲ ـ هریک از دول می‌تواند، در موقع امضاء یا تصویب این کنوانسیون یا الحاق به آن اعلام نماید که خود را در مورد بند فوق ملزم نمی‌داند. سایر دول متعاهد در برابر هر دولتی که چنین قیدی (رزرو) را قایل شده باشد، در مورد این مقررات الزامی نخواهند داشت.
۳ ـ هریک از دول متعاهد که طبق مفاد بند قبل، قید نموده باشد می‌تواند در هر موقع با اعلام امر به دولتهای نگهدارنده، این قید را مرتفع نمایند.
ماده ۱۵ ـ ۱ ـ این کنوانسیون در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در مونترال جهت امضای دول شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی حقوق هوایی که از هشتم تا ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در مونترال تشکیل گردید و از این پس «کنفرانس مونترال» نامیده می‌شود، و بعد از تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۷۱ برای امضای کلیه دول در لندن و مسکو و واشنگتن مفتوح خواهد بود.
هر دولتی که این کنوانسیون را به موجب بند ۳ این ماده قبل از لازم‌الاجراء شدن آن امضاء ننماید، می‌تواند در هر زمان به آن ملحق گردد.

۲ـ کنوانسیون حاضر به تصویب دول امضاءکننده خواهد رسید اسناد تصویب و اسناد الحاق نزد دولتهای بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ممالک متحده آمریکا که بدین وسیله به عنوان دولتهای نگهدارنده اسناد تعیین می‌گردند، سپرده خواهد شد.
۳ـ این کنوانسیون سی روز پس از تسلیم اسناد تصویب توسط ده دولت امضاءکننده که در کنفرانس لاهه شرکت کرده‌اند، به مرحله اجراء درخواهد آمد.
۴ـ برای سایر دول، این کنوانسیون طبق بند ۳ این ماده از تاریخ لازم‌الاجراشدن آن یا سی روز پس از تسلیم اسناد تصویب یا الحاق، هرکدام مؤخر باشد. به مرحله اجرا درخواهد آمد.
۵ـ دولتهای نگهدارنده اسناد، تاریخ امضاء یا تاریخ تسلیم اسناد تصویب یا الحاق و تاریخ لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون و سایر اعلامات را سریعاً به اطلاع کلیه دول امضاءکننده یا ملحق‌شونده به این کنوانسیون خواهند رسانید.
۶ـ این کنوانسیون، بلافاصله پس از لازم‌الاجرا شدن توسط دولتهای نگهدارنده، طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد و ماده ۸۳ کنوانسیون مربوط به هواپیمایی کشوری بین‌المللی (شیکاگو ۱۹۴۴) به ثبت خواهد رسید.
ماده ۱۶ ـ ۱ـ هریک از دول متعاهد می‌تواند این کنوانسیون را با اعلام کتبی به دولتهای نگهدارنده، فسخ نماید.
۲ـ شش ماه پس از وصول اعلام فسخ به دولتهای نگهدارنده فسخ نافذ خواهد بود.
بنا به مراتب فوق، نمایندگان مختار امضاءکننده زیر که دارای اجازه لازم می‌باشند، این کنوانسیون را امضاء نمودند.
این کنوانسیون در بیست و سوم سپتامبر یکهزار و نهصد و هفتاد و یک در شهر مونترال در سه نسخه اصلی هریک در چهار متن رسمی به زبانهای انگلیسی و اسپانیولی و فرانسه و روسی تنظیم شده است.

قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما[1]

مصوب ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۵

ماده واحده ـ کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ (۲۳ شهریور ۱۳۴۲) مشتمل بر یک مقدمه و بیست و شش ماده تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می‌شود.

کنوانسیون راجع به جرایم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما

دول طرفین این کنوانسیون در موارد ذیل موافقت نمودند:

فصل اول: قلمرو اجرای کنوانسیون

ماده ۱ ـ ۱ ـ مقررات کنوانسیون حاضر در موارد زیر مجری خواهد بود:

الف ـ در مورد جرایم موضوع قوانین جزایی.

ب ـ در مورد اعمالی که متضمن ارتکاب جرم بوده و یا نباشد ولی سلامت هواپیما و سرنشینان و محمولات آن را به مخاطره اندازد و یا سبب اختلال نظم و آرامش داخلی هواپیما گردد.

۲ ـ به استثنای موارد مذکور در فصل سوم، مقررات کنوانسیون حاضر در مورد جرایم و اعمال ارتکابی توسط یک فرد در داخل یک هواپیما ثبت شده نزد یکی از دول متعاهد، هنگامی که هواپیما در پرواز بوده یا در سطح دریاهای آزاد و یا منطقه‌ای که متعلق به هیچ یک از دول نباشد قرار گرفته باشد، مجری خواهد بود.

۳ ـ از لحاظ این کنوانسیون یک هواپیما از زمانی که نیروی موتوری آن به منظور پرواز به‌کار می‌افتد تا زمانی که عمل فرودآمدن آن پایان یابد در حال پرواز تلقی می‌شود.

۴ ـ این کنوانسیون در مورد هواپیمایی که به منظورهای نظامی یا گمرکی یا پلیسی به‌کار می‌روند، مجری نخواهد بود.

ماده ۲ ـ با ملحوظ داشتن مقررات ماده ۴ و به جز مواردی که سلامت هواپیما و سرنشینان و محمولات آن ایجاب کند، هیچ یک از مقررات این کنوانسیون به نحوی تفسیر نخواهد شد که به منزله اجازه یا تکلیف به انجام اقداماتی در مورد تخلف از قوانین جزایی ناظر بر جرایم سیاسی و یا بزه‌های مبتنی بر تبعیضات نژادی و یا مذهبی، تلقی گردد.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۹۱۶۷ مورخه ۱۳۵۵/۳/۲۹

فصل دوم: صلاحیت

ماده ۳ - ۱ - دولت ثبت‌کننده هواپیما، برای رسیدگی به جرایم و اعمال ارتکابی در هواپیما صالح می‌باشد.
۲ - هریک از دول متعاهد، اقدامات لازم را برای احراز صلاحیت خود به عنوان دولت ثبت‌کننده در مورد رسیدگی به جرایم ارتکابی در هواپیمایی که نزد او به ثبت رسیده است معمول خواهد داشت.
۳ - این کنوانسیون به هیچ یک از صلاحیتهای جزایی که به موجب قوانین داخلی اعمال می‌گردد خللی وارد نمی‌کند.
ماده ۴ - دولت متعاهدی که دولت ثبت‌کننده هواپیما نباشد نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت جزایی خود در مورد جرم ارتکابی در داخل هواپیما در امر پرواز آن مداخله نماید مگر در موارد مشروحه ذیل:
الف - جرم در سرزمین آن دولت اثراتی ایجاد کند.
ب - جرم توسط یا علیه یکی از اتباع آن دولت یا مقیمین دایمی آن ارتکاب یافته باشد.
ج - جرم امنیت آن دولت را به مخاطره اندازد.
د - جرم ناقض قواعد یا مقررات جاری آن دولت ناظر به پرواز و یا مانور هواپیما باشد.
هـ - اعمال صلاحیت، برای رعایت تعهدات ناشی از یک موافقتنامه چندجانبه بین‌المللی برای آن دولت ضروری باشد.

فصل سوم: اختیارات فرمانده هواپیما

ماده ۵ - ۱ - مقررات این فصل در مورد جرایم و اعمالی که توسط شخصی در هواپیمای در حال پرواز - چه بر فراز فضای هوایی دولت ثبت‌کننده چه بر فراز دریاهای آزاد یا بر فراز منطقه‌ای که متعلق به هیچ یک از دول نباشد ارتکاب یافته یا شروع به ارتکاب آن شده - جاری نخواهد بود. مگر اینکه آخرین نقطه برخاست یا اولین نقطه مورد نظر برای فرود بعدی در سرزمین دولتی غیر از دولت ثبت‌کننده باشد و یا هواپیما متعاقباً در فضای هوایی دولتی غیر از دولت ثبت‌کننده پرواز کند و شخص مذکور هنوز سوار هواپیما باشد.
۲ - علی رغم مفاد بند ۳ ماده ۱ از لحاظ این فصل هواپیما از زمانی که کلیه درهای خارجی آن پس از سوارشدن مسافرین بسته شد تا زمانی که مجدداً به منظور پیاده شدن مسافرین باز گردد، در حال پرواز تلقی می‌شود. در صورت فرود اجباری، مقررات این فصل همچنان در مورد جرایم و اعمال ارتکابی در هواپیما تا زمانی که مقامات صالح یک دولت مسؤولیت هواپیما و سرنشینان و محمولات آن را به عهده بگیرند، جاری خواهد بود.
ماده ۶ - ۱ - هرگاه فرمانده هواپیما، با داشتن دلایل موجه، معتقد گردد که شخصی در هواپیما،

مرتکب یکی از جرایم یا اعمال مندرج در بند ۱ ماده ۱ شده یا در شرف ارتکاب آن می‌باشد، می‌تواند به جهات زیر در مورد این شخص تدابیر لازم از جمله تدابیر تضییقی اتخاذ نماید:

الف ـ برای حفظ سلامت هواپیما یا سرنشینان و یا محمولات آن.

ب ـ حفظ نظم و ترتیب در هواپیما.

ج ـ تسلیم‌کردن شخص مورد نظر به مقامات صالح یا پیاده‌کردن او طبق مقررات این فصل.

۲ ـ فرمانده هواپیما می‌تواند برای اجرای تدابیر تضییقی که مجاز به اتخاذ آن بوده در مورد هر شخص، همکاری سایر خدمه هواپیما را خواستار شده یا اجازه دهد همچنین بدون الزام مسافرین همکاری آنان را خواستار شده یا اجازه دهد. هریک از خدمه هواپیما یا مسافرین همچنین می‌تواند بدون داشتن چنین اجازه‌ای با داشتن دلایل موجه فوراً اقدامات احتیاطی معقولی راکه معتقد است برای حفظ سلامت هواپیما یا سرنشینان و یا محمولات آن ضروری است معمول دارد.

ماده ۷ ـ ۱ ـ تدابیر تضییقی که به موجب ماده ۶ درباره شخصی اتخاذ می‌گردد بعد از نقطه‌ای که هواپیما در آن فرود می‌آید ادامه نخواهد یافت، مگر آنکه:

الف ـ این نقطه در سرزمین دولت غیر متعاهدی واقع باشد و مقامات آن دولت اجازه پیاده‌کردن شخص مذکور را ندهند و یا اینکه به موجب شق ج بند ۱ ماده ۶ این تدابیر برای تحویل آن شخص به مقامات صالح اتخاذ شده باشد.

ب ـ هواپیما مجبور به فرود اجباری شود و فرمانده هواپیما قادر به تحویل شخص مذکور به مقامات صالحه نباشد.

ج ـ شخص مذکور با ادامه مسافرت با شرایط تضییقی موافقت نماید.

۲ ـ فرمانده هواپیما مکلف است در صورتی که طبق مقررات ماده ۶ تدابیری تضییقی درباره شخصی اتخاذ نموده، در کمترین مدت و در صورت امکان قبل از فرودآمدن در سرزمین یک دولت، مراتب و دلایل تدابیر خود را به مقامات آن دولت اعلام دارد.

ماده ۸ ـ ۱ ـ فرمانده هواپیما می‌تواند ـ تا جایی که برای اجرای مفاد شقوق الف و ب بند ۱ ماده ۶ لازم باشد ـ در سرزمین هر دولتی که هواپیما در آن فرود می‌آید هر شخصی را، که با داشتن دلایل موجه معتقد باشد، در هواپیما مرتکب یک عمل پیش‌بینی شده در شق ب بند ۱ ماده ۱ را گردیده یا در شرف ارتکاب آن بوده است، پیاده کند.

۲ ـ فرمانده هواپیما جریان و دلایل این پیاده‌کردن را به مقامات صالح دولتی که در آن شخصی را طبق مقررات این ماده پیاده می‌کند گزارش خواهد نمود.

ماده ۹ ـ ۱ ـ فرمانده هواپیما می‌تواند، هر شخصی راکه با داشتن دلایل موجه معتقد باشد، در هواپیما مرتکب جرمی شده که به نظر او طبق قوانین جزایی دولت ثبت‌کننده هواپیما از جرایم شدید به شمار می‌رود، به مقام صالح هر دولت متعاهدی که هواپیما در سرزمین آن فرود می‌آید،

تحویل دهد.
۲ـ فرمانده هواپیما باید در اولین فرصت ممکن و در صورت امکان قبل از فرودآمدن هواپیما در سرزمین یکی از دول متعاهد، این مراتب راکه شخصی در هواپیماست که فرمانده قصد دارد او را به موجب بند قبلی تحویل دهد با ذکر دلایل به مقامات صالح دولت مزبور اعلام دارد.
۳ـ فرمانده هواپیما مدارک و اطلاعاتی راکه به موجب قوانین دولت ثبت‌کننده هواپیما صحیحاً در اختیار دارد، به مقامات صالح دولتی که شخص مظنون را به موجب مقررات این ماده تحویل می‌دهد، تسلیم خواهد نمود.
ماده ۱۰ ـ در مورد تدابیری که بر اساس این کنوانسیون اتخاذ می‌گردد در هیچ یک از مراحل رسیدگی به دعوای خسارت شخصی که تدابیر متخذ متوجه او بوده مسؤولیتی متوجه فرمانده هواپیما یا خدمه یا مسافرین یا مالک یا بهره‌بردار هواپیما و یا شخصی که به حساب او پرواز انجام شده است، نخواهد بود.

فصل چهارم: تصرف غیر قانونی هواپیما

ماده ۱۱ ـ ۱ ـ هرگاه شخصی داخل هواپیما از طریق غیر قانونی و با توسل به زور یا تهدید به زور مرتکب عمل مداخله و تصرف و یا اعمال کنترل هواپیمای در حال پرواز بشود و یا هرگاه چنین عملی در شرف وقوع باشد دول متعاهد برای حفظ و یا بازگرداندن کنترل هواپیما به فرمانده قانونی آن کلیه تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهند نمود.
۲ ـ در موارد مشروح در بند قبل، دولت متعاهدی که هواپیما در سرزمین او فرود می‌آید، به مسافرین و خدمه به محض امکان اجازه ادامه مسافرت خواهد داد و هواپیما و محمولات آن را در اختیار اشخاصی که قانوناً حق تصرف آن را دارند می‌گذارد.

فصل پنجم: اختیارات و وظایف دول

ماده ۱۲ ـ هریک از دول متعاهد به فرمانده هواپیمای به ثبت رسیده نزد دولت متعاهد دیگر اجازه خواهد داد که به موجب مفاد بند ۱ ماده ۸ هر فردی راکه صلاح بداند پیاده کند.
ماده ۱۳ ـ ۱ ـ طبق مقررات بند ۱ ماده ۹ هریک از دول متعاهد مکلف است شخصی راکه فرمانده هواپیما تحویل می‌دهد، تحویل گیرد.
۲ ـ هرگاه اوضاع و احوال را مقتضی تشخیص دهد، هریک از دول متعاهد اشخاص مظنون به ارتکاب اعمال مذکور در بند ۱ ماده ۱۱ و هر شخص دیگری راکه تحویل گرفته باشد به منظور تأمین حضور او، بازداشت خواهد نمود یا اقدامات دیگری را معمول خواهد داشت.
این بازداشت یا اقدامات باید منطبق با قوانین آن دولت بوده و نمی‌تواند بیش از زمانی که برای شروع تعقیب جزایی یا تشریفات استرداد لازم باشد ادامه یابد.

۳ـهر شخصی که در اجرای مقررات بند فوق بازداشت گردد می‌تواند بلافاصله با نزدیکترین نماینده ذی صلاحیت دولت متبوع خود تماس حاصل نماید و برای این کار همه نوع تسهیلات درباره او معمول خواهد گردید.

۴ـهر دولت متعاهد که شخصی را به موجب بند ۱ ماده ۹ تحویل می‌گیرد یا هواپیمایی که یکی از اعمال پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۱۱ در آن واقع شده در سرزمین او فرود می‌آید بلافاصله تحقیقات مقدماتی جهت روشن‌شدن جریان امر انجام خواهد داد.

۵ـوقتی که دولتی به موجب مفاد این ماده شخصی را بازداشت نمود بلافاصله مراتب بازداشت و اوضاع و احوال موجه را به دولت ثبت‌کننده و به دولت متبوع بازداشت شده و در صورت لزوم به هر دولت ذی نفع دیگری اعلام خواهد کرد. دولتی که تحقیقات مقدماتی را به موجب بند ۴ این ماده به عمل می‌آورد نتیجه را به دول مذکور گزارش کرده و نظر خود را درباره اعمال صلاحیت اعلام خواهد نمود.

ماده ۱۴ ـ ۱ ـهرگاه شخصی که به استناد بند ۱ ماده ۸ پیاده و یا طبق بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا پس از ارتکاب جرم موضوع بند ۱ ماده ۱۱ پیاده گردیده نتواند یا نخواهد مسافرت خود را ادامه دهد،دولتی که هواپیما به سرزمین آن فرود آمده، در صورتی که نخواهد به او اجازه ورود دهد، و این شخص جزء اتباع و یا مقیم دایمی آن دولت نباشد، می‌تواند او را به سرزمین دولتی که تابع یا مقیم دایمی آن است و یا به دولتی که مسافرت هوایی از سرزمین آن آغاز شده است بازگرداند.

۲ـپیاده‌شدن یا تحویل گرفتن یا بازداشت کردن و سایر اقداماتی که در بند ۲ ماده ۱۳ پیش‌بینی شده و همچنین بازگردانیدن شخص مورد نظر از نظر قوانین مربوط به ورود و اقامت یک دولت متعاهد به منزله اجازه ورود یا پذیرش به سرزمین این دولت تلقی نخواهد شد و هیچ یک از مواد این کنوانسیون ناقض قوانین دول متعاهد در مورد اخراج و طرد اشخاص نخواهد بود.

ماده ۱۵ ـ ۱ ـبا وجود ماده ۱۴ اشخاصی که به موجب بند ۱ ماده ۸ پیاده یا طبق بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا پس از ارتکاب جرم پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۱۱ پیاده گردانیده‌اند می‌توانند هرگاه مایل به ادامه سفر خود باشند در اولین فرصت ممکن به جانب مقصد مورد نظر خود حرکت نمایند، مگر اینکه حضور آنان طبق قوانین دولتی که هواپیما در سرزمین آن فرود آمده برای استرداد یا تعقیب جزایی ضروری باشد.

۲ـبا وجود قوانین مربوط به ورود و پذیرش و استرداد و اخراج، هریک از دول متعاهد که در سرزمین آن، شخصی طبق مقررات بند ۱ ماده ۸ پیاده و یا طبق مقررات بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا به علت ظن به ارتکاب یکی از جرایم موضوع بند ۱ ماده ۱۱ پیاده شده باشد، این شخص را از حقوقی که از حقوق اتباع خود برای تأمین و حمایت در موارد مشابه کمتر نباشد برخوردار خواهد نمود.

فصل ششم: سایر مقررات

ماده ۱۶ ـ ۱ ـ جرایم ارتکابی در هواپیمای ثبت شده نزد یک دولت متعاهد از لحاظ استرداد در حکم این است که این جرایم هم در محل وقوع آن و هم در سرزمین دولت ثبت‌کننده ارتکاب یافته‌اند.

۲ ـ هیچ یک از مقررات این کنوانسیون نباید در حکم الزامی‌بودن استرداد تعبیر و تلقی گردد.

ماده ۱۷ ـ به مناسبت اقدامات تحقیقی یا بازداشت یا هنگام اعمال صلاحیت به هر نحو دیگر در مورد جرمی که در داخل هواپیما ارتکاب یافته دول متعاهد سلامت و سایر مصالح هوانوردی را ملحوظ خواهند داشت و به نحوی اقدام خواهند نمود که از تأخیر غیر ضروری برای هواپیما و مسافرین و خدمه و محمولات آن جلوگیری شود.

ماده ۱۸ ـ هرگاه دول متعاهد مشترکاً به برقراری سازمانهای حمل و نقل هوایی و یا نمایندگیهای عملیاتی بین‌المللی مبادرت نمایند که هواپیماهای مورد بهره‌برداری آن نزد دولت مشخصی به ثبت نرسیده باشد، دول مذکور در اجرای مفاد این کنوانسیون برحسب مورد ولدی‌الاقتضاء یکی از دولتهای شریک را به عنوان دولت ثبت‌کننده معرفی خواهند نمود و این مورد را به اطلاع سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری خواهند رسانید و این سازمان به نوبه خود مراتب را به اطلاع کلیه دول طرف این کنوانسیون خواهد رسانید.

فصل هفتم: مقررات نهایی

ماده ۱۹ ـ این کنوانسیون تا تاریخی که به موجب مقررات ماده ۲۱ لازم‌الاجرا گردد، برای امضای کلیه دولی که تا آن تاریخ به عضویت سازمان ملل متحد و یا یکی از سازمانهای تخصصی درآمده‌اند مفتوح خواهد بود.

ماده ۲۰ ـ ۱ ـ این کنوانسیون طبق مقررات قانون اساسی هریک از دول امضاءکننده به تصویب خواهد رسید.

۲ ـ اسناد تصویب به سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری تسلیم خواهد شد.

ماده ۲۱ ـ ۱ ـ پس از آنکه دوازده دولت اسناد تصویب خود را تسلیم نمودند، کنوانسیون نود روز بعد از تاریخ تسلیم دوازدهمین سند تصویب، بین دول مذکور به مرحله اجرا در می‌آید. از آن پس در مورد دولی که آن را تصویب می‌نماید، کنوانسیون نود روز پس از تسلیم اسناد تصویب لازم‌الاجرا خواهد بود.

۲ ـ به محض لازم‌الاجرا شدن، کنوانسیون حاضر توسط سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری نزد دبیرکل سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

ماده ۲۲ ـ ۱ ـ کنوانسیون حاضر پس از لازم‌الاجرا شدن برای الحاق کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا عضو یکی از سازمانهای تخصصی مفتوح خواهد بود.

۲ـ الحاق یا تسلیم سند الحاق به سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری انجام می‌گیرد و نود روز پس از تاریخ تسلیم اعتبار خواهد یافت.

ماده ۲۳ ـ ۱ ـ هریک از دول عضو می‌تواند فسخ این کنوانسیون را کتباً به سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری اعلام نماید.

۲ ـ فسخ، شش ماه پس از وصول اعلامیه فسخ به سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری تحقق خواهد یافت.

ماده ۲۴ ـ ۱ ـ اختلافات بین دول متعاهد در مورد تفسیر و اجرای این کنوانسیون که از طریق مذاکره حل نشود، بنابر تقاضا و پیشنهاد یکی از طرفین به داوری ارجاع خواهد گردید و هرگاه ظرف شش ماه پس از تقاضای داوری طرفها نتوانند نسبت به ترتیب داوری به توافق برسند، هریک از طرفین می‌تواند اختلاف را از طریق دادخواستی که با رعایت اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تنظیم شده باشد، به دیوان مذکور، ارجاع نماید.

۲ ـ هریک از دول می‌تواند در موقع امضاء یا تصویب یا الحاق به این کنوانسیون اعلام نماید که خود را نسبت به مقررات بند فوق متعهد می‌داند. سایر دول متعاهد، نسبت به هر دولت متعاهد دیگری که چنین قید را نسبت به مفاد بند فوق نموده باشد، متعهد نخواهند بود.

۳ ـ هریک از دول متعاهد که نسبت به رعایت مقررات بند فوق قید نموده باشد می‌تواند در هر موقع با ارسال اعلامیه‌ای به سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری قید خود را پس بگیرد.

ماده ۲۵ ـ به جز آنچه در ماده ۲۴ مقرر گردیده، قید دیگری به کنوانسیون حاضر پذیرفته نیست.

ماده ۲۶ ـ سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری مراتب زیر را به اطلاع عموم دول عضو سازمان ملل متحد یا هریک از سازمانهای تخصصی، خواهد رسانید:

الف ـ امضای کنوانسیون حاضر و تاریخ امضاء.

ب ـ تسلیم اسناد تصویب یا الحاق با ذکر تاریخ.

ج ـ تاریخ لازم‌الاجراشدن کنوانسیون حاضر با توجه به مفاد بند ۱ ماده ۲۱

د ـ وصول اعلامیه فسخ با ذکر تاریخ.

هـ ـ وصول اعلامیه‌ها یا اخطاریه‌های موضوع ماده ۲۴ با قید تاریخ.

بنا به مراتب فوق امضاءکنندگان تام‌الاختیار زیر این کنوانسیون را امضاء نمودند.

این کنوانسیون در تاریخ چهاردهم ماه سپتامبر سال یکهزار و نهصد و شصت و سه میلادی در شهر توکیو در سه متن اصلی به زبانهای انگلیسی و فرانسه و اسپانیولی تهیه و تنظیم گردیده است.

این کنوانسیون در سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری تودیع گردیده و برابر ماده ۱۹ برای امضاء مفتوح می‌باشد و سازمان رونوشت مصدق کنوانسیون را برای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد و هریک از سازمانهای تخصصی ارسال خواهد داشت.

مقاوله‌نامه راجع به اصلاح کنوانسیون هواپیمایی بین‌المللی کشوری[1]

(ماده ۳ مکرر) امضاء شده در مونترال ۱۰ می ۱۹۸۴ مطابق با ۱۳۶۳/۲/۲۰

مجمع سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری، در بیست و پنجمین اجلاس (فوق‌العاده) خود در مونترال به تاریخ ۱۰ می ۱۹۸۴ با علم به اینکه هواپیمایی بین‌المللی کشوری می‌تواند به ایجاد و حفظ دوستی و تفاهم در میان ملل و مردم جهان بسیار کمک نماید و با وجود این سوء استفاده از آن می‌تواند یک تهدید برای امنیت عمومی به شمار رود، با آگاهی به تمایل اجتناب از برخورد و تشویق به همکاری بین ملل و مردم که صلح جهانی به آن بستگی دارد، با اذعان به لزوم امکان توسعه هواپیمایی بین‌المللی کشوری در جهت نظم و بی‌خطری پرواز، با علم به اقتضای ملاحظات اولیه انسانی، باید ایمنی و جان انسانهای داخل هواپیمایی کشوری تضمین گردد، با آگاهی به اینکه در کنوانسیون هواپیمایی بین‌المللی کشوری تنظیم شده در شیکاگو به تاریخ هفتم دسامبر ۱۹۴۴ دول متعاهد:

حق حاکمیت تام و مطلق هر کشوری را نسبت به فضای هوایی آن کشور به رسمیت می‌شناسند، متعهد می‌شوند که آنها موظف هستند هنگام تدوین مقررات مربوط به هواپیمایی دولتی، موضوع ایمنی هوانوردی هواپیمایی کشوری را در نظر بگیرند، و

در مورد عدم استفاده از هواپیمایی کشوری برای هر منظوری مغایر با اهداف کنوانسیون توافق می‌کنند.

با علم به تصمیم دول متعاهد جهت اتخاذ اقدامات تخصیص یافته مناسب برای جلوگیری از تجاوز به فضای هواپیمایی کشوری دیگر و استفاده از هواپیمایی کشوری برای منظوری مغایر با اهداف کنوانسیون و بالابردن ایمنی بیشتر هواپیمایی بین‌المللی کشوری با آگاهی به تمایل عمومی دوم متعاهد مبنی بر تصدیق اصول عدم به کارگیری اسلحه علیه هواپیمایی کشوری در حال پرواز،

۱ ـ تصمیم می‌گیرد که بدین منظور اصلاح کنوانسیون هواپیمایی بین‌المللی کشوری تنظیم شده در شیکاگو به تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۴۴ مطلوب می‌باشد.

۲ ـ طبق مفاد بند الف ماده ۹۴ کنوانسیون فوق‌الاشعار طرح اصلاح پیشنهادی کنوانسیون مذکور را که متن آن به شرح ذیل می‌باشد، تصویب می‌نماید:

ماده جدید ۳ مکرر به شرح ذیل بعد از ماده ۳ اضافه می‌گردد.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۴۰۶۹ مورخ ۱۳۷۲/۴/۸

ماده ۳ مکرر ـ

الف ـ دولتهای متعاهد این امر را به رسمیت می‌شناسند که هر کشوری باید از توسل به استفاده از اسلحه در مقابل هواپیمایی کشوری در حال پرواز اجتناب نماید و در صورت رهگیری هواپیما جان کسانی که در هواپیما هستند و ایمنی هواپیما نباید دچار مخاطره گردد.
این مفاد به هیچ وجه نباید موجب این تعبیر گردد که به نحوی حقوق و تعهدات کشورهای مندرج در منشور ملل متحد بدین وسیله مورد اصلاح قرار گرفته است.
ب ـ دولتهای متعاهد این امر را به رسمیت می‌شناسند که هر کشور، در اعمال حق حاکمیت خود، در صورتی که یک هواپیمای کشوری در فضای هوایی سرزمین او بدون مجوز مبادرت به پرواز نموده و یا اینکه بنا به دلایل قابل قبول حاکی از اینکه هواپیما برای منظوری مغایر با اهداف این کنوانسیون به‌کار گرفته شده است حق دارد بخواهد که هواپیما در یک فرودگاه تعیین شده فرود آید، آن کشور همچنین ممکن است به چنین هواپیمایی هرگونه دستوری مبنی بر پایان‌دادن به چنین تجاوزهایی صادر نماید. به این منظور دولتهای متعاهد ممکن است به هر وسیله مقتضی که براساس قواعد مربوطه حقوق بین‌الملل و از جمله مفاد مربوطه این کنوانسیون بخصوص بند الف این ماده مبتنی بر آن متوسل گردد.
ج ـ هر هواپیمای کشوری الزاماً باید از دستوری که براساس بند ب این ماده صادر شده است تبعیت نماید. به این منظور هر دولت متعاهدی الزاماً ترتیبات لازم را در قوانین و مقررات داخلی خود بدهد که تبعیت مذکور برای هر هواپیمای کشوری ثبت شده در کشور مزبور و برای هر هواپیمای کشوری مورد استفاده توسط بهره‌برداری که مرکز اصلی کار وی یا محل اقامت دایم او در آن کشور باشد اجباری گردد. هر دولت متعاهدی الزاماً باید هرگونه تخلف از چنین قوانین و مقررات را مشمول مجازات شدید قرار داده و آن را براساس قوانین و مقررات خود به مقامات صلاحیت‌دار ارجاع نماید.
د ـ هر دولت متعاهدی الزاماً باید اقدامات مقتضی را به عمل آورد که استفاده آگاهانه از هواپیما کشوری ثبت شده در آن کشور یا از هواپیمای کشوری مورد استفاده توسط بهره‌برداری که مرکز اصلی کار وی یا محل اقامت دایم او در آن کشور است برای هر منظوری که مغایر با اهداف این کنوانسیون باشد ممنوع گردد.
مفاد مزبور بر مفاد بند الف این ماده تأثیری نمی‌گذارد یا مفاد بندهای ب و ج این ماده را تضعیف (فسخ) نمی‌نماید،

۳ ـ تعداد دول متعاهدی را که تصویب آنها برای لازم‌الاجراءشدن اصلاحیه فوق الاشعار طبق مقررات بند الف ماده ۹۴ کنوانسیون مذکور ضروری است، ۱۰۲ دولت متعاهد تعیین می‌نماید.
۴ ـ مقرر می‌دارد که دبیرکل سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری مقاوله‌نامه‌ای به زبانهای انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی که دارای اعتبار واحد می‌باشند، شامل اصلاح فوق‌الاشعار

و مقررات زیر تنظیم نماید:
الف ـ مقاوله‌نامه به امضای رییس و دبیرکل مجمع خواهد رسید.
ب ـ مقاوله‌نامه برای تصویب هر دولت متعاهدی که کنوانسیون هواپیمایی بین‌المللی کشوری را تصویب نموده یا به آن ملحق شده است مفتوح خواهد بود.
ج ـ اسناد تصویب نزد سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری تودیع خواهد شد.
د ـ مقاوله‌نامه در مورد دولی که آن را تصویب نموده‌اند از تاریخ تودیع یکصد و دومین سند تصویب، لازم‌الاجراء خواهد گردید.
هـ ـ دبیرکل بلافاصله کلیه دول متعاهد را از تاریخ تودیع هر سند تصویب مقاوله‌نامه مطلع خواهد نمود.
و ـ دبیرکل تاریخ لازم‌الاجراء شدن مقاوله‌نامه مزبور را بلافاصله به هر دول طرف کنوانسیون اعلام خواهد نمود.
ز ـ مقاوله‌نامه در مورد هر دولتی که آن را متعاقب تاریخ فوق‌الاشعار تصویب نماید به محض تودیع اسناد تصویب نزد سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری لازم‌الاجراء خواهد شد.
در نتیجه، به موجب تصمیم فوق‌الاشعار مجمع، مقاوله‌نامه حاضر توسط دبیرکل سازمان تنظیم شده است.
بنابه مراتب، رییس و دبیرکل بیست و پنجمین اجلاس (فوق‌العاده) مجمع سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری که به این منظور از طرف مجمع اختیار دارند، مقاوله‌نامه حاضر را امضاء می‌نمایند.
به تاریخ دهم می ۱۹۸۴، در مونترال در یک نسخه واحد به زبانهای انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی که دارای اعتبار واحد می‌باشند، تنظیم گردید سند تودیع مقاوله‌نامه حاضر در بایگانی سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری باقی خواهد ماند و دبیرکل سازمان رونوشتهای گواهی شده آن را برای کلیه دول طرف کنوانسیون هواپیمایی بین‌المللی کشوری مورخ هفتم دسامبر ۱۹۴۴ شیکاگو ارسال خواهد داشت.

قانون تصویب پروتکل جلوگیری از اعمال غیر قانونی خشونت آمیز در فرودگاههایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی می‌باشند

مکمل کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری
منعقد شده در مونترال به تاریخ (۲۳) سپتامبر ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰/۷/۱ هجری شمسی)[۱]

ماده واحده ـ پروتکل جلوگیری از اعمال غیر قانونی خشونت‌آمیز در فرودگاههایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی می‌باشند، مکمل کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری منعقد شده در مونترال به تاریخ (۲۳) سپتامبر ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰/۷/۱ هجری شمسی)، مشتمل بر یک مقدمه و نه ماده به شرح پیوست تصویب و به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود اسناد مربوط را تسلیم نماید.

بسم الله الرحمن الرحیم

پروتکل جلوگیری از اعمال غیر قانونی خشونت‌آمیز در فرودگاههایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی می‌باشند، مکمل کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری، منعقد شده در مونترال به تاریخ (۲۳) سپتامبر ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰/۷/۱ هجری شمسی)

دولتهای طرف این پروتکل، با توجه به اینکه اعمال غیر قانونی خشونت‌آمیز که امنیت اشخاص را در فرودگاههای که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی هستند در خطر، یا احتمالاً در خطر، می‌اندازد یا عملیات امنیتی چنین فرودگاههایی را به مخاطره می‌اندازد، اعتماد مردم دنیا را نسبت به امنیت چنین فرودگاههایی تضعیف نموده و اداره و هدایت ایمن و منظم هواپیمایی کشوری را برای کلیه دولتها مختل می‌نماید؛ با عنایت به اینکه وقوع چنین اعمالی موجبات نگرانی شدید جامعه بین‌المللی را فراهم آورده است و اینکه به منظور جلوگیری از چنین اعمالی نیاز فوری جهت پیش‌بینی اقدامات مناسب برای مجازات مجرمان وجود دارد؛ نظر به اینکه تصویب مقررات مکمل مقررات کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری منعقد شده در مونترال به تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰/۷/۱ هجری شمسی)، برای جلوگیری از اعمال غیر قانونی خشونت‌آمیز در فرودگاههایی که در

---

۱ ـ روزنامه رسمی کشور شماره ۱۶۳۶۴ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۶

خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی هستند ضروری می‌باشد؛ در موارد ذیل توافق نموده‌اند:
ماده ۱ ـ این پروتکل مکمل کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری منعقد شده در مونترال بـه تـاریخ ۲۳ سـپتامبر ۱۹۷۱ مـیلادی (۱۳۵۰/۷/۱ هـجری شمسی)، (که از این پس بدان «کنوانسیون» اطلاق می‌شود) می‌باشد و بین طرفهای این پروتکل، کنوانسیون و پروتکل به عنوان یک سند واحد خوانده و تفسیر خواهد شد.
ماده ۲ ـ
۱ ـ در ماده (۱) کنوانسیون، موارد زیر به عنوان بند جدید (۱) مکرر اضافه گردد:
بند ۱ مکرر ـ هر شخصی که مرتکب جرم شود چنانچه به طور غیر قانونی و عامداً با استفاده از هر وسیله، ماده یا اسلحه:
الف ـ عملی خشونت‌آمیز علیه شـخصی در فـرودگاهی کـه در خـدمت هـواپـیمایی کشـوری بین‌المللی است انجام دهد که احتمالاً منجر به جراحت جدی یا مرگ شخص گردد؛ یا
ب ـ تأسیسات فرودگاهی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی است یا هواپیمایی را که در سرویس نیست و در آن مستقر است نابود سازد یا آسیب جدی به آن وارد نماید یا خدمات فرودگاه را مختل کند؛
اگر چنین عملی امنیت آن فرودگاه را به خطر، یا احتمالاً به خطر اندازد؛
۲ ـ در جزء (الف) بند (۲) ماده (۱) کنوانسیون، کلمات زیر پس از کلمات «بند ۱» اضافه گردد:
«یا بند ۱ مکرر»
ماده ۳ ـ در ماده (۵) کنوانسیون موارد زیر به عنوان بند (۲) مکرر افزوده شود:
بند ۲ مکرر ـ هر دولت متعاهد در مواردی که متهم مورد ادعا در قلمرو آن حضور داشته باشد و او را به موجب ماده (۸) به دولت موضوع جزء (الف) بند (۱) این ماده مسترد نکند در صورت لزوم اقداماتی را جهت تعیین صلاحیت قضایی خود نسبت به جرایم موضوع ماده (۱) مکرر و بند (۲) ماده (۱)، تا آنجا که آن بند در ارتباط با این جرایم باشد نیز اتخاذ خواهد نمود.
ماده ۴ ـ این پروتکل برای امضای دولتهای شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی حقوق هوایی که از تاریخ ۹ تا ۲۴ فوریه ۱۹۸۸ میلادی (۱۳۶۶/۱۱/۲۱ تا ۱۳۶۶/۱۲/۵ هجری شمسی) مفتوح خواهد بود. این پروتکل پس از اول مارس ۱۹۸۸ میلادی (۱۳۶۶/۱۲/۱۱ هجری شمسی) برای امضای کلیه دولتها در لندن، مسکو، واشنگتن و مونترال تا زمانی که طبق ماده (۶) لازم‌الاجرا گردد، مفتوح خواهد بود.
ماده ۵ ـ
۱ ـ این پروتکل منوط به تصویب دولتهای امضاءکننده خواهد بود.
۲ ـ هر دولتی که جزء دولتهای متعاهد نباشد، چنانچه همزمان کنوانسیون را طبق ماده (۱۵) آن تصویب نماید یا به آن ملحق شود، می‌تواند این پروتکل را تصویب نماید.

۳ ـ اسناد تصویب نزد دولتهای اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا یا سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری که بدین وسیله به عنوان هیأت امنای اسناد تعیین می‌شوند، تودیع خواهد شد.

ماده ۶ ـ

۱ ـ به محض اینکه ده دولت امضاءکننده اسناد تصویب این پروتکل را تودیع کنند، سی روز پس از تاریخ تودیع دهمین سند تصویب، بین آنان لازم‌الاجرا خواهد شد. این پروتکل برای هر دولتی که سند تصویب خود را پس از آن تاریخ تودیع نماید، در سی‌امین روز پس از تودیع سند تصویب آن لازم‌الاجرا خواهد گردید.

۲ ـ به مجرد اینکه این پروتکل لازم‌الاجرا گردد به وسیله هیأت امنای اسناد مطابق ماده (۱۰۲) منشور سازمان ملل متحد و به موجب ماده (۸۳) کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی (شیکاگو ۱۹۴۴ میلادی ـ ۱۳۲۳ هجری شمسی) ثبت خواهد شد.

ماده ۷ ـ

۱ ـ این پروتکل پس از لازم‌الاجرا شدن برای الحاق هر دولت غیر امضاءکننده مفتوح خواهد بود.

۲ ـ هر دولتی که جزء دولتهای متعاهد کنوانسیون نباشد، چنانچه همزمان کنوانسیون را طبق ماده (۱۵) آن تصویب نماید یا به آن ملحق شود، می‌تواند به این پروتکل ملحق گردد.

۳ ـ اسناد الحاق نزد هیأت امنای اسناد تودیع خواهد شد و الحاق سی روز پس از تودیع نافذ خواهد گردید.

ماده ۸ ـ

۱ ـ هریک از طرفهای این پروتکل می‌تواند با اطلاع کتبی به هیأت امنای اسناد، از این پروتکل اعلام انصراف نماید.

۲ ـ اعلام انصراف شش ماه پس از تاریخ دریافت اطلاعیه از سوی هیأت امنای اسناد نافذ خواهد شد.

۳ ـ اعلام انصراف از این پروتکل به خودی خود اعتبار اعلام انصراف از کنوانسیون را ندارد.

۴ ـ اعلام انصراف از کنوانسیون از سوی دولت متعاهد به کنوانسیون ـ که این پروتکل مکمل آن می‌باشد ـ به منزله انصراف از این پروتکل نیز تلقی می‌گردد.

ماده ۹ ـ

۱ ـ هیأت امنای اسناد فوراً مراتب زیر را به کلیه دولتهای امضاءکننده و ملحق شده به این پروتکل و کلیه دولتهای امضاءکننده و ملحق شده به کنوانسیون اطلاع خواهند داد:

الف ـ تاریخ هر امضاء و تاریخ تودیع هر سند تصویب یا الحاق به این پروتکل، و

ب ـ دریافت هرگونه اطلاعیه اعلام انصراف از این پروتکل و تاریخ آن.

۲ ـ هیأت امنای اسناد، دولتهای موضوع بند (۱) را از تاریخی که این پروتکل طبق ماده (۶)

لازم‌الاجرا می‌گردد، نیز مطلع خواهند نمود.
با تأیید مطالب فوق، نمایندگان تام‌الاختیار امضاءکننده زیر که از طرف دولتهای متبوع خود برای این منظور به طور مقتضی اختیار یافته‌اند، این پروتکل را امضاء نمودند.
این پروتکل در مونترال به تاریخ بیست و چهارم فوریه یکهزار و نهصد و هشتاد و هشت میلادی (۱۳۶۶/۱۲/۵ هجری شمسی) در چهار نسخه اصلی که هرکدام در چهار متن معتبر به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیولی تدوین شده، تهیه گردید.
قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و نه ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و دوم اسفندماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
رییس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی

پروتکل جلوگیری از اعمال غیرقانونی خشونت‌آمیز در فرودگاههایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی می‌باشند

مکمل کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری، منعقد شده در مونترال به تاریخ (۲۳) سپتامبر ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰/۷/۱ هجری شمسی)

دولتهای طرف این پروتکل،
با توجه به اینکه اعمال غیرقانون خشونت‌آمیز که امنیت اشخاص را در فرودگاههایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی هستند در خطر، یا احتمالاً در خطر، می‌اندازد یا عملیات امنیتی چنین فرودگاههایی را به مخاطره می‌اندازد، اعتماد مردم دنیا را نسبت به امنیت چنین فرودگاههایی تضعیف نموده و اداره و هدایت ایمن و منظم هواپیمایی کشوری را برای کلیه دولتها مختل می‌نماید؛
با عنایت به اینکه وقوع چنین اعمالی موجبات نگرانی شدید جامعه بین المللی را فراهم آورده است و اینکه به منظور جلوگیری از چنین اعمالی نیاز فوری جهت پیش بینی اقدامات مناسب برای مجازات مجرمان وجود دارد؛
نظر به اینکه تصویب مقررات مکمل مقررات کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری منعقد شده در مونترال به تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰/۷/۱ هجری شمسی) برای جلوگیری از اعمال غیر قانون خشونت‌آمیز در فرودگاههایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین المللی هستند ضروری می‌باشد؛
در موارد ذیل توافق نموده‌اند:

ماده ۱ ـ این پروتکل مکمل کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری منعقد شده در مونترال به تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰/۷/۱ هجری شمسی)، (که از این پس بدان «کنوانسیون» اطلاق می‌شود) می‌باشد و بین طرفهای این پروتکل، کنوانسیون و پروتکل به عنوان یک سند واحد خوانده و تفسیر خواهد شد.

ماده ۲ ـ

۱ ـ در ماده (۱) کنوانسیون، موارد زیر به عنوان بند جدید (۱) مکرر اضافه گردد:

بند ۱ مکرر ـ هر شخصی که مرتکب جرم شود چنانچه به طور غیرقانونی و عامداً با استفاده از هر وسیله، ماده یا اسلحه:

الف ـ عدم خشونت‌آمیز علیه شخصی در فرودگاهی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین المللی است انجام دهد که منجر به جراحت جدی یا مرگ شخص گردد؛ یا

ب ـ تأسیسات فرودگاهی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین المللی است یا هواپیمایی را که در سرویس نیست و در آن مستقر است نابود سازد یا آسیب جدی به آن وارد نماید یا خدمات فرودگاه را مختل کند؛

اگر چنین عملی امنیت آن فرودگاه را به خطر اندازد؛

۲ ـ در جزء الف بند (۲) ماده (۱) کنوانسیون، کلمات زیر پس از کلمات بند (۱) اضافه گردد:

«یا بند ۱ مکرر».

ماده ۳ ـ در ماده (۵) کنوانسیون موارد زیر به عنوان بند (۲) مکرر افزوده شود:

بند ۲ مکرر ـ هر دولت متعاهد در مواردی که متهم مورد ادعا در قلمرو آن حضور داشته باشد و او را به موجب ماده (۸) به دولت موضوع جزء (الف) بند(۱) این ماده مسترد نکند در صورت لزوم اقداماتی را جهت تعیین صلاحیت قضایی خود نسبت به جرایم موضوع ماده (۱)، بند (۱) مکرر و بند (۲) ماده (۱)، تا آنجا که آن بند در ارتباط با این جرایم باشد نیز اتخاذ خواهد نمود.

ماده ۴ ـ این پروتکل برای امضای دولتهای شرکت کننده در کنفرانس بین‌المللی حقوق هوایی که از تاریخ ۹ تا ۲۴ فوریه ۱۹۸۸ میلادی (۱۳۶۶/۱۱/۲۱ تا ۱۳۶۶/۱۲/۵ هجری شمسی) در مونترال برگزار گردید، در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۸ میلادی (۱۳۶۶/۱۲/۵ هجری شمسی) مفتوح خواهد بود. این پروتکل پس از اول مارس ۱۹۸۸ میلادی (۱۳۶۶/۱۲/۱۱ هجری شمسی) برای امضای کلیه دولتها در لندن، مسکو، واشنگتن و مونترال تا زمانی که طبق ماده (۶) لازم الاجرا گردد، مفتوح خواهد بود.

ماده ۵ ـ

۱ ـ این پروتکل منوط به تصویب دولتهای امضاء کننده خواهد بود.

۲ ـ هر دولتی که جزء دولتهای متعاهد نباشد، چنانچه همزمان کنوانسیون را طبق ماده (۱۵) آن تصویب نماید یا به آن ملحق شود، می‌تواند این پروتکل را تصویب نماید.

۳ ـ اسناد تصویب نزد دولتهای اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا یا سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری که بدین وسیله به عنوان هیأت امنای اسناد تعیین می‌شوند، تودیع خواهد شد.

ماده ۶ ـ

۱ ـ به محض اینکه ده دولت امضاء کننده اسناد تصویب این پروتکل را تودیع کنند، سی روز پس از تاریخ تودیع دهمین سند تصویب، بین آنان لازم الاجرا خواهد شد. این پروتکل برای هر دولتی که سند تصویب خود را پس از آن تاریخ تودیع نماید، در سی امین روز پس از تودیع سند تصویب آن لازم الاجرا خواهد گردید.

۲ ـ به مجرد اینکه این پروتکل لازم الاجرا گردد به وسیله هیأت امنای اسناد مطابق ماده (۱۰۲) منشور سازمان ملل متحد و به موجب ماده (۸۳) کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین المللی (شیکاگو ۱۹۴۴ میلادی ـ ۱۳۲۳ هجری شمسی) ثبت خواهد شد.

ماده ۷ ـ

۱ ـ این پروتکل پس از لازم الاجرا شدن برای الحاق هر دولت غیر امضاء کننده مفتوح خواهد بود.

۲ ـ هر دولتی که جزء دولتهای متعاهد کنوانسیون نباشد، چنانچه همزمان کنوانسیون را طبق ماده (۱۵) آن تصویب نماید یا به آن ملحق شود، می‌تواند به این پروتکل ملحق گردد.

۳ ـ اسناد الحاق نزد امنای اسناد تودیع خواهد شد و الحاق سی روز پس از تودیع نافذ خواهد گردید.

ماده ۸ ـ

۱ ـ هر یک از طرفهای این پروتکل می‌تواند با اطلاع کتبی به هیأت امنای اسناد، از این پروتکل اعلام انصراف نماید.

۲ ـ اعلام انصراف شش ماه پس از تاریخ دریافت اطلاعیه از سوی هیأت امنای اسناد نافذ خواهد شد.

۳ ـ اعلام انصراف از این پروتکل به خودی خود اعتبار اعلام انصراف از کنوانسیون را ندارد.

۴ ـ اعلام انصراف از کنوانسیون از سوی دولت متعاهد به کنوانسیون ـ که این پروتکل مکمل آن می‌باشد ـ به منزله انصراف از این پروتکل نیز تلقی می‌گردد.

ماده ۹ ـ

۱ ـ هیأت امنای اسناد فوراً مراتب زیر را به کلی دولتهای امضاکننده و ملحق شده به این پروتکل و کلیه دولتهای امضاء کننده و ملحق شده به کنوانسیون اطلاع خواهند داد:

الف ـ تاریخ هر امضاء و تاریخ تودیع هر سند تصویب یا الحاق به این پروتکل و

ب ـ دریافت هر گونه اطلاعیه اعلام انصراف از این پروتکل و تاریخ آن.

۲ ـ هیأت امنای اسناد، دولتهای موضوع بند (۱) را از تاریخی که این پروتکل طبق ماده (۶) لازم الاجرا می‌گردد، نیز مطلع خواهند نمود.

با تأیید مطالب فوق، نمایندگان تام الاختیار امضاء کننده زیر که از طرف دولتهای متبوع خود برای این منظور به طور مقتضی اختیار یافته‌اند، این پروتکل را امضاء نمودند.

این پروتکل در مونترال به تاریخ بیس و چهارم فوریه یکهزار و نهصد و هشتاد و هشت میلادی (۱۳۶۶/۱۲/۵ هجری شمسی) در چهار نسخه اصلی که هر کدام در چهار متن معتبر به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیولی تدوین شده، تهیه گردید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و نه ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و دوم اسفندماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل مربوط به متن معتبر پنج زبانی کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی[1]

ماده واحده ـ پروتکل مربوط به متن معتبر پنج زبانی کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی ـ مشتمل بر یک مقدمه و (۱۰) ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

پروتکل متن معتبر پنج زبانی کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی (شیکاگو ـ مصوب ۱۳۲۳ هجری شمسی برابر ۱۹۴۴ میلادی)

دولتهای امضاء کننده زیر:

با توجه به اینکه بیست و نهمین اجلاس مجمع طی قطعنامه ۲۱ ـ ۲۹ الف علاوه بر سایر موارد از شورا و دبیر کل در خواست نمود اقدامات لازمی برای تقویت استفاده از زبان عربی در سازمان هواپیمایی کشوری بین‌المللی اتخاذ نموده و اقدامات مزبور را با هدف نیل به استفاده از زبان عربی در سازمان هواپیمایی کشوری بین المللی در سطح زبانهای دیگر در سازمان به دقت زیر نظر داشته باشد:

با عنایت به اینکه متن انگلیسی کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین المللی در تاریخ ۱۳۲۳/۹/۱۶ هجری شمسی برابر با ۷ دسامبر ۱۹۴۴ میلادی در شیکاگو برای امضاء مفتوح گردید.

---

۱ ـ روزنامه رسمی کشور، شماره ۱۵۰۳۵ تاریخ ۱۳۷۵/۷/۲۲.

با توجه به اینکه به موجب پروتکل امضاء شده در بوینس آیرس به تاریخ ۱۳۴۷/۷/۲ هجری شمسی برابر با ۲۴ سپتامبر ۱۹۶۸ میلادی راجع به متن معتبر سه زبانی کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین المللی منعقده در ۱۳۲۳/۹/۱۶ هجری شمسی برابر با ۷ دسامبر ۱۹۴۴ میلادی متن کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی (که از این پس کنوانسیون خوانده می‌شود) به زبانهای فرانسوی و اسپانیایی به تصویب رسید و به همراه متن کنوانسیون به زبان انگلیسی همچنان که در بند پایانی کنوانسیون پیش بینی گردیده متنی که از اعتبار یکسان برخوردار است را تشکیل می‌دهد.

با توجه به اینکه پروتکل راجع به اصلاح کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین المللی و پروتکل راجع به متن معتبر چهار زبانی کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین المللی (شیکاگو ـ مصوب ۱۳۲۳ هجری شمسی برابر ۱۹۴۴ میلادی) در تاریخ ۱۳۵۶/۷/۸ هجری شمسی برابر با ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۷ برای اعتبار متن کنوانسیون و اصلاحیه‌های آن به زبان روسی به تصویب رسید.

بنابراین با عنایت به اینکه شایسته است مقررات لازم برای وجود متن کنوانسیون به زبان عربی تدوین گردد.

با توجه به اینکه در تدوین مقررات مزبور، باید به اصلاحیه‌های موجود کنوانسیون به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی که متون آنها از اعتبار یکسانی برخوردار است و اینکه طبق بند (الف) ماده (۹۴) کنوانسیون، هر اصلاحیه فقط در مورد کشوری لازم الاجرا خواهد شد که آن را تصویب نموده، توجه گردد.

به شرح زیر موافقت نمودند:

ماده ۱ ـ متن کنوانسیون و اصلاحیه‌های آن به زبان عربی که به این پروتکل ضمیمه شده است همراه با متن کنوانسیون و اصلاحیه‌های آن به زبانهای انگلیسی، فرانسوی و روسی و اسپانیایی یک متن به پنج زبان که دارای اعتبار یکسان می‌باشد را تشکیل می‌دهند.

ماده ۲ ـ هرگاه یک دولت عضو این پروتکل، هر اصلاحیه کنوانسیون راکه به موجب بند (الف) ماده (۹۴) آن تدوین شده است، تصویب کرده یا در آینده تصویب نماید، در نتیجه این پروتکل، متن چنین اصلاحیه‌ای به زبانهای انگلیسی، عربی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی اشاره به متنی با اعتبار یکسان در هر پنج زبان تلقی خواهد شد.

ماده ۳ ـ

۱ ـ دولتهای عضو سازمان هواپیمایی کشوری بین المللی می‌توانند به یکی از روشهای زیر عضو این پروتکل شوند:

الف ـ امضای بدون حق شرط نسبت به پذیرش یا

ب ـ امضای با حق شرط نسبت به پذیرش که به دنبال آن پذیرش صورت گیرد یا

ج ـ پذیرش

۲ ـ این پروتکل برای امضا در مونترال تا تاریخ ۱۳۷۴/۷/۱۸ هجری شمسی برابر با ۱۰ اکتبر ۱۹۹۵ میلادی و بعد از آن در واشنگتن دی. سی مفتوح خواهد ماند.
۳ ـ پذیرش با تودیع سند پذیرش نزد دولت ایالات آمریکا نافذ خواهد شد.
۴ ـ الحاق یا تنفیذ یا تصویب این پروتکل در حکم پذیرش آن تلقی خواهد شد.

ماده ۴ ـ این پروتکل سی روز بعد از اینکه دوازده دولت به موجب مفاد ماده (۳) آن را بدون حق شرط نسبت به پذیرش امضا کرده یا آن را بپذیرند و پس از لازم الاجرا شدن اصلاحیه عبارت پایان کنوانسیون مصوب ۱۳۷۴/۷/۷ هجری شمسی برابر با ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۵ میلادی، که مقرر می‌دارد متن کنوانسیون به زبان عربی از اعتبار یکسانی برخوردار باشد، لازم الاجرا خواهد شد.
۲ ـ این پروتکل در مورد کشوری که به موجب ماده ۳ متعاقباً عضو این پروتکل شود، از تاریخ امضای بدون قید حق شرط نسبت به پذیرش یا تاریخ پذیرش آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

ماده ۵ ـ الحاق یک دولت به کنوانسیون پس از لازم الاجرا شدن این پروتکل، پذیرش این پروتکل تلقی خواه شد.

ماده ۶ ـ پذیرش این پروتکل از طرف یک دولت به عنوان تصویب هر اصلاحیه کنوانسیون از طرف آن دولت تلقی نخواهد گردید.

ماده ۷ ـ به محض لازم الاجرا شدن این پروتکل، دولت ایالات متحده آمریکا باید آن را نزد سازمان ملل متحد و سازمان هواپیمایی کشوری بین المللی ثبت نماید.

ماده ۸ ـ

۱ ـ این پروتکل مادامی که کنوانسیون لازم الاجرا باشد، لازم الاجرا خواهد ماند.
۲ ـ لازم الاجرا بودن این پروتکل در مورد یک دولت زمانی متوقف خواهد شد که عضویت دولت مزبور در کنوانسیون متوقف گردد.

ماده ۹ ـ دولت ایالات متحده آمریکا به کلیه کشورهای عضو سازمان هواپیمایی کشوری بین المللی و سازمان مزبور موارد زیر را اعلام خواهد نمود:
الف ـ هر امضای این پروتکل و تاریخ آن همراه با ذکر این نکته که امضا با قید حق شرط نسبت به پذیرش یا بدون آن می‌باشد.
ب ـ تودیع هر سند پذیرش و تاریخ آن.
ج ـ تاریخی که این پروتکل به موجب مفاد بند (۱) ماده ۴ لازم الاجرا می‌شود.

ماده ۱۰ ـ این پروتکل به زبانهای انگلیسی، عربی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی که هر متن دارای اعتبار یکسان می‌باشد، تنظیم شده و نزد مرکز اسناد دولت ایالات متحده آمریکا تودیع خواهد شد که رونوشت گواهی شده آن برای دولتهای کشورهای عضو سازمان هواپیمایی کشوری بین المللی ارسال خواهد شد.

در تایید مطالب بالا نمایندگان تام الاختیار امضا کننده زیر که دارای اختیارات لازم می‌باشند، این

پروتکل را امضا می‌کنند.
تنظیم شده در تاریخ هفتم مهرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار هجری شمسی برابر با بیست و نهم سپتامبر سال یکهزار و نهصد و نود و پنج میلادی در مونترال.
قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منظم به متن پروتکل شامل مقدمه و ده ماده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و یکم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۵/۶/۲۸ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

مقررات کیفری از قانون دریایی ایران

مصوب ۲۹ شهریورماه ۱۳۴۳ با اصلاحات بعدی [1]

ماده ۲ ـ تابعیت فرمانده و افسران و کارکنان کشتی ـ فرمانده و افسران و کارکنان کشتی ممکن است در صورت لزوم از اتباع غیر ایرانی باشند.
مالک کشتی باید به هزینه خود اتباع ایرانی را برای کار در کشتی تربیت کند و به تدریج آنان را به جای کارکنان خارجی در کشتی بگمارد.
برنامه کارآموزی توسط مالکین کشتی تنظیم و پس از تصویب سازمان بنادر و کشتیرانی توسط مالکین مذکور به مورد اجرا گذاشته می‌شود ولی در هر حال می‌بایست در عرض چهار سال از تاریخ قبول تابعیت ایران لااقل نصف کارکنان کشتی از اتباع ایران باشند.
مهندسین و افسران و کارکنان ایرانی کشتیرانی در مدتی که جزو کارکنان کشتی باشند از پرداخت مالیات بر حقوق و مزایای دریافتی معاف خواهند بود.
ماده ۷ ـ تغییر تابعیت ـ مالکی که کشتی او در ایران به ثبت رسیده است می‌تواند تابعیت کشتی خود را تغییر دهد.
مقررات مربوط به خروج از تابعیت در آیین‌نامه این قانون تعیین خواهد گردید.
ماده ۱۴ ـ تغییرات در ظرفیت کشتیها ـ هرگونه تغییری در ظرفیت مسافربری و یا باربری کشتی باید کتباً به اطلاع سازمان بنادر و کشتیرانی برسد این گونه تغییرات نیز باید در دفتر رسمی ثبت کشتیها و در سند ثبت کشتی و نسخه دوم آن قید گردد.
ماده ۱۶ ـ گواهینامه موقت ـ نمایندگان کنسولی ایران می‌توانند با کسب اجازه از سازمان بنادر و کشتیرانی به استناد گواهینامه‌های فنی صادره از طرف یکی از مؤسسات صلاحیت‌دار بین‌المللی مذکور در ماده فوق گواهینامه ثبت موقت جهت کشتیهایی که در ایران به ثبت خواهند

---

۱ ـ منتشره در روزنامه رسمی شمارات ۵۸۲۸ ـ ۴۲/۱۱/۲۹ و ۵۸۷۶ مورخ ۴۴/۲/۶ (صفحات ۲۸۹ و ۴۹۷ ـ ۴۳۳ مجموعه قوانین سال ۱۳۴۳).

رسید صادر نماید. اعتبار این گونه گواهینامه‌های ثبت موقت متناسب با مدت مسافرت کشتی به یکی از بنادر ایران جهت انجام تشریفات ثبت خواهد بود و نباید از شش ماه تجاوز کند.
رونوشت گواهینامه ثبت موقت باید به اداره کشتیهای سازمان و بنادر کشتیرانی ارسال شود و اصل گواهی ثبت موقت باید به سازمان بنادر و کشتیرانی تسلیم شود.
ماده ۱۷ ـ آثار عدم ثبت کشتی ـ در مورد ماده فوق چنانچه کشتی به موقع به ثبت نرسد و یا اسناد قبلی به موقع تسلیم نگردد کشتی حق برافراشتن پرچم ایران را نخواهد داشت و مالک کشتی بر طبق مقررات ماده ۱۹۰ این قانون به پرداخت جریمه محکوم و موظف به تسلیم اسناد کشتی می‌باشد.
مفاد این ماده در مورد اسناد مفقود لازم‌الرعایه نخواهد بود.
ماده ۱۹ ـ تغییر در ساختمان کشتی ـ در صورت تغییر اساسی در ساختمان کشتی اظهارنامه جدیدی باید به سازمان بنادر و کشتیرانی یا نمایندگان کنسولی ایران تسلیم و توضیحات کافی فنی راجع به ضرورت تغییرات مذکور در آن داده شود سازمان مزبور پس از رسیدگی به مدارک اظهارنامه اقدام به اصلاح اسناد مربوطه خواهد نمود.
در صورتی که اظهارنامه مزبور به نمایندگان کنسولی ایران تسلیم شود مقامات مزبور مکلفند اظهارنامه را در اسرع وقت به سازمان بنادر و کشتیرانی ارسال دارند.
هرگاه متقاضی اسنادی به تصدیق مقامات صلاحیت‌دار بین‌المللی که مورد تأیید سازمان بنادر و کشتیرانی باشد ارایه نماید. اداره ثبت کشتی به استناد اسناد مزبور اقدام به اصلاح اسناد مربوطه خواهد نمود.
ماده ۲۰ ـ احکام و قراردادهای قضایی ـ هرگونه قرار یا آراء لازم‌الاجرای صادره از دادگاهها که در حقوق عینی کشتی تغییری دهد (به استثنای حقوق ممتاز) باید در دفتر ثبت کشتی و اسناد آن قید گردد.
مأمورین مکلف به ثبت و انعکاس دادن مراتب فوق اگر در انجام وظیفه در این مورد تسامح نمایند به کیفر مقرر در ماده ۱۹۰ این قانون محکوم خواهند شد.
هرگاه ثابت شود که مأموری تعمداً از انجام دادن وظیفه مزبور خودداری نموده است مجازات او از شش ماه تا سه سال حبس جنحه‌ای و پرداخت خسارت ناشیه از این عمل خواهد بود.
ماده ۲۱ ـ ابطال ثبت و سلب تابعیت کشتیهای ایرانی ـ در موارد ذیل ثبت کشتی باطل و تابعیت آن سلب می‌گردد:

۱ ـ در صورتی که شرایط ثبت کشتی و حق برافراشتن پرچم ایران از بین رفته باشد.
۲ ـ در صورتی که کشتی مفقود و یا توسط دزدان دریایی و یا در نتیجه عملیات خصمانه تصرف شده باشد.
۳ ـ در صورتی که کشتی متلاشی شده و از حیز انتفاع افتاده باشد.

۴ ـ در صورتی که مالک کشتی را رها کرده باشد.
تقاضای ابطال ثبت و سلب تابعیت کشتی باید توسط سازمان بنادر و کشتیرانی از دادگاه دریایی به عمل آید در موارد فوق سند ثبت و تابعیت کشتی باید منتهی ظرف سی روز به اداره ثبت کشتیهای سازمان بنادر و کشتیرانی یا نمایندگان کنسولی ایران مسترد گردد.

ماده ۲۴ ـ انتقالات و معاملات کشتی ـ الف ـ ثبت کلیه انتقالات و معاملات و اقاله راجع به عین کشتیهای مشمول این قانون همچنین منافع آن در صورتی که مدت آن زاید بر دو سال باشد در داخل کشور اجباری است و منحصراً وسیله دفاتر اسناد رسمی که برای این کار از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه مخصوص دارند انجام می‌شود و در صورتی که معاملات مزبور در خارج از کشور صورت گیرد انجام معامله طبق مقررات کشور محل وقوع آن باید توسط نزدیکترین نماینده کنسولی ایران به محل معامله گواهی و مراتب در دفتر کنسولگری نیز منعکس و ظرف ۱۵ روز به سازمان بنادر و کشتیرانی اعلام شود.[1]

ب ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نماینده‌ای در سازمان بنادر و کشتیرانی خواهد داشت که ثبت انتقالات و معاملات مزبور را در دفاتر خود منعکس خواهد نمود.

ج ـ فروش و یا انتقال تمام و یا قسمتی از کشتی که در ایران به ثبت رسیده است اعم از اینکه انتقال ارادی یا قهری باشد تغییری در تابعیت کشتی نمی‌دهد به شرط آنکه حد نصاب مندرج در بند الف ماده یک این قانون و شرایط دیگر رعایت شود.

د ـ کلیه معاملات مربوط به فروش و انتقال و رهن کشتی باید در اسناد ثبت و تابعیت کشتی هر دو قید گردد.

هـ ـ مالک کشتی ایرانی که کشتی خود را در ایران و یا خارج از کشور به رهن گذاشته است نمی‌تواند قبل از فک رهن و یا بدون اجازه مرتهن یا بدون تأمین حق مرتهن کشتی خود را به فروش رساند.
در صورت تخلف از حکم مزبور معامله انجام شده نافذ نخواهد بود.

و ـ دفاتر اسناد رسمی و یا مأمورین کنسولی ایران در خارج که از مقررات این ماده تخلف ورزند علاوه بر مجازاتهای مقرره مسؤول پرداخت کلیه خسارات وارده نیز خواهند بود ضمناً آیین‌نامه اجرایی مربوط به این ماده به وسیله سازمان بنادر و کشتیرانی و وزارت دادگستری تنظیم و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۵ ـ آگهی فروش کشتی ـ در مورد فروش کشتیهای تابع ایران سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف است انجام معامله را در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز در سه نوبت و هر نوبت به فاصله ۱۰ روز آگهی نماید لذا هزینه آگهیها توسط مرجع قانونی که وقوع

---

۱ ـ اصلاحی مصوب ۷ آبان‌ماه ۱۳۵۲ (منتشره در روزنامه رسمی شماره ۸۳۹۵ مورخ ۱۳۵۲/۸/۲۰).

معامله را ثبت می‌کند در موقع انجام معامله از فروشنده دریافت می‌گردد.

ماده ۲۶ ـ حق بازرسی اسناد کشتی ـ مأمورین مجاز دولت می‌توانند در هر موقع به اسناد کشتی رسیدگی نمایند، در صورتی که فرماندهٔ کشتی از ارایه اسناد خودداری نماید بنابراین طبق مقررات ماده ۱۹۰ این قانون محکوم به پرداخت جریمه نقدی خواهد شد.

ماده ۲۷ ـ اظهارات خلاف واقع ـ هرگاه مالک یا نماینده او در مورد ثبت کشتی اظهارات غلط و خلاف واقع بنماید دادگاه بر طبق مقررات ماده ۱۹۰ این قانون با او رفتار خواهد کرد.

ماده ۴۶ ـ حق رجحان بستانکاران مقدم ـ چنانچه کشتی بیش از یک مورد در رهن باشد بستانکاران مقدم بر بستانکاران مؤخر حق رجحان خواهند داشت. در موقع تنظیم سند باید کلیه خصوصیات معاملات قبلی در متن سند تصریح گردد و راهن باید وجود هرگونه رهن قبلی و همچنین تعهد و بدهی مربوط به کشتی مورد رهن را که از آن اطلاع دارد کتباً به مرتهنین اعلام دارد. چنانچه راهن به قصد تقلب از رعایت مقررات این ماده تخلف ورزد بر طبق مقررات ماده ۱۹۰ محکوم به پرداخت جریمه خواهد شد و بدهی راهن بلافاصله حال و به درخواست مرتهن از اموال راهن استیفاء می‌شود.

ماده ۸۹ ـ وثیقه‌گذاشتن بار جهت اخذ وام ـ اگر ضمن سفر جهت تعمیر و یا تعویض بعضی از تأسیسات ضروری کشتی و یا مخارج فوری و لازم دیگر وجوه مورد احتیاج در دسترس نباشد فرمانده می‌تواند وجوه مذکور را در وهله اول با وثیقه‌گذاشتن کشتی و یا کرایه باربری و سپس با وثیقه‌گذاشتن بار کشتی و با رعایت شرایط ذیل قرض و یا در موارد ضروری و حیاتی با فروش بار کشتی وجه لازم را تحصیل نماید:

۱ ـ برای اجرای منظور فوق فرمانده باید ابتدا صورتمجلسی با ذکر موجبات قرضه تنظیم و آن را به امضای افسران ارشد کشتی رسانده و مراتب را فوراً به مالک کشتی اطلاع داده و کسب تکلیف نماید. در صورتی که از طرف مالک کشتی وجوه لازم در اختیار فرمانده گذارده نشود فرمانده می‌تواند در صورتی که کشتی در بنادر خارجی باشد با ارایه صورتمجلس مذکور کسب اجازه از نماینده کنسولی ایران و در صورت عدم وجود نماینده کنسولی ایران در محل با اجازه مقامات صلاحیت‌دار محلی و در صورتی که کشتی در بنادر ایران باشد با اجازه دادستان محل و یا نماینده قانونی او مبادرت به تحصیل وام کند.

۲ ـ مبلغ وام درخواستی نباید از میزان واقعی نیازمندیهای مذکور تجاوز نماید.

ماده ۹۴ ـ وثیقه و رهن غیر موجه ـ اگر فرمانده کشتی اموال و یا خود کشتی و یا بار آن را بدون علت موجه به وثیقه و یا رهن گذارد شخصاً مسؤول خسارت وارده خواهد بود.

اگر فرمانده صورت مخارج کشتی را برخلاف واقع تهیه و تنظیم کند و یا شرایط مذکور در ماده ۸۹ را رعایت ننماید علاوه بر جبران خسارات وارده محکوم به پرداخت جریمه نقدی بر طبق مقررات ماده ۱۹۰ این قانون خواهد بود.

ماده ۱۴۶ ـ حق ممتاز ـ فرمانده تا ۲۵ روز از تاریخ تحویل کالا برای وصل کرایه بار و خسارات وارده نسبت به بار در برابر سایر طلبکاران دارای حق ممتاز است مشروط بر اینکه کالای مذکور به شخص ثالث تحویل نشده باشد.

ماده ۱۹۰ ـ جرایم ـ در صورت تخلف از مواد ۲ ـ ۷ ـ ۱۴ ـ ۱۷ ـ ۱۹ و قسمت اول از ماده ۲۰ ـ ۲۱ ـ ۲۴ ـ ۲۵ ـ ۲۶ ـ ۲۷ ـ ۴۶ ـ ۹۴ ـ ۱۴۶ دادگاه برحسب مورد متخلف را به پرداخت جزای نقدی از یک تا دو هزار و پانصد پهلوی طلا محکوم خواهد کرد.

حداقل و حداکثر جزای نقدی مربوط به هریک از جرایم.

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۷ هجری شمسی) مربوط به کنوانسیون بین‌المللی ایمنی جان اشخاص در دریا

مصوب ۱۹۷۴ میلادی برابر ۱۳۵۳ هجری شمسی[1]

ماده واحده ـ به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به پروتکل ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۷ هجری شمسی) مربوط به کنوانسیون بین‌المللی ایمنی جان اشخاص در دریا مصوب ۱۹۷۴ میلادی برابر ۱۳۵۳ هجری شمسی مشتمل بر (۸) ماده و یک پیوست و یک ضمیمه به شرح پیوست، ملحق شده اسناد مربوطه را تسلیم نماید.

پروتکل ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۷ هجری شمسی) مربوط به کنوانسیون بین‌المللی ایمنی جان اشخاص در دریا

مصوب ۱۹۷۴ میلادی برابر ۱۳۵۳ هجری شمسی

اعضای این پروتکل، که عضو کنوانسیون بین‌المللی ایمنی جان اشخاص در دریا مصوب اول نوامبر ۱۹۷۴ میلادی (۱۳۵۳/۸/۱۰ هجری شمسی) در لندن می‌باشند، با تصدیق اینکه کنوانسیون فوق‌الذکر سهم به سزایی را می‌تواند در ارتقای ایمنی کشتیها و اموال در دریا و جان اشخاص داخل کشتی ایفا نماید، همچنین با تصدیق لزوم بهبود بیشتر ایمنی کشتیها بویژه کشتیهای نفتکش، با عنایت به امکان دستیابی بهتر به این هدف به وسیله انعقاد پروتکلی در ارتباط با کنوانسیون بین‌المللی ایمنی جان اشخاص در دریا مصوب ۱۹۷۴ میلادی (۱۳۵۳ هجری شمسی)، به شرح زیر موافقت نمودند:

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۴۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۶

ماده ۱ ـ تعهدات کلی

اعضای این پروتکل تعهد می‌کنند که مفاد این پروتکل و ضمیمه آن که جزء لاینفک این پروتکل است را به موقع به اجرا بگذارند. هر اشاره‌ای به این پروتکل در عین حال اشاره به ضمیمه آن نیز خواهد بود.

ماده ۲ ـ دامنه شمول

۱ ـ مفاد مواد (۲) و (۳) (به غیر از بند «الف»)، (۴) و (۶) (بندهای «ب»، «ج» و «د»)، (۷) و (۸) کنوانسیون بین‌المللی جان اشخاص در دریا مصوب ۱۹۷۴ میلادی (۱۳۵۳ هجری شمسی) (که من بعد کنوانسیون خوانده می‌شود) در این پروتکل گنجانده می‌شوند، مشروط بر اینکه هر اشاره‌ای به مواد مزبور کنوانسیون و دولتهای متعاهد به ترتیب اشاره به این پروتکل و اعضای این پروتکل محسوب گردد.

۲ ـ هر کشتی که مشمول این پروتکل شود، مفاد کنوانسیون را باید همراه اصلاحات و اضافاتی که در این پروتکل بیان شده است، رعایت نماید.

۳ ـ اعضای این پروتکل در خصوص کشتیهای دولتهای غیر عضو کنوانسیون و این پروتکل باید الزامات کنوانسیون و این پروتکل را تا جایی که لازم است اطمینان حاصل شود که هیچ‌گونه رفتار نامطلوبتری در مورد کشتیهای مزبور صورت نمی‌گیرد به‌کار بندند.

ماده ۳ ـ تبادل اطلاعات

اعضای این پروتکل تعهد می‌کنند فهرستی از بازرسهای معرفی شده یا سازمانهای به رسمیت شناخته شده‌ای که به نیابت از طرف آنها مجاز به فعالیت در زمینه اداره امور ایمنی جان اشخاص در دریا می‌باشند را جهت ارسال به اعضاء به منظور اطلاع مأمورین آنها، به دبیرکل سازمان مشورتی بین‌الدولی دریانوردی (که از این پس سازمان نامیده می‌شود) ارسال و نزد وی تودیع نمایند.

دستگاه اجرایی باید سازمان را از مسؤولیتها و شرایط خاص اختیار تفویض شده به بازرسهای معرفی شده یا سازمانهای به رسمیت شناخته شده مطلع نماید.

ماده ۴ ـ امضاء، تنفیذ، پذیرش، تصویب و الحاق

۱ ـ این پروتکل در مقر سازمان از تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۷/۳/۱۱ هجری شمسی) تا اول مارس ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷/۱۲/۱۰ هجری شمسی) جهت امضاء و پس از آن برای الحاق مفتوح خواهد بود. کشورها با رعایت مفاد بند (۳) این ماده، می‌توانند به روشهای زیر به عضویت این پروتکل درآیند:

الف ـ امضای بدون شرط تنفیذ، پذیرش یا تصویب، یا

ب ـ امضای منوط به تنفیذ، پذیرش یا تصویب و متعاقب آن تنفیذ، پذیرش یا تصویب، یا

پ ـ الحاق.

۲ ـ تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق یا تسلیم سندی بدین منظور به دبیرکل سازمان صورت خواهد پذیرفت.
۳ ـ این پروتکل تنها توسط کشورهایی می‌تواند بدون قید و شرط تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق، امضاء شود که کنوانسیون را بدون قید شرط تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق امضاء کرده‌اند.

ماده ۵ ـ لازم‌الاجراشدن

۱ ـ این پروتکل شش ماه پس از تاریخی که حداقل پانزده کشور که مجموع ناوگان تجاری آنها حداقل پنجاه درصد ظرفیت ناخالص کشتیرانی تجاری جهانی را تشکیل دهد، مطابق ماده (۴) این پروتکل به عضویت آن درآمده باشند لازم‌الاجرا خواهد شد. در هر حال این پروتکل قبل از اینکه کنوانسیون لازم‌الاجرا گردد به اجرا درنخواهد آمد.
۲ ـ هرگونه سند تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق که پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این پروتکل تسلیم شده باشد سه ماه پس از تاریخ تسلیم سند، نافذ خواهد شد.
۳ ـ هرگونه سند تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق تسلیم شده بعد از تاریخی که در آن اصلاحیه این پروتکل به موجب ماده (۸) کنوانسیون پذیرفته شده تلقی می‌گردد، در مورد این پروتکل به گونه‌ای که اصلاح شده، اعمال خواهد شد.

ماده ۶ ـ انصراف

۱ ـ این پروتکل می‌تواند توسط هر عضوی در هر زمان پس از سپری‌شدن پنج سال از تاریخی که این پروتکل در مورد آن عضو لازم‌الاجرا می‌شود، فسخ گردد.
۲ ـ انصراف، با تسلیم سند انصراف به دبیرکل سازمان صورت خواهد پذیرفت.
۳ ـ انصراف یک سال یا زمان طولانی‌تری که ممکن است در سند انصراف تصریح شده باشد، پس از دریافت آن توسط دبیرکل سازمان نافذ خواهد شد.
۴ ـ انصراف از کنوانسیون از طرف یک عضو، انصراف آن عضو از این پروتکل نیز تلقی خواهد شد.

ماده ۷ ـ امین اسناد

۱ ـ این پروتکل به دبیرکل سازمان که (از این پس امین اسناد خوانده می‌شود) تسلیم خواهد شد.
۲ ـ امین اسناد باید:
الف ـ موارد زیر را به کلیه کشورهایی که این پروتکل را امضاء نموده یا به آن ملحق شده‌اند اطلاع دهد:
(۱) هر امضای جدید یا تسلیم سند تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق همراه با تاریخ آن،
(۲) تاریخ لازم‌الاجرا شدن این پروتکل،
۳ ـ تسلیم هرگونه سند انصراف از این پروتکل همراه با تاریخ دریافت آن و تاریخی که در آن،

انصراف نافذ می‌شود.

ب ـ نسخ برابر با اصل این پروتکل را به کلیه کشورهایی که این پروتکل را امضاء نموده یا به آن ملحق شده‌اند ارسال نماید.

۳ ـ به محض اینکه این پروتکل لازم‌الاجرا شد، یک نسخه برابر با اصل آن توسط امین اسناد به دبیرخانه سازمان ملل متحد جهت ثبت و انتشار طبق ماده (۱۰۲) منشور ملل متحد، ارسال خواهد شد.

ماده ۸ ـ زبانها

این پروتکل در یک نسخه واحد به زبانهای چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیولی تهیه گردیده که کلیه متون دارای اعتبار یکسان می‌باشند. ترجمه‌های رسمی به زبانهای عربی، آلمانی و ایتالیایی تهیه و به همراه نسخه اصل امضاء شده تسلیم خواهد شد.

در تأیید مراتب فوق، امضاءکنندگان زیر که بدین منظور از طرف دولتهای متبوع مجاز شناخته شده‌اند این پروتکل را امضاء نموده‌اند:

تنظیم شده در لندن به تاریخ هفدهم فوریه ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۶/۱۱/۲۸ هجری شمسی)

پیوست اصلاحات و اضافات کنوانسیون بین‌المللی ایمنی جان اشخاص در دریا مصوب ۱۹۷۴ میلادی (۱۳۵۳ هجری شمسی)

فصل اول: مقررات عمومی

قسمت (الف) کاربرد، تعاریف و غیره

ماده ۲ ـ تعاریف

بند زیر به متن موجود اضافه می‌شود:

ن ـ «سن کشتی» به معنای مدت زمان سپری شده از سال ساخت کشتی مطابق با آنچه که در اوراق ثبت کشتی درج شده است.

قسمت (ب) بازرسیها و گواهینامه‌ها

ماده ۶ ـ بازبینیها و بازرسیها

متن زیر جایگزین متن موجود ماده (۶) می‌شود:

الف ـ بازبینی و بازرسی کشتیها، تا جایی که مربوط به اجرای مفاد این مواد و اعطای معافیت از آنها می‌باشد باید توسط مأموران دستگاه اجرایی انجام شود. در هر صورت دستگاه اجرایی می‌تواند این بازبینیها و بازرسیها را یا به بازرسهای معرفی شده برای این منظور و یا به سازمانهای به رسمیت شناخته شده واگذار کند.

ب ـ دستگاه اجرایی باید ترتیباتی را جهت بازرسیهای برنامه‌ریزی نشده اتخاذ نماید که این

بازرسیهای خارج از برنامه در طی مدت اعتبار گواهینامه انجام شود. چنین بازرسیهایی باید تضمین نماید که کشتی و تجهیزات آن از هر لحاظ به طور مطلوبی برای خدماتی که برای کشتی در نظر گرفته شده، باقی می‌مانند. این بازرسیها می‌تواند توسط واحدهای بازرسی خود دستگاه اجرایی یا بازرسهای معرفی شده یا سازمانهای به رسمیت شناخته شده یا دیگر اعضای بنادر به درخواست دستگاه اجرایی انجام شود. در صورتی که دستگاه اجرایی، به موجب مفاد مواد (۸) و (۱۰) این فصل، بازرسیهای اجباری سالانه را مقرر کند، بازرسیهای خارج از برنامه فوق‌الذکر اجباری نخواهد بود.

ج ـ دستگاه اجرایی که بازرسهایی را معرفی می‌کند یا سازمانهایی را به رسمیت می‌شناسد تا بازبینیها و بازرسیها را همانطوری که در بندهای (الف) و (ب) این ماده شرح داده شده، انجام دهند باید حداقل به هر بازرسی معرفی شده یا سازمان به رسمیت شناخته شده برای موارد زیر اختیار اعطاء نماید:

۱ ـ درخواست تعمیرات برای یک کشتی، و

۲ ـ انجام بازبینیها و بازرسیها، در صورتی که به وسیله مراجع ذی صلاح کشور صاحب بندر تقاضا شود.

دستگاه اجرایی مسؤولیتها و شرایط خاص اختیار تفویض شده به بازرسهای معرفی شده یا سازمانهای به رسمیت شناخته شده را به سازمان اطلاع خواهد داد.

د ـ وقتی یک بازرس معرفی شده یا سازمان به رسمیت شناخته شده احراز کند که شرایط کشتی یا تجهیزات آن اساساً مطابق با جزییات گواهینامه نیست یا به گونه‌ای است که کشتی بدون ایجاد خطر برای خود و اشخاص داخل آن نمی‌تواند به دریا برود، بازرس یا سازمان مزبور باید فوری مطمئن شود که اقدامات اصلاحی صورت گرفته و باید در موقع مقتضی دستگاه اجرایی را مطلع نماید. اگر چنین اقدام اصلاحی صورت نگرفته باشد گواهینامه مربوط باید اخذ و دستگاه اجرایی را فوری مطلع نمود، و اگر کشتی در بندر عضو دیگری است، مراجع ذی صلاح کشور صاحب بندر نیز باید فوری مطلع شوند. اگر مأمور دستگاه اجرایی، بازرس معرفی شده یا سازمان به رسمیت شناخته شده، مراجع ذی صلاح کشور صاحب بندر را مطلع کرده باشد، دولت کشور صاحب بندر مزبور باید به مأمور، بازرس یا سازمان مزبور هر نوع کمکی را که لازم است بنماید تا تعهدات خود را مطابق این ماده انجام دهد. در صورت امکان، دولت کشور صاحب بندر باید اطمینان حاصل کند که کشتی حرکت نخواهد کرد، مگر اینکه بتواند بندر را به قصد آبهای آزاد یا حوضچه مناسب تعمیرات کشتی، بدون اینکه خطری متوجه کشتی یا اشخاص داخل آن شود، ترک کند.

هـ ـ دستگاه اجرایی در هر مورد به طور کامل بازرسی و بازبینی کافی و کامل را تضمین خواهد کرد و متعهد خواهد شد که از وجود ترتیبات ضروری برای انجام این تعهد، اطمینان حاصل کند.

ماده ۷ ـ بازرسی کشتیهای مسافربری

جزء زیر جایگزین جزء (۳) بند (ب) موجود می‌شود:

۳ ـ بعد از تعمیر ناشی از بازرسیهای توصیف شده در ماده (۱۱) این فصل، یا هر موقع که تعمیر مهم یا نوسازی کشتی انجام می‌گیرد یک بازرسی اعم از کلی یا جزیی حسب شرایط صورت خواهد گرفت. این بازرسی به گونه‌ای خواهد بود که اطمینان حاصل شود که تعمیرات ضروری یا نوسازیها به طور مؤثر صورت گرفته و مواد و مهارت به‌کار گرفته شده در این تعمیرات و نوسازیها از هر لحاظ رضایت‌بخش می‌باشد و اینکه کشتی در تمام جنبه‌ها، مفاد کنوانسیون و این پروتکل و مقررات لازم‌الاجرای بین‌المللی برای جلوگیری از تصادم در دریا، قوانین، تصویبنامه‌ها، احکام و مقرراتی را که دستگاه اجرایی در نتیجه آنها اعلام کرده، رعایت می‌کند.

ماده ۸ ـ بازرسی وسایل نجات جان اشخاص و سایر لوازم کشتیهای باری

متن زیر جایگزین ماده (۸) متن موجود می‌شود:

الف ـ تجهیزات نجات جان به استثنای دستگاه رادیوتلگراف در قایق نجات موتوری یا دستگاه رادیویی قابل حمل برای قایقهای نجات، دستگاه عمق‌یاب، قطب‌نمای جایرو (که همیشه شمال حقیقی را نشان می‌دهد)، تجهیزات اطفای حریق و سیستم گاز بی‌اثر کشتیهای باری که فصول دوم ـ ۱، دوم ـ ۲، سوم و پنجم کنوانسیون و این پروتکل در مورد آنها اعمال می‌شود، مشمول بازرسیهای اولیه و بعدی به صورتی که برای کشتیهای مسافربری در ماده (۷) فصل اول کنوانسیون و این پروتکل توصیف شده با جایگزین‌کردن (۲۴) ماه به جای (۱۲) ماه مندرج در جزء (۲) بند (الف) ماده مزبور خواهد بود. نقشه‌های مقابله با حریق درکشتیهای جدید و وسیله سوارشدن راهنمای محلی به کشتی، کتب دریایی، چراغهای دریایی، علایم روز و دستگاه تولید صدا که در کشتیهای فعلی و کشتیهای جدید حمل می‌گردد، جزء موارد بازرسیها قرار داده می‌شود تا اطمینان حاصل شود که آنها الزامات کنوانسیون و این پروتکل و در مورد که قابل اعمال است، مقررات لازم‌الاجرای بین‌المللی برای جلوگیری از تصادم در دریا را به طور کامل رعایت کرده‌اند.

ب ـ بازرسیهای میان‌مدت برای کشتیهای نفتکش با عمر ده سال و بیشتر، در ظرف (۳) ماه قبل یا بعد از تاریخ سالگرد گواهینامه ایمنی تجهیزات کشتی باری، صورت خواهد گرفت تا از اینکه تجهیزات معین شده در بند (الف) این ماده مطابق با ماده (۱) این فصل نگهداری شده‌اند و اینکه در شرایط کاری مطلوبی می‌باشند اطمینان حاصل گردد. چنین بازرسیهای میان‌دوره‌ای در پشت گواهینامه ایمنی تجهیزات کشتی باری صادره مطابق با بند جزء (۳) بند (الف) ماده (۱۲) فصل اول کنوانسیون درج خواهد شد.

ماده ۱۰ ـ بازرسیهای بدنه، ماشین‌آلات و تجهیزات کشتیهای باری

متن زیر جایگزین ماده (۱۰) موجود می‌شود:

الف ـ بدنه، ماشین‌آلات و تجهیزات کشتیهای باری (به غیر از مواردی که در خصوص آنها گواهینامه‌های تجهیزات ایمنی کشتی باری، گواهینامه‌های ایمنی رادیوتلگراف کشتی باری یا گواهینامه‌های رادیو تلفنی کشتی باری صادر شده است) بلافاصله پس از اتمام ساخت و پس از آن به شیوه‌ای که دستگاه اجرایی ممکن است ضروری تشخیص دهد مورد بازرسی قرار می‌گیرند تا از اینکه شرایط کار آنها در تمام جنبه‌ها رضایت‌بخش باشد و در فواصل زمانی زیر اطمینان حاصل شود:

۱ ـ در فواصل زمانی تعیین شده به وسیله دستگاه اجرایی که متجاوز از (۵) سال نباشد (بازرسیهای ادواری)؛

۲ ـ علاوه بر چنین بازرسیهای ادواری، یک کشتی نفتکش ده ساله و بالاتر باید در طول مدت اعتبار گواهینامه ایمنی ساختمان کشتی باری میان‌مدت در مدت‌زمان اعتبار گواهینامه باشد.

ب ـ بازرسی اولیه و ادواری باید چنان باشد که اطمینان حاصل گردد که ترتیبات، مواد، اندازه‌های اسکلت ساختمانی، دیگهای بخار و دیگر وسایل ظروف فشار و متعلقات آنها و ماشین‌آلات اصلی و کمکی از جمله سکان و سیستمهای کنترل وابسته به آن، تأسیسات الکتریکی و تجهیزات دیگر در تمام جنبه‌ها برای خدماتی که وابسته به آن، تأسیسات الکتریکی و تجهیزات دیگر در تمام جنبه‌ها برای خدماتی که کشتی برای انجام آنها مورد نظر می‌باشد، رضایت‌بخش هستند. چنین بازرسیهایی باید در مورد کشتیهای نفتکش شامل بازدید کف کشتی از بیرون، اطاقهای پمپاژ، سیستمهای لوله‌کشی سوخت‌رسانی و تخلیه و بارگیری، لوله‌کشی هواکشها، شیرهای مکش فشار و محلهای ضد عبور شعله نیز باشد.

ج ـ بازرسی میان‌مدت از کشتیهای نفتکش ده سال و بالاتر باید شامل بازدید از تجهیزات سکان و سیستمهای کنترل مربوط، اطاقهای پمپاژ، سیستمهای لوله‌کشی سوخت و کالا بر روی عرشه و در اطاقهای پمپاژ، لوله‌کشی، هواکشها، شیرهای مکش فشار و محلهای ضد عبور شعله، تأسیسات الکتریکی در مناطق خطرناک و کف کشتی از بیرون، باشد. علاوه بر بازدید از تأسیسات الکتریکی با چشم غیر مسلح، مقاومت عایق‌بندی تجهیزات الکتریکی در مناطق خطرناک باید مورد آزمایش قرار گیرند. اگر در هنگام آزمایشها تردید نسبت به وضعیت لوله‌کشی به وجود آید، اقدامات اضافی، مانند آزمایشهای فشار و تعیین ضخامت اگر لازم باشد باید انجام گیرد. بازرسیهای میان‌مدت مزبور باید در پشت گواهینامه ایمنی ساختمان کشتی باری صادره طبق جزء (۲) بند الف ماده (۱۲) این فصل درج شود.

د ـ یک بازرسی، چه به صورت کلی یا جزیی برحسب شرایط، هر زمان که مقتضی باشد بعد از تحقیقات توصیف شده در ماده (۱۱) این فصل یا هروقت که تعمیرات عمده یا نوسازی انجام شود صورت خواهد پذیرفت. بازرسی به صورتی انجام می‌شود که اطمینان حاصل شود که تعمیرات یا نوسازیهای ضروری، به طور مؤثر صورت گرفته است و اینکه مواد و مهارت به‌کار

گرفته شده در این تعمیرات و نوسازی از هر لحاظ رضایت بخش هستند و کشتی بدون اینکه خطری متوجه ایمنی کشتی یا اشخاص داخل آن باشد آماده سفر به دریا است.

ماده ۱۱ ـ حفظ شرایط بعد از بازرسی

متن زیر جایگزین ماده (۱۱) متن موجود می‌گردد:

الف ـ به منظور اطمینان حاصل‌کردن از اینکه کشتی از هر لحظه آماده نگه داشته شده که با ایمنی کامل و بدون ایجاد خطر برای خود و اشخاص داخل آن به دریا برود، وضع کشتی و تجهیزات آن باید مطابق مقررات کنوانسیون و این پروتکل باید نگهداری شوند.

ب ـ بعد از اینکه هر بازرسی به موجب مواد (۶، ۷، ۸، ۹ یا ۱۰) فصل اول کنوانسیون و این پروتکل کامل شد، هیچ نوع تغییری در ترتیبات ساختاری ماشین‌آلات، تجهیزات و دیگر قسمتهای تحت بازرسی بدون مجوز دستگاه اجرایی نباید انجام گیرد.

ج ـ هرگاه که حادثه‌ای برای یک کشتی رخ دهد یا نقصی یافت شود که بر ایمنی کشتی یا کارایی آن یا تکمیل تجهیزات تجارت یا دیگر تجهیزات تأثیر بگذارد، فرمانده یا مالک کشتی باید در اسرع وقت موضوع را به دستگاه اجرایی، بازرس معرفی شده یا سازمان به رسمیت شناخته شده مسؤول صدور گواهینامه مربوط که مسبب شروع تحقیقاتی به منظور تعیین اینکه بازرسی که موجب مواد (۶، ۷، ۸، ۹ یا ۱۰) فصل اول کنوانسیون و این پروتکل ضروری است یا خیر گزارش کند. اگر کشتی در بندر عضو دیگری است، فرمانده یا مالک کشتی باید مراتب را فوری به مقامات ذی صلاح کشور صاحب بندر نیز گزارش کند و بازرس معرفی شده یا سازمان به رسمیت شناخته شده باید ثابت کند که چنین گزارشی صورت گرفته است.

ماده ۱۴ ـ مدت و اعتبار گواهینامه‌ها

متن زیر جایگزین ماده (۱۴) متن موجود می‌شود:

الف ـ گواهینامه‌هایی به غیر از گواهینامه ایمنی ساخت کشتی باری، گواهینامه ایمنی تجهیزات کشتی باری و هر نوع گواهینامه معافیت، باید برای مدتی که متجاوز از (۱۲) ماه نباشد، صادر گردد. گواهینامه ایمنی ساختمان کشتی باری برای مدتی که متجاوز از پنج سال نباشد، صادر گردد. گواهینامه ایمنی تجهیزات کشتی باری برای مدتی که متجاوز از (۲۴) ماه نباشد، صادر گردد. گواهینامه‌های معافیت نباید برای مدت طولانیتر از مدت گواهینامه‌هایی که گواهینامه‌های مزبور به آنها اشاره دارد، معتبر باشند.

ب ـ تمدید اعتبار گواهینامه ایمنی ساختمان کشتی باری بیش از مدت اعتبار پنج ساله مجاز نمی‌باشد.

ج ـ اگر بازرسی ظرف دو ماه قبل از پایان دوره‌ای صورت گیرد که برای آن گواهینامه ایمنی رادیوتلگرافی کشتی باری یا گواهینامه ایمنی رادیوتلفنی کشتی باری صادره در خصوص کشتیهای باری با ظرفیت بارگیری ناخالص ۳۰۰ تن و بیشتر اما کمتر از ظرفیت بارگیری ناخالص

۵۰۰ تن، که به طور اولیه صادر شده، این گواهینامه می‌تواند پس گرفته شود و گواهینامه جدیدی می‌تواند صادر شود که (۱۲) ماه بعد از پایان دوره مذکور اعتبار آن خاتمه خواهد یافت.
د ـ اگر یک کشتی در زمان خاتمه اعتبار گواهینامه‌ای به غیر از گواهینامه موضوع بند (ب) این ماده در بندر کشوری که کشتی در آن به ثبت رسیده و یا در جایی که باید مورد بازرسی قرار گیرد، نباشد، دستگاه اجرایی می‌تواند گواهینامه را تمدید کند، اما چنین تمدیدی فقط به منظور اینکه کشتی مجاز باشد سفر دریایی خود را تا کشوری که در آنجا ثبت شده یا باید مورد بازرسی قرار گیرد، کامل کند، و پس از آن فقط در مواردی که انجام آن مناسب و معقول به نظر برسد، اعطاء می‌شود.
هـ ـ هیچ گواهینامه‌ای نباید به موجب مفاد بند (د) این ماده برای مدتی بیش از ۵ ماه تمدید اعتبار شود، و کشتی که از چنین تمدیدی برخوردار شده، پس از رسیدن به کشوری که در آن به ثبت رسیده یا بندری که باید در آن مورد بازرسی قرار گیرد، مجاز نخواهد بود به موجب تمدید مزبور بندر یا کشور مزبور را بدون اخذ گواهینامه جدید، ترک کند.
و ـ گواهینامه‌ای به غیر از گواهینامه موضوع بند (ب) این ماده، که به موجب مفاد زیرین این ماده تمدید نشده باشد، ممکن است توسط دستگاه اجرایی برای مدت یک ماه از تاریخ خاتمه اعتبار آن تمدید گردد.
ز ـ گواهینامه در موارد زیر فاقد اعتبار خواهد بود:
۱ ـ اگر بازبینیها و بازرسیها در طی مدتهای قید شده در بند (الف) ماده (۷) و مواد (۸ و ۹) بند (الف) ماده (۱۰) فصل اول کنوانسیون و این پروتکل انجام نشده باشد یا براساس بندهای (د)، (هـ) یا (و) این ماده تمدید اعتبار شده باشد، یا
۲ ـ به محض انتقال کشتی به پرچم یک دولت دیگر، گواهینامه جدید تنها هنگامی باید صادر گردد که دولت صادرکننده گواهینامه جدید از انطباق کشتی با الزامات بندهای (الف) و (ب) ماده (۱۱) این فصل کاملاً رضایت داشته باشد. در حالت انتقال بین اعضاء، دولت عضوی که کشتی قبلاً مجاز به برافراشتن آن بوده، در صورتی که طی مدت (۳) ماه پس از انجام انتقال از آن درخواست شود باید در اسرع وقت نسخی از گواهینامه‌های حمل شده در کشتی قبل از انتقال و نسخه‌هایی از گزارشهای بازرسی مربوط را اگر موجود باشد، به دستگاه اجرایی ارسال نماید.

ماده ۱۹ ـ کنترل

متن زیر جایگزین ماده (۱۹) موجود می‌شود:
الف ـ هر کشتی وقتی در بندر عضو دیگری قرار دارد مشغول کنترل مأمورین مجاز آن دولت تا جایی است که این کنترل در جهت تأیید گواهینامه‌های صادره به موجب مواد (۱۲) یا (۱۳) فصل اول کنوانسیون باشد.
ب ـ چنین گواهینامه‌هایی اگر معتبر باشند، باید مورد قبول واقع شوند مگر اینکه دلایل روشنی

وجود داشته باشد مبنی بر اینکه شرایط کشتی یا تجهیزات آن با جزییاتی که در هریک از گواهینامه‌ها آمده اساساً منطبق نمی‌باشد یا اینکه کشتی و تجهیزات آن مطابق مفاد بندهای (الف) و (ب) ماده (۱۱) این فصل نیستند.

ج ـ در شرایط ذکر شده در بند (ب) این ماده یا در صورتی که اعتبار گواهینامه‌ای تمام شده باشد یا به اعتبار آن پایان داده شده باشد، مأموری که کنترل را انجام می‌دهد باید اقداماتی انجام دهد که مطمئن شود کشتی حرکت نمی‌کند مگر تا زمانی که بتواند به قصد رفتن به تعمیرگاه مجاز، بدون اینکه خطری متوجه کشتی و اشخاص داخلی آن بشود، به دریا رفته یا بندر را ترک کند.

د ـ در حالتی که این کنترل منجر به هر نوع مداخله‌ای شود، مأموری که کنترل را انجام می‌دهد باید بی‌درنگ به صورت کتبی، کنسول یا در غیاب او، نزدیکترین نمایندگی دیپلماتیک کشوری که کشتی مجاز به برافراشتن پرچم آن می‌باشد را از کلیه شرایطی که موجب مداخله گردیده، مطلع نماید. علاوه بر آن، بازرسهای معرفی شده یا سازمانهای به رسمیت شناخته شده مسؤول صدور گواهینامه‌ها نیز باید مطلع گردند، اطلاعات مربوط به مداخله باید به سازمان گزارش شود.

هـ ـ مقام مربوط کشور صاحب بندر در صورتی که نتوانند اقدامی را به گونه‌ای که در بندهای (ج) و (د) این ماده مشخص شده انجام دهد یا در صورتی که کشتی مجاز شده باشد به بندر بعدی توقف برود باید همه اطلاعات مربوط درباره کشتی را علاوه بر اعضای مذکور در بند (د) این ماده، به مقامات بندر بعدی توقف کشتی اطلاع دهد.

و ـ وقتی عملیات کنترل کشتی به موجب این ماده در جریان است، باید تمام تلاشهای ممکن به منظور جلوگیری از توقیف و یا تأخیر بی‌جهت کشتی به عمل آید. اگر این کشتی بدین صورت بی‌جهت توقیف شد یا تأخیر کرد مجاز به دریافت خسارت برای زیان یا خسارت وارده می‌باشد.

قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک[1]

مصوب اول اسفند ۱۳۷۲

ماده واحده ـ کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود مشروط بر آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره /۱۴۲۹۵ مورخ ۱۳۷۳/۱/۱۶

دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد.

کنوانسیون حقوق کودک

مقدمه

کشورهای طرف کنوانسیون حاضر:
با توجه به اینکه طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل به رسمیت شناختن حقوق لاینفک، مساوی و منزلت تمام اعضای خانواده بشری زیربنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است.
با درنظرداشتن اینکه اعضای سازمان ملل، در منشور سازمان، اعتقاد خود را به حقوق اساسی، مقام و ارزش انسان و عزم خود را برای افزایش پیشرفتهای اجتماعی و معیارهای بهتر زندگی در آزادیهای بیشتر اعلام کرده‌اند.
با تشخیص اینکه سازمان ملل در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر اعلام موافقت نموده که هریک از افراد بدون هرگونه تبعیض از نظر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره خاستگاه اجتماعی یا ملی، مال، تولد و یا سایر خصوصیات، در تمام حقوق و آزادیهایی که در آن کنواسیونها و اعلامیه‌ها اعلام شده، ذی حق می‌باشد.
و نظر به اینکه سازمان ملل در اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام نموده است که دوران کودکی مستلزم مراقبتهای ویژه می‌باشد.
با اعتقاد به اینکه خانواده به عنوان جزء اصلی جامعه و محیط طبیعی برای رشد و رفاه تمام اعضای خود خصوصاً کودکان می‌بایست از حمایتها و مساعدتهای لازمه برخوردار شود به نحوی که بتواند مسؤولیتهای خود را در جامعه ایفاء کند.
با تشخیص اینکه کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود می‌بایست در محیط خانواده و در فضایی (مملو) از خوشبختی، محبت و تفاهم بزرگ شود.
با توجه به اینکه کودک می‌بایست آمادگی کامل برای زندگی فردی در جامعه داشته باشد و در سایه ایده‌آلهایی که در منشور سازمان ملل اعلام شده خصوصاً صلح، احترام، بردباری، آزادی، برابری و اتحاد بزرگ شود.
با درنظرداشتن اینکه لزوم انجام مراقبتهای ویژه از کودک در اعلامیه حقوق کودک ژنو ۱۹۲۴ مطابق با ۱۳۰۳ بیان شده، در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ مطابق با ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۳۸ در اعلامیه حقوق کودک مجمع عمومی به تصویب رسیده، در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (خصوصاً در موارد ۲۳ و ۲۴)، در کنوانسیون بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (خصوصاً در ماده ۱۰) و در اسناد و احکام سازمانهای تخصصی

و سازمانهای بین‌المللی مربوط به رفاه کودکان به رسمیت شناخته شده است.
با توجه به اینکه در اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است «کودک به خاطر نداشتن رشد کامل فیزیکی و ذهنی محتاج مراقبتها و محافظتهایی از جمله حمایتهای مناسب حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشد».
با درنظرگرفتن مفاد اعلامیه اصول حقوقی و اجتماعی مربوط به حمایت و رفاه کودکان با اشاره ویژه به موضوع کفالت و فرزندخواندگی ملی و بین‌المللی، قانون حداقل استاندارد سازمان ملل در مورد اجرای عدالت برای افراد صغیر (قوانین پکن) و اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در موقع اضطراری و جنگها.
با تشخیص اینکه در تمام کشورهای جهان کودکانی وجود دارند که تحت شرایط دشوار زندگی می‌کنند و این گونه کودکان محتاج توجهات ویژه‌ای هستند.
با توجه به اهمیت ارزشهای سنتی و فرهنگی هر ملت در حمایت و تعلیم و تربیت یکنواخت کودک و با عنایت به اهمیت همکاریهای بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در تمام کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه به توافقات ذیل نایل شدند:

بخش ۱

ماده ۱ ـ از نظر کنوانسیون حاضر منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

ماده ۲ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون، حقوقی که در این کنوانسیون برای کودکانی که در حوزه قضایی آنها زندگی می‌کنند در نظر گرفته شده را بدون توجه به هر گونه تبعیض و بدون ملاحظه نژاد، رنگ، مذهب، زبان، عقاید سیاسی، ملیت خاستگاههای قومی و اجتماعی، مال، عدم توانایی، تولد و یا سایر احوال شخصیه والدین و یا قیم قانونی محترم شمرده و تضمین خواهند نمود.
۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین حمایت از کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض، مجازات براساس موقعیت، فعالیتها ابراز عقیده و یا عقاید والدین، قیمهای قانونی و یا اعضای خانواده کودک به عمل خواهند آورد.

ماده ۳ ـ

۱ ـ در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاهها، مقامات اجرایی، یا ارگانهای حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات می‌باشد.
۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که حمایتها و مراقبتهای لازمه را برای رفاه کودکان، با توجه به حقوق وظایف والدین آنها، قیمهای قانونی و یا سایر افرادی که قانوناً مسؤول آنان هستند، تضمین کنند و در این راستا اقدامات اجرایی و قانونی مناسب معمول

خواهد گردید.
۳ ـ کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند نمود که مؤسسات، خدمات و وسایلی که مسؤول مراقبت و حمایت کودکان هستند مطابق با معیارهایی که توسط مقامات ذی صلاحیت خصوصاً در زمینه‌های ایمنی، بهداشت و از نظر تعداد کارکنان (آن مؤسسات) و نیز نظارت مناسب گذاشته شده مطابق داشته باشند.

ماده ۴ ـ کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات ضروری اجرایی و قانونی را جهت تحقیق حقوق شناخته شده در کنوانسیون حاضر معمول خواهند داشت. کشورهای طرف کنوانسیون با توجه به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اقداماتی را در جهت به‌کارگیری حداکثر منابع موجود خود و در صورت لزوم در چهارچوب همکاریهای بین‌المللی به عمل خواهند آورد.

ماده ۵ ـ کشورهای طرف کنوانسیون احترام به مسؤولیتها، حقوق و وظایف والدین و یا در صورت قابلیت اطلاق، اعضای خانواده بزرگی که از طریق آداب محلی به وجود می‌آید، قیمهای قانونی و یا سایر اشخاص که قانوناً مسؤول کودک هستند را متقبل می‌شوند و به طریقی که موجب تکامل تواناییهای کودک شود راهنماییها و ارشادات لازم را جهت اعمال حقوق شناخته شده کودک در کنوانسیون حاضر به عمل خواهند آورد.

ماده ۶ ـ
۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق ذاتی هر کودک را به رسمیت خواهند شناخت.
۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون (وجود) حداکثر امکانات را برای بقا و پیشرفت کودک تضمین خواهند نمود.

ماده ۷ ـ
۱ ـ تولد کودک بلافاصله پس از به دنیا آمدن ثبت می‌شود و از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین و قرارگرفتن تحت سرپرستی آنها برخوردار می‌باشد.
۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون این حقوق را مطابق با قوانین ملی و تعهدات خود طبق اسناد بین‌المللی مربوطه در این زمینه خصوصاً در مواردی که کودک در صورت عدم اجرای آنها آواره محسوب گردد، لازم‌الاجرا تلقی خواهند کرد.

ماده ۸ ـ
۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک برای حفظ هویت خود من جمله ملیت، نام و روابط خانوادگی را طبق قانون و بدون مداخله تضمین خواهند کرد.
۲ ـ در مواردی که کودک به طور غیر قانونی از مقام یا برخی از حقوق مربوط به هویت خود محروم شود، کشورهای عضو حمایت و مساعدتهای لازم را برای استیفای سریع حقوق فوق به عمل خواهد آورد.

ماده ۹ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون تضمین می‌نمایند که کودکان علی رغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند، مگر در مواردی که مقامات ذی صلاح مطابق قوانین و مقررات و منوط به بررسیهای قضایی مصمم شوند که این جدایی به نفع کودک است. این گونه تصمیمات ممکن است در موارد بخصوصی از قبیل سوء استفاده و یا بی‌توجهی والدین از کودک و یا هنگام جداشدن والدین ضرورت یابد و در این صورت باید در مورد محل اقامت کودک تصمیمی اتخاذ شود.

۲ ـ در هریک از مراحل دادرسی مربوط به پاراگراف اول ماده ۹ باید به تمام طرفهای ذی نفع فرصت داده شود در مراحل دادرسی شرکت کرده و نظرات خود را ابراز کنند.

۳ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودکی که از یکی یا هر دو والدین جدا شده را مبنی حفظ روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین به طور منظم رعایت خواهند نمود، مگر در مواردی که این امر مغایر منافع کودک باشد.

۴ ـ هنگامی که جدایی ناشی از اقدامات دولت از قبیل بازداشت، زندانی‌کردن، تبعید، اخراج یا مرگ (من جمله مرگی که در حین توقیف بودن شخص صادر شود) یکی یا هر دو والدین و یا کودک باشد، کشور طرف کنوانسیون بنا به درخواست، والدین یا کودک یا در صورت اقتضا یکی از اعضای خانواده را در جریان اطلاعات ضروری در مورد اموال فرد غایب خانواده قرار خواهد داد، مگر در مواردی که دادن این گونه اطلاعات مضر به حال کودک باشد. کشورهای طرف کنوانسیون همچنین تضمین خواهند نمود که تسلیم این درخواست فی‌نفسه عواقبی برای افراد مربوطه در پی نداشته باشد.

ماده ۱۰ ـ

۱ ـ مطابق با تعهدات کشورهای طرف کنوانسیون در پاراگراف ۱ ماده ۹ درخواست کودک یا والدین وی را برای ورود یا ترک کشور برای به هم پیوستن محدود خانواده از سوی کشور طرف کنوانسیون با نظر مثبت و به روشی انسانی و سریع بررسی خواهد شد.

کشورهای طرف کنوانسیون همچنین تضمین خواهند نمود که تسلیم این گونه درخواستها عواقبی برای درخواست‌کننده و اعضای خانواده آنها در پی تسلیم نخواهد داشت.

۲ ـ کودکی که والدینش در کشورهای جداگانه زندگی می‌کنند حق دارد گذشته از شرایط استثنایی به طور منظم روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین خود داشته باشد. بدین منظور و مطابق با تعهدات کشورهای طرف کنوانسیون تحت پاراگراف ۲ ماده ۹، کشورهای طرف کنوانسیون حق والدین و کودک برای ترک هر کشور من جمله کشور خودشان و ورود به کشورشان را محترم خواهند شمرد. حق ترک هر کشوری فقط مشمول محدودیتهایی است که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت عمومی یا اخلاقیات یا حقوق یا آزادیهای

دیگران یا سایر حقوقی که در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده‌اند، ضروری است.

ماده ۱۱ -

۱ - کشورهای طرف کنوانسیون اقداماتی را در جهت مبارزه با انتقال قاچاق و عدم بازگشت کودکان (مقیم) خارج معمول خواهند داشت.

۲ - در این راستا، کشورهای طرف کنوانسیون انعقاد توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه یا پذیرش توافقنامه‌های موجود را تشویق خواهند نمود.

ماده ۱۲ -

۱ - کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل‌دادن به عقاید خود می‌باشد بتواند این عقاید را آزادانه درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی می‌شود ابراز کند، به نظرات کودک مطابق با سن و بلوغ وی بها داده می‌شود.

۲ - بدین منظور، خصوصاً برای کودک فرصتهایی فراهم آورده می‌شود تا بتواند در هریک از مراحل دادرسیهای اجرایی و قضایی مربوط به وی به طور مستقیم یا از طریق نماینده یا شخصی مناسب به طریقی که مطابق با مقررات اجرایی قوانین ملی باشد، ابراز عقیده نماید.

ماده ۱۳ -

۱ - کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده می‌باشد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقیده و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک می‌باشد.

۲ - اعمال این حق ممکن است منوط به محدودیتهای بخصوص باشد، ولی این محدودیتها فقط منحصر به مواردی است که در قانون تصریح شده و ضرورت دارند.

الف) برای احترام به حقوق یا آبروی دیگران، یا

ب) برای حفاظت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا به خاطر سلامت عمومی و یا مسایل اخلاقی.

ماده ۱۴ -

۱ - کشورهای طرف کنوانسیون حق آزادی فکر، عقیده و مذهب را برای کودک محترم خواهند شمرد.

۲ - کشورهای طرف کنوانسیون حقوق و وظایف والدین و در صورت شمول قیمهای قانونی کودک را درباره هدایت کودک در جهت حقوق وی به طریقی که باعث اعتلای استعدادها و تواناییهای کودک شود، محترم خواهند شمرد.

۳ - آزادی اظهار مذهب و عقاید فقط طبق محدودیتهایی که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت، نظم، سلامت و اخلاقیات عمومی و یا حقوق آزادیهای اساسی دیگران لازم است، محدود می‌شود.

ماده ۱۵ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حقوق کودک را در مورد آزادی (تشکیل) اجتماعات و آزادی مجمع مسالمت‌آمیز به رسمیت می‌شناسد.

۲ ـ به غیر از محدودیتهایی که در قانون تصریح شده و یا برای حفظ منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت عمومی و اخلاقیات و یا حقوق و آزادیهای دیگران ضروری است، هیچ محدودیتی در اعمال این حقوق وجود ندارد.

ماده ۱۶ ـ

۱ ـ در امور خصوصی، خانوادگی، یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان دلخواه یا غیر قانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود.

۲ ـ کودک در برابر این گونه دخالتها و یا هتک حرمتها مورد حمایت قانون قرار دارد.

ماده ۱۷ ـ کشورهای طرف کنوانسیون به عملکرد مهم رسانه‌های گروهی واقف بوده و دسترسی کودک را به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون ملی و بین‌المللی خصوصاً مواردی که مربوط به اعتلای رفاه اجتماعی، معنوی یا اخلاقی و بهداشت جسمی و روحی وی می‌شود را تضمین می‌کنند. در این راستا، کشورها اقدامات ذیل را به عمل خواهند آورد:

الف) تشویق رسانه‌های گروهی به انتشار اطلاعات و مطالبی که برای کودک استفاده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته و با روح ماده ۲۹ نیز مطابق است.

ب) تشویق همکاریهای بین‌المللی در جهت تولید، مبادله و انتشار این گونه اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون فرهنگی، ملی و بین‌المللی.

ج) تشویق تولید و انتشار کتابهای کودکان.

د) تشویق رسانه‌های گروهی جهت توجه خاص به احتیاجات مربوط به آموزش زبان کودکانی که به گروههای اقلیت تعلق دارند یا مربی هستند.

هـ) تشویق توسعه خط مشیهای مناسب در جهت حمایت از کودک در برابر اطلاعات و مطالبی که به سعادت وی آسیب می‌رساند با توجه به مفاد مواد ۱۳ و ۱۸.

ماده ۱۸ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناخته‌شدن این اصل که هر دو والد کودک مسؤولیتهای مشترکی در مورد رشد و پیشرفت کودک دارند به عمل خواهند آورد.

والدین و یا قیمهای قانونی مسؤولیت عمده را در مورد رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند. اساسی‌ترین مسأله آنان (حفظ) منافع عالیهٔ کودک است.

۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون به منظور تضمین و اعتلای حقوقی که در این کنوانسیون بیان شده همکاریهای لازم را با والدین و قیمهای قانونی در جهت اجرای مسؤولیتهایش برای تربیت

کودک به عمل خواهند آورد و ایجاد مؤسسات، تسهیلات و خدماتی را برای نگهداری کودکان تضمین خواهند کرد.
۳ ـ کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را در جهت تضمین حق استفاده کودکانی دارای والدین شاغل می‌باشند از خدمات و تسهیلات مربوط به نگهداری کودکان به عمل خواهند آورد.

ماده ۱۹ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونتهای جسمی و روحی، آسیب‌رسانی، یا سوء استفاده بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استثمار من جمله سوء استفاده‌های جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیمهای قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد.
۲ ـ این گونه اقدامات حمایتی در موارد مقتضی باید شامل اقدامات مؤثر برای ایجاد برنامه‌های اجتماعی در جهت فراهم‌آوردن حمایتهای لازمه از کودک و کسانی که مسؤول مراقبت از وی می‌باشند و نیز حمایت رد برابر سایر اشکال محدودیتها و نیز برای شناسایی گزارش، رجوع، تحقیق، رفتار و پیگیری موارد بد رفتاریهایی که قبلاً ذکر شد و نیز برای درگیریهای قضایی باشد.

ماده ۲۰ ـ

۱ ـ کودک نباید به طور موقت یا دایم از محیط خانواده و از منافع خویش محروم باشد و باید از طرف دولت تحت مراقبت و مورد مساعدت قرار گیرد.
۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون می‌بایست طبق قوانین ملی خود مراقبتهای جایگزین دیگری را برای این گونه کودکان تضمین نماید.
۳ ـ این گونه مراقبتها شامل موارد زیادی می‌شود از جمله تعیین سرپرست کفالت در قوانین اسلامی، فرزندخواندگی و یا در صورت لزوم (اعزام کودک) به مؤسسات مناسب مراقبت از کودکان به هنگام بررسی راه حلها به استمرار در تربیت کودک، قومیت، مذهب، فرهنگ و زبان کودک باید توجه خاص شود.

ماده ۲۱ ـ کشورهایی که سیستم فرزندخواندگی را به رسمیت می‌شناسند و مجاز می‌دانند، باید منافع عالیه کودک را در اولویت قرار دهند و نکات زیر را مراعات کنند:
الف) تضمین اینکه فرزندخواندگی فقط از سوی مقامات ذی صلاحی انجام شود که مطابق با قوانین و مقررات لازم‌الاجرا و بر اساس اطلاعات موثق و قابل اطمینان تعیین می‌کنند که فرزندخواندگی با توجه به وضعیت وی در ارتباط با والدین، خویشاوندان و قیمهای قانونی مجاز است و در صورت مقتضی رضایت اشخاص فوق را برای فرزندخواندگی بر اساس مشورتهای لازمه کسب می‌کنند.

ب) تشخیص اینکه در صورتی که کودک را نتوان به روشی مناسب در کشور خود تحت سرپرستی یک خانواده درآورد، فرزندخواندگی در سایر کشورها به عنوان راه حلی دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ج) تضمین برخورداری کودکان که در سایر کشورها پذیرفته می‌شوند از مراقبتها و حقوقی که به هنگام فرزندخواندگی در کشور خود، شامل حال آنان می‌شود.

د) اتخاذ تمام اقدامات لازم جهت تضمین اینکه قبول کودک در سایر کشورها برای افراد مربوطه دربردارنده منافع مالی نباشد.

ه) در صورت لزوم، پیشبرد اهداف ماده حاضر از طریق انعقاد قراردادها یا اتخاذ ترتیبات دو یا چندجانبه و تلاش در این چهارچوب برای تضمین اینکه پذیرش کودک در یک کشور دیگر از طریق ارگانها یا مقامات ذی صلاح انجام شود.

ماده ۲۲ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون اقدام لازم را جهت تضمین برخورداری کودکی که خواهان پناهندگی است و یا پناهنده تلقی می‌شود چه همراه والدین خود باشد یا شخص دیگری، مطابق با قوانین و مقررات محلی و بین‌المللی، از حمایتها و مساعدتهای بشردوستانه لازم از حقوق مربوطه که در این کنوانسیون یا سایر اسناد بشردوستانه یا حقوق بشر مقرر شده و کشورهای فوق‌الذکر نسبت به آنها متعهد می‌باشند، به عمل خواهند آورد.

۲ ـ بدین منظور، کشورهای طرف کنوانسیون بنا به صلاحدید خود با سازمان ملل و سایر سازمانهای بین‌المللی یا غیر دولتی ذی صلاح که با سازمان ملل کار می‌کنند در جهت حمایت و مساعدت از این گونه کودکان و ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودکان پناهنده و برای کسب اطلاعات لازم برای به هم پیوستن مجدد اعضای خانواده همکاری خواهند کرد. در صورتی که موفق به یافتن والدین یا سایر اعضای خانواده نشوند، با کودک همان گونه که در این کنوانسیون اظهار شده درست مانند کودکی که به طور موقت یا دایم از محیط خانوادگی به هر دلیل محروم شده، رفتار خواهد شد.

ماده ۲۳ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون اذعان دارند کودکی که ذهناً یا جسماً دچار نقص می‌باشد باید در شرایطی که متضمن و افزایش اتکا به نفس باشد و شرکت فعال کودک در جامعه را تسهیل نماید، از یک زندگی آبرومندانه و کامل برخوردار گردد.

۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودکان معلول را برای برخورداری از مراقبتهای ویژه به رسمیت می‌شناسند و ارایه این مراقبتها را بنا به اقتضای مناسب شرایط والدین و یا مسؤولین کودک و منوط به وجود منابع، به این گونه کودکان و کسانی که مسؤول مراقبت از وی هستند، تشویق و تضمین خواهند کرد.

۳ ـ با تشخیص نیازهای ویژه کودک معلول، کمکهای مقرر شده در پاراگراف ۲ ماده حاضر در صورت امکان می‌بایست به طور رایگان و با درنظرگرفتن منابع مالی والدین و یا مسؤولین کودک انجام گیرد و می‌بایست به نحوی برنامه‌ریزی شود که کودک معلول بتواند دسترسی مؤثر به آموزش، تعلیم و تربیت و خدمات مراقبتی بهداشتی، خدمات توانبخشی، آمادگی برای اشتغال و ایجاد فرصت به روشی که موجب دستیابی کودک به حداکثر کمال اجتماعی و پیشرفت شخصی از جمله پیشرفت فرهنگی و معنوی وی می‌شود، داشته باشد.

۴ ـ کشورهای طرف کنوانسیون در سایه همکاریهای بین‌المللی، مبادله اطلاعات لازم را در زمینه مراقبتهای بهداشتی پیشگیری، معالجات پزشکی، روانشناسی و عملی کودکان معلول من جمله انتشار و در دسترس قراردادن اطلاعات مربوط به روشهای توانبخشی، آموزش و خدمات حرفه‌ای با هدف قادرساختن کشورهای طرف کنوانسیون به پیشبرد تواناییها و مهارتهای خود و گسترش تجربیات آنان در این زمینه‌ها، افزایش خواهند داد. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی مبذول خواهد شد.

ماده ۲۴ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را جهت برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت و از تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توانبخشی به رسمیت می‌شناسند.

آنان برای تضمین اینکه هیچ کودکی از رسیدن به این حق و دسترسی به خدمات بهداشتی محروم نخواهند شد، تلاش خواهند نمود.

۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون موضوع را تا اجرای کامل این حق دنبال خواهند کرد و خصوصاً در زمینه‌های ذیل اقدامات مناسب را اتخاذ خواهند کرد:

الف) کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان.

ب) تضمین فراهم‌نمودن مشورتهای پزشکی و مراقبتهای بهداشتی لازم در مورد تمام کودکان با تأکید بر گسترش مراقبتهای بهداشتی اولیه.

ج) مبارزه با بیماریها و سوء تغذیه، از جمله در چهارچوب مراقبتهای بهداشتی اولیه از طریق به‌کاربستن تکنولوژی‌های در دسترس و از طریق فراهم نمودن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم و درنظر گرفتن خطرات آلودگی محیط زیست.

د) تضمین مراقبتهای قبل و پس از زایمان مادران.

ه) تضمین اینکه تمام اقشار جامعه خصوصاً والدین و کودکان از مزایای تغذیه، شیر مادر، بهداشت و بهداشت محیط زیست و پیشگیری از حوادث اطلاع داشته و به آموزش دسترسی داشته و در زمینه استفاده در اطلاعات اولیه بهداشت کودک و تغذیه مورد حمایت قرار دارند.

و) توسعه مراقبتهای بهداشتی پیشگیرانه، ارایه راهنماییهای لازم به والدین و آموزش تنظیم خانواده و خدمات.

۳ ـ کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم و مناسب را برای زدودن روش معالجاتی سنتی و خرافی در مورد بهداشت کودکان به عمل خواهند آورد.
۴ ـ کشورهای طرف کنوانسیون پیشبرد و تشویق همکاریهای بین‌المللی را برای دستیابی تدریجی به تحقق کامل حقوق شناخته شده در کنوانسیون حاضر را متقبل می‌شوند. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی خواهد شد.
ماده ۲۵ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودکی که توسط اقدامات ذی صلاح به منظور مراقبت حفاظت و یا بهداشت جسمی و روحی به خانواده‌ای داده شده است را جهت انجام بررسی دوره‌ای نحوه رفتار با کودک و تمام وضعیتهای مربوط به فرزندخواندگی وی را به رسمیت می‌شناسند.
ماده ۲۶ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق برخورداری از امنیت اجتماعی من جمله بیمه اجتماعی را برای تمام کودکان به رسمیت می‌شناسند و اقدام لازم را جهت دستیابی به تحقق کامل این حق مطابق با قوانین ملی به عمل خواهند آورد.
۲ ـ این مزایا در صورت مقتضی می‌بایست با توجه به منافع و شرایط کودک و اشخاصی که مسؤولیت نگهداری وی را به عهده دارند و نیز هرگونه ملاحظه دیگری مربوط به کاربرد این مزایا در جهت منافع کودک در اختیارشان قرار گیرد.
ماده ۲۷ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق تمام کودکان را نسبت به برخورداری از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی و روحی و اخلاقی و اجتماعی را به رسمیت می‌شناسند.
۲ ـ والدین یا سایر اشخاص مسؤول کودک، مسؤولیت عمده‌ای در جهت تضمین شرایط زندگی مناسب برای پیشرفت کودک را در چهارچوب تواناییها و امکانات عالی خود به عهده دارند.
۳ ـ کشورهای طرف کنوانسیون، مطابق با شرایط ملی در چهارچوب امکانات خود، اقدام ضروری را برای یاری والدین و سایر اشخاص مسؤول کودک در جهت اعمال این حق به عمل خواهند آورد و در صورت لزوم کمکهای مالی و برنامه‌های حمایتی را خصوصاً در مورد تغذیه، پوشاک و مسکن فراهم خواهند کرد.
۴ ـ کشورهای طرف کنوانسیون اقدام لازم را جهت تضمین مراقبتهای در حین نقاهت کودک از سوی والدین و یا سایر اشخاصی که مسؤولیت مالی کودک را به عهده دارند چه در داخل و چه در خارج از کشور به عمل خواهند آورد، در مواردی که شخص مسؤول مالی کودک در کشوری متفاوت از کشور کودک زندگی می‌کند، کشورهای طرف کنوانسیون پذیرش موافقتنامه‌های بین‌المللی یا انعقاد این گونه موافقتنامه‌ها و نیز اتخاذ سایر ترتیبات لازم را تسریع خواهند نمود.

ماده ۲۸ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و بر اساس ایجاد فرصتهای مساوی، اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

الف) اجباری و رایگان نمودن تحصیل ابتدایی برای همگان.

ب) تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه من جمله آموزش حرفه‌ای و کلی در دسترس قراردادن این گونه آموزشها برای تمام کودکان و اتخاذ اقدامات لازم از قبیل ارایه آموزش و پرورش رایگان و دادن کمکهای مالی در صورت لزوم.

ج) در دسترس قراردادن آموزش عالی برای همگان براساس تواناییها و از هر طریق مناسب.

د) در دسترس قراردادن اطلاعات و راهنماییهای آموزشی و حرفه‌ای برای تمام کودکان.

ه) اتخاذ اقداماتی جهت تشویق حضور مرتب کودکان در مدارس و کاهش غیبتها.

۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین اینکه نظم و انضباط در مدارس مطابق با حفظ شیون انسانی کودکان بوده و مطابق با کنوانسیون حاضر باشد، به عمل خواهند آورد.

۳ ـ کشورهای طرف کنوانسیون همکاریهای بین‌المللی را در موضوعات مربوط به آموزش و پرورش خصوصاً در زمینه زدودن جهل و بی سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به اطلاعات فنی و علمی و روشهای مدرن آموزشی، تشویق و افزایش خواهند داد. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی خواهد شد.

ماده ۲۹ ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌نمایند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد:

الف) پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و تواناییهای ذهنی و جسمی کودکان.

ب) توسعه احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی و اصول مذکور در منشور سازمان ملل.

ج) توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزشهای وی و ارزشهای ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند، به موطن اصلی وی و به تمدنهای متفاوت با تمدن وی.

د) آماده‌نمودن کودک برای داشتن زندگی مسؤولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای (مملو) از تفاهم صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروههای قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر.

ه) توسعه احترام نسبت به محیط زیست.

۲ ـ از هیچ یک از بخشهای این ماده و ماده ۲۸ نباید چنان تعبیر شود که مداخله‌ای در آزادی افراد و ارگانها برای تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی‌ای که همواره مطابق اصول ذکر شده در

پاراگراف ۱ ماده حاضر و با شرایط آموزش مطابق با حداقل استاندارد ذکر شده توسط دولت ایجاد می‌شوند، تلقی شود.

ماده ۳۰ـ در کشورهایی که اقلیتهای قومی و مذهبی و یا اشخاص بومی زندگی می‌کنند، کودکی که متعلق به این اقلیتهاست باید به همراه سایر اعضای گروهش از حق برخورداری از فرهنگ خود و تعلیم و اعمال مذهب خود و یا زبان خود برخوردار باشد.

ماده ۳۱ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را برای تفریح و آرامش و بازی و فعالیتهای خلاق مناسب سن خود و شرکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنرها را به رسمیت می‌شناسند.

۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را برای شرکت کامل در حیات فرهنگی و هنری محترم شمرده و توسعه می‌دهند و فراهم نمودن فرصتهای مناسب را جهت شرکت در فعالیتهای فرهنگی، هنری خلاق و تفریحی تشویق خواهند نمود.

ماده ۳۲ـ

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را جهت مورد حمایت قرار گرفتن در برابر استثمار اقتصادی و انجام هرگونه کاری که زیانبار بوده و یا توقفی در آموزش وی ایجاد کند و یا برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و یا پیشرفت اجتماعی وی مضر باشد را به رسمیت می‌شناسند.

۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات لازم قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت تضمین اجرای ماده حاضر به عمل خواهند آورد. در این راستا، و با توجه به مواد مربوط در سایر اسناد بین‌المللی، کشورهای طرف کنوانسیون خصوصاً موارد ذیل را مورد توجه قرار خواهند داد:

الف) تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای انجام کار.

ب) تعیین مقررات مناسب از نظر ساعات و شرایط کار.

ج) تعیین مجازاتها و یا اعمال سایر ضمانتهای اجرایی مناسب جهت تضمین اجرای مؤثر ماده حاضر.

ماده ۳۳ـ کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم از جمله اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی، آموزشی را جهت حمایت از کودکان در برابر استفاده غیر قانونی از مواد مخدر و یا مواد محرک همان گونه که در معاهدات بین‌المللی مربوطه تعریف شده و جلوگیری از استفاده از کودکان در تولید غیر قانونی و قاچاق این گونه مواد به عمل خواهند آورد.

ماده ۳۴ـ کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوء استفاده‌ها و استثمارهای جنسی حمایت کنند. بدین منظور، کشورهای فوق خصوصاً اقدامات ملی، دو و چندجانبه را در جهت جلوگیری از موارد زیر به عمل می‌آورند:

الف ـ تشویق یا وارد نمودن کودکان برای درگیری در هرگونه فعالیتهای غیر قانونی جنسی.

ب ـ استفاده استثماری از کودکان در فاحشه‌گری و سایر اعمال غیر قانونی جنسی.
ج ـ استفاده استثماری از کودکان در اعمال و مطالب پرونوگرافیک.
ماده ۳۵ ـ کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات ضروری ملی، دو و چندجانبه را برای جلوگیری از ربوده‌شدن، فروش و یا قاچاق کودکان به هر شکل و به هر منظور به عمل خواهند آورد.
ماده ۳۶ ـ کشورهای طرف کنوانسیون از کودکان در برابر تمام اشکال استثمار که هریک از جنبه‌های رفاه کودک را به مخاطره اندازد، حمایت خواهند کرد.
ماده ۳۷ ـ کشورهای طرف کنوانسیون اجرای اقدامات ذیل را متقبل می‌شوند:
الف ـ هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی رحمانه و غیر انسانی یا مغایر شیون انسان قرار گیرد. مجازات اعدام و یا حبس ابد را بدون امکان آزادی نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد.
ب ـ هیچ کودکی نباید به طور غیر قانونی و یا اختیاری زندانی شود. دستگیری، بازداشت و یا زندانی کردن یک کودک می‌بایست مطابق با قانون باشد و به تنها آخرین راه چاره و برای کوتاهترین مدت ممکن باید بدان متوسل شد.
ج ـ با کودک زندانی باید به خاطر مقام ذاتی انسان، رفتاری انسانی و توأم با احترام داشت به نحوی که نیازهای بخصوص سنی وی در نظر گرفته شود. کودکان زندانی خصوصاً باید از افراد بزرگسال جدا شوند مگر اینکه این امر مغایر مصالح کودک باشد. کودک حق داشتن تماس با خانواده خود را از طریق نامه و ملاقات دارد و به غیر از شرایط استثنایی.
د ـ هر کودک زندانی می‌بایست از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدتهای ضروری و نیز حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی‌شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات ذی صلاح، مستقل و بی‌طرف و تصمیم‌گیری سریع در این گونه موارد برخوردار باشد.
ماده ۳۸ ـ
۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند به مقررات قانون بین‌المللی بشردوستی در زمان جنگهای مسلحانه که مربوط به کودکان می‌شود احترام بگذارند.
۲ ـ کشورهای طرف کنوانسیون هرگونه اقدام عملی را جهت تضمین اینکه افراد کمتر از ۱۵ سال در مخاصمات مستقیماً شرکت نمی‌کنند، متقبل می‌شوند.
۳ ـ کشورهای طرف کنوانسیون از استخدام افراد کمتر از ۱۵ سال در نیروهای مسلح خودداری خواهند کرد. این کشورها برای استخدام افرادی که بالای ۱۵ سال و زیر ۱۸ سال سن دارند، اولویت را به بزرگترها خواهند داد.
۴ ـ کشورهای طرف کنوانسیون، مطابق با تعهدات خود نسبت به قانون بین‌المللی بشردوستی در جهت حمایت از افراد غیر نظامی به هنگام جنگهای مسلحانه، تمام اقدامات عملی را برای

تضمین حمایت و مراقبت از کودکانی که تحت تأثیر (عواقب) جنگ قرار گرفته‌اند به عمل خواهند آورد.

ماده ۳۹ - کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را برای تسریع بهبودی جسمی و روحی و سازش اجتماعی کودکی که قربانی بی‌توجهی، استثمار، سوء استفاده، شکنجه یا سایر اشکال رفتاری یا تنبیه خشونت‌آمیز، غیر انسانی و تحقیرکننده یا جنگ بوده است، به عمل خواهند آورد. این روند بهبودی و پیوستن مجدد به جامعه می‌بایست در محیطی که موجب سلامت، اتکای نفس و احترام کودک شود، انجام شود.

ماده ۴۰ -

۱ - کشورهای عضو در مورد کودکان متهم یا مجرم به نقض قانون کیفری این حق را به رسمیت می‌شناسند، با آنان مطابق با شیونات و ارزش کودک رفتار گردد که این امر موجب افزایش احترام کودک نسبت به حقوق بشر و آزادیهای اساسی دیگران شده و سن کودک را در نظر گرفته و باعث افزایش خواست وی برای سازش وی با جامعه و به عهده‌گرفتن نقشی سازنده می‌گردد.

۲ - بدین منظور و با توجه به مفاد مربوطه اسناد بین‌المللی، کشورهای عضو خصوصاً موارد ذیل را تضمین می‌نمایند:

الف) هیچ کودکی نباید به خاطر اعمالی که در زمان ارتکاب توسط قانون ملی یا بین‌المللی منع شده، متهم یا مجرم به نقض قانون کیفری شناخته شود.

ب) هر کودکی که متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری شود حداقل دارای تأمینهای زیر خواهد بود:

۱) بی گناه شناخته‌شدن تا زمانی که جرم طبق قانون ثابت نشده.

۲) اطلاع مستقیم و سریع از اتهامات وارده بر علیه وی، در صورت لزوم از طریق والدین و یا قیمهای قانونی، و (حق) داشتن مشاوره حقوقی و یا سایر کمکها در تهیه و ارایه دفاعیه.

۳) روشن‌شدن موضوع در اسرع وقت توسط مقام یا ارگان قضایی بی‌طرف و مستقل و طی یک دادرسی عادلانه در حضور وکیل یا سایر کمکهای حقوقی، مگر اینکه این امر در جهت منافع کودک تشخیص داده نشود خصوصاً با درنظرگرفتن سن، موقعیت و یا والدین و یا قیمهای قانونی کودک.

۴) مجبور نبودن به دادن شهادت و یا اظهار تقصیر، بررسی شاهدان مختلف و یا کسب اجازه شرکت و یا بررسی شاهدان وی در شرایط مساوی.

۵) دسترسی به مقام و یا ارگان قضایی ذی صلاح، بی‌طرف و مستقل بالاتر بر طبق قانون در صورت مجرم شناخته‌شدن.

۶) حق استفاده رایگان از مترجم در صورتی که کودک قادر به درک زبان مورد استفاده (در دادگاه) نباشد.

۷) محرمانه‌بودن کامل موضوع در طول تمام مراحل دادرسی.
۳ ـ کشورهای عضو در جهت افزایش وضع قوانین، مقررات، مقامات و مؤسساتی که خصوصاً مربوط به کودکان متهم، یا مجرم به نقض قانون کیفری تلاش خواهند کرد و خصوصاً اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:
الف) قایل شدن حداقل سن برای نقض قانون کیفری به نحوی که زیر این سن، کودک دارای قدرت نقض قانون تلقی نشود.
ب) در صورت تناسب و تمایل (وضع) مقرراتی در جهت رفتار با این گونه کودکان بدون توسل به دادرسیهای قضایی، به شرطی که حقوق بشر و ضمانتهای حقوقی کاملاً رعایت شود.
۴ ـ تأمین مسایل از قبیل نگهداری، راهنمایی، نظارت، مشاوره، تأدیب، فرزندخواندگی، تعلیم و تربیت و برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای و سایر اقدامات دیگر در جهت تضمین اینکه با کودکان رفتاری متناسب با رفاه و شرایط و جرم آنها خواهد شد.
ماده ۴۱ ـ هیچ یک از (مواد) کنوانسیون حاضر قوانینی که در جهت تحقق حقوق کودک مؤثرتر بود، و جزء موارد زیر می‌باشد را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد:
الف) قانون کشور عضو، یا
ب) قانون بین‌المللی لازم‌الاجرا در آن کشور.

بخش ۲

ماده ۴۲ ـ کشورهای عضو موظف هستند اصول و مقررات کنوانسیون را به طرقی مناسب و فعال برای بزرگسالان و کودکان به اطلاع همگان برسانند.
ماده ۴۳ ـ

۱ ـ به منظور بررسی پیشرفت کشورهای عضو در جهت تحقق تعهداتشان در قبال کنوانسیون حاضر، می‌بایست کمیته‌ای در مورد حقوق کودک برای انجام وظایفش که ذکر خواهد شد، تشکیل گردد.
۲ ـ کمیته شامل ده کارشناس با موقعیت عالی از نظر اخلاقی و با صلاحیت در زمینه‌هایی که در این کنوانسیون ذکر شده، خواهد بود. اعضای کمیته توسط کشورهای عضو از میان اتباع خود انتخاب می‌شوند و سمت شخصی خودشان خدمت خواهند کرد. در این زمینه به پراکندگی جغرافیایی برابر و نیز سیستمهای حقوقی عمده توجه خاص خواهد شد.
۳ ـ اعضای کمیته توسط کشورهای عضو با رأی‌گیری مخفی از میان لیست نامزدها انتخاب می‌شوند. هریک از کشورهای عضو می‌توانند یک نفر از اتباع خود را نامزد کنند.
۴ ـ انتخابات اولیه کمیته ظرف کمتر از ۶ ماه پس از تاریخ به اجرا درآمدن کنوانسیون و پس از آن هر ۲ سال یک بار انجام خواهد شد. حداقل ۴ ماه قبل از هر انتخابات، دبیرکل سازمان ملل طی نامه‌ای از کشورهای عضو خواستار تعیین نامزدهای خود طی ۲ ماه می‌شود. دبیرکل متعاقباً

برحسب الفبا لیستی از اشخاص نامزد شده و کشورهایی که آنان را نامزد کرده‌اند تهیه کرده و آن را به کشورهای عضو کنوانسیون تسلیم خواهد نمود.

۵ ـ انتخابات در اجلاسهای کشورهای عضو که توسط دبیرکل در مقرهای سازمان ملل افتتاح می‌شود، انجام می‌گیرد در آن اجلاسها که با حضور دوسوم از کشورهای عضو رسمیت خواهد یافت، اعضای کمیته از میان کسانی که بیشترین آراء و اکثریت مطلق آرای نمایندگان حاضر و رأی‌دهنده کشورهای عضو را کسب کرده‌اند، برگزیده می‌شوند.

۶ ـ اعضای کمیته برای مدت ۲ سال انتخاب می‌شوند. این افراد در صورت نامزدی مجدد حق انتخاب‌شدن مجدد را دارا می‌باشند. مدت خدمت ۵ تن از اعضای منتخب در اولین انتخابات در پایان ۲ سال خاتمه می‌یابد، بلافاصله پس از اولین انتخابات اسامی این پنج تن توسط رییس جلسه و از طریق قرعه‌کشی مشخص خواهد شد.

۷ ـ در صورت فوت، استعفا و یا اعلام عدم توانایی انجام وظیفه اعضای کمیته به هر دلیل، کشوری که این عضو را نامزد کرده منوط به تأیید کمیته کارشناسی دیگری را از میان اتباع خود برای خدمت در مدت باقی‌مانده انتخاب خواهد کرد.

۸ ـ کمیته خود مقررات مربوط به خود را وضع خواهد کرد.

۹ ـ کمیته مأموران خود را برای یک دوره ۲ ساله انتخاب خواهد کرد.

۱۰ ـ جلسات کمیته به طور عادی در یکی از مقرهای سازمان ملل یا هر محل مناسب دیگری که توسط کمیته تعیین می‌شود، تشکیل می‌گردد. کمیته به طور عادی سالانه تشکیل جلسه می‌دهد. مدت جلسات کمیته در جلسه‌ای با شرکت کشورهای عضو کنوانسیون حاضر و با تأیید مجمع عمومی تعیین شده و در صورت لزوم تغییر خواهد یافت.

۱۱ ـ دبیرکل سازمان ملل تجهیزات و پرسنل لازم را برای مفید واقع‌شدن عملکردهای کمیته، طبق کنوانسیون حاضر فراهم خواهد نمود.

۱۲ ـ با تأکید مجمع عمومی، اعضای کمیته‌ای که طبق کنوانسیون حاضر تشکیل می‌شود در طی مدت خدمت از محل منافع سازمان ملل و طبق شرایطی که مجمع عمومی تعیین می‌کند حقوق دریافت خواهند کرد.

ماده ۴۴ ـ

۱ ـ کشورهای عضو متقبل می‌شوند که از طریق دبیرکل سازمان ملل گزارشاتی را در مورد اقداماتی که برای تحقق حقوق شناخته شده در این کنوانسیون به عمل آورده‌اند و پیشرفتهای حاصله را به کمیته تسلیم کنند:

الف) ظرف ۲ سال پس از به اجرا درآمدن کنوانسیون در مورد کشور مربوطه.

ب) و پس از آن هر ۵ سال یک بار.

۲ ـ گزارشاتی که طبق ماده حاضر تهیه می‌شوند می‌بایست نشان‌دهنده عوامل و مشکلاتی که

احتمالاً در سر راه انجام تعهدات وجود دارد باشد. این گزارشات همچنین باید شامل اطلاعات کافی در جهت دادن تصویری جامع از اجرای کنوانسیون در کشور مربوطه باشد.
۳ ـ کشوری که یک گزارش اولیه جامع به کمیته ارایه کرده است، می‌تواند از ارایه اطلاعات اساسی که قبلاً طبق پاراگراف ۱ (الف) ماده حاضر فراهم کرده، خودداری کند.
۴ ـ کمیته می‌تواند از کشورهای عضو خواهان اطلاعات بیشتری در مورد نحوهٔ اجرای کنوانسیون شود.
۵ ـ کمیته هر دو سال یک بار از طریق شورای اجتماعی و اقتصادی گزارشاتی را در مورد فعالیتهای خود به مجمع عمومی ارایه خواهد کرد.
۶ ـ کشورهای عضو می‌بایست گزارشات خود را در کشورهایشان به طور گسترده در اختیار همه بگذارند.

ماده ۴۵ ـ به منظور تسریع اجرای مؤثر کنوانسیون و تشویق همکاریهای بین‌المللی در زمینه‌های مذکور در کنوانسیون:
الف) سازمانهای تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل و سایر ارگانهای آن سازمان می‌توانند در حوزهٔ اختیاراتشان بر اجرای مواد کنوانسیون حاضر نظارت کنند. کمیته می‌تواند بنا به مقتضی از سازمانهای تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل و سایر ارگانهای ذی صلاح در زمینه‌هایی که به اختیارات آن سازمانها مربوط می‌شود جهت ارایه نظرات تخصصی در مورد اجرای کنوانسیون دعوت به همکاری کند. کمیته می‌تواند از سازمانهای تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل و سایر ارگانهای سازمان ملل بخواهد در مورد اجرای کنوانسیون در زمینه‌هایی که به اختیارات آنها مربوط می‌شود، گزارشاتی را ارایه نمایند.
ب) کمیته می‌تواند بنا به اقتضای گزارشات کشورهای عضو که حاوی درخواست و یا اعلام نیاز به همکاری و مساعدتهای فنی است را به همراه نظرات و پیشنهادات خود کمیته در مورد آن تقاضاها به سازمانهای تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل و سایر ارگانهای ذی صلاح منتقل کند.
ج) کمیته می‌تواند به مجمع عمومی توصیه کند که از دبیرکل بخواهد از طرف خود مطالعاتی را در مورد موضوعات ویژه مربوط به حقوق کودکان متقبل شود.
د) کمیته می‌تواند براساس اطلاعات واصله، متعاقب ماده ۴۴ و ۴۵ کنوانسیون حاضر پیشنهادات و نظرات کلی خود را اعلام کند. این پیشنهادات و نظرات به کشور عضو مربوطه منتقل خواهد شد و به همراه نظرات کشور عضو به مجمع عمومی گزارش خواهد گردید.

بخش ۳

ماده ۴۶ ـ کنوانسیون حاضر در اختیار تمام کشورها جهت امضاء قرار خواهد گرفت.
ماده ۴۷ ـ کنوانسیون حاضر منوط به تصویب است. اسناد تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل

باقی خواهد ماند.

ماده ۴۸ ـ تمام کشورها می‌توانند به عضویت کنوانسیون حاضر درآیند، اسناد عضویت نزد دبیرکل سازمان ملل به ودیعه خواهد ماند.

ماده ۴۹ ـ

۱ ـ کنوانسیون حاضر ۳۰ روز پس از تاریخ به ودیعه گذاشته‌شدن بیستمین سند تصویب یا عضویت نزد دبیرکل سازمان ملل قابل اجرا خواهد بود.

۲ ـ برای هر کشوری که پس از به ودیعه گذاشته‌شدن بیستمین سند تصویب یا عضویت، کنوانسیون حاضر را تصویب کند یا به عضویت آن درآید، این کنوانسیون ۳۰ روز پس از زمان به ودیعه‌گذاردن اسناد عضویت یا تصویب کشور مربوطه قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۵۰ ـ

۱ ـ هریک از کشورهای عضو می‌توانند اصلاحیه‌ای را پیشنهاد کنند و آن را برای دبیرکل سازمان ملل نیز ارسال کنند. دبیرکل اصلاحیه پیشنهادی را با سایر کشورهای عضو در میان می‌گذارد و از آنان در مورد تشکیل کنفرانس کشورهای عضو به منظور بررسی و رأی‌گیری در مورد پیشنهادات نظرخواهی می‌کند. در صورتی که ظرف ۴ ماه پس از اعلام دبیرکل حداقل یک‌سوم کشورهای عضو موافق چنان کنفرانسی باشند، دبیرکل، کنفرانس را به کمک سازمان ملل افتتاح خواهد کرد. اصلاحیه‌ای که مورد تصویب اکثریت کشورهای عضو حاضر و رأی‌دهنده قرار گیرد جهت تصویب به مجمع عمومی فرستاده خواهد شد.

۲ ـ هر اصلاحیه‌ای که مطابق پاراگراف اول ماده حاضر تصویب شود پس از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل و پذیرش دوسوم اکثریت کشورهای عضو قابل اجرا خواهد بود.

۳ ـ پس از به اجرا درآمدن یک اصلاحیه فقط کشورهایی که آن را پذیرفته‌اند موظف به اجرای آن می‌باشند سایر کشورهای عضو همچنان موظف به رعایت کنوانسیون حاضر و سایر اصلاحیه‌های قبلی که آنها را پذیرفته‌اند خواهند بود.

ماده ۵۱ ـ

۱ ـ دبیرکل سازمان ملل متن نظرات کشورها را در هنگام تصویب یا عضویت دریافت کرده و در اختیار سایر کشورها خواهد گذاشت.

۲ ـ نظرات مغایر با اهداف و مقاصد کنوانسیون حاضر ممنوع خواهد بود.

۳ ـ نظرات را می‌توان در هر زمان از طریق اعلام به دبیرکل سازمان ملل پس گرفت. دبیرکل تمام کشورها را نیز در جریان خواهد گذاشت. این اعلام در تاریخی که به دست دبیرکل می‌رسد، قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۵۲ ـ کشورهای عضو می‌توانند از طریق ارسال یک اعلان کتبی به دبیرکل از عضویت کنوانسیون خارج شوند. این امر یک سال پس از تاریخ دریافت اعلان توسط دبیرکل قابل اجرا

خواهد بود.

ماده ۵۳ ـ دبیرکل سازمان ملل به عنوان امانتدار کنوانسیون حاضر انتخاب شده‌اند.

ماده ۵۴ ـ نسخه اصلی کنوانسیون حاضر به همراه ترجمه عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی آن که همگی از اعتبار یک سال برخوردارند، نزد دبیرکل سازمان ملل به ودیعه گذاشته خواهند شد.

با حضور نمایندگان تام‌الاختیار که از طرف دولتهای متبوع خود دارای اختیار هستند این کنوانسیون امضاء گردید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و پنجاه و چهار ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ یکم اسفندماه یکهزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رییس مجلس شورای اسلامی ـ علی‌اکبر ناطق نوری

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیای فرهنگی مسروقه یا غیر قانونی خارج شده

ماده واحده ـ به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیای فرهنگی مسروقه یا غیر قانونی خارج شده ـ مصوب سال ۱۹۹۵ میلادی برابر با ۱۳۷۴ هجری شمسی ـ مشتمل بر یک مقدمه، (۲۱) ماده و (۱) ضمیمه به شرح پیوست ملحق شود و اسناد مربوط را تسلیم نماید.

کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیای فرهنگی مسروقه یا غیر قانونی خارج شده

کشورهای متعاهد این کنوانسیون که بنا به دعوت دولت جمهوری ایتالیا از تاریخ ۱۳۷۴/۳/۱۸ تا تاریخ ۱۳۷۴/۴/۴ هجری شمسی برابر با ۷ الی ۲۴ ژوئن ۱۹۹۵ میلادی برای شرکت در کنوانسیون دیپلماتیک جهت تصویب پیش‌نویس کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی در مورد اعاده بین‌المللی اشیای فرهنگی مسروقه یا غیر قانونی خارج شده در رم گرد هم آمدند، با اعتقاد به اهمیت اساسی حفظ میراث فرهنگی و مبادلات فرهنگی به منظور ارتقای تفاهم میان مردم و نشر فرهنگ برای سلامت بشریت و

پیشرفت تمدن، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به تجارت غیر قانونی اشیای فرهنگی و خسارات غیر قابل جبرانی که غالباً از این راه بر خود اشیاء و بر میراث فرهنگی جوامع ملی، قبیله‌ای و بومی یا سایر جوامع و نیز میراث کلیه مردم بویژه از طریق غارت اماکن باستانی و ایراد خسارات غیر قابل جایگزین بر اطلاعات باستان‌شناسی، تاریخی و علمی وارد می‌شود، با عزم راسخ بر کمک مؤثر به مبارزه با تجارت غیر قانونی اشیای فرهنگی از طریق برداشتن گامهای مهم در ایجاد مقررات قانونی مشترک و جزیی برای استرداد و اعاده اشیای فرهنگی میان کشورهای متعاهد به منظور بهبود (روشهای) حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی که به نفع همگی می‌باشد، با تأکید بر اینکه منظور از این کنوانسیون تسهیل استرداد و اعاده اشیای فرهنگی می‌باشد و درنظر گرفتن راه حلها و تدابیری از قبیل پرداخت غرامت که برای انجام امر استرداد و اعاده در برخی از کشورها لازم است به معنای الزام سایر کشورها به اتخاذ آن تدابیر نیست، با تأیید بر اینکه تصویب مفاد این کنوانسیون، در آینده به هیچ وجه به معنای تأیید یا مشروعیت هرگونه معاملات غیر قانونی که قبل از لازم‌الاجراءشدن این کنوانسیون صورت گرفته، نمی‌باشد، با آگاهی از اینکه این کنوانسیون به تنهایی نمی‌تواند راه حل مشکلات ناشی از تجارت غیر قانونی باشد بلکه آغازکننده روندی است که همکاری فرهنگی بین‌المللی را افزایش داده و نقش مناسبی در جهت تجارت قانونی و توافقات بین دولتها برای مبادلات فرهنگی ایفاء می‌کند، با اذعان بر اینکه اجرای این کنوانسیون می‌بایست با اتخاذ اقدامات مؤثر دیگری برای حمایت از اشیای فرهنگی از قبیل ایجاد و استفاده از (سیستم) ثبت و حفاظت عملی از زمینهای حاوی آثار باستانی و همکاریهای فنی همراه شود، با آگاهی بر کار نهادهای مختلف در جهت حمایت از اموال فرهنگی بویژه کنوانسیون مصوب ۱۳۴۹ هجری شمسی برابر با ۱۹۷۰ میلادی یونسکو در خصوص قاچاق و تعیین خط مشیهایی جهت بخش خصوصی، به شرح زیر توافق نمودند:

فصل ۱: حیطه شمول و تعاریف

ماده ۱ ـ این کنوانسیون در خصوص ادعاهایی که جنبه بین‌المللی دارد در موارد زیر شمول می‌یابد:

الف ـ استرداد اشیای فرهنگی مسروقه.

ب ـ اعاده اشیای فرهنگی که از سرزمین یک کشور متعاهد برخلاف قوانین آن که ناظر بر صدور اشیای فرهنگی است خارج شده، در جهت حمایت از میراث فرهنگی آن عضو که از این پس «اشیای فرهنگی غیر قانونی خارج شده» نامیده می‌شوند.

ماده ۲ ـ از نظر این کنوانسیون اشیای فرهنگی، اشیایی است که به دلایل مذهبی یا غیر مذهبی در زمینه‌های باستان‌شناسی، ماقبل تاریخ، تاریخی، ادبی، هنری یا علمی حایز اهمیت بوده و به یکی از طبقات مندرج در ضمیمه این کنوانسیون تعلق دارد.

فصل ۲: استرداد اشیای فرهنگی مسروقه

ماده ۳ -

۱ - دارنده شیء فرهنگی مسروقه، باید آن را اعاده کند.

۲ - از نظر این کنوانسیون شیء فرهنگی که طبق قانون کشوری که حفاری در آن صورت گرفته به طریق غیر قانونی از زیر خاک بیرون آورده شده یا به طور قانونی از زیر خاک بیرون آورده شده لیکن به صورت غیر قانونی نگهداری می‌شود، نیز مسروقه تلقی می‌شود.

۳ - هرگونه ادعا برای استرداد می‌بایست ظرف سه سال از زمانی که محل شیء فرهنگی و هویت‌دارنده آن برای مدعی مسلم شده و در هر صورت ظرف مدت ۵۰ سال از زمان سرقت اقامه شود.

۴ - البته، ادعا جهت اعاده اشیای فرهنگی که بخشی از یک اثر تاریخی شناخته شده یا یک محل باستانی می‌باشند یا به مجموعه عمومی تعلق دارند، به غیر از محدودیت زمانی سه ساله‌ای که از زمان اطلاع مدعی از محل شیء فرهنگی و هویت‌دارنده آن وجود دارد، مشمول محدودیت زمانی دیگری نمی‌باشند.

۵ - علی رغم مفاد بند گذشته، هریک از کشورهای متعاهد می‌تواند اعلام کند که یک ادعا مشمول محدودیت زمانی ۷۵ ساله یا بیشتری است که در قانون آن کشور پیش‌بینی شده است. ادعایی که در دیگر کشور متعاهد برای استرداد یک شیء فرهنگی که از آثار تاریخی، محل باستانی و یا مجموعه عمومی در کشور متعاهد اعلام‌کننده برده شده مطرح می‌شود نیز مشمول آن محدودیت زمانی قرار می‌گیرد.

۶ - اعلامیه مذکور در بند قبلی در زمان امضای تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق صورت خواهد گرفت.

۷ - از نظر این کنوانسیون «مجموعه عمومی» شامل تعدادی اشیای فرهنگی صورت‌برداری یا شناسایی شده است که تحت مالکیت یکی از گروههای زیر است:

الف - کشور متعاهد،

ب - دستگاه منطقه‌ای یا محلی کشور متعاهد،

ج - مؤسسه مذهبی در کشور متعاهد، یا

د - مؤسسه‌ای که ضرورتاً با هدفی فرهنگی، آموزشی یا علمی در کشور متعاهد تأسیس شده و در آن کشور به خدمت در جهت منافع عمومی شناخته شده است.

۸ - علاوه بر این، ادعا جهت استرداد شیئی فرهنگی مقدس یا مهمی که متعلق به یک قبیله یا بومیان یک کشور متعاهد می‌باشد و به عنوان بخشی از مراسم سنتی یا مذهبی توسط آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد مشمول محدودیت زمانی مربوط به مجموعه‌های عمومی خواهد شد.

ماده ۴ ـ

۱ ـ دارنده شیء فرهنگی مسروقه که موظف به اعاده آن است، در زمان استرداد آن مستحق دریافت غرامتی عادلانه و معقول می‌باشد مشروط بر اینکه دارنده از مسروقه‌بودن شیء آگاهی نداشته و به طور منطقی نمی‌توانسته بر این امر آگاهی داشته باشد و بتواند ثابت کند در هنگام تحصیل شیء احتیاط و توجه لازم را به خرج داده است.

۲ ـ بدون خدشه‌دارکردن حق دارنده نسبت به غرامت مورد اشاره در بند فوق، تلاشهای معقولی می‌بایست صورت گیرد تا شخصی که شیء فرهنگی را به دارنده منتقل کرده یا فرد دیگری که قبل از وی این کار را انجام داده موظف به پرداخت غرامت شود، در صورتی که این امر با قانون کشوری که ادعا در آن مطرح شده مطابقت داشته باشد.

۳ ـ در صورت لزوم پرداخت غرامت به دارنده شیء توسط مدعی، بدون خدشه‌دارکردن حق مدعی جهت دریافت آن از هر شخص دیگری صورت خواهد گرفت.

۴ ـ در تعیین اینکه آیا دارنده شیء احتیاط و دقت لازم را به خرج داده یا خیر، تمام شرایط تحصیل از جمله ماهیت طرفها، قیمت پرداخت شده، اینکه آیا وی به ثبت‌کننده اشیاء فرهنگی مسروقه که به طور معقول در دسترس است و به هرگونه اطلاعات و مدارکی که به طور معقول قابل احتساب است مراجعه کرده یا خیر و اینکه دارنده شیء به مؤسسات قابل دسترس مراجعه نموده یا اقدام دیگری را که هر شخص به طور معقول تحت آن شرایط انجام می‌دهد را صورت داده یا خیر مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۵ ـ دارنده شیء در مقایسه با شخصی که آن را از طریق ارث یا به گونه‌ای دیگر به طور بلاعوض به دست آورده از وضعیت بهترین برخوردار نخواهد بود.

فصل ۳: اعاده اشیای فرهنگی غیر قانونی خارج شده

ماده ۵ ـ

۱ ـ هریک از کشورهای متعاهد می‌تواند از دادگاه یا مرجع ذی صلاح دیگر کشور متعاهد دیگر بخواهد دستور اعاده شیء فرهنگی را که به طور غیر قانونی از سرزمین کشور درخواست‌کننده خارج شده، صادر نماید.

۲ ـ شیء فرهنگی که با اهدافی از قبیل شرکت در نمایشگاه، انجام تحقیقات یا بازسازی طبق مجوز صادره براساس قوانین ناظر بر خروج آن در جهت حمایت از میراث فرهنگی به طور موقت از سرزمین کشور درخواست‌کننده خارج می‌شود و طبق شرایط آن مجوز اعاده نمی‌گردد به عنوان شیئی که به طور غیر قانونی خارج شده تلقی می‌شود.

۳ ـ دادگاه یا مرجع ذیصلاح دیگر کشوری که از آن صدور حکم اعاده یک شیء فرهنگی غیر قانونی خارج شده درخواست می‌شود در صورتی اقدام به این امر می‌کند که کشور

درخواست‌کننده ثابت نماید آن شیء اهمیت فرهنگی بسیار زیادی برای آن کشور دارد و انتقال آن شیء از سرزمین آن موجب واردآمدن آسیب قابل ملاحظه‌ای به یک یا چند مورد از موارد زیر شده است:

الف ـ حفظ فیزیکی شیء یا موقعیت آن.

ب ـ تمامیت شیئی که خود بخشی از یک مجموعه است.

ج ـ حفظ اطلاعاتی از قبیل علمی یا تاریخی.

د ـ موارد استفاده سنتی یا مذهبی شیء توسط یک قبیله یا جامعه بومیان.

۴ ـ هر درخواستی که طبق بند (۱) این ماده صورت می‌گیرد می‌بایست شامل یا به انضمام اطلاعات حقیقی یا حقوقی باشد که به دادگاه یا مرجع ذی صلاح دیگر کشور مورد خطاب در تعیین حصول شرایط بندهای (۱) تا (۳) کمک کند.

۵ ـ هر درخواست اعاده می‌بایست ظرف سه سال پس از محرزشدن محل شیء فرهنگی و هویت دارنده آن برای کشور درخواست‌کننده و در هر صورت ظرف مدت ۵۰ سال از تاریخ خروج آن یا از تاریخی که شیء می‌بایست طبق مجوز مذکور در بند (۲) این ماده اعاده شود، ارایه گردد.

ماده ۶ـ

۱ ـ دارنده شیء فرهنگی که آن را پس از خروج غیر قانونی به دست آورده در هنگام اعاده آن مستحق دریافت غرامتی عادلانه و معقول توسط کشور درخواست‌کننده است، مشروط بر آنکه دارنده در زمان کسب آن از خروج غیر قانونی شیء اطلاع نداشته و یا به طور معقول نمی‌توانسته نسبت به این امر آگاهی داشته باشد.

۲ ـ در تعیین اینکه آیا دارنده از خروج غیر قانونی شیء فرهنگی اطلاع داشته یا به طور معقول می‌توانسته اطلاع داشته باشد یا خیر، شرایط کسب از جمله فقدان گواهی خروج که طبق قانون کشور درخواست‌کننده مقرر شده، مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۳ ـ در صورت توافق با کشور درخواست‌کننده، دارنده شیء فرهنگی که موظف به اعاده آن است می‌تواند به جای غرامت یکی از موارد زیر را انتخاب کند:

الف ـ مالکیت شیء را حفظ کند، یا

ب ـ مالکیت را در برابر پرداخت مبلغی یا به صورت بلاعوض به شخصی به انتخاب خود که ساکن کشور درخواست‌کننده بوده و ضمانتهای لازم را ارایه کند، منتقل نماید.

۴ ـ بر طبق این ماده هزینه اعاده شیء فرهنگی بدون لطمه‌زدن به حق کشور درخواست‌کننده جهت دریافت هزینه‌ها از هر شخص دیگری، به عهده آن کشور می‌باشد.

۵ ـ دارنده شیء در مقایسه با شخصی که آن را از طریق ارث یا به طور بلاعوض به دست آورده از وضعیت بهتری برخوردار نخواهد بود.

ماده ۷ـ

۱ـ مفاد این فصل در موارد زیر شمول نخواهد داشت:
الف ـ خروج شیء فرهنگی در زمانی که اعاده آن درخواست می‌شود دیگر غیر قانونی تلقی نمی‌گردد، یا
ب ـ شیء مذکور در طول حیات خالق آن یا ظرف پنجاه سال پس از فوت آن شخص خارج شده باشد.

۲ـ علی رغم مفاد جزء «ب» بند قبلی، در صورتی که شیء فرهنگی توسط عضو یا اعضای یک قبیله یا جامعه بومیان برای استفاده افراد جامعه در مراسم سنتی یا مذهبی ساخته شده باشد و شیء مزبور به آن جامعه اعاده خواهد شد، مفاد این فصل اعمال خواهد شد.

فصل ۴: مقررات کلی

ماده ۸ـ

۱ـ ادعا به موجب فصل (۲) و درخواست به موجب فصل (۳) می‌تواند نزد دادگاهها یا سایر مراجع ذی صلاح کشور متعاهدی که شیء فرهنگی در آن قرار دارد، علاوه بر دادگاهها یا سایر مراجع ذی صلاحی که طبق مقررات جاری کشورهای متعاهد دارای صلاحیت می‌باشند مطرح گردد.

۲ـ اعضاء می‌توانند جهت تسلیم دعوا به هر دادگاه یا مرجع ذی صلاح دیگر یا داوری توافق نمایند.

۳ـ توسل به اقدامات موقت از جمله اقدامات حمایتی قابل دسترس طبق قانون کشور متعاهدی که شیء فرهنگی در آن قرار دارد، حتی در زمانی که ادعای استرداد یا درخواست اعاده شیء نزد دادگاهها یا سایر مراجع ذی صلاح کشور متعاهد دیگر مطرح می‌شود امکان‌پذیر است.

ماده ۹ـ

۱ـ هیچ یک از مفاد این کنوانسیون مانع کشورهای متعاهد جهت اعمال قوانین مناسبترین به غیر از آنچه در این کنوانسیون پیش‌بینی شده برای استرداد یا اعاده اشیای فرهنگی مسروقه یا غیر قانونی خارج شده نمی‌باشد.

۲ـ این ماده به معنای ایجاد تعهدی نسبت به رسمیت شناختن یا اجرای تصمیم دادگاه، یا مرجع ذی صلاح دیگر کشور متعاهد دیگری که از مفاد این کنوانسیون منصرف می‌شود، تعبیر نخواهد شد.

ماده ۱۰ـ

۱ـ مفاد فصل (۲) فقط در مورد شیء فرهنگی که پس از لازم‌الاجراءشدن این کنوانسیون در مورد

کشوری که ادعا در آن مطرح شده اعمال خواهد شد، مشروط بر آنکه:
الف ـ شیء مزبور پس از لازم‌الاجراءشدن این کنوانسیون در مورد یک کشور متعاهد از سرزمین آن کشور سرقت شده باشد، یا
ب ـ شیء مزبور پس از لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون در مورد آن کشور متعاهد، در آن قرار گرفته باشد.
۲ ـ مفاد فصل (۳) فقط در خصوص شیء فرهنگی اعمال خواهد شد که پس از لازم‌الاجراء شدن این کنوانسیون در مورد کشور درخواست‌کننده و نیز کشوری که درخواست در آنجا مطرح شده به طور غیر قانونی خارج شده باشد.
۳ ـ این کنوانسیون به هیچ طریق موجب مشروعیت بخشیدن به هرگونه معاملات غیر قانونی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این کنوانسیون صورت گرفته است یا طبق بندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می‌شود نخواهد گردید. همچنین هیچ‌گونه محدودیتی را در مورد حق یک کشور یا شخص دیگری برای اقامه دعوا طبق راه حلهای موجود در خارج از چارچوب این کنوانسیون جهت استرداد یا اعاده شیء فرهنگی مسروقه یا غیر قانونی خارج شده قبل از لازم‌الاجراء شدن این کنوانسیون به وجود نخواهد آورد.

فصل ۵: مقررات نهایی

ماده ۱۱ ـ
۱ ـ کنوانسیون حاضر پس از اختتام کنفرانس دیپلماتیک جهت تصویب پیش‌نویس، کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی در خصوص اعاده اشیای فرهنگی مسروقه یا غیر قانونی خارج شده، برای امضاء مفتوح بوده و جهت امضای تمام کشورها تا تاریخ ۱۳۷۵/۴/۱۰ هجری شمسی برابر با ۳۰ ژوئن ۱۹۹۶ میلادی در رم مفتوح خواهد بود.
۲ ـ این کنوانسیون منوط به تنفیذ، پذیرش یا تصویب کشورهای امضاءکننده آن می‌باشد.
۳ ـ این کنوانسیون از روز افتتاح جهت امضاء برای الحاق تمام کشورهایی که جزء کشورهای امضاءکننده نمی‌باشند، مفتوح خواهد بود.
۴ ـ تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق موکول به تودیع سندی رسمی بدان مضمون نزد امین اسناد است.

ماده ۱۲ ـ
۱ ـ این کنوانسیون در اولین روز ششمین ماه پس از تاریخ تودیع پنجمین سند تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق لازم‌الاجراء خواهد شد.
۲ ـ برای هر کشوری که پس از تودیع پنجمین سند تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق، این کنوانسیون را مورد تنفیذ، پذیرش یا تصویب قرار می‌دهد یا به آن ملحق می‌شود، این کنوانسیون

در مورد آن کشور در اولین روز ششمین ماه پس از تاریخ تودیع سند تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق لازم‌الاجراء خواهد شد.

ماده ۱۳ ـ

۱ ـ این کنوانسیون هیچ یک از اسناد بین‌المللی را که هر کشور متعاهد نسبت به آن تعهد قانونی دارد و شامل مفادی در خصوص موضوعات مطرح شده در این کنوانسیون می‌شود تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، مگر کشورهایی که نسبت به این گونه اسناد متعهد هستند، خلاف آن را اعلام کنند.
۲ ـ هریک از کشورهای متعاهد می‌توانند با یک یا چند کشور متعاهد به منظور افزایش کاربرد این کنوانسیون در روابط متقابل خود توافقنامه‌هایی را منعقد نماید. کشورهایی که چنین توافقنامه‌هایی را منعقد کرده‌اند می‌بایست یک نسخه از آن را به امین اسناد تسلیم کنند.
۳ ـ کشورهای متعاهدی که عضو سازمانهای وحدت اقتصادی یا نهادهای منطقه‌ای می‌باشند می‌توانند اعلام کنند که در روابط بین خود مقررات داخلی این سازمانها یا نهادها را به‌کار می‌گیرند و لذا حیطه شمول مفاد این کنوانسیون را هنگامی که با آن مقررات منطبق می‌شوند، به موقع اجرا نخواهند گذاشت.

ماده ۱۴ ـ

۱ ـ در صورتی که کشور متعاهدی دارای دو یا چند واحد سرزمینی باشد، بدون توجه به دارابودن یا نبودن نظامهای مختلف حقوقی حاکم در رابطه با موضوعات مطرح شده در این کنوانسیون، آن کشور در زمان امضاء یا تودیع سند تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق می‌تواند اعلام نماید که این کنوانسیون در مورد تمام واحدهای سرزمینی آن یا فقط یکی یا چند واحد از آنها قابل شمول است و نیز می‌تواند در هر زمان اعلامیه دیگری را جایگزین این اعلامیه کند.
۲ ـ این اعلامیه‌ها می‌بایست به اطلاع امین اسناد برسد و در آنها باید به وضوح به واحدهای سرزمینی که این کنوانسیون در خصوص آنها شمول می‌یابد، اشاره شود.
۳ ـ در صورتی که به موجب اعلامیه موضوع این ماده، این کنوانسیون به یک یا چند ولی نه تمام واحدهای سرزمین کشور متعاهدی شمول یابد، اشاره به:
الف ـ قلمرو کشور متعاهد در ماده (۱) به عنوان اشاره به قلمرو واحد سرزمینی آن کشور تلقی خواهد شد.
ب ـ دادگاه یا مراجع ذی صلاح دیگر کشور متعاهد و یا کشور مورد خطاب به معنای اشاره به دادگاه یا مرجع ذی صلاح دیگر واحد سرزمینی آن کشور تلقی خواهد شد.
ج ـ کشور متعاهدی که شیء فرهنگی در آن قرار دارد در بند (۱) ماده (۸) به عنوان اشاره به واحد سرزمینی یا مرجع ذی صلاح دیگر واحد سرزمینی کشوری که شیء فرهنگی در آن قرار گرفته تلقی خواهد شد. و
هـ ـ کشور متعاهد در ماده (۹) به عنوان اشاره به واحد سرزمینی آن کشور تلقی خواهد شد.

۴ ـ در صورتی که کشور متعاهدی در خصوص بند (۱) این ماده اعلامیه‌ای صادر نکند، این کنوانسیون به تمام واحدهای سرزمینی آن تسری خواهد یافت.

ماده ۱۵ ـ

۱ ـ اعلامیه‌هایی که طبق این کنوانسیون در زمان امضاء صادر می‌شوند موکول به تصدیق پس از تنفیذ، پذیرش یا تصویب می‌باشند.

۲ ـ اعلامیه‌ها و تصدیق اعلامیه‌ها می‌بایست به صورت کتبی بوده و به طور رسمی به اطلاع امین اسناد رسانیده شود.

۳ ـ اعلامیه‌ها همزمان با لازم‌الاجراءشدن این کنوانسیون در مورد کشور مربوط به موقع اجراء گذارده خواهند شد. البته، اعلامیه‌هایی که پس از لازم‌الاجراء شدن به طور رسمی به اطلاع امین اسناد رسانیده می‌شوند در اولین روز ششمین ماه پس از تاریخ تودیع آن نزد امین اسناد به موقع اجراء گذارده خواهند شد.

۴ ـ هر کشوری که طبق این کنوانسیون اعلامیه‌ای را صادر می‌نماید، می‌تواند در هر زمان از طریق اطلاعیه رسمی و کتبی به عنوان امین اسناد آن را پس بگیرد. پس‌گرفتن اعلامیه در اولین روز ششمین ماه پس از تاریخ تودیع اطلاعیه نافذ خواهد شد.

ماده ۱۶ ـ

۱ ـ هریک ازکشورهای متعاهد در زمان امضاء، تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق می‌تواند اعلام نماید که دعاوی مربوط به استرداد یا درخواست اعاده اشیای فرهنگی که توسط کشوری طبق ماده (۸) نزد آن اقامه می‌شود می‌تواند به یکی یا چند روش از روشهای زیر مطرح شوند:

الف ـ ارایه مستقیم به دادگاهها یا سایر مراجع ذی صلاح کشور اعلام‌کننده،

ب ـ ارایه به دادگاهها یا سایر مراجع ذی صلاح آن کشور از طریق مرجع یا مراجعی که توسط آن کشور برای دریافت این گونه دعاوی یا درخواستها تعیین می‌شود،

ج ـ از طریق مجاری سیاسی یا کنسولی.

۲ ـ هریک ازکشورهای متعاهد همچنین می‌تواند طبق مفاد فصول (۲) و (۳) دادگاهها یا سایر مراجع ذی صلاح را برای صدور حکم استرداد یا اعاده اشیای فرهنگی تعیین کند.

۳ ـ اعلامیه‌هایی که به موجب بندهای (۱) و (۲) این ماده صادر می‌شوند در هر زمان از طریق یک اعلامیه جدید قابل تعدیل می‌باشند.

۴ ـ مفاد بندهای (۱) تا (۳) این ماده، توافقنامه‌های دو یا چندجانبه در خصوص معاضدت قضایی در ارتباط با موضوعات مدنی و تجاری راکه ممکن است میان کشورهای متعاهد وجود داشته باشد، تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

ماده ۱۷ ـ هریک ازکشورهای متعاهد می‌بایست حداکثر تا شش ماه پس از تاریخ تودیع سند تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق خود، اطلاعاتی را در خصوص قوانین ناظر بر صدور اشیای

فرهنگی خود به یکی از زبانهای رسمی کنوانسیون به طور کتبی در اختیار امین اسناد قرار دهد. این اطلاعات در صورت اقتضاء هر چند وقت یک بار به روز خواهد شد.

ماده ۱۸ ـ هیچ حق شرطی به غیر از آنچه که در این کنوانسیون صریحاً مجاز شمرده شده، قابل قبول نخواهد بود.

ماده ۱۹ ـ

۱ ـ هریک از کشورهای عضو در هر زمان پس از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این کنوانسیون در مورد آن می‌تواند با تسلیم سندی بدان مضمون به امین اسناد از عضویت در این کنوانسیون خارج شود.

۲ ـ فسخ عضویت در اولین روز ششمین ماه پس از تودیع سند فسخ عضویت نزد امین اسناد به مورد اجراء گذارده خواهد شد. در صورتی که در سند فسخ عضویت زمان طولانیتری برای نافذشدن فسخ در نظر گرفته شده باشد، پس از تودیع آن نزد امین اسناد فسخ عضویت از هنگام منقضی‌شدن زمان طولانیتر مزبور، نافذ خواهد شد.

۳ ـ علی رغم فسخ عضویت مزبور، این کنوانسیون در مورد ادعای استرداد یا درخواست اعادهٔ شیء فرهنگی که قبل از نافذشدن تاریخ فسخ عضویت تسلیم شده باشد، همچنان اعمال خواهد شد.

ماده ۲۰ ـ رییس مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی در فواصل منظم یا هر زمان بنا به درخواست ۵ کشور عضو می‌تواند کمیته ویژه‌ای را به منظور بررسی عملکرد این کنوانسیون تشکیل دهد.

ماده ۲۱ ـ

۱ ـ این کنوانسیون نزد دولت جمهوری ایتالیا تودیع خواهد شد.

۲ ـ دولت جمهوری ایتالیا اقدامات زیر را معمول خواهد داشت:

الف ـ اطلاع موارد زیر به تمام کشورهایی که کنوانسیون را امضاء کرده یا به آن ملحق شده‌اند و رییس مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی.

۱ ـ هر امضاء یا تودیع سند تنفیذ، پذیرش، تأیید یا الحاق جدید به همراه تاریخ مربوط،

۲ ـ هرگونه اعلامیه‌ای که طبق این کنوانسیون ارایه می‌شود،

۳ ـ پس‌گرفتن هر اعلامیه،

۴ ـ تاریخ لازم‌الاجراءشدن این کنوانسیون،

۵ ـ موافقتنامه‌های موضوع ماده (۱۳)،

۶ ـ تودیع سند فسخ عضویت این کنوانسیون به همراه تاریخ آن و زمان نافذشدن فسخ،

ب ـ ارسال نسخه‌های تأیید شده این کنوانسیون به تمام کشورهای امضاءکننده، تمم کشورهایی که به آن ملحق می‌شوند، و به رییس مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی،

ج ـ انجام سایر وظایفی که به طور معمول به عهده امین اسناد می‌باشد.
بنا به مراتب، نمایندگان تام‌الاختیار امضاءکننده زیر با اختیارات لازم، این کنوانسیون را امضاء کرده‌اند.
تنظیم شده در رم، به تاریخ چهارم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار هجری شمسی برابر با بیست و چهارم ژوئن سال یکهزار و نهصد و نود و پنج در یک نسخه اصلی به زبانهای انگلیسی و فرانسوی که هر دو از اعتبار یکسانی برخوردار می‌باشند.

ضمیمه

الف ـ مجموعه‌های نایاب و گونه‌های حیوانات و گیاهان، مواد معدنی و اسکلت و اشیایی که دارای ارزش دیرین‌شناسی می‌باشند،
ب ـ اموال مربوط به تاریخ از جمله تاریخ علوم و فن‌آوری و تاریخ نظامی و اجتماعی، اموال مربوط به زندگی رهبران ملی، متفکران، دانشمندان و هنرمندان و مربوط به رویدادهای مهم ملّی،
ج ـ یافته‌های کاوشهای باستان‌شناسی (اعم از حفاریهای علنی و مخفی) یافته‌های اکتشافات باستان‌شناسی،
د ـ بخشهایی از آثار تاریخی یا هنری و یا محلهای باستانی که پراکند شده،
هـ ـ اشیای عتیقه با قدمت بیش از یکصد سال نظیر کتیبه‌ها، سکه‌ها و مهرهای کنده‌کاری شده،
و ـ اشیایی که دارای ارزش قومی هستند،
ز ـ اشیایی که دارای ارزش هنری هستند از قبیل:
۱ ـ تصاویر، نقاشیها و طراحیهایی که به طور کلی با دست به هر شکل و روی هر نوع ماده‌ای به وجود آمده (به استثنای طرحها و اقلام تولیدی صنعتی که با دست تزیین شده)،
۲ ـ آثار مجسمه‌سازی و هیکل‌تراشی اصل با استفاده از هر نوع ماده،
۳ ـ کنده‌کاری، چاپ و چاپ سنگی اصل،
۴ ـ آثار هنری مونتاژ وجمع‌آوری شده اصل با استفاده از هر نوع ماده.
ح ـ نسخ خطی نایاب و کتب اولیه و قدیمی، اسناد و نشریاتی که دارای ارزش ویژه (تاریخی، هنری، علمی، ادبی و غیره) هستند به صورت منفرد یا مجموعه،
ط ـ تمبرهای پستی یا مالی یا انواع مشابه به صورت منفرد یا مجموعه،
ی ـ آرشیو از جمله آرشیوهای صدا، عکس و فیلم،
ک ـ اسباب و اثاثیه با قدمت بیش از یکصد سال و آلات موسیقی قدیمی.
قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و بیست و یک ماده و یک ضمیمه در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی‌ام مردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه

مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۶/۲۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رییس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی

قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و ترتیباتی که مشابه بردگی است[1]

مصوب ۷ سپتامبر ۱۹۵۶ میلادی مطابق ۱۶ شهریور ۱۳۳۵ شمسی[2]

مقدمه

نظر به اینکه آزادی حق ذاتی هر فرد بشر است.

و با توجه به اینکه مردمان کشورهای ملل متحد در منشور سازمان ایمان خود را نسبت به مقام و قدر فرد بشر تأکید نموده‌اند.

و با توجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر که از طرف مجمع عمومی ملل متحد به عنوان کمال مطلوب مشترک تمامی اقوام و ملل اعلام شده مقرر می‌دارد که هیچ‌کس در شرایط بردگی یا به حال انقیاد نگاه داشته نخواهد شد و بردگی و برده‌فروشی به تمامی انحاء و اشکال آن نهی خواهد شد.

و با قبول اینکه از زمان انعقاد قرارداد بردگی در ژنو در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ (که هدفش منع بردگی و برده‌فروشی بود) پیشرفتهای جدید در راه نیل به این مقصود حاصل شده است و با اشاره به قرارداد کار اجباری مورخ ۱۹۳۰ اقدامات بعدی که سازمان بین‌المللی کار نسبت به بیکاری یا اجباری به عمل آورده است.

و با اذعان به اینکه مع‌الوصف بردگی و برده‌فروشی و رسوم و ترتیبات نظیر بردگی هنوز در کلیه نقاط جهان از میان نرفته است.

و بالاخره با تصمیم بر اینکه قرارداد مورخ ۱۹۲۶ (همواره به قوت خود باقی است) اکنون باید با انعقاد قرارداد تکمیلی دیگری به منظور تشدید اقدامات ملی و بین‌المللی در راه الغای بردگی و برده‌فروشی رسوم و ترتیبات نظیر آن تکمیل شود.

دول عضو قرارداد فعلی در موارد زیر توافق حاصل می‌نمایند:

بخش اول: رسوم و ترتیبات نظیر بردگی

ماده اول ـ هریک از دولی که عضو قرارداد می‌باشند کلیه اقدامات لازم قانونی و سایر اقدامات

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۴۱۴۵ مورخ ۱۳۳۸/۲/۱۶

۲ ـ اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد مزبور طبق قانون مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۳ صورت پذیرفت.

عملی را تدریجاً جهت ممکن ساختن الغای کامل یا متروک گذاردن ترتیبات مرسوم ذیل در اسرع اوقات در هر نقطه که موجود باشد و اعم از اینکه تعریف قضایی بردگی مندرج در ماده یک قرارداد بردگی منعقد در ژنو در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ شامل آنها باشد یا نباشد به عمل خواهد آورد:

الف ـ اجبار به خدمت در مقابل دین: یعنی حال یا وضعی که از تعهد مدیون نسبت به خدمات شخصی خود یا شخص دیگری که در فرمان اوست برای تضمین قرض ناشی می‌شود در صورتی که ارزش آن خدمات به نحوی که صحیحاً تقویم شود به مصرف استهلاک قرض نرسد یا طول مدت و نحوه آن خدمات محدود و مشخص نباشد.

ب ـ اصول (بندگی رعایا): یعنی وضع یا حال رعیت که به موجب قانون یا عرف یا قرارداد مکلف باشد در زمین متعلق به فرد دیگری زندگی و کار کند و برای فرد اخیر خدمات معینی را با دریافت اجرت یا رایگان انجام دهد و به هر حال حق تغییر وضع حال خود را نداشته باشد.

ج ـ هر ترتیب یا رسومی که به موجب آن:

(۱) ابوین یا قیم یا کسان و یا شخص یا عده‌ای اشخاص دیگر زنی را بدون اینکه وی حق استنکاف داشته باشد به شخص دیگری وعده دهند یا به زوجیت او درآورند و در ازای این امر مبلغی وجه نقد یا جنسی دریافت نمایند.

(۲) شوهر یا اقوام شوهر یا طایفه شوهر حق داشته باشند در مقابل اخذ وجه یا به طریق دیگر زن را به دیگری واگذار کنند ـ یا:

(۳) زنی پس از مرگ شوهر به شخص دیگری به ارث برسد.

د ـ هرگونه رسوم یا ترتیباتی که به موجب آن: کودک یا فرد غیر بالغ (کمتر از هجده سال) توسط یکی از ابوین خود یا هردوی ایشان یا توسط قیم در ازای اخذ وجه یا بدون اخذ وجه به منظور تمتع از کودک یا فرد غیر بالغ یا استفاده از کار او به شخص دیگری تسلیم شود.

ماده دوم ـ به منظور تسریع در خاتمه دادن به رسوم و ترتیبات مذکور در بند (ج) از ماده اول این قرارداد دولی که اطراف این قراردادند متعهد می‌شوند که هرکجا مناسب باشد حداقل متناسبی برای سنین ازدواج معلوم کنند و ترتیبی بدهند که طرفین ازدواج به آسانی بتوانند در برابر مقام دولتی یا مقاوم روحانی صالح رضایت خود را بیان نمایند و مراسم ثبت ازدواج را تشویق نمایند.

بخش دوم: برده‌فروشی

ماده سوم ـ ۱ ـ عمل نقل و انتقال برده از یک کشور به کشور دیگر یا اقدام به این امر یا استفاده هرقبیل وسیله نقلیه یا معاونت در این موارد در قوانین کشورهایی که اصحاب این قرارداد می‌باشند مجرم شناخته شده و مرتکبین به این جرم به مجازاتهای شدید خواهند رسید.

۲ ـ الف ـ دولی که اطراف این قراردادند کلیه اقدامات موثر را جهت ممانعت کشتیها و طیاراتی

که به نصب پرچم آن دول مجازند از حمل بردگان به عمل خواهند آورد و کسانی راکه مرتکب چنین اعمال شوند یا از پرچمهای ملی به این منظور استفاده کنند مجازات خواهند نمود.
ب ـ دولی که اطراف این قراردادند کلیه اقدامات مؤثر را به عمل خواهند آورد تا بندرها و فرودگاهها و سواحل ایشان جهت حمل و نقل بردگان مورد استفاده قرار نگیرند.
۳ ـ دولی که اطراف این قراردادند به منظور اینکه اقداماتی راکه در مبارزه با برده‌فروشی به عمل می‌آورند عملاً هماهنگ سازند اطلاعات لازم را با یکدیگر مبادله خواهند کرد و از هر مورد برده‌فروشی و هر اقدامی که جهت ارتکاب این جرم صورت گیرد و از آن آگاه شوند یکدیگر را باخبر خواهند ساخت.
ماده چهارم ـ کلیه بردگانی که به یکی از کشتیهای متعلق به دول اطراف این قرارداد پناهنده شوند به خودی خود آزاد خواهند شد.

بخش سوم: بردگی و ترتیبات و رسوم نظیر بردگی

ماده پنجم ـ درکشوری که بردگی یا ترتیبات مرسوم مذکور در ماده اول این قرارداد هنوز در آن به کلی ممنوع یا متروک نشده است عمل مثله‌کردن یا داغ‌زدن یا علامت‌گذاردن بر شخصی که تحت انقیاد است به منظور مشخص ساختن و به قصد عقوبت او یا به هر دلیل دیگر یا معاونت در این اعمال طبق قوانین دولی که اصحاب این قراردادند جرم کیفری محسوب خواهد شد و مرتکبین مسلم آن مجازات خواهند گردید.
ماده ششم ـ
۱ ـ عمل برده‌ساختن دیگری یا اغوای دیگری به اینکه خود یا فرد تحت تکفل خود را به بردگی بدهد یا اقدام به این اعمال یا معاون در ارتکاب آن یا عضویت دسته‌ای که به قصد ارتکاب اعمال مزبور تشکیل شده باشد طبق قوانین دولی که اطراف این قراردادند جرم کیفری محسوب خواهد شد و مرتکبین مسلم آن مجازات خواهند گردید.
۲ ـ با توجه به مقررات بند مقدماتی ماده اول این قرارداد مقررات بند اول این ماده ضمناً شامل عمل اغوای دیگری به اینکه خود یا فرد تحت تکفل خود را تحت انقیاد درآورد در صورتی که این وضع ناشی از ترتیبات یا رسوم مذکور در ماده اول باشد و همچنین اقدام به این اعمال و معاونت در ارتکاب آنها عضویت دسته‌ای که به قصد ارتکاب آنها تشکیل شده باشد خواهد بود.

بخش چهارم: تعریفات

ماده هفتم ـ در مورد قرارداد فعلی:
الف ـ «بردگی» به نحوی که قرارداد بردگی مورخ ۱۹۲۶ تعریف شده است به معنی حال یا وضع کسی است که اختیارات ناشیه از حق مالکیت کلاً یا جزئاً نسبت به او اعمال می‌شود و «برده»

کسی است که در چنین حال یا وضعی باشد.
ب ـ منظور از شخص تحت انقیاد کسی است که در حال یا وضع ناشی از هریک از ترتیبات و رسوم مذکور در ماده اول این قرارداد.
ج ـ برده‌فروشی به معنی و شامل کلیه اعمالی است که به منظور اسارت و تملک یا واگذاری شخص به قصد تنزل‌دادن او به درجه بردگی یا غلامی صورت می‌گیرد و همچنین به معنی و شامل کلیه اعمالی است که به عنوان تملک بر روی برده به منظور فروش یا مبادله انجام می‌گیرد و ضمناً کلیه اعمال مربوط به انتقال حق تملک از طریق فروش یا مبادله نسبت به شخصی که به قصد فروش یا مبادله تحت تملک قرار گرفته و همچنین به طور کلی هرگونه تجارت یا حمل و نقل برده اعم از اینکه بر هر نوع وسیله نقلیه انجام شود.

بخش پنجم: همکاری و ارتباطات و تبادل اطلاعات بین اطراف این قرارداد

ماده هشتم ـ ۱ ـ دولی که اطراف این قراردادند تعهد می‌کنند که جهت اجرای مقررات فوق‌الذکر از مساعدت به یکدیگر دریغ نورزند و با سازمان ملل متحد نیز در این زمینه همکاری نمایند.
۲ ـ اطراف قرارداد تعهد می‌کنند رونوشتی از کلیه قوانین و مقررات اقدامات اداری که جهت اجرای مقررات این قرارداد اتخاذ نموده یا به مرحله اجرا گذارده‌اند به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم کنند.
۳ ـ دبیرکل اطلاعاتی را که طبق بند ۲ این ماده دریافت داشته است به سایر اطراف قرارداد و شورای اقتصادی و اجتماعی به عنوان مدرک تسلیم خواهد نمود تا شوری در کلیه مباحثاتی که به منظور توصیه‌های جدید جهت لغو بردگی و برده‌فروشی و ترتیبات و رسوم مذکور در این قرارداد می‌خواهد به عمل بیاورد از آنها استفاده نماید.

بخش ششم: مقررات نهایی

ماده نهم ـ نسبت به این قرارداد هیچ‌گونه قید و شرطی پذیرفته نیست.
ماده دهم ـ هرگونه اختلافی که درباره تفسیر یا اجرای این قرارداد بین دول اطراف آن بروز نماید و از طریق مذاکره برطرف نشود بنا به تقاضای هریک از اطراف دعوی به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع خواهد شد مگر آنکه اطراف دعوی در خصوص راه حل دیگری توافق نمایند.
ماده یازدهم ـ ۱ ـ این قرارداد تا تاریخ اول ژوییه ۱۹۵۷ برای امضای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا عضویت مؤسسات اختصاصی تابعه آن مفتوح خواهد بود.
این قرارداد باید توسط دول امضاءکننده به تصویب برسد و اسناد تصویبی به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد و مشارالیه مراتب را به اطلاع دولی که قرارداد را امضاء می‌کنند یا به آن ملحق می‌گردند خواهد رساند.

۲ ـ پس از تاریخ اول ژوییه ۱۹۵۷ این قرارداد برای الحاق کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا مؤسسات اختصاصی تابعه یا سایر دولتهایی که دعوتنامه الحاق از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای آنها ارسال شده است مفتوح خواهد بود الحاق به قرارداد با تسلیم سند رسمی آن به دبیرکل سازمان ملل متحد انجام خواهد شد و دبیرکل مراتب را بدون امضاءکننده قرارداد و دولی که به آن ملحق شده‌اند اطلاع خواهند داد.

ماده دوازدهم ـ ۱ ـ این قرارداد نسبت به کلیه سرزمینهای غیر خودمختار و تحت قیمومت و مستعمره و غیر مستقیل که یکی از دول اطراف قرارداد عهده‌دار روابط خارجی آنهاست به مورد اجراء گذارده خواهد شد.

دولت ذی علاقه با رعایت مقررات بند ۲ این ماده هنگام امضاء یا تصویب یا الحاق به قرارداد سرزمینهای غیر مستقل یا سرزمینهایی راکه قرارداد در اثر امضاء یا الحاق یا تصویب مزبور در مورد آنها اجراء خواهد شد اعلام خواهد نمود.

۲ ـ در هر مورد که رضایت قبلی سرزمین غیر مستقبل به موجب قوانین اساسی یا عرف دولت ذی علاقه یا سرزمین غیر مستقل لازم باشد دولت ذی علاقه سعی خواهد کرد در ظرف دوازده ماه از تاریخی که قرارداد را امضاء نموده رضایت سرزمین غیر مستقل را تحصیل نماید و هر موقع رضایت مزبور جلب شد دولت مستقل مسؤول مراتب را به دبیرکل اعلام خواهد نمود.

این قرارداد نسبت به سرزمین یا سرزمینهایی که در اعلامیه مزبور نامبرده شده از تاریخ وصل آن توسط دبیرکل به مورد اجراء گذارده خواهد شد.

۳ ـ پس از انقضای مدت دوازده ماه مذکور در بند ۲ این ماده دولی که اطراف این قراردادند نتایج مذاکرات خود را با سرزمینهای غیر مستقل که خود عهده‌دار روابط خارجی آنها هستند و احتمالاً رضایت آنها در خصوص اجرای این قرارداد جلب نشده به اطلاع دبیرکل خواهد رساند.

ماده سیزدهم ـ ۱ ـ این قرارداد از تاریخی که دو دولت بدان بپیوندند لازم‌الاجرا خواهد بود.

۲ ـ این قرارداد از آن پس نسبت به هریک از دول و سرزمینها از تاریخ تسلیم سند تصویبی یا الحاق آن دولت با اطلاعیه مبنی بر اجرای قرارداد در آن سرزمین قابل اجرا خواهد بود.

ماده چهاردهم ـ ۱ ـ اجرای این قرارداد به ادوار متوالی سه ساله تقسیم خواهد شد و دوره اول از تاریخ لازم‌الاجراءشدن قرارداد طبق بند ۱ ماده سیزدهم شروع خواهد شد.

۲ ـ هریک از دول اطراف قرارداد می‌تواند شش ماه قبل از انقضای هریک از دوره‌های سه ساله با اعلام قصد خود به دبیرکل قرارداد حاضر را فسخ نماید. دبیرکل ابلاغیه مزبور و تاریخ وصول آن را به اطلاع سایر اطراف قرارداد خواهد رساند.

۳ ـ اعلام فسخ قرارداد پس از انقضای دوره سه ساله مزبور واجد اثر خواهد شد.

۴ ـ در مواردی که طبق مقررات ماده ۱۲ این قرارداد نسبت به سرزمین غیر اصلی و تحت اداره یکی از اعضاء به مورد اجراء گذارده شود عضو مزبور می‌تواند در هر تاریخی بعد از آن با رضایت

سرزمین ذی علاقه اخطاری دایر به رد این قرارداد به طور مجزی در مورد آن سرزمین به دبیرکل تسلیم نماید.

در این صورت اعلام فسخ قرارداد یک سال پس از وصول اخطار از طرف دبیرکل قابل اجرا خواهد بود و دبیرکل وصول اخطار و تاریخ آن را به اطلاع سایر اطراف قرارداد خواهد رساند.

ماده پانزدهم ـ این قرارداد که متون انگلیسی و اسپانیایی و چینی و روسی و فرانسوی آن متساویاً معتبرند در بایگانی دبیرخانه سازمان ملل متحد ضبط خواهد شد.

دبیرکل یک نسخه مصدق از آن جهت ارسال به دول اطراف این قرارداد و همچنین دول عضو سازمان ملل متحد و مؤسسات اختصاصی تابعه آن تهیه خواهد کرد.

بنا به مراتب فوق امضاءکنندگان زیر با اختیار کامل از دول متبوعه خود قرارداد را در تاریخی که مقابل امضای ایشان مندرج است امضاء نموده‌اند.

در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو روز هفتم سپتامبر ۱۹۵۶ تهیه شد.

اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی که مشتمل بر یک مقدمه و پانزده ماده است پس از تصویب مجلس سنا در جلسه یکشنبه سوم اسفندماه یکهزار و سیصد و سی و هفت از طرف مجلس شورای ملی داده شد.

رییس مجلس شورای ملی ـ رضا حکمت

قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان[1]

ماده واحده ـ به دولت اجازه داده می‌شود که به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب کنفرانس مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ برابر با ۲۹ آذر ۱۳۶۷ در ششمین جلسه عمومی، با توجه به بند (۱) «الف» ماده (۲۸) کنوانسیون، مشروط بر آنکه مفاد کنوانسیون در مواردی که با قوانین داخلی و موازین اسلام معارض گردد از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد، ملحق و اسناد آن را مبدله نماید. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب کنفرانس مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ در ششمین جلسه عمومی امضاءکنندگان این کنوانسیون، با نگرانی عمیق از حجم و روند روبه افزایش تولید، تقاضا و قاچاق غیر قانونی مواد مخدر و داروهای روانگردان که تهدیدی جدی برای سلامت و سعادت بشریت به شمار می‌رود و بنیادهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه را به مخاطره می‌افکند.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۴۴ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۶

با نگرانی عمیق از نفوذ دایم التزاید قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان به گروههای مختلف اجتماعی و بویژه به لحاظ استفاده از کودکان در بسیاری از مناطق جهان در بازار مصرف قاچاق مواد مخدر به منظور تولید، توزیع و تجارت مواد مخدر و داروهای روانگردان که خطراتی غیر قابل تقویم را به دنبال دارد.

با درک روابط بین قاچاق مواد مخدر و سایر فعالیتهای سازمان یافته بزهکارانه که نظام اقتصادی را تضعیف و ثبات، امنیت و حاکمیت دولتها را تهدید می‌نماید، همچنین با درک این واقعیت که قاچاق مواد مخدر جرمی بین‌المللی است که ریشه‌کن کردن آن مستلزم توجه فوری و از اولویت درجه یک برخوردار می‌باشد، با آگاهی از اینکه قاچاق مواد مخدر منافع و ثروتهای کلانی را برای سازمانهای جنایتکار برون‌مرزی به دنبال داشته و آنها را قادر می‌سازد تا در ساختار دولتها، فعالیتهای مشروع تجاری و مالی و کلیه سطوح جامعه رخنه نمایند،

با تصمیم برای محروم نمودن دست‌اندرکاران قاچاق مواد مخدر از عواید فعالیتهای بزهکارانه خود و از بین‌بردن انگیزه اصلی آنها برای مبادرت به چنین اقدامات، با تمایل به ریشه‌کن کردن علل ریشه‌ای مسأله سوء استفاده از مواد مخدر و داروهای روانگردان، از جمله تقاضای غیر قانونی برای این گونه مواد و داروها و منافع کلان ناشی از قاچاق این مواد، با توجه به لزوم اتخاذ تدابیری برای کنترل برخی مواد از قبیل مکملها، داروهای شیمیایی و حلالها که در تولید مواد مخدر و داروهای روانگردان کاربرد دارند و دسترسی آسان به آنها به افزایش در تولید پنهانی مواد و داروهای مزبور انجامیده است،

با تصمیم برای تقویت همکاریهای بین‌المللی در ریشه‌کن نمودن قاچاق مواد مخدر از طریق دریا، با درک اینکه مبارزه با قاچاق مواد مخدر مسؤولیت جمعی کلیه دولتها بوده و نیل به این هدف اقدام هماهنگ در چارچوب همکاریهای بین‌المللی را می‌طلبد، با اذعان به صلاحیت سازمان ملل متحد در زمینه کنترل مواد مخدر و داروهای روانگردان و با تمایل به یکپارچه شدن کلیه اقدامات مؤسسات بین‌المللی ذی ربط در چارچوب سازمان مزبور، با تأکید مجدد بر اصول راهگشای موجود در معاهدات ناظر به مواد مخدر و داروهای روانگردان و روش کنترل مذکور در آنها، با درک ضرورت تقویت و تکمیل تدابیر پیش‌بینی شده در «کنوانسیون واحد مربوط به مواد مخدر، مصوب ۱۹۶۱» و پروتکل اصلاحی آن مصوب ۱۹۷۲ و کنوانسیون مربوط به داروهای روانگردان مصوب ۱۹۷۱ به منظور رویارویی با حجم و ابعاد قاچاق مواد مخدر و تبعات وخیم آن،

همچنین با درک اهمیت تشدید و افزایش امکانات قانونی مؤثر برای همکاریهای جهانی در امور کیفری به منظور ریشه‌کن‌نمودن فعالیتهای بزهکارانهٔ بین‌المللی در زمینهٔ قاچاق مواد مخدر، با تمایل به انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی جامع، مؤثر و کارها که مبارزه با قاچاق مواد مخدر را هدف مشخص خود قرار داده و به ابعاد گوناگون مشکل، به خصوص آنها که در معاهدات موجود

ناظر به مواد مخدر و داروهای روانگردان پیش‌بینی نگردیده‌اند، توجه نماید.
بدین وسیله مراتب زیر را مورد موافقت قرار می‌دهند:

ماده ۱ ـ تعاریف: جز در مواردی که صریحاً به گونه‌ای دیگر مقرر گردیده و یا در مواردی که متن، خلاف آن را ایجاب می‌کند، تعاریف زیر نسبت به کل این کنوانسیون اعمال می‌گردند:

الف ـ «هیأت» به معنای هیأت بین‌المللی کنترل مواد مخدر است که به موجب «کنوانسیون واحد درباره مواد مخدر» مصوب ۱۹۶۱ که توسط پروتکل اصلاحی مصوب ۱۹۷۲ اصلاح شده، تشکیل گردیده است.

ب ـ «گیاه شاهدانه» به معنای هرگونه گیاه از دستهٔ شاهدانه می‌باشد.

پ ـ «بوته کوک» به معنای هریک از گونه‌های دستهٔ اری‌تروکسیدون می‌باشد.

ت ـ «متصدی حمل و نقل تجاری» به معنای هر شخص و یا هر واحد دولتی، خصوصی و یا غیره می‌باشد که به منظور دریافت اجرت، کرایه و یا هرگونه منفعت دیگری در امر حمل و نقل افراد، کالاها و یا محموله‌های پستی اشتغال دارد.

ث ـ «کمیسیون» به معنای «کمیسیون مواد مخدر شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد» می‌باشد.

ج ـ «ضبط» که در موارد مقتضی شامل جریمه نیز می‌گردد، به معنای محرومیت دایم از مالکیت به موجب دستور صادره از یک دادگاه و یا مرجع صالح دیگر می‌باشد.

چ ـ «محموله‌های تحت کنترل» به معنای روش تجویز عبور محموله‌های قاچاق و یا مشکوک مواد مخدر و داروهای روانگردان، مواد مشروحه در جدول ۱ و ۲ منضم به این کنوانسیون از مجاورت و یا داخل سرزمین یک و یا چند کشور با اطلاع و تحت نظارت مقامات صالحهٔ آن به منظور شناسایی دست‌اندرکاران ارتکاب جرایم مقرره حسب بند یک ماده ۳ کنوانسیون می‌باشد.

ح ـ «کنوانسیون ۱۹۶۱» به معنای «کنوانسیون واحد مواد مخدر ۱۹۶۱».

خ ـ «کنوانسیون اصلاحی ۱۹۶۱» به معنای کنوانسیون واحد مواد مخدر که به موجب پروتکل ۱۹۷۲ اصلاح شده است.

د ـ «کنوانسیون ۱۹۷۱» به معنای «کنوانسیون داروهای روانگردان ۱۹۷۱».

ذ ـ «شورا» به معنای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد می‌باشد.

ر ـ «انسداد» و یا «توقیف» به معنای ممنوعیت موقت انتقال، تبدیل، واگذاری و یا جابه‌جانمودن مال و یا نگهداری و یا کنترل موقتی مال بر مبنای دستور صادره از دادگاه و یا مرجع صالحه، می‌باشد.

ز ـ «قاچاق» به معنای جرایم مندرجه در بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ این کنوانسیون می‌باشد.

س ـ «مواد مخدر» به معنای هریک از مواد طبیعی و یا ترکیبی مشروحه در جداول ۱ و ۲

کنوانسیون واحد مربوط به مواد مخدر، ۱۹۶۱ و پروتکل اصلاحی آن مصوب ۱۹۷۲ می‌باشد.
ش - «خشخاش» به معنای گیاه نوع پاپاورسومنیفروم - ال است.
ص - «عواید» به معنای کلیه وجوه و اموالی است که به نحوی مستقیم و یا غیر مستقیم از ارتکاب یکی از جرایم مندرج در بند ۱ ماده ۳ ناشی و یا حاصل شده باشد.
ض - «اموال» به معنای هرگونه دارایی مادی و یا معنوی، منقول و یا غیر منقول، محسوس و یا غیر محسوس، اوراق و یا اسناد قانونی دال بر داشتن مالکیت و یا سهم در داراییهای مزبور می‌باشد.
ط - «داروهای روانگردان» به معنای هرگونه ماده طبیعی و یا ترکیبی و یا هرگونه ماده طبیعی مندرج در جداول ۱ و ۲ و ۳ و ۴ کنوانسیون داروهای روانگردان مصوب ۱۹۷۱ می‌باشد.
ظ - «دبیرکل» به معنای دبیرکل سازمان ملل متحد می‌باشد.
ع - «جدول ۱» و «جدول ۲» به معنای لیستهای به ترتیب شماره‌گذارده شده مواد منضم به این کنوانسیون می‌باشد که بعضاً طبق ماده ۱۲ مورد اصلاح قرار گرفته‌اند.
غ - «کشور ترانزیت» به معنای کشوری است که مواد مخدر قاچاق، داروهای روانگردان و مواد مندرج در جدول ۱ و ۲ از داخل آن کشور، که نه مرکز تولید و نه مقصد نهایی آنها می‌باشد، عبور داده می‌شود.

ماده ۲ - حدود کنوانسیون:

۱ - هدف کنوانسیون حاضر عبارت است از بسط همکاری بین اعضای آن به نحوی که آنها بتوانند باکارآیی و اثر بیشتری ابعاد گوناگون قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان را که دارای یک قلمرو بین‌المللی هستند مورد بررسی قرار دهند. اعضای کنوانسیون در مقام اجرای تعهدات خود تدابیر لازم از جمله اقدامات قانونگذاری و اجرایی را در چارچوب مقررات اساسی سیستمهای قانونگذاری داخلی خود معمول خواهند داشت.
۲ - اعضای کنوانسیون تعهدات خود تحت کنوانسیون را به شیوه‌ای هماهنگ با اصول تساوی حاکمیت و تمامیت ارضی دولتها و عدم مداخله در امور داخلی دولتهای دیگر ایفا خواهند نمود.
۳ - هیچ یک از اعضاء، به اعمال صلاحیت و اجرای وظایفی که قانوناً در حیطه اختیارات انحصاری عضو دیگر کنوانسیون قرارداد، مبادرت خواهد نمود.

ماده ۳ - جرایم و مجازاتها:

۱ - هریک از اعضاء، اقدامات ضروری را به منظور تثبیت جرایم کیفری تحت قوانین داخلی خود در صورت ارتکاب عمدی موارد زیر اتخاذ خواهد نمود.
الف - ۱ - تولید، ساخت، تقطیر، تهیه، عرضه، عرضه برای فروش، توزیع، فروش، تحویل طبق هرگونه شرایطی، واسطه‌گری، ارسال به صورت ترانزیت، حمل و نقل، ورود و یا صدور هرگونه

مواد مخدر، یا داروی روانگردان برخلاف مواد مندرج در کنوانسیون ۱۹۶۱ و اصلاحیه آن و یا کنوانسیون ۱۹۷۱.

۲ ـ کشت خشخاش، بوتهٔ کوک و یا گیاه شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر برخلاف مواد مندرج در کنوانسیون ۱۹۶۱ و اصلاحیه آن.

۳ ـ در اختیارداشتن و یا خرید هرگونه ماده مخدر و یا داروی روانگردان به منظور ارتکاب هریک از فعالیتهای مندرج در بند (۱) فوق‌الذکر.

۴ ـ ساخت، حمل و یا توزیع تجهیزات، مواد و یا داروهای مذکور در جدول ۱ و ۲ با علم به اینکه احتمال داد از آنها در امر و یا برای کشت غیر قانونی، تولید و یا ساخت مواد مخدر و یا داروهای روانگردان استفاده گردد.

۵ ـ سازماندهی، مدیریت و یا تأمین بودجه برای ارتکاب هریک از جرایم مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و یا (۴) فوق‌الذکر.

ب ـ ۱ ـ تبدیل و یا انتقال مواد با علم به اینکه اموال مزبور ناشی از ارتکاب جرم و یا جرایم موضوع بند فرعی (الف) این بند بوده و یا مشارکت در جرم و یا جرایم مزبور به منظور اخفاء و یا کتمان اصل نامشروع اموال و یا معاونت با هر شخصی که در ارتکاب چنین جرم و یا جرایمی دست داشته جهت فرار از عواقب قانونی اقدامات خود.

۲ ـ اخفاء و یا کتمان ماهیت واقعی، منبع، محل، واگذاری، جابه‌جایی حقوق مربوط و یا مالکیت اموال مزبور، با علم به اینکه این اموال از جرم و یا جرایم موضوع بند فرعی (الف) این بند و یا مشارکت در انجام چنین جرم و یا جرایمی ناشی گردیده‌اند.

ج ـ مشروط بر اصول و مفاهیم مذکور در قوانین اساسی و یا عادی هریک از اعضاء.

۱ ـ تحصیل، تملک و یا استفاده از اموال مزبور با علم به اینکه این اموال از جرم یا جرایم موضوع بند فرعی (الف) این بند و یا مشارکت در انجام چنین جرم و یا جرایمی ناشی گردیده‌اند.

۲ ـ در اختیار داشتن تجهیزات و یا مواد و یا اشیای مذکور در جدول ۱ و ۲ با علم به اینکه اقلام مزبور به منظور کشت غیر قانونی، تولید و یا ساخت مواد مخدر و یا داروهای روانگردان مورد استفاده قرار گرفته و یا خواهند گرفت.

۳ ـ تشویق و یا ترغیب علنی دیگران به هر وسیله‌ای به منظور ارتکاب هریک از جرایم موضوع این ماده و یا استعمال غیر قانونی مواد مخدر و یا داروهای روانگردان.

۴ ـ شرکت، همکاری و یا تبانی در شروع به جرم و معاونت، مشارکت، تسهیل و تشویق ارتکاب هریک از جرایم موضوع این ماده.

۲ ـ مشروط به اصول و مفاهیم مذکور در قوانین اساسی و عادی خود، هریک از اعضای کنوانسیون تدابیر لازم را به منظور جرم قلمدادکردن عمل در اختیار داشتن، خرید و یا کشت مواد

مخدر و یا داروهای روانگردان برای مصرف شخصی برخلاف مقررات کنوانسیون ۱۹۶۱، اصلاحیهٔ آن و یا کنوانسیون ۱۹۷۱، چنانچه عمداً ارتکاب یافته باشند، معمول خواهد داشت.
۳ ـ علم، قصد و یا منظور مرتکب که به عنوان عنصر تشکیل‌دهندهٔ جرم مشروحه در بند ۱ این ماده مورد نیاز می‌باشد، از شرایط واقعی و عینی قابل کشف و احراز است.
۴ ـ الف ـ هریک از اعضاء، برای ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ این ماده با توجه به شدت و ضعف آنها مجازاتهایی را از قبیل زندان و یا انواع دیگر مجازاتهای سالب آزادی، جریمه‌های نقدی و ضبط اموال مقرر خواهد نمود.
ب ـ علاوه بر محکومیتهای یاد شده، اعضاء همچنین می‌توانند در مورد جرم ثابت شده طبق مفاد بند ۱ این ماده، مقرر دارند که مجرم می‌بایستی پاره‌ای اقدامات دیگر از جمله درمان، آموزش، مراقبتهای بعدی، بازسازی و یا آزادی مشروط را تحمل نماید.
ج ـ صرف نظر از بندهای فرعی سابق‌الذکر، در موارد مقتضی که دارای طبعی خفیف باشد، اعضاء می‌توانند اقداماتی از قبیل آموزش، بازسازی و یا آزادی مشروط در مواردی که مجرم خود معتاد به مواد مخدر می‌باشد، معالجه و مراقبتهای بعدی را جانشین محکومیتها و یا مجازاتهای اصلی نمایند.
د ـ اعضاء می‌توانند یا به عنوان اقدامات تبعی و یا به عنوان کیفرهای تکمیلی علاوه بر محکومیت و یا مجازات جرم احراز شده طبق بند ۲ این ماده، تدابیری را در جهت درمان، آموزش، مراقبتهای بعدی، بازسازی و یا اعادهٔ حیثیت اجتماعی مجرم پیش‌بینی نمایند.
۵ ـ اعضاء مراقبت خواهند نمود که دادگاهها و سایر مراجع صالحه آنها بتوانند کیفیات واقعی مشدده در ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ این ماده را ملحوظ نظر قرار دهند، کیفیاتی از قبیل:
الف ـ دخالت یک گروه سازمان‌یافته بزهکار در جرم که مجرم به آن گروه وابستگی دارد.
ب ـ دخالت مجرم در سایر فعالیتهای مجرمانهٔ سازمان‌یافته بین‌المللی.
ج ـ دخالت مجرم در سایر فعالیتهای غیر قانونی تسهیل شده به واسطه ارتکاب این جرم.
د ـ استفاده از عنف و یا اسلحه توسط مجرم.
هـ ـ این واقعیت که مجرم مأمور دولت بوده و جرم ارتکابی با سمت او در رابطه باشد.
و ـ اغوا و یا استفاده از کودکان.
ز ـ این واقعیت که جرم در یک نهاد جزایی، آموزشی، بنگاه خدمات اجتماعی و یا در مجاورت آنها و یا سایر امکنه‌ایی ارتکاب یافته باشد که دانش‌آموزان به منظور انجام فعالیتهای آموزشی، ورزشی و اجتماعی به آنها مراجعه می‌نمایند.
ح ـ سابقه محکومیت قبلی بویژه برای همان جرایم، اعم از اینکه خارجی باشد و یا داخلی به میزانی که تحت حقوق داخلی هریک از اعضاء اجازه داده شده است.
۶ ـ به منظور حصول اطمینان، اعضاء کوشش خواهند نمود که هرگونه اختیارات قانونی آنها در

رابطه با تعقیب مرتکبین جرایم موضوع این ماده به منظور به حداکثر رسانیدن اثر اقدامات اجرایی قانون در زمینه جرایم مزبور و با توجه کافی به نیاز برای جلوگیری از ارتکاب آنها به اجراء گذاشته شده باشند.

۷ ـ اعضاء مراقبت خواهند نمود که دادگاهها و سایر مراجع صالحه آنها، ماهیت سنگین جرایم مشروحه در بند ۱ و کیفیات مشدده مذکور در بند ۵ این ماده را در هنگام بررسی عواقب آزادی بیش از موعد و یا عفو مرتکبین این قبیل جرایم مد نظر داشته باشند.

۸ ـ هریک از اعضاء در صورت اقتضای تحت حقوق داخلی خود یک دوره مرور زمان طولانی را برای شروع اقدامات قانونی نسبت به هریک از جرایم موضوع بند ۱ این ماده و دوره طولانیتری را، در صورتی که متهم از چنگال عدالت گریخته باشد، مقرر خواهد نمود.

۹ ـ هر عضو تدابیر متناسب و سازگار با سیستم حقوقی خود را برای حصول اطمینان نسبت به این امر اتخاذ خواهد نمود که متهم و یا محکوم به یکی از جرایم موضوع بند ۱ این ماده که در قلمرو سرزمین آن عضو یافت شده است، در جلسات محاکمه حضور داشته باشد.

۱۰ ـ به منظور همکاری بین اعضای این کنوانسیون و از آن جمله خاصه همکاری تحت مواد ۵، ۶، ۷، ۹ جرایم موضوع این ماده به عنوان جرایم مالی و یا سیاسی و یا با انگیزه‌های سیاسی تلقی نخواهند گردید مشروط بر اینکه این همکاری به محدودیتهای مندرج در قانون اساسی و قوانین آمرهٔ داخلی اعضاء لطمه‌ای وارد ننماید.

۱۱ ـ هیچ یک از مندرجات این ماده این اصل را مخدوش نخواهد نمود که حق بیان اوصاف و شرایط بزه‌های مورد اشاره و دفاعیات قانونی در برابر آنها برای قوانین داخلی هریک از اعضاء محفوظ نگهداشته شده و جرایم مزبور در چارچوب آن قوانین مورد تعقیب و مجازات قرار خواهند گرفت.

ماده ۴ ـ صلاحیت

۱ ـ هریک از اعضاء:

الف ـ تدابیر لازم را برای احراز صلاحیت قضایی خود نسبت به جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ اتخاذ خواهد نمود مشروط بر اینکه:

۱ ـ جرم در قلمرو سرزمینی آن ارتکاب یافته باشد.

۲ ـ جرم بر روی عرشهٔ کشتی حامل پرچم عضو و یا هواپیمای ثبت شده به موجب قوانین آن در زمان ارتکاب جرم ارتکاب گردیده باشد.

ب ـ به اقدامات لازم برای احراز صلاحیت قضایی خود نسبت به جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ توسل خواهد جست به شرط آنکه:

۱ ـ جرم توسط یکی از اتباع آن و یا شخصی ارتکاب شده باشد که محل سکونت عادی او در سرزمین آن قرار داشته باشد.

۲ ـ جرم بر روی عرشه کشتی‌ای ارتکاب یافته باشد که در رابطه با آن، عضو مزبور مجاز به اتخاذ اقدام مقتضی طبق ماده ۱۷ بوده، مشروط بر اینکه چنین صلاحیتی فقط بر مبنای موافقتها و ترتیبات مذکور در بندهای ۴ و ۹ آن ماده اعمال گردیده باشد.

۳ ـ جرم ارتکابی در عداد جرایم موضوع بند فرعی (ج) (۴) بند ۱ ماده ۳ بوده و به منظور ارتکاب یکی از بزههای مندرج در بند ۱ ماده ۳ در قلمرو آن عضو در خارج از سرزمین آن ارتکاب گردیده باشد.

۲ ـ هریک از اعضاء:

الف ـ همچنین تدابیر لازم را برای احراز صلاحیت قضایی خود نسبت به جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ اتخاذ خواهد نمود، هنگامی که مجرم ادعایی در قلمرو سرزمینی آن حاضر باشد و آن عضو به یکی از دلایل زیر از استرداد مجرم به عضو دیگر استنکاف می‌ورزد:

۱ ـ جرم در داخل قلمرو آن و یا بر روی عرشه کشتی حامل پرچم و یا هواپیمای ثبت شده تحت قوانین آن در زمان وقوع بزه ارتکاب گردیده باشد و یا،

۲ ـ اینکه جرم توسط یکی از اتباع آن ارتکاب یافته باشد.

ب ـ می‌تواند همچنین اقدامات لازم را برای احراز صلاحیت خود نسبت به جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ معمول نماید در صورتی که مجرم ادعایی در قلمرو سرزمینی او حاضر بوده و عضو مزبور مجرم را به عضو دیگر مسترد نمی‌نماید.

۳ ـ کنوانسیون حاضر مانع اجرای هرگونه صلاحیت جزایی در چارچوب حقوق داخلی هریک از اعضاء نخواهد گردید.

ماده ۵ ـ ۱ ـ هریک از اعضاء تدابیر لازم را برای امکان ضبط اقلام زیر اتخاذ خواهد نمود:

الف ـ عواید حاصله از جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ و یا اموالی که ارزش آنها معادل عواید مزبور باشد.

ب ـ مواد مخدر و داروهای روانگردان، اجناس و تجهیزات و یا سایر ابزاری که به هر شکل ممکن در ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ مورد استفاده قرار گرفته و یا برای چنین استفاده‌ای در نظر گرفته شده‌اند.

۲ ـ هریک از اعضاء همچنین کلیه اقدامات لازم را برای قادرساختن مراجع صالحه خود به تشخیص و رویارویی، انسداد و یا توقیف عواید، اموال، تجهیزات و یا سایر اقلام مذکور در بند ۱ این ماده به منظور ضبط نهایی آن معمول خواهد داشت.

۳ ـ به منظور انجام اقدامات مورد اشاره در این ماده، هریک از اعضاء به محاکم و یا سایر مراجع صالحه خود اجازه خواهد داد تا دستور ارایه و یا ضبط سوابق بانکی، مالی و یا تجاری را صادر نماید. هیچ یک از اعضاء از اقدام تحت مفاد این بند به دلیل حفظ اسرار بانکی امتناع نخواهد ورزید.

۴ ـ الف ـ متعاقب تقاضای انجام شده حسب این ماده توسط عضو دیگر واجد صلاحیت برای رسیدگی به یکی از جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳، عضوی که عواید، اموال، ابزار، یا سایر اقلام مذکور در بند ۱ این ماده در قلمرو سرزمینی او واقع می‌باشد.

۱ ـ تقاضا را به منظور تحصیل دستور ضبط و در صورتی که چنین دستوری صادر شده است، برای به اجرادرآمدن آن، به مراجع صالحه خود تسلیم خواهد نمود، و یا

۲ ـ دستور ضبط صادره توسط عضو متقاضی را طبق بند ۱ این ماده به منظور اجرای آن به میزان تقاضا شده و تا حدودی که دستور به عواید، اموال، ابزار و یا سایر اقلام مذکور در بند ۱ واقع شده در سرزمین طرف مورد تقاضا مربوط می‌گردد، به مراجع ذی صلاح خود تسلیم خواهد نمود.

ب ـ متعاقب تقاضای انجام شده حسب این ماده توسط عضو دیگر واجد صلاحیت رسیدگی به یکی از جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳، عضو مورد تقاضا اقدامات مقتضی را جهت شناسایی، ردیابی و انسداد و یا توقیف عواید، اموال، ابزار و یا سایر اقلام مذکور در بند ۱ این ماده به منظور صدور دستور ضبط نهایی توسط عضو متقاضی و یا عضو مورد تقاضا، طبق درخواست به عمل آمده تحت بند فرعی (الف) این بند، معمول خواهد داشت.

ج ـ تصمیمات و یا اقدامات پیش‌بینی شده در بندهای فرعی (الف) و (ب) این بند توسط عضو مورد تقاضا طبق و در چارچوب مقررات حقوق داخلی و آیین دادرسی خود و یا هرگونه معاهده دوجانبه و یا چندجانبه، قرارداد و یا ترتیباتی که احیاناً در برابر عضو متقاضی نسبت به آنها متعهد و ملزم می‌باشد، معمول خواهد شد.

د ـ مقررات مندرج در بند ۶ تا ۱۹ ماده ۷ با تغییرات ضروری قابل اعمال می‌باشند. علاوه بر اطلاعات مذکور در بند ۱۰ ماده ۷ تقاضاهای انجام شده طبق این ماده مشتمل بر موارد زیر خواهد بود:

۱ ـ در صورتی که تقاضا به بند فرعی (الف) (۱) این بند مربوط گردد، شرحی از اموال مورد نظر برای ضبط و دلایل مورد استناد توسط عضو متقاضی که اقدام توسط عضو مورد تقاضا برای تحصیل دستور ضبط تحت حقوق داخلی خود را توجیه نماید.

۲ ـ در صورتی که تقاضا به بند فرعی (الف) (۲) مربوط می‌گردد، نسخه قانوناً معتبری از دستور ضبط صادره توسط عضو متقاضی که تقاضا بر آن مبتنی است، شرحی از واقعیات و اطلاعات در مورد حدود مورد درخواست برای اجرای دستور مزبور.

۳ ـ در صورتی که تقاضا به بند فرعی (ب) مربوط گردد، شرحی از واقعیات مورد استناد عضو متقاضی و نیز اقدامات مورد تقاضا.

هـ ـ هریک از اعضای متن کلیه قوانین و مقررات خود را که به این بند اعتبار و نفوذ بخشیده و متن کلیه تغییرات بعدی در این قوانین و مقررات را در اختیار دبیرکل خواهد گذاشت.

و ـ چنانچه یکی از اعضاء اتخاذ تدابیر مذکور در بندهای فرعی (الف) و (ب) این بند را مشروط بر وجود معاهده‌ای بداند، طرف مزبور کنوانسیون حاضر را به عنوان مبنا و مستند معاهده‌ای لازم و کافی تلقی خواهد کرد.

ز ـ اعضاء به منظور تقویت اثر همکاری بین‌المللی تحت این ماده در جهت انعقاد معاهدات دوجانبه و چندجانبه، قراردادها و ترتیبات لازم اقدام خواهند نمود.

۵ ـ الف ـ عواید و یا اموال ضبط شده توسط یکی از اعضاء طبق بند ۱ و یا بند ۴ این ماده، توسط آن عضو طبق قوانین داخلی و رویه‌های اجرایی آن به مصرف خواهد رسید.

ب ـ در مقام اقدام نسبت به تقاضای عضو دیگر طبق مفاد این ماده، یک عضو می‌تواند توجه خاص به انعقاد قراردادهایی در رابطه با موارد زیر مبذول دارد:

۱ ـ اختصاص ارزش عواید و اموال و یا وجوه حاصله از فروش عواید و یا اموال مزبور و یا بخش عمده‌ای از آنها به ارگانهای بین‌الدولی متخصص در مبارزه علیه قاچاق و سوء استعمال مواد مخدر و داروهای روانگردان.

۲ ـ تقسیم عواید و یا اموال و یا وجوه حاصله از فروش عواید و یا اموال مزبور با سایر اعضاء بر یک مبنای منظم و یا موقتی طبق حقوق داخلی خود و رویه‌های اجرایی و یا قراردادهای دوجانبه و یا چندجانبه منعقده برای این منظور.

۶ ـ الف ـ چنانچه عواید حاصله به اموال دیگری تبدیل و یا تغییر یافته باشد، اموال مزبور به عوض آن عواید در معرض اقدامات مورد اشاره در این ماده قرار خواهند گرفت.

ب ـ چنانچه عواید حاصله با اموال مکتسبه از منابع مشروع آمیخته گردیده باشد اموال مزبور بدون هیچ‌گونه خدشه‌ای به اختیارات مربوط به توقیف و یا انسداد، به میزان ارزش تقویم شده عواید درهم آمیخته در معرض ضبط خواهد بود.

ج ـ درآمد و یا سایر منابع ناشی از:

۱ ـ عواید،

۲ ـ اموالی که عواید حاصله به آنها تبدیل و یا تغییر یافته‌اند و یا،

۳ ـ اموالی که عواید حاصله با آنها آمیخته گردیده‌اند،

نیز به همان ترتیب و میزان عواید، در معرض اقدامات مشروحه در این ماده خواهند بود.

۷ ـ هریک از اعضاء می‌تواند ترتیباتی فراهم نماید که بار اثبات دلیل در رابطه با منشأ قانونی عواید و یا سایر اموال ادعایی در معرض ضبط، به میزانی که چنین اقداماتی با اصول حقوق داخلی و طبع تشریفات قضایی و غیره آن در انطباق می‌باشد، معکوس گردد.

۸ ـ مقررات این ماده به گونه‌ای تفسیر نخواهد گردید که به حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت لطمه وارد نماید.

۹ ـ هیچ یک از مندرجات این ماده این اصل را مخدوش نخواهد نمود که اقدامات و تدابیر مورد

اشاره می‌بایستی طبق و در چارچوب مقررات حقوق داخلی هریک از اعضاء تحدید و اجرا گردند.

ماده ۶ـ استرداد مجرمین:

۱ ـ این ماده به جرایم موضوعه توسط اعضاء طبق بند ۱ ماده ۳ اعمال خواهد گردید.

۲ ـ هریک از جرایم موضوع این ماده به عنوان جرمی قابل استرداد در کلیه معاهدات استرداد مجرمین که بین اعضاء موجود می‌باشد، مندرج و مضبوط تلقی خواهد شد.

۳ ـ چنانچه عضوی که استرداد مجرمین را منوط و مشروط به وجود معاهده‌ای اعلام نموده، تقاضای استرداد را از ناحیه عضو دیگری که با آن هیچ‌گونه قرارداد استردادی را امضاء ننموده دریافت نماید، عضو مزبور می‌تواند این کنوانسیون را به عنوان مبنای قانونی استرداد مجرم در رابطه با کلیه جرایم مشمول این ماده تلقی نماید. اعضایی که برای استفاده از این کنوانسیون به عنوان مبنای قانونی استرداد مجرمین، وجود قانونی خاصی را لازم می‌دانند، نسبت به تصویب قانون مزبور در حد ضرورت اقدام خواهند نمود.

۴ ـ اعضایی که استرداد مجرمین را منوط و مشروط بر وجود معاهده‌ای نمی‌دانند، جرایم موضوع این ماده را به عنوان جرایم قابل استرداد بین دولتهای خود شناسایی خواهند نمود.

۵ ـ استرداد مجرمین تابع شرایط مقرره در قوانین عضو مورد تقاضا و یا معاهدات قابل اعمال استرداد و از جمله دلایلی خواهد بود که به استناد آنها عضو مورد تقاضا می‌تواند از استرداد مجرم استنکاف ورزد.

۶ ـ در بررسی تقاضاهای واصله به موجب این ماده، دولت مورد تقاضا می‌تواند در صورتی که وجود دلایلی اساسی مراجع قضایی و یا سایر مقامات صالحه آن را متقاعد نماید که اجابت تقاضای مزبور تعقیب و یا مجازات فردی را به لحاظ نژاد، مذهب، تابعیت و یا عقاید سیاسی او تسهیل نموده و یا به جهت هریک از دلایل یا شده لطماتی به شخص مورد تقاضای استرداد وارد می‌نماید، از قبول چنین تقاضایی استنکاف ورزد.

۷ ـ اعضاء کوششهای لازم را برای تسریع در انجام تشریفات استرداد و تسهیل در امر مدارک و مستندات مورد لزوم در رابطه با جرایم مشمول این ماده به عمل خواهد آورد.

۸ ـ مشروط بر مقررات حقوق داخلی و معاهدات استرداد مجرمین خود، عضو مورد تقاضا می‌تواند بنا به درخواست عضو متقاضی و در صورت احراز ضرورت و فوریت اوضاع و احوال، شخص مورد تقاضای استرداد را که در سرزمین او حضور دارد تحت بازداشت قرار داده و یا جهت اطمینان از حضور او در رسیدگیهای قضایی متعاقب استرداد سایر تدابیر مقتضی را اتخاذ کند.

۹ ـ بدون خدشه به اعمال هرگونه صلاحیت کیفری تثبیت شده مطابق حقوق داخلی خود، عضوی که متهم در قلمرو سرزمینی آن دستگیر شده است می‌بایستی:

الف ـ چنانچه از استرداد متهم به ارتکاب یکی از جرایم مقرره حسب بند ۱ ماده ۳ به استناد موجبات مذکور در بند فرعی (الف) بند ۲ ماده ۴ خودداری می‌ورزد، پرونده امر را به منظور تعقیب به مراجع صالحه خود احاله نماید مگر اینکه با عضو متقاضی به شکلی دیگر توافق شده باشد.

ب ـ چنانچه از استرداد متهم در رابطه با این جرم امتناع و صلاحیت خود را طبق بند فرعی (ب) بند ۲ ماده ۴ احراز نموده باشد، پرونده امر را به منظور تعقیب به مراجع صالحه خود تسلیم نماید مگر اینکه عضو متقاضی برای محفوظ نگه‌داشتن صلاحیت قانونی خود به گونه‌ای دیگر تقاضا نموده باشد.

۱۰ ـ چنانچه عضو مورد تقاضا از پذیرش تقاضای استرداد مجرم به منظور اجرای حکم صادره به این دلیل که فرد مورد تقاضا از اتباع آن می‌باشد، استنکاف ورزد، مشروط بر اجازه قوانین داخلی و در چارچوب الزامات قانونی خود بنا به تقاضای عضو متقاضی، اجرای حکم صادره از محاکم عضو متقاضی و یا باقیمانده آن را مورد بررسی قرار خواهد داد.

۱۱ ـ اعضاء نسبت به انعقاد قراردادهای دوجانبه و چندجانبه در جهت تحقق و یا تقویت اثر استرداد مجرمین اقدام خواهد نمود.

۱۲ ـ اعضاء می‌توانند در رابطه با انتقال محکومین به حبس و سایر مجازاتهای سالب آزادی به واسطه بزههای مشمول این ماده به کشور متبوع خود به منظور اتمام دوره محکومیت در آنجا عقد قراردادهای دوجانبه و یا چندجانبه، اعم از موردی و یا عام را مورد توجه قرار دهند.

ماده ۷ ـ معاضدت قضایی:

۱ ـ مطابق مفاد این ماده، اعضاء گسترده‌ترین معاضدت قضایی مشترک را در امر تحقیقات، پیگردها و محاکمات در رابطه با جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ در اختیار یکدیگر قرار خواهند داد.

۲ ـ معاضدت قضایی مورد نظر این ماده می‌تواند برای هریک از مقاصد زیر درخواست گردد:

الف ـ اخذ شهادت و یا توضیحات از اشخاص.

ب ـ ابلاغ اوراق قضایی.

ج ـ انجام عملیات تجسسی و توقیف اموال.

د ـ بازرسی اقلام و اماکن مورد استفاده.

هـ ـ تأمین اطلاعات و اسناد.

و ـ تأمین اصول اسناد و یا نسخ مصدق اوراق، سوابق مربوطه از جمله سوابق بانکی، مالی، شرکتی و یا تجاری.

ز ـ تشخیص منشأ و یا ردیابی عواید، اموال، ابزار و یا اقلام دیگر برای استفاده در مقام اثبات جرایم ارتکابی.

۳ ـ اعضاء می‌توانند کلیه اشکال دیگر معاضدت قضایی راکه در حقوق داخلی عضو مورد تقاضا

مجاز شناخته شده است در اختیار یکدیگر قرار دهند.
۴ ـ به محض وصول تقاضا، اعضاء تا حدودی که با قوانین داخلی و رویه آنها سازگار می‌باشد، حضور و یا قابل دسترس‌بودن شخص از جمله اشخاص تحت بازداشت راکه مایل به همکاری در زمینه‌های تحقیقات و یا شرکت در جلسات دادرسی می‌باشند، تسهیل و یا تشویق خواهد نمود.
۵ ـ هیچ عضوی از تأمین معاضدت قضایی این ماده به استناد حفظ اسرار بانکی امتناع نخواهد ورزید.
۶ ـ مفاد این ماده به تعهدات پذیرفته شده تحت هرگونه معاهده دیگر اعم از دوجانبه و یا چندجانبه، که کلاً و یا بعضاً بر معاضدت قضایی در امور کیفری نظارت دارند، لطمه وارد نخواهد نمود.
۷ ـ در صورتی که اعضای ذی ربط مأخوذ به معاهده‌ای درباره معاضدت قضایی مشترک نباشند، بندهای ۸ تا ۱۹ این ماده به تقاضاهای انجام شده طبق این ماده نظارت خواهند داشت و چنانچه مکلف به اجرای چنین معاهده‌ای باشند، مواد ذی ربط در آن معاهده ناظر به مورد خواهد بود مگر اینکه اعضاء نسبت به اعمال بندهای ۸ تا ۱۹ این ماده به جای آن توافق نمایند.
۸ ـ اعضاء مرجع و در صورت لزوم مراجعی راکه مکلف و مجاز به اجرای تقاضاهای معاضدت قضایی و یا ارجاع آنها به مراجع صالحه می‌باشند، تعیین خواهند نمود و مراتب را بـه اطـلاع دبیرکل خواهند رساند. ارجاع تقاضاهای معاضدت قضایی و هرگونه مکاتبات مربوط به آن بین مراجع تعیین شده توسط اعضاء به عمل خواهد آمد، بدون اینکه این شرط به حق هـریک از اعضاء برای درخواست ارسال تقاضاها و مکاتبات مزبور به آن عضو از طریق مجرای سیاسی و در شرایط فوری و در صورت توافق اعضاء و امکان‌پذیربودن از طریق مجاری سازمان پـلیس کیفری بین‌المللی لطمه‌ای وارد نماید.
۹ ـ تقاضاها به طور کتبی و به زبان مورد قبول برای عضو مورد تقاضا به عمل خواهد آمد. زبان و یا زبانهای مورد قبول هریک از اعضاء به اطلاع دبیرکل خواهد رسید. در شرایط فوری و در صورت توافق طرفین، تقاضا شفاهاً انجام‌گرفته ولی می‌بایستی بلافاصله به صورت کتبی تأیید گردد.
۱۰ ـ تقاضا برای معاضدت قضایی مشتمل خواهد بود بر:
الف ـ هویت مرجع تقاضاکننده.
ب ـ موضوع و ماهیت تحقیق، تعقیب و یا پرونده‌ای که تقاضا به آن مربوط بوده و نام و عنوان مرجع متصدی تحقیق، تعقیب و یا پرونده.
ج ـ خلاصه‌ای از واقعیات امر به استثنای تـقاضاهایی کـه مـوضوع آنـها ابـلاغ اوراق قـضایی می‌باشد.

د ـ شرحی از معاضدت مورد تقاضا و جزییات روش کار خاصی که عضو متقاضی مایل است ملاک عمل قرار گیرد.
هـ ـ هویت، محل و تابعیت هر شخص ذی ربط، در صورت امکان.
و ـ هدف از تقاضای مدارک، اطلاعات و یا اقدام ذیربط.
۱۱ ـ عضو مورد تقاضا می‌تواند برحسب اقتضا اطلاعات دیگری را برای اجرای تقاضا طبق قوانین داخلی خود و یا در صورتی که قادر به تسهیل جریان آن باشد، درخواست نماید.
۱۲ ـ تقاضا در چارچوب قوانین داخلی عضو مورد تقاضا و به میزانی که با قوانین مزبور مغایر نباشد و امکاناً طبق روشهای مشروحه در تقاضا، اجرا خواهد شد.
۱۳ ـ عضو متقاضی اطلاعات و یا مدارک ارایه شده توسط عضو مورد تقاضا را برای تحقیقات، پیگیریها و یا محاکماتی غیر از آنچه که در متن تقاضا مذکور گردیده، مورد استفاده قرار نخواهد داد مگر با اجازهٔ قبلی عضو مورد تقاضا.
۱۴ ـ عضو متقاضی می‌تواند از عضو مورد تقاضا بخواهد که موضوع و محتوای تقاضا را، به جز به میزانی که برای اجرای تقاضا ضرورت دارد، افشا ننماید. چنانچه عضو مورد تقاضا قادر به رعایت حفظ اسرار نباشد، می‌بایستی مراتب را فوراً به متقاضی اعلام نماید.
۱۵ ـ تقاضای معاضدت قضایی ممکن است در موارد زیر رد گردد:
الف ـ چنانچه تقاضا با رعایت مفاد این ماده تنظیم نگردیده باشد.
ب ـ چنانچه عضو مورد تقاضا بر این عقیده باشد که اجرای تقاضا احتمالاً به حق حاکمیت، امنیت، نظم عمومی و یا سایر مصالح عالیه آن لطمه وارد می‌نماید.
ج ـ چنانچه مراجع عضو مورد تقاضا تحت قوانین داخلی خود از مبادرت به اقدام مورد درخواست در رابطه با هر جرم مشابهی که احیاناً در قلمرو سرزمینی خود آنها در معرض تحقیق، تعقیب و یا دادرسی قرار می‌گرفت، ممنوع بوده باشند.
د ـ چنانچه قبول تقاضا با سیستم حقوقی عضو مورد تقاضا در رابطه با معاضدت قضایی مغایر باشد.
۱۶ ـ استنکاف از قبول معاضدت قضایی می‌بایستی مستدل باشد.
۱۷ ـ عضو مورد تقاضا می‌تواند به این دلیل که معاضدت قضایی با تحقیق، تعقیب و یا محاکمهٔ در جریان تداخل می‌نماید، آن را به تأخیر اندازد و در چنین صورتی با عضو متقاضی برای اخذ تصمیم در مورد اعطای معاضدت، مشروط به ضوابط و شرایطی که لازم می‌داند، مشورت خواهد نمود.
۱۸ ـ شاهد، کارشناس و یا شخص دیگری که آمادگی خود را برای ادای شهادت در یک پرونده و یا همکاری در تحقیق، تعقیب و یا رسیدگی قضایی در سرزمین عضو متقاضی اعلام می‌دارد، به لحاظ هیچ گونه فعل، ترک فعل و یا محکومیت خود قبل از ترک سرزمین عضو مورد تقاضا،

مورد تعقیب، بازداشت، مجازات و یا هرگونه محدودیت در آزادی شخصی قرار نخواهد گرفت. این مصونیت در صورتی که شاهد، کارشناس و یا شخص دیگر مورد اشاره از تاریخی که رفع نیاز به حضور توسط مراجع قضایی رسماً به اطلاع او رسیده است، به مدت پانزده روز متوالی و یا هر مدت مورد توافق اعضاء به میل خود همچنان در آن سرزمین باقی مانده و یا در صورت ترک با اراده آزاد به آنجا مراجعت نموده باشد، منتفی خواهد گردید.

۱۹ ـ جز در مواردی که طرفهای ذی ربط به گونه‌ای دیگر توافق نموده باشند، هزینه‌های متعارف اجرای تقاضای استرداد، توسط عضو مورد تقاضا پرداخت خواهد شد. چنانچه اجرای تقاضا متضمن مخارجی عمده و یا فوق‌العاده باشد، اعضاء به منظور تعیین شرایط و ضوابط اجرای تقاضا و نیز ترتیبات پرداخت هزینه‌ها با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

۲۰ ـ اعضاء حسب اقتضا امکان انعقاد قراردادها و یا ترتیبات دوجانبه و یا چندجانبه را که در تأمین اهداف، اجرای عملی و یا تقویت مفاد این ماده مؤثر می‌باشد منعقد خواهند نمود.

ماده ۸ ـ نیابت قضایی:

اعضاء نسبت به امکان احالهٔ امر تعقیب کیفری جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ به صلاحیتهای قضایی یکدیگر عطف توجه خواهند نمود مشروط بر اینکه اعطای چنین نیابتی متضمن اجرای دقیق عدالت تلقی شود.

ماده ۹ ـ طرق دیگر همکاری و آموزش:

۱ ـ به منظور تقویت اثر اقدامات قانونی در جهت ریشه‌کن‌نمودن ارتکاب بزه‌های موضوع بند ۱ ماده ۳، اعضاء در چارچوب سیستمهای حقوقی و اداری داخلی خود با یکدیگر همکاری نزدیک داشته و بر مبنای قراردادها و ترتیبات دوجانبه و یا چندجانبه بویژه نسبت به موارد زیر اقدام خواهند نمود:

الف ـ برقراری و حفظ مجاری ارتباطی بین سازمانها و نهادهای صالحه برای تسهیل مبادله امن و سریع اطلاعات مربوط به کلیه جنبه‌های جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ و از جمله روابط با سایر فعالیتهای بزهکارانه عندالاقتضاء.

ب ـ همکاری با یکدیگر در انجام تحقیقات در رابطه با جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ که از ماهیتی بین‌المللی برخوردارند در رابطه با:

۱ ـ هویت، نشانی تقریبی و فعالیتهای افراد مظنون به دخالت در ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳.

۲ ـ انتقال عواید و یا اموال حاصله از ارتکاب جرایم مزبور.

۳ ـ جابه‌جایی مواد مخدر، داروهای روانگردان، اقلام مذکور در جدول ۱ و ۲ این کنوانسیون و اسباب و لوازمی که در ارتکاب این جرایم مورد استعمال قرار گرفته و یا قصد استفاده از آنها بوده است.

ج - در موارد مقتضی و چنانچه با قوانین داخلی مغایر نباشد، تشکیل گروههای مشترک به منظور اجرای مفاد این بند با توجه به ضرورت حفاظت از افراد و عملیات. مأمورینی که از جانب هریک از اعضاء در گروههای مزبور شرکت می‌نمایند، به عنوان افراد مجاز از طرف مراجع صالحه عضوی که قرار است عملیات در سرزمین آن واقع شود، شناخته خواهند شد. در کلیه چنین مواردی، اعضای ذی ربط مراقبت خواهند نمود که حاکمیت عضوی که قرار است عملیات در سرزمین آن انجام گردد، کاملاً محترم شناخته شود.

د - تأمین مقادیر لازمی از مواد مکشوفه برای تجزیه و تحقیق.

هـ - تسهیل همکاری مؤثر بین سازمانها و نهادهای صالحه آنها و توسعه تبادل مأمورین و سایر کارشناسان از جمله گماردن افسران رابط.

۲ - هریک از اعضاء برای مأمورین اجرا و سایر پرسنل خود، از جمله کارمندان گمرک که مسؤولیت جلوگیری از وقوع جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ را به عهده دارند، دوره‌های آموزشی ویژه‌ای را در حد لازم افتتاح، تکمیل و یا تقویت خواهد نمود. در دوره‌های مزبور عمدةً موضوعات زیر مورد مطالعه قرار خواهند گرفت:

الف - روشهای مورد استفاده در کشف و جلوگیری از جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳.

ب - طرق و تکنیکهای مورد استفاده اشخاص مظنون به شرکت در جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ بویژه در کشورهای ترانزیت و تدابیر متقابل شایسته.

ج - نظارت بر واردات و صادرات مواد مخدر، داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جدول ۱ و ۲.

د - کشف و کنترل جابه‌جایی عواید و اموال حاصله از فروش مواد مخدر و داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جدول ۱ و ۲ و اسباب و لوازم استفاده شده و یا مورد نظر برای استفاده در ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳.

هـ - روشهای مورد استفاده برای انتقال، اخفاء و یا تبدیل عواید، اموال، اسباب و لوازم مزبور.

و - گردآوری ادله.

ز - کنترل روشهای مورد استفاده در مناطق تجارت آزاد و بنادر آزاد.

ح - روشهای جدید اجرای قانون.

۳ - اعضاء در رابطه با برنامه‌ریزی و اجرای دوره‌های تحقیقاتی و آموزشی که به منظور مبادله تخصص در رشته‌های مذکور در بند ۲ این ماده تشکیل می‌گردند، با یکدیگر همیاری نموده و برای نیل به این هدف در موارد مقتضی از کنفرانسها و سمینارهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای بسط همکاری و رایزنی نسبت به مسایل واجد اهمیت مشترک، از جمله مشکلات و نیازهای کشورهای ترانزیت، بهره خواهند گرفت.

ماده ۱۰ ـ تعاون و همکاری بین‌المللی برای کشورهای ترانزیت:

۱ ـ اعضاء برای همکاری و حمایت از کشورهای ترانزیت و بویژه کشورهای در حال پیشرفت که نیازمند چنین همکاری و حمایتی می‌باشند، مستقیماً و یا توسط سازمانهای منطقه‌ای و یا بین‌المللی ذی صلاح از طریق برنامه‌های همکاری فنی در مورد بستن مرز و سایر فعالیتهای مربوطه دیگر، اقدام خواهند نمود.

۲ ـ اعضاء می‌توانند تأمین کمک مالی به این کشورهای ترانزیت را به منظور افزایش و تقویت زیرساخت مورد نیاز جهت کنترل و جلوگیری مؤثر از قاچاق مواد مخدر، مستقیماً و یا توسط سازمانهای منطقه‌ای و یا بین‌المللی ذی صلاح تضمین نمایند.

۳ ـ به منظور تقویت کارایی همکاری بین‌المللی اعضاء می‌توانند قراردادها و یا ترتیبات دوجانبه و یا چندجانبه را تحت این ماده منعقد نموده و ترتیبات مالی لازم را در این زمینه مورد توجه قرار دهند.

ماده ۱۱ ـ محموله‌های تحت کنترل:

۱ ـ در صورتی که اصول اساسی سیستمهای حقوق داخلی تجویز نمایند، اعضاء تدابیر لازم را در حدود امکانات خود برای امکان استفاده مناسب از محموله‌های تحت کنترل در سطح بین‌المللی بر مبنای قراردادها و ترتیبات مرضی‌الاطراف، به منظور شناسایی دست‌اندرکاران جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ و انجام اقدامات قانونی علیه آنها، اتخاذ خواهند نمود.

۲ ـ تصمیمات برای استفاده از محموله‌های تحت کنترل به طور موردی اتخاذ شده و در صورت لزوم ترتیبات و تفاهمات مالی را در رابطه با اعمال صلاحیت توسط اعضای ذی ربط مطمح نظر قرار خواهد داد.

۳ ـ محموله‌های قاچاق که اعمال کنترل و نظارت بر آنها مورد توافق قرار گرفته است، ممکن است با موافقت اعضای ذی ربط بازداشت گردیده و بدون آنکه در مواد مخدر و یا داروهای روانگردان موجود در آنها دخل و تصرفی شده باشد، به آنها اجازه ادامه عبور داده شود و یا آنکه مواد مزبور از آن کلاً و یا بعضاً منتقل و یا جایگزین گردند.

ماده ۱۲ ـ موادی که غالباً در ساخت غیر قانونی مواد مخدر و یا داروهای روانگردان استعمال می‌گردند:

۱ ـ اعضاء برای جلوگیری از تبدیل مواد مذکور در جدول ۱ و ۲ که به منظور ساخت غیر قانونی مواد مخدر، داروهای روانگردان مورد استفاده قرار گرفته‌اند، تدابیر شایسته را اتخاذ و با یکدیگر برای نیل به این هدف همکاری خواهند نمود.

۲ ـ در صورتی که عضوی و یا «هیأت» براساس اطلاعات خود معتقد به لزوم گنجانیدن ماده‌ای در جدول ۱ و یا ۲ باشد، مراتب را به اطلاع دبیرکل رسانیده و اطلاعات خود را در جهت تأیید این اقدام در اختیار وی قرار خواهد داد.

روش موصوف در بندهای ۲ تا ۷ این ماده همچنین در موردی که یکی از اعضاء و یا هیأت اطلاعاتی داشته باشد که حذف ماده‌ای را از جدول ۱ و یا ۲ و یا انتقال آن را به جدول دیگر توجیه نماید، اعمال خواهد گردید.

۳ ـ دبیرکل اطلاعیه مزبور و نیز هرگونه اطلاعاتی راکه مربوط تشخیص می‌دهد، به اعضاء کمیسیون، و چنانچه اطلاعیه توسط عضوی داده شده باشد، به هیأت منعکس خواهد نمود. اعضاء نظرات خود درباره اطلاعیه را همراه باکلیه اطلاعات تکمیلی که ممکن است به هیأت در احراز یک ارزیابی و به کمیسیون در نیل به یک تصمیم کمک نماید، به دبیرکل اعلام خواهند کرد.

۴ ـ چنانچه هیأت با توجه به میزان، اهمیت و تنوع موارد استفادهٔ مشروع و مجاز از ماده و احتمال سهولت استعمال مواد جایگزین هم برای مقاصد مشروع و هم در جهت ساخت غیر قانونی مواد مخدر و یا داروهای روانگردان، احراز نماید که:

الف ـ ماده مزبور غالباً در ساخت غیر قانونی یک ماده مخدر و یا داروی روانگردان مورد استفاده واقع می‌شود.

ب ـ حجم و میزان ساخت غیر قانونی یک ماده مخدر و یا داروی روانگردان موجب بروز آنچنان مشکلات جدی اجتماعی و یا بهداشتی می‌گردد که اتخاذ یک اقدام بین‌المللی را ایجاب می‌کند، می‌بایستی ارزیابی از ماده از جمله اثر احتمالی افزودن آن به هریک از اقلام مذکور در جدول ۱ و ۲ را همراه با تدابیر ارشادی که با توجه به ارزیابی به عمل آمده متناسب و مقتضی می‌باشد، به کمیسیون اعلام نماید.

۵ ـ کمیسیون می‌تواند با توجه به نظریات ارایه شده توسط اعضاء و دیدگاهها و توصیه‌های هیأت که ارزیابی آن در مورد مسایل علمی، تعیین‌کننده و قطعی می‌باشد و نیز با توجه کافی به سایر عوامل ذی ربط، با اکثریت دوسوم اعضای خود ماده‌ای را در هریک از جداول ۱ و یا ۲ قرار دهد.

۶ ـ کلیه تصمیمات کمیسیون که براساس این ماده اتخاذ گردیده‌اند، توسط دبیرکل به کلیه دولتها، هیأت و نیز مؤسساتی که می‌توانند به عضویت کنوانسیون حاضر درآیند، ابلاغ خواهد گردید. تصمیمات مزبور ظرف ۱۸۰ روز پس از ابلاغ نسبت به هریک از اعضاء کاملاً لازم‌الاجراء خواهد بود.

۷ ـ الف ـ تصمیمات متخذه توسط کمیسیون تحت این ماده، طبق تقاضای هریک از اعضاء که ظرف ۱۸۰ روز پس از تاریخ ابلاغ تصمیم ثبت شده باشد، قابل تجدید نظر توسط شورا خواهد بود. تقاضای تجدید نظر همراه باکلیه اطلاعاتی که تقاضا بر آنها مبنی می‌باشد، جهت دبیرکل ارسال خواهد گردید.

ب ـ دبیرکل نسخه‌هایی از تقاضای تجدید نظر و اطلاعات مربوطه را برای کمیسیون، هیأت و

کلیه اعضاء ارسال و از آنها دعوت می‌نماید، نظرات خود را ظرف نود روز تسلیم کنند. کلیه نظرات واصله جهت بررسی به شورا منعکس خواهد گردید.
ج ـ شورا می‌تواند تصمیم کمیسیون را تأیید و یا نقض نماید. اطلاعیه تصمیم شورا به کلیه دولتها و سازمانهایی که عضو این کنوانسیون بوده و یا خواهند گردید و نیز به کمیسیون و هیأت ابلاغ خواهد شد.
۸ ـ الف ـ بدون اینکه به عموم و اطلاق مفاد مندرج در بند ۱ این ماده و مقررات کنوانسیون ۱۹۶۱، کنوانسیون اصلاح شده ۱۹۶۱ و نیز کنوانسیون ۱۹۷۱ خدشه‌ای وارد گردد، اعضاء اقدامات و تدابیر مقتضی را برای نظارت بر تولید و توزیع مواد مشروحه در جداول ۱ و ۲ که در محدوده سرزمین ایشان اجرا می‌گردد، معمول خواهند نمود.
ب ـ برای نیل به این هدف، اعضاء می‌توانند:
۱ ـ کلیه افراد و شرکتهای فعال در ساخت و توزیع مواد مزبور راکنترل نمایند.
۲ ـ تأسیسات و امکنهٔ محل ساخت و یا توزیع مواد یاد شده را با داشتن اجازه کنترل کنند.
۳ ـ مقرر دارند که دارندگان پروانه برای اجرای فعالیتهای یاد شده مجوز دریافت دارند.
۴ ـ از تراکم چنین موادی در اختیار تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان مازاد بر مقادیر مورد نیاز برای جریان متعارف کار و شرایط حاکم بازار جلوگیری نمایند.
۹ ـ هریک از اعضاء در رابطه با مواد مذکور در جداول ۱ و ۲ اقدامات زیر را معمول خواهد داشت:
الف ـ ایجاد و حفظ سیستمی برای کنترل تجارت بین‌المللی مواد مذکور در جداول ۱ و ۲ به منظور تسهیل شناسایی معاملات مشکوک، سیستم کنترلی مزبور با همکاری نزدیک با سازندگان، واردکنندگان، صادرکنندگان، عمده‌فروشان و خرده‌فروشان که مراجع صالحه را در جریان سفارشات و معاملات مشکوک قرار خواهند داد، عمل خواهند نمود.
ب ـ فراهم‌نمودن امکان برای ضبط هریک از مواد مشروحه در جداول ۱ و ۲ در صورتی که ادله کافی بر استفاده از آنها در تولید غیر قانونی مواد مخدر و یا داروهای روانگردان وجود داشته باشد.
ج ـ مطلع‌نمودن هرچه زودتر مقامات و مراجع ذی صلاح اعضای ذی ربط، چنانچه دلیلی بر این اعتقاد وجود داشته باشد که ورود، صدور و یا عبور یکی از مواد مذکور در جداول ۱ و ۲ به منظور ساخت غیر قانونی مواد مخدر و یا داروهای روانگردان صورت می‌گیرد از جمله بویژه ارایه اطلاعات راجع به منابع پرداخت و سایر مسایل اساسی دیگری که به اعتقاد مزبور منتهی گردیده باشد.
د ـ الزام به اینکه واردات و صادرات دقیقاً برچسب خورده و همراه با مدارک و اسناد باشند. اسناد بازرگانی از قبیل صورت‌حسابها، اظهارنامه محموله، مدارک گمرکی، حمل و نقل و غیره

می‌بایستی شامل نام مواد وارده و یا صادره به شرحی که در جداول ۱ و ۲ مندرج می‌باشد، مقدار صادرات و یا واردات، نام و نشانی صادرکننده، واردکننده و در صورت امکان دریافت‌کننده باشند.

هـ ـ حصول اطمینان از اینکه اسناد مورد اشاره در بند فرعی (د) این بند برای مدت حداقل دو سال نگهداری گردیده و در زمان بازرسی مقامات ذی صلاح قابل دسترسی می‌باشند.

۱۰ ـ الف ـ علاوه بر مقررات مذکور در بند ۹ و براساس تقاضای طرف ذی نفع از دبیرکل، هریک از اعضاء که قرار است یکی از مواد مذکور در جدول ۱ از قلمرو سرزمین آن صادر گردد، مراقبت خواهد نمود که قبل از صدور، اطلاعات زیر توسط مراجع ذی‌صلاح آن در اختیار مقامات قانونی کشور واردکننده قرار گرفته باشند:

۱ ـ نام و نشانی صادرکننده و واردکننده و در صورت امکان گیرنده.

۲ ـ نام ماده مذکور در جدول ۱.

۳ ـ مقدار ماده‌ای که قرار است صادر شود.

۴ ـ مرز ورودی و تاریخ ارسال پیش‌بینی شده و بالاخره.

۵ ـ هرگونه اطلاعات دیگری که طرفین نسبت به آنها توافق نمایند.

ب ـ هریک از اعضاء می‌تواند در صورت تشخیص مصلحت و ضرورت، تدابیر کنترل‌کننده شدیدتری را در مقایسه با آنچه در این بند مقرر شده است، اتخاذ نماید.

۱۱ ـ هریک از اعضاء که اطلاعاتی را طبق بندهای ۹ و ۱۰ این ماده در اختیار عضو دیگر قرار می‌دهد، می‌تواند شرط نماید که طرف دریافت‌کننده از افشای هرگونه اطلاعات مربوط به اسرار تجاری، معاملاتی، بازرگانی و یا حرفه‌ای و یا جریان تجاری خودداری نماید.

۱۲ ـ هریک از اعضاء هرساله اطلاعاتی را در خصوص موارد زیر مطابق شکل و روش پیش‌بینی شده و بر روی فرمهای مخصوص در اختیار هیأت قرار خواهد داد:

الف ـ مقدار ضبط شده در جداول ۱ و ۲ و منشأ آنها، در صورت معلوم‌بودن.

ب ـ هرگونه ماده غیر مذکور در جداول ۱ و ۲ که استفاده از آن در تولید غیر قانونی مواد مخدر و یا داروهای روانگردان احراز گردیده و به نظر عضو از اهمیت کافی برای جلب توجه هیأت به آن برخوردار می‌باشد.

ج ـ روشهای انحراف و تولید غیر قانونی.

۱۳ ـ هیأت هرساله در رابطه با اجرای این ماده به کمیسیون گزارش نموده و کمیسیون نیز در فواصل زمانی معین کفایت و صحت جداول ۱ و ۲ را مورد بررسی قرار خواهد داد.

۱۴ ـ مفاد این ماده به فرآورده‌های دارویی و نیز به سایر فرآورده‌های مشتمل بر مواد مذکور در جداول ۱ و یا ۲ که به طریقی با یکدیگر ترکیب گردیده‌اند که تجزیه و استفاده آنان از مواد مزبور یا به کمک ابزارهای مربوطه ممکن نمی‌باشد، اعمال نمی‌گردد.

ماده ۱۳ ـ مواد و تجهیزات:
اعضاء کلیه اقدامات شایسته را برای جلوگیری از خرید و فروش و انحراف مواد و تجهیزات به تولید و یا ساخت غیر قانونی مواد مخدر و داروهای روانگردان معمول داشته و برای نیل به این هدف همکاری می‌نمایند.

ماده ۱۴ ـ اقدامات برای ریشه‌کن‌کردن کشت غیر قانونی گیاهان مخدر و از بین بردن تقاضا برای مواد مخدر و داروهای روانگردان:
۱ ـ هرگونه اقدام متخذه براساس این کنوانسیون توسط اعضاء نمی‌بایستی از تدابیر معموله تحت مواد ناظر بر ریشه‌کن‌کردن کشت غیر قانونی گیاهان تخدیرکننده و مؤثر بر اعصاب و نیز مقررات مربوط به از بین بردن تقاضای غیر قانونی برای مواد مخدر و داروهای روانگردان تحت کنوانسیون ۱۹۶۱، کنوانسیون اصلاح شده ۱۹۶۱ و کنوانسیون ۱۹۷۱ خفیفتر باشد.
۲ ـ هریک از اعضاء اقدامات لازم را برای ممنوعیت کشت غیر قانونی و از بین بردن گیاهان تخدیرکننده و یا مؤثر بر اعصاب از قبیل خشخاش، بوته کوک و گیاه شاهدانه که به نحو غیر قانونی در قلمرو سرزمینی کشت می‌گردد، معمول خواهد داشت. اقدامات مزبور حقوق انسانی اساسی افراد را محترم داشته و استفاده‌های مشروع سنتی، چنانچه مدارک تاریخی بر تأیید آن باشد، و نیز حفاظت از محیط زیست را مطمح نظر قرار خواهد داد.
۳ ـ الف ـ اعضاء می‌توانند برای افزایش کارایی تلاشهای خود در رابطه با ریشه‌کن کردن کشت غیر قانونی گیاهان مخدر همکاری نمایند. همکاری مزبور می‌تواند از جمله و عندالاقتضاء حمایت از توسعه یکپارچه روستایی را به منظور تأمین جانشینهای از نظر اقتصادی مؤثر برای کشت غیر قانونی مزبور شامل گردد. عواملی از قبیل دسترسی به بازار، قابلیت حصول منابع و شرایط اجتماعی ـ اقتصادی حاکم می‌بایستی قبل از اجرای این قبیل برنامه‌های توسعه روستایی مورد توجه قرار گیرند. اعضاء همچنین می‌توانند نسبت به هرگونه راههای دیگر همکاری که مناسب تشخیص می‌دهند، توافق کنند.
ب ـ اعضاء همچنین تبادل اطلاعات علمی و فنی و اجرای تحقیقات مربوط به ریشه‌کن‌کردن کشت گیاهان مزبور را تسهیل خواهند نمود.
ج ـ در صورت داشتن مرزهای مشترک، اعضاء همکاریهای لازم را در برنامه‌های ریشه‌کن‌سازی در مناطق تحت حاکمیت خود در طول مرزهای مزبور معمول خواهند داشت.
۴ ـ اعضاء اقدامات شایسته را با هدف از بین بردن و یا کاهش تقاضای غیر قانونی برای مواد مخدر و داروهای روانگردان با توجه به تقلیل ضایعات انسانی و امحاء انگیزه‌های مالی برای قاچاق مواد مخدر به‌کار خواهد برد. اقدامات مزبور از جمله می‌تواند بر توصیه‌های سازمان ملل متحد، سازمانهای تخصصی سازمان ملل از قبیل سازمان بهداشت جهانی و سایر ارگانهای صالح بین‌المللی و نیز بر «اصول جامع انضباطی» مصوب کنفرانس بین‌المللی مربوط به مصرف و

قاچاق مواد مخدر منعقده در ۱۹۸۷ در قسمت ناظر به سازمانهای دولتی و غیر دولتی و تلاشهای خصوصی در زمینه ممنوعیت، معالجه و بازسازی معتادین، مبتنی باشد. اعضاء می‌توانند قراردادها و یا توافقهای دوجانبه و یا چندجانبه را به منظور از بین بردن و یا کاهش تقاضای غیر قانونی برای مواد مخدر و یا داروهای روانگردان منعقد نمایند.

۵ ـ اعضاء همچنین می‌توانند اقدامات لازم را در جهت ریشه‌کن‌کردن سریع و یا استعمال قانونی مواد مخدر، داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جداول ۱ و ۲ که ضبط و یا مصادره گردیده‌اند و نیز قابلیت ارایه مقادیر لازم و مورد تأیید از مواد مزبور را به عنوان مدرک معمول دارند.

ماده ۱۵ ـ متصدیان حمل و نقل تجاری:

۱ ـ اعضاء اقدامات مقتضی را برای حصول اطمینان از عدم استفاده وسایط نقلیه توسط متصدیان حمل و نقل تجاری در جهت ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳، معمول خواهند داشت. اقدامات مزبور می‌توانند شامل انعقاد ترتیبات خاص با متصدیان حمل و نقل گردد.

۲ ـ هریک از اعضاء متصدیان حمل و نقل را ملزم خواهد نمود که اقدامات احتیاطی متعارف را برای ممنوعیت استفاده از وسایل نقلیه خود در جهت ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ به‌کار برند. احتیاطات مزبور ممکن است موارد ذیل را شامل گردد:

الف ـ ارتقاء سطح درستی و صحت عمل پرسنل.

قلمرو سرزمینی عضو قرار دارد.

۱ ـ آموزش پرسنل برای شناسایی محموله‌ها و یا افراد مظنون.

۲ ـ ارتقای سطح درستی و صحت عمل پرسنل.

ب ـ چنانچه متصدی در داخل قلمرو سرزمینی عضو فعالیت می‌نماید.

۱ ـ تسلیم اظهارنامهٔ محموله از قبل و هر موقع که امکان‌پذیر باشد.

۲ ـ استفاده از مهر و مومهای غیر قابل دستکاری و کاملاً مطمئن روی کانتینرها.

۳ ـ گزارش کلیه اوضاع و احوال مشکوکی که احیاناً با ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ مرتبط می‌باشد، به مقامات ذی ربط در اولین فرصت.

۳ ـ هریک از اعضاء اطمینان حاصل خواهد نمود که متصدیان حمل و نقل و مقامات مربوطه در نقاط ورودی و خروجی و سایر مناطق کنترل گمرکی با هدف جلوگیری از دسترسی غیر مجاز به وسایط نقلیه و محموله و اجرای تدابیر حفاظتی مقتضی، با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

ماده ۱۶ ـ اسناد تجاری و برچسب‌زدن صادرات:

۱ ـ هریک از اعضاء مقرر خواهد داشت که صادرات قانونی مواد مخدر و داروهای روانگردان با اسناد و مدارک صحیح انجام گیرد. علاوه بر الزامات مربوط به تهیه اسناد و مدارک تحت ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱، ماده ۳۱ کنوانسیون اصلاحی ۱۹۶۱ و ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۷۱، اسناد تجاری از قبیل صورت‌حسابها، اظهارنامه محموله، اوراق گمرکی، حمل و نقل و غیره شامل نام

مواد مخدر و داروهای روانگردان صادر شده به شرح مندرج در جداول مربوطه در کنوانسیون ۱۹۶۱، کنوانسیون اصلاحی ۱۹۶۱ و کنوانسیون ۱۹۷۱ و نام و نشانی صادرکننده، واردکننده و در صورت امکان گیرنده خواهد بود.

۲ ـ هریک از اعضاء مقرر خواهد نمود که محموله‌های مواد مخدر در داروهای روانگردان صادر شده دارای برچسب نادرست نباشند.

ماده ۱۷ ـ قاچاق مواد مخدر از طریق دریا:

۱ ـ اعضاء برای امحاء قاچاق مواد مخدر از طریق دریا در چارچوب حقوق بین‌الملل دریاها حداکثر همکاری را با یکدیگر معمول خواهند داشت.

۲ ـ هریک از اعضاء که دلایل منطقی برای مظنونیت نسبت به فعالیت یک کشتی حامل پرچم خود و یا بدون پرچم و یا علامت ثبت، در امر قاچاق مواد مخدر در اختیار داشته باشد، می‌تواند از سایر اعضاء در جهت از بین بردن چنین استفاده‌ای استمداد نماید و اعضای مورد تقاضا در حدود امکانات خود همکاری لازم را معمول خواهند داشت.

۳ ـ هریک از اعضاء که دلایل منطقی برای مظنونیت نسبت به فعالیت یک کشتی در قاچاق مواد مخدر با استفاده از آزادی کشتیرانی طبق حقوق بین‌الملل و با نصب پرچم و یا علامت ثبت عضو دیگری در اختیار داشته باشد، می‌تواند مراتب را به دولت صاحب پرچم اطلاع داده ثبت کشتی را استعلام نماید و در صورت تأیید ثبت از دولت صاحب پرچم برای اتخاذ تدابیر لازم در رابطه با کشتی مزبور تقاضای مجوز کند.

۴ ـ طبق بند ۳ و یا در چارچوب معاهدات لازم‌الاجراء بین اعضاء و یا حسب هرگونه قرارداد و یا ترتیبی که فی مابین اعضاء توافق گردیده است، دولت صاحب پرچم می‌تواند به دولت متقاضی اجازه دهد که از جمله:

الف ـ وارد کشتی گردد.

ب ـ کشتی را مورد تفتیش قرار دهد.

ج ـ در صورت پیداکردن مدارکی دال بر دخالت در قاچاق مواد مخدر، اقدام مقتضی در رابطه با کشتی، افراد و محموله آن اتخاذ کند.

۵ ـ در صورت اتخاذ اقدام طبق این ماده، اعضای ذی ربط به ضرورت به مخاطره نیفتادن سلامت افراد در دریا، امنیت کشتی و یا محموله و یا عدم لطمه به منافع تجاری و قانونی دولت صاحب پرچم و یا هر دولت ذی نفع دیگر توجه کافی مبذول خواهند داشت.

۶ ـ دولت صاحب پرچم می‌تواند در جهت تعهدات خود به شرح مندرج در بند ۱ ماده حاضر اجازه خود را به شرایطی که بین آن دولت و عضو متقاضی مورد توافق قرار خواهد گرفت از جمله شرایط مربوط به مسؤولیت، موکول و منوط نماید.

۷ ـ از نظر مفاد بندهای ۳ و ۴ ماده حاضر هریک از اعضاء سریعاً به تقاضای عضو دیگر برای

اخذ تصمیم در مورد مجازبودن کشتی حامل پرچم برای استفاده از آن پرچم و تقاضاهای کسب مجوز حسب بند ۳ پاسخ خواهد داد. هریک از اعضاء در زمان پذیرش عضویت در این کنوانسیون مرجع و یا در صورت لزوم مراجعی را برای دریافت و پاسخگویی به این تقاضاها تعیین نموده و مراتب را از طریق دبیرکل ظرف یک ماه از تاریخ تعیین به اطلاع سایر اعضاء خواهد رسانید.

۸ ـ هریک از اعضاء که طبق مفاد این ماده به اقدامی مبادرت ورزیده است، سریعاً دولت صاحب پرچم مربوطه را از نتایج اقدام خود مطلع خواهند نمود.

۹ ـ اعضاء انعقاد قراردادها و یا ترتیبات دوجانبه و یا منطقه‌ای را برای اجراء و یا ازدیاد کارآیی مفاد این ماده بررسی خواهند نمود.

۱۰ ـ مفاد بند ۴ این ماده فقط توسط کشتیهای جنگی و یا هواپیماهای نظامی و یا سایر کشتیها و یا هواپیمایی که در خدمت دولت و مجاز به اقدام بودن آنها از علایم کاملاً روشن و قابل شناسایی احراز می‌گردد، عملی خواهد شد.

۱۱ ـ در اتخاذ هرگونه اقدام طبق این ماده به ضرورت عدم مداخله و یا خدشه به حقوق و تعهدات و اعمال حاکمیت دولتهای ساحلی مطابق اصول حقوق بین‌المللی دریایی توجه کافی مبذول خواهد گردید.

ماده ۱۸ ـ منطقه‌های آزاد تجاری و بنادر آزاد:

۱ ـ به منظور از بین بردن قاچاق مواد مخدر، داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جداول ۱ و ۲ اعضاء اقداماتی راکه از تدابیر متخذه در سایر بنادر سرزمینی آنها خفیفتر نخواهد بود، در مناطق آزاد تجاری و بنادر آزاد اعمال خواهند نمود.

۲ ـ اعضاء تلاش خواهند نمود تا:

الف ـ حرکت کالاها و اشخاص را در منطقه‌های آزاد تجاری و بنادر آزاد کنترل و نظارت نموده و برای این منظور به مقامات صالحه اجازه خواهند داد تا محموله‌ها و کشتیهای وارده و خارجه از جمله کشتیهای تفریحی و ماهیگیری و نیز هواپیماها و وسایط نقلیه و در صورت اقتضاء خدمه، مسافران و بار آنها را تفتیش نمایند.

ب ـ برای کشف محموله‌های مشکوک به داشتن مواد مخدر، داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جداول ۱ و ۲ که در منطقه‌های آزاد تجاری و بنادر آزاد تردد می‌نمایند، سیستمی را ایجاد و تثبیت نمایند.

پ ـ سیستمهای مراقبتی را در مناطق بندری، باراندازها، فرودگاهها و پاسگاههای مرزی منطقه‌های آزاد تجاری و بنادر آزاد برقرار و تثبیت کنند.

ماده ۱۹ ـ استفاده از پست

۱ ـ اعضاء در چارچوب تعهدات خود تحت کنوانسیونهای اتحادیه پستی جهانی و طبق اصول

اساسی نظامهای حقوقی داخلی خود تدابیری را برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر از طریق پست اتخاذ و با یکدیگر برای نیل به این هدف همکاری خواهند نمود.

۲ ـ تدابیر مذکور در بند ۱ این ماده بویژه متشمل بر مواد زیر می‌باشند:

الف ـ اقدام هماهنگ برای جلوگیری و منع استفاده از پست برای قاچاق مواد مخدر.

ب ـ برقراری و حفظ روشهای کنترل و مراقبت توسط مأموران اجرای قانون به منظور کشف محموله‌های قاچاق مواد مخدر، داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جداول ۱ و ۲ جاسازی شده در مراسلات پستی.

پ ـ تدابیر قانونی برای امکان استفاده از وسایل مقتضی برای تأمین دلیل مورد نیاز برای اقدامات قضایی.

ماده ۲۰ ـ ارایه اطلاعات از طرف اعضاء:

۱ ـ اعضاء از طریق دبیرکل اطلاعاتی را در مورد عملکرد این کنوانسیون در سرزمینهای خود به خصوص نسبت به موارد زیر در اختیار کمیسیون قرار خواهند داد:

الف ـ متن قوانین و مقررات منتشره به منظور اجرای کنوانسیون حاضر.

ب ـ مشخصات موارد قاچاق مواد مخدر واقعه در سرزمین آنها که به نظر ایشان برای افشای جریانات جدید، حجم و کمیت مواد، منابع تأمین‌کننده آنها و یا روشهای مورد استفاده توسط دست‌اندرکاران واجد اهمیت می‌باشد.

۲ ـ اعضاء اطلاعات مزبور را به طریق و در تاریخی که کمیسیون تقاضا می‌نماید، ارایه خواهند نمود.

ماده ۲۱ ـ وظایف کمیسیون:

کمیسیون مجاز می‌باشد که کلیه مسایل مربوطه به اهداف این کنوانسیون و به خصوص موارد زیر را مورد توجه قرار دهد:

الف ـ بررسی عملکرد کنوانسیون بر مبنای اطلاعات ارایه شده توسط اعضاء طبق ماده ۲۰.

ب ـ عرضه پیشنهادات و توصیه‌های کلی بر مبنای اطلاعات واصله از اعضاء.

ت ـ اتخاذ اقدام مناسب نسبت به هرگونه مسأله ارجاع شده توسط هیأت به موجب بند ۱ «ب» ماده ۲۲.

ث ـ اصلاح جداول ۱ و ۲ طبق آیین مذکور در ماده ۱۲.

ج ـ جلب توجه دولتهای غیر عضو به تصمیمات و توصیه‌های خود تحت این کنوانسیون به منظور ترغیب ایشان به اتخاذ اقدام مشابه.

ماده ۲۲ ـ وظایف هیأت:

۱ ـ بدون لطمه به وظایف کمیسیون تحت ماده ۲۱ و وظایف مشترک هیأت و کمیسیون تحت کنوانسیون ۱۹۶۱، کنوانسیون اصلاحی ۱۹۶۱ و کنوانسیون ۱۹۷۱.

الف ـ چنانچه هیأت بر اساس بررسی اطلاعات واصله به خود به دبیرکل و یا به کمیسیون و یا اطلاعاتی که از ارگانهای مختلف سازمان ملل متحد دریافت نموده است، مستدلاً به این نتیجه نایل گردد که اهداف کنوانسیون حاضر در مسایل مربوط به صلاحیت آن تحقق نیافته‌اند، می‌تواند یک و یا چند عضو را برای ارایه اطلاعات ذی ربط دعوت نماید.

ب ـ در رابطه با مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۶.

۱ ـ پس از اقدام به موجب بند فرعی «الف» این ماده هیأت می‌تواند در صورت تشخیص ضرورت از عضو ذی ربط تقاضا نماید تا تدابیر جبران‌کننده‌ای راکه تحت آن شرایط برای اجرای مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۶ لازم به نظر می‌رسد، اتخاذ کند.

۲ ـ هیأت قبل از اقدام به موجب بند ۳ ذیل مکاتبات خود با عضو ذی ربط تحت بندهای فرعی قبلی را محرمانه تلقی خواهد نمود.

۳ ـ چنانچه هیأت احراز نماید که عضو ذی ربط تدابیر جبرانی مورد تقاضا به موجب این بند فرعی را اتخاذ ننموده است، می‌تواند نظر اعضاء شورا و کمیسیون را به موضوع جلب نماید.

هرگونه گزارش منتشره توسط هیأت تحت این بند فرعی همچنین مشتمل بر نظریات عضو ذی ربط خواهد بود، مشروط بر اینکه عضو مزبور چنین تقاضا نموده باشد.

۲ ـ از هریک از اعضاء دعوت خواهد شد تا نماینده‌ای را به جلسه هیأت که قرار است به منظور بررسی مسأله‌ای که برای آنها دارای اهمیت مستقیم می‌باشد تشکیل گردد، اعزام دارند.

۳ ـ چنانچه تصمیم هیأت تحت این ماده به اتفاق آراء اتخاذ نشده باشد، نظرات اقلیت ذکر خواهد گردید.

۴ ـ تصمیمات هیأت تحت این ماده با اکثریت دوسوم کلیه اعضای هیأت اتخاذ خواهد گردید.

۵ ـ هیأت در مقام اجرای وظایف خود طبق بند فرعی ۱ «الف» این ماده جنبه محرمانه کلیه اطلاعاتی راکه در اختیار آن قرار خواهد گرفت، حفظ خواهد نمود.

۶ ـ وظیفه هیأت تحت این ماده به اجرای معاهدات و یا قراردادهای منعقده فی مابین اعضاء طبق مقررات کنوانسیون حاضر، ناظر نخواهد بود.

۷ ـ مفاد این ماده به اختلافات فی مابین اعضاء در چارچوب ماده ۳۲ قابل اعمال نخواهد بود.

ماده ۲۳ ـ گزارشهای هیأت:

۱ ـ هیأت هرساله گزارشی را در مورد فعالیتهای خود مشتمل بر تجزیه و تحلیل اطلاعات ارایه شده و در موارد مقتضی توضیحات تسلیم شده توسط اعضاء همراه با نقطه‌نظرات و توصیه‌هایی که خود مایل به اظهار آنها می‌باشد، تنظیم خواهد نمود.

هیأت می‌تواند عنداللزوم گزارشهای تکمیلی نیز صادر نماید. گزارشهای مزبور از طریق کمیسیون و همراه با نظراتی که کمیسیون مناسب تشخیص می‌دهد، به شورا تسلیم خواهد گردید.

۲ ـ گزارشهای هیأت به اطلاع اعضاء رسیده و سپس توسط دبیرکل انتشار خواهد یافت. اعضاء توزیع نامحدود گزارشهای مزبور را اجازه خواهند داد.

ماده ۲۴ ـ اعمال تدابیر شدیدتر از آنچه در این کنوانسیون مقرر گردیده است هریک از اعضاء می‌تواند تدابیر شدیدتر و سنگینتری از آنچه که در کنوانسیون حاضر پیش‌بینی شده است را در صورت اعتقاد به اینکه اقدامات مزبور برای جلوگیری و ریشه‌کن‌کردن قاچاق مواد مخدر مطلوب و یا ضروری می‌باشند، به اجراء گذارد.

ماده ۲۵ ـ عدم خدشه به حقوق و تعهدات ناشی از عهدنامه‌های قبلی مقررات این کنوانسیون به هیچ وجه به حقوق و تعهدات اعضاء که از کنوانسیون ۱۹۶۱، کنوانسیون اصلاح شده ۱۹۶۱ و کنوانسیون ۱۹۷۱ ناشی گردیده است، خدشه‌ای وارد نخواهد نمود.

ماده ۲۶ ـ امضاء:

کنوانسیون حاضر از تاریخ بیستم دسامبر ۱۹۸۸ لغایت بیست و هشتم فوریه ۱۹۸۹ در دفتر سازمان ملل متحد در وین و پس از آن تا تاریخ بیستم دسامبر در مقر اصلی سازمان ملل متحد در نیویورک جهت امضای:

الف ـ کلیه دولتها.

ب ـ نامیبیا نمایندگی شده توسط شورای سازمان ملل متحد برای نامیبیا.

پ ـ سازمانهای منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی که برای مذاکره، انعقاد و اجرای قراردادهای بین‌المللی در موضوعات مشمول این کنوانسیون صلاحیت دارند، مفتوح خواهد بود.

اشارات کنوانسیون حاضر به اعضاء، دولتها و یا خدمات ملی به سازمانهای اخیرالذکر در چارچوب صلاحیتهایشان ناظر خواهد بود.

ماده ۲۷ ـ تصویب، قبول، تأیید و یا عمل حاکی از پذیرش رسمی:

۱ ـ کنوانسیون حاضر توسط دولتها و نامیبیا و نمایندگی از طرف شورای سازمان ملل متحد برای نامیبیا قابل تصویب، قبول، تأیید و توسط سازمانهای منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی مذکور در بند فرعی «ب» ماده ۲۶ قابل پذیرش عملی و رسمی می‌باشد. اسناد تصویب، قبول و یا تأیید و اوراق مربوط به اقدامات حاکی از پذیرش رسمی نزد دبیرکل تودیع خواهند گردید.

۲ ـ سازمانهای منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی در اسناد حاکی از پذیرش رسمی خود حدود اختیارات و صلاحیت خود در رابطه با موضوعات مشمول این کنوانسیون را اعلام خواهند نمود.

سازمانهای مزبور همچنین دبیرکل را در جریان هرگونه تغییر در حدود اختیارات و صلاحیت خود در رابطه با مسایل مشمول کنوانسیون قرار خواهند داد.

ماده ۲۸ ـ الحاق:

۱ ـ این کنوانسیون برای الحاق از جانب هر دولت، نامیبیا نمایندگی شده از طرف شورای سازمان

ملل متحد برای نامیبیا و سازمانهای منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی مندرج در بند فرعی «ب» ماده ۲۶ مفتوح خواهد بود.

الحاق یا تودیع سند الحاق نزد دبیرکل عملی خواهد گردید.

۲ ـ سازمانهای منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی در اسناد الحاق خود حدود اختیارات و صلاحیت خود در رابطه با موضوعات مشمول این کنوانسیون را اعلام داشته و نیز دبیرکل را از هرگونه تغییر در حدود اختیارات مزبور در رابطه با مسایل یاد شده مطلع خواهند کرد.

ماده ۲۹ ـ لازم‌الاجراءگردیدن:

۱ ـ کنوانسیون حاضر در نوزدهمین روز پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تصویب قبول، تأیید و یا الحاق توسط دولتها و یا نامیبیا، نمایندگی شده توسط شورای سازمان ملل برای نامیبیا لازم‌الاجراء خواهد گردید.

۲ ـ کنوانسیون حاضر نسبت به هریک از دولتها، نامیبیا نمایندگی شده از طرف شورای سازمان ملل برای نامیبیا که پس از تودیع بیستمین سند تصویب، قبول، تأیید و یا الحاق کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول، تأیید نموده و یا به آن ملحق گردیده‌اند، در نوزدهمین روز پس از تاریخ تودیع سند تصویب، قبول، تأیید و یا الحاق لازم‌الاجراء خواهد شد.

۳ ـ کنوانسیون حاضر نسبت به هریک از سازمانهای منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی مذکور در بند فرعی «ب» ماده ۲۶ که سند حاکی از اقدام به پذیرش رسمی و یا سند الحاق را تودیع نموده‌اند، در نوزدهمین روز پس از تاریخ تودیع مزبور و یا در تاریخ لازم‌الاجراء گردیدن کنوانسیون طبق بند ۱ این ماده هرکدام که دیرتر باشد، لازم‌الاجراء خواهد شد.

ماده ۳۰ ـ کناره‌گیری:

۱ ـ هریک از اعضاء می‌تواند در هر زمان با ارسال یک اعلامیه کتبی به عنوان دبیرکل از این کنوانسیون کناره‌گیری نماید.

۲ ـ کناره‌گیری مزبور یک سال پس از تاریخ وصول اعلامیه به دبیرکل، نسبت به عضو ذی ربط مؤثر خواهد گردید.

ماده ۳۱ ـ اصلاحات:

۱ ـ هریک از اعضاء می‌تواند اصلاحاتی را به این کنوانسیون پیشنهاد نماید.

متن کلیه اصلاحات مزبور و دلایل آنها توسط پیشنهاددهنده به دبیرکل و از طریق او جهت اعلام نظر نسبت به اصلاح پیشنهادی برای سایر اعضاء ارسال خواهد گردید.

چنانچه پیشنهاد مزبور ظرف مدت ۲۴ ماه پس از انتشار آن توسط هیچ یک از اعضاء مورد مخالفت قرار نگیرد، قبول شده تلقی خواهد گردید. در رابطه با عضوی که سند حاکی از موافقت خود را به التزام و رعایت آن اصلاحیه نزد دبیرکل تودیع نموده است، اصلاحیه پس از نود روز از آن تاریخ لازم‌الاجراء خواهد گردید.

۲ ـ چنانچه اصلاحیه مورد پیشنهاد توسط یکی از اعضاء رد شده باشد، دبیرکل در صورت تقاضای اکثریت با اعضاء مشورت و موضوع را همراه با کلیه نظرات مطروحه توسط طرفین در شورا مطرح می‌نماید و شورا می‌تواند طبق بند ۴ ماده ۶۴ منشور ملل متحد تقاضای تشکیل جلسه کند.
هرگونه اصلاحیه مصوبه در جلسه مزبور در یک پروتکل اصلاحی درج خواهد گردید. موافقت به التزام و رعایت پروتکل مزبور می‌بایستی صریحاً به دبیرکل اعلام گردد.
ماده ۳۲ ـ ۱ ـ در صورت بروز اختلاف بین دو یا چند عضو در رابطه با تفسیر و یا اجرای کنوانسیون حاضر اعضاء به منظور حل و فصل اختلاف از طریق مذاکره، تحقیق، میانجیگری، سازش، داوری، توسل به سازمانهای منطقه‌ای اقدام قضایی و یا سایر طرق دوستانه که مایل باشند، رایزنی خواهند نمود.
۲ ـ هر اختلافی که به طریقه مذکور در بند ۱ این ماده قابل حل و فصل نباشد، به تقاضای یکی از دولتهای طرف اختلاف برای اخذ تصمیم به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع خواهد شد.
۳ ـ چنانچه یکی از سازمانهای منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی مذکور در بند فرعی «ب» ماده ۲۶ طرف اختلافی باشد که به طریقه مذکور در بند ۱ این ماده قابل رفع نباشد، سازمان مزبور می‌تواند از مجرای یکی از دولتهای عضو سازمان ملل متحد از شورا تقاضا کند که طبق ماده ۶۵ اساسنامه دیوان نظر مشورتی دیوان دادگستری بین‌المللی را نسبت به مورد استعلام نماید. نظریه مزبور قطعی تلقی خواهد شد.
۴ ـ هر دولت در زمان امضاء، تصویب، قبول و یا تأیید کنوانسیون حاضر و یا الحاق به آن و یا هر سازمان منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی در زمان امضاء و یا تودیع سند حاکی از پذیرش رسمی خود می‌تواند اعلام دارد که خود را به بندهای ۲ و ۳ این ماده ملتزم و متعهد نمی‌داند در چنین صورتی اعضای دیگر نیز در رابطه با عضو مزبور به مفاد بندهای ۲ و ۳ مکلف و مأخوذ نخواهند بود.
۵ ـ هریک از اعضاء که طبق بند ۴ این ماده اعلامی نموده باشد، می‌تواند با اعلام رسمی به دبیرکل از اعلام مزبور انصراف نماید.

ماده ۳۳ ـ متون معتبر

متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی این کنوانسیون از اعتبار واحدی برخوردارند.

ماده ۳۴ ـ مرجع امانت‌دار

مرجع امانتدار این کنوانسیون دبیرکل خواهد بود.
در تأیید و تسجیل مراتب، امضاءکنندگان زیر با داشتن اختیارات کامل و قانونی، کنوانسیون حاضر را امضاء نموده‌اند:

این کنوانسیون در شهر وین در یک نسخه اصل در تاریخ (بیستم دسامبر یکهزار و نهصد و هشتاد و هشت) تنظیم شده است.

قطعنامه (۱)
مبادله اطلاعات
کنفرانس سازمان ملل متحد برای تصویب یک کنوانسیون علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان

با جلب توجه به قطعنامه شماره ۳ مصوبه توسط کنفرانس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۱ برای تصویب کنوانسیون واحده مربوط به مواد مخدر که طی آن مراتب اهمیت پیشینه‌های فنی ناظر به قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر موجود در سازمان پلیس جنایی بین‌المللی و استفاده از آنها توسط آن سازمان برای انتشار مشخصات قاچاقچیان مزبور تأکید گردیده بود.

با عنایت به ابزار و طرق ارایه شده توسط سازمان پلیس جنایی بین‌المللی به منظور مبادله به هنگام و مؤثر اطلاعات مربوط به تحقیقات جنایی فی مابین مقامات پلیس در یک سطح جهانی.

توصیه می‌نماید که مقامات پلیس می‌بایستی از پیشینه‌ها و سیستم ارتباطی سازمان پلیس جنایی بین‌المللی برای نیل به اهداف کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان نهایت استفاده ممکن را به عمل آورند.

قطعنامه (۲)
اجرای موقت کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاقچیان مواد مخدر و داروهای روانگردان
کنفرانس سازمان ملل متحد برای تصویب یک کنوانسیون علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان

۱ ـ به دولتها تأکید می‌نماید تا در حدود امکانات خود اقدامات مربوط به تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان را سرعت بخشیده به نحوی که این کنوانسیون در اسرع وقت به مورد اجراء گذاشته شود.

۲ ـ از دولتها دعوت می‌نماید تا در حدود امکانات خود تدابیر پیش‌بینی شده در کنوانسیون را مادام که کنوانسیون نسبت به هرکدام از آنها لازم‌الاجراء نگردیده است، به طور موقت به اجراء گذارند.

۳ ـ از دبیرکل تقاضا می‌نماید تا قطعنامه حاضر را برای شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی ارسال دارد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن کنوانسیون شامل یک مقدمه و سی و چهار ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سوم آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رییس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی

کنوانسیون مواد روانگردان[1]

مقدمه:

اعضای این کنوانسیون،

با ابراز علاقه به سلامت و رفاه نوع بشر،

با توجه به نگرانی نسبت به مشکلات بهداشت همگانی و اجتماعی، ناشی از استعمال نابجای برخی از مواد روانگردان،

با عزم به پیشگیری و مبارزه با استعمال نابجای چنین موادی و قاچاق آن، که استعمال نابجای آن را افزایش می‌دهد.

با توجه به این که اقدامات شدید برای محدود کردن استعمال چنین موادی به مقاصد قانونی ضروری می‌باشد.

با علم به اینکه مصرف مواد روانگردان برای مقاصد پزشکی و علمی ضروری است و موجود بودن آنها برای چنین مقاصدی نبایستی بی جهت محدود شود.

با اعتقاد به این که اقدامات مؤثر بر علیه مصرف نابجای چنین موادی مستلزم همکاری و اقدام همگانی است، با اذعان به صلاحیت سازمان ملل متحد در امر نظارت بر مواد روانگردان و ابراز تمایل به این که نهادهای بین المللی ذی ربط باید در چارچوب سازمان مزبور قرار گیرند.

با علم به اینکه یک کنوانسیون بین المللی برای نیل به هدفهای فوق لازم است، به قرار زیر توافق می‌نمایند:

ماده ۱ ـ تعاریف

۱ ـ اصطلاحات زیر در این کنوانسیون، مفاهیم زیر را خواهند داشت مگر در مواردی که به گونه دیگری به صراحت قید شده، و یا محتوای عبارت مفهوم دیگری را برساند:

الف ـ اصطلاح «شورا» یعنی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد.

ب ـ اصطلاح «کمیسیون» یعنی کمیسیون مواد مخدر شورا.

پ ـ اصطلاح «هیأت» یعنی هیأت بین‌المللی نظارت بر مواد مخدر که در کنوانسیون واحده مواد

---

[1] ـ روزنامه رسمی کشور شماره ۱۶۰۵۰ ـ ۱۳۷۹/۱۱/۱۷

مخدر (۱۳۴۰ هجری شمسی برابر با ۱۹۶۱ میلادی) تعیین شده است.
ت ـ اصطلاح «دبیرکل» یعنی دبیر کل سازمان ملل متحد.
ث ـ اصطلاح «مواد روانگردان» یعنی هر ماده اعم از طبیعی یا صنعتی یا هر یک از مواد طبیعی مندرج در فهرستهای شماره (۱)، (۲)، (۳) یا (۴).
ج ـ اصطلاح «ترکیب» یعنی:
۱ ـ هر محلول و یا مخلوط در هر وضعیت فیزیکی که در آن یک یا چند ماده روانگردان وجود داشته باشد.
۲ ـ یک یا چند ماه روانگردان به صورت مقدار (دوز) خوراکی.
چ ـ اصطلاح «فهرست شماره ۱، فهرست شماره ۲، فهرست شماره ۳، فهرست شماره ۴» یعنی فهرستهای مواد روانگرداتی که بر همین قیاس شماره گذاری شده و پیوست این کنوانسیون گردیده و طبق ماده (۲) اصلاح می‌شود.
ح ـ اصطلاحات «ورود» و «صدور» در معنای ضمنی خود به معنی حمل مواد روانگردان از یک کشور به کشور دیگر می‌باشد.
خ ـ اصطلاح ساخت یعنی کلیه فرآیندهایی که بتوان به وسیله آن مواد روانگردان را به دست آورد و این اصطلاح شامل تصفیه و تبدیل یک ماده روانگردان به ماده روانگردان نیز می‌گردد. این اصطلاح همچنین شامل ساخت ترکیباتی به جز آنهایی که در داروخانه‌ها با نسخه ساخته می‌شوند، می‌باشد.
د ـ اصطلاح قاچاق یعنی ساخت و یا هر نوع داد و ستد مواد روانگردان که بر خلاف مفاد این کنوانسیون انجام گیرد.
ذ ـ اصطلاح منطقه یعنی هر قسمت از یک کشور که مطابق ماده ۲۸ به عنوان یک موجودیت مجزا برای اهداف این کنوانسیون بکار می‌رود.
ر ـ اصطلاح ساختمانها یعنی بناها یا هر بخشی از بناها شامل زمین متعلق به آن.

ماده ۲ ـ دامنه نظارت بر مواد روانگردان

۱ ـ چنانچه یک عضو یا سازمان بهداشت جهانی در مورد ماده‌ای که هنوز تحت نظارت بین المللی قرار نگرفته، اطلاعاتی داشته باشد که به نظر او ممکن است لازم باشد این ماده به هر یک از فهرستهای این کنوانسیون اضافه می‌شود مراتب را همراه اطلاعاتی که در تأیید نظر خود دارد به دبیر کل اعلام خواهند نمود. وقتی که یک عضو و یا سازمان بهداشت جهانی اطلاعاتی داشته باشد که انتقال یک ماده را از یک فهرست به فهرست دیگر و یا حذف ماده‌ای فهرستی توجیه نماید، همان روند قبلی اعمال خواهد شد.
۲ ـ دبیرکل، اطلاعیه مزبور را با هر گونه اطلاعاتی که مناسب بداند برای کلیه اعضا و کمیسیون و در مواردی که گزارش را طرف یکی از اعضاء داده شده باشد برای سازمان بهداشت جهانی ارسال

خواهد داشت.

۳ ـ اگر اطلاعات داده شد به وسیله چنین اطلاعیه‌ای تعیین کند که مناسب است ماده‌ای به فهرست شماره (۱) یا شماره (۲) طبق بند (۴) افزوده شود، اعضا در پرتوی اطلاعاتی که در دست دارند امکان اجرای موقت همه اقدامات نظارتی قابل اعمال در مورد مواد مندرج در فهرست شماره (۱) یا در صورت اقتضاء شماره (۲) را در مورد آن ماده بررسی خواهند کرد.

۴ ـ هرگاه سازمان بهداشت جهانی تشخیص دهد:

الف ـ ماده مزبور قدرت ایجاد موارد ذیل را دارد:

اول) ۱ ـ حالت وابستگی (اعتیاد) و

۲ ـ تحریک و یا سست شدن سیستم عصبی مرکزی که منجر به توهم و یا اختلافاتی در کارکرد حرکتی یا افکار یا رفتار یا درک یا خلق و خوی می‌گردد.

دوم) مصرف نابجا و ایجاد اثرات مضر مشابه به گونه‌ای که یک ماده مندرج در فهرستهای شماره ۱ و ۲ و ۳ یا ۴ دارد و

ب ـ چنانچه شواهد کافی وجود داشته باشد که ماده‌ای در حال مصرف نابجا است یا امکان دارد مورد مصرف نابجا قرار گیرد به گونه‌ای ایجاد مشکل اجتماعی یا بهداشت عمومی می‌نماید که ایجاب می‌کند که آن ماده بایستی تحت نظارت بین المللی قرار گیرد.

سازمان بهداشت جهانی ارزیابی یک ماده شال دامنه وسعت مصرف نابجا یا احتمال مصرف نابجا، درجه جدی بودن مشکلات اجتماعی و بهداشت عمومی و میزان سودمندی ماده در درمان پزشکی را همراه با توصیه‌هایی در زمینه اقدامات نظارتی (در صورت وجود) در پرتوی ارزیابی آن مناسب تشخیص داده می‌شود، به کمیسیون اظهار خواهد داشت.

۵ ـ کمیسیون با توجه به مکاتبه سازمان بهداشت جهانی که ارزیابی آن، نقش تعیین کننده‌ای راجع به موضوعات پزشکی و علمی دارد با در نظر گرفتن عوامل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، اداری و سایر عواملی که مربوط تشخیص می‌دهد می‌تواند آن ماه را به فهرستهای شماره ۱، ۲، ۳ یا ۴ اضافه نماید. کمیسیون می‌تواند اطلاعات بیشتری را در مورد ماده مورد نظر از سازمان بهداشت جهانی یا سایر منابع مناسب دریافت دارد.

۶ ـ در هر گاه اطلاعیه‌ای به موجب بند ۱ مربوط به ماده‌ای باشد که قبلاً در یکی از فهرستها منظور شده، سازمان بهداشت جهانی یافته‌های جدید خود، هرگونه ارزیابی جدید در مورد ماده را که طبق بند ۴ ممکن است انجام داده باشد و هر توصیه جدیدی در زمینه اقدامات نظارتی که در پرتو ارزیابی مزبور آن را مناسب می‌داند به کمیسیون اظهار خواهد داشت. کمیسیون با توجه به مکاتبه سازمان بهداشت جهانی به گونه‌ای که به موجب بند ۵ انجام شده و با در نظر گرفتن عوامل موضوع بند مذکور می‌تواند نسبت به انتقال ماده مورد نظر از یک فهرست به فهرست دیگر و یا حذف آن از فهرستها تصمیم بگیرد.

۷ ـ هر تصمیمی که از طرف کمیسیون در اجرای این ماده اتخاذ گردد به وسیله دبیر کل به کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد، کشورهای غیر عضو این کنوانسیون، سازمان بهداشت جهانی و هیأت اطلاع داده خواهد شد. تصمیم مزبور در مورد هر عضوی (۱۸۰) روز پس از تاریخ اطلاعیه مزبور به طور کامل نافذ خواهد شد، مگر در مورد هر عضوی که در ظرف مدت مزبور در خصوص تصمیم اضافه کردن ماده‌ای به یک جدول اطلاعیه کتبی را به دبیر کل ارسال داشته باشد مبنی بر این که به علت وضعیت استثنایی در موقعیتی نیست که بتواند کلیه مفاد کنوانسیون را که در مورد مواد مندرج در آن جدول قابل اجراست در مورد آن ماده اجرا کند. در اطلاعیه مزبور دلایل این اقدام استثنایی بیان خواهد شد. هر کشور عضو با وجود اطلاعیه آن، حداقل اقدامات نظارتی را به شرح زیر اعمال خواهد کرد:

الف ـ عضوی که چنین اطلاعیه‌ای را در خصوص افزودن ماده‌ای به فهرست شماره (۱) که قبلاً تحت نظارت نبوده، داده است در حد امکان اقدامات نظارتی ویژه موضوع ماده (۷) را مدنظر خواهد داشت و در مورد آن ماده به ترتیب زیر عمل خواهد کرد.

اول ـ برای ساخت، تجارت و توزیع، مجوزهایی را به گونه‌ای که در ماده (۸) برای مواد مندرج فهرست شماره (۲) پیش بینی شده، مقرر خواهد کرد.

دوم ـ برای تهیه یا توزیع نسخه‌های پزشکی را به گونه‌ای که در ماده (۹) برای مواد مندرج فهرست شماره (۲) پیش بینی شده، مقرر خواهد کرد.

سوم ـ تعهدات مربوط به صدور و ورود را طبق آنچه که در ماده (۱۲) پیش بینی شده جز در مورد عضو دیگری که چنین اطلاعیه‌ای را برای ماده مورد نظر ارایه داده، رعایت خواهد کرد.

چهارم ـ تعهدات مقرر در ماده (۱۳) برای موادی که در فهرست (۲) آمده است را در خصوص ممنوعیت و محدودیتهای صادرات و واردات رعایت خواهد کرد.

پنجم ـ گزارشات آماری را طبق جزء (الف) بند (۴) ماده (۱۶) به هیأت ارسال خواهد کرد و

ششم ـ اقداماتی را طبق ماده (۲۲)، برای جلوگیری از اعمال خلاف قوانین و مقرراتی که به موجب تعهدات قبلی وضع شده است، اتخاذ خواهد کرد.

ب ـ عضوی که چنین اطلاعیه را در خصوص افزودن ماده‌ای به فهرست شماره (۲) که قبلاً تحت نظارت نبوده، داده است نسبت به آن ماده به ترتیب زیر عمل خواهد کرد:

اول ـ برای ساخت، تجارت و توزیع، مجوزهایی را طبق ماده (۸) مقرر خواهد کرد.

دوم ـ برای تهیه یا توزیع، نسخه‌های پزشکی را طبق ماده (۹) مقرر خواهد کرد.

سوم ـ تعهدات مربوط به صدور و ورود را طبق آنچه در ماده (۱۲) پیش بینی شده جز در مورد عضو دیگری که چنین اطلاعیه‌ای را برای ماده مورد نظر ارائه داده، رعایت خواهد کرد.

چهارم ـ تعهدات مقرر در ماده (۱۳) را در خصوص ممنوعیت و محدودیت صادرات و واردات رعایت خواهد کرد.

پنجم ـ گزارشهای آماری را طبق جزءهای (الف)، (پ) و (ت) بند (۴) ماده (۱۶) به هیأت ارسال خواهد کرد و

ششم ـ اقداماتی را طبق ماده (۲۲) برای جلوگیری از اعمال خلاف قوانین و مقرراتی که به موجب تعهدات قبلی وضع شده است، اتخاذ خواهد نمود.

پ ـ عضوی که چنین اطلاعیه‌ای را در خصوص افزودن ماده‌ای به فهرست شماره (۳) که قبلاً تحت نظارت نبوده، داده است نسبت به آن ماده به ترتیب زیرعمل خواهد کرد:

اول ـ برای ساخت، تجارت و توزیع، مجوزهایی را طبق ماده (۸) مقرر خواهد کرد.

دوم ـ برای تهیه یا توزیع، نسخه‌های پزشکی را طبق ماده (۹) مقرر خواهد کرد.

سوم ـ تعهدات مربوط به صدور را طبق آنچه در ماده (۱۲) پیش بینی شده جز در مورد عضو دیگری که چنین اطلاعیه‌ای را برای ماه مورد نظر ارائه داده، را رعایت خواهد کرد.

چهارم ـ تعهدات مقرر در ماده (۱۳) را در خصوص ممنوعیت و محدودیت صادرات و واردات رعایت خواهد کرد، و

پنجم ـ اقداماتی را طبق ماده (۲۲) برای جلوگیری از اعمال خلاف قوانین و یا مقرراتی که به موجب تعهدات قبلی وضع شده است، اتخاذ خواهد کرد.

ت ـ عضوی که چنین اطلاعیه‌ای را در خصوص افزودن ماده‌ای به فهرست شماره (۴) که قبلاً تحت نظارت نبوده داده است، نسبت به آن ماده به ترتیب زیر عمل خواهد کرد:

اول ـ برای ساخت، تجارت و توزیع مجوزهایی را طبق ماده (۸) مقرر خواهد کرد.

دوم ـ تعهدات مقرر در ماده (۱۳) را در خصوص ممنوعیت و محدودیت صادرات و واردات رعایت خواهد کرد.

سوم ـ اقداماتی را طبق ماده (۲۲) برای جلوگیری از اعمال خلاف قانون و مقرراتی که به موجب تعهدات قبلی وضع شده است، اتخاذ خواهد کرد.

ث ـ عضوی که چنین اطلاعیه‌ای را در مورد انتقال ماده‌ای به فهرستی که تعهدات و نظارت دقیقتری را در نظر گرفته داده است حداقل کلیه مفاد قابل اعمال این کنوانسیون در مورد فهرستی که ماده مزبور از آن منتقل شده را اعمال خواهد کرد.

۸ ـ الف ـ تصمیمات متخذه کمیسیون به موجب این ماده بنا به درخواست هر عضوی که ظرف (۱۸۰) روز از تاریخ دریافت اطلاعیه راجع تصمیم، ارائه شده باشد، مشمول بازنگری شورا قرار خواهد گرفت.

درخواست بازنگری با کلیه اطلاعات مربوط که بر اساس آن بازنگری درخواست شده برای دبیرکل ارسال خواهد شد.

ب ـ دبیر کل رونوشتهای درخواست بازنگری و اطلاعات مربوط را برای کمیسیون و سازمان بهداشت جهانی و کلیه اعضاء ارسال خواهد داشت و از آنها دعوت خواهد کرد که نظرات خود را

ظرف (۹۰) روز ارائه دهند. کلیه نظرات دریافتی برای رسیدگی به شورا تسلیم خواهد شد.

پ ـ شورا می‌تواند تصمیم کمیسیون را تأیید، اصلاح یا لغو نماید. اطلاعیه راجع به تصمیم شورا به کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد، کشورهای غیر عضو این کنوانسیون، کمیسیون، سازمان بهداشت جهانی و هیأت ارسال خواهد شد.

ت ـ تصمیم اولیه کمیسیون در طول مدتی که نظر شورا هنوز اعلام نشده با رعایت بند (۷) به قوت خود باقی خواهد بود.

۹ ـ اعضاء بیشترین تلاش خود را به منظور اعمال اقدامات نظارتی که عملی به نظر می‌رسد در مورد موادی که مشمول این کنوانسیون نیستند ولی ممکن است در ساخت غیر مجاز مواد روانگردان مورد استفاده قرار گیرند به کار خواهند بست.

ماده ۳ ـ مقررات ویژه در ارتباط با نظارت بر ترکیبات:

۱ ـ به جز آنچه در بندهای زیر این ماده مقرر گردیده هر ترکیب، مشمول همان اقدامات نظارتی است که در مورد مواد روانگردان حاوی آن صورت می‌گیرد و اگر ترکیب بیش از یک ماده روانگردان داشته باشد، مشمول اقدامات قابل اجرا در مورد ماده‌ای است که از شدیدترین اقدامات نظارتی در میان مواد مزبور برخوردار است.

۲ ـ اگر ترکیب محتوی ماده روانگردانی به جز آنچه در فهرست شماره (۱) آمده، به نوعی ترکیب شده باشد که خطر مصرف نابجا نداشته باشد و یا خطر آن بسیار جزیی و ناچیز باشد و آن ماده روانگردان را نتوان با روشهای جاری به سهولت در حد مقادیر مناسب برای مصرف نابجا بازیافت کرد. به گونه‌ای که بدین ترتیب ترکیب مذکور ایجاد مشکل اجتماعی و بهداشت عمومی ننماید، در این صورت ترکیب مزبور می‌تواند طبق بند ۳ از برخی اقدامات نظارتی مقرر در این کنوانسیون معاف گردد.

۳ ـ هر گاه عضوی در خصوص یک ترکیب به موجب بند قبلی به نتیجه برسد، می‌تواند تصمیم بگیرد که آن ترکیب را در کشور خود یا یکی از مناطق آن از هر یک از اقدامات نظارتی مقرر در این کنوانسیون یا همه آنها به جز الزامات زیر معاف کند:

الف ـ ماده ۸ (مجوزها) در حدی که نسبت به ساخت اعمال می‌شود.

ب ـ ماده ۱۱ (سوابق) در حدی که نسبت به ترکیبات معاف شده اعمال می‌شود.

ج ـ ماده ۱۳ (ممنوعیت و محدودیتهای مربوط به صدور و ورود).

د ـ ماده ۱۵ (بازرسی) در حدی که نسبت به ساخت اعمال می‌شود.

هـ ـ ماده ۱۶ (گزارشهایی که قرار است اعضا ارائه کنند) در حدی که نسبت به ترکیبات معاف شده اعمال می‌شود، و

و ـ ماده ۲۲ (مقررات کیفری) تا حدی که برای جلوگیری از اعمال خلاف قوانین و مقرراتی که پیرو تعهدات قبلی اتخاذ شده است لازم باشد.

هر عضوی دبیر کل را از تصمیم مزبور، نام، ساخت ترکیب معاف شده واقدامات نظارتی که ترکیب مزبور از آن معاف شده مطلع خواهند نمود. دبیر کل این اطلاعیه را به سایر اعضای سازمان بهداشت جهانی و هیأت ارسال خواهد کرد.

۴ ـ چنانچه عضوی یا سازمان بهداشت جهانی، اطلاعاتی را در مورد ترکیبی که در اجرای بند (۳)معاف شده در اختیار داشته باشد که به نظر او می‌تواند مستلزم لغو تمام و یا بخشی از معافیت باشد، مراتب را به همراه اطلاعات موید اطلاعیه به دبیرکل کتباً اعلام خواهد نمود. دبیرکل اطلاعیه مذکور و هر گونه اطلاعاتی راکه مناسب بداند به اعضای کمیسیون و درمواردی که اطلاعیه از طرف یکی از اعضاء داده شده باشد به سازمان بهداشت جهانی ارسال خواهد داشت. سازمان بهداشت جهانی ارزیابی آن ترکیب از لحاظ موضوعات مندرج در بند (۲) را به همراه توصیه‌هایی در زمینه اقدامات نظارتی که در صورت وجود باید به معافیت آنان خاتمه داد به کمیسیون اظهار خواهند نمود. کمیسیون با توجه به مکاتبه سازمان بهداشت جهانی که ارزیابی آن نقش تعیین کننده‌ای راجع به موضوعات پزشکی و علمی دارد و با در نظر داشتن عوامل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، اداری و سایر عواملی که مربوط تشخیص می‌دهد می‌تواند تصمیم به پایان دادن به معافیت ترکیب مزبور از تمامی اقدامات نظارتی و یا هر کدام از آنها بگیرد. هر گونه تصمیم کمیسیون که به موجب این بند اتخاذ شود، توسط دبیرکل به تمام اعضای سازمان ملل متحد، کشورهای غیرعضو این کنوانسیون، سازمان بهداشت جهانی و هیأت ارسال خواهد شد. کلیه اعضا اقداماتی را جهت پایان دادن به معافیت از اقدامات نظارتی مورد نظر در ظرف ۱۸۰ روز از تاریخ اعلام دبیرکل معمول خواهند داشت.

ماده ۴ ـ سایر مقررات ویژه در ارتباط با دامنهٔ نظارت

در مورد مواد روانگردان به جز مواد مندرج در فهرست شماره ۱ اعضا می‌توانند موارد زیر را مجاز کنند:

الف ـ حمل مقادیر کمی از ترکیبات برای مصرف شخصی به وسیله مسافران بین‌المللی، در هر حال هر عضو مجاز است که اقداماتی را برای قانع ساختن خود به اینکه این ترکیبات به طور قانونی به دست آمده انجام دهد.

ب ـ مصرف چنین موادی در صنایع برای ساخت مواد و یا فرآورده‌های غیر روانگردان، منوط به اعمال اقدامات نظارتی مقرر در این کنوانسیون تا زمانی که مواد روانگردان در وضعیتی قرار گیرد که در عمل قابل مصرف نابجا یا بازیافت نباشد.

ج ـ مصرف چنین موادی منوط به اعمال اقدامات نظارتی مقرر در این کنوانسیون برای گرفتن حیوانات به وسیله افرادی که به طور مشخص اجازه استفاده از این گونه مواد را برای این منظور از مقامات صالح داشته باشند.

ماده ۵ ـ محدودیت مصرف برای مقاصد پزشکی و علمی:

۱ ـ هر عضوی مصرف مواد مندرج در فهرست (۱) را به گونه‌ای که در ماده (۷) پیش بینی شده محدود خواهد نمود.
۲ ـ هر عضو به جز آنچه در ماده (۴) پیش بینی شده با اتخاذ اقداماتی که مناسب تشخیص می‌دهد، ساخت، صدور، ورود، توزیع، موجودی، تجارت و استفاده و مالکیت مواد مندرج در فهرستهای شماره (۲)، (۳) و (۴) را برای مقاصد پزشکی و علمی محدود خواهد نمود.
۳ ـ شایسته است که اعضا اجازه تملک مواد مندرج در فهرستهای شماره ۲ و ۳ و ۴ را جز به موجب مجوز قانونی ندهند.

ماده ۶ ـ تشکیلات اداری ویژه:

شایسته است که هرعضو به منظور اعمال مفاد این کنوانسیون، اداره ویژه‌ای که به موجب مفاد کنوانسیونهای راجع به نظارت بر مواد مخدر ایجاد شده، برخوردار باشد یا با آن همکاری نزدیک داشته باشد.

ماده ۷ ـ مقررات ویژه در ارتباط با مواد مندرج در فهرست شماره (۱):

اعضا در خصوص مواد مندرج در فهرست شماره (۱) موارد زیر را انجام خواهند داد:
الف ـ ممنوعیت کلیه موارد استفاده به جز مصارف علمی و در حد بسیار محدودی برای مقاصد پزشکی به وسیله افراد ذی صلاح درمؤسسات پزشکی و علمی که به طور مستقیم تحت نظارت دولت هستند یا مورد تأیید آن می‌باشند،
ب ـ مقرر کردن مجوز مخصوص قبلی برای ساخت، تجازت، توزیع و مالکیت مواد
پ ـ پیش بینی و نظارت دقیق بر فعالیتها و اعمال موضوع بندهای (الف) و (ب)
ت ـ محدود کردن مقدار تحویلی به فرد ذی صلاح به میزان مورد نیاز برای انجام مقاصد مجاز وی
ث ـ ملزم کردن افرادی که وظایف پزشکی و علمی انجام می‌دهند به نگهداری سوابق راجع به اکتساب مواد و جزییاتی در مورد مصرف آنها، چنین سوابقی باید حداقل برای مدت ۲ سال پس از آخرین مورد مصرف ثبت شده در سوابق نگهداری شود، و
ج ـ ممنوعیت ورود و صدور مواد به جز زمانی که هم صادرکننده و هم واردکننده، به ترتیب مؤسسات یا مقامات صالح کشور یا منطقه صادرکننده و واردکننده یا سایر افراد و یا مؤسساتی باشندکه به طور مشخص به وسیله مقامات صالح کشور و یا منطقه خود بدین منظور مجاز شده باشند. الزامات بند (۱) ماده (۱۲) برای مجوزهای صدور ورود مواد مندرج در فهرست شماره (۲) در مورد فهرست شماره (۱) نیز اعمال خواهد شد.

ماده ۸ ـ مجوزها:

۱ ـ اعضا برای ساخت، تجارت (شامل صادرات و واردات) و توزیع مواد مندرج در فهرستهای شماره (۲)، (۳) و (۴) مجوز یا سایر اقدامات نظارتی مشابه را مقرر خواهند کرد.

۲ ـ اعضا موارد زیر را انجام خواهند داد:
الف ـ نظارت بر کلیه افراد و مؤسسات مجازی که به ساخت تجارت (شامل صادرات و واردات) یا توزیع مواد موضوع بند (۱) اشتغال دارند.
ب ـ نظارت بر تأسیسات و ساختمانهایی که ممکن است در آنها ساخت، تجارت یا توزیع صورت گیرد به موجب مجوز یا اقدام نظارتی مشابه دیگر و
پ ـ تأمین اقدامات امنیتی در ارتباط با تأسیسات یا ساختمانهای مزبور به منظور جلوگیری از سرقت یا هر گونه اقدام انحرافی در موجودی.
۳ ـ اعمال مفاد بندهای (۱) و (۲) این ماده که مربوط به مجوز یا سایر اقدامات نظارتی مشابه می‌باشد در مورد افراد ذی صلاحی که مجاز به انجام وظایف درمانی یا علمی بوده و در حال انجام وظایف مزبور هستند لزومی ندارد.
۴ ـ اعضا مقرر خواهند کرد که تمامی افرادی که مجوزهایی را طبق این کنوانسیون اخذ می‌کنند یا به هر گونه دیگری به موجب بند (۱) این ماده یا بند (ب) ماده (۷) مجاز شناخته می‌شوند باید واجد شرایط لازم برای اجرای مؤثر و صحیح مفاد قوانین و مقرراتی که طبق این کنوانسیون به تصویب می‌رسند، باشند.

ماده ۹ ـ نسخه‌های پزشکی

۱ ـ اعضا مقرر خواهند نمود که تهیه یا توزیع مواد مندرج در فهرستهای شماره ۲ و ۳ و ۴ برای مصرف افراد فقط طبق نسخه پزشکی انجام گردد. مگر در مواردی که افراد در اجرای وظایف درمانی یا علمی مجاز بتوانند چنین موادی را به طور قانونی دریافت، مصرف یا توزیع کنند یا به کار برند.
۲ ـ اعضا به منظور حصول اطمینان از اینکه نسخه‌هایی که برای مواد مندرج فهرستهای شماره (۲) (۳) و (۴) صادر می‌شود طبق موازین صحیح پزشکی و با رعایت مقررات مزبور بویژه از نظر تعداد دفعاتی که نسخه باید تکرار شود و مدت اعتبار آنها می‌باشد به گونه‌ای که رفاه و بهداشت عمومی حفظ خواهد شد، اقداماتی را اتخاذ خواهند کرد.
۳ ـ هر عضو با وجود بند (۱) می‌تواند در صورتی که به نظر او شرایط محلی ایجاب کند و تحت شرایط مزبور از جمله نگاهداری سوابق به گونه‌ای که ممکن است معین کند، به داروسازان و یا دیگر توزیع کنندگان جزء دارای مجوز که از طرف مقامات مسؤول بهداشت عمومی کشور یا منطقه‌ای از کشور تعیین شده باشند، اجازه دهد که در موارد استثنایی به تشخیص خود و بدون نسخه برای مقاصد پزشکی، مواد مندرج در فهرستهای شماره (۳) و (۴) را به مقدار کم تا حدودی که اعضا تعیین خواهند کرد در اختیار افراد قرار دهند.

ماده ۱۰ ـ هشدار روی بسته‌ها و آگهی:

۱ ـ هر عضو با توجه به هر گونه مقررات مربوط یا توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی مقرر

خواهد کرد که دستورالعملهایی در زمینه مصرف از جمله مواد احتیاط و هشدارهایی در زمینه مصرف مواد که به نظر وی برای ایمنی مصرف کننده ضرورت دارد در موارد علمی بر روی برچسب و در هر موردی روی جزوه‌ای که به همراه بسته‌های خرده فروشی مواد روانگردان وجود دارد، مشخص گردد.

۲ ـ هر عضو با توجه لازم به مفاد قانون اساسی خود تبلیغات چنین موادی را در اماکن عمومی ممنوع خواهد کرد.

ماده ۱۱ ـ سوابق:

۱ـ اعضا در خصوص مواد مندرج در فهرست شماره (۱)، مقرر خواهند کرد که سازندگان و تمامی افراد دیگری که به موجب ماده (۷) مجاز به تجارت و توزیع آن مواد هستند سوابقی را به گونه‌ای که ممکن است هر عضو تعیین کند، نگاهدارند. این سوابق باید نشان دهنده جزییات میزان ساخته شده، مقدار موجود در انبار و برای هر مورد دریافت و تحویل نشاندهنده جزییات مقدار، تاریخ، تهیه کننده و دریافت کننده باشد.

۲ ـ اعضا در خصوص مواد مندرج در فهرستهای شماره (۲) و (۳) مقرر خواهند کرد که سازندگان، توزیع کنندگان عمده، صادر کنندگان و واردکنندگان، سوابقی را به گونه‌ای که ممکن است هر عضو تعیین کند، نگاهدارند. این سوابق باید نشان دهنده جزییات مقادیر ساخته شده، و برای هر مورد دریافت و تحویل نشاندهنده جزییات مقدار، تاریخ، تهیه کننده و دریافت کننده باشد.

۳ ـ اعضاء در خصوص مواد مندرج در فهرست شماره (۲)، مقرر خواهند کرد که توزیع کنندگان جزء، مؤسسات بیمارستانی و مراقبتهای درمانی و مؤسسات علمی سوابقی را که به گونه‌ای ممکن است هر عضو تعیین کند، نگاهدارند. این سوابق باید برای هر مورد دریافت و تحویل نشان دهندهٔ جزئیات مقدار، تاریخ، تهیه کننده و دریافت کننده باشد.

۴ ـ اعضا از طریق روشهای مناسب و با در نظر گرفتن عرف تجاری و حرفه‌ای در کشور خود، اطمینان حاصل خواهند نمود که اطلاعات راجع به دریافت و تحویل مواد مندرج در فهرست شماره (۳) به وسیله توزیع کنندگان جزء، مؤسسات بیمارستانی مراقبتهای درمانی و مؤسسات علمی، به سهولت در دسترس باشد.

۵ ـ اعضا در خصوص مواد مندرج در فهرست شماره (۴) مقرر خواهد کرد که سازندگان، صادر کنندگان و واردکنندگان، سوابقی را به گونه‌ای که ممکن است هر عضو تعیین کند، نگاهدارند. این سوابق باید نشان دهنده مقادیر ساخته شده صادر شده و وارد شده باشد.

۶ ـ اعضای سازندگان ترکیبات معاف شده به موجب بند (۳) ماده (۳) را ملزم خواهند نمود تا سوابقی را در مورد مقدار هر یک از مواد روانگردانی که در ساخت ترکیبات مذکور به کار رفته و نوع آنها، مقدار کل و مقدار اولیه در اختیاری ترکیبات معاف شده که از آن ساخته، نگاهداری

کنند.
۷ ـ اعضا اطمینان حاصل خواهند نمود که سوابق و اطلاعات موضوع این ماده که از نظر گزارشات به موجب ماده (۱۶) لازم است، حداقل برای مدت (۲) سال نگهداری خواهد شد.

ماده ۱۲ ـ مقررات مربوط به تجارت بین‌المللی

۱ـ

الف ـ هر عضوی که صدور یا ورود مواد مندرج در فهرست شماره (۱) یا (۲) را اجازه می‌دهد مجوز صدور یا ورود جداگانه‌ای به شکلی که کمیسیون تعیین خواهد کرد برای هر نوبت صدور یا ورود اعم از اینکه شامل یک یا چند ماده باشد مقرر خواهد کرد.
ب ـ این مجوز شامل نام غیر اختصاصی بین المللی یا در صورت نداشتن چنین نامی، عنوان آن ماده در فهرست، مقداری که قرار است صادر و یا وارد شود، شکل دارویی، نام و نشانی صادر کننده و وارد کننده و مدتی که طی آن باید صدور یا ورود انجام گیرد خواهد بود. چنانچه ماده‌ای به شکل ترکیبی صادر و یا وارد شده باشد، نام ترکیب در صورتی که وجود داشته باشد قید خواهد شد. مجوز صدور همچنین بیانگر شماره و تاریخ موجز ورود و مقامی که آن را صادر کرده قید خواهد بود.
پ ـ اعضا پیش از صدور مجوز صدور، خواستار ارائه مجوز ورودی خواهند شد که به وسیله مقام مصالح کشور یا منطقه وارد کننده، صادر شده و گواهی نماید که ورود ماده یا مواد مندرج در آن به تصویب رسیده است. مجوز مزبور به وسیله شخص یا مؤسسه‌ای که درخواست مجوز صدور می‌نماید، ارایه خواهد شد.
ت ـ یک نسخه از مجوز صدور همراه هر محموله خواهد بود و دولتی که مجوز صدور را می‌دهد یک نسخه آن را برای دولت کشور یا منطقه وارد کننده خواهد فرستاد.
ث ـ زمانی که ورود انجام گرفت، دولت کشور یا منطقه وارد کننده مجوز صدور را با ظهر نویسی که مقدار واقعی وارد شده را گواهی کند به دولت کشوری منطقه صادر کننده باز خواهد گرداند.
۲ ـ الف ـ اعضا مقرر خواهند کرد که صادر کنندگان برای هر مورد صدور مواد مندرج در فهرست شماره (۳) باید اظهارنامه‌ای در سه نسخه به شکلی که کمیسیون مقرر می‌دارد شامل اطلاعات زیر تهیه کنند:
۱ ـ نام و نشانی صادر کننده و وارد کنند.
۲ ـ نام غیر اختصاصی بین المللی ماده یا در صورت نداشتن چنین نامی، عنوان آن ماده در فهرست.
۳ ـ مقدار و شکل دارویی که ماده در آن شکل صادر می‌شود و چنانچه به شکل یک ترکیب است نام آن ترکیب در صورت وجود و
۴ ـ تاریخ ارسال

ب ـ صادرکنندگان دو نسخه از اظهارنامه را به مقامات صالح کشور یا منطقه خود ارائه و نسخه سوم را ضمیمه محموله خواهند کرد.

پ ـ عضوی که از سرزمین آن یک ماده مندرج در فهرست شماره (۳) صادر شده، در اسرع وقت و حداکثر ۹۰ روز پس از تاریخ ارسال، یک نسخه از اظهارنامه دریافتی از صادرکننده را با پست سفارشی با درخواست اعلام وصول، برای مقامات صالح کشور یا منطقه واردکننده خواهد فرستاد.

ت ـ اعضا می‌توانند مقرر کنند که واردکننده به محض دریافت محموله، نسخه منضم به محموله را به طور مقتضی و با بیان دریافتی و تاریخ دریافت ظهرنویسی کرده و به مقامات صالح کشور یا منطقه خود ارسال نماید.

۳ـ در خصوص مواد مندرج در فهرستهای (۱) و (۲) مقررات اضافی زیر اعمال خواهد شد:

الف ـ اعضا در بنادر و مناطق آزاد همان سرپرستی و نظارتی را اعمال خواهند کرد که در سایر مناطق سرزمین خود اعمال می‌کنند، در هر حال مشروط بر اینکه بتوانند اقدامات شدیدتری را اعمال کنند.

ب ـ صادرات محمولات به نشانی یک صندوق پستی یا یک بانک به حساب شخصی غیر از کسی که نامش در مجوز صدور ذکر شده ممنوع خواهد بود.

پ ـ صادرات محصولات مواد مندرج در فهرست (۱) به نشانی انبارهای گمرک ممنوع است. صادرات محمولات، مواد مندرج در فهرست شماره (۲) به نشانی یک انبار گمرک نیز ممنوع است مگر آنکه دولت کشور واردکننده در محور ورودی محموله را از نظر گرفتن در یک انبار گمرک تصویب کرده است. در این صورت مجوز صدور گواهی خواهد کرد که محموله بدین منظور صادر شده است. هر مورد خروج از انبار گمرک مستلزم اجازه مقامات مسؤول انبار خواهد بود و در صورت ارسال به مقصد خارج از کشور با آن مانند یک صدور جدید در مفهوم این کنوانسیون رفتار خواهد شد.

ت ـ محمولاتی که بدون پروانه صدور منظم به آن وارد سرزمین یک عضو شده یا از آن خارج می‌شود، به وسیله مقامات صالح توقیف خواهد شد.

ث ـ یک عضو اجازه عبور هر ماده ارسالی به کشور دیگر را از سرزمین خود خواهد داد، خواه محموله از وسیله نقلیه‌ای که آن را حمل می‌کند تخلیه شده باشد یا نه مگر اینکه یک نسخه از مجوز صدور برای این محموله به مقامات صالح آن طرف ارائه گردد.

ج ـ مقامات صالح کشور یا منطقه‌ای که عبور یک محموله مواد از طریق آن اجازه داده شده است، کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از تغییر مسیر محموله مذکور به مقصد دیگری جز آنچه در نسخه پروانه صدور منظم به محموله قید شده انجام خواهد داد مگر آنکه دولت کشور یا منطقه‌ای که محموله از طریق آن عبور می‌نماید اجازه این تغییر مسیر را بدهد. دولت کشور یا

منطقه ترانزیت در مورد هر تغییر مسیری که تقاضا شود مانند صدور از کشور یا منطقه ترانزیت به کشور یا منطقه مقصد جدید رفتار خواهند کرد. اگر تغییر مسیر اجازه داده شود، مفاد جزء (ث) بند (۱) بین کشور یا منطقه ترانزیت و کشور یا منطقه‌ای که در ابتدا محموله را صادر نموده است نیز اعمال خواهد شد.

هیچ محموله مواد که در حال ترانزیت یا درحال نگهداری در یک انبار گمرک است نمی‌تواند مشمول فرآیندی قرار گیرد که ماهیت ماده مورد نظر را تغییر دهد. بسته بندی بدون اجازه مقامات صالح نمی‌تواند تغییر پیدا کند.

چ ـ مفاد جزوه‌های (ث) تا (چ) در ارتباط با عبور مواد از طریق سرزمین یک عضو در صورتی که محموله موردنظر به وسیله هواپیمایی حمل شود که در کشور یا منطقه ترانزیت فرود نیاید، اعمال نمی‌شود. در صورتی که هواپیما در کشور یا منطقه مزبور فرود آید مفاد مزبور تا حدودی که شرایط ایجاب نماید اعمال خواهد شد.

خ ـ مفاد این بند لطمه‌ای به مفاد هر گونه موافقتنامه‌های بین المللی که محدود کننده نظارتی است که هر یک از اعضا می‌تواند در مورد ترانزیت مواد مزبور اعمال کند، نخواهد زد.

ماده ۱۳ـ ممنوعیت و محدودیتهای مربوط به صادرات و واردات

۱ ـ هر عضو می‌تواند تمامی اعضای دیگر را از طریق دبیرکل مطلع سازد که ورود یک یا تعداد بیشتری از مواد مندرج در فهرستهای شماره (۲)، (۳) و (۴) را که در اطلاعیه آن مشخص شده به کشورش یا یکی از مناطق آن ممنوع می‌کند. هر اطلاعیه مزبور نام ماده را به گونه‌ای که در فهرست شماره (۲)، (۳) و (۴) تعیین شده، مشخص خواهد کرد.

۲ ـ چنانچه عضوی در اجرای بند ۱ از ممنوعیت مطلع شود، به منظور حصول اطمینان از اینکه هیچ یک از موادی که در اطلاعیه مشخص شده به کشور یا یکی از مناطق کشوری که اطلاعیه را داده، صادر نخواهد شد، اقداماتی را انجام خواهد داد.

۳ ـ با وجود مفاد بندهای پیشین، عضوی که اطلاعیه‌ای را به موجب بند (۱) داده می‌تواند به وسیله مجوز ورود ویژه‌ای در هر مورد ورود مقدار معینی از مواد مورد نظر یا ترکیبات حاوی مواد مزبور را مجاز نماید. مقام صادر کننده مجوز ورود دو نسخه از مجوز ورود ویژه را که نام و نشانی وارد کننده و صادر کننده مشخص می‌کند برای مقامات صالح کشور یا منطقه صادر کننده خواهد فرستاد که می‌توانند پس از آن به صادر کننده اجازه دهند تا محموله را ارسال دارد. یک نسخه از مجوز ورود ویژه که به وسیله مقامات صالح کشور یا منطقه صادر کننده به طور مقتضی ظهرنویسی شده ضمیمه محموله خواهد شد.

ماده ۱۴ـ مقررات ویژه مربوط به حمل مواد روانگردان در جعبه‌های کمکهای اولیه کشتیها، هواپیما یا سایر وسایل نقلیه عمومی در حمل و نقل بین‌المللی:

۱ ـ حمل بین‌المللی مقادیر محدودی از مواد روانگردان مندرج در فهرست شماره (۲)، (۳) و (۴)

به وسیله کشتیها، هواپیماها، یا سایر وسایل حمل و نقل عمومی بین المللی مانند قطارها و اتوبوسهای بین المللی که ممکن است در طول مسافرت آنها برای کمکهای اولیه یا موارد اضطراری لازم شود، در مفهوم این کنوانسیون به معنای صدور، ورود یا عبور از طریق کشوری تلقی نخواهد شد.

۲ ـ اقدامات حفاظتی مناسبی از طرف کشور ثبت کننده به منظور جلوگیری از مصرف نابجای مواد موضوع بند (۱) یا انحراف آنها به منظورهای غیرقانونی انجام خواهد شد. کمیسیون با مشورت با سازمانهای بین المللی ذی صلاح چگونگی اقدامات حفاظتی مزبور را توصیه خواهند نمود.

۳ ـ موادی که به وسیله کشتیها، هواپیماها یا سایر انواع وسایل حمل و نقل عمومی بین المللی مانند قطارها و اتوبوسهای بین المللی حمل می‌شوند طبق بند (۱) مشمول قوانین، مقررات، اجازه نامه و مجوزهای کشور ثبت کننده می‌باشند، بدون اینکه لطمه‌ای به حقوق مقامات صالح محلی در انجام رسیدگی، بازرسی و دیگر اقدامات نظارتی در مورد این وسایل نقلیه وارد شود به کار بردن این مواد در موارد اضطراری تخلف از الزامات بند (۱) ماده (۹) تلقی نخواهد شد.

ماده ۱۵ ـ بازرسی

اعضای سیستم بازرسی سازندگان، صادر کنندگان، وارد کنندگان و توزیع کنندگان عمده و جزء مواد روانگردان و مؤسسات پزشکی و علمی را که چنین موادی را مصرف می‌کنند ایجاد خواهند نمود. اعضا بازرسی ساختمانها، موجودی و سوابق را که به دفعاتی که ضروری تشخیص می‌دهند انجام خواهند شد، پیش بینی خواهند نمود.

ماده ۱۶ ـ گزارشهایی که اعضا باید ارائه کنند:

۱ـ اعضا اطلاعاتی را که کمسیون ممکن است به عنوان این که برای انجام وظایف آن ضروری است در خواست نماید و بویژه گزارش سالیانه‌ای در خصوص کارکرد کنوانسیون در سرزمینهای آنها شامل اطلاعات زیر به دبیرکل ارایه خواهند کرد:

الف ـ تغییرات مهم در قوانین و مقررات آنها در ارتباط با مواد روانگردان و

ب ـ رشد قابل ملاحظه در مصرف نابجا و قاچاق مواد روانگردان در سرزمینهای آنها.

۲ ـ اعضا همچنین نام و نشانی مقامات دولتی موضوع بند (ج) ماده (۷) ماده (۱۲) و بند (۳) ماده (۱۳) را به اطلاع دبیر کل خواهد رساند. دبیر کل اطلاعات مزبور را در اختیار تمامی اعضا قرار خواهند داد.

۳ ـ اعضا در اسرع وقت پس از هر پیشامدی،گزارشی در خصوص هر مورد از موارد قاچاق مواد روانگردان یا کشف قاچاق مزبور که به دلایل زیر مهم تشخیص می‌دهند به دبیرکل ارائه خواهند کرد:

الف ـ آشکار شدن گرایشهای جدید

ب ـ مقادیر مواد
پ ـ روشن ساختن منشأ دریافت مواد، یا
ت ـ روشهایی که قاچاقچیان به کار برده اند
نسخه‌های این گزارش طبق بند (ب) ماده (۲۱) ارسال خواهد شد.
۴ ـ اعضا گزارشهای آماری سالیانه را در موارد زیر طبق نمونه‌هایی که هیأت تهیه کرده است به آن ارسال خواهند کرد.
الف ـ در مورد هر یک از مواد مندرج در فهرستهای شماره (۱) و (۲) مقادیر ساخته شده، صادر شده و وارد شده از هر کشور یا منطقه و نیز موجودی که در اختیار سازندگان است.
ب ـ در مورد هر یک از مواد مندرج در فهرستهای شماره (۳) و (۴) مقادیر ساخته شده و نیز کل مقدار صادر شده و وارد شده.
پ ـ در مورد هر یک از مواد مندرج در فهرستهای شماره (۲)، (۳) مقادیری که در ساخت ترکیبات معاف شده است استفاده شده است و
ت ـ در مورد هر ماده‌ای غیر از مواد مندرج در فهرست شماره (۱) مقادیر که برای مصارف صنعتی طبق بند (ب) ماده (۴) استفاده شده است
مقادیر ساخته شده موضوع جزءهای (الف) و (ب) این بند شامل مقادیر ترکیبات ساخته شده نمی‌باشد.
۵ ـ یک عضو بنا به درخواست هیأت، اطلاعات آماری تکمیلی را در ارتباط با زمانهای آتی مقادیر هر ماده واحد مندرج در فهرستهای شماره (۳) و (۴) که به هر کشور یا منطقه صادر یا وارد شده به هیأت ارائه خواهد نمود .عضو مزبور می‌تواند از هیأت درخواست نماید درخواست اطلاعات و اطلاعات داده شده به موجب این بند را محرمانه تلقی کند.
۶ ـ اعضا اطلاعات موضوع بندهای (۱) و (۴) را به همان شکلی در همان تاریخهایی که کمیسیون یا هیأت ممکن است درخواست نماید ارائه خواهند کرد.

ماده ۱۷ ـ وظایف کمیسیون

۱ ـ کمیسیون می‌تواند کلیه مسایلی را که به هدفهای این کنوانسیون و اجرای مفاد آن بستگی دارد، مورد رسیدگی قرار داده و توصیه‌هایی را در ارتباط با آنها بنماید.
۲ ـ تصمیمات کمیسیون که در مواد (۲)، (۳) پیش بینی شده با اکثریت دو سوم اعضاء کمیسیون اتخاذ خواهد شد.

ماده ۱۸ ـ گزارش به هیأت

۱ ـ هیأت گزارشهای سالانه‌ای درباره کارکرد خود شامل تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری که در اختیار دارد در موارد مناسب توضیحاتی که دولتها ارائه یا درخواست نموده‌اند را به همراه ملاحظات و توصیه‌هایی که تمایل به ابراز آن دارد را آماده و تنظیم خواهد کرد. هیأت می‌تواند

گزارشهای اضافی راکه لازم تشخیص می‌دهد ارائه نماید. گزارشها از طریق کمیسیون که می‌تواند درباره آن اظهارنظرهایی که مناسب بداند بنماید، به شورا تسلیم خواهد شد.
گزارشهای هیأت برای اعضاء ارسال خواهد شد و سپس به وسیله دبیرکل انتظار می‌یابد. اعضاء توزیع بدون محدودیت این گزارشها را اجازه خواهند داد.

ماده ۱۹ ـ اقدامات هیأت برای تضمین اجرای مفاد این کنوانسیون

۱ ـ الف ـ هر گاه هیأت بر اساس بررسی اطلاعاتی که دولتها به آن ارائه می‌کنند یا اطلاعاتی که ارکان سازمان ملل متحد می‌دهند دلیلی داشته باشد برای اعتقاد به اینکه اهداف این کنوانسیون به علت عدم قصور یک کشور یا منطقه از اجرای مقررات این کنوانسیون به طور جدی به مخاطره افتاده است، حق خواهد داشت از دولت کشور یا منطقه مورد نظر خواستار ارائه توضیحاتی بشود. هیأت با رعایت حق خود در مورد جلب توجه اعضاء شورا و کمیسیون به موضوع مندرج در جزء (پ) زیر، درخواست ارائه اطلاعات یا توضیح به وسیله یک دولت به موجب این جزء را محرمانه تلقی خواهد نمود.
ب ـ هیأت پس از اقدام به موجب جزء الف، در صورتی که در مورد ضرورت درخواست از دولت مربوط برای اتخاذ اقدامات اصلاحی که بنا به مقتضیات برای اجرای مفاد این کنوانسیون ضروری به نظر می‌رسد مجاب شده باشد می‌تواند نسبت به موضوع اقدام نماید.
پ ـ هرگاه هیأت دریابد که دولت مربوط در ارائه توضیحات قانع کننده‌ای که به موجب جزء الف از آن خواست شده، قصور کرده است، می‌تواند توجه اعضاء شورا و کمیسیون را به موضوع جلب نماید.
۲ ـ وقتی که هیأت، توجه اعضا، شورا و کمیسیون را طبق جزء (پ) بند (۱) به موضوعی جلب می‌نماید، می‌تواند اگر چنین ترتیبی را لازم ببیند به اعضا توصیه نماید که ورود مواد روانگردان خاصی را از کشور یا منطقه مورد نظر یا صدور آنها را به آنجا یاهر دو مورد را صدور ورود برای مدتی تعیین یا تا زمانی که هیأت در مورد وضعیت آن کشور یا منطقه مجاب گردد، متوقف نمایند. کشور مورد نظر می‌تواند موضوع را به شورا ارجاع کند.
۳ ـ هیأت حق خواهد داشت گزارشی را درباره هر موضوعی که به موجب مقررات این ماده به آن می‌پردازد، منتشر سازد و آن را به شورا بفرستد تا شورا آن را برای کلیه اعضا ارسال کند. اگر هیأت تصمیمی راکه به موجب این ماده اتخاذ شده و یا هر گونه اطلاعات مربوط به این تصمیم را در گزارش مذکور انتشار دهد، نظریه دولت مورد نظر را نیز در صورتی که دولت مزبور تقاضاکند در آن گزارش منتشر خواهد ساخت.
۴ ـ اگر در مواردی که تصمیم هیأت که به موجب این ماده انتشار یافته به اتفاق آراء گرفته نشده باشد، نظرات اقلیت هم بیان خواهد شد.
۵ ـ در جلساتی از هیأت که به موجب این ماده، موضوعی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، از

کشوری که به طور مستقیم در آن موضوع ذی نفع باشد برای حضور در جلسه دعوت خواهد شد.
۶ ـ تصمیمات هیأت به موجب این ماده با اکثریت دو سوم کل اعضا هیأت، اتخاذ خواهد شد.
۷ ـ هر گاه هیأت دلیلی داشته باشد برای اعتقاد به این که هدفهای این کنوانسیون در نتیجه تصمیمی که عضوی به موجب بند (۷) ماده (۲) گرفته به طور جدی به خطر افتاده است، مفاد بندهای فوق نیز اعمال خواهد شد.

ماد ۲۰ ـ اقداماتی در برابر مصرف نابجای مواد روانگردان

۱ ـ اعضاء تمامی اقدامات عملی را برای جلوگیری از مصرف نابجای مواد روانگردان و تشخیص اولیه و به موقع درمان، آموزش، مراقبتهای پس از درمان و بازپروری و بازگشت افراد مربوط به اجتماع را انجام داده و فعالیتهای خود را در این زمینه‌ها با یکدیگر هماهنگ خواهد ساخت.
۲ ـ اعضا تا حد امکان آموزش کادر درمانی، مراقبتهای پس از درمان بازپروری و بازگشت به اجتماع مصرف کنندگان نابجای مواد روانگردان را ترغیب خواهند کرد.
۳ ـ اعضاء به افرادی که کار آنها ایجاب می‌کند که درک کلی از مشکلات مصرف نابجای مواد روانگردان و روش پیشگیری از آن داشته باشند، کمک خواهند کرد. همچنین خطر شیوع مصرف نابجای این گونه مواد وجود داشته باشد ایجاد چنین درکی را در میان همگان ترغیب خواهند کرد.

ماده ۲۱ ـ مبارزه با قاچاق

اعضاء با توجه شایسته به نظامهای اساسی، حقوقی و اداری خود موارد زیر را انجام خواهند داد:
الف ـ ایجاد ترتیباتی در سطح ملی برای هماهنگی اقدامات پیشگیرانه و سرکوبی قاچاق بدین منظور اعضاء می‌توانند به نحو سودمندی مؤسسه مسؤول این هماهنگی را تعیین کنند.
ب ـ کمک به یکدیگر در مبارزه با قاچاق مواد روانگردان بویژه ارسال فوری نسخه‌ای از هر گزارشی که به موجب ماده (۱۶) در خصوص کشف موردی از قاچاق یا ضبط به عنوان دبیرکل ارسال می‌کند از طریق مجاری سیاسی یا مقامات صالح تعیین شده به وسیله اعضاء برای این مقصود، به سایر اعضایی که به طور مستقیم ذی نفع هستند.
پ ـ همکاری نزدیک با یکدیگر و سازمانهای بین المللی صالحی که عضو آنها هستند از نظر تداوم مبارزه هماهنگ با قاچاق.
ت ـ حصول اطمینان از اینکه همکاری بین المللی بین مؤسسات ذی ربط به گونه‌ای سریع انجام می‌شود و
ث ـ حصول اطمینان از اینکه وقتی اسناد حقوقی از نظر جریان رسیدگی قضایی به صورت بین المللی ارسال می‌شود، ارسال به صورت فوری به مراجع تعیین شده از طرف اعضاء انجام می‌گیرد، این موضوع لطمه‌ای به حق یک عضو برای مقرر نمودن اینکه اسناد حقوقی از مجاری سیاسی برای آن فرستاده شود، نمی‌زند.

ماده ۲۲ ـ مقررات کیفری:

۱ ـ الف ـ هر عضو با رعایت محدودیتهای قانون اساسی خود، با هر فعلی که به طور عمدی بر خلاف قانون یا مقرراتی که در اجرای تعهدات خود به موجب این کنوانسیون تصویب کرده، ارتکاب شود، به عنوان یک جرم مشمول مجازات رفتار خواهد کرد و اطمینان حاصل خواهد نمود جرایم مهم و جدی مشمول مجازات کافی بویژه حبس یا دیگر کیفرهای محروم کننده آزادی قرار خواهند گرفت.

ب ـ با وجود جزء الف پیشین وقتی که مصرف کنندگان به جای مواد روانگردان مرتکب چنین جرایمی شوند، اعضاء می‌توانند راه دیگری را برای محکومیت یا مجازات، یا علاوه بر مجازات انجام اقدامات درمانی، آموزشی و مراقبتهای پس از درمان، بازپروری و بازگشت به اجتماع را طبق بند (۱) ماده (۲۰) را برای مصرف کنندگان نابجای مزبور پیش بینی کنند.

۲ ـ هر عضو با رعایت محدودیتهای قانون اساسی نظام قضایی و قوانین داخلی:

الف ـ اول اگر سلسله افعال مربوطی که جرایمی را به موجب بند (۱) تشکیل می‌دهند در کشورهای مختلف ارتکاب شوند با هر یک از آنها به عنوان یک جرم مشخص رفتار خواهد شد.

دوم ـ شرکت عمدی در یکی از جرایم مذکور، توطئه برای ارتکاب آن، کوشش برای ارتکاب آن، و کارهای مقدماتی و عملیات مالی مربوط به جرمهای موضوع این ماده جرایم مشمول مجازات به گونه‌ای که در بند (۱) پیش بینی شده خواهند بود.

سوم ـ محکومیتهای انجام گرفته در خارج از کشور برای این جرمها از نظر تکرار جرم مورد توجه قرار خواهد گرفت .

چهارم ـ جرمهای مهم سابق الذکر که به وسیله اتباع کشور و یا اتباع بیگانه ارتکاب یافته باشد، هر گاه استرداد طبق قانون عضوی که درخواست برای او فرستاده شده قابل قبول نبوده و هر گاه مجرم مزبور قبلاً تحت تعقیب قرار نگرفته و رأی قضایی برای او صادر نشده باشد، به وسیله عضوی که جرم در سرزمین او ارتکاب شده یا عضوی که در سرزمین او مجرم پیدا شود مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

ب ـ شایسته است جرایم موضوع بند ۱ و ردیف دوم جزء الف بند (۲) در هر پیمان استردادی که بین اعضا منعقد شده یا ممکن است از این پس منعقد شود اضافه شود و چنانچه استرداد بین اعضاء مشروط به وجود پیمان نشده یا مشروط به عمل متقابل شده، به عنوان جرایم قابل استرداد شناخته شوند، مشروط بر اینکه استرداد مجرمین طبق قانون عضوی باشد که از او درخواست استرداد می‌شود و آن عضو حق خودداری از دستگیری یا استرداد را در صورتی که مقامات صالح تشخیص دهند که جرم به اندازه کافی جدی و مهم نیست، داشته باشد.

۳ ـ هر ماده روانگردان یا ماده دیگر و نیز هر وسیله‌ای که در ارتکاب جرایم موضوع بندهای (۱) و (۲) مورد استفاده قرار گرفته یا قصد استفاده از آن وجود داشته باشد، مشمول ضبط و مصادره

خواهد شد.
۴ ـ مفاد این ماده مشمول مفاد قوانین داخلی عضوی خواهد بود که در مورد موضوع صلاحیت ذی ربط تشخیص می‌شود.
۵ ـ تذکرات مندرج در این ماده این اصل را که تعریف، رسیدگی و مجازات جرایمی که به آن اشاره می‌کند طبق حقوق داخلی یک عضو انجام خواهد شد، تحت تأثیر قرار خواهد داد.

ماده ۲۳ ـ به کار بردن اقدامات نظارتی شدیدتر از آنچه در این کنوانسیون مقرر شده است:

یک عضو می‌تواند اقدامات نظارتی شدیدتر از آنچه در این کنوانسیون پیش بینی شده را در صورتی که به نظر وی اقدامات مزبور برای حفظ رفاه و بهداشت عمومی مناسب یا لازم باشد اتخاذ نماید.

ماده ۲۴ ـ هزینه‌هایی که نهادهای بین المللی در اجرای مفاد این کنوانسیون متحمل شده‌اند:

هزینه‌های کمیسیون و هیأت در اجرای وظایف مربوط خود به موجب این کنوانسیون به ترتیبی که مجمع عمومی تعیین خواهد کرد به عهده سازمان ملل متحد خواهد بود. اعضایی که عضو سازمان ملل متحد نمی‌باشند به مقداری که مجمع عمومی عادلانه تشخیص می‌دهد و هر از چند گاهی پس از مشورت با دولتهای اعضای مزبور مورد ارزیابی قرار می‌دهد، در هزینه‌های مزبور سهیم خواهد شد.

ماده ۲۵ ـ تشریفات پذیرش امضاء تصویب و الحاق

۱ ـ اعضای سازمان ملل متحد کشورهای غیر عضو سازمان ملل متحد که عضو یکی از سازمانهای تخصصی سازمان ملل متحد یا عضو آژانس بین‌المللی اتمی می‌باشند یا اعضا اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر کشور دیگری که شورا از آن دعوت کند، می‌توانند از طریق روشهای زیر عضو این کنوانسیون شوند:
الف ـ با امضاء آن یا
ب ـ با تصویب آن پس از امضای با قید تصویب یا
پ ـ با الحاق به آن
۲ ـ کنوانسیون تا یازدهم دی ماه ۱۳۵۰ هجری شمسی برابر با اول ژانویه ۱۹۷۲ برای امضاء مفتوح خواهد بود، پس از آن برای الحاق مفتوح خواهد بود.
۳ ـ اسناد تصویب یا الحاق به دبیر کل سپرده خواهد شد.

ماده ۲۶ ـ لازم الاجرا شدن

۱ ـ این کنوانسیون در نودمین روز پس از آن که چهل کشور موضوع بند ۱ ماده (۲۵) آن را بدون قید تصویب امضا کرده یا اسناد تصویب یا الحاق خود را سپرده باشند، لازم الاجرا خواهد شد.

۲ ـ این کنوانسیون برای هر کشور دیگری که پس از آخرین امضا یا سپردن سند موضوع بند پیشین آن را بدون قید تصویب امضاء کند یا سند تصویب یا الحاق خود را بسپارد، در نودمین روز پس از امضا یا سپردن سند تصویب یاالحاق آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

ماده ۲۷ ـ کاربرد سرزمینی

این کنوانسیون در مورد کلیه سرزمینهای غیر اصلی که هر عضوی مسؤول روابط بین‌المللی آنها باشد اعمال خواهد شد. مگر در صورتی که طبق قانون اساسی عضو یا سرزمین مربوط یا عرف، رضایت قبلی آن سرزمین ضروری باشد. در این صورت عضو مزبور کوشش خواهد نمود در کوتاهترین زمان ممکن رضایت سرزمینی راکه ضروری است تضمین کند، و پس از حصول این رضایت مراتب را به دبیرکل اعلام خواهدکرد. کنوانسیون در مورد سرزمین یا سرزمینهایی که در اطلاعیه مزبور تعیین شده‌اند از تاریخ دریافت اطلاعیه توسط دبیرکل، اعمال خواهد شد در مواردی که رضایت قبلی سرزمین غیر اصلی ضروری نیست، عضو مربوط در هیأت امضاء تصویب یا الحاق سرزمین یا سرزمینهای غیراصلی راکه این کنوانسیون در مورد آنها اعمال می‌شود اعلام خواهد نمود.

ماده ۲۸ ـ مناطق از نظر این کنوانسیون

۱ ـ هر عضو می‌تواند به دبیر کل اعلام کند که از نظر این کنوانسیون سرزمین آن به دو و یا چند منطقه تقسیم شده یا دو یا چند منطقه آن در یک منطقه واحد ادغام شده‌اند.

۲ ـ دو یا چند عضو می‌توانند به دبیرکل اعلام کنند که در نتیجه تأسیس یک اتحادیه گمرکی بین آنها، اعضای مزبور از نظر این کنوانسیون یک منطقه را تشکیل می‌دهند.

۳ ـ هر اطلاعیه‌ای به موجب بند (۱) یا (۲) از یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه سال بعد از تاریخ اطلاعیه نافذ خواهد شد.

ماده ۲۹ ـ فسخ عضویت

۱ ـ پس از انقضای ۲ سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این کنوانسیون، هر عضو می‌تواند از طرف خود یا از طرف سرزمینی که مسؤولیت بین المللی آن را دارد و آن سرزمین موافقت خود راکه طبق ماده (۲۷) اعلام کرده بود، پس گرفته است، عضویت در این کنوانسیون را با سند کتبی که به دبیرکل می‌سپارد فسخ کند.

۳ ـ اگر دبیرکل این اعلام فسخ عضویت را در اول ژوئیه (۱۱ تیرماه) هر سالی تا قبل از آن دریافت دارد، فسخ عضویت در اول ژانویه (۱۱ دی ماه) سال بعد نافذ خواهد شد و اگر اعلام فسخ عضویت بعد از اول ژوئیه (۱۱ تیرماه) دریافت شود به منزله آن است که در اول (ژوئیه ۱۱ تیرماه) سال بعد یا قبل از آن دریافت شده است.

۳ ـ هر گاه در نتیجه اعلام فسخ عضویتهای انجام شده طبق بندهای (۱) و (۲) شرایط لازم الاجرا شدن کنوانسیون به گونه ایی که در بند (۱) ماده (۲۶) وضع شده وجود نداشته باشد، کنوانسیون

منقضی خواهد شد.

ماده ۳۰ـ اصلاحات

۱ ـ هر عضوی می‌تواند اصلاحیه‌ای برای این کنوانسیون پیشنهاد نماید. متن اصلاحیه مزبور و دلایلی که سبب آن شده برای دبیرکل فرستاده خواهد شد و وی آن را برای اعضا و شورا خواهد فرستاد. شورا می‌تواند به یکی از روشهای زیر تصمیم‌گیری نماید.

الف ـ کنفرانسی طبق بند (۴) ماده (۶۲) منشور ملل متحد برای رسیدگی به اصلاحیه پیشنهادی برگزار کند یا

ب ـ از اعضا استعلام نماید که ایا اصلاحیه مزبور مورد قبول آنها می‌باشد یا خیر، و نیز از آنها درخواست کند نظرات خود را درباره پیشنهاد مزبور به شورا ارسال دارند.

۲ ـ هر گاه اصلاحیه پیشنهادی که طبق جزء (ب) بند (۱) توزیع شده، ظرف مدت هجده ماه پس از تاریخ انتشار از طرف هیچ عضوی ردنشود، بلافاصله لازم الاجرا خواهد شد. در هر حال اگر اصلاحیه پیشنهادی از طرف عضوی رد شود شورا می‌تواند با توجه به نظرات دریافتی از اعضا نسبت به برگزاری یا عدم برگزاری کنفرانسی برای رسیدگی به اصلاحیه مزبور تصمیم‌گیری کند.

ماده ۳۱ـ اختلافات

۱ ـ هرگاه اختلافی بین دو یا چند عضو در خصوص تفسیر یا اجرای این کنوانسیون بروز نماید. اعضای مذکور به منظور حل و فصل اختلاف از طریق مذاکره، تحقیق، میانجیگری، مصالحه، داوری، مراجعه به نهادهای منطقه‌ای، جریان قضایی یا از طریق روشهای مسالمت‌آمیز دیگری که انتخاب می‌کنند با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

۲ ـ هر اختلافاتی از این نوع که به روش پیش بینی شده حل و فصل نشود، بنا به درخواست هر یک از طرفهای اختلاف به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع خواهد شد.

ماده ۳۲ـ حق شرطها

۱ ـ هیچ حق شرطی به جز حق شرطهایی که طبق بندهای (۲)، (۳) و (۴) این ماده لحاظ شده، مجاز نخواهد بود.

۲ ـ هر کشوری می‌تواند در هنگام امضاء تصویب یا الحاق در مورد مفاد زیرین این کنوانسیون حق شرطهایی قایل شود:

الف ـ بندهای (۱ و ۲) ماده (۱۹)

ب ـ ماده ۲۷ و

پ ـ ماده ۳۱

۳ ـ هر کشوری که بخواهد عضو شود اما مایل به مجاز شدن برای لحاظ حق شرطهایی غیر از آنچه طبق بندهای (۲) و (۴) لحاظ شده باشد می‌تواند این قصد را به دبیرکل اطلاع دهد. هر گاه در پایان ۱۲ ماه پس از تاریخ مکاتبه دبیرکل در خصوص حق شرط مزبور، این حق شرط به

وسیله یک سوم کشورهای این کنوانسیون را قبل از پایان مدت مذکور بدون قید تصویب امضاء کرده یا تصویب نموده یا به آن ملحق شده‌اند مورد مخالفت قرار نگیرد، حق شرط مجاز تلقی خواهد شد. در هر حال بدیهی است کشورهایی که با این حق شرط مخالفت نموده‌اند در قبال کشور لحاظ کننده حق شرط هیچ گونه تعهد حقوقی، به موجب این کنوانسیون که به وسیله آن حق شرط تحت تأثیر قرار گرفته ندارند.

۴ـ کشوری که در سرزمین او گیاهان حاوی مواد روانگردان مندرج در فهرست شماره (۱) به طور خودرو می‌روید و بعضی از گروههای کوچک و کاملاً مشخص از این گیاهان به طور سنتی در مراسم جادویی یا مذهبی استفاده می‌کنند می‌توانند در هنگام امضاء تصویب یا الحاق حق شرطی در مورد این گیاهان از لحاظ مفاد ماده (۷) به جز مفاد مربوط به تجارت بین المللی لحاظ کند.

۵ـ دولتی که حق شرطهایی را لحاظ نموده است، می‌تواند در هر موقع با ارسال اطلاعیه کتبی به دبیر کل از تمام یا قسمتی از حق شرطهای خود انصراف حاصل نماید.

ماده ۳۳ـ اطلاعیه‌ها

دبیر کل کشورهای موضوع بند (۱) ماده (۲۵) را از موارد زیر مطلع خواهد نمود:

الف ـ امضاء، تصویب و الحاق طبق ماده (۲۵)

ب ـ تاریخی که در آن این کنوانسیون طبق ماده (۲۶) لازم الاجرا خواهد شد.

پ ـ اعلام فسخ عضویت طبق ماده (۲۹) و

ت ـ اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها طبق مواد ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲.

در تأیید مراتب فوق، امضاء کنندگان زیر که دارای اختیار لازم بوده‌اند این کنوانسیون را از طرف دولتهای متبوع خود امضاء نموده‌اند.

این کنوانسیون مراتب فوق، امضاء کنندگان زیر که دارای اختیار لازم بوده‌اند این کنوانسیون را از طرف دولتهای متبوع خود امضاء نموده‌اند.

این کنوانسیون در وین در دوم اسفندماه یکهزار و سیصد و چهل ونه هجری شمسی برابر با بیست و یکم فوریه یکهزار و نهصد و هفتاد ویک میلادی در یک نسخه به زبانهای چینی، انگلیسی، فرانسوی،روسی، اسپانیولی که به طور یکسان معتبر می‌باشند تنظیم شده است. این کنوانسیون به دبیرکل سازمان ملل متحده سپرده خواهد شد و وی رونوشتهای گواهی شده برابر اصل آن را برای کلیه اعضای سازمان ملل متحد و سایر کشورهای موضوع بند (۱) ماده (۲۵) خواهد فرستاد.

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید

مصوب ۴ بهمن ۱۳۶۳[۱]

ماده واحده ـ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید مورخ نهم آذر ۱۳۵۲ (سی‌ام نوامبر ۱۹۷۳) مشتمل بر یک مقدمه و ۱۹ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه تسلیم سند الحاق آن به دولت داده می‌شود.

کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید

کشورهای طرف این کنوانسیون

* با یادآوری مفاد منشور ملل متحد که طی آن تعهد نموده‌اند با همکاری سازمان ملل متحد اقدام مشترک و مجزایی جهت کسب احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه افراد بدون هیچ گونه تمایزی از لحاظ نژاد، جنسیت، زبان، و یا مذهب به عمل آورند.

* با درنظرگرفتن اعلامیه جهانی حقوق بشر که طی آن اعلام شده است که تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده‌اند و از نظر شأن و حقوق برابر می‌باشند و هرکسی بدون هیچ‌گونه تمایزی از هر نظر من جمله نژاد، رنگ و ریشه ملیت، محق بر برخورداری از کلیه حقوق و آزادیها مقرر در اعلامیه می‌باشد.

* با درنظر گرفتن اعلامیه مربوط به اعطای استقلال به کشورها و ملل تحت استعمار، که طی آن مجمع عمومی اعلام داشته است که جریان آزادی، جریانی مقاومت‌ناپذیر و تغییرناپذیر بوده و در جهت شأن انسانی و پیشرفت و عدالت، باید به استعمار و کلیه روشهای جدایی نژادی و تبعیضهای مربوط به آن خاتمه داده شود.

* با ملحوظ داشتن به کنوانسیون بین‌المللی در مورد از میان‌بردن کلیه اشکال تبعیض کشورهای عضو بویژه جدایی نژادی و آپارتاید را محکوم و جهت جلوگیری، منع و ریشه‌کن نمودن کلیه رویه‌هایی که دارای چنین ماهیتی می‌باشند در سرزمینهایی تحت حاکمیت خود، اقدام می‌نماید.

* با ملحوظ داشتن به کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت کشتار دسته جمعی اعمال به خصوصی که احتمالاً مانند اعمال آپارتاید تلقی گردند طبق حقوق بین‌المللی یک جنایت محسوب می‌شود.

---

۱ ـ روزنامه رسمی ۱۱۶۵۵ مورخه ۱۳۶۳/۱۲/۵

* با ملحوظ داشتن کنوانسیون مربوط به غیر قابل اجراءبودن محدودیتهای قانونی در مورد جنایت جنگی و جنایات بر علیه بشریت، اعمال غیر انسانی ناشی از سیاست آپارتاید به عنوان جنایت علیه بشریت به شمار می‌آیند.

* با ملحوظ داشتن اینکه، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌های متعددی تصویب نموده که طی آنها سیاستها و رویه‌های آپارتاید را به عنوان جنایت علیه بشریت محکوم گردیده است.

* با ملحوظ داشتن اینکه، شورای امنیت تأکید نموده است که آپارتاید و توسعه و تشدید مداوم آن صلح و امنیت بین‌المللی را مختل نموده و در معرض تهدید قرار می‌دهد.

* با اعتقاد به اینکه کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، انجام اقدامات مؤثرتری را در سطوح بین‌المللی و ملی، به منظور منع و مجازات جنایت آپارتاید امکان پذیر می‌سازد. مراتب زیر را مورد موافقت قرار می‌دهند:

ماده ۱ - ۱ - کشورهای طرف این کنوانسیون اعلام می‌دارند که آپارتاید جنایتی بر علیه بشریت بوده و اعمال غیر انسانی که ناشی از سیاستها و رویه‌های آپارتاید و نیز سیاستها و روشهای مشابه جدایی نژادی و تبعیض به ترتیبی که در ماده ۲ این کنوانسیون تعریف شده است، می‌باشند که اصول و حقوق بین‌المللی و بخصوص مقاصد و اصول منشور ملل متحد را نقض می‌کنند و نیز تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار می‌آیند.

۲ - کشورهای طرف این کنوانسیون، سازمانها، مؤسسات و افرادی که مرتکب جنایت آپارتاید گردیدند را مجرم اعلام می‌دارند.

ماده ۲ - از نظر این کنوانسیون واژه «جنایت آپارتاید» که سیاستها و رویه‌های مشابه جدایی نژادی و تبعیض نژادی را که در آفریقای جنوبی اعمال می‌گردد، شامل می‌شود، به دیگر اعمال غیر انسانی که به منظور ایجاد و برقراری سلطه یک گروه نژادی بر گروه نژادی دیگر انجام می‌گردد و به طور سیستماتیک آنان را مورد ظلم قرار می‌دهد نیز اطلاق می‌گردد.

الف - انکار حق حیات یا آزادی شخصی در مورد عضو یا اعضای یک گروه و یا گروه‌های نژادی از طریق:

۱ - قتل عضو یا اعضاء یک گروه و یا گروه‌های نژادی.

۲ - واردآوردن صدمات شدید روحی و جسمی بر یک گروه و یا گروههای نژادی به وسیله نقض آزادی و یا حیثیت آنها و یا شکنجه‌نمودن، یا انجام رفتار و یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی و ترذیلی در مورد آنان.

۳ - از طریق خودسرانه و حبس غیر قانونی اعضای گروه و یا گروههای نژادی.

ب - تحمیل تعمدی شرایط زندگی بر یک گروه و یا گروههای نژادی که غرض از آن نابودی تمام یا قسمتی از گروه و یا گروههای مزبور باشد.

ج - هرگونه اقدامات قانونی و یا اقدامات دیگر که منظور از آنها بازداشتن گروه و یا گروههایی از

مشارکت در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور ایجاد تعمدی شرایطی جهت جلوگیری از توسعه یک چنین گروه یا گروههایی بخصوص با محروم کردن اعضای یک گروه و یا گروههای نژادی از حقوق بشر و آزادیها شامل: حق کار، حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری مجاز، حق تحصیل، حق ترک و بازگشت به وطن، حق داشتن ملیت، حق آزادبودن در رفت و آمد یا اقامت، حق آزادی عقیده و بیان، حق آزادی تشکیل مجمع و یا انجمن مسالمت‌آمیز.

د ـ هرگونه اقدام در جمله اقدامات قانونی که منظور از آنها تقسیم جمعیت براساس مرزهای نژادی از طریق ایجاد جایگاهها و محله‌های جداگانه برای اعضاء گروه و یا گروههای نژادی، تحریم ازدواجهای مختلط در بین اعضای گروههای نژادی مختلف، سلب مالکیت ارضی از اعضای یک گروه یا گروههای نژادی باشد.

هـ ـ استثمار از نیروی کار اعضای گروههای نژادی بخصوص با تکلیف نمودن کار اجباری به آنان.

و ـ تعقیب و آزار سازمانها و اشخاصی که مخالف آپارتاید باشند، از طریق محروم نمودن آنان از حقوق و آزادیهای سیاسی.

ماده ۳ ـ مسؤولیت جزایی بین‌المللی، صرف نظر از انگیزه در مورد افراد و یا اعضای سازمانها، و مؤسسات و نمایندگان دولت اعم از اینکه در کشوری که این اقدامات انجام گردیده و یا در کشور دیگری اقامت دارند، طبق شرایط ذیل به اجرا گذارده می‌شود:

الف ـ ارتکاب شرکت در تحریک مستقیم و یا مواضعه در انجام اعمال ذکر شده در ماده ۲ این کنوانسیون.

ب ـ هم دستی مستقیم، تشویق و یا همکاری در ارتکاب جنایت آپارتاید.

ماده ۴ ـ کشورهای طرف قرارداد این کنوانسیون تعهد می‌نمایند:

الف ـ تدابیر قانونی و یا تدابیر ضروری به منظور منع و همچنین جلوگیری از هرگونه تشویق جنایت آپارتاید و یا سیاستهای مشابه جدایی نژادطلبی و یا مظاهر آن تصویب نمایند، اشخاصی را که مرتکب این جنایت گردیده‌اند مجازات نمایند.

تصویب تدابیر قانونی، قضایی و اجرایی برای تعقیب، محاکمه و مجازات افراد مسؤول و یا متهم به اعمالی که در ماده ۲ این کنوانسیون تعریف گردیده است بر طبق صلاحیت خود، خواه این افراد در قلمرو کشوری که در آنجا این اعمال را مرتکب گردیده‌اند سکنی داشته باشند یا اتباع آن دولت و یا دولت دیگری بوده و یا فاقد تابعیت باشند.

ماده ۵ ـ افراد متهم به ارتکاب اعمالی که در ماده ۲ این کنوانسیون بیان گردیده است، ممکن است توسط دادگاه ذی صلاح هر کشور طرف این کنوانسیون که در مورد شخص متهم دارای صلاحیت قضایی دولت، محاکمه و یا توسط دیوان کیفری بین‌المللی از سوی آن کشورهای طرف که صلاحیت آن را پذیرفته‌اند محاکمه شوند.

ماده ۶ ـ کشورهای طرف این کنوانسیون تعهد می‌نمایند که تصمیمات اتخاذ شده توسط

شورای امنیت راکه هدفش جلوگیری، منع و مجازات جنایت آپارتاید است طبق منشور سازمان ملل متحد قبول و اجرا نمایند و در اجرای تصمیمات اتخاذ شده توسط دیگر ارگانهای ذی صلاح سازمان ملل به منظور نیل به مقاصد این کنوانسیون، همکاری نمایند.

ماده ۷ ـ ۱ ـ کشورهای طرف این کنوانسیون تعهد می‌نمایند که گزارشهای ادواری در مورد تدابیر قانونی، قضایی، اجرایی و یا تدابیر دیگری که تصویب نموده‌اند به گروهی که بر طبق ماده ۹ این کنوانسیون تشکیل شده است تسلیم نمایند و مقررات این کنوانسیون را به مورد اجرا گذارند.

۲ ـ نسخی از این گزارشها توسط دبیرکل سازمان ملل متحد به کمیته ویژه آپارتاید ارسال خواهد شد.

ماده ۸ ـ هر کشور طرف این کنوانسیون می‌تواند از هر رکن ذی صلاح سازمان ملل درخواست نمایند، به منظور جلوگیری و منع جنایت آپارتاید بر طبق منشور ملل متحد هر اقدامی را که مقتضی می‌داند به عمل آورد.

ماده ۹ ـ ۱ ـ رییس کمیسیون حقوق بشر باید گروهی متشکل از ۳ عضو کمیسیون حقوق بشری که در ضمن از نمایندگان کشورهای طرف این کنوانسیون نیز به شمار می‌آیند، تعیین خواهد نمود تا کلیه گزارشهایی را که کشورهای طرف این کنوانسیون بر طبق ماده ۷ ارایه می‌نماید مورد رسیدگی قرار می‌دهند.

۲ ـ اگر در بین اعضای کمیسیون حقوق بشر نمایندگانی از کشورهای طرف این کنوانسیون وجود نداشته باشد و یا اگر تعداد این نمایندگان کمتر از سه نفر باشد، در آن صورت دبیرکل سازمان ملل بعد از مشورت با کلیه کشورهای طرف این کنوانسیون، نماینده و یا نمایندگانی از کشورهای طرف این کنوانسیون که از اعضای کمیسیون حقوق بشر هستند تعیین خواهد کرد تا در کار گروهی که برطبق بند یک این ماده تشکیل شده است شرکت نمایند تا آن هنگام که نمایندگان کشورهای طرف این کنوانسیون به عضویت کمیسیون حقوق بشر انتخاب شدند.

۳ ـ این گروه می‌تواند قبل از شروع یا بعد از پایان جلسه کمیسیون حقوق بشر در طی مدتی که بیش از ۵ روز نخواهد بود تشکیل جلسه دهد تا کلیه گزارشهای ارایه شده طبق ماده ۷ را بررسی نماید.

ماده ۱۰ ـ ۱ ـ کشورهای طرف قرارداد این کنوانسیون به کمیسیون حقوق بشر این اختیار را می‌دهند که:

الف ـ از ارگانهای سازمان ملل درخواست نماید، در هنگام ارسال نسخ دادخواستها طبق ماده ۱۵ کنوانسیون بین‌المللی در مورد ریشه‌کن کردن کلیه اشکال نژادپرستی توجه آن را به شکایات مربوط به اعمالی که در ماده ۶ این کنوانسیون ذکر گردیده است، نیز جلب نمایند.

ب ـ این کنوانسیون، تهیه فهرستی از افراد، سازمانها، مؤسسات و نمایندگان دولتها، که ادعا شده است مسؤول جنایت عنوان شده در ماده ۲ این کنوانسیون می‌باشند و همچنین آنهایی که توسط

کشورهای طرف این کنوانسیون اقدامات قضایی در مورد آنها به عمل آمده است براساس گزارشهای ارکان ذی صلاح ملل متحده گزارشهای ادواری ارایه شده توسط کشورهای طرف این کنوانسیون.

ج ـ درخواست اطلاعات از ارکان ذی صلاح سازمان ملل در مورد اقدامات اتخاذ شده توسط مقامات مسؤول اداره سرزمینهای تحت قیمومیت وزیر خودمختار و کلیه سرزمینهای دیگری که قطعنامه شماره ۱۵۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مجمع عمومی سازمان ملل شامل آنان می‌گردد و درباره آن افرادی که ادعا شده است مسؤول جنایتهای مذکور در مادهٔ ۲ کنوانسیون بوده و به نظر می‌رسد که تحت صلاحیت اداری و سرزمینی آن می‌باشند.

۲ ـ تا زمان نیل به مقاصد اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار، مندرج در قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل مقررات این کنوانسیون، به هیچ وجه حق تسلیم دادخواست که توسط دیگر اسناد بین‌المللی و یا سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن اعطاء گردیده است، محدود نخواهد کرد.

ماده ۱۱ ـ ۱ ـ اعمالی که در ماده ۲ این کنوانسیون ذکر گردیده است نباید از لحاظ استرداد مجرمین جرم سیاسی تلقی گردد.

۲ ـ کشورهای طرف این کنوانسیون تعهد می‌نمایند که در چنین مواردی طبق قوانین خود و معاهدات معتبر، اجازه استرداد مجرمین را بدهند.

ماده ۱۲ ـ اختلافات بین کشورهای طرف قرارداد این کنوانسیون در مورد تفسیر موارد اجرا و اجرای این کنوانسیون از طریق مذاکره نیز حل و فصل نشده باشد باید براساس درخواست کشورهای طرف اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع گردد به غیر از مواردی که طرفین این اختلاف در مورد حل و فصل اختلاف به نحوه دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۱۳ ـ این کنوانسیون برای امضاء توسط همه کشورها مفتوح می‌باشد، هر کشوری که این کنوانسیون را قبل از به اجرادرآمدن امضاء نکند، می‌تواند بعداً به آن ملحق شود.

ماده ۱۴ ـ ۱ ـ کنوانسیون حاضر موکول به تصویب می‌باشد. اسناد تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل تودیع خواهد شد.

۲ ـ الحاق به کنوانسیون از طریق توابع اسناد الحاق نزد دبیرکل ملل متحد صورت خواهد گرفت.

ماده ۱۵ ـ ۱ ـ کنوانسیون حاضر سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل، نافذ خواهد بود.

۲ ـ در مورد هر کشوری که کنوانسیون حاضر از این پس از تودیع بیست سند تصویب یا الحاق، مورد تصویب قرارداد و یا به کنوانسیون ملحق شده، این کنوانسیون به روز پس از تاریخی که دولت مزبور سند تصویب یا الحاق خود را تودیع کرده است، قابلیت اجراء خواهد کرد.

ماده ۱۶ ـ کشور عضو ممکن است طی تذکاریه کتبی به دبیرکل ملل متحد، کناره‌گیری خود را از

کنوانسیون اعلام نماید این کناره‌گیری یک سال بعد از تاریخ دریافت اخطاریه توسط دبیرکل سازمان ملل به اجراء درخواهد آمد.

ماده ۱۷ ـ ۱ ـ هرگونه درخواست به منظور اصلاح این کنوانسیون می‌تواند در هر زمان توسط هر کشور عضو، طی تذکاریه کتبی خطاب به دبیرکل سازمان ملل، صورت گیرد.

۲ ـ اگر قرار باشد اقداماتی در مورد یک چنین تقاضایی صورت گیرد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد آنها اتخاذ تصمیم خواهند نمود.

ماده ۱۸ ـ دبیرکل سازمان ملل باید موارد ویژه ذیل را به اطلاع کشورهای عضو برساند:

۱ ـ امضاء تصویب، الحاق طبق مواد ۱۳ و ۱۴

۲ ـ تاریخ به اجراء درآمدن کنوانسیون طبق ماده ۱۵

۳ ـ کناره‌گیری طبق ماده ۱۶

۴ ـ تذکاریه طبق ماده ۱۷

ماده ۱۹ ـ ۱ ـ کنوانسیون حاضر که متنهای چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی، اسپانیول آن به طور یکسان معتبر می‌باشد، در بایگانیهای سازمان ملل متحد توديع خواهد شد.

۲ ـ دبیرکل سازمان ملل فسخ گواهی شده این کنوانسیون را به تمام کشورها ارسال خواهد داشت.

موافقتنامه مصونیتها و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی[1]

مورخه ۱۵ مه ۱۹۷۶ برابر با ۲۵ خرداد ۱۳۵۵

در خصوص مزایا و مصونیتهای سازمان کنفرانس اسلامی مصوب هفتمین کنفرانس وزرای امور خارجه دولتهای اسلامی که از تاریخ ۱۳ تا ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۹۶ هجری قمری (مطابق با ۱۵ ـ ۱۲ مه ۱۹۷۶ میلادی) در استامبول تشکیل گردید.

نظر به اینکه ماده (۸) ۶ منشور سازمان کنفرانس اسلامی مقرر می‌دارد «با توجه به توافق حاصل در مورد مزایا و مصونیتهایی که توسط کنفرانس تصویب خواهد گردید:

الف ـ کنفرانس به نمایندگی از دول عضو از اهلیت حقوقی، مزایا و مصونیتهایی که برای انجام وظایف و ایفای هدفهای خود نیاز دارد برخوردار خواهد بود.

ب ـ نمایندگان دول عضو از مزایا و مصونیتهایی که برای انجام وظایف خود نیاز دارند برخوردار خواهند گردید.

ج ـ کارمندان کنفرانس از مزایا و مصونیتهای لازم برای اجرای وظایف خود طبق نظر کنفرانس بهره‌مند خواهند شد.

---

۱ ـ روزنامه رسمی ۹۷۷۵ مورخه ۱۳۵۷/۴/۱۴

علی هذا نظر به لزوم تعیین حدود و انواع مزایا و مصونیتهای مقرر در منشور و نیز تعیین هدفها و موارد اجرای آن به منظور تسهیل در فعالیتهای سازمان، هفتمین کنفرانس وزیران امور خارجه دولتهای اسلامی که از تاریخ ۱۳ تا ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۹۶ هجری قمری (مطابق با ۱۲ تا ۱۵ مه ۱۹۷۶) در استامبول تشکیل گردید کنوانسیون زیر را تصویب نمود:

فصل اول: شخصیت حقوقی

ماده ۱ ـ سازمان کنفرانس اسلامی در خصوص امور ذیل دارای شخصیت حقوقی خواهد بود و برای انجام اقدامات زیر اهلیت خواهد داشت:

الف ـ تحصیل و واگذاری اموال منقول و غیر منقول.

ب ـ انعقاد قرارداد.

ج ـ اقامه دعوی در محاکم قضایی.

فصل دوم: اموال و دارایی

ماده ۲ ـ سازمان کنفرانس اسلامی و اموال و دارایی آن در هر مکان و موقعیت از مصونیت قضایی برخوردار خواهد بود مگر آنکه دبیرکل سازمان صراحتاً از مصونیت صرف نظر نماید. مع‌الوصف تفاهم حاصل است که سلب مصونیت در مورد اقدامات اجرایی مجری نخواهد بود.

ماده ۳ ـ محلهای مسکونی سازمان کنفرانس اسلامی از تعرض مصون خواهد بود و اموال و دارایی آن در هر مقام از بازجویی و ضبط و توقیف، سلب مالکیت یا هرنوع مداخله یا اقدام اجرایی مصونیت خواهد داشت.

ماده ۴ ـ آرشیوهای سازمان کنفرانس اسلامی و کلیه اسناد متعلق به سازمان یا اسنادی که در اختیار سازمان قرار دارد از تعرض مصون خواهد بود.

ماده ۵ ـ سازمان می‌تواند:

۱ ـ وجوهی به صورت مسکوک طلا یا هرنوع ارز دیگر نگهداری نماید و طبق قوانین و مقررات جاری دولتهای عضو با هر نوع ارز عملیات پولی انجام دهد.

۲ ـ وجوه خود را اعم از طلا یا ارز از کشوری به کشور دیگر یا در داخل یک کشور از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل نماید یا آنها را به هر ارزی که مایل است تبدیل کند.

مع هذا سازمان نمی‌تواند برخلاف قوانین جاری در قلمرو یک دولت ارزی را که مورد محدودیت خاصی قرار گرفته بیش از میزانی که به قلمرو آن دولت وارد کرده است از آن خارج نماید.

ماده ۶ ـ سازمان موظف است در اجرای حقوقی که به موجب ماده فوق برای او شناخته شده به توصیه‌ها و پیشنهادهای دول عضو توجه کند مشروط بر آنکه توصیه‌های مذکور مغایر با منافع و مصالح سازمان و دولتهای عضو نباشد.

ماده ۷ ـ سازمان کنفرانس اسلامی و اموال و داراییهای منقول و غیر منقول آن از معافیتهای زیر

برخوردار خواهد بود:

الف ـ معافیت از مالیاتهای مستقیم بجز عوارضی که برای خدمات عمومی اخذ می‌گردد.

ب ـ معافیت از عوارض گمرکی، ممنوعیتها و محدودیتهای وارداتی و صادراتی نسبت به کالاهای مورد نیاز رسمی سازمان، کالاهایی که تحت این معافیتها به کشوری وارد می‌شود جز با موافقت دولت مربوطه در آن کشور قابل فروش نخواهد بود.

ج ـ معافیت از عوارض گمرکی و محدودیتها و ممنوعیتهای وارداتی و صادراتی نسبت به انتشارات سازمان.

فصل سوم: تسهیلات ارتباطی

ماده ۸ ـ سازمان کنفرانس اسلامی در قلمرو هریک از دولتهای عضو از نظر ارتباطات رسمی خود حداقل از همان مزایا و تسهیلاتی که یک دولت عضو نسبت به دولت دیگر من جمله نمایندگی سیاسی آن در مورد حق اولویت و استفاده از نرخهای ویژه و معافیتهای مالیاتی در مورد پست و تلگراف و پیامهای رادیویی و تلفنی و سایر وسایل مخابراتی و نرخهای مطبوعاتی مربوط به پخش خبر از رادیو و درج در مطبوعات قایل می‌شود برخوردار خواهد گردید.

ماده ۹ ـ سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند از علایم رمز استفاده نماید و مراسلات خود را از طریق پیک یا کیسه دیپلمات انجام دهد در این صورت پیک و کیسه سازمان از مزایا و مصونیتهای پیکها و کیسه‌های دیپلماتیک برخوردار خواهد بود.

فصل چهارم: نمایندگان دول عضو

ماده ۱۰ ـ نمایندگان دول عضو در ارگانها و کنفرانسهای اصلی و فرعی سازمان حین انجام وظایف رسمی و طی مدت مسافرت به محل تشکیل جلسه و مراجعت از آن، از مزایا و مصونیتهای زیر برخوردار خواهند گردید:

الف ـ مصونیت شخص آنها از توقیف و بازداشت و مصونیت اثاثه آنها از ضبط و مصادره.

ب ـ مصونیت قضایی نسبت به اظهارات کتبی و شفاهی و اعمالی که در اجرای وظایف رسمی خود انجام می‌دهند.

ج ـ مصونیت از تعرض نسبت به کلیه اوراق و اسناد متعلق به آنها.

د ـ حق دریافت علایم رمز و دریافت اوراق و مکاتبات توسط پیک یا کیسه ممهور.

هـ معافیت خود و همسران آنها از محدودیتهای مربوط به مهاجرت و ثبت نام اتباع بیگانه و خدمات ملی اجباری در کشوری که برای انجام وظایف از آن دیدار یا عبور می‌کنند.

و ـ تسهیلاتی که برای نمایندگان دولتهای خارجی که دارای مأموریت موقت می‌باشند در مورد قوانین مربوط به ارز و مبادلات ارزی وجود دارد.

ز ـ مصونیتها و تسهیلاتی که در مورد اثاثه شخصی به فرستادگان سیاسی اعطا می‌گردد.

ح ـ مصونیتها و تسهیلات دیگر که به فرستادگان سیاسی اعطا می‌گردد به شرط آنکه مغایر با مقررات فوق‌الذکر نباشد.
این مزایا شامل معافیت از حقوق و عوارض گمرکی نسبت به کالاهای وارده توسط افراد مذکور به جز وسایل شخصی آنها نخواهد بود.

ماده ۱۱ ـ نمایندگان دولتهای عضو در ارگانهای اصلی و فرعی سازمان کنفرانس اسلامی و در کنفرانسهایی که توسط سازمان تشکیل می‌گردد نسبت به اظهارات شفاهی و کتبی خود در اجرای وظایفشان به عنوان نماینده دولت متبوع در ارگانهای سازمان کنفرانس اسلامی از مصونیت قضایی برخوردار خواهند بود و این مصونیت پس از اتمام دوره نمایندگی نیز شامل افراد مذکور خواهد گردید.

ماده ۱۲ ـ دوران اقامت نمایندگان هریک از دولتهای عضو در قلمرو سایر دولتهای عضو به منظور فعالیت در ارگانهای اصلی و فرعی سازمان یا در کنگره‌های سازمان کنفرانس اسلامی از نظر مقررات مالیاتی به عنوان دوره اقامت در یک کشور تلقی نخواهد شد.

ماده ۱۳ ـ مزایا و مصونیتهای اعطایی به نمایندگان دول عضو منحصراً به منظور تأمین استقلال در انجام وظایف رسمی بوده و در جهت منافع شخصی آنها به‌کار نخواهد رفت.
علی هذا دولتهای عضو موظفند در مواردی که مصونیتهای مذکور به نمایندگان آنها مانع اجرای عدالت گردد از نماینده خود سلب مصونیت نمایند مشروط بر اینکه سلب مصونیت لطمه‌ای به هدف منظور از اعطای آن وارد نیاورد.

ماده ۱۴ ـ مقررات مواد ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ بین نماینده و مقامات دولتی که نماینده تبعه آن است یا به نمایندگی آن دولت عمل می‌کند جز با موافقت دولت مربوطه مجری نخواهد بود.

ماده ۱۵ ـ اصطلاح «نماینده» در این فصل شامل عموم نمایندگان دول عضو و معاونان و مشاورین آنها و کارشناسان و اعضای دبیرخانه نمایندگیها خواهد بود.

ماده ۱۶ ـ نمایندگان دایمی دولتهای عضو در دورانی که به عنوان نماینده دولت متبوع خود در ارگانهای سازمان فعالیت می‌کنند از مزایا و مصونیتهای فرستادگان سیاسی برخوردار خواهند گردید.

ماده ۱۷ ـ اسامی نمایندگان دول عضو و نمایندگان دایم و اعضای کمیته‌های دایمی توسط دبیرکل به اطلاع دولتهای عضو خواهد رسید.

فصل پنجم: کارمندان

ماده ۱۸ ـ کنفرانس اسلامی بنا به پیشنهاد دبیرکل، کارمندان و مأموران سازمان را که مشمول مقررات ماده ۱۹ و مواد فصل هفتم می‌باشند طبقه‌بندی خواهد کرد و دبیرکل هر چند یک بار فهرستی از اسامی کارمندان مذکور را همراه با ذکر وظایف هریک جهت دولتهای عضو ارسال خواهد نمود.

ماده ۱۹ ـ ۱ ـ کارمندان دبیرخانه کل بدون توجه به تابعیتشان از مزایا و مصونیتهای زیر برخوردار خواهند گردید:
الف ـ مصونیت قضایی نسبت به اظهارات کتبی و شفاهی و کلیه اقداماتی که در اجرای وظایف رسمی خود به عمل می‌آورند.
ب ـ معافیت از مالیات حقوق و فوق‌العاده‌ای که توسط سازمان به آنها پرداخت شده یا پرداخت خواهد شد.
ج ـ کارمندان سازمان به استثنای کارکنان تبعه دولت مقر دبیرخانه همچنین از مزایای زیر بهره‌مند می‌گردند:
۱ ـ معافیت از تضییقات مربوط به مهاجرت و تشریفات ثبت نام خارجیان نسبت به خود و همسر و افراد تحت تکفل آنها.
۲ ـ تسهیلات ارزی که برای فرستادگان سیاسی هم رتبه آنها قایل می‌شوند.
۳ ـ تسهیلاتی که در هنگام بروز بحرانهای بین‌المللی برای بازگشت فرستادگان سیاسی به میهن وجود دارد.
۴ ـ معافیت از پرداخت عوارض گمرکی نسبت به مبلمان و لوازم شخصی ظرف یک سال از تاریخ احراز پست در کشور مورد نظر.
ماده ۲۰ ـ دبیرکل و معاونین او و سایر کارمندان عالیرتبه سازمان و همچنین همسر و فرزندان صغیرشان علاوه بر مزایا و مصونیتهای مذکور در دو ماده قبل از همان مزایا و مصونیتهایی که طبق قوانین بین‌المللی بر هریک از مأمورین سیاسی طبق مقامشان اعطا می‌شود برخوردار خواهند گردید.
ماده ۲۱ ـ مزایا و مصونیتهای ناشی از این موافقتنامه برای حفظ منافع سازمان و حسن اجرای وظایف کارمندان است و چنانچه دبیرکل سازمان احساس کند که در موارد خاصی مصونیت اعطایی مانع از اجرای عدالت می‌گردد و سلب آن لطمه‌ای به منافع سازمان وارد نخواهد کرد حق دارد و موظف است مصونیت کارمندان دبیرخانه کل را که مشمول ماده قبل نمی‌گردد سلب نماید لیکن در مورد کارمندان مذکور در ماده فوق‌الذکر سلب مصونیت منوط به موافقت کنفرانس خواهد بود.
ماده ۲۲ ـ سازمان به منظور تسهیل در حسن اجرای عدالت و تأمین رعایت مقررات پلیس و جلوگیری از هرنوع سوء استفاده از مزایا و مصونیتهای مذکور در فصل حاضر در کلیه موارد با مقامات مربوطه دولتهای عضو همکاری خواهد نمود.

فصل ششم: کارشناسان

ماده ۲۳ ـ کارشناسانی که از طرف سازمان به انجام مأموریتی منصوب می‌شوند (به استثنای کارمندان مشمول مقررات فصل پنجم) در اجرای قطعنامه‌ای که توسط کنفرانس اتخاذ خواهد

شد از مزایا و مصونیتهای لازم برای اجرای وظایف خود بویژه مزایا و مصونیتهای زیر برخوردار خواهند گردید:

الف ـ شخص آنها از توقیف و بازداشت مصون خواهند بود و اثاثه شخصی آنها بجز در موارد استثنایی که از طرف دولت مربوطه با مشورت دبیرکل سازمان تعیین می‌شود از ضبط و توقیف مصونیت خواهد داشت.

ب ـ مصونیت قضایی نسبت به اظهارات کتبی و شفاهی و اعمالی که در اجرای وظایف رسمی خود به عمل می‌آورند. این مصونیت پس از خاتمه مأموریت همچنان محفوظ خواهد بود.

ج ـ مکاتبات و اسناد سازمان از تعرض مصون خواهد بود.

د ـ برخورداری از تسهیلات ارزی که نمایندگان دولتهای خارجی در مأموریت موقت طبق قوانین و مقررات جاری دولت مربوط از آن استفاده می‌کنند.

هـ برخورداری از مصونیتها و مزایایی که در مورد اثاثه شخصی به مأموران سیاسی اعطا می‌گردد.

و ـ مصونیت شخص آنها و همسر و فرزندانشان از تضییقات مهاجرت و ثبت نام بیگانگان و الزامات مربوط به خدمات ملی.

ماده ۲۴ ـ مزایا و مصونیتهای اعطایی به کارشناسان برای حفظ منافع سازمان است و چنانچه دبیرکل احساس کند که در مورد خاصی مصونیت اعطایی مانع از اجرای عدالت می‌گردد و سلب آن لطمه‌ای به منافع سازمان وارد نخواهد ساخت حق دارد و موظف است مصونیت کارشناس را سلب نماید.

فصل هفتم: برگ عبور

ماده ۲۵ ـ دبیرخانه کل سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند برای کارمندان خود برگ عبور صادر نماید. این برگها توسط دولتهای عضو با رعایت مقررات دو ماده ذیل به عنوان اسناد معتبر مسافرت شناخته خواهد شد.

ماده ۲۶ ـ برای دارندگان برگ عبور (لسه پاسه) بنا به تقاضای دبیرکل روادید لازم صادر خواهد گردید و در آن قید خواهد شد که دارنده، کارمند دبیرخانه بوده و برای انجام مأموریت رسمی مسافرت می‌نماید.

ماده ۲۷ ـ صدور روادید برای افراد فوق‌الذکر در اسرع وقت ممکن صورت خواهد گرفت و تسهیلات دیگری نیز از نظر تسریع در امر مسافرت برای آنها منظور خواهد شد.

ماده ۲۸ ـ تسهیلات مذکور در ماده ۲۷ درباره کارمندان و کارشناسانی که فاقد برگ عبور از طرف سازمان باشند به عمل خواهد آمد لیکن بایستی واجد گواهینامه‌ای دال بر مسافرت رسمی آنها از طرف سازمان باشند.

فصل هشتم: حل اختلافات

ماده ۲۹ ـ سازمان کنفرانس اسلامی به منظور حل و فصل مسایل زیر به تأسیس یک ارگان مبادرت خواهد نمود:

الف ـ اختلافات ناشی از قرارداد یا سایر مسایل حقوق خصوصی که سازمان در آن طرفیت داشته باشد.

ب ـ اختلافات مربوط به کارمندان سازمان که به دلیل سمت رسمی از مصونیت برخوردارند و از آنها سلب مصونیت نشده است.

مقررات نهایی

ماده ۳۰ ـ هیچ یک از مقررات این موافقتنامه لطمه‌ای به اختیارات دول عضو برای اتخاذ تدابیر مقتضی در جهت حفظ تمامیت سرزمین خود و برقراری امنیت و نظم عمومی وارد نخواهد ساخت. دولتی که به اتخاذ این گونه تدابیر مبادرت می‌نماید در اسرع وقت برای حصول توافق نسبت به اقدامات لازم جهت حفظ منافع سازمان با دبیرخانه کل تماس حاصل خواهد نمود.

ماده ۳۱ ـ مصونیتهای صریح یا ضمنی ناشی از این موافقتنامه منحصراً مصونیت اداری است و جنبه شخصی ندارد.

ماده ۳۲ ـ دبیرکل کنوانسیون حاضر را برای الحاق جهت دولتهای عضو خواهد فرستاد.

این کنوانسیون برای هر دولت عضو از تاریخ سپردن سند الحاق نزد دبیرکل لازم‌الاجراء خواهد گردید و دبیرکل کلیه دولتهای عضو را از سپردن سند الحاق توسط هر دولت مطلع خواهد نمود.

ماده ۳۴ ـ الحاق هر دولت عضو به کنوانسیون حاضر به مفهوم آن است که کلیه تشریفات مربوط به تصویب موافقتنامه توسط آن دولت انجام یافته و موافقتنامه حاضر جزء لاینفک قوانین دولت مذکور گردیده است.

ماده ۳۵ ـ این کنوانسیون برای هریک از دولتهای ملحق شونده مادام که آن دولت در عضویت سازمان می‌باشد معتبر خواهد بود.

ماده ۳۶ ـ سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند برای اجرای صحیح مقررات این کنوانسیون در قلمرو دولتهای عضو به انعقاد موافقتنامه‌های تکمیلی مبادرت نماید.

قانون مجازات مرتکبین جنحه و جنایت علیه کشورهای خارجی[۱]

مصوب ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۵۰

ماده واحده ـ هیأت وزیران می‌تواند تمام یا قسمتی از مقررات مربوط به جنحه و جنایت علیه امنیت کشور مذکور در قوانین کیفری را که در داخل کشور علیه کشورهای دیگر ارتکاب یابد به شرط معامله متقابل قابل اجرا اعلام نماید.

قانون راجع به استرداد مجرمین[۲]

مصوب ۱۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۹

فصل اول: شرایط استرداد

ماده ۱ ـ در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنانچه قراردادی منعقد نشده و یا اگر منعقد گردیده حاوی تمام نکات لازم نباشد استرداد طبق مقررات این قانون به شرط معامله متقابله به عمل خواهد آمد.

ماده ۲ ـ استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع خواهد گردید که شخص مورد تقاضا به اتهام یکی از جرایم مذکور در این قانون مورد تعقیب کیفری قرارگرفته یا محکوم شده باشد.

ماده ۳ ـ دولت ایران می‌تواند بنا بر درخواست دول خارجه افراد غیر ایرانی را که در قلمرو دولت ایران اقامت دارند در صورت وجود شرایط زیر به دولت تقاضاکننده تسلیم نماید:

۱ ـ جرم ارتکابی در قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیلهٔ اتباع آن دولت و یا دولت دیگر واقع شده باشد.

۲ ـ جرم ارتکابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیلهٔ اتباع آن دولت واقع شده باشد.

۳ ـ جرم ارتکابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیلهٔ شخصی غیر از اتباع آن دولت واقع شده باشد.

مشروط بر اینکه جرم ارتکابی مضر به مصالح عمومی کشور تقاضاکننده باشد.

ماده ۴ ـ درخواست رد یا قبول استرداد با رعایت مقررات مذکور در مادتین دوم و سوم این

---

۱ ـ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۷۸۲۰ مورخ ۵۰/۹/۱۳ (صفحه ۶۱۶ مجموعه قوانین سال ۱۳۵۰).

۲ ـ منتشره در روزنامه رسمی شمارهٔ ۴۴۷۲ مورخ ۳۹/۴/۱ (صفحات ۱۰۰ ـ ۹۵ مجموعه قوانین سال ۱۳۳۹).

قانون فقط در مورد جرایم زیر ممکن است:

۱ ـ در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنایی باشد.

۲ ـ در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنحه باشد مشروط بر اینکه حداکثر مجازات مقرر در قانون کمتر از یک سال حبس نباشد در مورد کسانی که محکومیت یافته‌اند استرداد در صورتی ممکن است که مدت محکومیت بیشتر از دو ماه حبس باشد.

در تمام موارد مذکور در این ماده استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع می‌شود که عمل ارتکابی طبق قوانین ایران نیز مستلزم مجازاتهای جنایی و یا جنحه‌ای باشد.

ماده ۵ ـ در مواردی که شخص مورد تقاضا مرتکب چند جرم شده هرگاه حداکثر مجازاتی که طبق قانون دولت تقاضاکننده برای مجموع جرایم ارتکابی پیش‌بینی شده کمتر از یک سال حبس نباشد استرداد امکان پذیر خواهد بود.

ماده ۶ ـ هرگاه شخص مورد تقاضا قبلا به علت ارتکاب یکی از جرایم عمومی به بیش از دو ماه حبس محکوم شده و بعداً مرتکب جنحه یا جنایتی شود استرداد امکانپذیر است هرچند مجازاتی که به موجب قانون برای جرم بعدی مقرر گردیده کمتر از یک سال حبس باشد و یا محکومیتی که به سبب ارتکاب جرم تعدی یافته کمتر از دو ماه حبس باشد.

ماده ۷ ـ شروع به ارتکاب جرم از لحاظ استرداد مشمول مقررات مذکور در این قانون خواهد بود.

ماده ۸ ـ در موارد زیر استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد:

۱ ـ هرگاه شخص مورد تقاضا ایرانی باشد.

۲ ـ هرگاه جرم ارتکابی از جرایم سیاسی بوده و یا از اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده است.

در مورد اختلافات و جنگهای داخلی استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد مگر آنکه اعمالی که ارتکاب یافته وحشیانه و یا مخالف مقررات جنگ باشد که در این صورت استرداد پس از خاتمه جنگهای داخلی قابل قبول خواهد بود.

سوء قصد به حیات افراد در هیچ مورد جرم سیاسی محسوب نخواهد شد.

۳ ـ هرگاه جرم ارتکابی در داخل قلمرو دولت ایران ارتکاب یافته و یا اگر در خارج آن واقع شده مرتکب در ایران مورد تعقیب و یا محکوم گردیده باشد.

۴ ـ هرگاه جرم ارتکابی از جرایم نظامی باشد.

۵ ـ هرگاه طبق قانون دولت ایران یا قانون دولت تقاضاکننده تعقیب یا مجازات مشمول مرور زمان شده و یا به جهتی از جهات قانونی شخص مورد تقاضا طبق قانون دولت تقاضاکننده قابل تعقیب یا مجازات نباشد.

ماده ۹ ـ هرگاه چند دولت تقاضای رد مجرمی را به علت ارتکاب عمل واحدی بنمایند شخص مورد تقاضا به دولتی تسلیم می‌شود که جرم در قلمرو آن دولت یا علیه مصالح عمومی آن کشور ارتکاب یافته است.

ماده ۱۰ ـ هرگاه تقاضای رد از طرف چند دولت و به سبب ارتکاب جرایم متعددی شده باشد شخص مورد تقاضا به دولتی که حق تقدم خواهد داشت تسلیم می‌شود.

تبصره ـ حق تقدم در ماده ۹ و ۱۰ با توجه به اهمیت جرم و محل وقوع آن و تاریخ تقاضای رد و تعهدی که دول تقاضاکننده نسبت به رد مجدد مجرم می‌نمایند، معین خواهد شد.

ماده ۱۱ ـ هرگاه شخص مورد تقاضا در ایران مورد تعقیب قرار گرفته و یا محکوم شده باشد استرداد وقتی به عمل می‌آید که تعقیب کیفری یا اجرای مجازات خاتمه یافته باشد مع هذا دولت ایران می‌تواند شخص مورد تقاضا را موقتاً به دولت تقاضاکننده تسلیم نماید مشروط بر اینکه دولت تقاضاکننده متعهد شود پس از خاتمه رسیدگی او را به دولت ایران تسلیم نماید. احکام مذکور در این ماده در موردی نیز جاری است که شخص مورد تقاضا به علت امتناع از تأدیه دین توقیف شده است.

فصل دوم: ترتیب استرداد

ماده ۱۲ ـ تقاضای رد باید از طریق سیاسی از دولت ایران به عمل آید تقاضانامه مزبور باید متضمن حکم محکومیت یا قرار جلب به محاکمه یا توقیف یا دستور جلب یا هرگونه اسناد دیگری که دارای اعتبار مدارک مذکور است باشد و جریان اتهام و تاریخ وقوع جرم و کیفیات قضیه در آن قید گردد به علاوه دولت تقاضاکننده باید رونوشت مواد مورد استناد را ضمیمه تقاضانامهٔ استرداد بنماید.

ماده ۱۳ ـ تقاضانامهٔ استرداد از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال خواهد شد در صورتی که وزارت دادگستری استرداد را منطبق با مقررات این قانون تشخیص دهد پرونده امر را به دادسرای شهرستان محلی که شخص مورد تقاضا در آن محل سکونت دارد و یا اگر شخص مورد تقاضا محل سکونت معلومی نداشته باشد به دادسرای شهرستان تهران ارجاع خواهد نمود که در جلب و بازداشت او اقدام نمایند.

ماده ۱۴ ـ دادستان ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ بازداشت، تحقیقات لازمه را از شخص مورد تقاضا به عمل آورده، پس از تعیین هویت او و اعلام علت بازداشت، پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنحه ارسال می‌نماید.

ماده ۱۵ ـ دادگاه در جلسه‌ای خارج از نوبت موضوع را مورد رسیدگی قرار داده و پس از استماع اظهارات دادستان و مدافعات شخص مورد تقاضا رأی خود را مبنی بر قبول و یا عدم قبول استرداد صادر و مراتب را به وزارت دادگستری و دادستان اعلام خواهد نمود چنانچه رأی دادگاه بر رد استرداد باشد شخص بازداشت شده فوراً آزاد خواهد شد.

شخص بازداشت شده می‌تواند در موقع طرح پرونده در دادگاه وکیل یا مترجم برای خود انتخاب کرده و یا از دادگاه بخواهد که برای او وکیل یا مترجمی انتخاب نماید.

ماده ۱۶ ـ رأی دادگاه از طرف دادستان و شخص مورد تقاضا ظرف ده روز قابل پژوهش است.

ماده ۱۷ ـ رسیدگی پژوهشی در دادگاه استان در جلسه اداری و خارج از نوبت به عمل می‌آید مگر آنکه دادگاه حضور دادستان و یا شخص مورد تقاضا را برای اداء توضیحات لازم بداند. رأی دادگاه استان بر تأیید و یا فسخ رأی دادگاه جنحه قطعی و غیر قابل فرجام است و پس از صدور به وزارت دادگستری اعلام خواهد شد تا طبق مفاد آن اقدام شود.

ماده ۱۸ ـ چنانچه رأی قطعی مبنی بر قبول استرداد صادر شود وزارت دادگستری دستور اجرای آن را به دادستان صادر نموده و مراتب را به اطلاع وزارت امور خارجه خواهد رساند تا به دولت تقاضاکننده اعلام گردد.

چنانچه ظرف یک ماه از تاریخ اعلام وزارت امور خارجه از طرف مقامات دولت تقاضاکننده اقدامی در تحویل گرفتن شخص مورد تقاضا به عمل نیاید نامبرده فوراً آزاد شده و دیگر استرداد او به جهاتی که قبلاً تقاضا شده قبول نخواهد شد.

ماده ۱۹ ـ هرگاه شخص مورد تقاضا انصراف خود را از استفاده از مقررات این قانون اعلام نمود و رضایت دهد که به دولت تقاضاکننده تسلیم شود مراتب در پرونده امر قید و وزارت دادگستری نسبت به استرداد اقدام مقتضی به عمل خواهد آورد.

ماده ۲۰ ـ در موارد فوری دادستان شهرستان می‌تواند بنا بر درخواست مستقیم مراجع قضایی دولت تقاضاکننده شخص مورد تقاضا را بازداشت نماید مشروط بر اینکه ضمن تقاضای مزبور قید شده باشد که اوراق استرداد طبق ماده ۱۲ این قانون تنظیم و ارسال خواهد گردید.

تقاضای استرداد و ارسال اوراق باید از طریق سیاسی و در همان موقعی که درخواست بازداشت می‌شود به عمل آید.

ماده ۲۱ ـ در مواردی که دادستان طبق مقررات ماده ۲۰ اقدام به بازداشت شخص مورد تقاضا می‌نماید باید مراتب را فوراً به وزارت دادگستری اطلاع دهد.

ماده ۲۲ ـ چنانچه از تاریخ بازداشت شخص مورد تقاضا ظرف مدتهای مذکور در این ماده اوراق استرداد واصل نشود شخص بازداشت شده طبق دستور دادستان آزاد خواهد شد و چنانچه بعداً اوراق استرداد واصل شود مطابق مقررات این قانون عمل خواهد شد مدتهای مذکور برای ممالک همجوار ایران یک ماه و برای سایر ممالک دوماه خواهد بود.

ماده ۲۳ ـ شخصی راکه استرداد او مورد قبول واقع شده نمی‌توان به اتهام جرم دیگری که قبل از تاریخ استرداد مرتکب گردیده مورد تعقیب قرار داد یا مجازات نمود مگر با جلب رضایت دولت مستردکننده.

دولت ایران می‌تواند بنابر درخواست دولت تقاضاکننده رضایت خود را نسبت به تعقیب و یا

اجرای مجازات اعلام نماید هرچند جرم ارتکابی از جرایم مذکور در ماده ۴ این قانون نباشد.
ماده ۲۴ ـ در موارد مذکور در ماده قبل درخواست اعلام رضایت باید به ترتیب مذکور در ماده ۱۲ این قانون به عمل آید. رسیدگی به درخواست در دادگاهی که نسبت به استرداد اظهارنظر نموده به عمل خواهد آمد. دادگاه پس از رسیدگی به مدارک رأی خود را مبتنی بر موافقت یا عدم موافقت با درخواست اعلام می‌نماید رأی دادگاه در این مورد قطعی بوده و به ترتیب مذکور در این قانون به دولت درخواست‌کننده اعلام خواهد شد.
ماده ۲۵ ـ چنانچه دولتی بخواهد شخصی راکه از دولت دیگر استرداد نموده به طور ترانزیت از کشور ایران عبور دهد باید بدواً از طریق سیاسی از دولت ایران تحصیل اجازه نماید. اجازه عبور از طرف وزارت امور خارجه به شرط معامله متقابله داده خواهد شد.
ماده ۲۶ ـ هزینه استرداد و عبور به طور ترانزیت با دولت تقاضاکننده است.

قانون راجع به تعقیب جزایی مجرمین فراری از مناطق سرحدی مجاور ایران

مصوب ۱۷ مردادماه ۱۳۱۳[1]

ماده اول ـ مأمورین مربوطه سرحدی در حدود نظامنامه مصوبه هیأت دولت مجاز هستند در مواردی که شخص یا اشخاصی در منطقه سرحدی مملکت مجاور ایران مرتکب جنحه یا جنایتی شده به خاک ایران فرار نمایند.
بر طبق تقاضای مأمور سرحدی مملکت مجاور به شرط معامله متقابله و در صورت وجود دلایل و قراینی که اتهام آنها را به ارتکاب جنحه و یا جنایت تأکید کند آنها را توقیف احتیاطی نمایند تا تقاضای استرداد آنها مطابق مقررات معموله به عمل آید و اگر این تقاضا تا دو ماه از تاریخ توقیف به مقامات مربوطه واصل نگردد و یا دلایل اتهام به نظر مقامات مربوطه موجه نباشد شخص یا اشخاص توقیف شده آزاد خواهند شد.[2]
ماده دوم ـ مأمورین مربوطه سرحدی در حدود نظامنامه هیأت دولت مجاز هستند دعاوی و اختلافات بین اتباع ایران و اتباع مملکت مجاور راکه هردو در قراء سرحدی سکونت داشته باشند رسیدگی نموده قطع و فصل نمایند. اصول رسیدگی مطابق نظامنامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیأت دولت برسد.

---

۱ ـ منتشره در مجله رسمی شماره ۱۶۸۱ سال ۳۱۳ (صفحه ۲۵ مجموعه قوانین سال ۱۳۱۳) (صفحات ۲۶۰ و ۲۶۱ مجموعه دوره نهم قانونگذاری مجلس شورای ملی).
۲ ـ رجوع به قانون استرداد مجرمین

ماده سوم ـ حدود منطقه سرحدی را دولت معین خواهد کرد ولی در هیچ مورد نباید عرضاً از ۷۵ کیلومتر تجاوز نماید.

از قانون تشدید مجازات به کارگماردن اطفال کمتر از ۱۲ سال در کارگاههای فرشبافی[۱]

مصوب ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۴۷

ماده واحده ـ هرکس اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام را به هر عنوان در کارگاههای فرشبافی به‌کار گمارد به حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا یک سال و تأدیه غرامت از پنج هزار ریال تا ۵۰ هزار ریال محکوم خواهد شد.

در صورت تکرار مجازات مرتکب سه سال حبس جنحه‌ای و تأدیه سیصد هزار ریال غرامت می‌باشد.

کارگاههای موضوع ماده ۷ قانون کار مشمول این قانون نخواهند بود.[۲]

بخشنامه وزارت دادگستری در رابطه با نحوه تقاضای استرداد مجرمین

شماره ۷/۲۶۸۹ تاریخ ۱۳۴۸/۴/۱۷

پیرو بخشنامه شماره ۵۲۱/ح ۳۲۹۸ مورخ ۱۳۳۵/۲/۴ درباره نحوه تقاضای استرداد مجرمین ملاحظه می‌شود که بعضی از مراجع قضایی برای استرداد متهمین مستقیماً به پلیس بین‌المللی مراجعه می‌نمایند با توجه به قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ مراجعه به پلیس بین‌المللی جز برای کشف هویت و محل سکونت متهم یا مجرمین در خارج از کشور وجهه قانونی ندارد. تقاضای استرداد با کشورهایی که قراردادی منعقد شده در حدود آن قرارداد والا براساس اقدام متقابل به شرح قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ به عمل خواهد آمد. در صورت اخیر باید طبق ماده ۱۲ قانون مذکور مدارک زیر ماشین شده و در سه نسخه به اداره حقوقی ارسال گردد:

۱ ـ حکم محکومیت (در مورد محکومان) یا قرار و جلب به محاکمه یا قرار بازداشت متهم که به موافقت دادستان رسیده باشد.

---

۱ ـ منتشره در روزنامه رسمی شماره ۷۰۰۵ مورخ ۴۷/۱۲/۱۰ (صفحه ۴۹۵ مجموعه قوانین سال ۱۳۴۷).

۲ ـ **ماده ۷ قانون کار** ـ کارگاههای خانوادگی که در آن کار منحصراً به وسیله صاحب کار و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول انجام می‌شود مشمول مقررات این قانون نخواهند بود.

۲ـ خلاصه جامع و کاملی از جریان اتهام و دلایل موجود به امضای دادرس مربوط شامل تاریخ وقوع جرم و کیفیات قضیه و نشانی و مشخصات کامل متهم یا محکوم در کشور خارجی در صورت امکان عکس او.

۳ـ رونوشت مواد استنادی از روی قانون مجازات عمومی یا قوانین دیگر.

مدارک بالا پس از ترجمه رسمی از طریق وزارت امور خارجه تسلیم کشور محل اقامت متهم یا محکوم خواهد شد.

بخشنامه وزارت دادگستری در رابطه با نحوه تهیه و تنظیم اوراق و اسناد راجع به استرداد متهمین

شماره ۳۲۹۸/ح/۵۲۱ تاریخ ۱۳۳۵/۲/۴

در مواردی که استرداد متهمین ضرورت دارد در نحوه تهیه و تنظیم اوراق و اسناد راجع به استرداد از طرف دادسراها نواقصی مشاهده می‌شود که موجب تأخیر در امر استرداد و باعث آن می‌گردد که توقیف متهمین بیش از مدت مقرر در قراردادهای استرداد در خارج کشور متعاهد ادامه یابد که در نتیجه منجر به رفع توقیف از آنان می‌گردد لزوماً متذکر می‌گردد که شعب بازپرسی با دخالت دادستان باید اوراقی که حاوی هر متهم (نام و نام خانوادگی ـ نام پدر ـ سن ـ مشخصات و علایم از هیکل و چهره لدی‌الاقتضاء ضمیمه‌نمودن عکس و اثر انگشت متهم) شغل ـ اقامتگاه متهم در ایران سکونت فعلی در کشور بیگانه (در حدود امکان مشخصات کامل محل از قبیل شهر و خیابان و غیره) بیان نوع جرم و تاریخ و محل وقوع آن ذکر ماده قانونی که در کشور ایران جرم منطبق با آن است متن قرار توقیف با ذکر موافقت دادستان که به امضاء و مهر بازپرس و دادستان مربوطه رسیده باشد به انضمام رونوشت مصدق هرگونه اسناد و مدارکی که وقوع جرم و یا انتساب آن را به متهم محرز می‌دارد از قبیل صورتجلسات معاینه اجساد و گزارش ضابطین عدلیه و گواهی گواهان و نحوه آن کار هریک در سه نسخه تهیه نموده و به اداره حقوقی وزارت دادگستری ارسال گردد تا از طریق وزارت امور خارجه اقدام لازم به عمل آید، عدم رعایت مراتب فوق موجب تخلف است.

موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان[1]

مصوب ۲ اسفند ۱۳۷۶ هجری شمسی[2] مطابق با ۲۱ فوریه ۱۹۹۸ میلادی

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان که از این به بعد «طرفین» نامیده می‌شوند، با توجه به روابط دوستانه با یکدیگر و علاقمندی به تحکیم همکاریهای قضایی در زمینه استرداد مجرمین، نسبت به موارد ذیل موافقت نموده‌اند:

ماده ۱ ـ تعهد استرداد

طرفین متعهد می‌شوند مطابق با مفاد این موافقتنامه اشخاص را برای پیگرد جزایی یا اجرای حکم دادگاه به موجب تقاضا به یکدیگر مسترد نمایند.

ماده ۲ ـ موارد استرداد

استرداد در موارد زیر امکانپذیر می‌باشد:

الف ـ بر وفق موازین قانونی طرفین تقاضای استرداد به لحاظ ارتکاب اعمالی باشد که مطابق قانون هر دو کشور جرم بوده و حداکثر مجازات کمتر از یک سال حبس نباشد.

ب ـ هرگاه استرداد محکومی تقاضا شده باشد که عمل ارتکابی و حداکثر مجازات مطابق بند (الف) همین ماده بوده و حکم صادره نیز لااقل (۶) ماه حبس و یا مجازات سنگینتری غیر از آن باشد.

ماده ۳ ـ موارد امتناع از استرداد

در موارد ذیل تقاضای استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد:

۱ ـ در صورتی که شخص مورد درخواست از اتباع کشور تقاضاشونده باشد.

۲ ـ اگر جرمی که موجب تقاضای استرداد شده جرم سیاسی باشد، تعیین نوع جرم با کشور درخواست‌شونده است.

۳ ـ اگر جرم در قلمرو کشوری که تقاضای استرداد از آن به عمل آمده واقع شده و یا اگر در خارج از قلمرو آن کشور ارتکاب یافته رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم کشور مزبور باشد.

۴ ـ هرگاه بر طبق قوانین و مقررات یکی از طرفین موافقتنامه موضوع به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و یا به همان جهت حکم قابل اجرا نباشد.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۵۷۹۰ مورخ ۱۳۷۸/۲/۲۶

۲ ـ موافقتنامه مزبور به موجب قانون ذیلالذکر در تاریخ ۷۸/۱/۲۵ م (۲ اردیبهشت ۷۸ ش) منتشره در روزنامه رسمی شماره فوق‌الذکر تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده شد.

اگر استرداد مورد قبول واقع نگردد موضوع عدم استرداد به طرف تقاضاکننده اطلاع داده خواهد شد.

ماده ۴ـ اسناد مربوط به تقاضای استرداد

اسناد ذیل باید به تقاضای استرداد ضمیمه گردد:

۱ـ نام مرجع درخواست‌کننده.

۲ـ متن قانونی که در کشور تقاضاکننده جرم مشمول آن می‌شود.

۳ـ نام، نام خانوادگی، نام پدر، تاریخ تولد، تابعیت، محل اقامت یا سکونت، توصیف قیافه ظاهری و در صورت امکان عکس، اثر انگشت و اطلاعات ضروری دیگر.

۴ـ صورتجلسه و مشروح تحقیقات کیفری و سایر دلایل جمع‌آوری شده.

۵ـ حکم محکومیت قطعی، قرار بازداشت یا برگ جلب یا سندی که معادل اسناد فوق باشد همچنین در صورتی که محکوم متحمل قسمتی از مجازات شده باشد اطلاعاتی درباره باقی‌مانده دوران محکومیت ارایه خواهد شد.

چنانچه کشور مورد تقاضا تشخیص دهد که نیاز به دریافت توضیحاتی اضافی دارد می‌تواند اطلاعات مورد نیاز را از طرف تقاضاکننده درخواست نماید. برای این منظور تا (۳۰) روز وقت تعیین می‌شود.

چنانچه مدارک تکمیلی ظرف مدت مقرر واصل نگردد، طرف تقاضاشونده شخص مورد استرداد را آزاد خواهد نمود.

ماده ۵ـ زبان

اسناد مذکور در فوق به طریقی که قانون دولت تقاضاکننده مقرر می‌دارد تنظیم می‌شود و ترجمه اسناد مزبور باید به زبان دولتی که تقاضای استرداد از آن به عمل می‌آید ضمیمه باشد و اسناد ترجمه شده باید به تصدیق نماینده سیاسی دولت تقاضاکننده و یا مترجم رسمی کشور مذکور و یا دولت مورد تقاضا رسیده باشد.

ماده ۶ـ بازداشت شخص مورد استرداد

طرف تقاضاشونده پس از وصول درخواست استرداد به استثنای موارد مذکور در ماده (۳) اقدامات لازم را طبق قوانین داخلی خود جهت دستگیری شخص مورد درخواست به عمل خواهد آورد.

ماده ۷ـ بازداشت تا موقع دریافت درخواست استرداد

۱ـ در موارد فوری در صورتی که مقامات ذی صلاح طرف تقاضاکننده به قرار بازداشت و یا حکم معتبر استناد کند و اعلام نماید که اوراق استرداد را بلادرنگ در اختیار طرف تقاضاشونده خواهد گذاشت، طرف درخواست‌شونده می‌تواند شخص مورد تقاضا را بازداشت نماید.

مراتب بازداشت شخص مورد تقاضا به دولت تقاضاکننده منعکس خواهد شد.

۲ ـ هرگاه اوراق استرداد ظرف مدت یک ماه از تاریخ توقیف طبق بند (۱) واصل نگردد، شخص بازداشت‌شونده آزاد خواهد شد.

ماده ۸ ـ تعویق در استرداد

۱ ـ اگر شخص مورد استرداد در خاک کشور تقاضاشونده به اتهام دیگری تحت تعقیب و یا محاکمه باشد، استرداد وی تا پایان محاکمه و اعمال مجازات یا آزادی قانونی وی به تعویق خواهد افتاد.

۲ ـ اگر تعویق در استرداد موجب تأخیر در پیگرد در کشور تقاضاکننده گردد و یا در بازجویی مجرم ایجاد مشکل نماید براساس مدارک موجود، استرداد موقتی صورت می‌پذیرد. طرف تقاضاکننده شخص مورد استرداد را تا (۳) ماه پس از استرداد باید اعاده نماید.

ماده ۹ ـ استرداد به درخواست چند دولت

اگر درخواست استرداد یک فرد از سوی چند دولت دریافت شود طرف تقاضاشونده تصمیم می‌گیرد به کدام درخواست جواب مثبت بدهد.

ماده ۱۰ ـ حدود پیگرد جزایی شخص مسترد شده

۱ ـ بدون موافقت طرف مورد تقاضا شخص مسترد شده را نمی‌توان در رابطه با جرمی غیر از آنچه که موجب استرداد وی شده است مورد پیگرد جزایی و مجازات قرار داد.

۲ ـ شخص مورد نظر را نمی‌توان بدون موافقت طرف تقاضاشونده به دولت ثالث مسترد نمود.

۳ ـ اگر شخص مسترد شده در طی مدت (۱۵) روز بعد از پایان پیگرد جزای یا خاتمه مدت حبس و رهایی به هر دلیل قانونی، خاک طرف درخواست‌کننده را ترک ننماید و یا بعد از ترک آن داوطلبانه به آنجا بازگردد، دیگر موافقت طرف تقاضاشونده لازم نمی‌باشد، مدتی که در طی آن شخص مذکور به دلایل موجه نتواند خاک آن طرف را ترک نماید جزء این مدت محسوب نخواهد شد.

ماده ۱۱ ـ اجرای استرداد

۱ ـ طرف درخواست شونده به طرف تقاضاکننده تصمیم خود را درباره استرداد با ذکر زمان و مکان استرداد ابلاغ می‌کند.

۲ ـ اگر طرف تقاضاکننده ظرف مدت (۳۰) روز از تاریخ مقرر استرداد، شخص مورد نظر را نپذیرد، شخص مذکور آزاد می‌شود.

ماده ۱۲ ـ استرداد مجدد

اگر شخص مسترد شده از پیگرد جزایی طفره رفته و تا قبل از پایان مدت مجازات به خاک طرف دیگر برگردد او را می‌توان براساس درخواست طرف تقاضاکننده مجدداً مسترد نمود. در این صورت تسلیم اسنادی که در ماده (۴) ذکر شده است مورد نیاز می‌باشد.

ماده ۱۳ ـ انتقال اشیاء

۱ ـ طرف متعاهدی که از آن درخواست استرداد به عمل آمده، اشیایی که آلت جرم بوده و مطابق با ماده (۲) این موافقتنامه باید استرداد شود و نیز اشیای حامل آثار جرم که از طریق جرم به دست آمده است را به طرف تقاضاکننده تحویل دهد. این اشیا براساس درخواست و در صورتی که شخص را به دلیل فوت وی یا دلایل دیگر نتوان مسترد نمود، به طرف متعاهد دیگر تحویل می‌گردد.

۲ ـ طرف متعاهدی که به اشیای مذکور در بند (۱) این ماده برای تحقیق در پرونده جزایی دیگر نیاز داشته باشد می‌تواند تحویل آنها را موقتاً به تأخیر بیندازد.

۳ ـ حقوق اشخاص ثالث به اشیای مذکور اعتبار خود را حفظ می‌کند، بعد از پایان رسیدگی به پرونده، این اشیاء باید به طرفی که آنها را تحویل داده اعاده شود.

ماده ۱۴ ـ عبور

۱ ـ هریک از طرفین، عبور افرادی راکه توسط دولت ثالث به طرف متعاهد دیگر مسترد نشده‌اند اجازه می‌دهد. طرفین موظف نیستند عبور افرادی را که استرداد آنان براساس این موافقتنامه مجاز نمی‌داند اجازه دهند.

۲ ـ درخواست اجازه عبور به ترتیبی که برای درخواست استرداد مقرر شده تنظیم و ارسال می‌گردد.

۳ ـ مراجع صلاحیت‌دار طرفین در هر مورد معین، شیوه عبور، مسیر و شرایط دیگر را هماهنگ می‌کنند.

ماده ۱۵ ـ مخارج

هزینه هزینه‌های مربوط به استرداد در خاک طرف تقاضاشونده به عهده آن کشور و مخارج و هزینه‌های حمل ترانزیتی به عهده تقاضاکننده خواهد بود.

ماده ۱۶ ـ نحوه تماس

مراجع قضایی طرفین در موارد استرداد از طریق مقامات مسؤول و مجاری سیاسی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌نمایند. در موارد فوری مقامات ذی صلاح قضایی می‌توانند به طور مستقیم با یکدیگر تماس بگیرند. در هر صورت کلیه اوراق استرداد از مجاری سیاسی ارسال خواهد شد.

مقام مسؤول ارتباط در جمهوری اسلامی ایران: وزارت دادگستری

مقامات ذی صلاح در جمهوری آذربایجان: وزارت دادگستری، دادستانی کل

ماده ۱۷ ـ لازم‌الاجراشدن موافقتنامه

این موافقتنامه پس از تصویب مراجع قانونی طرفین، (۳۰) روز پس از مبادله اسناد تصویب لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۸ ـ تفسیر موافقتنامه

طرفین اختلافهای ناشی از اجرای موافقتنامه را از طریق مذاکره مستقیم و یا مجاری سیاسی حل و فصل خواهند کرد.

ماده ۱۹ ـ مدت اعتبار موافقتنامه

این موافقتنامه برای مدت نامحدود منعقد می‌شود. هریک از طرفین هر زمان که بخواهد آن را فسخ کند در این صورت (۶) ماه قبل باید مراتب را از طریق مجاری سیاسی به طرف دیگر اعلام نماید.

این موافقتنامه در تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۲ هجری شمسی مطابق با ۱۹۹۸/۲/۲۱ میلادی در شهر باکو در دو نسخه اصلی به زبان فارسی و آذری و انگلیسی تنظیم گردیده و کلیه متون از اعتبار متساوی برخوردار می‌باشد. در صورت بروز اختلاف در تفسیر موافقتنامه حاضر به متن انگلیسی مراجعه خواهد شد.

از طرف	**از طرف**
دولت جمهوری اسلامی ایران	**دولت جمهوری آذربایجان**

موافقتنامه انتقال محکومین به حبس بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان[1]

مصوب ۲ اسفند ۱۳۷۶ هجری شمسی[2] مطابق با ۲۱ فوریه ۱۹۹۸ میلادی

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان که در این موافقتنامه از این پس «طرفین» خوانده می‌شوند، با درنظرگرفتن استقلال و حاکمیت خود و تساوی کامل حقوقی طرفین و احترام متقابل، با آرزوی توسعه همکاری در زمینه حقوق کیفری و رعایت موازین حقوق بین‌الملل، با درنظرگرفتن سودمندی اجرای مجازات اتباع محکوم در قلمرو طرفین به منظور فراهم آوردن زمینه‌های اصلاح و اعاده آنان به زندگی عادی، با احترام به حقوق بشر و مد نظر داشتن موازین حقوق انسانی، به شرح زیر نسبت به موارد ذیل توافق نمودند:

ماده ۱ ـ

۱ ـ مفهوم واژه‌های به‌کاررفته در این موافقتنامه، عبارت است از:

۱ ـ ۱ ـ «دولت صادرکننده حکم» دولتی است که حکم محکومیت به حبس و سالب آزادی راجع

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۵۷۹۰ مورخ ۱۳۷۸/۲/۲۶

۲ ـ موافقتنامه مزبور به موجب قانون ذیلالذکر در تاریخ ۷۸/۱/۲۵ م (۲ اردیبهشت ۱۳۷۸ ش) منتشره در روزنامه رسمی شماره فوق‌الذکر تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده شد.

به شخص مورد انتقال از دادگاههای واقع در قلمرو حاکمیت او صادر شده باشد.
۲ - ۱ - «دولت اجراکننده حکم» دولتی است که حکم محکومیت به حبس و سالب آزادی درباره فرد دارای تابعیت او صادر شده و برای تحمل مجازاتهای مذکور در قلمرو حاکمیت خود موافقت می‌نماید.
۳ - ۱ - «محکوم» کسی است که به موجب حکم صادر شده از دادگاهها یکی از طرفین به علت ارتکاب جرم، به مجازات حبس یا سالب آزادی محکوم شده باشد.
۴ - ۱ - «اقوام نزدیک» اشخاصی هستند که طبق قوانین داخلی یکی از طرفین با شخص محکوم، قرابت داشته باشند.
۵ - ۱ - «مراجع صلاحیت‌دار» ارگانهایی هستند که طبق قوانین داخلی احکام کیفری را در قلمرو حاکمیت هریک از طرفین، بر عهده دارند.
۶ - ۱ - «مقامهای مسؤول» عبارتند از: وزارت دادگستری و دادستان کل کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت دادگستری جمهوری آذربایجان.
۲ - مراجع صلاحیت‌دار طرفین در اجرای مفاد این موافقتنامه از طریق مقامهای مسؤول ارتباط برقرار می‌کنند.
ماده ۲ - طرفین موظفند طبق مفاد این موافقتنامه و براساس استعلام از یکدیگر شخص یا اشخاص محکوم را به مجازات خود در قلمرو حاکمیت کشور صادرکننده حکم طی می‌نماید به منظور تحمل بقیه مجازات به کشور اجراکننده، منتقل کند.
ماده ۳ -
۱ - شرایط انتقال به شخص محکوم عبارت است از:
۱ - ۱ - شخص محکوم باید دارای تابعیت دولت اجراکننده باشد.
۱ - ۲ - حکم صادره باید طبق قانون دولت صادرکننده قطعی و لازم‌الاجرا باشد.
۱ - ۳ - باقیمانده مجازات موضوع حکم صادره بیش از (۶) ماه باشد.
۱ - ۴ - شخص محکوم به انتقال خود رضایت داده و یا با درنظرگرفتن وضعیت جسمانی و روانی او، اقوام نزدیک یا نماینده قانونی وی و یا یکی از طرفین این موافقتنامه، انتقال او را درخواست نمایند.
۱ - ۵ - عملی که درباره آن حکم صادر شده باید طبق قوانین دولت اجراکننده، جرم محسوب شود.
۱ - ۶ - ضرر و زیان مادی ناشی از جرم باید تأمین یا پرداخت شده باشد.
۱ - ۷ - دولتهای صادرکننده و اجراکننده حکم با انتقال شخص محکوم موافقت نمایند.
۲ - مرجع صلاحیت‌دار اجرای احکام دولت صادرکننده حکم به شخص محکوم یا نماینده قانونی او راجع به انتقال و عواقب و آثار حقوقی آن اطلاعات لازم را داده باشد.

۳ ـ در موارد استثنایی طرفین می‌توانند درباره انتقال اشخاص محکوم که مدت باقی‌مانده مجازات آنان کمتر از (۶) ماه باشد و همچنین ضرر و زیان مادی ناشی از جرم را پرداخت کرده باشند، توافق نمایند.

ماده ۴ ـ

در موارد زیر انتقال شخص محکوم پذیرفته نمی‌شود:

۱ ـ در صورتی که در اثر طولانی‌شدن اقدامات راجع به انتقال، مدت محکومیت پایان‌یافته و یا مجازات در اثر مرور زمان طبق قوانین دولت متبوع وی منتفی شده باشد.

۲ ـ در صورتی که تقاضای انتقال محکوم، فاقد شرایط مندرج در ماده (۷) این موافقتنامه باشد.

ماده ۵ ـ

در اجرای مفاد این موافقتنامه، طرفین مراتب زیر را معمول دارند:

۱ ـ اطلاعات لازم را کتباً درباره محکومیت و محل تحمل مجازات، از طریق مقامهای مسؤول به یکدیگر مبادله کنند.

۲ ـ دولت اجراکننده تحویل‌گرفتن شخص محکوم و محل تحمل مجازات را به دولت صادرکننده و نیز به اقوام نزدیک وی اطلاع دهد.

ماده ۶ ـ

۱ ـ انتقال محکوم با رضایت وی و پیشنهاد دولت صادرکننده، وقتی قبول می‌شود که طبق مقررات این موافقتنامه دولت اجراکننده آن را پذیرفته باشد.

۲ ـ هریک از طرفین می‌تواند از طرف دیگر بخواهد که انتقال شخص محکوم را مورد بررسی قرار دهد.

ماده ۷ ـ

۱ ـ تقاضای انتقال شخص محکوم باید کتبی بوده و مدارک و اسناد زیر همراه آن باشد:

۱ ـ ۱ ـ مشخصات محکوم: نام، نام خانوادگی، نام پدر، محل و تاریخ تولد.

۲ ـ ۱ ـ اسناد تابعیت محکوم.

۳ ـ ۱ ـ متون قانونی صدور حکم محکومیت.

۴ ـ ۱ ـ درخواست محکوم یا نماینده قانونی یا اقوام نزدیک او به انتقال طبق بند (۴) ماده (۳).

۵ ـ ۱ ـ رونوشت حکم محکومیت و تصمیم مراجع صلاحیت‌دار درباره اعتبار قانونی آن.

۶ ـ ۱ ـ گواهی دولت صادرکننده مبنی بر میزان محکومیت تحمل شده و مدت باقی‌مانده آن.

۷ ـ ۱ ـ مستند قانونی برای اجرای مجازاتهای تکمیلی.

۸ ـ ۱ ـ گواهی پزشکی راجع به وضعیت جسمانی و روانی محکوم.

۹ ـ ۱ ـ اطلاعات راجع به ضرر و زیان مادی ناشی از جرم و ترتیب پرداخت یا تأمین آن.

۱۰ ـ ۱ ـ سایر مدارکی که طرفین لازم بدانند.

۲ ـ اسناد مذکور در بند (۱) این ماده باید به امضای مراجع صلاحیت‌دار رسیده و با مهر رسمی گواهی شود.

ماده ۸ ـ

۱ ـ دولت صادرکننده حکم باید رضایت شخص محکوم و اطلاع او را درباره مضمون رضایتنامه طبق بند (۴) ماده (۳) موافقتنامه تضمین کند.

۲ ـ دولت اجراکننده حق دارد رضایت شخص محکوم و شرایط آن راکه توسط دولت صادرکننده تضمین شده، مورد بررسی قرار دهد.

ماده ۹ ـ

۱ ـ دولت اجراکننده باید ظرف یک ماه از تاریخ وصول اسناد مندرج در ماده (۷) موافقتنامه، نسبت به رد یا قبول تقاضای انتقال، تصمیم اتخاذ و نتیجه را به شخص محکوم یا نماینده قانونی یا اقوام نزدیک او و به دولت صادرکننده کتباً اعلام نماید.

۲ ـ تصمیم دولت اجراکننده بر رد تقاضای انتقال باید مستدل و مستند باشد.

ماده ۱۰ ـ چگونگی انتقال محکوم و محل تحویل او باید توسط دولت اجراکننده تعیین و به دولت صادرکننده اطلاع داده شود.

ماده ۱۱ ـ کلیه هزینه‌های مربوط به انتقال شخص محکوم از زمانی که تحویل دولت اجراکننده می‌شود، به عهده دولت اجراکننده خواهد بود.

ماده ۱۲ ـ

۱ ـ اجرای حکم در قلمرو دولت اجراکننده طبق قوانین وی، صورت می‌گیرد و مسایل اجرایی نیز طبق قوانین همین دولت حل و فصل خواهد شد.

۲ ـ دولت اجراکننده حکم نمی‌تواند مجازات شخص محکوم را تشدید نماید.

۳ ـ مرجع صلاحیت‌دار دولت اجراکننده قرار مقتضی بر شناسایی و اجرای حکم را صادر می‌نماید.

۴ ـ در صورتی که مجازات جرم ارتکابی در کشور اجراکننده کمتر از مجازات مندرج در حکم، مقرر شده باشد، دولت اجراکننده از طریق دادگاه صلاحیت‌دار در قلمرو حاکمیت خود حداکثر مجازات را طبق قانون داخلی خود، تعیین خواهد کرد.

۵ ـ اگر حکم دادگاه دولت صادرکننده متضمن تعیین مجازات برای دو یا چند عمل مجرمانه باشد، و قانون دولت اجراکننده یک یا چند مورد آن را جرم تلقی ننماید، در این صورت دولت اجراکننده از طریق دادگاههای صلاحیت‌دار در قلمرو حاکمیت خود در تعیین مجازات برای شخص محکوم، اقدام می‌کند.

۶ ـ در صورتی که برای عمل مجرمانه موضوع حکم صادر شده راجع به شخص محکوم در قوانین دولت اجراکننده، مجازاتهای تکمیلی مقرر شده باشد، دولت اجراکننده توسط دادگاههای

صلاحیت‌دار در قلمرو حاکمیت خود طبق مقررات اقدام خواهد کرد.

ماده ۱۳ ـ طرفین می‌توانند مجازات مقرر برای شخص محکوم را طبق قوانین داخلی خود، مورد عفو و بخشودگی قرار دهند.

ماده ۱۴ ـ فقط دولت صادرکننده حکم می‌تواند راجع به محکومیت شخص محکوم موضوع انتقال، تجدید نظر کند.

ماده ۱۵ ـ

۱ ـ دولت صادرکننده حکم مکلف است چنانچه حکم محکومیت را مورد تجدید نظر قرار داده باشد، رونوشت مصدق حکم تجدید نظر را بدون تأخیر برای دولت اجراکننده ارسال نماید.

۲ ـ در صورتی که پس از انتقال شخص محکوم به کشور اجراکننده حکم، در کشور صادرکننده حکم، محکومیت وی فسخ شود، لیکن مدارک و دلایلی که دال بر اتهام دیگر وی باشد به دست آید و تعقیب او لازم باشد، در این صورت رونوشت تصمیم مذکور به همراه اطلاعات مربوط به پرونده جزایی و نیز سایر مدارک لازم جهت اتخاذ تصمیم مقتضی درباره موضوع به منظور تعقیب کیفری در کشور اجراکننده مطابق قوانین آن کشور ارسال خواهد شد.

۳ ـ دولت صادرکننده حکم مسؤول جبران خساراتی است که در اثر تعقیب غیر قانونی به شخص محکوم وارد آمده باشد، همچنین است در صورتی که دادگاه حکم برایت او را صادر کند.

۴ ـ هرگاه به موجب حکم صادره مجازات مقرر برای شخص محکوم، تغییر کند، دولت صادرکننده مکلف است رونوشت رأی دادگاه و اسناد مربوط را به مراجع صلاحیت‌دار دولت اجراکننده ارسال دارد تا طبق ماده (۱۲) این موافقتنامه اقدام به عمل آید.

ماده ۱۶ ـ دولت اجراکننده حکم را نسبت به شخص محکوم انتقال یافته به کیفیتی که برای مجازاتها و محکومیتهای مشابه مقرر است، اجرا خواهد کرد.

ماده ۱۷ ـ طرفین تقاضای یکدیگر را درباره عبور شخص محکوم از قلمرو حاکمیت خود و مساعدت لازم را برای عبور از کشور ثالث خواهند پذیرفت.

ماده ۱۸ ـ مفاد این موافقتنامه حقوق و تکالیف طرفین را که ناشی از سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی است و در آن عضویت دارند، نفی نخواهد کرد.

ماده ۱۹ ـ مفاد این موافقتنامه نسبت به احکام محکومیت دادگاههای طرفی که قبل از اعتباریافتن آن، صادر شده نیز لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۲۰ ـ این موافقتنامه پس از تصویب مراجع قانونی طرفین (۳۰) روز پس از مبادله اسناد تصویب، لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۲۱ ـ طرفین اختلافهای ناشی از اجرای موافقتنامه را از طریق مذاکره مستقیم و یا مجاری سیاسی حل و فصل خواهند کرد.

ماده ۲۲ ـ این موافقتنامه برای مدت نامحدود منعقد می‌شود. هریک از طرفین هر زمان که

بخواهد آن را فسخ کند در این صورت (۶) ماه قبل، باید مراتب را از طریق مجاری سیاسی به طرف دیگر اعلام نماید.
این موافقتنامه در تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۲ هجری شمسی مطابق با ۱۹۹۸/۲/۲۱ میلادی در شهر باکو در دو نسخه اصلی به زبانهای فارسی و آذری و انگلیسی تنظیم گردید و کلیه متون از اعتبار متساوی برخوردار می‌باشند. در صورت بروز اختلاف در تفسیر موافقتنامه حاضر، به متن انگلیسی مراجعه خواهد شد.

از طرف	**از طرف**
دولت جمهوری اسلامی ایران	**دولت جمهوری آذربایجان**

قرارداد وین درباره روابط سیاسی

وین آوریل ۱۹۶۱

دول عاقد این قرارداد
با تذکر این معنی که همه مردم کشورها از دیرباز قایل به نظامات خاصی در مورد نمایندگان سیاسی می‌باشند با معرفت به مقاصد و اصول منشور ملل متحد درباره تساوی مطلق دولتها و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملتها.
با اعتقاد به اینکه یک قرارداد بین‌المللی درباره روابط و مزایا و مصونیتهای نمایندگان سیاسی در بهبود مناسبات دوستانه بین کشورها هرچند طرز و اساس حکومت و اصول اجتماعی آنها تفاوتهایی با یکدیگر داشته باشند مؤثر خواهد بود.
با اذعان به اینکه منظور از مزایا و مصونیتهای مذکور در فوق منتفع‌ساختن افراد نیست و بلکه مراد تأمین حسن اجرای وظایف هیأتهای سیاسی به عنوان نمایندگان دولتها می‌باشد.
با تأکید این نکته که در مورد مسایلی که ضمن مقررات این قرارداد صریحاً تعیین تکلیف نشده است قواعد عرف و عادت حقوق بین‌الملل همچنان حاکم خواهد بود نسبت به موارد زیر توافق نمودند:
ماده اول ـ در این قرارداد معانی اصطلاحات زیر به شرحی خواهد بود که در پایین تصریح شده است:
الف ـ اصطلاح «رییس مأموریت» یعنی شخصی که از طرف کشور فرستنده مأمور انجام وظیفه در این سمت می‌شود.
ب ـ اصطلاح «اعضای مأموریت» یعنی رییس مأموریت و کارمندان مأموریت.
ج ـ اصطلاح «کارمندان مأموریت» یعنی (کارمندان سیاسی) (کارمندان اداری و فنی) و (خدمه مأموریت).

د ـ اصطلاح «مأمور سیاسی» یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که دارای سمت سیاسی (دیپلمات) می‌باشند.
هـ ـ اصطلاح «کارمندان سیاسی» یعنی رییس مأموریت یا یکی از کارمندان سیاسی مأموریت.
و ـ اصطلاح «مأمور اداری و فنی» یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که به امور اداری و فنی مأموریت اشتغال دارند.
ز ـ اصطلاح «خدمه» یعنی آن دسته از کارکنان مأموریت که به امور خانگی مأموریت اشتغال دارند.
ح ـ اصطلاح «خدمتکار شخصی» یعنی کسانی که خادم یکی از اعضای مأموریت بوده و مستخدم کشور فرستنده نمی‌باشند.
ط ـ اصطلاح «اماکن مأموریت» یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هرکه باشد برای انجام مقاصد مأموریت از جمله برای محل اقامت رییس مأموریت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ماده دوم ـ استقرار روابط سیاسی بین کشورها و اعزام هیأتهای سیاسی دایم با رضایت متقابل انجام می‌گیرد.

ماده سوم ـ ۱ ـ وظایف مأموریت سیاسی بالاخص عبارت است از:
الف ـ نمایندگی کشور فرستنده نزد کشور پذیرنده.
ب ـ حفظ منافع کشور فرستنده و اتباع آن در کشور پذیرنده تا حدودی که در حقوق بین‌الملل مورد قبول است.
ج ـ مذاکره با حکومت کشور پذیرنده.
د ـ استحضار از اوضاع و سیر وقایع در کشور پذیرنده با استفاده از تمام وسایل مشروع و گزارش آن به حکومت کشور فرستنده.
هـ ـ بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین کشور فرستنده و کشور پذیرنده.
۲ ـ هیچ یک از مقررات این قرارداد نباید طوری تفسیر شود که مانع از انجام وظایف کنونی به وسیله یک مأموریت سیاسی گردد.

ماده چهارم ـ ۱ ـ کشور فرستنده باید اطمینان حاصل کند که برای شخص نامزد شده به عنوان رییس مأموریت از طرف کشور پذیرنده پذیرش داده شده است.
۲ ـ کشور پذیرنده ملزم نیست دلایل امتناع خود را از صدور پذیرش به اطلاع کشور فرستنده برساند.

ماده پنجم ـ ۱ ـ کشور فرستنده می‌تواند پس از اعلام رسمی به کشورهای ذی نفع یک رییس مأموریت را برای نمایندگی خود نزد چند کشور و همچنین یکی از کارمندان سیاسی خود را

جهت انجام وظایف مربوطه نزد کشورهای متعدد بگمارد، مگر آنکه یکی از آن کشورها صریحاً با این امر مخالفت ورزد.
۲ ـ کشور فرستنده در صورتی که نمایندگی خود را نزد یک یا چند کشور به یک رییس مأموریت محول کند می‌تواند در هریک از کشورهایی که رییس مأموریت در آنجا اقامت دایم ندارد یک مأموریت سیاسی زیر نظر یک کاردار موقت تأسیس نماید.
۳ ـ یک رییس مأموریت یا یک کارمند سیاسی مأموریت می‌تواند عهده‌دار نمایندگی کشور فرستنده نزد هر سازمان بین‌المللی باشد.
ماده ششم ـ چند کشور می‌توانند در آن واحد یک نفر را به عنوان رییس مأموریت نزد کشور دیگری تعیین نمایند مگر آنکه کشور پذیرنده مخالف این امر باشد.
ماده هفتم ـ ۱ ـ کشور فرستنده باتوجه به مقررات مواد ۵ و ۸ و ۹ و ۱۱ در انتخاب کارمندان مأموریت آزاد است. کشور پذیرنده می‌تواند نام وابسته‌های نظامی و دریایی یا هوایی را قبلاً برای تصویب بخواهد.
ماده هشتم ـ ۱ ـ کارمندان سیاسی مأموریت علی‌الاصول تابعیت کشور فرستنده را خواهند داشت.
۲ ـ کارمندان سیاسی مأموریت را نمی‌توان جز با رضایت کشور پذیرنده از میان اتباع آن کشور انتخاب کرد. کشور پذیرنده می‌تواند در هر موقع رضایت خود را پس بگیرد.
۳ ـ کشور پذیرنده می‌تواند همین حق را در مورد اتباع دولت ثالثی که تابعیت دولت فرستنده را ندارند برای خود حفظ کند.
ماده نهم ـ ۱ ـ کشور پذیرنده می‌تواند هر آن و بی‌آنکه الزامی به توجیه تصمیم خود داشته باشد به کشور فرستنده اطلاع دهد که رییس یا هریک از اعضای سیاسی مأموریت (شخص نامطلوب) است و یا آنکه هر کارمند دیگر مأموریت قابل قبول نیست. در این صورت کشور فرستنده آن شخص را برحسب مورد فرا خواهد خواند و یا به خدمت وی در مأموریت پایان خواهد داد. شخصی را می‌توان قبل از ورود به خاک کشور پذیرنده (نامطلوب) یا (غیرقابل قبول) اعلام نمود.
۲ ـ اگر کشور فرستنده از انجام تعهدات ناشی از بند اول این ماده امتناع ورزد و یا این تعهدات را در ظرف مهلتی معقول انجام ندهد کشور پذیرنده می‌تواند از شناختن شخص مورد بحث به سمت عضو مأموریت خودداری کند.
ماده دهم ـ مراتب زیر به وزارت امور خارجه کشور پذیرنده یا به وزارتخانه دیگری که مقرر شده باشد اعلام خواهد گشت:
الف ـ انتصاب اعضای مأموریت و ورود یا عزیمت قطعی و یا خاتمه مأموریت آنان.
ب ـ ورود و عزیمت قطعی شخصی که از افراد خانواده یکی از اعضای مأموریت است و

درصورت لزوم اعلام اینکه شخصی در شمار افراد خانواده یکی از اعضاء مأموریت درآمده و یا از آن خارج شده است.

ج - ورود و عزیمت قطعی خدمتکاران شخصی که در خدمت اشخاص مورد نظر بند الف این ماده می‌باشند و درصورت لزوم اعلام اینکه این خدمتکاران خدمت اشخاص فوق‌الذکر را ترک می‌نمایند.

د - استخدام اشخاص مقیم کشور پذیرنده به عنوان اعضای مأموریت یا خدمتکاران شخصی که از مزایا و مصونیتها برخوردارند و برکناری آنان.

۲ - هربار که ممکن باشد ورود و عزیمت قطعی اشخاص نیز باید قبلاً اعلام گردد.

ماده یازدهم - ۱ - درصورت عدم توافق صریح نسبت به تعداد افراد مأموریت کشور پذیرنده می‌تواند خواستار شود که تعداد این افراد باتوجه به مقتضیات و اوضاع کشور و با توجه به نیازمندیهای مأموریت از حدودی که خود معقول و متعارف تلقی می‌کند تجاوز ننماید.

۲ - کشور پذیرنده همچنین می‌تواند در همان حدود و بدون تبعیض از پذیرفتن نوع معینی از کارمندان خودداری نماید.

ماده دوازدهم - کشور فرستنده نباید قبل از تحصیل موافقت صریح و قبلی کشور پذیرنده در محلی غیر از محل استقرار مأموریت دفتر دیگری متعلق به مأموریت برقرار نماید.

ماده سیزدهم - ۱ - تاریخ شروع و عهده‌دار شدن وظایف رییس مأموریت در کشور پذیرنده از زمانی تلقی می‌گردد که استوارنامه خود را تقدیم می‌کند یا ورود خود را ضمن ارسال رونوشت استوارنامه به وزارت امور خارجه کشور پذیرنده یا هر وزارتخانه دیگری که مقرر است با درنظر گرفتن رویه موجود در کشور پذیرنده که باید به نحو یکنواختی اعمال شود اعلام می‌نماید.

۲ - ترتیب تقدیم استوارنامه یا تسلیم رونوشت آن باتوجه به تاریخ روز و ساعت ورود رییس مأموریت تعیین می‌گردد.

ماده چهاردهم - ۱ - رؤسای مأموریت به سه طبقه به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

الف - سفیران کشورها و نمایندگان پاپ (نونس) که نزد رؤسای کشورها مأموریت می‌یابند و سایر رؤسای مأموریت که هم‌مقام آنان می‌باشند.

ب - فرستادگان و وزیران مختار کشورها و نمایندگان پاپ (انترنونس) که نزد رؤسای کشورها مأموریت می‌یابند.

ج - کاردارها که نزد وزرای امور خارجه مأموریت می‌یابند.

۲ - جز از نظر تقدم در حضور و تشریفات هیچ گونه فرقی بین رؤسای مأموریتها از لحاظ طبقه وجود نخواهد داشت.

ماده پانزدهم - کشورها درباره طبقه رؤسای مأموریت خود با یکدیگر توافق خواهند کرد.

ماده شانزدهم - ۱ - حق تقدم رؤسای مأموریت در هر طبقه برحسب روز و ساعتی که وظایف

خود را به موجب ماده ۱۳ آغاز می‌کنند خواهد بود.
۲ ـ تغییرات منظور شده در استوارنامه یک رییس مأموریت تا آنجا که طبقه او را عوض نکند تأثیری در ترتیب تقدم او نخواهد داشت.
۳ ـ مفاد این ماده مخل رسومی که نسبت به حق تقدم نماینده پاپ مورد قبول کشور پذیرنده واقع شده یا در آینده خواهد شد نخواهد بود.
ماده هفدهم ـ رییس مأموریت ترتیب تقدم کارمندان سیاسی مأموریت را به وزارت امور خارجه یا هر وزارتخانه دیگر که مقرر است اطلاع خواهد داد.
ماده هیجدهم ـ در هر کشوری تشریفات مربوط پذیرفتن رؤسای مأموریت باید در مورد هر طبقه یکسان باشد.
ماده نوزدهم ـ ۱ ـ هرگاه پست ریاست مأموریت بدون تصدی بوده یا رییس مأموریت قادر به انجام وظایف خود نباشد یک کاردار موقت به عنوان رییس مأموریت موقتاً انجام وظیفه خواهد کرد. نام کاردار موقت به وسیله رییس مأموریت و درصورتی که رییس مأموریت معذور باشد از طرف وزارت امور خارجه کشور فرستنده به وزارت امور خارجه کشور پذیرنده یا به هر وزارتخانه دیگری که مقرر است اعلام خواهد گشت.
۲ ـ در صورتی که هیچ یک از کارمندان سیاسی مأموریت در کشور پذیرنده حضور نداشته باشد یکی از کارمندان اداری و فنی می‌تواند از طرف کشور فرستنده با رضایت کشور پذیرنده امور جاری اداری مأموریت را عهده‌دار گردد.
ماده بیستم ـ مأموریت و رییس آن حق دارد پرچم و علامت کشور فرستنده را در امکنه از جمله در محل اقامت رییس مأموریت و بر روی وسایط نقلیه خود برافرازند.
ماده بیست و یکم ـ ۱ ـ کشور پذیرنده باید در حدود قوانین خود موجبات تسهیل تملیک کشور فرستنده را در اماکن مورد احتیاج مأموریت در خاک کشور خود فراهم کند و یا در تحصیل این اماکن از طریق دیگر به کشور فرستنده یاری نماید.
۲ ـ کشور پذیرنده همچنین در صورت لزوم باید مأموریت را در تهیه مسکن مناسب برای کارمندان خود یاری نماید.
ماده بیست و دوم ـ ۱ ـ اماکن مأموریت مصونیت دارند و مأمورین کشور پذیرنده جز با رضایت رییس مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت.
۲ ـ کشور پذیرنده وظیفه خاص دارد کلیه تدابیر لازم را به منظور اینکه اماکن مأموریت مورد تجاوز و خسارت قرار نگرفته و آرامش و شیون آن متزلزل نگردد اتخاذ نماید.
۳ ـ اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و اشیای دیگر موجود در آن و همچنین وسایل نقلیه مأموریت مصون از تفتیش و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرایی خواهد بود.
ماده بیست و سوم ـ ۱ ـ کشور فرستنده و رییس مأموریت بابت اماکن مأموریت که در

مالکیت یا اجازه خود دارد از پرداخت هرنوع مالیات و عوارض ملی منطقه‌ای یا شهری معاف خواهد بود مگر آنکه دریافت این مالیاتها یا عوارض در ازای انجام خدمات خاص باشد.

۲ ـ درصورتی که طبق قوانین کشور پذیرنده پرداخت این مالیاتها و عوارض به عهده شخصی باشد که باکشور فرستنده یا با رییس مأموریت معامله می‌کند معافیت مالیاتی موضوع این ماده منتفی خواهد بود.

ماده بیست و چهارم ـ بایگانی و اسناد مأموریت در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود.

ماده بیست و پنجم ـ کشور پذیرنده کلیه تسهیلات لازم را برای انجام وظایف مأموریت فراهم خواهد نمود.

ماده بیست و ششم ـ کشور پذیرنده آزادی رفت و آمد و مسافرت تمام اعضای مأموریت را در قلمرو خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط درباره مناطقی که ورود بدان از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده و یا تابع مقررات خاصی است تأمین می‌نماید.

ماده بیست و هفتم ـ ۱ ـ کشور پذیرنده آزادی ارتباطات مأموریت را به منظورهای رسمی اجازه داده و حمایت خواهد نمود. مأموریت می‌تواند برای تماس با حکومت و سایر مأموریتها و کنسولگریهای کشور فرستنده در هرجا از تمام وسایل ارتباطی لازم از جمله پیک سیاسی و پیامهای (کد) و رمز استفاده نماید.

مع هذا مأموریت نمی‌تواند جز با رضایت کشور پذیرنده دستگاه فرستنده رادیویی نصب نموده و مورد استفاده قرار دهد.

۲ ـ مکاتبات رسمی مأموریت مصون است. اصطلاح (مکاتبات رسمی) شامل تمام مکاتبات مربوط به مأموریت و انجام وظایف آن می‌باشد.

۳ ـ کیسه سیاسی نباید باز شده یا توقیف گردد.

۴ ـ بسته‌های جزء کیسه سیاسی، باید دارای علامات خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن بوده فقط حاوی اسناد سیاسی یا اشیای مورد استعمال رسمی باشد.

۵ ـ پیک سیاسی که باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه سیاسی باشد در اجرای وظایف خود از حمایت کشور پذیرنده برخوردار خواهد بود. شخص پیک مصونیت داشته و به هیچ عنوان بازداشت یا زندانی نخواهد شد.

۶ ـ کشور فرستنده یا مأموریت می‌تواند پیکهای سیاسی مخصوص منصوب نماید و در این صورت مقررات بند ۵ این ماده و مصونیتهای مندرج در آن فقط تا زمانی که پیک مزبور کیسه سیاسی خود را به مقصد می‌رساند جاری خواهد بود.

۷ ـ کیسه سیاسی را می‌توان به فرمانده یک هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز فرود آید سپرد. فرمانده مزبور که پیک سیاسی تلقی نخواهد شد باید دارای مدرک رسمی

حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه سیاسی باشد.
مأموریت می‌تواند یکی از اعضای خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه سیاسی از تشخیص فرمانده هواپیما اعزام دارد.

ماده بیست و هشتم ـ عواید و کارمزد دریافتی از طرف مأموریت بابت انجام وظایف رسمی از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض معاف است.

ماده بیست و نهم ـ شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه‌ای که در شأن او است خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.

ماده سی‌ام ـ ۱ ـ محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی مانند اماکن مأموریت مصون و مورد حمایت خواهد بود.
۲ ـ اسناد و مکاتبات و همچنین با رعایت بند ۳ ماده ۳۱ اموال مأمور سیاسی مصون خواهد بود.

ماده سی و یکم ـ ۱ ـ مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود مگر در موارد زیر:
الف ـ دعوی راجع به مال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده مگر آنکه مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.
ب ـ دعوی راجع به ماترکی که در آن مأمور سیاسی به طور خصوصی و نه به نام کشور فرستنده وصی و امین ترکه و وارث یا موصی‌له واقع شده باشد.
ج ـ دعوی راجع به فعالیتهای حرفه‌ای یا تجاری از هر نوع که مأمور سیاسی در خاک کشور پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.
۲ ـ مأمور سیاسی مجبور به ادای شهادت نیست.
۳ ـ علیه مأمور سیاسی مبادرت به هیچ‌گونه عملیات اجرایی نخواهد شد جز در موارد مذکور در بندهای الف، ب و ج قسمت اول این ماده و به شرط آنکه این عملیات اجرایی به مصونیت شخص یا محل اقامت او لطمه‌ای وارد نیاورد.
۴ ـ مصونیت قضایی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده او را از تعقیب قضایی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت.

ماده سی و دوم ـ ۱ ـ دولت فرستنده می‌تواند انصراف خود را از مصونیت قضایی نمایندگان سیاسی و اشخاصی که برطبق مادهٔ ۳۷ از مصونیت برخوردار می‌شوند اعلام نماید.
۲ ـ انصراف باید همیشه صریح باشد.
۳ ـ در صورت طرح دعوی از طرف یک نماینده سیاسی یا شخصی که برطبق ماده ۳۷ از

مصونیت قضایی بهره‌مند است توسل او به مصونیت قضایی نسبت به هرگونه دعوای متقابل که مستقیماً مربوط به دعوای اصلی باشد پذیرفته نخواهد بود.

۴ ـ انصراف از مصونیت قضایی در برابر یک دعوای مدنی یا اداری متضمن انصراف از مصونیت نسبت به اقدامات اجرایی مربوط به حکم محکمه نخواهد بود برای این امر یک انصراف جداگانه لازم است.

ماده سی و سوم ـ ۱ ـ مأمور سیاسی با رعایت بند ۳ این ماده در مورد خدمات انجام شده برای کشور فرستنده از مقررات بیمه‌های اجتماعی که ممکن است در کشور پذیرنده لازم‌الاجرا باشد معاف است.

۲ ـ معافیت مندرج در بند ۱ این ماده نیز شامل خدمتکاران شخصی که در خدمت انحصاری مأمور سیاسی می‌باشد می‌گردد مشروط بر آنکه این خدمتکاران:

الف ـ تبعه کشور پذیرنده نبوده یا در آن اقامت دایم داشته باشند و،

ب ـ مقررات بیمه‌های اجتماعی کشور فرستنده یا کشور ثالث در مورد آنان اعمال گردد.

۳ ـ مأمور سیاسی باید در مورد اشخاصی که در خدمت او هستند و مشمول معافیت مندرج در بند ۲ این ماده نمی‌باشند تکالیف ناشی از مقررات بیمه‌های اجتماعی کشور پذیرنده را که به کارفرما تحمیل می‌شود رعایت نماید.

۴ ـ معافیت مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده مانع از قبول بالاختیار و استفاده از بیمه اجتماعی کشور پذیرنده تا حدودی که مورد قبول این کشور باشد نخواهد بود.

۵ ـ مقررات این ماده مخل قراردادهای دوجانبه و چندجانبه که در گذشته راجع به بیمه‌های اجتماعی منعقد شده نبوده و مانع از انعقاد چنین قراردادهایی در آینده نخواهد بود.

ماده سی و چهارم ـ مأمور سیاسی از پرداخت کلیه عوارض شخصی یا مالی یا مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری جز در موارد زیر معاف است:

الف ـ مالیاتهای غیرمستقیم که معمولاً جز قیمت کالا یا خدمت محسوب می‌شود.

ب ـ مالیاتها و عوارض اموال غیرمنقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده جز در مواردی که مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ج ـ مالیات بر ارث که از طرف کشور پذیرنده دریافت می‌گردد با رعایت مفاد بند ۴ ماده ۳۹.

د ـ مالیات و عوارض مأخوذه از درآمدهای شخصی حاصل در کشور پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های به‌کار افتاده در بنگاههای تجارتی آن کشور.

هـ ـ مالیات و عوارضی که در برابر انجام خدمات خاص وصول می‌شود.

و ـ هزینه‌های ثبت و دادرسی و رهن و تمبر در مورد اموال غیرمنقول با رعایت مفاد ماده ۲۳.

ماده سی و پنجم ـ کشور پذیرنده مأمورین سیاسی را از انجام خدمات شخصی و خدمات

عمومی به هر صورت و شکل و الزامات نظامی از قبیل مصادره و بیگاری و اسکان افراد نظامی معاف خواهد داشت.

ماده سی و ششم - ۱ - کشور پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید ورود اشیای زیر را با معافیت از حقوق گمرکی و عوارض و سایر هزینه‌های فرعی جز مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه اجازه خواهد داد.

الف - اشیای مورد استفاده رسمی مأموریت.

ب - اشیای مورد استفاده شخصی مأمور سیاسی یا بستگان او که اهل خانه او هستند و از جمله اثاثیه‌ای که برای منزل خود لازم دارد.

۲ - توشه شخصی مأمور سیاسی از تفتیش معاف است، مگر اینکه دلایل جدی دال بر وجود اشیایی در آن که مشمول معافیتهای مندرج در بند ۱ این ماده نیست در دست بوده و یا ورود و صدور آن اشیاء به موجب قوانین یا مقررات قرنطینه کشور پذیرنده ممنوع باشد. در چنین صورتی تفتیش جز در حضور مأمور سیاسی یا نماینده مجاز او صورت نخواهد گرفت.

ماده سی و هفتم - ۱ - بستگان مأمور سیاسی که اهل خانه او هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده نباشند از مزایا و مصونیتهای مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۶ برخوردار خواهند بود.

۲ - کارمندان اداری و فنی مأموریت و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دایم آن کشور نباشند از مزایا و مصونیتهای مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره‌مند خواهند بود ولی مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظایف آنها نخواهد شد. اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در بند الف ماده ۳۶ در موارد اشیایی که برای منزل خود وارد می‌کنند استفاده خواهند نمود.

۳ - خدمه مأموریت به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دایم آن کشور نباشند نسبت به اعمال ناشی از اجرای وظایف خود مصونیت داشته و از پرداخت مالیات و عوارض بابت مزدی که در قبال انجام کار دریافت می‌دارند معاف می‌باشند و همچنین از معافیت مذکور در ماده ۳۳ استفاده خواهند نمود.

۴ - خدمتکاران شخصی اعضای مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دایم آن کشور نیستند از پرداخت مالیات و عوارض بابت حقوقی که در قبال انجام وظیفه دریافت می‌دارند معاف خواهند بود. استفاده آنان از مزایا و مصونیتهای دیگر فقط در حدودی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد خواهد بود. مع هذا کشور پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که به نحو بی‌تناسبی مانع انجام وظایف مأموریت گردد.

ماده سی و هشتم - ۱ - مأمور سیاسی که تبعه کشور پذیرنده و یا مقیم دایم آن کشور می‌باشد فقط در مورد اعمال رسمی مربوط به وظایف خود از مصونیت قضایی و مصونیت از تعرض

بهره‌مند خواهد بود مگر آنکه کشور پذیرنده مزایا و مصونیتهای بیشتری به او اعطاء کرده باشد.
۲ ـ سایر کارمندان مأموریت و خدمتکاران شخصی که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دایم آن کشور می‌باشند فقط تا حدودی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد از مزایا و مصونیتها برخوردار خواهند بود.

مع هذا کشور پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که به نحو بی‌تناسبی مانع انجام وظایف مأموریت گردد.

ماده سی و نهم ـ ۱ ـ اشخاصی که در استفاده از مصونیتها و مزایا ذی حق می‌باشند به مجرد ورود به قلمرو کشور پذیرنده برای تصدی مأموریت خود از این مصونیتها و مزایا بهره‌مند می‌شوند و اگر قبلاً در قلمرو آن کشور باشند استفاده از این مزایا و مصونیتها از تاریخی است که انتصاب آنها به وزارت امور خارجه یا هر وزارتخانه دیگر کشور پذیرنده که مقرر است اعلام گردد.

۲ ـ وقتی که مأموریت شخص بهره‌مند از مزایا و مصونیتها خاتمه یابد این مزایا و مصونیتها معمولاً در موقع ترک خاک کشور پذیرنده یا در انقضای موعد مناسبی که برای انجام این منظور به وی اعطاء می‌شود قطع می‌گردد. لیکن این مزایا و مصونیتها حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه تا این مواعد ادامه خواهد داشت.

مع هذا مصونیت نسبت به اعمالی که شخص بهره‌مند در اجرای وظایف خود به سمت عضو مأموریت انجام داده باقی است.

۳ ـ در صورت فوت یکی از اعضای مأموریت اعضای خانواده او از مزایا و مصونیتها تا انقضای مهلت مناسبی که برای ترک کشور پذیرنده به آنها اعطاء می‌گردد کمافی‌السابق بهره‌مند خواهند بود.

۴ ـ در صورت فوت یک عضو مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دایم در آن کشور نمی‌باشد و یا درصورت فوت یکی از بستگان او که اهل خانه او هستند کشور پذیرنده خروج اموال منقول متوفی را اجازه می‌دهد به استثنای اموالی که در کشور پذیرنده تحصیل شده و در موقع فوت ممنوع‌الصدور باشد. از اموال منقول که وجود آن در کشور پذیرنده صرفاً به سبب حضور متوفی در آنجا به سمت عضو مأموریت یا یکی از بستگان عضو مأموریت بوده مالیات بر ارث اخذ نمی‌گردد.

ماده چهلم ـ ۱ ـ موقعی که مأمور سیاسی به قصد عزیمت یا بازگشت به محل مأموریت و یا برای مراجعت به وطن از خاک کشور ثالثی که در صورت لزوم روادید صادر نموده عبور می‌کند یا در آنجا حضور دارد کشور ثالث او را از تعرض مصون داشته و مشمول کلیه مصونیتهایی که برای عبور یا بازگشت وی ضرورت دارد خواهد نمود.

همین مقررات از طرف کشور ثالث در مورد اعضای خانواده مأمور که از مزایا و مصونیتها

بهره‌مندند و همراه مأمور سیاسی یا جداگانه برای پیوستن به او یا مراجعت به وطن مسافرت می‌کنند اعمال خواهد شد.

۲ ـ کشورهای ثالث نباید در شرایط مشابه به آنچه در بند اول این ماده مقرر است عبور کارمندان اداری و فنی یا خدمه مأموریت و افراد خانواده آنها را از قلمرو خود دچار اشکال سازد.

۳ ـ کشورهای ثالث نسبت به مکاتبات و سایر وسایل ارتباطیه رسمی از جمله پیامهای کد و رمز که از خاک آنها می‌گذرد همان آزادی و حمایتی را اعطاء خواهند کرد که کشور پذیرنده در این باره مرعی می‌دارد.

نسبت به پیکهای سیاسی که در صورت لزوم روادید تحصیل کرده‌اند و نیز نسبت به کیسه‌های سیاسی عبوری همان مصونیت از تعرض و حمایتی را که کشور پذیرنده ملزم به رعایت است اعطاء خواهد کرد.

۴ ـ تکالیف کشورهای ثالث برطبق بندهای ۱ و ۲ و ۳ این ماده نسبت به اشخاص مذکور در این بندها و وسایل ارتباطیه رسمی و کیسه‌های سیاسی نیز که به علت (فورس ماژور) در قلمرو کشور ثالث می‌باشد مجزا خواهد بود.

ماده چهل و یکم ـ ۱ ـ کلیه اشخاصی که از مزایا و مصونیتها بهره‌مند می‌باشند بدون آنکه به مزایا و مصونیتهای آنان لطمه‌ای وارد آید مکلفند قوانین و مقررات کشور پذیرنده را محترم شمرده و از مداخله در امور داخلی آن کشور خودداری نمایند.

۲ ـ کلیه امور رسمی که برای اقدام و مذاکره با کشور پذیرنده از طرف کشور فرستنده به عهده مأموریت گذاشته شده باید از طریق وزارت امور خارجه کشور پذیرنده یا به وسیله آن و یا هر وزارتخانه دیگری که مقرر است انجام گیرد.

۳ ـ اماکن مأموریت طوری مورد استفاده قرار نخواهد گرفت که با وظایف مأموریت مندرج در این قرارداد یا در سایر قواعد حقوق بین‌الملل عمومی و یا در قراردادهای معتبر بین کشور فرستنده و کشور پذیرنده مغایر باشد.

ماده چهل و دوم ـ مأمور سیاسی در کشور پذیرنده فعالیت حرفه‌ای یا تجارتی به قصد انتفاع شخصی نخواهد داشت.

ماده چهل و سوم ـ مأموریت مأمور سیاسی از جمله در موارد زیر پایان می‌پذیرد:

الف ـ موقعی که کشور فرستنده خاتمه مأموریت مأمور سیاسی را به کشور پذیرنده اطلاع دهد.

ب ـ وقتی که کشور پذیرنده طبق بند ۲ از ماده ۹ به کشور فرستنده اطلاع می‌دهد که از شناختن مأمور سیاسی به عنوان عضو مأموریت خودداری می‌کند.

ماده چهل و چهارم ـ کشور پذیرنده وظیفه دارد حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه تسهیلات لازم را فراهم آورد تا اشخاص بهره‌مند از مزایا و مصونیتها به جز اتباع خود و نیز افراد خانواده آنها بدون توجه به تابعیت آنها بتوانند در اولین فرصت خاک کشور را ترک گویند. کشور

مزبور بخصوص باید درصورت احتیاج وسایل نقلیه مورد لزوم را برای خود و اموالشان در اختیار آنان بگذارد.

ماده چهل و پنجم ـ در صورت قطع روابط سیاسی بین دو کشور و یا زمانی که مأموریت به طور قطعی یا موقتی خاتمه یافته است:

الف ـ کشور پذیرنده موظف است حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه اماکن مأموریت و همچنین اموال و بایگانی آن را محترم شمرده و حمایت نماید.

ب ـ کشور فرستنده می‌تواند حفاظت اماکن مأموریت را با اموالی که در آن قرار دارد و همچنین حفاظت بایگانی آن را به کشور ثالثی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد واگذار نماید.

ج ـ کشور فرستنده می‌تواند حفظ منافع خود و منافع اتباع خود را به کشور ثالثی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد واگذار نماید.

ماده چهل و ششم ـ کشور فرستنده می‌تواند با جلب رضایت قبلی کشور پذیرنده و بنا به درخواست کشور ثالثی که در کشور اخیر نمایندگی ندارد موقتاً عهده‌دار حفظ منافع کشور ثالث و اتباع آن گردد.

ماده چهل و هفتم ـ ۱ ـ کشور پذیرنده در اجرای مقررات این قرارداد تبعیض بین کشورها قایل نخواهد شد.

۲ ـ مع هذا مواد زیر تبعیض تلقی نخواهد شد.

الف ـ اینکه کشور پذیرنده یکی از مقررات این قرارداد را به علت آنکه در خاک کشور فرستنده نسبت به مأموریت او در این مورد محدودیت قایل شده‌اند به طور محدود اجراء کند.

ب ـ اینکه کشورهایی بنا بر عرف و عادت و یا از طریق معاهده مزایایی مناسبتر از آنچه مقررات این قرارداد پیش‌بینی کرد متقابلاً به یکدیگر اعطاء نمایند.

ماده چهل و هشتم ـ این قرارداد برای امضای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا یک سازمان تخصصی و نیز هر کشور پیوسته به اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و هر کشور دیگری که به این منظور از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت گردد به طریق زیر مفتوح خواهد بود.

تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و از آن پس تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

ماده چهل و نهم ـ این قرارداد به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده پنجاهم ـ این قرارداد برای الحاق هر کشوری که جزء یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۴۸ باشد مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده پنجاه و یکم ـ ۱ ـ این قرارداد سی روز پس از تاریخ تسلیم بیست و دومین سند تصویب

یا الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجراء خواهد شد.
۲ ـ این قرارداد در مورد هریک ازکشورهایی که آن را پس از تسلیم بیست و دومین سند تصویب یا الحاق تصویب نمایند یا بدان ملحق شوند سی روز پس از تسلیم سند تصویب یا الحاق آن کشور لازم‌الاجراء خواهد شد.

ماده پنجاه و دوم ـ دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع تمام کشورهایی که عضو یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۴۸ باشند خواهد رساند:
الف ـ امضاء این قرارداد از طرف کشورها و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق طبق مفاد مواد ۴۸ و ۴۹ و ۵۰.
ب ـ تاریخی که این قرارداد به موجب ماده ۵۱ لازم‌الاجراء می‌شود.

ماده پنجاه و سوم ـ نسخه اصلی این قرارداد که متنهای انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشند به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد. دبیرکل رونوشتهای گواهی شده و مطابق با اصل آن را به تمام دول مشمول یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۴۸ تسلیم می‌نماید.

بنا به مراتب نمایندگان تام‌الاختیار امضاءکننده زیر که از طرف کشورهای متبوع خود حقاً مجاز می‌باشند این قرارداد را امضاء کرده‌اند.

وین هجدهم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و یک
محل امضاء نماینده تام‌الاختیار دولت ایران

قرارداد وین درباره روابط سیاسی پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت

دول طرف تعهد این پروتکل و قرارداد وین درباره روابط سیاسی مصوب کنفرانس ملل متحد منعقد در وین از دوم مارس تا چهاردهم آوریل ۱۹۶۱ که از این پس (قرارداد) نامیده خواهد شد.
با اظهار تمایل نسبت به برقراری اصول مربوط به تحصیل تابعیت از طرف اعضای مأموریتهای سیاسی خود و بستگان آنها که اهل خانه او هستند.
درباره مقررات زیر توافق نمودند:

ماده اول ـ از لحاظ این پروتکل اصطلاح (اعضای مأموریت) همان مفهوم بند ب از ماده اول (قرارداد) را دارد یعنی شامل (رییس مأموریت و کارمندان مأموریت) خواهند بود.

ماده دوم ـ اعضای مأموریت که تابعیت کشور پذیرنده را ندارند و بستگان آنها که اهل خانه آنها می‌باشند تابعیت کشور پذیرنده را صرفاً به سبب مقررات قانونی آن کشور به دست نخواهند آورد.

ماده سوم - این پروتکل برای امضای کلیه کشورهایی که به (قرارداد) می‌پیوندند به طریق زیر مفتوح خواهد بود.
تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و پس از آن تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.
ماده چهارم - این پروتکل به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.
ماده پنجم - این پروتکل برای الحاق کلیه کشورهایی که به (قرارداد) می‌پیوندند مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.
ماده ششم - ۱ - این پروتکل از روزی که (قرارداد) لازم‌الاجرا می‌شود یا سی روز پس از تسلیم دومین سند تصویب یا الحاق به پروتکل به دبیرکل سازمان ملل متحد هرکدام مؤخر باشد، لازم‌الاجرا خواهد بود.
۲ - برای کشوری که این پروتکل را بعد از لازم‌الاجراشدن طبق بند ۱ این ماده تصویب نماید یا بدان ملحق گردد. پروتکل سی روز بعد از تاریخ تسلیم تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا می‌شود.
ماده هفتم - دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع کشورهایی که ممکن است به قرارداد بپیوندند خواهد رسانید:
الف - امضاء این پروتکل از طرف کشورها و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق طبق مواد ۳ و ۴ و ۵.
ب - تاریخی که این پروتکل طبق ماده شش لازم‌الاجرا می‌شود.
ماده هشتم - نسخه اصلی این پروتکل که متنهای انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشند به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیرکل رونوشتهای مطابق‌بااصل‌وگواهی‌شده‌ای‌برای‌کلیه کشورهای‌مذکوردرمادهٔ ۳ ارسال خواهد داشت.
علی هذا نمایندگان تام‌الاختیار امضاءکننده زیر که از طرف کشورهای متبوع خود حقاً مجاز می‌باشند این پروتکل را امضاء نمودند.

وین هجدهم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و یک
محل امضاء نماینده تام‌الاختیار دولت ایران

قرارداد وین درباره روابط سیاسی و پروتکل اختیاری مربوط به حل اجباری اختلافات

دول طرف تعهد این پروتکل و قرارداد وین درباره روابط سیاسی مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد منعقد در وین از دوم مارس تا چهارم آوریل ۱۹۶۱ که از این پس قرارداد نامیده خواهد شد.

با اظهار تمایل به توسل به قضاوت اجباری دیوان دادگستری بین‌المللی تا آنجاکه به آنها مربوط است برای حل کلیه اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای (قرارداد) مگر آنکه در مهلت معقول راه حل دیگری مورد توافق مشترک قرارگرفته باشد نسبت به مقررات زیر توافق نمودند:

ماده اول ـ اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای (قرارداد) در صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد هر کشور طرف اختلاف و امضاءکننده این پروتکل می‌تواند به وسیله دادخواست اختلاف را در دیوان طرح نماید.

ماده دوم ـ طرفین می‌توانند ظرف دو ماه بعد از اعلام وجود اختلاف به یکدیگر با توافق مشترک به جای دیوان دادگستری بین‌المللی موضوع را به یک محکمه داوری ارجاع نمایند در خاتمه این مهلت هریک از طرفین می‌توانند اختلاف را ضمن دادخواستی در دیوان طرح کنند.

ماده سوم ـ ۱ ـ طرفین همچنین می‌توانند در عرض همان دو ماه مهلت مشترکاً توافق کنند که قبل از رجوع به دیوان دادگستری بین‌المللی متوسل به سازش گردند.

۲ ـ کمیسیون سازش تا پنج ماه پس از تاریخ تشکیل باید توصیه‌های خود را تسلیم نماید. اگر توصیه‌های مزبور در عرض دو ماه از تاریخ اعلام مورد قبول طرفهای اختلاف قرار نگیرد هریک از طرفین می‌تواند موضوع مورد اختلاف را ضمن تسلیم دادخواستی در دیوان طرح نماید.

ماده چهارم ـ دولتهای طرف تعهد (قرارداد) و پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت و پروتکل حاضر می‌تواند اعلام دارند که مقررات این پروتکل شامل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت نیز خواهد شد.

اعلامیه‌های مربوط به این موضوع به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد خواهد رسید.

ماده پنجم ـ این پروتکل برای امضای کلیه دولتهای عاقد قرارداد وین به طریق زیر مفتوح خواهد بود: تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و پس از آن تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

ماده ششم ـ این پروتکل به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده هفتم ـ این پروتکل برای الحاق کلیه کشورهایی که به قرارداد وین بپیوندند مفتوح خواهد بود.

اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده هشتم ـ ۱ ـ این پروتکل از روزی که (قرارداد) لازم‌الاجرا می‌شود یا سی روز پس از تسلیم دومین سند تصویب یا الحاق به پروتکل به دبیرکل سازمان ملل متحد هرکدام مؤخر باشد لازم‌الاجرا خواهد بود.

۲ ـ برای کشوری که این پروتکل را بعد از لازم‌الاجراشدن طبق بند ۱ این ماده تصویب نماید یا بدان ملحق گردد پروتکل سی روز بعد از تاریخ تسلیم سند تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا می‌شود.

ماده نهم - دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع دولتهایی که ممکن است به (قرارداد) بپیوندند خواهد رسانید.

الف - امضای این پروتکل از طرف کشورها و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق برطبق مواد ۵ و ۶ و ۷.

ب - اعلامیه‌هایی که طبق مادهٔ ۴ این پروتکل صادر می‌گردد.

ج - تاریخی که این پروتکل طبق مادهٔ هشتم لازم‌الاجرا می‌شود.

ماده دهم - نسخه اصلی این پروتکل که متنهای انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشد به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیرکل رونوشتهای مطابق با اصل گواهی شده‌ای برای کلیه کشورهای مذکور در مادهٔ ۵ خواهد فرستاد.

بنا به مراتب نمایندگان تام‌الاختیار امضاءکننده زیر که از طرف کشورهای مطبوع خود حقاً مجاز می‌باشند این پروتکل را امضاء نمودند.

وین هجدهم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و یک
محل امضاء نماینده تام‌الاختیار دولت ایران

لایحه قانونی لغو اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین[1]

مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸

شماره ۷/۱۵۰۸ ۱۳۵۸/۲/۲۷

ماده واحده - قانون مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳[2] راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین لغو می‌شود.[3]

قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا[4]

مصوب دهم آبان ۱۳۶۸

ماده واحده - به منظور مقابله به مثل در برابر اقدامات دولت آمریکا رییس جمهور موظف است جهت دستگیری و مجازات آمریکاییها عوامل مستقیم و غیر مستقیم آنها که در محاکم قضایی ایران محکوم شده‌اند اقدامات لازم به عمل آورند.

---

۱ - روزنامه رسمی شماره ۹۸۶ مورخ ۱۳۵۸/۲۳/۱۷ (صفحه ۲۴ مجموعه سال ۱۳۵۸).
۲ - صفحهٔ ۲۳۴ مجموعهٔ سال ۱۳۴۳.
۳ - قرارداد وین در این مجموعه چاپ گردیده.
۴ - روزنامه رسمی شماره ۱۳۰۲۴ مورخ ۱۳۶۸/۸/۲۷

تبصره ۱ ـ کلیه کشورهایی که مستقیم یا غیر مستقیم با آمریکا در ربودن اتباع ایرانی و یا توطیه علیه جان آنها همکاری نمایند مشمول این ماده واحده می‌باشند.

تبصره ۲ ـ اتباع و عوامل آمریکا و کشورهایی که با آمریکا در آدم‌ربایی و توطیه علیه جان اتباع ایرانی و منافع جمهوری اسلامی ایران همکاری نمایند در دادگاههای داخل کشور بر مبنای قضای اسلامی محاکمه خواهند شد.

تبصره ۳ ـ این قانون از تاریخ تصویب تا زمانی که رییس جمهور آمریکا اختیار انجام اقدامات ضد انسانی را علیه جان و منافع اتباع ایرانی دارا باشد و نسبت به لغو مجوز رسمی اقدام ننماید معتبر و لازم‌الاجراء می‌باشد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ دهم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و شصت و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۸/۸/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

قانون تصویب قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسراییل[1]

مصوب ۲۹ شهریور ۱۳۷۱

ماده واحده ـ اگرچه جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس تاکنون همواره و قاطعانه از هرگونه داد و ستد مستقیم و غیر مستقیم با رژیم غاصب اسرائیل مخالف بوده و این سیاست را به نحو جامع و شامل ادامه خواهد داد و با توجه به قطعنامه‌های سومین اجلاس کنفرانس اسلامی منعقده در مکه مکرمه و طایف در مورد برنامه عملیاتی اسلامی به منظور رویارویی با دشمن صهیونیست درباره تحریم اسراییل که حسب اعلام وزارت امور خارجه در پنجمین اجلاس سران کشورهای اسلامی به تاریخ ۱۹۸۷ در کویت به تصویب رسیده است عیناً تصویب می‌گردد:

اجرای این قانون منوط است به تحقق شرایط ذیل:

۱ ـ کمیته‌ای با عضویت نماینده جمهوری اسلامی ایران در اجرای بند «۶» ماده (۶) منشور کنفرانس اسلامی مصوب ۱۹۷۲ تشکیل گردد.

۲ ـ این کمیته علاوه بر انجام وظایف محوله در بند «۶» ماده (۶) منشور کنفرانس اسلامی علی‌الخصوص راجع به قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسراییل، موظف گردد تا در مورد سپرده‌های مالی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در بانکهای اسراییل یا بانکهایی که بخشی از سرمایه آن متعلق به اسراییل می‌باشد در کلیه کشورها تحقیق نتیجه را جهت اتخاذ تدابیر لازم در راستای قانون واحده مزبور به سازمان کنفرانس اسلامی گزارش نماید.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۳۸۶۹ مورخه ۱۳۷۱/۷/۲۷

۳ ـ کشورهای عضو سیاستی را اتخاذ نمایند که در صورت مغایرت بعضی از موافقتنامه‌های بین‌المللی آنها به قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسراییل اجرای آن موافقتنامه موجب بی‌اثرشدن تحریمهای پیش‌بینی شده در این قانون واحده نباشد.

قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسراییل

مصوب ۲۹ شهریور ۱۳۷۱

ماده ۱ ـ عقد هرگونه قرارداد ـ چه مستقیم و چه از طریق واسطه با شرکتها یا اشخاص مقیم اسرائیل یا با افراد تبعه اسراییل یا افرادی که برای اسراییل یا به نفع آن کشور کار می‌کنند صرف نظر از محل اقامت آنان، برای کلیه افراد حقیقی یا حقوقی ممنوع می‌باشد و بویژه زمانی که این گونه قراردادها در ارتباط با معاملات بازرگانی، عملیات بازرگانی یا هرگونه مبادله‌ای بدون توجه به ماهیت آن منعقد می‌شود. شرکتها و مؤسسات ملی و خارجی که در اسراییل دارای منافع، شعب یا نمایندگی هستند نیز باید از انجام هرگونه معامله با شرکتها و اشخاص فوق‌الذکر خودداری کنند.

ماده ۲ ـ ورود و مبادله و تجارت هرگونه کالا و محصولات و نیز اسکناس و سایر داراییهای قابل انتقال اسراییل در جمهوری اسلامی ایران ممنوع می‌باشد. هرگونه کالا و اجناسی که در تولید آن حتی بخشی از محصولات اسراییلی به‌کار رود صرف نظر از نوع و میزان مصرف آن و بدون توجه به اینکه این کالاها به طور مستقیم یا غیر مستقیم از اسراییل وارد شده‌اند به عنوان یک کالای اسراییلی محسوب می‌گردد. محصولات و کالاهایی که مجدداً از اسراییل با کشتی حمل شوند، یا در خارج از اسراییل به منظور صدور به حساب خود یا یکی از اشخاص یا شرکتهای مذکور در ماده (۱) ساخته شوند، به عنوان کالا یا مال‌التجاره اسراییلی محسوب می‌شوند.

ماده ۳ ـ در مواردی که توسط مقامات ذی صلاح تصریح می‌گردد، واردکننده موظف است نسبت به تهیه گواهی مبدأ که در آن مشخصات زیر درج شده، اقدام کند:

الف ـ مدرکی دال بر تأیید نام کشور تولیدکننده.

ب ـ مدرکی دال بر تأیید اینکه از هیچ نوع مواد اسراییلی در تولید کالاهای مربوطه به هر نسبتی استفاده نشده است.

ماده ۴ ـ دستگاههای ذی صلاح با اخذ تدابیر و اقدامات لازم باید از صدور کالاهای تعیین شده در کنفرانس LIAISONOFFICERS به هر کشور خارجی یا کشورهایی که ثابت شده مجدداً به اسراییل صادر می‌شود، خودداری کنند.

ماده ۵ ـ مفاد مندرج در مواد (۲)، (۳) و (۴) در مورد کالاهایی لازم‌الاجرا است که وارد منطقه

تجارت آزاد در جمهوری اسلامی ایران می‌شوند یا از این طریق صادر می‌گردند این مفاد همچنین در مورد کالاهایی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران تخلیه شده یا به صورت ترانزیت از این قلمروها با نام اسراییل یا فرد یا شرکتی عبور می‌نماید که مقیم اسراییل است یا در آن کشور قرار دارد نیز لازم‌الاجرا است مشروط بر آنکه چنین اقدامی مغایر با مفاد موافقتنامه‌های بین‌المللی که آن کشور عضو آنها است، نباشد.

ماده ۶ـ عرضه کالاها و محصولات منظور در ماده (۲) یا فروش، خرید و اکتساب این گونه کالاها ممنوع می‌باشد، هرنوع معامله به صورت هبه یا اکتساب ممنوع است.

هر معامله به صورت هبه یا صرفاً معامله، در اجرای مفاد این ماده، به عنوان فروش و یا خرید محسوب می‌گردد.

ماده ۷ـ هر فردی که مفاد مواد (۱)، (۲) و (۳) را نقض کند طبق قوانین هریک از دولتهای عضو به خاطر داد و ستد با اسراییل مجازات خواهد گردید. درکلیه موارد کالاهای توقیف شده به نفع دولت مربوط ضبط خواهد شد. به علاوه وسایل نقلیه مورد استفاده در این معامله پس از شناسایی صاحبان آن مصادره خواهد گردید.

ماده ۸ـ مجازات مصرح در ماده قبل به استثنای مصادره در صورتی به حالت تعلیق درخواهد آمد که شخصی (وقتی بیش از یک فرد باشد) که پیش‌قدم شده و اطلاعاتی در مورد سایر شرکت‌کنندگان در معامله فوق را در اختیار دولت قرار دهد اطلاعات وی پرده از این معامله بردارد.

ماده ۹ـ احکام صادره از سوی دادگاه در ارتباط با اعمالی که مغایر مفاد این قانون صورت پذیرفته به هزینه شخص خاطی چاپ و چنین احکامی به حروف درشت و به مدت سه ماه بر سردر شرکتهای بازرگانی، کارخانه‌ها و مغازه‌های خیاطان نصب می‌گردد و چنانچه نسبت به تغییر مکان، پنهان‌کردن یا از بین‌بردن رأی صادره اقدام گردد، شخص خاطی حداکثر به سه ماه زندان یا پرداخت ۱۰۰ سکه بهار آزادی یا معادل آن و یا هر دو مورد محکوم می‌گردد.

ماده ۱۰ـ به هر شخصی اعم از مقام دولتی یا غیره که در کشف کالاهای تحریم شده و یا ایجاد تسهیلاتی به منظور مصادره این کالاها کمک کند، از طریق اداری جایزه‌ای تعلق خواهد گرفت.

ارزش جایزه تعیین شده معادل ۲۰ درصد ارزش کالاهای مصادره شده می‌باشد، مگر اینکه به موجب قوانین محلی جایزه‌ای با درصد بالاتری مقرر شده باشد. چنانچه بیش از یک فرد مستحق دریافت جایزه باشد مبلغ جایزه با درنظرگرفتن میزان تلاش هریک از آنان در عملیات بین آنها تقسیم می‌گردد.

ماده ۱۱ـ هرنوع عملی که مغایر با مفاد این قانون یا قطعنامه‌های اجرایی آن صورت پذیرد باید توسط اشخاص مسؤول این کار در هر کشور و مطابق با اختیارات قانونی و وظایف محوله به آنان، اثبات گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منظم به متن قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسراییل شامل یازده ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و نهم شهریورماه یکهزار و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۱/۷/۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رییس مجلس شورای اسلامی ـ علی‌اکبر ناطق نوری

قانون مربوط به کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من جمله مأمورین سیاسی[1]

مصوب ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۷

ماده واحده ـ کنوانسیون راجع به جلوگیری از ارتکاب جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من جمله مأمورین سیاسی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ مشتمل بر یک مقدمه و ۲۰ ماده تصویب و اجازه تسلیم سند الحاق آن داده می‌شود.

کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من جمله مأمورین دیپلماتیک کشورهای طرف کنوانسیون حاضر

با توجه به مقاصد و اصول مندرج در منشور ملل متحد درباره حفظ صلح بین‌المللی و اعتلای مناسبات دوستانه و همکاری بین کشورها.

نظر به اینکه جرایم علیه مأمورین دیپلماتیک و سایر اشخاص مورد حمایت بین‌المللی در عین ایجاد مخاطره برای امنیت این اشخاص، حفظ مناسبات معموله بین‌المللی را نیز که جهت همکاری بین کشورها ضروری است جداً تهدید می‌کند.

با اعتقاد به اینکه ارتکاب این قبیل جرایم نگرانی خطیری برای جامعه بین‌المللی ایجاد می‌نماید.

با یقین به لزوم اتخاذ تدابیر مقتضی فوری و مؤثر جهت جلوگیری و مجازات این قبیل جرایم به شرح ذیل توافق نمودند:

ماده ۱ ـ از لحاظ کنوانسیون حاضر.

۱ ـ اصطلاح «شخص مورد حمایت بین‌المللی» به اشخاص زیر اطلاق می‌گردد:

الف ـ رییس کشور یا هریک از اعضای گروهی که حسب قوانین اساسی کشور مربوطه وظایف رییس کشور را اعمال می‌نمایند و رییس دولت یا وزیر امور خارجه هنگامی که هریک از این

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۹۷۶۴ مورخه ۱۳۵۷/۳/۳۱

اشخاص درسرزمین یک کشور خارجی به‌سرمی‌برندو همچنین اعضای خانواده او که همراه باشند.
ب ـ کلیه نمایندگان و کارمندان یا شخصیتهای رسمی هر کشور یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مأمور دیگر یکی از سازمانهای بین‌المللی یا بین دول هنگام وقوع جرم علیه شخص او یا اماکن رسمی و محل سکنی شخصی و یا وسایل نقلیه او، حق دارد به موجب حقوق بین‌الملل از حمایت مخصوص در مقابل ایراد لطمه به شخص و آزادی و حیثیت اعضای خانواده خود که با او زندگی می‌کنند، برخوردار گردد.
۲ ـ اصطلاح «مظنون به ارتکاب جرم» به شخصی اطلاق می‌گردد که در مرحله ابتدایی دلایل کافی برای اثبات اینکه او یک یا تعدادی از جرایم مندرج در ماده ۲ را مرتکب شده یا در آن شرکت نموده علیه او وجود داشته باشد.

ماده ۲ ـ ۱ ـ ارتکاب به عمد:
الف ـ قتل و ربودن یا نوعی دیگر حمله علیه شخص یا آزادی شخص مورد حمایت بین‌المللی.
ب ـ حمله خشونت‌آمیز به اماکن رسمی و محل سکنی و یا وسیله نقلیه متعلق به شخص مورد حمایت بین‌المللی به نحوی که جان و یا آزادی او به مخاطره افتد.
ج ـ تهدید به اعمال این قبیل حملات.
د ـ شروع به ارتکاب این قبیل حملات.
هـ ـ مداخله در ارتکاب این قبیل حملات به عنوان شریک جرم در قوانین داخلی هریک از کشورهای طرف کنوانسیون، جرم محسوب خواهد گردید.
۲ ـ هریک از کشورهای طرف کنوانسیون این جرایم را حسب میزان وخامت مشمول مجازاتهای مقتضی قرار خواهد داد.
۳ ـ مدلول بندهای ۱ و ۲ این ماده به هیچ وجه به تعهداتی که کشورهای طرف کنوانسیون به موجب حقوق بین‌الملل برای اتخاذ تدابیر مقتضی جهت جلوگیری از وقوع حملات دیگر علیه شخص و آزادی و حیثیت شخص مورد حمایت بین‌المللی به عهده دارند خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

ماده ۳ ـ ۱ ـ هریک از کشورهای طرف کنوانسیون، اقدامات مقتضی برای اعمال صلاحیت خود در مورد جرایم مندرج در ماده ۲ در موارد زیر معمول خواهد داشت:
الف ـ هنگامی که جرم در سرزمین آن کشور و یا در روی کشتی یا هواپیمای ثبت شده در قلمرو آن کشور واقع شود.
ب ـ هنگامی که مظنون به ارتکاب جرم تبعه آن کشور باشد.
ج ـ هنگامی که ارتکاب جرم علیه شخص مورد حمایت بین‌المللی موضوع ماده ۱ که وضع خود را به اعتبار انجام وظایف محول از طرف کشور مذکور تحصیل نموده است واقع گردد.
۲ ـ هریک از کشورهای طرف کنوانسیون در مواردی که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین آن

کشور به سر می‌برد و طبق ماده ۸ به هیچ یک از کشورهای مندرج در بند ۱ این ماده مسترد نمی‌گردد، اقدامات مقتضی برای اعمال صلاحیت خود در مورد آن جرایم معمول خواهد نمود.
۳ـ کنوانسیون حاضر به صلاحیت جزایی که به موجب قانون داخلی اعمال می‌گردد خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

ماده ۴ـ کشورهای طرف کنوانسیون برای جلوگیری از وقوع جرایم مندرج در ماده ۲ من جمله از طرق مشروح زیر، همکاری خواهند نمود:
الف ـ اتخاذ تدابیر ممکن در سرزمین خود برای جلوگیری از تهیه مقدمات جرمی که در نظر است در داخل یا خارج سرزمین او ارتکاب یابد.
ب ـ مبادله اطلاعات و هماهنگ‌کردن اقدامات مقتضی اداری و دیگر تدابیر برای جلوگیری از ارتکاب این جرایم.

ماده ۵ـ ۱ـ کشور طرف کنوانسیون که یکی از جرایم مندرج در ماده ۲ در سرزمین او واقع شده ـ هرگاه دلایلی در دست داشته باشد که مظنون به ارتکاب جرم از سرزمین او گریخته است ـ کلیه دلایل جرم و اطلاعات مربوط به هویت مظنون را به طور مستقیم و یا از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد به اطلاع سایر کشورهای ذی ربط خواهد رسانید.
۲ـ هرگاه یکی از جرایم مندرج در ماده ۲ علیه شخص مورد حمایت بین‌المللی ارتکاب یابد، هریک از کشورهای طرف کنوانسیون که اطلاعاتی درباره مجنی علیه و یا کیفیت حدوث جرم در دست دارد، کوشش خواهد نمود تا این اطلاعات را با رعایت شرایط مقرر در قانون داخلی خود، هرچه زودتر و به نحو کامل در اختیار کشوری که مجنی علیه به نام آن کشور انجام وظیفه می‌نموده است قرار دهد.

ماده ۶ـ ۱ـ کشور طرف کنوانسیون که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین او به سر می‌برد در صورتی که اوضاع و احوال را مقتضی تشخیص دهد با رعایت قانون داخلی خود اقدامات لازم را جهت مراقبت مظنون به منظور تعقیب و یا استرداد او معمول خواهد نمود.
اقدامات مذکور فوق بی‌درنگ به طور مستقیم و یا از طریق دبیرکل سازمان ملل به مقامات مشروح ذیل ابلاغ خواهد گردید:
الف ـ کشوری که جرم در قلمرو او واقع شده است.
ب ـ کشور یا کشورهایی که مظنون به ارتکاب جرم تابعیت آن را دارد و یا در صورتی که فاقد تابعیت باشد به کشوری که به طور دایم در سرزمین آن مقیم است.
ج ـ به کشور یا کشورهایی که شخص مورد حمایت بین‌المللی تابعیت آن را دارد و یا به نام آن انجام وظیفه می‌کرده است.
د ـ به سایر کشورهای ذی نفع.
هـ ـ به سازمان بین‌المللی که شخص مورد حمایت بین‌المللی کارمند یا مأمور آن می‌باشد.

۲ ـ اشخاصی که مشمول تدابیر مندرج در بند ۱ این ماده واقع شوند، حق دارند:
الف ـ بدون تأخیر با نزدیکترین نماینده صالح کشور متبوع خود یا کشوری که به نحو دیگر حافظ منافع اوست و یا در صورت فاقدبودن تابعیت، به نماینده کشوری که حسب تقاضای مظنون حاضر شود حقوق او را حمایت کند، تماس حاصل نماید.
ب ـ از طرف نماینده کشور مذکور ملاقات شود.

ماده ۷ ـ کشور طرف کنوانسیون، که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین او به سر می‌برد، در صورت عدم استرداد او، موضوع را بدون استثناء و بدون تأخیر موجه برای تعقیب طبق قوانین داخلی خود، به مقامات ذی صلاحیت ارجاع خواهد نمود.

ماده ۸ ـ ۱ ـ جرایم مندرج در ماده ۲ که در معاهدات استرداد بین کشورهای طرف کنوانسیون در فهرست جرایم قابل استرداد ذکر نشده باشند، ذکر شده تلقی خواهند گردید. کشورهای طرف کنوانسیون متعهد می‌شوند در معاهدات استردادی که در آینده منعقد می‌نمایند این جرایم را در زمره جرایم قابل استرداد محسوب کنند.
۲ ـ هرگاه یکی از کشورهای طرف کنوانسیون، که استرداد را مشروط به وجود معاهده استرداد می‌داند، درخواستی برای استرداد از دولت دیگری که طرف کنوانسیون می‌باشد و با او معاهده استرداد ندارد دریافت نماید، می‌تواند در صورت تصمیم به استرداد کنوانسیون حاضر را مبنای حقوقی استرداد در مورد این جرایم تلقی نماید. استرداد تابع مقررات آیین دادرسی و سایر شرایط قانون کشور متقاضی عنه خواهد بود.
۳ ـ کشورهای طرف کنوانسیون که استرداد را مشروط به وجود معاهده استرداد نمی‌کنند، این جرایم را جزو جرایم قابل استرداد بین خود محسوب خواهند داشت که تابع مقررات آیین دادرسی و سایر شرایط قانون کشور متقاضی عنه خواهد بود.
۴ ـ این جرایم از لحاظ استرداد بین کشورهای طرف کنوانسیون مانند آن تلقی می‌گردند که نه‌تنها در محل ارتکاب وقوع یافته، بلکه در سرزمین کشورهایی که بر طبق بند ۱ ماده ۳ ملزم به اعمال صلاحیت خود می‌باشند، نیز واقع شده‌اند.

ماده ۹ ـ هر شخصی که به استناد ماده ۲ کنوانسیون حاضر، تحت تعقیب قرار گیرد در کلیه مراحل رسیدگی و تعقیب از رفتار منصفانه برخوردار خواهند شد.

ماده ۱۰ ـ ۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون در کلیه مراحل تعقیب کیفری جرایم مندرج در ماده ۲ حداکثر تعاون قضایی را از جمله ارایه کلیه دلایل مثبته که در اختیار دارند، نسبت به یکدیگر مرعی خواهند داشت.
۲ ـ مقررات بند ۱ ماده حاضر به مفاد معاهدات تعاون قضایی دیگر خللی وارد نخواهد آورد.

ماده ۱۱ ـ کشوری که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین او تحت تعقیب است، نتیجه قطعی تعقیب را به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد خواهد رسانید و دبیرکل مراتب را به سایر

کشورهای طرف کنوانسیون اطلاع خواهد داد.

ماده ۱۲ ـ مقررات کنوانسیون حاضر به اجرای معاهدات مربوط به پناهندگی که هنگام پذیرفته‌شدن کنوانسیون حاضر لازم‌الاجرا بوده در مورد کشور طرف معاهده خللی وارد نخواهد آورد. لیکن کشور طرف کنوانسیون حاضر نمی‌تواند در قبال کشور دیگری که طرف این کنوانسیون بوده ولی طرف معاهدات مزبور نباشد، به آن معاهدات استناد کند.

ماده ۱۳ ـ ۱ ـ اختلافات بین دو یا چند کشور طرف کنوانسیون، ناشی از تفسیر و یا اجرای کنوانسیون حاضر ـ که از طریق انجام مذاکرات حل و فصل نگردد ـ حسب تقاضای یکی از آنها به داوری ارجاع خواهد شد.

هرگاه شش ماه پس از تاریخ تقاضای ارجاع به داوری طرفها نسبت به ترتیب داوری توافق ننمایند، هریک از طرفهای مذکور می‌تواند با رعایت اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اختلاف را به دیوان ارجاع نماید.

۲ ـ هریک از کشورهای طرف کنوانسیون می‌تواند، هنگام امضاء و یا تصویب کنوانسیون حاضر و یا الحاق به آن، اعلام دارد که خود را از بابت مقررات بند ۱ این ماده متعهد نمی‌داند. سایر کشورهای طرف کنوانسیون در قبال کشور طرف کنوانسیون که چنین قیدی کرده باشد، نسبت به بند ۱ این ماده متعهد نخواهند بود.

۳ ـ هر کشور طرف کنوانسیون که طبق بند ۲ این ماده قید کرده باشد می‌تواند در هر زمان آن قید را از طریق اعلام به دبیرکل سازمان ملل متحد، مسترد نماید.

ماده ۱۴ ـ کنوانسیون حاضر برای امضای کلیه کشورها تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۴ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک مفتوح خواهد بود.

ماده ۱۵ ـ این کنوانسیون به تصویب مقامات قانونگذاری خواهد رسید و اسناد تصویب به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

ماده ۱۶ ـ کنوانسیون حاضر برای الحاق کلیه کشورهای مفتوح خواهد بود و اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

ماده ۱۷ ـ ۱ ـ این کنوانسیون سی روز پس از سپرده‌شدن بیست و دومین سند تصویب و یا الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد، به مورد اجرا درخواهد آمد.

۲ ـ کنوانسیون حاضر نسبت به کشوری که بعد از سپرده‌شدن بیست و دومین سند تصویب و یا الحاق به کنوانسیون ملحق گردد، سی روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاق خود لازم‌الاجرا خواهد گردید.

ماده ۱۸ ـ ۱ ـ هر کشور طرف کنوانسیون، می‌تواند از طریق ارسال اعلامیه کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد کنوانسیون حاضر را فسخ نماید.

۲ ـ فسخ کنوانسیون شش ماه پس از وصول اعلامیه مزبور توسط دبیرکل سازمان ملل متحد

مؤثر خواهد بود.

ماده ۱۹ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد، مراتب زیر را به اطلاع کلیه کشورها خواهد رسانید:

الف ـ امضای کنوانسیون و سپردن اسناد تصویب و یا الحاق طبق مواد ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و نیز وصول اعلامیه موضوع مادهٔ ۱۸.

ب ـ تاریخ لازم‌الاجراءشدن این کنوانسیون، طبق مدلول ماده ۱۷.

ماده ۲۰ ـ نسخه اصلی این کنوانسیون، که متون انگلیسی و چینی و اسپانیولی و فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و مشارالیه رونوشتهای مصدقی از آن برای کلیه کشورها ارسال خواهد داشت.

بنا به مراتب، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولتهای متبوع خود برای این امر مجاز می‌باشند، کنوانسیون حاضر را که در نیویورک از تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳، برای امضاء مفتوح بود امضاء نمودند.

لایحه قانونی راجع به محمولات سیاسی و لوازم شخصی متعلق به نمایندگان سیاسی ایرانی و خارجی[1]

مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۵۹

ماده واحده ـ ۱ ـ محمولات سیاسی و لوازم شخصی متعلق به دیپلماتهای ایرانی و خارجی (نماینده سیاسی کلاً به دارنده پاسپورت سیاسی اطلاق می‌شود) که به ایران وارد و یا از ایران خارج می‌شوند مشمول مقررات ایرانی و بین‌المللی مربوط به مصونیت دیپلماتیک بوده و ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی به هیچ وجه حق بازکردن و بازدید محمولات و اجناس متعلق به نمایندگان سیاسی را بدون اجازه کتبی وزارت خارجه ندارند.

۲ ـ در صورتی که مقامات گمرکی و یا سایر مقامات دولتی و نهادهای انقلابی نسبت به محموله‌های سیاسی و یا حجم فوق‌العاده و لوازم شخصی نماینده و یا نمایندگی سیاسی مظنون باشند موظفند مراتب را فوراً به وزارت امور خارجه اعلام و همزمان، محمولاتی را که مورد سوءظن واقع شده به نماینده وزارت خارجه که در ساختمان دولت در فرودگاه مستقر خواهد بود ارجاع دارند. و در صورت غیبت نماینده وزارت خارجه، محموله و یا اجناس مذکور را بلافاصله به وزارت امور خارجه ارسال دارند و یا وزارت خارجه بلافاصله نماینده‌ای گسیل دهد که زیرنظر نماینده وزارت خارجه در صورتی که نماینده سیاسی عضو کشور دیگری باشد مفتوح شده و مورد بررسی قرار گیرد.

۳ ـ نمایندگان سیاسی می‌توانند بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی یک

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۰۳۱۵ مورخه ۱۳۵۹/۵/۴

دستگاه اتومبیل شخصی خود را به ایران وارد و یا از ایران خارج نمایند.
۴ ـ مأمورین گمرک و سایر مقامات دولتی و نهادهای انقلابی موظفند در نهایت ادب و متانت با نمایندگان سیاسی رفتار و کلیه تسهیلات لازم را در موارد مذکور در فوق در اسرع وقت فراهم آورند تا هیچ‌گونه مشکلی برای ایاب و ذهاب نمایندگان سیاسی ایرانی و خارجی فراهم نشود.
۵ ـ متخلفین از اجرای مقررات فوق به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۶ ماه محکوم خواهند شد.

قانون الحاق یک تبصره به بند ۳ لایحه قانونی محمولات سیاسی و لوازم شخصی متعلق به نمایندگان سیاسی ایران و خارجه

مصوب ۲۸ بهمن ۱۳۶۳[۱]

ماده واحده ـ تبصره زیر به عنوان تبصره به ذیل بند ۳ لایحه قانونی محمولات سیاسی و لوازم شخصی متعلق به نمایندگان سیاسی ایرانی و خارجی الحاق می‌گردد:
تبصره ـ معافیت این بند شامل نمایندگان سیاسی ایرانی نخواهد بود.

قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی

مصوب ۲۱ مهر ۱۳۴۳

ماده واحده ـ قرارداد وین درباره روابط سیاسی که در تاریخ هجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق با ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ در شهر وین به امضای نماینده مختار دولت شاهنشاهی رسیده و مشتمل بر ۵۳ ماده و دو پروتکل می‌باشد تصویب و به دولت اجازه داده می‌شود اسناد تصویب آن را مبادله نماید.

بخشنامه شورای عالی قضایی در رابطه با مصونیت مأمورین سیاسی

شماره ۱/۳۸۰۱۷ تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۱۰

نظر به اینکه مشاهده شده است برخی دادگاهها یا دادسراهای انقلاب برخلاف قوانین موضوعه یا پیمانهای بین‌المللی ـ سیاست دولت اقدام به توقیف یا بازداشت و یا بازرسی محل اقامت مأمورین سیاسی را نموده‌اند لزوماً متذکر می‌شود در این موارد مقررات قرارداد وین دربارهٔ

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۱۶۷۰ مورخ ۶۳/۱۲/۲۵ صفحات ۷۳۹ ـ ۷۱۴ مجموعه دوره ۲۱ قانونگذاری (جلد دوم).

روابط سیاسی (مجموعه قوانین سال ۱۳۴۵ صفحه ۳۸۰) و کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی (مجموعه قوانین سال ۱۳۵۳ صفحه ۴۲۳) و کنوانسیون درباره مأموریتهای مخصوص (مجموعه قوانین سال ۱۳۵۳ صفحه ۳۷۷) مجری و معتبر و لازم‌الرعایه است. به موجب مواد ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۷ قرارداد وین مأمورین سیاسی و بستگان آنها که اهل خانه مأمور سیاسی هستند مصون است و نمی‌توان آنها را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی مانند اماکن مأموریت مصون از تعرض می‌باشد و مأمور سیاسی از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است. اسناد و مکاتبات مأموریت سیاسی نیز مصون از تعرض می‌باشد همین ضوابط در مورد کسانی اعمال می‌شود که به مأموریت مخصوص اعزام شده‌اند. تعقیب مأمورین کنسولی فقط در حدود ماده ۴۱ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی با رعایت سایر مقررات کنوانسیون جایز است بنابراین مؤکداً متذکر می‌گردد دادگاهها و دادسراهای انقلاب اسلامی هنگامی که مأمورین سیاسی و یا مأمورین کنسولی و یا نمایندگان کشورهای خارجی در مأموریت مخصوص مورد سوء ظن یا اتهام جزایی قرار گیرند مراقبت کامل به‌کار برند نسبت به شخص آنها یا محل سکونتشان هیچ عملی مغایر و مخالف با قانون و پیمانهای بین‌المللی انجام نگیرد و قبل از هر اقدام عملی وزارت امور خارجه را در جریان امر قرار دهند تا اقدامی مغایر قانون یا مصالح عالیه کشور صورت نگیرد و چون به موجب بند ۴ ماده ۲۱ قرارداد وین درباره روابط سیاسی مصونیت قضایی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده او را از تعقیب قضایی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت هرگاه به مواردی برخورد شود که مأمور سیاسی باید مورد تعقیب کیفری قرار گیرد طبق قانون باید درخواست تعقیب به ضمیمه دلایل و مدارک جرم به اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران ارسال گردد تا پس از تماس اداره مذکور با وزارت خارجه و انجام مقدمات امر اقدامات مقتضی توسط دادگاه مربوط انجام گیرد.

آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقهای بین‌المللی[1]

فصل اول: تعاریف و ضوابط کلی

ماده ۱ ـ اصطلاحاتی که در این آیین‌نامه به‌کار می‌رود تابع تعاریف زیر می‌باشد:

دستگاه (سازمان) دولتی: وزارتخانه، مؤسسه یا شرکتی است که مطابق قوانین و مقررات، اعمال حاکمیت یا تصدی دولت جمهوری اسلامی ایران را در امری به عهده دارد. در مواردی که موضوع در ارتباط با وظایف و مسؤولیتهای چند دستگاه باشد، تعیین دستگاه مسؤول بر عهده

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۳۷۶۰ مورخه ۱۳۷۱/۳/۱۹

هیأت وزیران می‌باشد.

توافق حقوقی: توافقی است ناشی از روابط بین‌المللی که به موجب آن، دستگاه دولتی در مقابل دولت، مؤسسه و شرکت دولتی خارجی یا مجامع، شوراها و سازمانهای بین‌المللی، ملتزم به امری شود و دارای آثار و ضمانت اجرای حقوقی باشد.

توافق حقوقی: در مواردی که نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی باشد، «توافق حقوقی تشریفاتی» است و در سایر موارد، «توافق حقوقی ساده» محسوب می‌شود.

توافق نزاکتی: توافقی است ناشی از روابط بین‌المللی که به موجب آن، دستگاه دولتی تصمیم خود را به تعقیب سیاستهای معینی اعلام می‌نماید، بدون آنکه اثر حقوق لازم‌الاجرایی بر آن مترتب باشد.

اعلام قبولی: هر اقدامی که در حقوق بین‌المللی متضمن قبول توافق حقوقی باشد، اعم از امضای قطعی، تصویب، پذیرش و الحاق.

قرارداد جزیی: توافق حقوقی است که اجازه انعقاد آن در یک توافق حقوقی تشریفاتی به دستگاه دولتی داده شده است.

برنامه همکاری: ترتیباتی است که دستگاه دولتی برای انجام امور محول، با طرف خارجی توافق می‌نماید. مشروط بر اینکه موضوع آن در چارچوب وظایف و اختیارات آن دستگاه بوده، امکان تجدید نظر و اصلاح توسط دستگاه مذکور وجود داشته باشد، مانند سفرهای زیارتی و صدور ویزا.

اجازه مقدم: مجوز مجلس شورای اسلامی است که برای انعقاد توافق حقوقی، حسب مورد یا موضوع اخذ شده باشد.

معاملات: خرید و فروش کالا، حقوق و خدماتی است که دستگاه دولتی در قالب بودجه سالیانه در حدود اختیارات محول با رعایت ضوابط کلی قانونی انجام می‌دهد.

مبادله یادداشت و نامه: مبادله اسنادی است که برای انجام امور محول به دستگاه دولتی توسط مسؤولین ذی‌ربط با رعایت حقوق بین‌المللی صورت می‌گیرد.

تفاهم‌نامه: توافقی است که زمینه همکاری دولت جمهوری اسلامی ایران یا یکی از دستگاههای دولتی با طرفهای خارجی را مشخص می‌نماید، بدون آنکه تعهد حقوقی جهت انجام آن برای دستگاه دولتی ایجاد نماید.

پاراف: عبارت است از: تأیید پیش‌نویس توافق بین‌المللی از طرف اشخاص مجاز.

امضای موقت: امضای توافق بین‌المللی است که لازم‌الاجراءشدن آن منوط به تصویب مراجع صالح باشد.

امضای قطعی: امضای توافق بین‌المللی است که بعد از تصویب مراجع صالح، از طرف مقامات صلاحیت‌دار صورت می‌گیرد. در مواردی که نوع امضاء مشخص نشود، امضای قطعی

محسوب خواهد شد.
تعاریف اصطلاحات دیگر همان است که در قوانین و مقررات داخلی و یا مقررات بین‌المللی پذیرفته شده و توسط جمهوری اسلامی ایران ذکر گردیده است.
ماده ۲ ـ انجام مذاکره و پاراف و امضای موقت توافق حقوقی تشریفاتی منوط به هماهنگی قبلی با وزارت امور خارجه و کسب موافقت هیأت وزیران در کلیات آن می‌باشد، و امضای موقت آن توسط مقامی صورت می‌گیرد که هیأت وزیران معین می‌نماید.
امضای موقت توافقهای حقوقی ساده توسط اشخاصی مجاز است که از وزراء یا بالاترین مقامات اجرایی دستگاهها مستقل قبلاً اجازه امضای این‌گونه توافقها را حسب مورد یا موضوع، اخذ نموده باشند.
امضای قطعی توافقهای حقوقی ساده بر عهده وزیر یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه مستقل یا مقامات صلاحیت‌دار از سوی آنان می‌باشد.
امضای قطعی توافقهای حقوقی تشریفاتی، تابع ترتیبات مقرر در ماده (۱۱) این آیین‌نامه است.
ماده ۳ ـ در کلیه توافقهای دو یا چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی لازم است یک نسخه از آنها به زبان فارسی تنظیم گردد و در توافقهای حقوقی تشریفاتی، مراتب رجحان زبان فارسی یا یک زبان ثالث یا تساوی اعتبار زبان فارسی با زبان طرف قرارداد، جهت تفسیر قید شود.
ماده ۴ ـ قبل از پذیرش هرنوع توافق حقوقی تشریفاتی بین‌المللی لازم است نسخه فارسی با نسخه خارجی یا ترجمه فارسی با متن مطابقت شود. تأیید مطابقت برعهده هیأت ترجمه اداره توافقهای بین‌المللی معاونت حقوقی ریاست جمهوری می‌باشد.
ماده ۵ ـ در هر توافق حقوقی باید روش و مرجع حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای آن در متن توافق پیش‌بینی شود، به صورتی که در درجه اول، دادگاهها و مراجع جمهوری اسلامی ایران و در صورت عدم رضایت طرف خارجی به ترتیب یک مرجع حقوقی بین‌المللی یا مرجع تخصصی بین‌المللی یا مرجع خارجی رسمی، عهده‌دار این امر شود.
ماده ۶ ـ دستگاه دولتی مسؤول مذاکره و تنظیم متن، موظف است ترتیبی اتخاذ نماید تا توافقها ـ اعم از حقوقی و تزاکتی ـ متضمن موارد زیر نباشد:
الف ـ نقض تمامیت ارضی و استقلال همه‌جانبه کشور.
ب ـ نفوذ اجانب و سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و دیگر امور کشور.
ج ـ سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری.
د ـ تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر.
هـ ـ تغییر اساسی در خطوط مرزی کشور.
و ـ دادن امتیاز به خارجیان برای تشکیل شرکت و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی و

کشاورزی.
ز ـ انتقال نفایس منحصر به فرد کشور به بیگانگان.
ح ـ استقرار پایگاه نظامی خارجی در کشور.
ط ـ دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر.
ی ـ عضویت افراد خارجی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران.

فصل دوم: چگونگی تنظیم و انعقاد توافقهای حقوقی تشریفاتی

ماده ۷ـ موضوعات زیر باید به تناسب، تحت یکی از عناوین عهدنامه، مقاوله‌نامه، موافقتنامه، قرارداد یا پیمان و در چارچوب توافقهای حقوقی تشریفاتی تنظیم و تصویب شود.
الف ـ تعیین خطوط مرزی، روشهای حل اختلافات مرزی، صلح و مناقشات با دولتها.
ب ـ برای ایجاد مودت در ارتباط با همکاریها و مبادلات اقتصادی، اجتماعی، تجاری، فرهنگی، علمی و فنی.
ج ـ در مورد توافقهای چندجانبه بین‌المللی که در چارچوب یا تحت نظارت سازمانها، مجامع و اتحادیه‌های بین‌المللی منعقد می‌شود.
د ـ برای بیان قواعد، شرایط اجراء، تمدید، تکمیل، تفسیر یا اصلاح دیگر توافقهای حقوقی تشریفاتی، در صورتی که اجازه انجام آن توسط دستگاه دولتی در توافقنامه حقوقی تشریفاتی لحاظ شده باشد.
هـ ـ در مورد مسایل تعهدآور سیاسی ـ نظامی یا دفاعی دو یا چندجانبه منطقه‌ای یا جهانی.
و ـ در مورد تأسیس و عضویت در اتحادیه‌ها، مجامع و سازمانهای بین‌المللی.
ز ـ در مورد تصمیمات کنفرانس سازمان بین‌المللی کار، موضوع قسمت اول بند (۱) ماده (۱۹) اساسنامه سازمان بین‌المللی کار.
تبصره ـ در صورتی که توافقهای حقوقی تشریفاتی چندجانبه، عنوان دیگر داشته باشد و امکان تطبیق آن با عناوین مذکور در ماده فوق نباشد، اعلام قبولی آن با رعایت سایر ترتیبات، مجاز خواهد بود.
ماده ۸ـ دستگاه دولتی باید قبل از ارایه پیشنهاد برای الحاق یا اعلام قبولی یک توافق چندجانبه حقوقی تشریفاتی، با درنظرگرفتن مصالح و منافع ملی کشور، مطالعه و بررسیهای لازم را در مورد اعمال حق شرط (رزرو) در آن انجام داده و گزارش جامعی که متضمن علل و توجیه لزوم پیش‌بینی یا عدم پیش‌بینی حق شرط در مواردی از آن باشد، همراه با لایحه پیشنهادی به هیأت وزیران تسلیم نماید. در مواردی که دستگاه دولتی، اعمال حق شرط را لازم بداند باید لایحه طوری تنظیم شود که حاوی شرایط مورد نظر باشد.
تبصره ۱ ـ پیشنهاد حق شرط (رزرو) در مورد عضویت در اتحادیه‌ها، مجامع، سازمانهای

بین‌المللی منوط به رعایت مقررات اساسنامه یا سند تأسیس آنها باشد و باید با پیشنهاد عضویت، ارایه گردد.

تبصره ۲ ـ در صورتی که برای پذیرش توافق حقوقی لحاظ حق شرط (رزرو) منع شده باشد یا پذیرش مشروط آن، مغایر با هدف و موضوع توافق باشد، هنگام نیاز، دستگاه دولتی باید بیانیه توضیحی که متضمن برداشتی در راستای مصالح و منافع کشور از متن می‌باشد را تهیه و همراه با لایحه پیشنهادی به هیأت وزیران ارایه نماید.

ماده ۹ ـ عضویت در اتحادیه‌ها، سازمانها و مجامع بین‌المللی صرفاً به نام دولت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته خواهد شد و هیأت وزیران با توجه به وظایف قانونی دستگاهها، حسب مورد دستگاه ذی‌ربط را معین خواهد نمود.

ماده ۱۰ ـ دستگاه دولتی موظف است متن نهایی توافقهای حقوقی تشریفاتی را پس از طی مراحل مقرر در ماده (۲) این آیین‌نامه، به صورت لایحه‌ای تنظیم و به هیأت وزیران تقدیم نماید.

ماده ۱۱ ـ مرجع تصویب متون موضوع ماده (۷) این آیین‌نامه، مجلس شورای اسلامی است و امضای نهایی آنها بعد از تصویب مجلس شورای اسلامی مطابق اصل (۱۲۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده مقام ریاست جمهوری یا نماینده‌ای است که از طرف ایشان حسب موضوعات، به طور موردی یا کلی تعیین می‌شود.

ماده ۱۲ ـ در صورتی که لازم باشد متن نمونه‌ای تنظیم شود که توافقهای حقوقی تشریفاتی دوجانبه یا موادی از آن مطابق متن، منعقد شود، موضوع در «کمیسیون بررسی توافقهای بین‌المللی» مطرح خواهد شد. این کمیسیون با عضویت نمایندگان تام‌الاختیار وزارت امور خارجه، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی و دستگاه دولتی ذی‌ربط و سه نفر از اساتید حقوق، زیر نظر معاونت حقوقی ریاست جمهوری تشکیل خواهد شد. تصمیمات کمیسیون در این مورد برای دستگاههای اجرای ذی‌ربط، لازم‌الاجراء خواهد بود.

تبصره ۱ ـ متن نمونه توافق از نظر این آیین‌نامه متنی است که حداقل در بیش از سه توافق، ملاک عمل قرار گیرد.

تبصره ۲ ـ توافقهایی که قبلاً به صورت نمونه تنظیم شده باشد، در صورتی در موارد آتی ملاک عمل واقع خواهد شد که به تأیید کمیسیون مذکور برسد.

ماده ۱۳ ـ الف ـ نسخه اصلی توافق حقوقی دوجانبه و سایر اسنادی که به نحوی از انحاء مرتبط با آنهاست، باید پس از انعقاد به وزارت امور خارجه ارسال و به وسیله آن وزارت، مبادله و نسخه مربوط به طرف ایرانی در آنجا نگهداری و تصویری از آن به ریاست جمهوری، معاونت حقوقی و امور مجلس و دستگاه دولتی ذی‌ربط ارسال شود.

ب ـ کلیه اسناد مربوط به الحاق و اعلام قبولی توافق حقوقی چندجانبه باید پس از انعقاد به وزارت امور خارجه ارسال و سند الحاق به وسیله آن وزارت نزد مرجع نگهدارنده، تودیع و

تصویری از آن به معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری و دستگاه دولتی ذی‌ربط ارسال شود.

فصل سوم: چگونگی تنظیم و انعقاد توافقهای حقوقی ساده

ماده ۱۴ ـ امضای قرارداد جزیی، تنظیم برنامه‌های همکاری، انجام معاملات و انعقاد توافق براساس اجازه مقدم، مبادله یادداشت و نامه ـ که توافقهای حقوقی ساده محسوب می‌شوند ـ توسط دستگاه دولتی با کشورها و اشخاص خارجی اعم از دولتی و خصوصی و سازمانها و مجامع بین‌المللی، مشمول ترتیبات مقرر در این فصل می‌باشد.

تبصره ـ استفاده از عناوین موضوع ماده (۷) این آیین‌نامه در مورد توافقهای حقوقی ساده مجاز نمی‌باشد.

ماده ۱۵ ـ در مواردی که موضوع توافق حقوقی ساده مرتبط با وظایف و اختیارات چند دستگاه دولتی باشد، تهیه و تنظیم و امضای توافق با دستگاهی است که مسؤولیت اصلی را در مذاکره و امضای توافق بر عهده دارد. دستگاه مزبور موظف است هماهنگی لازم را قبل از امضاء با دیگر دستگاههای ذی‌ربط، به عمل آورد. در صورت بروز اختلاف، اتخاذ تصمیم با هیأت وزیران خواهد بود.

فصل چهارم: سایر مقررات

ماده ۱۶ ـ تنظیم و امضای تفاهمنامه، بیانیه، اعلامیه، توصیه‌نامه، صورت مذاکرات، صورتمجلس و دیگر موارد مشابهی که در زمره توافقهای نزاکتی است، به عهده دستگاه دولتی ذی‌ربط می‌باشد.

تبصره ۱ ـ استفاده از عناوین مذکور در مواد (۷) و (۱۴) این آیین‌نامه برای توافقهای نزاکتی، مجاز نخواهد بود.

تبصره ۲ ـ توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار و سایر مواردی که موجب تعهد حقوقی است، از شمول مقررات این ماده، مستثنی بوده، اعلام قبولی آن تابع تشریفات مقرر می‌باشد.

ماده ۱۷ ـ کلیه دستگاههای دولتی، همچنین مؤسسات و سازمانها و شرکتهایی که شمول حکم بر آنها مستلزم ذکر نام است، مشمول مقررات این آیین‌نامه می‌باشند.

تبصره ـ رفع مورد ابهام در اجرای این آیین‌نامه بر عهده کمیسیون ماده (۱۲) خواهد بود.

ماده ۱۸ ـ کلیه مصوبات ودستورالعملها در قسمت مغایر با این آیین‌نامه ملغی است.

معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

اصلاحیه آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقهای بین‌المللی[1]

معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ بنا به پیشنهاد شماره ۲۹۱۰۷ مورخ ۱۳۷۸/۶/۲ معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری «آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقهای بین‌المللی» موضوع تصویبنامه شماره ۱۲۶۱۳/ ت ۹۱ هـ مورخ ۱۳۷۱/۳/۹ را به شرح زیر اصلاح نمود:

۱ ـ تبصره ذیل به ماده ۲ اضافه می‌گردد.

تبصره ـ در مواردی که متن نمونه موضوع ماده (۱۲) این آیین نامه تنظیم شده باشد، مذاکره، پاراف و امضای موقت باید در چارچوب متن نمونه مذکور انجام گیرد و در سایر موارد قبل از طرح موضوع در هیأت وزیران متن فارسی و زبان مرجع باید برای تطبیق ترجمه و اظهار نظر معاونت یاد شده توسط هیأت وزیران مورد تصمیم‌گیری واقع شود.»

۲ ـ تبصره زیر به ماده (۳) افزوده می‌شود:

تبصره ـ در توافق حقوقی تشریفاتی دو جانبه لازم است یک نسخه از توافق به یکی از زبانهای رایج انگلیسی، فارسی و عربی به عنوان زبان مرجع جهت تفسیر تنظیم گردد. در صورتی که زبان طرف مقابل از زبانهای رایج باشد و تنظیم متن توافق به تشخیص معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری از لحاظ شرایط و روابط دو جانبه به زبان ثالث مناسب نباشد باید برای تفسیر، تساوی اعتبار متن زبان فارسی با زبان طرف مقابل در توافق قید شود.»

۳ ـ در ماده ۴ عبارت اداره توافقهای بین المللی حذف می‌گردد.

۴ ـ تبصره زیر به ماده (۱۰) اضافه می‌شود:

تبصره ـ لوایح یاد شده پس از بررسی در معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری مستقیماً در هیأت دولت مطرح خواهد شد.»

۵ ـ تبصره‌های ذیل به عنوان تبصره‌های (۳) و (۴) به ماده (۱۲) الحاق می‌شود.

تبصره ۳ ـ چنانچه هنگام مذاکره با طرفهای خارجی اصلاح متن نمونه از نظر دستگاه دولتی ضروری تشخیص داده شود موارد اصلاحی باید قبل از امضای مقدماتی برای تنظیم نهایی به کمیسیون بررسی توافقهای بین المللی منعکس گردد.

تبصره ۴ ـ در صورتی که بر اساس تحولات آتی و توافقهای حقوقی بین‌المللی دو یا چند جانبه‌ای که جمهوری اسلامی ایران به آنها ملحق می‌شود، متن نمونه نیازمند بازنگری باشد،

---

۱ ـ روزنامه رسمی کشور ـ شماره ۱۶۱۷۵ تاریخ ۱۳۷۹/۶/۱۵.

موضوع در کمیسیون یاد شده قابل طرح مجدد خواهد بود.»
۶ـ در سطر آخر ماده (۱) پس از واژه «شده» حرف ربط «و» حذف می‌گردد.

آیین‌نامه اجرایی یادداشت تفاهم مورخ ۱۳۶۸/۱۱/۲۶ در مورد تسهیل عبور و مرور ساکنان مناطق مرزی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی[۱]

ماده ۱ ـ در این آیین‌نامه منظور از تفاهمنامه مفاد یادداشت تفاهم مورخ ۱۳۶۸/۱۱/۲۶ می‌باشد که به امضای نمایندگان دولتین جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رسیده است و به پیوست می‌باشد.

تبصره ـ منظور از ساکنان مناطق مرزی افراد مذکور در ماده یک تفاهمنامه می‌باشند.

ماده ۲ ـ پروانه گذر مرزی طبق تفاهمنامه و مطابق نمونه پیوست برای ساکنان مناطق مرزی که تابعیت جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند صادر خواهد شد.

ماده ۳ ـ اعتبار پروانه گذر مرزی یک سال از تاریخ صدور آن می‌باشد و دارنده آن می‌تواند (۴) بار در سال هر بار به مدت (۱۵) شبانه‌روز در خاک شوروی و در محدوده‌ای که در پروانه گذر به عنوان مقصد از آن نام برده شده است توقف نماید. در صورت اضطرار، ماده (۳) تفاهمنامه قابل اجراء می‌باشد.

تبصره ـ در موارد استثنایی از قبیل (بیماری ـ حوادث ناگوار ـ بلیات طبیعی و غیره) در صورت تأیید مقامات مرزی کشور میزبان مدت اقامت حداکثر تا (۱۵) شبانه‌روز دیگر قابل تمدید می‌باشد و در صورت تمدید اقامت، مدت آن در صفحه ملاحظات پروانه گذر مرزی ثبت و توسط مرزبانی ممهور می‌گردد.

ماده ۴ ـ پروانه گذر مرزی با تأیید فرمانداری پس از استعلام از وزارت اطلاعات، توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران صادر می‌گردد.

تبصره ۱ ـ صدور پروانه گذر مرزی با رعایت مواد (۱۶)، (۱۷)، (۱۸) و (۱۹) قانون گذرنامه مصوب سال ۱۳۵۱ و مصوبه مورخ ۱۳۶۷/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد افراد کمتر از (۱۸) سال، انجام می‌گیرد و فقط برای مسافرت به محلی که در پروانه گذر منظور شده است معتبر خواهد بود.

تبصره ۲ ـ صرفاً افرادی که حداقل از دو سال قبل از تاریخ تقاضا به طور مستمر در داخل محدوده شعاع (۴۵) کیلومتری مرز با تأیید نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ساکن بوده

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۳۲۷۵ مورخه ۱۳۶۹/۷/۹

باشند می‌توانند پروانه گذر مرزی دریافت نمایند.
تبصره ۳ـ اجازه خروج صادر شده در مدت اعتبار پروانه گذر برای (۴) بار خروج از کشور با رعایت ماده (۱۶) تفاهمنامه معتبر است.
ماده ۵ـ پروانه گذر مرزی به صورت انفرادی صادر می‌شود.
تبصره ـ اسامی همسر و فرزندانی که به سن قانونی نرسیده باشند می‌تواند به عنوان همراه در پروانه گذر ثبت گردد.
ماده ۶ـ خروج بانوان کمتر از پنجاه سال تمام از مرز بدون همراهی محارم ممنوع است.
ماده ۷ـ دارندگان پروانه گذر می‌بایستی از نقطه مرزی مندرج در پروانه گذر از کشور خارج و از همان نقطه نیز وارد کشور شوند.
ماده ۸ـ خروج کالا توسط دارندگان پروانه گذر تابع مقررات و قوانین گمرکی کشور می‌باشد.
ماده ۹ـ پرسنل نیروهای مسلح (نظامی ـ انتظامی) مشمول دریافت پروانه گذر نمی‌گردند.
ماده ۱۰ـ در صورت مفقود و یا غیر قابل استفاده‌شدن پروانه گذر، المثنی در همان سال صادر نخواهد شد.
ماده ۱۱ـ با هرگونه جعل، سوء استفاده و تخلف در خصوص پروانه گذر برابر مواد (۳۴) الی (۴۱) قانون گذرنامه رفتار خواهد شد.
ماده ۱۲ـ مقامات مرزی موظفند به هنگام ورود مسافران قبل از انجام مراحل گمرکی، پروانه گذر را از مسافر در قبال تحویل رسید، اخذ نموده و پس از ممهورنمودن به مهر ورود آن را به محل صدور پروانه گذر ارسال نمایند.
ماده ۱۳ـ دارندگان پروانه گذر اعم از اتباع کشور ایران یا کشور شوروی موظفند هنگام عبور از مرز و در طول مسافرت شئونات اسلامی و قوانین دو کشور را رعایت نموده و از ارتکاب هرگونه عملی که موجب هتک حرمت یا بی‌احترامی به اعتقادات و آداب و رسوم کشور میزبان تلقی گردد پرهیز نمایند.
ماده ۱۴ـ عبور از مرز فقط در مواقعی که هوا روشن است مجاز می‌باشد.
ماده ۱۵ـ در صورتی که پروانه گذر مرزی هریک از اتباع طرفین در طی مدت اقامت وی در خاک طرف مقابل، مفقود و یا غیر قابل استفاده گردد تبعه مزبور موظف است در اسرع وقت مراتب را به ارگانهای ذی ربط کشور میزبان اطلاع دهد. در این صورت ارگان مربوطه بنا به درخواست تبعه مزبور گواهینامه‌ای مبنی بر فقدان مدارک مذکور در اختیار وی قرار خواهد داد تا براساس آن بتواند به کشور متبوع خود مراجعت نماید.
ماده ۱۶ـ هریک از طرفین می‌تواند تبعه دولت دیگر را به هریک از دلایل ذیل از مزایا و تسهیلات مندرج در یادداشت تفاهم محروم و نامبرده را از طریق مرز ورودی به مرزبان طرف مقابل تحویل دهد:

۱ ـ مدارک خود را عمداً به دیگری واگذار کرده و یا به عاریت داده باشد.
۲ ـ از مدارک شخص دیگری جهت عبور از مرز و یا اقامت در خاک طرف دیگر استفاده نموده باشد.
۳ ـ از محدوده نوار مرزی مندرج در ماده (۱) یادداشت تفاهم فراتر رفته باشد.
۴ ـ بدون اینکه مشمول حق تمدید مندرج در ماده (۴) تفاهمنامه گردد اقامت خود را در کشور میزبان بیش از مدت مقرر ادامه داده باشد.

ماده ۱۷ ـ اجرای ماده (۱۴) تفاهمنامه به پیشنهاد فرماندار و تصویب شورای تأمین استان محل خواهد بود.

معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به اصلاحات به عمل آمده در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت در استکهلم به سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۹ میلادی برابر با سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۵۸ هجری شمسی[1]

ماده واحده ـ به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به اصلاحات به عمل آمده در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی در استکهلم به سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۹ میلادی برابر سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۵۸ هجری شمسی (به شرح پیوست) با رعایت موارد زیر ملحق شده اسناد مربوط را تسلیم کند:

۱ ـ تصویب جمهوری اسلامی ایران نسبت به بندهای (۳) و (۴) ماده (۱) و بند (۲) ماده (۲)، با توجه به جزء (ب) بند (۱) ماده (۲۰) قابل اجرا نیست.

۲ ـ بند (۱) ماده (۲۸) با توجه به بند (۲) آن در حال حاضر برای جمهوری اسلامی ایران تعهدآور نمی‌باشد.

بند (ط) ماده (۴)

۱ ـ تقاضانامه‌های گواهینامه مخترع که در کشوری تسلیم می‌شود که در آن متقاضیان حق دارند به انتخاب خود تقاضای ثبت اختراع یا تقاضای گواهینامه مخترع نمایند، همان حق تقدمی را ایجاد می‌کند که برابر این ماده در همان شرایط و با همان نتایج از تقاضای ورقه ثبت اختراع ناشی می‌شود.

۲ ـ در کشوری که آنجا متقاضی حق دارد به انتخاب خود تقاضای ثبت اختراع یا گواهینامه مخترع نماید، متقاضی گواهینامه مخترع بنا بر مقررات این ماده در مورد گواهینامه‌های ثبت اختراع از حق تقدمی بهره‌مند خواهد شد که از تقاضای ثبت اختراع یا ثبت نمونه بهره برداری یا گواهینامه مخترع ناشی می‌شود

ماده ۱۳ ـ مجتمع اتحادیه

۱ ـ الف ـ اتحادیه دارای مجمعی است مرکب از آن دسته از کشورهای اتحادیه که ملتزم به مواد (۱۳) تا (۱۷) می‌باشد.

ب ـ دولت هر کشور دارای کی نماینده خواهد بود که جانشینان، مشاوران و کارشناسانی می‌توانند او را همراهی کنند.

---

۱ ـ روزنامه رسمی کشور ـ شماره ۱۵۶۶۸ تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۹.

پ ـ هزینه‌های مربوط به هر هیأت نمایندگی به عهده دولی است که آن را منصوب نموده است.

۲ ـ

الف ـ مجمع:

یک ـ به تمام مسایل مربوط به حفظ و توسعه اتحادیه و اجرای این کنوانسیون رسیدگی می‌کند.

دو ـ به دفتر بین المللی معنوی (که از این پس «دفتر بین‌المللی» خوانده می‌شود) که در کنوانسیون مربوط به تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی (که از این پس «سازمان» نامیده می‌شود) از آن یاد شده، با در نظر گرفتن نظریات کشورهای اتحادیه که به مواد (۱۳) تا (۱۷) متعهد نشده‌اند، از نظر تهیه مقدمات کنفرانسهای تجدیدنظر، ارایه طریق می‌کند.

سه ـ گزارشها و فعالیتهای مدیرکل سازمان را درباره اتحادیه بررسی و تصویب می‌کند و به او در مورد مسایلی که در صلاحیت اتحادیه است کلیه دستورات لازم را خواهد داد.

چهار ـ اعضای کمیته اجرای مجمع را انتخاب می‌نماید.

پنج ـ گزارشها و فعالیتهای کمیته اجرایی خود را مورد بررسی و تصویب قرار داده به آن ارایه طریق می‌نماید.

شش ـ برنامه اتحادیه را تنظیم، بودجه دو ساله آن را تصویب و حسابهای نهایی را تأیید می‌کند.

هفت ـ مقررات مالی اتحادیه را تصویب می‌کند.

هشت ـ کمیته‌های کارشناسان و گروههای کاری را که برای تحقق هدفهای اتحادیه مفید می‌داند، ایجاد می‌نماید.

نه ـ درباره کشورهای غیرعضو اتحادیه و سازمانهای بین الدولی و بین المللی غیر دولتی که می‌توانند به عنوان ناظر در اجلاسیه‌های آن پذیرفته شوند تصمیم می‌گیرد.

ده ـ اصلاحات مربوط به مواد (۱۳۹ تا (۱۷) را مورد تصویب قرار می‌دهد.

یازده ـ هر نوع اقدام دیگری را که برای نیل به هدفهای اتحادیه مناسب باشد اتخاذ می‌کند.

دوازده ـ هر گونه وظایف دیگری را که به موجب این کنوانسیون مقتضی است انجام می‌دهد.

سیزده ـ حقوقی را که به موجب کنوانسیون مربوط به تأسیس سازمان به آن تفویض شده مشروط بر آنکه مورد قبول باشد، اعمال می‌کند.

ب ـ مجمع در مورد مسایلی که مورد توجه سایر اتحادیه‌های تحت مدیریت سازمان نیز می‌باشد، با توجه به نظر کمیته همکاری سازمان اتخاذ تصمیم می‌کند.

۳ـ

الف ـ با رعایت مقررات قسمت (ب) یک نماینده فقط نمایندگی یک کشور را می‌تواند داشته باشد.

ب ـ کشورهای عضو اتحادیه که به موجب شرایط موافقتنامه ویژه‌ای در دفتر مشترکی که برای هر یک از آنها در حکم اداره ملی مخصوص مالکیت صنعتی موضوع ماده (۱۲) می‌باشد متشکل

شده باشند می‌توانند در طی مباحث به طور جمعی به وسیله یکی از آن کشورها نمایندگی داشته باشد.

۴ ـ الف ـ هر کشور عضو مجمع دارای یک رأی می‌باشد.

ب ـ نصف کشورهای عضو مجمع حد نصاب را تشکیل می‌دهند.

پ ـ با وجود مقررات قسمت (ب) هرگاه طی جلسه‌ای تعداد کشورهای حاضر از نصف کشورهای عضو مجمع کمتر ولی برابر یا بیشتر از یک سوم آن باشد مجمع می‌تواند تصمیماتی اتخاذ نماید.با این حال، تمامی تصمیمات مجمع به جز تصمیمات مربوط به روش کار آن تنها زمانی قابل اجرا می‌گردد که شرایط یاد شده زیر مدعی شده باشد:

دفتر بین المللی تصمیمات یاد شده را به کشورهای عضو مجمع که حضور نیافته‌اند اعلام می‌دارد و از آنها دعوت می‌نماید که در سه ماه از تاریخ اعلام یاد شده رأی یا امتناع خود را به صورت کتبی اعلام دارند. اگر در انقضای این مهلت تعداد کشورهایی که رأی یا امتناع خود را بدین ترتیب بیان داشته‌اند حداقل برابر با تعداد کشورهایی باشند که حضور آنها برای حصول نصاب لازم می‌بود تصمیمات یاد شده لازم الاجرا خواهد بود، مشروط به اینکه در عین حال اکثریت لازم حاصل گردد.

ت ـ با رعایت مقررات بند (۲) ماده (۱۷) تصمیمات مجمع با اکثریت دو سوم آرا اتخاذ می‌گردند. رأی ممتنع رأی محسوب نمی‌گردد.

۵ ـ

الف ـ با رعایت قسمت (ب) یک نماینده تنها به نام یک کشور می‌تواند رأی دهد.

ب ـ کشورهای عضو اتحادیه یاد شده در قسمت (ب) بند (۳) به طور کلی سعی می‌نمایند هیأت نمایندگی خود را به مجمع اعزام دارند. با این حال، اگر به دلایل استثنایی یکی از کشورهای یاد شده نتواند هیأت نمایندگی خود را اعزام دارد، می‌تواند به هیأت نمایندگی یکی دیگر از این کشورها تفویض اختیار کند که به نام او رأی بدهد. بدیهی است یک هیأت نمایندگی به وکالت تنها از طرف یک کشور می‌تواند رأی دهد. چنین اختیاری باید در سندی که توسط رییس دولت یا وزیر صلاحیت‌دار امضا شده اعطا شود.

۶ ـ کشورهای عضو اتحادیه که عضو مجمع نیستند، مجاز هستند به عنوان ناظر در جلسات شرکت نمایند.

۷ ـ

الف ـ مجمع بر اساس دعوت مدیر کل هر دو سال یک بار اجلاسیه عادی خواهد داشت و زمان و محل آن به جز در موارد استثنایی در همان زمان و محلی است که مجمع عمومی سازمان تشکیل می‌شود.

ب ـ مجمع بنا به دعوت مدیر کل یا به تقاضای کمیته اجرایی یا به تقاضای یک چهارم

کشورهای عضو مجمع جلسات فوق العاده تشکیل خواهد داد.
۸ ـ مجمع آیین نامه داخلی خود را تصویب می‌نماید.

ماده ۱۴ ـ کمیته اجرایی

۱ ـ مجمع دارای یک کمیته اجرایی است.
۲ ـ

الف ـ کمیته اجرایی از کشورهایی تشکیل می‌شود که توسط مجمع از میان کشورهای عضو آن انتخاب می‌شوند. علاوه بر این، کشوری که مقر سازمان در سرزمین آن قرار دارد، با رعایت مفاد قسمت (ب) بند (۷) ماده (۱۶)، دارای یک کرسی دارای سمت در کمیته خواهد بود.

ب ـ دولت هر کشور عضو کمیته اجرایی یک نماینده خواهد داشت که جانشینان مشاوران و کارشناسان می‌توانند او را همراهی کنند.

پ ـ هزینه‌های هر هیأت نمایندگی به عهده دولتی است که آن را منصوب می‌نماید.

۳ ـ تعداد کشورهای عضو کمیته اجرایی برابر یک چهارم تعداد کشورهای عضو مجمع می‌باشد. در محاسبه کرسیهایی که باید پیش بینی شود باقیمانده تقسیم بر چهار ملحوظ نخواهد بود.

۴ ـ مجمع به هنگام انتخاب اعضای کمیته اجرایی توزیع عادلانه جغرافیایی و ضرورت حضور تمام کشورهای طرف موافقتنامه‌های ویژه منعقده در ارتباط با اتحادیه را در بین کشورهای تشکیل دهنده کمیته اجرایی در نظر می‌گیرد.

۵ ـ الف ـ اعضا کمیته اجرایی از تاریخ اختتام جلسه مجمع که در آن انتخاب شده‌اند تا پایان اجلاس عادی بعدی مجمع انجام وظیفه خواهند نمود.

ب ـ اعضای کمیته اجرایی را می‌توان فقط حداکثر تا تعداد دو سوم اعضاء دوبار انتخاب نمود.

پ ـ مجمع جزییات قواعد راجع به انتخاب و تجدید انتخاب احتمالی اعضای کمیته اجرایی را تعیین خواهد نمود.

۶ ـ الف ـ کمیته اجرایی:

یک ـ پیش نویس دستور جلسه مجمع را تهیه می‌نماید.

دو ـ پیشنهادهای مربوط به پیش نویس برنامه و بودجه دو ساله اتحادیه را که توسط مدیرکل تهیه شده تسلیم مجمع می‌نماید.

سه ـ حذف شد.

چهار ـ گزارشهای دوره‌ای مجمع و گزارشهای سالانه حسابرسی حسابها را با توضیحات لازم تسلیم مجمع می‌نماید.

پنج ـ به منظور حصول اطمینان از اجرای برنامه اتحادیه توسط مدیر کل، بر اساس تصمیمات مجمع و با در نظر گرفتن اوضاع و احوالی که در فاصله بین جلسات عادی مجمع بروز می‌کند، تمام تدابیر لازم را اتخاذ می‌نماید.

شش ـ هر وظیفه دیگری را که در حدود این کنوانسیون به عهده او محول شده انجام می‌دهد.
ب ـ کمیته اجرایی در مورد مسایلی که برای سایر اتحادیه‌های تحت مدیریت سازمان نیز مفید است، با توجه به نظر کمیته هماهنگی سازمان، تصمیم می‌گیرد.
۷ ـ الف ـ جلسه عادی کمیته اجرایی بنا به دعوت مدیرکل سالی یک بار تا اندازه امکان در همان زمان و در همان محل تشکیل کمیته هماهنگی سازمان تشکیل می‌یابد.
ب ـ جلسه فوق العاده کمیته اجرایی بنا به دعوت مدیرکل یا به ابتکار شخصی وی یا به تقاضای رییس کمیته و یا به تقاضای یک چهارم اعضای کمیته تشکیل می‌یابد.
۸ ـ الف ـ هر کشور عضو کمیته اجرایی حق یک رأی دارد.
ب ـ نصف تعداد کشورهای عضو کمیته اجرایی حد نصاب را تشکیل می‌دهند.
پ ـ تصمیمات به اکثریت نسبی آرا اتخاذ می‌گردد.
ت ـ رأی ممتنع رأی محسوب نمی‌شود.
ث ـ یک نماینده می‌تواند فقط نماینده یک کشور باشد و به نام او رأی دهد.
۹ ـ کشورهای عضو اتحادیه که عضو کمیته اجرایی نیستند به عنوان ناظر در جلسات پذیرفته خواهند شد.
۱۰ ـ کمیته اجرایی آیین نامه داخلی خود را تصویب می‌نماید.

ماده ۱۵ ـ دفتر بین‌المللی

۱ ـ
الف – انجام وظایف اداری اتحادیه به عهده دفتر بین المللی است که از اتحادیه دفتر اتحادیه با دفتر اتحادیه‌ای که بر اساس کنوانسیون بین المللی برای حمایت آثار ادبی و هنری تشکیل یافته به وجود می‌آید.
ب ـ دفتر بین المللی بویژه نقش دبیرخانه ارکان مختلف اتحادیه را ایفا می‌نماید.
پ ـ مدیر کل سازمان عالیترین مقام اجرایی اتحادیه و نماینده آن است.
۲ ـ دفتر بین‌المللی اطلاعات مربوط به حمایت مالکیت صنعتی را جمع آوری و منتشر می‌نماید. هر کشور اتحادیه متن قوانین جدید و نیز متون رسمی مربوط به حمایت مالکیت صنعتی را درکوتاهترین زمان برای دفتر بین المللی ارسال می‌دارد. علاوه بر این تمامی انتشارات اداره مالکیت صنعتی خود را که به طور مستقیم مربوط به حمایت مالکیت صنعتی است و از نظر دفتر بین المللی برای فعالیتهایش مفید باشد برای دفتر یاد شده ارسال می‌دارد.
۳ ـ دفتر بین المللی یک نشریه ماهانه منتشر می‌کند.
۴ ـ دفتر بین المللی برای هر کشور عضو اتحادیه بنا به درخواست، اطلاعاتی را در مورد مسایل مربوط به حمایت مالکیت صنعتی ارسال می‌دارد.
۵ ـ دفتر بین المللی برای تسهیل حمایت مالکیت صنعتی به انجام مطالعات و خدمات مبادرت

می‌کند.

۶ ـ مدیر کل و هر عضو اداری که توسط وی انتخاب می‌شود بدون حق رأی در تمام اجلاسیه‌های مجمع، کمیته اجرایی و هر کمیته دیگر کارشناسان یا کار گروهی شرکت می‌کنند. مدیر کل یا هر عضو اداری که توسط وی انتخاب می‌شود، از لحاظ سمت، دبیر این ارکان خواهد بود.

۷ ـ الف ـ دفتر بین‌المللی بر حسب ارایه طریق مجمع و با همکاری کمیته اجرایی برای تجدید نظر در مقررات کنوانسیون به جز مواد ۱۳ تا ۱۷ مقدمات برگزاری کنفرانسهایی را فراهم می‌نماید.

ب ـ دفتر بین المللی می‌تواند در مورد فراهم کردن مقدمات برگزاری کنفرانسهای تجدید نظر با سازمانهای بین الدولی و بین المللی غیر دولتی مشورت نماید.

پ ـ مدیر کل و اشخاصی که توسط وی معین می‌شوند، بدون حق رأی در مذاکرات این کنفرانسها شرکت می‌کنند.

۸ ـ دفتر بین المللی تمام وظایف دیگری راکه برای آن مقرر است انجام می‌دهد.

ماده ۱۶ ـ امور مالی

۱ ـ

الف ـ اتحادیه دارای یک بودجه است.

ب ـ بودجه اتحادیه مشتمل بر درآمدها و هزینه‌های اصلی اتحادیه، سهم آن در بودجه هزینه‌های مشترک اتحادیه‌ها و نیز در صورت لزوم، مبلغی است که در اختیار بودجه کنفرانس سازمان قرار داده می‌شود.

پ ـ هزینه‌های مشترک اتحادیه‌های هزینه‌هایی است که نه تنها اختصاص به اتحادیه نداشته بلکه به یک یا چند اتحادیه دیگر به وسیله سازمان اداره می‌شود مربوط باشد. سهم اتحادیه در هزینه‌های مشترک متناسب با منافعی است که اتحادیه در آنها دارد.

۲ ـ بودجه اتحادیه با توجه به ضرورت هماهنگی آن با بودجه‌های سایر اتحادیه‌ها که به وسیله سازمان اداره می‌گردند، معین می‌شود.

۳ـ بودجه اتحادیه از منابع زیر تأمین می‌شود:

یک ـ حق السهم هر یک از کشورهای اتحادیه

دو ـ حق الزحمه‌ها و هزینه‌های دریافتی بابت خدماتی که توسط دفتر بین المللی در رابطه با اتحادیه انجام می‌گیرد

سه ـ عایدی فروش نشریات دفتر بین المللی در مورد اتحادیه و حق الامتیازهای مربوط به نشریات

چهار ـ هدایا، اموال مورد وصیت و کمکهای مالی

پنج ـ اجازه بها، بهره و سایر درآمدهای متفرقه

۴ ـ

الف ـ هر کشور اتحادیه از نظر تعیین حق السهم خود در بودجه در طبقه معینی قرار می‌گیرد و حق السهم‌های سالانه خود را بر اساس واحدهایی که در زیر مقرر است می‌پردازد:

طبقه اول: ۲۵

طبقه دوم: ۲۰

طبقه سوم: ۱۵

طبقه چهارم: ۱۰

طبقه پنجم: ۵

طبقه ششم: ۳

طبقه هفتم: ۱

ب ـ هر کشور به هنگام تسلیم سند تصویب یا الحاق طبقه‌ای راکه مایل است در آن قرار گیرد اگر پیش از این تعیین نکرده باشد معلوم می‌کند. هر کشور می‌تواند طبقه خود را تغییر دهد. هر گاه طبقه پایین‌تری را انتخاب کند باید مراتب را در یکی از جلسات عادی به اطلاع مجمع برساند. این تغییر طبقه را آغاز سال تقویمی بعد از جلسه یاد شده نافذ خواهد گردید.

پ ـ حق السهم سالانه هر کشور عبارت از مبلغی است که نسبت آن به مبلغ مجموع حق السهمهای سالانه تمامی کشورها در بودجه را بر با نسبت موجود بین واحدهای طبقه‌ای که کشور یاد شده در آن رده بندی شده و تعداد کل واحدهای مجموع کورها می‌باشد.

ت ـ حق السهمها در اول ژانویه برابر با یازدهم دی ماه هر سال پرداخت می‌گردد.

ث ـ کشوری که در پرداخت حق السهمهای خود تأخیر نماید، هر گاه مبلغ حق السهم معوقه آن برابر یا بیش از مبلغ حق السهمهایی باشد که برای مدت دو سال کامل گذشته به عهده او بوده در هیچ یک از ارکان اتحادیه که عضو آن باشد حق رأی نخواهد داشت. با این حال تا مدتی که رکن یاد شده چنین تشخیص دهد که تأخیر ناشی از وجود شرایط استثنایی و غیر قابل احتراز بوده است کشور مورد بحث می‌تواند مجاز گردد که حق رأی خود را در رکن یاد شده حفظ کند.

ج ـ در موردی که قبل از دوره مالی جدید بودجه تصویب نشده باشد، بودجه در همان سطح بودجه سال قبل به گونه‌ای که در مقررات مالی پیش بینی و وی مراتب را به اطلاع مجمع و کمیته اجرایی خواهد رسانید.

۶ ـ الف ـ اتحادیه‌ها دارای یک تنخواه گردان است که با پرداخت در یک نوبت توسط هر کشور، عضو اتحادیه ایجاد می‌شود. اگر تنخواه گردان کافی نباشد، مجمع برای افزایش آن تصمیم خواهد گرفت.

ب ـ مبلغ پرداخت اولیه هر کشور بابت تنخواه گردان یاد شده در بالا یا مبلغی که به لحاظ

مشارکت خود در افزایش آن باید بپردازد متناسب با حق السهم این کشور در سالی است که در آن تنخواه گردان ایجاد شده یا برای افزایش آن اتخاذ تصمیم گردیده است.
ب ـ نسبت و کیفیت پرداخت بنا بر پیشنهاد مدیر کل و پس از اظهار نظر کمیته هماهنگی سازمان توسط مجمع معین می‌گردد.
۷ـ
الف ـ در موافقتنامه‌ای که با کشور محل استقرار سازمان درباره مقر سازمان منعقد می‌گردد پیش بینی خواهد شد که هر گاه تنخواه گردان کفایت نکند این کشور به سازمان کمک مالی (مساعده) بدهد. مبلغ این کمک و شرایط اعطای آن در هر مورد موکول به موافقتنامه جداگانه‌ای با کشور مورد بحث و سازمان خواهد بود. تا هنگامی که این کشور ملزم به پرداخت کمک مالی است از لحاظ سمت در کمیته اجرایی دارای یک کرسی خواهد بود.
ب ـ کشور یاد شده در قسمت (الف) و سازمان هر کدام حق دارند با اعلام کتبی تعهد پرداخت کمک مالی را فسخ نمایند. فسخ سه سال پس از پایان سالی که طی آن اعلام فسخ شده نافذ خواهد گردید.
۸ـ حسابرسی حسابها بر اساس روش پیش بینی شده در مقررات مالی، توسط یک یا چند کشور عضو اتحادیه یا توسط بازرسان خارجی که توسط مجمع و با رضایت خود آنها معین می‌شوند، انجام می‌گیرد.

ماده ۱۷ ـ اصلاح مواد (۱۳) تا (۱۷)

۱ ـ هر کشور عضو مجمع، کمیته اجرایی یا مدیر کل می‌توانند نسبت به مواد (۱۳)، (۱۴)، (۱۵) و (۱۶) و این ماده پیشنهادهای اصلاحی مطرح سازند. این پیشنهادها حداقل شش ماه قبل از بررسی در مجمع توسط مدیرکل برای کشورهای عضو مجمع ارسال خواهد شد.
۲ ـ هر گونه اصلاح مواد یاد شده در بند (۱) به تصویب مجمع می‌رسد. تصویب منوط به حصول اکثریت سه چهارم آراست با این حال، هر گونه اصلاح ماده (۱۳) و این بند مستلزم حصول اکثریت چهار پنجم آرا می‌باشد.
۳ـ هر گونه اصلاح مواد یاد شده در بند (۱) یک ماه پس از دریافت اطلاعیه‌های کتبی توسط مدیرکل مبنی بر پذیرش آن برابر روشهای قانون اساسی مربوط از طرف سه چهار کشورهایی که به هنگام تصویب اصلاحیه عضو مجمع بوده‌اند، لازم الاجرا خواهد شد. هر گونه اصلاح مواد یاد شده که بدین ترتیب مورد تصویب واقع شود، تمام کشورهایی را که به هنگام لازم الاجرا شدن اصلاحیه عضو مجمع بوده‌اند یا پس از آن به عضویت آن در آیند در بر خواهد گرفت. با وجود این هر گونه اصلاح که تعهدات مالی کشورهای عضو اتحادیه را افزایش دهد تنها شامل تعدادی از آنها خواهد شد که پذیرش اصلاح یاد شده را اعلام نموده‌اند.

ماده ۱۸ ـ تجدید نظر در مواد (۱) تا (۱۲) و (۱۸) تا (۳۰)

۱ ـ این کنوانسیون برای طرح اصلاحاتی که موجب پیشبرد نظام اتحادیه شود، مورد تجدیدنظر قرار خواهد گرفت.

۲ ـ بدین منظور به طور متوالی کنفرانسهایی در یکی از کشورهای عضو اتحادیه بین نمایندگان کشورهای یاد شده تشکیل می‌شود:

۳ ـ اصلاحات مربوط به مواد (۱۳) تا (۱۷) تابع مقررات ماده (۱۷) است.

ماده ۱۹ ـ موافقتنامه‌های ویژه

بدیهی است کشورهای عضو اتحادیه این حق را برای خود محفوظ می‌دارند که بین خود موافقتنامه‌های ویژه‌ای را برای حمایت مالکیت صنعتی تا حدودی که این موافقتنامه‌ها با مقررات این کنوانسیون مغایرت نداشته باشند، منعقد نمایند.

ماده ۲۰ ـ تصویب یا الحاق به اتحادیه توسط کشورها لازم الاجرا شدن

۱ ـ

الف ـ هر یک از کشورهای عضو اتحادیه که این سند را امضا می‌کند می‌تواند آن را تصویب نماید و اگر آن را امضا نکرده است می‌تواند به آن ملحق شود. اسناد تصویب و الحاق به مدیرکل تسلیم می‌شود.

ب ـ هر یک از کشورهای عضو اتحادیه می‌تواند در سند تصویب یا الحاق خود اعلام دارد که تصویب یا الحاق او نسبت به مواد زیر قابل اجرا نیست:

یک ـ مواد (۱) تا (۱۲) یا

دو ـ مواد (۱۳) تا (۱۷)

پ ـ هر یک از کشورهای عضو اتحادیه که برابر قسمت (ب) یکی از دو گروه مواد یاد شده در قسمت بالا را از شمول تصویب یا الحاق خود مستثنی دارد، در هر زمان پس از آن می‌تواند اعلام کند که تصویب یا الحاق خود را شامل این دسته از مواد نیز می‌کند. اعلامیه یاد شده به مدیر کل تسلیم می‌گردد.

۲ ـ

الف ـ مواد (۱) تا (۱۲) در مورد اولین ده کشور عضو اتحادیه که اسناد تصویب یا الحاق خود را بدون اعلام جزء (یکم) قسمت (ب) بند (۱) تسلیم داشته‌اند سه ماه پس از تسلیم دهمین سند تصویب یا الحاق لازم الاجرا خواهد شد.

ب ـ مواد (۱۳) تا (۱۷) در مورد اولین ده کشور عضو اتحادیه که اسناد تصویب یا الحاق خود را بدون اعلام جزء (دوم) قسمت (ب) بند (۱) تسلیم داشته‌اند، سه ماه پس از تسلیم دهمین سند تصویب یا الحاق لازم الاجرا خواهد شد.

پ ـ با رعایت لازم الاجرا شدن اولیه هر یک از دو دسته مواد یاد شده در جزءهای (یکم) و

(دوم) قسمت (ب) بند (۱) برابر مقررات قسمتهای (الف) و (ب) و با رعایت مقررات قسمت (ب) بند (۱) مواد (۱) تا (۱۷) در مورد هر کشور عضو اتحادیه غیر از کشورهای یاد شده در قسمتهای (الف) و (ب) که سندی مبنی بر تصویب یا الحاق تسلیم نماید یا هر کشور اتحادیه که بر اساس قسمت (پ) بند (۱) اعلامیه‌ای تسلیم دارد، سه ماه پس از تاریخ اعلام مدیرکل دایر بر سپردن سند یاد شده لازم الاجرا می‌شود، مگر آنکه در سند یا در اعلامیه یاد شده تاریخ اعلام مدیرکل دایر بر سپردن سند یاد شده لازم الاجرا می‌شود، مگر آنکه در سند یا در اعلامیه یاد شده تاریخ مؤخری تعیین شده باشد. در مورد اخیر این سند نسبت به کشور یاد شده در تاریخی که به این ترتیب تعیین گردیده لازم الاجرا می‌شود.

۳ـ مواد (۱۸) تا (۳۰) در مورد هر کشور عضو اتحادیه که سند تصویب یا الحاق خود را تسلیم دارد در نخستین تاریخی که یکی از دو دسته مواد یاد شده در قسمت (ب) بند ۱)، برابر قسمتهای (الف)، (ب) و (پ) بند (۲) در مورد این کشور لازم الاجرا می‌شود، لازم الاجرا خواهد شد.

ماده ۲۱ ـ الحاق کشورهایی که عضو اتحادیه نیستند، لازم الاجرا شدن

۱ ـ هر کشوری که عضو اتحادیه نیست، می‌تواند به این سند ملحق شود و با این عمل عضو اتحادیه گردد. اسناد الحاق به مدیر کل تسلیم می‌گردد.

۲ ـ

الف ـ این سند در مورد هر کشوری که عضو اتحادیه نیست و سند الحاق خود را یک ماه یا بیشتر قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن مقررات آن تسلیم داشته است در تاریخی که مقررات یاد شده برابر قسمتهای (الف) و (ب) بند (۲) ماده (۲۰) برای بار اول لازم الاجرا می‌شود، لازم الاجرا خواهد شد مگر آنکه در سند الحاق تاریخ دیگری تعیین شده باشد، با وجود این:

یک ـ هر گاه مواد (۱) تا (۱۲) در این تاریخ لازم الاجرا نشده باشد، چنین کشوری در دوره موقتی که تا زمان لازم الاجرا شدن این مقررات باقی است به جای مقررات یاد شده، تابع مواد (۱) تا (۱۲) سند لیسبن خواهد بود.

دو ـ در صورتی که در این تاریخ مواد (۱۳) تا (۱۷) لازم الاجرا نشده باشد، چنین کشوری در دوره موقتی که تا زمان لازم الاجرا شدن این مقررات باقی است به جای مقررات یاد شده تابع ماده (۱۳) و بندهای (۳)، (۴) و (۵) ماده (۱۴) سند لیسبن خواهد بود.

اگر کشوری در سند الحاق خود تاریخی مؤخر بر این تاریخ تعیین نماید، سند حاضر در تاریخ یاد شده در مورد این کشور لازم الاجرا می‌شود.

ب ـ سند حاضر در مورد در کشوری که عضو اتحادیه نیست و سند الحاق خود را در تاریخی مؤخر بر تاریخ لازم الاجرا شدن فقط یک دسته از مواد این سند یا در تاریخی که حداقل یک ماه مقدم بر آن است تسلیم داشته، با رعایت مندرجات قسمت (الف) سه ماه پس از تاریخی که مدیرکل الحاق او را اعلام نماید لازم الاجرا می‌شود، مگر آنکه در سند الحاق تاریخ مؤخری

تعیین شده باشد. در مورد اخیر این سند در تاریخی که به این گونه تعیین شده در مورد این کشور لازم الاجرا می‌شود.

۳ ـ این سند در مورد هر کشوری که عضو اتحادیه نیست و پس از تاریخ لازم الاجرا شدن کامل این سند یا حداقل یک ماه قبل از این سند الحاق خود را تسلیم داشته، سه ماه پس از تاریخ اعلام الحاق آن کشور توسط مدیر کل لازم الاجرا می‌گردد، مگر آنکه در سند الحاق تاریخ مؤخری تعیین شده باشد. در مورد اخیر این سند در تاریخی که به این گونه تعیین شده در مورد آن کشور لازم الاجرا می‌گردد.

ماده ۲۲ ـ نتایج تصویب یا الحاق

با رعایت استثنائات احتمالی پیش بینی شده در قسمت (ب) بند (۱) ماده (۲۰) و بند (۲) ماده (۲۸) تصویب یا الحاق به خودی خود شامل پذیرش تمامی مواد و برخورداری از تمامی امتیازات مقرر در این سند می‌گردد.

ماده ۲۳ ـ الحاق به سندهای قبلی

پس از لازم الاجرا شدن کامل این سند هیچ کشوری نمی‌تواند به اسناد قبلی این کنوانسیون ملحق شود.

ماده ۲۴ ـ سرزمینها

۱ ـ هر کشوری می‌تواند در سند تصویب یا الحاق خود اعلام دارد یا پس از آن در هر تاریخی به مدیر کل به طور کتبی اطلاع دهد که این کنوانسیون در مورد تمام یا قسمتی از سرزمینهایی که در اعلامیه یا اطلاعیه تعیین شده و مسؤولیت روابط خارجی آنها به عهده آن کشور است قابل اجرا می‌باشد.

۲ ـ کشوری که چنین اعلام داشته یا اطلاع داده در هر زمان می‌تواند به مدیرکل اطلاع دهد که قابلیت اجرای این کنوانسیون از آن پس در مورد تمام یا قسمتی از سرزمینهای یاد شده خاتمه می‌یابد.

۳ ـ

الف ـ هر اعلامیه‌ای که برابر بند (۱) صورت گیرد همزمان با تاریخ مندرج در سند تصویب یا الحاق نافذ خواهد گردید و هر اطلاعیه‌ای که برابر این بند صادر شود سه ماه پس از اعلام آن توسط مدیرکل نافذ خواهد شد.

ب ـ هر گونه اطلاعیه‌ای که برابر بند (۲) انجام شود و دوازده ماه پس از دریافت آن توسط مدیرکل نافذ خواهد شد.

ماده ۲۵ ـ اجرای کنوانسیون در سطح داخلی

۱ ـ هر کشور طرف این کنوانسیون متعهد می‌گردد برای تضمین اجرای این کنوانسیون، بر اساس قانون اساسی خود، تدابیر لازم اتخاذ نماید.

۲ ـ بدیهی است هنگامی که کشوری سند تصویب یا الحاق خود را تسلیم می‌دارد قادر خواهد بود بر اساس قوانین داخلی خود مقررات این کنوانسیون را اجرا نماید.

ماده ۲۶ ـ انصراف

۱ ـ این کنوانسیون بدون محدودیت زمانی لازم الاجرا خواهد ماند.

۲ ـ هر کشوری یم تواند با ارسال اطلاعیه‌ای برای مدیرکل این سند را فسخ نماید. این فسخ شامل فسخ تمام اسناد قبلی نیز خواهد بود و تنها در مورد کشور فسخ کننده موثر می‌باشد و کنوانسیون در مورد سایر کشورهای اتحادیه نافذ بوده و به طور کامل لازم الاجرا خواهد ماند.

۳ ـ فسخ یکسال پس از تاریخ دریافت اطلاعیه توسط مدیرکل نافذ خواهد گردید.

۴ ـ اختیار فسخ که در این ماده پیش بینی شده نمی‌تواند قبل از انقضای مدت پنج سال از تاریخ عضویت یک کشور در اتحادیه از طرف آن کشور اعمال گردد.

ماده ۲۷ ـ اجرای سندهای قبلی

۱ ـ این سند در روابط بین کشورهایی که در مورد آنها اجرا می‌شود و تا حدودی که اجرا می‌گردد جایگزین کنوانسیون پاریس مورخ بیستم مارسل سال ۱۸۸۳ میلادی برای اول فروردین ماه سال ۱۲۶۲ هجری شمسی و اسناد تجدیدنظر شده بعدی آن است.

۲ ـ

الف ـ در مورد کشورهایی که این سند قابل اجرا نیست یا به طور کامل قابل اجرا نمی‌باشد ولی سند لیسبن مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۵۸ برابر با ۱۰ آبان ماه سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در مورد آنها اجرا می‌گردد، سند اخیر به طور کامل یا در حدودی که این سند برابر بند (۱) جایگزین آن نمی‌شود لازم الاجرا خواهد ماند.

ب ـ همچنین در مورد کشورهایی که نه این سند به طور کلی یا جزیی و نه سند لیسبن هیچ کدام لازم الاجرا نیست، سند لندن مورخ دوم ژوئن ۱۹۳۴ برابر با سیزدهم خردادماه سال ۱۳۱۳ هجری شمسی به طور کامل یا در حدودی که این سند برابر بند (۱) جایگزین آن نمی‌شود، لازم الاجرا خواهد ماند.

پ ـ همچنین در مورد کشورهایی که نه این سند ـ به طور کلی یا جزیی ـ و نه سند لیسبن و نه سند لندن هیچ کدام لازم الاجرا نیستند، سند لاهه مورخ ششم نوامبر ۱۹۲۵ برابر با شانزدهم آبان ماه سال ۱۳۰۴ هجری شمسی به طور کلی یا در حدودی که این سند برابر بند (۱) جایگزین آن نیست، لازم الاجرا می‌ماند.

۳ ـ کشورهایی که عضو اتحادیه نیستند و طرف این سند می‌شود آن را در مورد هر کشور اتحادیه که طرف این سند نیست یا هر چند طرف آن است اعلامیه پیش بینی شده در جزء اول قسمت (ب) بند (۱) ماده (۲۰) را صادر نموده است اجرا می‌نمایند. کشورهای یاد شده تصدیق می‌نمایند که کشور یاد شده اتحادیه می‌تواند در روابط خود با آنها مقررات جدیدتری سندی را

که به آن پیوسته است به کار بندد.

ماده ۲۸ـ اختلافات

۱ ـ هرگونه اختلاف بین دو یا چند کشور عضو اتحادیه در مورد تفسیر یا اجرای این کنوانسیون که از طریق مذاکره فیصله نیابد، ممکن است توسط هر یک ازکشورهای طرف اختلاف بر اساس اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری از طریق دادخواستی به دیوان یاد شده ارجاع شود، مگر آنکه کشورهای طرف اختلاف در مورد راه حل دیگری به توافق برسند. دفتر بین المللی توسط کشور دادخواست دهنده از اختلافی که به دیوان ارجاع شده مستحضر خواهد گردید و مراتب را به اطلاع کشورهای دیگر اتحادیه خواهد رسانید.

۲ ـ هر کشور می‌تواند هنگام امضای این سند یا هنگام تسلیم سند تصویب یا الحاق العام نماید که خود را مورد مقررات بند (۱) متعهد نمی‌داند. در مورد هرگونه اختلاف موجود بین این کشور و هر کشور دیگر اتحادیه مقررات بند (۱) قبل اجرا نمی‌باشد.

۳ ـ هر کشوری که مراتب مندرج در بند (۲) را اعلام داشته باشد می‌تواند در هر موقع با ارسال اطلاعیه‌ای برای مدیرکل آن را مسترد نماید.

ماده ۲۹ ـ امضاء، زبانها، وظایف امین اسناد

۱ ـ

الف ـ این سند در یک نسخه به زبان فرانسوی به امضا رسیده و به دولت سوئد سپرده خواهد شد.

ب ـ متون رسمی پس از مشورت با دولتهای ذینفع به وسیله مدیرکل به زبانهای آلمانی، انگلیسی، اسپانیولی، ایتالیایی، پرتغالی، روسی و زبانهای دیگری که مجمع ممکن است معین کند، تنظیم خواهد گردید.

پ ـ در صورت بروز اختلاف نظر در تفسیر متون مختلف، متن فرانسوی معتبر خواهد بود.

۲ ـ این سند تا تاریخ سیزده ژانویه ۱۹۶۸ برابر با بیست و چهارم اسفند ماه سال ۱۳۴۶ هجری شمسی در استکهلم برای امضا مفتوح خواهد بود.

۳ ـ مدیرکل دو نسخه رونوشت از متن امضا شده این سند راکه صحت آن توسط دولت سوئد گواهی شده برای دولتهای تمام کشورهای اتحادیه و در صورت تقاضا برای سایر کشورها ارسال خواهد داشت.

۴ ـ مدیرکل این سند را در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسانید.

۵ ـ مدیرکل، امضاها و سپردن اسناد تصویب یا الحاق و اعلامیه‌های مندرج در این اسناد یا اعلامیه‌هایی که در اجرای قسمت (ب) بند (۱) ماده (۲۰) انجام می‌گیرد، لازم الاجراشدن هر یک از مقررات این سند، اطلاعیه‌های فسخ و اطلاعیه‌هایی راکه در اجرای ماده (۲۴) به عمل می‌آید را به اطلاع دولتهای تمام کشورهای اتحادیه می‌رساند.

ماده ۳۰ـ مقررات موقتی

۱ـ تا هنگامی که نخستین مدیرکل انجام وظایف خود را آغاز نماید، هرگونه اشاره‌ای که در این سند به دفتر بین‌المللی سازمان یا به مدیرکل شده است، به ترتیب، اشاره به دفتر اتحادیه یا مدیر آن تلقی خواهد شد.

۲ـ کشورهای عضو اتحادیه که نسبت به مواد (۱۳) تا (۱۷) متعهد نشده‌اند، می‌توانند در صورت تمایل پس از لازم الاجرا شدن کنوانسیون موجود سازمان، تا مدت پنج سال، حقوق پیش بینی شده در مواد (۱۳) تا (۱۷) این سند را اعمال کنند، به‌گونه‌ای که اگر نسبت به مواد یاد شده متعهد بودند عمل می‌کردند. هر کشوری که مایل به اعمال این حقوق باشد، اطلاعیه‌ای کتبی به این منظور به مدیرکل تسلیم می‌نماید که نفوذ آن ازتاریخ وصول خواهد بود. این قبیل کشورها تا انقضای مدت یاد شده عضو مجمع تلقی خواهند شد.

۳ـ تا مدتی که تمام کشورهای عضو اتحادیه عضو سازمان نشده‌اند، دفتر بین المللی سازمان وظیفه دفتر اتحادیه و مدیرکل، مدیر این دفتر را انجام خواهند داد.

۴ـ هنگامی که تمام کشورهای اتحادیه به عضویت سازمان در آیند، حقوق، تکالیف و اموال دفتر اتحادیه به دفتر بین المللی سازمان انتقال می‌یابد.

در تأیید مراتب بالا امضاء کنندگان زیر با داشتن اختیارات قانونی، این سند را امضاء نمودند.

در تاریخ چهاردهم ماه ژوئیه سال یکهزار و نهصد و شصت و هفت میلادی برابر با بیس و چهارم تیرماه سال یکهزار و سیصد و چهل و شش هجری شمسی در استکهلم تنظیم گردید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منظم به متن اصلاحات به عمل آمده در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هفدهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رییس مجلس شورای اسلامی ـ علی اکبر ناطق نوری

کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین‌المللی کالا از طریق جاده[1]

مقدمه ـ طُرفهای متعاهد

با توجه به تشخیص ضرورت یکنواخت کردن شرایط حاکم بر قرارداد حمل و نقل بین المللی کالا از طریق جاده، به خصوص اسناد مورد استفاده برای حمل بین المللی و مسؤولیت حمل کننده به شرح زیر موافقت می‌نمایند:

۱ـ روزنامه رسمی کشور ـ شماره ۱۵۴۷۱ تاریخ ۱۳۷۷/۱/۲۲.

فصل اول ـ محدوده اجرا

ماده ۱ ـ

۱ ـ این کنوانسیون شامل هر قراردادی که برای حمل کالا از طریق جاده با وسیله نقلیه به منظور کسب اجرت منعقد می‌شود و محل دریافت کالا و تحویل آن در قرارداد دو کشور مختلف واقع شده و حداقل یکی از دو طرف، عضو کنوانسیون باشد گذشته از محل اقامت و تابعیت دو طرف قرارداد می‌شود.

۲ ـ از نظر این کنوانسیون «وسیله نقلیه» یعنی وسایل نقلیه موتوری، وسایل نقلیه مفصل دار، یدک و نیمه یدک، به طوری که در ماده (۴) کنوانسیون تردد جاده‌ای مورخ بیست و هشتم شهریور ماه ۱۳۲۸ هجری شمسی برابر نوزدهم سپتامبر یکهزار و نهصد و چهل و نه (۱۹۴۹) میلادی تعریف شده است.

۳ ـ این کنوانسیون شامل حمل کالاهایی که در محدوده اجرای کنوانسیون به وسیله دولتها و یا مؤسسات و سازمانهای دولتی انجام می‌شود نیز می‌شود.

۴ ـ این کنوانسیون شامل موارد زیر نمی‌شود:

الف ـ حمل کالاهایی که تحت شرایط هر کنوانسیون بین‌المللی پستی انجام می‌شود.

ب ـ حمل محمولات جنازه ای

ج ـ حمل اثاث منزل

۵ ـ طرفهای متعاهد توافق می‌کنند که هیچ یک از مفاد این کنوانسیون را با توافقهای ویژه بین دو یا چند طرف متعاهد تغییر ندهند، مگر اینکه این کنوانسیون را مورد حملهای بین مرزی نافذ ندانند و یا اجازه استفاده از این کنوانسیون را به عملیات حملی که تماماً در محدوده قلمرو کشورهایشان تحت بارنامه اجاره‌ای که معرف مالکیت کالاست بدهند.

ماده ۲ ـ

۱ـ مادامی که وسیله نقلیه حامل کالا قسمتهایی از سفر را از طریق دریا، راه آهن، راههای آبی داخلی و یا هوا طی می‌کند، مشروط بر اینکه کالا از وسیله نقلیه تخلیه نشود این کنوانسیون در هر حال شامل تمام طول سفر خواهد بود به جز مواردی که مشمول مقررات ماده (۱۴) می‌باشد، به شرطی که ثابت شود هر گونه فقدان، خسارت و یا تأخیر در تحویل کالا که در طی حمل کالا توسط سایر وسایل حمل و نقل رخ داده، در نتیجه فعل و یا ترک فعل حمل کننده جاده‌ای نبوده ولی می‌توانست توسط حادثه‌ای در حین و یا به دلیل حمل توسط سایر وسایل حمل و نقل رخ داده باشد. مسؤولیت حمل کننده جاده‌ای

به وسیله این کنوانسیون تعیین نخواهد شد بلکه به گونه‌ای که اگر قرارداد مل به طور مستقیم بین فرستنده و حمل کننده وسیله دیگر برابر شرایطی که قانون برای حمل کالا توسط آن وسیله نقلیه برقرار کرده منعقد می‌شد، حمل کننده غیرجاده‌ای مسؤول شناخته می‌شد. در هر حال چنانچه

شرایط مشروح یاد شده وجود نداشته باشد، مسؤولیت حمل کننده جاده‌ای که به وسیله این کنوانسیون تعیین خواهد شد.

۲ ـ در صورتی که حمل کننده جاده‌ای و حمل کننده با وسیله حمل و نقل دیگر یکی باشد مسؤولیت حمل کننده جاده‌ای برابر مقررات بند یک این ماده و با فرض اینکه حمل کننده جاده‌ای و حمل کننده با وسیله حمل و نقل دیگر دو شخصیت جدا هستند تعیین خواهند شد.

فصل دوم ـ مسؤولیت حمل کننده نسبت به اشخاص

ماده ۳ ـ از لحاظ این کنوانسیون حمل کننده مسؤول فعل یا ترک فعل نمایندگان، کارکنان یا هر شخص دیگری که در جریان حمل از خدمات آنها استفاده می‌کند خواهد بود مادامی که این نمایندگان، کارکنان یا اشخاص دیگر در چهارچوب وظیفه شغلی خود عمل نموده باشند مثل آن است که فعل یا ترک فعل ناشی از عملکرد خود او باشد.

فصل سوم ـ انعقاد و اجرای قرارداد حمل

ماده ۴ ـ قرارداد حمل با تنظیم بارنامه جاده‌ای تأیید می‌شود. فقدان، دسترسی نداشتن به بارنامه جاده‌ای یا بی نظمی در صدور سند یاد شده لطمه‌ای به وجود این اعتبار قرارداد حمل نخواهد زد و قرارداد حمل مشمول مقررات این کنوانسیون خواهد بود.

ماده ۵ ـ

۱ ـ بارنامه جاده‌ای حمل در سه نسخه اصلی تنظیم و به امضای فرستنده کالا و حمل کننده می‌رسد. این امضاها ممکن است چاپ شده و یا با مهرهای فرستنده و حمل کننده جایگزین شوند مشروط بر اینکه قوانین کشوری که سند در آن تنظیم می‌شود، چنین کاری را اجازه دهد. نسخه اول بارنامه جاده‌ای به فرستنده تسلیم می‌شود. نسخه دوم همراه کالا خواهد بود و نسخه سوم توسط حمل کننده نگهداری می‌شود:

۲ ـ وقتی که کالای مورد حمل در چند وسیله نقلیه بارگیری یا از چند نوع مختلف کالا ترکیب و یا از چند قسمت مجزا تشکیل شده باشد، فرستنده یا حمل کننده حق خواه داشت درخواست نماید برای هر وسیله نقلیه یا برای هر نوع کالا یا قسمتهای جدا بارنامه جاده‌ای جداگانه تنظیم شود.

ماده ۶ ـ ۱ ـ بارنامه جاده‌ای باید مشخصات زیر باشد:

الف ـ تاریخ و محل صدور

ب ـ نام و نشانی فرستنده کالا

ج ـ نام و نشانی حمل کننده کالا

د ـ تاریخ و محل دریافت کالا و محلی که برای تحویل کالا مشخص شده است

هـ ـ نام و نشانی گیرنده کالا

و ـ شرح مصطلح ماهیت کالا و نوع بسته بندی و در مورد کالاهای خطرناک با شرحی که به طور

معمول، چنین کالاهایی شناخته می‌شوند.
ز ـ تعداد بسته‌ها و علایم و شماره‌های مخصوص آن.
ح ـ وزن ناخالص کالا و یا مقدار آن که به ترتیب دیگری بیان می‌شود.
ط ـ هزینه‌های مربوط به حمل (کرایه حمل، هزینه‌های تکمیلی، حقوق گمرکی، سود بازرگانی و سایر هزینه‌هایی که از زمان انعقاد قرارداد تا تاریخ تحویل کالا به وجود می‌آیند).
ی ـ دستورهای ضروری برای تشریفات گمرکی و غیره
ک ـ عبارتی مبنی بر اینکه، حمل کالا، با وجود هر شرط مغایری، مشمول مقررات این کنوانسیون می‌باشد.
۲ ـ در صورت لزوم بارنامه جاده‌ای باید دارای مشخصات زیر باشد:
الف ـ عبارتی حاکی از اینکه انتقال کالا از یک وسیله نقلیه به وسیله نقلیه دیگر مجاز نمی‌باشد.
ب ـ هزینه‌هایی که فرستند پرداخت آن را تعهد می‌کند.
ج ـ وجوهی که در مقابل تحویل کالا دریافت می‌شود.
د ـ بیان ارزش کالا و مبلغی که بیان کننده نفع خاص در تحویل شاد.
هـ ـ دستورهای فرستنده به حمل کننده در مورد بیمه کالا
و ـ محدوده زمانی مورد توافقی که در طی آن حمل کالا باید به انجام برسد
ز ـ صورتی از اسناد تحویل شده به حمل کننده.
۳ ـ دو طرف می‌توانند هر گونه مشخصات دیگری راکه مفید بدانند دربارنامه جاده‌ای قید کنند.
ماده ۷ ـ ۱ ـ فرستنده مسؤول جبران تمام هزینه‌ها، خسارات و صدماتی خواهد بود که در نتیجه نادرستی یا کافی نبودن مشخصات در موارد زیر به حمل کننده وارد می‌شود.
الف ـ مشخصات بیان شده در جزوه‌های (ب)، (د)، (هـ)، (و)، (ز)، (ج) و (ی) بند (۱) ماده (۶).
ب ـ مشخصات بیان شده در بند (۲) ماده (۶)
ج ـ هر گونه مشخصات یا دستورهای دیگری که توسط فرستنده داده شده است تا بتوان اقدام به تنظیم بارنامه جاده‌ای کرد یا آن مشخصات و دستورها را دربارنامه جاده‌ای وارد نمود.
۲ ـ در صورتی که بنا به تقاضای فرستنده، حمل کننده مشخصات موضوع بند یک این ماده را در بارنامه جاده‌ای وارد نماید انجام این کار از ناحیه فرستنده تلقی خواهد شد، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.
۳ ـ در صورتی که بارنامه جاده‌ای عبارت یاد شده در جزء (ک) بند (۱) ماده (۶) را نداشته باشد حمل کننده جبران تمام هزینه‌ها، صدمات و خسارتی خواهد بود که در نتیجه از قلم افتادن عبارت یاد شده شخصی که حق در اختیار گرفتن کالا را دارد متحمل شده است.
ماده ۸ ـ ۱ ـ هنگام تحویل گرفتن کالا حمل کننده باید موارد زیر را تطبیق کند:
الف ـ درستی مندرجات بارنامه جاده‌ای از نظر تعداد بسته‌ها و علایم و شماره‌های آن

ب ـ وضعیت ظاهری کالا و بسته بندی آن.

۲ ـ درمواردی که حمل کننده هیچ نوع ابزار مناسب برای تطبیق درستی مندرجات یاد شده در جزو (الف) بن (۱) این ماده را در اختیار ندارد حق شرطهای خود را با مبانی استدلال در بارنامه جاده‌ای قید می‌کند. حمل کننده همچنین عللی راکه موجب قید حق شرطهای او درمورد وضع ظاهری کالا و بسته بندیها شده است مشخص خواهد کرد. حق شرطهای مذکور در بارنامه جاده‌ای هیچ گونه الزامی برای فرستنده کالا ایجاد نخواهد کرد، مگر اینکه فرستنده با تعهدی که در نتیجه وارد کردن ملاحظات در سند حمل برای او ایجاد می‌شود به صورت صریح موافقت نموده باشد.

۳ ـ فرستند می‌تواند از حمل کننده بخواهد وزن ناخالص کالا یا مقدار آن راکه به ترتیب دیگری بیان شده است رسیدگی و تطبیق نماید. او همچنین می‌تواند درخواست کند که محتویات بسته‌ها بررسی شود. حمل کننده حق دارد هزینه‌های این گونه رسیدگی‌ها را مطالبه کند. نتیجه بررسی‌ها در بارنامه جاده‌ای درج می‌شود.

ماده ۹ ـ ۱ ـ بارنامه جاده‌ای اماره مفروض بر صحت تنظیم قرارداد حمل، شرایط قرارداد و دریافت کالا از طرف حمل کننده خواهد بود، مگر آنکه عکس آن ثابت شود.

۲ ـ در صورتی که بارنامه جاده‌ای فاقد حق شرطهای خاص از طرف حمل کننده باشد، فرض بر این است که کالا و بسته بندیهای آن در موقع تحویل وضع خوبی داشته و تعداد بسته بندیها و علایم و شماره‌های روی بسته‌ها با آنچه که در بارنامه جاده‌ای قید شده مطابقت دارد، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۰ ـ فرستنده در برابر حمل کننده مسؤول خسارتهای وارد شده به اشخاص و تجهیزات و کالاهای دیگر با هر گونه هزینه‌ای که در نتیجه نقص بسته بندی کالا ایجاد شود می‌باشد مگر اینکه نقص بسته بندی در موقع تحویل کالا آشکار یا برای حمل کننده شناخته شده باشد و نامبرده هیچ گونه حق شرطی در این مورد در بارنامه جاده‌ای وارد نکرده باشد.

ماده ۱۱ ـ ۱ ـ از لحاظ تشریفات گمرکی و سایر تشریفاتی که باید پیش از تحویل کالا انجام شود فرستنده باید اسناد لازم را پیوست بارنامه جاده‌ای کرده یا آنها را همراه با تمام اطلاعات مورد نیاز در اختیار حمل کننده بگذارد.

۲ ـ حمل کننده وظیفه ندارد درستی یا کافی بودن اسناد و اطلاعات داده شده را از فرستنده کالا جویا شود. فرستنده در برابر حمل کننده مسؤول جبران هرگونه خسارت ناشی از فقدان، کاستی یا بی تربیتی اسناد و اطلاعات ارایه شده خواهد بود مگر در مواردی که خسارت ناشی از اشتباه و غفلت حمل کننده بوده باشد.

۳ ـ مسؤولیت حمل کننده در برابر پی آمدهای فقدان یا استفاده نادرست از اسناد مذکور در بارنامه جاده‌ای و اسنادی که به پیوست سند یاد شده می‌آید و یا در اختیار حمل کننده گذاشته

می‌شود در حدود مسؤولیت حق العمل کار می‌باشد مشروط بر اینکه میزان غرامت قابل پرداخت به وسیله حمل کننده از میزان غرامتی که درنتیجه از دست دادن کالا پرداخت می‌شود تجاوز ننماید.

ماده ۱۲ ـ ۱ ـ فرستنده حق در اختیار گرفتن کالا را به خصوص به وسیله درخواست از حمل کننده مبنی بر توقف کالای در حال حمل، تغییر محلی که کالا باید تحویل شود و یا تحویل کالا به گیرنده‌ای غیر از گیرنده یاد شده در بارنامه جاده‌ای را دارد.

۲ ـ این حق با انتقال نسخه دوم بارنامه جاده‌ای به گیرنده یا اعمال حقی که برابر بند (۱) ماده (۱۳) به وی تعلق می‌گیرد، از فرستنده سلب می‌شود و از آن تاریخ به بعد حمل کننده از دستورهای گیرنده پیروی می‌کند.

۳ ـ در صورتی که فرستنده در بارنامه جاده‌ای حق در اختیار گرفتن کالا را به گیرنده واگذار نموده باشد، از تاریخ تنظیم جاده‌ای گیرنده می‌تواند این حق خود را اعمال نماید.

۴ ـ چنانچه گیرنده با اعمال حق خود مبنی بر در اختیار گرفتن کالا دستور تحویل کالا را به دیگری بدهد، شخص اخیر حق معرفی دیگری را به عنوان نماینده نخواهد داشت.

۵ ـ اعمال حق در اختیار گرفتن منوط به فراهم شدن شرایط زیر است:

الف ـ فرستنده، یا در مورد بند (۳) این ماده تحویل گیرنده، که خواهان اعمال حق می‌باشد نسخه اول بارنامه جاده‌ای را که در آن دستورهای جدید به حمل کننده داده شده است ارایه نموده و جبران تمام هزینه‌ها، فقدان و خساراتی را که درنتیجه اجرای چنین دستورهایی به حمل کننده وارد می‌شود تضمین کند.

ب ـ امکان اجرای چنین دستورهایی در زمان رسیدن دستورها به اجراکننده آن وجود داشته و در ضمن با جریان عادی تعهد حمل کننده تعارضی نداشته و لطمه‌ای به حقوق فرستندگان و گیرندگان سایر کالاها نزند.

ج ـ دستورها موجب تقسیم کالا نشود.

۶ ـ در صورتی که به دلایل گفته شده در جزو (ب) بند (۵) این ماده حمل کننده توان انجام دستور دریافتی را نداشته باشد موضوع را فوری به صادر کننده دستور اطلاع خواهد داد.

۷ ـ حمل کننده‌ای که دستور صادر شده در شرایط پیش بینی شده در این ماده را انجام نداده یا اینکه دستور صادر شده را بدون درخواست دریافت نسخه اول بارنامه جاده‌ای انجام دهد، در برابر شخصی که حق هرگونه ادعای فقدان یا خسارت ناشی از این عمل را دارد مسوول خواهد بود.

ماده ۱۳ ـ ۱ ـ پس از ورود کالا به مقصد، گیرنده می‌تواند از حمل کننده بخواهد که کالا و نسخه دوم بارنامه جاده‌ای را در برابر گرفتن رسید تحویل نماید. در صورتی که فقدان کالا ثابت شود یا با پایان مدت پیش بینی شده در ماده (۱۹) به مقصد نرسد تحویل گیرنده می‌تواند به نام خود

حقوقی راکه در قرارداد حمل کننده مجبور نیست کالا را تحویل دهد، مگر اینکه تضمینی کافی از تحویل گیرنده بگیرد.

ماده ۱۴ ـ

۱ ـ در صورتی که پیش از ورود کالا به مقصد به هر علتی امکان اجرای قرارداد بر اساسی شرایط پیش بینی شده در بارنامه جاده‌ای ممکن نباشد یا نشود حمل کننده از شخصی که برابر مقررات ماده (۱۲) حق در اختیار گرفتن کالا را دارد درخواست صدور دستور مقتضی خواهد نمود.

۲ ـ با وجود این، چنانچه اوضاع و احوال ایجاب نماید که حمل کالا تحت شرایطی غیر از آنچه که در بارنامه جاده‌ای قید شده انجام شود و حمل کننده نتواند در فرصت معقول از شخصی که برابر مقررات ماده (۱۲۹ حق در اختیار گرفتن کالا را دارد دستور مقتضی دریافت کند اقدامی راکه به نظر وی منافع شخص یاد شده را به بهترین وجه تأمین نماید، انجام خواهد داد.

ماده ۱۵ ـ ۱ ـ در صورتی که پس از ورود کالا به مقصد تعیین شده اوضاع و احوال مانع از تحویل کالا شود، حمل کننده از فرستنده،درخواست صدور دستورها را خواهد نمود. در صورتی که گیرنده از گرفتن کالا امتناع ورزد، فرستنده بدون اینکه مجبور به ارایه نسخه اول بارنامه جاده‌ای باشد، حق در اختیار گرفتن کالا را خواهد داشت.

۲ ـ حتی اگر گیرنده از پذیرفتن کالا امتناع کرده باشد می‌تواند درخواست تحویل کالا را تا زمانی که حمل کننده دستورهای مغایری از فرستنده دریافت نکرده است بنماید.

۳ ـ در صورتی که اوضاع و احوال مانع از تحویل کالا شده بعد از صدور دستور از طرف گیرنده در اعمال حقوق پیش بینی شده برای او در بند (۳) ماده (۱۲) مبنی بر تحویل کالا به شخص دیگر رخ دهد، بندهای (۱) و (۲) این ماده با فرض اینکه گیرنده، فرستنده است و شخص دیگر، گیرنده نافذ خواهد بود.

ماده ۱۶ ـ ۱ ـ حمل کننده حق دریافت هزینه‌هایی که برای گرفتن دستورها و همچنین هزینه‌هایی که برای اجرای چنین دستورهایی متحمل شده را خواهد داشت، مگر اینکه این هزینه‌ها در نتیجه عمل اشتباه یا غفلت حمل کننده به وجود آمده باشد.

۲ ـ در موارد گفته شده در بند (۱) ماده (۱۴) و ماده (۱۵) حمل کننده می‌تواند فوری کالا را به حساب شخصی که حق در اختیار گرفتن آن را دارد تخلف نموده و با این کار حمل پایان یافته تلقی خواهد شد. پس از آن حمل کننده کالا از طرف شخصی که صاحب آن شناخته می‌شود نگاهداری خواهد کرد. در هر حال حمل کننده می‌تواند نگاهداری کالا را به شخص ثالثی واگذار نماید. در این صورت هیچ گونه مسؤولیتی متوجه حمل کننده نخواهد بود جز اینکه باید در انتخاب شخص ثالث دقت معقول به عمل آورد. هزینه‌های تعلق گرفته به موجب بارنامه جاده‌ای و سایر هزینه‌ها در برابر تحویل کالا قابل دریافت خواهد بود.

۳ ـ در صورتی که کالا فاسد شدنی باشد حمل کننده می‌تواند بدون اینکه منتظر وصول دستور

شخصی که حق در اختیار گرفتن کالا را دارد بشود، آن را به فروش رسند همچنین در صورتی که وضع کالا چنین اقدامی را ایجاب نماید یا هزینه‌های انبارداری کالا در مقایسه با قیمت آن نامتناسب باشد حمل کننده می‌تواند دست به چنین کاری بزند. علاوه بر موارد یاد شده در صورتی که حمل کننده پس از پایان مدتی معقول دستوری مخالف با آنچه که به طور منطقی باید صادر کند از طرف شخصی که حق در اختیار گرفتن کالا را دارد دریافت ندارد اقدام به فروش کالا خواهد نمود.

۴ ـ چنانچه کالا به استناد این ماده فروخته شود، حاصل فروش پس از کسر هزینه‌های متعلقه در اختیار شخصی که حق در اختیار گرفتن کالا را دارد گذاشته خواهد شد. در صورتی که این هزینه‌ها مازاد بر حاصل فروش کالا باشد حمل کننده مستحق دریافت ما به التفاوت خواهد بود.

۵ ـ ترتیب فروش کالا در چنین مواردی به وسیله قانون یا عرف محلی که کالا در آن قرار دارد، تعیین خواهد شد.

فصل چهارم ـ مسؤولیت حمل کننده

ماده ۱۷ ـ

۱ ـ حمل کننده مسؤول فقدان تمام یا قسمتی از کالا و خسارت وارد شده به آن از تاریخ تحویل گرفتن کالا تا زمان تحویل دادن آن و همچنین مسؤول هرگونه تأخیر در تحویل کالا خواهد بود.

۲ ـ در صورتی که فقدان یا خسارت یا تأخیر به سبب عمل خلاف یا غفلت مدعی یا به موجب دستورهای داده شده توسط وی، غیر از دستورهایی که حمل کننده در انجام آن دچار اشتباه یا غفلت شده باشد یا به علت عیب ذاتی کالا و یا اوضاع و احوالی اجتناب‌ناپذیر که حمل کننده قادر به جلوگیری از آن نبوده حادث شود، حمل کننده از مسؤولیت مبرا خواهد بود.

حمل کننده به دلیل وضعیت معیوب وسیله نقلیه‌ای که از آن برای کار حمل استفاده می‌کند یا به علت اشتباه یا غفلت شخصی که وسیله نقلیه را از او کرایه کرده و یا اشتباه یا غفلت نمایندگان و کارکنان شخص یاد شده از مسؤولیت مبرا نخواهد بود.

۴ ـ در صورتی که فقدان و خسارت از مخاطرات ذاتی خاص در یک یا چند مورد از موارد زیر حادث شود حمل کننده با رعایت بندهای (۲) الی (۵)(ماده (۱۸) از مسؤولیت مبرا خواهد بود:

الف ـ استفاده از وسایل نقلیه روباز بدون پوشش در صورتی که با استفاده از چنین وسایلی به صراحت توافق شده و در بارنامه قید شده باشد.

ب ـ بسته بندی نبودن یا وجود بسته بندی ناقص در مورد کالاهایی که در صورت نداشتن بسته بندی یا داشتن بسته بندی ناقص به دلیل طبیعتی که دارند متحمل ضایعات یا خسارات می‌شوند.

ج ـ کار تحویل و تحول، بارگیری، بازچینی یا تخلیه کالا به وسیله فرستنده یا گیرنده و یا شخصی که از طرف آنان به این کار گمارده شده، انجام شود.

د ـ طبیعت بعضی از کالا که بویژه تمام یا قسمتی از آنها را در معرض فقدان یا خسارت بخصوص به واسطه شکستگی، زن زدگی، پوسیدگی، خشکی، نشتی، نقصان معمولی، آفت یا بیدزدگی قرار می‌دهد.

هـ ـ کافی یا کامل نبودن علایم و شماره‌های روی بسته ها

و ـ حمل حیوانات زنده

۵ ـ برابر مقررات این ماده، در مواردی که حمل کننده نسبت به بعضی از عوامل موجب فقدان خسارت، یا تأخیر مسؤول نبوده باشد نسبت به عوامل دیگر فقط تا حدی مسؤول است که عوامل یاد شده در فقدان، خسارت یا تأخیر کالا سهیم بوده‌اند.

ماده ۱۸ ـ

۱ ـ مسؤولیت اثبات اینکه فقدان، خسارت یا تأخیر در نتیجه یکی از عوامل مندرج در بند (۲) ماده (۱۷) حادث شده با حمل کننده خواهد بود.

۲ ـ وقتی حمل کننده اثبات کند که تحت اوضاع و احوال مربوط، فقدان یاخسارت می‌توانسته به یک یا چند مورد از مخاطرات خاص موضوع بند (۴) ماده (۱۷) نسبت داده شود فرض بر صحت ادعای مدعی می‌شود. در این صورت خواهان حق خواهد داشت ثابت کند که فقدان یا خسارت در حقیقت به طور کلی یا به طور جزیی منتسب به یکی از این مخاطرات نبوده است.

۳ ـ این فرضیه در صورت کسری غیرعادی یا فقدان هر بسته برابر شرایط بیان شده در جزو (الف) بند (۴) ماده (۱۷) اعمال نخواهد شد.

۴ ـ در صورتی که حمل کالا در وسیله نقلیه مخصوصی که برای حفاظت کالا از اثرات گرما، سرما، تغییرات حرارت یا رطوبت هوای مجهز شده انجام گیرد حمل کننده نمی‌تواند از مزایای پیش بینی شده در جزء (د) بند (۴) ماده (۱۷) استفاده نماید، مگر اینکه ثابت کند که تحت شرایط موجود تمام اقدامات لازم در مورد انتخاب، نگاهداری و استفاده از چنین تجهیزاتی از طرف او رعایت شده و هر دستور خاص صادر شده به او انجام شده است.

۵ ـ حمل کننده نمی‌تواند از مزایای پیش بینی شده در جوز (و) بند (۴) ماده (۱۷) استفاده نماید، مگر اینکه ثابت که تحت شرایط موجود تمام اقداماتی که به طور عادی بر عهده او بوده انجام شده و هر دستور خاص صادر شده به او رعایت شده است.

ماده ۱۹ ـ تأخیر در تحویل وقتی مصداق پیدا می‌کند که کالا در مهلت توافق شده و یا در صورتی که مهلتی توافق نشده باشد در مدتی که به طور معمول با در نظر گرفتن شرایط موجود، تحویل نشود و بخصوص در مورد خرده بار، زمان مورد نیازبرای تکمیل ظرفیت در شرایط عادی از مدت معقولی که برای حمل کننده ساعتی در نظر گرفته می‌شود تجاوز نماید.

ماده ۲۰ ـ

۱ ـ عدم تحویل کالا ظرف (۳۰) روز پس از پایان مدت توافق شده یا درصورتی که چنین مهلتی

توافق نشده باشد (۶۰) روز پس از تحویل کالا به حمل کننده دلیل قطعی بر مفقود شدن کالاست و شخصی که حق اقامه دعوا دارد می‌تواند پس از گذشت مهلت یاد شده چنین کالایی را مفقود شده تلقی نماید.

۲ - شخصی که حق اقامه دعوا دارد با دریافت غرامت کالای مفقود شده می‌تواند به صورت کتبی تقاضا نماید که چنانچه ظرف یکسال از تاریخ دریافت غرامت کالا شود، موضوع را فوری به او اطلاع دهند. تأیید و رسیدن چنین تقاضایی باید به طور کتبی به او اعلام شود.

۳ - شخصی که حق اقامه دعوا دارد ظرف (۳۰) روز پس از دریافت چنین اطلاعیه‌ای می‌تواند بخواهد که کالا در برابر پرداخت هزینه‌های مقرر که در بارنامه جاده‌ای منعکس می‌باشد و استرداد غرامت دریافت شده منهای هزینه‌های دربرگرفته شده به او تحویل دده شود. این عمل لطمه‌ای به حقوق شخص یاد شده، برای مطالبه خسارت تأخیر در تحویل موضوع ماده (۲۳) و موارد مشمول ماده (۲۶) وارد نخواهد کرد.

۴ - در صورتی که تقاضای موضوع بند (۲) به عمل نیاید یا ظرف (۳۰) روز یاد شده در بند (۳) هیچ دستوری داده نشود و یا اینکه کالا در مدتی بیش از یک سال از تاریخ پرداخت غرامت پیدا نشود حمل کننده حق خواهد داشت برابر قوانین محلی که کالا در آن قرار داد عمل نماید.

ماده ۲۱ - چنانچه کالا بدون وصول وجوهی که می‌بایست برابر شرایط قرارداد حمل توسط حمل کننده دریافت می‌شد، به تحویل گیرنده داده شود، حمل کننده خسارت فرستنده را به میزانی که مازاد بر وجه یاد شده نباشد خواهد پرداخت بدون اینکه این پرداخت لطمه‌ای به حق حمل کننده مبنی بر اقامه دعوا علیه گیرنده وارد نماید.

ماده ۲۲ -

۱ - وقتی فرستنده کالایی را با ماهیت خطرناک به حمل کننده تحویل می‌دهد باید حمل کننده را از نوع دقیق خطر و در صورت لزوم از اقدامات احتیاطی که باید به عمل آید مطلع سازد. در صورتی که این اطلاعات در بارنامه جاده‌ای ذکر نشده باشد مسؤولیت اثبات اینکه حمل کننده از نوع خطری که در حمل کالای مورد بحث وجود داشته آگاه بوده است با ارایه دلایل دیگر به عهده فرستنده یا گیرنده خواهد بود.

۲ - چنانچه حمل کننده از وجود کالای با ماهیت خطرناک موضوع بند (۱) این ماده آگاه نشده باشد می‌تواند در هر زمان و در هر مکانی کالا را تخلیه کرده یا آن را از بین برده و یا خنثی نماید بدون اینکه غرامتی از این بابت بپردازد. علاوه بر این فرستنده کالا مسؤول جبران تمام هزینه‌ها، فقدان یا خسارتهایی است که از تحویل چنین کالایی به منظور حمل یا از حمل آن حادث شود.

ماده ۲۳ -

۱ - وقتی برابر مقررات این کنوانسیون حمل کننده‌ای مسؤول پرداخت غرامتی نسبت به خسارت تمام یا قسمتی از کالا شود این غرامت بر اساس ارزش کالا در مکان و زمان قبول آن

برای حمل محاسبه خواهد شد.

۲ ـ ارزش کالا بر اساس قیمت بورس یا اگر چنین قیمتی وجود نداشته باشد بر اساس قیمت روز بازار و در صورتی که قیمت بورس و قیمت روز بازار معلوم نباشد با در نظر گرفتن ارزش معمول کالایی از همان نوع و کیفیت تعیین خواهد شد.

۳ ـ در هر صورت غرامت نباید از (۲۵) فرانک برای هر کیلوگرم کسری از وزن ناخالص کالا تجاوز نماید. منظور از فرانک طلا به وزن (۱۰/۳۱) گرم با درجه خلوص (۹۰۰) در هزار می‌باشد.

۴ ـ علاوه بر این، هزینه حمل، حقوق گمرکی، سود بازرگانی و سایر زمینه‌هایی که در ارتباط با حمل کالا به وجود آمده در صورتی که خسارت مربوط به کل کالا باشد به صورت تمام و چنانچه مربوط به قسمتی از کالا باشد باید نسبت به همان قسمت بازگردانده شود ولی خسارت دیگری قابل پرداخت نخواهد بود.

۵ ـ در موارد دیر کرد در صورتی که خواهان ثابت نماید که خسارتهایی از این بابت به او وارد شده است حمل کننده خساراتی راکه بیش از کرایه حمل نباشد جبران خواهد نمود.

۶ـ فقط در مواردی که ارزش کالا یا سود خاص در تحویل بر اساس مواد (۲۴) و (۲۶) اظهار شده باشد ممکن است خسارت بیشتری مطالبه شود.

ماده ۲۴ ـ فرستنده می‌تواند در برابر پرداخت هزینه‌های اضافی که میزان آن با تراضی یا حمل کننده تعیین خواهد شد در بارنامه جاده‌ای ارزشی بیش از میزان مقرر در بند (۳) ماده (۲۳) برای کالا بیان نماید. در چنین صورتی مبلغ بیان شده جانشین میزان مقرر خواهد بود.

ماده ۲۵ ـ

۱ ـ در صورت ورود خسارت به کالا حمل کننده مسؤول جبران مبلغ کاهشی است که در ارزش کالا به وجود می‌آید. این کاهش بر اساس ارزش کالا که برابر بندهای (۱)، (۲) و (۴) ماده (۲۳) تعیین می‌شود محاسبه خواهد شد.

۲ ـ در هر صورت غرامتی که از این بابت پرداخت می‌شود نباید از میزانهای زیر تجاوز نماید:

الف ـ در صورتی که تمام کالا خسارت دیده باشد، از مبلغی که در مورد فقدان کل کالا قابل پرداخت است.

ب ـ چنانچه قسمتی از کالا خسارت دیده باشد از مبلغی که در مورد فقدان قسمتی از کالا قابل پرداخت است.

ماده ۲۶ ـ

۱ ـ فرستنده می‌تواند در مقابل پرداخت هزینه‌های اضافی مورد توافق با حمل کننده مبلغ نفع ویژه در تحویل را در برابر فقدان یا خسارت یا تجاوز از مهلت توافق شده با درج این مبلغ در بارنامه جاده‌ای تعیین نماید.

۲ ـ صرف نظر از غرامت پیش بینی شده در مواد (۲۳)، (۲۴) و (۲۵) در صورتی که نفع ویژه در تحویل بیان شده باشد، در برابر فقدان یا خسارت اضافی تحقق یافته، ممکن است غرامتی تا میزان سود بیان شده مطالبه شود.

ماده ۲۷ ـ

۱ ـ مدعی حق مطالبه بهره بر غرامت قابل پرداخت را خواهد داشت. چنین بهره‌ای بـه مـیزان سالیان (۵) درصد از تاریخ ارسال کتبی به حمل کننده یا در صورتی که چنین ادعایی صورت نگرفته باشد از تاریخی که اقدامات قانونی انجام شده تعلق خواهد گرفت.

۲ ـ وقتی مبالغی که مبنای محاسبه غرامت قرار می‌گیرد به پول رایج کشوری که در آن ادعـای غرامت می‌شود اظهار نشده باشد تبدیل بر اساس نرخ روز ارز در محل پرداخت غرامت، به عمل خواهد آمد.

ماده ۲۸ ـ

۱ - در مواردی که برابر قانون حاکم، فقدان، خسارت یا تأخیر ناشی از حمل برابر مقررات این کنوانسیون موجب ادعایی اضافه برقرار شود حمل کننده می‌تواند از مقررات این کنوانسیون که رافع مسؤولیت او بوده یا میزان غرامت تعلق یافته را تعیین یا محدود می‌کند استفاده نماید.

۲ ـ در مواردی که ادعایی اضافه برقرارداد در برابر فقدان، خسارت یـا تأخـیر مـتوجه یکـی از اشخاصی که بر اساس شرایط ماده (۳) با مسؤولیت حمل کننده کار می‌کنند شود، چنین شخصی نیز می‌تواند از مقررات این کنوانسیون که رافع مسؤولیت حمل کننده بوده یا میزان غرامت تعلق گرفته را تعیین یا محدود می‌کند استفاده نماید.

ماده ۲۹ ـ

۱ ـ چنانچه خسارت وارد شده به کالا در نتیجه قصور یا خلاف عمدی از ناحیه حمل کننده بوده باشد و برابر قانون محل دادگاه یا دیوانی که به موضوع رسیدگی می‌کند در حکم خطای عمدی تلقی شده باشد در چنین صورتی حمل کننده حق استفاده از مقررات این فصل را که مسؤولیت او را رفع یا محدود می‌کند یا بار اثبات را از گردن او ساقط می‌کند نخواهد داشت.

۲ ـ مقررات بند بالا در صورتی که قصور یا خلاف عمدی از طرف نمایندگان و کارکنان و سایر اشخاصی که حمل کننده از خدمت آنها در کار حمل استفاده می‌کند رخ داده باشد، مادامی که نمایندگان، کارکنان یا اشخاص یاد شده در حدود وظیفه شغلی خود عمل نموده باشند نیز جاری خواهد بود. علاوه براین در چنین موردی نمایندگان، کارکنان یا اشخاص مورد بحث حق ندارند نسبت به مسؤولیت شخصی خود از مقررات فصل یاد شده در بند (۱) استفاده کنند.

فصل پنجم ـ دعاوی و اقدامات قانونی

ماده ۳۰ ـ

۱ ـ در صورتی که گیرنده، کالا را بدون بررسی کافی وضعیت کالا با حضور حمل کننده یا بدون

ارسال حق شرطهایی که حاوی اشاره کلی به فقدان یا خسارت کالا باشد تحویل گیرد، چنین تحویلی اماره مفروض صحت دریافت کالا با وضعیتی که در بارنامه جاده‌ای مشروح است خواهد بود. مهلت ارسال اخطار یاد شده در مورد فقدان یا خسارت آشکار همزمان با تحویل کالا و در مورد فقدان یا خسارت پنهان حداکثر ظرف (۷) روز پس از تحویل به استثنای یک روز تعطیلی پایان هفته و تعطیلات رسمی خواهد بود. در مورد فقدان یا خسارت پنهان حق شرط باید کتبی باشد.

۲ ـ چنانچه وضعیت کالا توسط گیرنده و حمل کننده به قدر کافی بررسی شده باشد مدرک مخالف با نتیجه چنین بررسی فقط وقتی پذیرفته می‌شود که فقدان یا خسارت پنهان بوده و گیرنده به موقع حق شرطها را چنان که باید، ظرف (۷) روز پس از تاریخ بررسی به استثنای یک روز تعطیلی پایان هفته و تعطیلات رسمی به عنوان حمل کننده ارسال نموده باشد.

۳ ـ هیچ گونه غرامتی بابت دیر کرد تحویل پرداخت نخواهد شد، مگر اینکه حق شرط کتبی به حمل کننده ظرف (۲۱) روز پس از تاریخی که کالا در اختیار گیرنده قرار می‌گیرد ارسال شده باشد.

۴ ـ در احتساب مهلتهای پیش بینی شده در این ماده روز تحویل یا روز بررسی و یا روزی که کالا در اختیار گیرنده قرار می‌گیرد حسب به مورد در محاسبه منظور نخواهد شد.

۵ ـ حمل کننده و گیرنده کلیه تسهیلات معقول را برای بازرسی و بررسیهای لازم در اختیار یکدیگر قرار خواهند داد.

ماده ۳۱ ـ

۱ ـ در دعاوی ناشی از حمل کالا برابر مقررات این کنوانسیون خواهان می‌تواند در هر دادگاه یا دیوان یکی از کشورهای طرف این کنوانسیون که با توافق دو طرف تعیین شده باشد اقدام به دادخواهی کند علاوه بر آن می‌تواند به دادگاههای کشوری مراجعه نماید که:

الف ـ محل اقامت رسمی یا مرکز کار خوانده یا شعبه یا نمایندگی خواهنده که قرارداد حمل را امضاء کرده است در آن کشور قرار گرفته باشد، یا

ب ـ محلی که حمل کننده کالا را تحویل گرفته و یامحلی که برای تحویل کالا تعیین شده در آن کشور قرار گرفته باشد.

غیر از کشورهای مورد اشاره، خواهان در هیچ دادگاه یا دیوان دیگری نمی‌تواند اقامه دعوا نماید.

۲ ـ در مواردی که نسبت به ادعایی که در بند (۱) این ماده به آن اشاره شد دعوایی در دادگاه یا دیوان صلاحیت دار برابر مقررات بند یاد شده مطرح یا در مواردی که نسبت به چنین ادعایی حکمی از طرف دادگاه یا دیوان صالحی صادر شده باشد دو طرف دعوا نمی‌توانند نسبت به همان ادعا در کشور دیگری دعوای تازه‌ای مطرح کنند، مگر اینکه حکم دادگاه یا دیوانی که دعوای اولیه نزد آن مطرح شده در کشوری که دعوای تازه در آن اقامه می‌شود، قابل اجرا نباشد.

۳ ـ وقتی نسبت به دعوایی که در بند (۱) این ماده به آن اشاره شد حکمی از طرف یکی از دادگاهها یا دیوان کشورهای طرف این کنوانسیون صادر و در آن کشور قابل اجرا شود، این حکم در هر کشور دیگر طرف کنوانسیون نیز بلافاصله پس از انجام تشریفات مقرر کشور پیش گفته لازم الاجرا خواهد بود. این تشریفات نباید رسیدگی مجدد نسبت به ماهیت موضوع را مجاز کند.

۴ ـ مقررات بند (۳) این ماده شامل احکام پس از محاکمه، احکام غیابی و احکام دادگاه مبنی بر تأیید سازش دو طرف بوده ولی شامل احکام موقت و آرای خسارت علاوه بر هزینه‌هایی که خواهان در صورت در تمام یا قسمتی از ادعایش ملزم به پرداخت آن است.

۵ ـ تضمین برای هزینه دادرسی در مورد اقدامات قانونی ناشی از حمل کالا تحت مقررات این کنوانسیون از اتباع کشورهای طرف کنوانسیون که محل اقامت یا مرکز کار آنها در یکی از کشورها باشد مطالبه نخواهد شد.

ماده ۳۲ ـ

۱ ـ مهلت اقامه دعاوی ناشی از حمل کالا برابر مقررات این کنوانسیون یک سال است. با وجود این در مورد خلاف عمدی یا ناشی از قصور که طبق قانون محل دادگاه یا دیوانی که دعوا در آن مطرح است معادل خلاف عمدی تلقی شده، مهلت آن سه سال خواهد بود.

مهلت یاد شده از تاریخهای زیر آغاز می‌شود:

الف ـ در مورد فقدان قسمتی از کالا، خسارت یا دیرکرد تحویل، از تاریخ تحویل کالا

ب ـ در مورد فقدان تمام کالا از سی امین روز بعد از مهلت توافق شده و در صورتی که مهلتی توافق نشده باشد از شصتمین روز تاریخ تحویل کالا به حمل کننده،

ج ـ در تمام موارد دیگر سه ماه پس از تاریخ عقد قرارداد حمل

روزی که مهلت از آن شروع به احتساب می‌شود جزو مهلت نخواهد بود.

۲ ـ ادعای کتبی موجب خواهد شد که این مهلت تا تاریخ رد کتبی ادعا از طرف حمل کننده و اعاده اسناد مربوط به حال تعلیق درآید. چنانچه قسمتی از ادعا پذیرفته شود مهلت ادعا فقط نسبت به آن قسمت از ادعا که هنوز مورد اختلاف است دوباره آغاز خواهد شد. مسؤولیت اثبات وصول ادعا یا پاسخ به آن و یا اعاده اسناد، به عهده طرفی خواهد بود که به مراتب یاد شده استناد می‌کند. جریان مهلت با ادعاهای دیگری با همان محتوا تعلیق نخواهد شد.

۳ ـ تمدید مهلت، برابر مقررات قانون محل دادگاه یا دیوانی که دعوا در آن جریان دارد با رعایت مقررات بند (۲) بالا اعمال خواهد شد. قانون یاد شده همچنین بر موارد حق اقامه دعوای جدیدی که ایجاد می‌شود حاکم خواهد بود.

۴ ـ حق اقامه دعوایی را که مشمول مرور زمان شده است نمی‌توان از طریق ادعای متقابل یا تهاتر اعمال نمود.

ماده ۳۳ ـ قرارداد حمل ممکن است دارای شرطی باشد که رسیدگی به اختلاف ناشی از قرارداد را در صلاحیت دیوان داوری قرار دهد مشروط بر اینکه اعمال مقررات این کنوانسیون از طرف دیوان داوری در شرط یاد شده پیش بینی شده باشد.

فصل ششم ـ مقررات مربوط به حمل کالا به وسیله چند حمل کننده متوالی

ماده ۳۴ ـ در صورتی که حمل کالایی که برابر قرارداد واحدی پذیرفته شده به وسیله چند حمل کننده جاده‌ای متوالی انجام شود هر یک از حمل کنندگان مسؤول انجام کل عملیات حمل خواهد بود. زیرا با پذیرش بارنامه جاده‌ای و کالا حمل کننده دومی و هر یک از حمل کنندگان بعدی برابر شرایط بارنامه جاده‌ای یاد شده طرف قرارداد محسوب می‌شوند.

ماده ۳۵ ـ

۱ ـ حمل کننده‌ای که کالا را از حمل کننده پیشین می‌پذیرد رسیدی امضا شده و تاریخدار به حمل کننده پیشین می‌دهد. او باید نام و نشانی ود را در نسخ دوم بارنامه جاده‌ای در کند. در موارد قابل اجراء حمل کننده ثانوی در نسخه دوم بارنامه جاده‌ای و رسید یاد شده حق شرطهایی را که در بند (۲) ماده (۸) مقرر است ثبت خواهد کرد.

۲ ـ مقررات ماده (۹) شامل روابط بین حمل کنندگان متوالی خواهد بود.

ماده ۳۶ ـ به جز در مور دعوای متقابل یا تهاتر که در دعوایی بر اساس همان قرارداد حمل اقامه می‌شود دعوا در مورد مسؤولیت نسبت به فقدان، خسارت یا تأخیر، تنها علیه حمل کننده اولی یا حمل کننده نهایی و یا حمل کننده‌ای که حادثه موجب فقدان، خسارت یا تأخیر در جریان انجام کار حمل توسط وی رخ داده می‌تواند انجام شود. همچنین می‌توان همزمان علیه چند حمل کننده اقامه دعوا کرد.

ماده ۳۷ ـ حمل کننده‌ای که بر اساس مقررات این کنوانسیون غرامتی پرداخت نموده است می‌تواند چنین غرامتی و جریمه دیرکرد آن و تمام هزینه‌های ناشی از دعوا از را حمل کنندگان دیگر که سهمی در کار حمل داشته‌اند با رعایت مقررات زیر دریافت کند:

الف ـ حمل کننده مسؤول فقدان یا خسارت، به تنهایی عهده دار پرداخت غرامت خواهد بود اعم از اینکه غرامت توسط او یا حمل کننده دیگری پرداخت شده باشد.

ب ـ وقتی فقدان یا خسارت در نتیجه عمل دو حمل کننده یا بیشتر حادث شده باشد هر یک از حمل کنندگان غرامتی به نسبت سهمی که در مسؤولیت داشته‌اند خواهند پرداخت. در صورتی که تقسیم مسؤولیت ممکن نباشد هر حمل کننده به نسبت سهمی که از هزینه حمل برده است در پرداخت غرامت سهیم خواهد بود.

ج ـ چنانچه تعیین کننده مسؤول فقدان یا خسارت میسر نباشد مبلغ غرامت بین تمام حمل کنندگان به قراری که در بند (ب) فوق مقرر است تقسیم خواهد شد.

ماده ۳۸ ـ در صورتی که یکی از حمل کنندگان قادر به پرداخت نباشد غرامت پرداخت نشده

سهم او بین حمل کنندگان دیگر به نسبت به سهمی که از کرایه حمل می‌برند تقسیم خواهد شد.

ماده ۳۹ـ

۱ ـ هیچ حمل کننده‌ای که برابر مواد (۳۷) و (۳۸) دعوایی علیه او اقامه می‌شود حق ندارد منکر اعتبار پرداختی توسط حمل کننده‌ای که اقامه دعوای کرده است شود، مشروط بر اینکه غرامت توسط مقام قضایی پس از دادن اخطار لازم به حمل کننده اولیه درباره جریان دعوا و فراهم نمودن امکان ورود وی به دعوا گرفته تعیین شده باشد.

۲ ـ حمل کننده‌ای که به منظور گرفتن حق خود اقدام به اقامه دعوا می‌کند می‌تواند در دادگاه یا دیوان صلاحیت دار کشوری که یکی از حمل کنندگان مربوط در آن اقامت رسمی داشته یا مرکز کار و یا نمایندگی یا شعبه‌ای که اقدام به عقد قرارداد حمل کرده است در آن کشور قرار داشته باشد اقامه دعوا نماید. تمام حمل کنندگان مربوط ممکن است خوانده همین دعوا قرار گیرند.

۳ ـ مقررات بندهای (۳)، (۴) ماده (۳۱) شامل احکامی خواهد بود که در دعاوی موضوع مواد (۳۷) و (۳۸) صادر شده باشد.

۴ ـ مقررات ماده (۳۲) شامل دعاوی بین حمل کنندگان نیز خواهد بود. در هر صورت مهلت مرور زمان یا از تاریخ تصمیم قضایی نهایی که مبلغ غرامت قابل پرداخت را برابر مقررات این کنوانسیون تعیین نموده و یا در صورتی که چنین تصمیم قضایی وجود نداشته باشد از تاریخ واقعی پرداخت غرامت، شروع به احتساب خواهد شد.

ماده ۴۰ ـ حمل کنندگان مختار خواهد بود بین خود مقرراتی غیر از آنچه در مواد (۳۷) و (۳۸) پیش بینی شده است تعیین نمایند.

فصل هفتم ـ بطلان شروط مغایر با کنوانسیون

ماده ۴۱ـ

۱ ـ با رعایت مقررات ماده (۴۰) هر شرطی در قرارداد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم موجب عدول از مقررات این کنوانسیون شود باطل است. بطلان چنین شرطی موجب بطلان سایر شروط قرارداد خواهد بود.

۲ ـ بخصوص شرط نفع بیمه‌ای به سود حمل کننده یا هر شرط مشابه دیگر و یا هر شرطی که مسؤولیت اثبات را به عهده دیگری منتقل نماید باطل خواهد بود.

فصل هشتم ـ مقررات نهایی

ماده ۴۲ ـ این کنوانسیون برای امضا یا پیوستن کشورهای عضو کمیسیون اقتصادی اروپا و کشورهایی که برابر بند (۸) شرح وظایف کمیسیون با سمت مشاور به کمیسیون پذیرفته شده‌اند باز خواهد بود.

۲ ـ چنین کشورهایی که می‌توانند برابر بند (۱۱) شرح وظایف کمیسیون در بعضی از فعالیتهای کشورهای اقتصادی اروپا شرکت داشته باشند ممکن است پس از اینکه کنوانسیون اعتبار قانونی

پیدا کرد یا الحاق به آن عضو کنوانسیون شوند.

۳ ـ این کنوانسیون لغایت ۳۱ آگوست ۱۹۵۶ مطابق با ۱۳۳۴۵/۶/۹ برابر امضا مفتوح بوده و پس از آن جهت الحاق مفتوح خواهد بود.

۴ ـ این کنوانسیون باید به تصویب برسد.

۵ ـ تصویب یا الحاق با توديع سندی نزد دبیرکل سازمان ملل متحد انجام خواهد شد

ماده ۴۳ ـ

۱ـ این کنوانسیون از نودمین روز پس از توديع سند تصویب یاالحاق توسط پنج کشور موضوع بند (۱) ماده ۴۲ لازم الاجرا خواهد بود.

۲ ـ پس از توديع سند تصویب یاالحاق توسط پنج کشور برای هر کشور دیگری که کنوانسیون را تصویب کرده یا به آن ملحق شود این کنوانسیون از نودمین روز پس از توديع سند تصویب یا الحاق توسط کشور یاد شده برای آن کشور لازم الاجرا خواهد بود.

ماده ۴۴ ـ

۱ ـ هر کشور طرف کنوانسیون می‌تواند با اطلاعیه‌ای به دبیرکل سازمان متحد از کنوانسیون کناره‌گیری نماید.

۲ ـ کناره‌گیری از کنوانسیون ۱۲ ماده پس از دریافت اطلاعیه مربوط توسط دبیرکل سازمان ملل متحد عملی خواهد شد.

ماده ۴۵ ـ پس از اینکه کنوانسیون لازم الاجرا شد در صورتی که در نتیجه کناره‌گیری از آن تعداد کشورهای طرف کنوانسیون به کمتر از پنج کشور کاهش پیدا کند از تاریخی که آخرین کناره‌گیری صورت گیرد اعتبار کنوانسیون پایان می‌یابد.

ماده ۴۶ ـ

۱ ـ ضمن سپردن سند تصویب یا الحاق یا هر زمانی پس از آن، هر کشوری می‌تواند با ارسال اطلاعیه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام نماید که این کنوانسیون به تمام یا قسمتی از قلمروهای کشور یاد شده که مسؤولیت روابط بین‌المللی آن را عهده دار است گسترش داده خواهد شد این کنوانسیون در قلمرو یا قلمروهای مورد بحث از نودمین روز پس از دریافت اطلاعیه توسط دبیرکل قابل اجرا خواهد بود. یا در صورتی که در روز یاد شده، کنوانسیون هنوز لازم الاجرا نشده باشد، از روزی که کنوانسیون لازم الاجرا شود قابل اجرا خواهد بود.

۲ ـ هر کشوری که برابر مقررات بند قبل، خواهان اجرای کنوانسیون در یکی از قلمروهای کشور خود که مسؤول روابط بین‌المللی قلمرو یاد شده است شود می‌تواند با رعایت مقررات ماده(۴۴) قلمرو پیش گفته را به طور جداگانه از شمول کنوانسیون خارج سازد.

ماده ۴۷ ـ هر اختلافی که بین دو یا چند عضو کنوانسیون راجع به تفسیر یا اجرای این کنوانسیون بروز نماید و طرفهای مربوط نتوانند آن را از راه گفتگو یا راه حل دیگری حل نمایند ممکن است

با تقاضای هر یک از اعضای متعاهد مربوط برای حل اختلاف به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع شود.

ماده ۴۸ -

۱ - هر عضو کنوانسیون می‌تواند در موقع امضا، تصویب یا الحاق به این کنوانسیون اعلام نماید که خود را ملزم به رعایت ماده ۴۷ کنوانسیون نمی‌داند. سایر اعضای کنوانسیون در مورد چنین عضوی که این حق شرط را اعلام نموده است الزامی به رعایت ماده ۴۷ نخواهند داشت.

۲ - هر عضو کنوانسیون که حق شرط اعلام شده در بند (۱) را اظهار نموده باشد هر زمان می‌تواند طی اطلاعیه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد حق شرط مزبور را پس بگیرد.

۳ - هیچ حق شرط دیگری نسبت به مقررات این کنوانسیون مجاز نخواهد بود.

ماده ۴۹ -

۱ - سه سال پس از به اجرا در آمدن این کنوانسیون هر یک از اعضای کنوانسیون می‌تواند طی اطلاعیه‌ای به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد تقاضا نماید که اجلاسی به منظور تجدید نظر در مقررات کنوانسیون تشکیل شود. دبیرکل موضوع تقاضا رابه اطلاع تمام اعضای کنوانسیون خواهد رساند و در صورتی که ظرف ۴ ماه از تاریخ اطلاع دبیرکل، تعداد کشورهای عضو کنوانسیون که موافقت خود را با تقاضای مورد بحث اعلام می‌نمایند از یک چهارم تعداد کل اعضا کمتر نباشد دبیرکل اقدام به برگزاری کنفرانس تجدیدنظر خواهد کرد.

۲ - چنانچه با برگزاری اجلاس موضوع بند قبل موافقت شود دبیرکل مرتب را به اطلاع کلیه اعضای کنوانسیون رسانیده و از آنها دعوت خواهد کرد که ظرف سه ماه هر نوع پیشنهادی برای طرح در اجلاس دارند ارایه نمایند. دبیرکل طی بخشنامه‌ای دستور کار موقت اجلاس را به همراه متن پیشنهاداتی که حداقل سه ماه قبل از تاریخ برگزاری اجلاس وصول شده به اطلاع اعضای کنوانسیون خواهد رساند.

۳ - دبیرکل تمام کشورهای موضوع بند (۱) ماده (۴۲) و کشورهایی که برابر بند (۲) ماده ۴۲ به عضویت کنوانسیون درآمده‌اند را به تمام جلساتی که بر اساس این ماده برگزار می‌شود دعوت خواهد کرد.

ماده ۵۰ - علاوه بر اطلاعیه‌های پیش بینی شده در ماده (۴۹) دبیرکل سازمان ملل متحد به کشورهای اشاره شده در بند (۱) ماده (۴۲) و کشورهایی که برابر مقررات بند (۲) ماده (۴۲) به عضویت کنوانسیون درآمده‌اند موارد زیر را اطلاع خواهد داد:

الف - تصویبنامه‌ها و الحاقها برابر ماده (۴۲).

ب - تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون برابر ماده (۴۳).

کناره گیریهای صورت گرفته برابر ماده (۴۴)

د - پایان اعتبار قانونی کنوانسیون بر اساس ماده ۴۵

هـ ـ اطلاعیه‌های رسیده برابر ماده ۴۶
و ـ اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های رسیده برابر بندهای (۱) و (۲) ماده (۴۸).

ماده ۵۱ ـ پس از (۳۱) گوست (۱۹۵۶) مطابق با ۱۳۳۵/۶/۹ نسخه اصلی این کنوانسیون نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد و مشارالیه رونوشتهای مصدق از آن را جهت هر یک از کشورهای موضوع بندهای (۱) و (۲) ماده (۴۲) ارسال خواهد داشت.

به منظور گواهی مراتب بالا امضا کنندگان زیر با داشتن اختیارات لازم این کنوانسیون را امضاء نموده‌اند.

در تاریخ (۱۹) مه ۱۹۵۶ مطابق با ۱۳۳۵/۲/۲۹ در ژنو در یک نسخه به زبانهای انگلیسی و فرانسوی که هر دو متن دارای اعتبار یکسان می‌باشند تنظیم شد.

پروتکل کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین المللی کالا از طریق جاده

طرفهای این پروتکل که طرفهای کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین المللی کالا از طریق جاده که در تاریخ (۱۹) مه ۱۹۵۶ مطابق با ۱۳۳۵/۲/۲۹ در ژنو منعقد می‌باشد، به شرح زیر موافقت می‌نمایند:

ماده ۱ ـ از لحاظ این پروتکل «کنوانسیون» یعنی کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین المللی کالا از طریق جاده.

ماده ۲ ـ ماده (۲۳) کنوانسیون به شرح زیر اصلاح می‌شود:
۱ ـ متن زیر جایگزین بند (۳) ماده (۲۳) می‌شود.
۳ ـ با وجود این میزان غرامت نباید از ۸/۳۳ واحد محاسبه برای هر کیلوگرم کسری از وزن ناخالص کالا تجاوز کند.

۲ ـ در پایان این بندهای (۷)، (۸) و (۹) زیر اضافه می‌شود:
بند ۷ ـ واحد محاسبه مذکور در این کنوانسیون عبارت است از حق برداشت ویژه که توسط صندوق بین المللی پول تعریف شده است. مبلغ یاد شده در بند ۳ این ماده به پول رایج ملی کشوری که دادگاه مأمور رسیدگی به دعوا در آن قرار دارد بر مبنای ارزش پول مذکور در تاریخ صدور حکم یا تاریخ مورد تراضی دو طرف تبدیل خواهد شد. ارزش پول ملی بر حسب حق برداشت ویژه کشوری که عضو صندوق بین المللی پول باشد برابر رویه تعیین ارزش که به وسیله صندوق بین المللی پول در تاریخ مورد بحث برای خدمات و معاملات آن پول مجزا است، محاسبه خواهد شد.

ارزش پول رایج ملی بر حسب حق برداشت ویژه کشوری که عضو صندوق بین‌المللی پول نیست بر اساس رویه‌ای که به وسیله آن کشور تعیین می‌شود محاسبه می‌شود.

بند ۸ ـ با وجود این، کشوری که عضو صندوق بین المللی پول نیست و قانون آن کشور اجازه اجرای مقررات بند (۷) این ماده را نمی‌دهد، می‌تواند در تاریخ تصویب پروتکل کنوانسیون یا الحاق به آن یا هر تاریخ بعد از آن اعلام نماید که حدود مسؤولیت پیش بینی شده در بند ۳ این ماده که در قلمرو کشور یاد شده اجرا می‌شود (۲۵) واحد پولی خواهد بود. واحد پولی موضوع این بند معادل ۱۰/۳۱ گرم طلا با درجه خلوص ۹۰۰ در هزار می‌باشد. تبدیل مبلغی که در این بند مشخص شده به پول رایج ملی بربر قانون کشور مربوط به عمل خواهد آمد.
بند ۹ ـ محاسبه یاد شده در جمله آخر بند (۷) و تبدیل یاد شده در بند (۸) این ماده به گونه‌ای انجام خواهد شد که حتی الامکان ارزش بیان شده در پول ملی کشور با ارزش واقعی بیان شده در مبلغ یاد شده در بند (۳) این ماده یکسان باشد. کشورها باید دبیرکل سازمان ملل متحد را از رویه محاسبه موضوع بند (۷) یا نتیجه تبدیل موضوع بند (۸) این ماده در کشور خود بر حسب مورد همزمان با تودیع سند موضوع ماده (۳) این پروتکل مطلع سازند همچنین در صورتی که تغییری در یکی از موارد یاد شده انجام گیرد، به اطلاع دبیر کل برسد.

مقررات نهایی

ماده ۳ ـ

۱ ـ این پروتکل برای امضای کشورهایی که کنوانسیون را تصویب کرده به آن ملحق شده باشند اعم از این که عضو کمسیون اقتصادی اروپا بوده یا برابر بند (۸) شرح وظایف کمیسیون با سمت مشاور به کمسیون پذیرفته شده‌اند مفتوح خواهد بود.
۲ ـ این پروتکل برای الحاق هر یک از کشورهایی که برابر بند (۱) این ماده عضو کنوانسیون می‌باشند مفتوح خواهد بود.
۳ ـ کشورهایی که می‌توانند برابر بند (۱۱) شرح وظایف کمیسیون در بعضی از فعالیتهای کمیسیون اقتصادی اروپا شرکت داشته و به کنوانسیون پیوسته‌اند می‌توانند پس از لازم الاجرا شدن این پروتکل با پیوستن به آن، طرف پروتکل نیز قرار گیرند.
۴ ـ این پروتکل از تاریخ اول سپتامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۳۵۷/۶/۱۰ لغایت ۳۱ اوت ۱۹۷۹ برابر با ۱۳۵۸/۶/۹ برای امضا در ژنو و پس از آن تاریخ برای الحاق مفتوح خواهد بود.
۵ ـ این پروتکل موکول به تصویب کشوری است که کنوانسیون را تصویب کرده و یا به آن پیوسته باشد.
۶ ـ تصویب پروتکل یا الحاق به آن با تودیع سندی نزد دبیرکل سازمان ملل متحد عملی خواهد شد.
۷ ـ هر سند تصویب یا الحاق که پس از لازم الاجرا شدن اصلاحیه‌ای در مورد این پروتکل یا پس از انجام تمام اقدامات لازم برای اجرای اصلاحیه تودیع شود، نسبت به تمام طرفهای متعاهد

پروتکل شامل پروتکل اصلاح شده به وسیله اصلاحیه تلقی خواهد شد.

ماده ۴ ـ

۱ ـ این پروتکل از نودمین روز از تودیع سند تصویب یا الحاق توسط پنج کشور موضوع بندهای (۱) و (۲) ماده (۳) این پروتکل لازم الاجرا خواهد بود.

۲ ـ پس از تودیع سند تصویب یا الحاق توسط پنج کشور، برای هر کشور دیگری که پروتکل را تصویب کرده یا به آن الحاق شود این پروتکل از نودمین روز پس از سپردن سند تصویب یا الحاق توسط کشور یاد شده برای آن کشور لازم الاجرا خواهد بود.

ماده ۵ ـ

هر کشور طرف پروتکل می‌تواند با اطلاعیه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد از پروتکل کناره‌گیری نماید.

۲ ـ کناره‌گیری از پروتکل دوازده ماه پس از رسیدن اطلاعیه کناره‌گیری به دبیرکل سازمان ملل متحد عملی خواهد شد.

۳ ـ کناره‌گیری هر کشور طرف پروتکل از کنوانسیون از همان تاریخ کناره‌گیری از با این پروتکل تلقی خواهد شد.

ماده ۶ ـ پس از لازم الاجرا شدن این پروتکل در صورتی که در نتیجه کناره‌گیری تعداد کشورهای طرف پروتکل به کمتر از پنج کشور کاهش پیدا کند از روزی که آخرین کناره‌گیری صورت گیرد، اعتبار پروتکل خاتمه پیدا می‌کند. همچنین از تاریخی که کنوانسیون اعتبار قانونی خود را از دست بدهد، این پروتکل نیز دیگر لازم الاجرا نخواهد بود.

ماده ۷ ـ

۱ ـ هر کشور ضمن سپردن سند تصویب یا الحاق یا هر زمانی پس از آن، می‌تواند با ارسال اطلاعیه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام نماید که این پروتکل به تمام یا قسمتی از قلمروهای آن کشور که مسؤول روابط بین المللی آنها بوده و اطلاع موضوع ماده (۴۶) کنوانسیون نسبت به آن قلمروها توسط وی انجام شده گسترش داده خواهد شد. این پروتکل در قلمرو یاقلمروهای نامبرده در اطلاعیه‌هایی از نودمین روز پس از دریافت آن توسط دبیرکل قابل اجرا خواهد بود. در صورتی که در روز یاد شده پروتکل هنوز لازم الاجرا نشده باشد اطلاعیه مزبور از روز لازم الاجرا شدن قابل اجرا خواهد بود.

۲ ـ هر کشوری که برابر بند قبل خواهان اجرای پروتکل در هر یک از قلمروهای کشور خود که مسؤول روابط بین‌المللی آن می‌باشد شود، می‌تواند با رعایت مقررات ماده (۵) فوق قلمرو یاد شده را به طور جداگانه از شمول پروتکل خارج سازد.

ماده ۸ ـ برای حل هر اختلافی که بین دو یا چند عضو پروتکل راجع به تفسیر یا اجرای این پروتکل بروز نماید و طرفهای مربوط نتوانند آن را از راه گفتگو یا راههای دیگری حل کنند،

ممکن است بنابر تقاضای هر یک از اعضای متعاهد مربوط به دیوان دادگستری بین المللی ارجاع شود.

ماده ۹ ـ

۱ ـ هر کشور عضو پروتکل می‌تواند در موقع امضا، تصویب یا پیوستن به این پروتکل طی اطلاعیه‌ای به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام دارد که خود را ملزم به رعایت ماده (۸) این پروتکل نمی‌داند. سایر اعضای پروتکل نسبت به هر عضو پروتکل که چنین اعلامی نموده است الزامی به رعایت ماده (۸) نخواهند داشت.

۲ ـ اعلام موضوع بند (۱) این ماده را می‌توان هر زمان با فرستادن اطلاعیه‌ای به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد پس گرفت.

۳ ـ هیچ حق شرط دیگری نسبت به مقررات این پروتکل مجاز نخواهد بود.

ماده ۱۰ ـ

۱ ـ سه سال پس از به اجرا در آمدن این پروتکل، هر یک از اعضای پروتکل می‌توانند طی اطلاعیه‌ای به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد تقاضا نماید که اجلاسی به منظور تجدیدنظر در مقررات پروتکل تشکیل شود. دبیرکل موضوع تقاضا را به اطلاع تمام طرفهای متعاهد خواهد رسانید. در صورتی که ظرف ۴ ماه از تاریخ اطلاع دبیرکل، تعدادی از اعضای پروتکل که موافقت خود را با تقاضای مورد بحث اعلام می‌نمایند از یک چهارم تعداد کل اعضا کمتر نباشد دبیرکل اقدام به برگزاری اجلاس تجدیدنظر خواهد کرد.

۲ ـ در صورتی که با برگزاری اجلاس موضوع بند قبل موافقت شود دبیرکل مراتب را به اطلاع تمام اعضای پروتکل رسانیده و از آنها دعوت خواهد کرد که ظرف سه ماه هر نوع پیشنهادی برای طرح در اجلاس دارند ارایه نمایند. دبیرکل طی بخشنامه‌ای دستور کار موقت اجلاس را همراه با متن پیشنهادهای رسیده حداقل سه ماه قبل از تاریخ برگزاری اجلاس به اطلاع تمام اعضای پروتکل خواهد رسانید.

۳ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد تمام کشورهای موضوع بند (۱) و (۲) ماده (۳) و کشورهایی که در برابر بند (۳) ماده (۳) به عضویت این پروتکل در آمده‌اند را به تمام جلساتی که برابر این ماده تشکیل می‌شود دعوت خواهد کرد.

ماده ۱۱ ـ علاوه بر اطلاعیه‌های پیش بینی شده در ماده (۱۰) دبیرکل سازمان ملل متحد بـه کشورهای اشاره شده در بندهای (۱) و (۲) ماده (۳) و کشورهایی که برابر بند (۳) ماده (۳) به عضویت این پروتکل درآمده‌اند موارد زیر را اطلاع خواهد داد:

الف ـ تصویبها و الحاقهای به موجب ماده (۳)

ب ـ تاریخ لازم الاجرا شدن این پروتکل به موجب ماده (۴).

ج ـ اطلاعیه‌های دریافتی به موجب بند (۲) ماده (۲)

د ـ کناره گیریها به موجب ماده (۵)
هـ ـ پایان اعتبار پروتکل بر اساس ماده (۶).
و ـ اطلاعیه‌های رسیده برابر ماده (۷).
ز ـ اعلامیه‌های و اطلاعیه‌های رسیده برابر بندهای (۱) و (۲) ماده (۹).

ماده ۱۲ ـ پس از (۳۱) اوت (۱۹۷۹) مطابق با ۱۳۵۸/۶/۹ نسخه اصلی این پروتکل نزد دبیرکل سازمان ملل متحد توديع خواهد شد و مشارالیه رونوشتهای مصدقی از آن را برای هر یک از کشورهای یاد شده در بندهای (۱)، (۲) و (۳) ماده (۳) این پروتکل ارسال خواهد داشت.

این پروتکل در تاریخ (۵) جولای ۱۹۷۸ مطابق با ۱۳۵۷/۴/۱۴ در ژنو در یک نسخه به زبانهای انگلیسی و فرانسوی که هر دو متن دارای اعتبار یکسان می‌باشند تنظیم شد.

به منظور گواهی مراتب فوق، امضاء کنندگان زیر با داشتن اختیارات لازم این پروتکل را امضا نمودند.

کنوانسیون بین المللی کمکهای متقابل اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی[1]

مقدمه

اعضای این کنوانسیون که تحت شرایط شورای همکاری گمرکی تهیه و تدوین شده است با در نظر گرفتن این که تخلف از قانون گمرکی برای منافع اقتصادی،اجتماعی و مالی دولتها و منافع مشروع و قانونی بازرگانی زیان آور می‌باشد، و نظر به این که با همکاری بین ادارات گمرکی مبارزه با تخلفات گمرکی می‌تواند مؤثرتر باشد و چنین همکاری متقابلی یکی از هدفهای کنوانسیون ایجاد شورای همکاری گمرکی است به شرح زیر موافقت می‌نمایند:

فصل ۱ ـ تعاریف

ماده ۱ – از نظر این کنوانسیون منظور از:

الف ـ اصطلاح قانون امور گمرکی عبارت از مجموع مقررات قانونی و آیین نامه‌ای است که توسط ادارات گمرک اداره یا اجرا شده و در برگیرنده ورود، صدور و ترانزیت کالا می‌باشد.

ب ـ اصطلاح تخلف گمرکی عبارت از هر نوع نقض و یا شروع و اقدام به نقض قانون امور گمرکی است.

پ ـ اصطلاح تقلب گمرکی عبارت از تخلف گمرکی است که بدان وسیله شخصی موجب اغفال

---

۱ ـ روزنامه رسمی کشور ـ شماره ۱۵۲۵۲ تاریخ ۱۳۷۶/۴/۲۳.

گمرک و فرار از پرداخت تمام یا بخشی از مالیاتها و عوارض مربوط به ورود یا صدور شده یا اجرای ممنوعیتها و محدودیتهای موضوع قانون امور گمرکی را نادیده گرفته و یا منافعی مغایر با قانون امور گمرکی به دست آورد.
ت ـ اصطلاح قاچاق عبارت از تقلب گمرکی است که شامل گذراندن مخفیانه کالا به هر طریقی از مرزهای گمرکی می‌باشد.
ث ـ اصطلاح مالیاتها و عوارض مربوط به ورود یا صدور عبارت است از حقوق گمرکی، سود بازرگانی و تمامی حقوق و عوارض و حق الزحمه یا هزینه‌های دیگری که در مورد ورود یا صدور کالا یا در رابطه با آن دریافت می‌شود ولی شامل حق الزحمه‌ها و هزینه‌هایی نیست که از حیث مبلغ محدود به هزینه تقریبی خدمات انجام یافته می‌باشد.
ج ـ اصطلاح شخص به معنای شخص حقیقی و حقوقی می‌باشد، مگر اینکه سیاق عبارت به گونه دیگری مقرر بدارد.
چ ـ اصطلاح شورا عبارت از سازمان ایجاد شده توسط کنوانسیون «ایجاد شورای همکاری گمرکی» منعقد شده در بروکسل به تاریخ ۱۳۲۹/۹/۲۴ هجری شمسی برابر با ۱۵ دسامبر ۱۹۵۰ میلادی می‌باشد.
ح ـ اصطلاح کمیته دایمی فنی عبارت از کمیته دایمی فنی شورا می‌باشد.
خ ـ اصطلاح تنفیذ عبارت از تنفیذ پذیرش یا تصویب می‌باشد.

فصل ۲ ـ حیطه شمول کنوانسیون

ماده ۲ ـ

۱ ـ اعضایی که توسط یک یا چند پیوست، متعهد به این کنوانسیون شده‌اند، موافقت می‌کنند که ادارات گمرک آنها با یکدیگر در زمینه پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی برابر با مفاد این کنوانسیون همکاری متقابل به عمل آورند.
۲ ـ همان طور که در بند (۱) این ماده پیش بینی شده است اداره گمرکی یک عضو می‌تواند در هر گونه تجسس یا در رابطه با هر نوع اقدامات اداری یا قضایی که توسط اعضا اتخاذ شده است در خواست کمکهای متقابل به عمل آورد. در صورتی که اداره گمرک خودمدیریت اقدامات را به عهده نداشته باشد می‌تواند فقط در حدود صلاحیت خود در اقدامات مزبور تقاضای کمکهای متقابل بنماید. همین طور اگر اقدامات در داخل کشور درخواست شونده انجام شده باشد کشور یاد شده کمکهای مورد در خواست را در خود صلاحیت خویش در اقدامات مزبور فراهم می‌کند.
۳ ـ کمکهای متقابلی که در بند (۱) این ماده پیش بینی شده شامل درخواست دستگیری اشخاص یا دریافت عوارض، مالیاتها، هزینه‌ها و جریمه‌ها، یا سایر وجوه به نمایندگی از عضو دیگر نمی‌شود.

ماده ۳ـ چنانچه عضوی تشخیص بدهد که کمک درخواستی موجب نقض حاکمیت و امنیت یا سایر منافع ملی، تضعیف منافع قانونی تجاری مؤسسات دولتی یا خصوصی وی می‌شود، می‌تواند از فراهم کردن کمک مزبور خودداری نماید و یا انجام آن را موکول به شرایط و مقررات خاصی کند.

ماده ۴ـ چنانچه اداره گمرک عضوی درخواست کمکی کند که در صورت تقاضای سایر اعضا به طور متقابل قادر به انجام آن نیست، باید این امر را در درخواست خود قید کند. انجام چنین درخواستی منوط به صلاحدید عضوی است که از وی تقاضای همکاری شده است.

فصل ۳ـ روشهای کلی همکاری

ماده ۵ـ

۱ ـ هر گونه خبر، سند یا اطلاعات دیگری که در اجرای این کنوانسیون مخابره یا دریافت می‌شود:

الف ـ فقط باید برای مقاصد تعیین شده در این کنوانسیون، از جمله استفاده در اقدامهای اداری یا قضایی و با رعایت شرایطی که احتمالاً توسط ادارات گمرک مقرر می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد.

ب ـ در کشور دریافت کننده باید به همان ترتیبی که در آن کشور از اطلاعیه‌ها، سندها و سایر اطلاعات مشابه به دست آمده در قلمرو خود حفاظت و نگهداری می‌کند، از اطلاعات رسیده حفاظت و نگهداری کند.

۲ ـ این گونه خبرها، اسناد و سایر اطلاعات تنها با موافقت کتبی اداره گمرک تهیه کننده آنها و با رعایت شرایط مقرر شده توسط اداره مزبور و مفاد جزء (ب) بند (۱) این ماده می‌تواند برای مقاصد دیگری مورد استفاده قرار گیرد.

ماده ۶ـ ۱ ـ ارتباطات بین اعضا که در این کنوانسیون پیش بینی شده به طور مستقیم بین ادارات گمرکی انجام خواهد گرفت. ادارات گمرک اعضا، دوایر یا مأموران مسؤول برای این گونه ارتباطات را تعیین کرده و نام و نشانی ایشان را به دبیر کل شورا اطلاع خواهند داد. دبیرکل اطلاعات مزبور را به سایر اعضا ابلاغ خواهد کرد.

۲ ـ اداره گمرک عضو درخواست شونده با رعایت قوانین و مقررات جاری در قلمرو خود باید تمام اقدامات لازم را برای انجام درخواست همکاری انجام دهد.

۳ ـ اداره گمرک عضو درخواست شونده باید در کوتاهترین زمان ممکن به درخواست همکاری پاسخ دهد.

ماده ۷ ـ ۱ ـ درخواستهای همکاری که به موجب این کنوانسیون به عمل می‌آید، باید به طور معمول به صورت کتبی بوده و شامل اطلاعات ضروری و اسنادی باشد که مفید و سودمند به

نظر می‌رسد.
۲ ـ متن درخواستهای کتبی باید به زبان مورد قبول اعضای مربوط نوشته شود. هرگونه سند پیوست چنین درخواستهایی، در صورت لزوم باید به زبان مورد قبول اعضا ترجمه شود.
۳ ـ اعضا باید درخواست همکاری و اسناد پیوست آن را در همه موارد به زبانهای انگلیسی یا فرانسوی یا به همراه ترجمه آن به انگلیسی یا فرانسوی بپذیرند.
۴ـ هنگامی که به دلایلی، بویژه فوریت، درخواست همکاری به صورت کتبی نباشد، عضو درخواست شونده می‌تواند درخواست تأییدیه کتبی کند.
ماده ۸ ـ هر نوع هزینه‌ای که به موجب این کنوانسیون بابت شهود و کارشناسان می‌شود به عهده عضو درخواست کننده می‌باشد. اعضا از کلیه دعاوی بازپرداخت هر گونه مخارج دیگری که در اجرای این کنوانسیون متحمل می‌شوند صرف نظر می‌کنند.

فصل ۴ ـ مقررات متفرقه

ماده ۹ ـ به منظور پیشبرد هدفهای کلی این کنوانسیون شورا و ادارات گمرک اعضا مقرراتی وضع و تدوین خواهند کرد که به موجب آن دوایر مسؤول پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی با یکدیگر در ارتباط مستقیم و مشخص باشند.
ماده ۱۰ ـ از نظر این کنوانسیون پیوست یا پیوستهایی که یک عضو نسبت به متعهد شده جزو جدانشدنی کنوانسیون به شمار می‌رود و در مورد عضو مزبور هر نوع استناد به این کنوانسیون شامل استناد به پیوست یا پیوستهای مزبور خواهد بود.
ماده ۱۱ ـ مفاد این کنوانسیون مانع کمکهای دو جانبه گسترده‌تری که برخی از اعضا ارایه می‌کنند یا در آینده ممکن است ارایه کنند نخواهد شد.

فصل ۵ ـ نقش شورا و کمیته دایمی فنی:

ماده ۱۲ ـ
۱ ـ طبق مفاد این کنوانسیون شورا مسؤول اجرا و توسعه این کنوانسیون می‌باشد.
۲ ـ بدین منظور کمیته دایمی فنی با نظارت شورا و برای دستورالعملهای آن انجام وظایف مشروح زیر را به عهده خواهد داشت:
الف ـ ارایه پیشنهادهای اصلاحی کنوانسیون به شورا در موارد ضروری.
ب ـ اظهارنظر دربارهٔ تفسیر مفاد این کنوانسیون.
پ ـ تأمین ارتباطات با سایر سازمانهای ذی نفع بین المللی، بویژه با ارگانهای صلاحیت‌دار سازمان ملل متحد، یونسکو و سازمان بین المللی پلیس جنایی (انترپل) در امر مبارزه با داد و ستد غیر مجاز مواد مخدر و روانگردان و داد و ستد غیر مجازآثار هنری، عتیقه و سایر اموال

فرهنگی.

ت ـ انجام هر گونه اقدامی که احتمالاً به پیشبرد هدفهای کلی کنوانسیون، بویژه مطالعه روشهای تازه و آیین نامه‌های تسهیل کننده پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی و تشکیل اجلاسیه‌ها و غیره کمک کند.

ث ـ انجام وظایفی که شورا ممکن است در رابطه با مفاد این کنوانسیون مقرر نماید.

ماده ۱۳ ـ از نظر رأی‌گیری در شورا و کمیته دایمی فنی هر پیوستی به منزله یک کنوانسیون مستقل و جداگانه تلقی خواهد شد.

فصل ٦ ـ مقررات نهایی

ماده ۱۴ ـ هر اختلافی که درباره تفسیر این کنوانسیون یا اجرای آن بین دو یا چند عضو به وجود آید از راه مذاکرات مستقیم آنها حل و فصل خواهد شد.

ماده ۱۵ ـ

۱ ـ هر کشور عضو شورا و هر کشور عضو سازمان ملل متحد یا مؤسسات تخصصی آن می‌تواند از راههای غیر عضو کنوانسیون بشود:

الف ـ با امضای آن بدون قید تنفیذ

ب ـ با تقدیم سند تنفیذ پس از امضای آن با قید تنفیذ یا

پ ـ با الحاق به آن

۲ ـ این کنوانسیون تا تاریخ ۱۳۵۷/۴/۹ هجری شمسی برابر با سی ام ژوئن ۱۹۷۸ در مقر شورا در بروکسل، برای امضای دولتهای اشاره شده در بند (۱) این ماده مفتوح است و بعد از این تاریخ برای پیوست آنان مفتوح خواهد بود.

۳ ـ هر یک از دولتهای اشاره شده در بند (۱) این ماده باید در هنگام امضا، تنفیذ یا الحاق به این کنوانسیون، با توجه به اینکه پذیرش حداقل یک پیوست ضروری آن به دبیرکل شورا اطلاع دهد که یک یا چند پیوست دیگر را می‌پذیرد.

۴ ـ اسناد الحاق یا تنفیذ باید به دبیرکل شورا سپرده شود.

۵ ـ اتحادیه‌های گمرکی یا اقتصادی می‌توانند به اتفاق کلیه دولتهای عضو خود یا هر زمان پس از اینکه کلیه دولتهای عضو آنان، عضو این کنوانسیون شده باشند نیز طبق مفاد بندهای (۱)، (۲) و (۳ این ماده، عضو این کنوانسیون بشوند. به هر حال چنین اتحادیه‌هایی حق رأی ندارند.

ماده ۱۶ ـ

۱ ـ این کنوانسیون سه ماه پس از اینکه پنج دولت اشاره شده در بند (۱) ماده (۱۵) بالا آن را بدون قید تنفیذ امضا نمودند و یا سند تنفیذ یا الحاق خود را سپردند لازم الاجرا می‌شود.

۲ ـ این کنوانسیون پس از اینکه پنج دولت، بدون قید تنفیذ آن را امضا کرده یا اسند تصویب یا

الحاق خود را سپرده باشند نسبت به هر عضوی که این کنوانسیون را بدون قید تنفیذ امضا بکند یا آن را تنفیذ نماید و یا بدان ملحق شود پس از سه ماه بعد از اینکه عضو یاد شده بدون قید تنفیذ آن را امضا نموده و یا سند تنفیذ آن را امضا نموده و یا سند تنفیذ یا الحاق خود را سپرده باشد، لازم الاجرا می‌شود.

۳ ـ هر یک از پیوستهای این کنوانسیون سه ماه پس از اینکه دو دولت، پیوست یاد شده را پذیرفتند لازم الاجرا می‌شود. نسبت به هر عضوی که پیوستی را پس از آنکه دو دولت آن را پذیرفته‌اند بپذیرد، پیوست یاد شده سه ماه پس از آنکه عضو یاد شده پذیرش خود را اعلام کرده باشد، لازم الاجرا می‌شود. به هر حال پیش از آنکه این کنوانسیون درباره عضو مزبور به اجرا در آید، هیچ پیوستی در موردعضو یاد شده لازم الاجرا نمی‌شود.

ماده ۱۷ ـ

۱ ـ هر دولتی می‌تواند در موقع امضا بدون قید تنفیذ، یا هنگام سپردن سند تنفیذ یا الحاق خود یا هر زمانی پس از آن با ارایه اطلاعیه به دبیرکل شورا اعلام نماید که این کنوانسیون تمام یا بخشی از سرزمینهایی راکه روابط بین‌المللی آنها تحت مسؤولیت آن قرار دارد در بر می‌گیرد. این اطلاعیه سه ماه پس از تاریخ رسیدن به دبیرکل شورا نافذ می‌شود. به هر حال این کنوانسیون نمی‌تواند پیش از اینکه نسبت به دولت ذی نفع لازم الاجرا شده باشد، در مورد سرزمینهای یاد شده در اطلاعیه قابل اجرا شود.

۲ ـ هر دولتی که در اجرای بند (۱) این ماده اعلام کرده باشد که این کنوانسیون سرزمینی را که روابط بین‌المللی آن تحت مسؤولیت وی قرار دارد. در بر می‌گیرد می‌تواند برابر مقررات پیش بینی شده در ماده (۱۹) این کنوانسیون به دبیرکل شورا اطلاع دهد که دیگر سرزمین مورد بحث کنوانسیون را اجرا نخواهد کرد.

ماده ۱۸ ـ در ارتباط با عضو این گونه تلقی خواهد شد که به این کنوانسیون ملحق شده یا کلیه مقررات مندرج در کنوانسیون یا پیوستهای آن را پذیرفته است، مگر اینکه در هنگام الحاق به کنوانسیون یا پذیرش یک پیوست به طور جداگانه یا در هر زمان دیگر پس از آن، هر گونه حق شرطهایی را در مورد مقرراتی که نمی‌تواند بپذیرد به دبیرکل شورا اطلاع داده باشد. هر عضو تقبل خواهد نمود که به طور ادواری مقرراتی راکه نسبت به آنها حق شرط قایل شده است، بررسی کرده و در صورت انصراف از حق شرطها مراتب را به دبیرکل شورا اطلاع دهد.

ماده ۱۹ ـ

۱ ـ این کنوانسیون برای مدت نامحدودی منعقد شده است ولی هر عضوی می‌تواند هر زمانی پس از تاریخ لازم الاجرا شدن آن به موجب ماده (۱۶) این کنوانسیون نسبت به فسخ عضویت در آن اقدام نماید.

۲ـ فسخ عضویت به وسیله سپردن سند کتبی به دبیر کل شورا اعلام می‌شود.

۳ ـ فسخ عضویت شش ماه پس از رسیدن سند فسخ به دبیرکل شورا نافذ می‌شود.
۴ ـ مفاد بندهای (۲) و (۳) این ماده در مورد پیوستهای این کنوانسیون نیز اعمال می‌گردد. هر عضو می‌تواند در هر زمان پس از لازم الاجرا شدن آنها به موجب ماده (۱۶) این کنوانسیون انصراف خود را از پذیرش یک یا چند پیوست اعلام دارد. عضوی که انصراف خود را از پذیرش همه پیوستها اعلام دارد، به منزله این است که عضویت خود در کنوانسیون را فسخ کرده است.
۵ ـ هر عضو که عضویت این کنوانسیون را فسخ نموده یا انصراف خود را از پذیرش یک یا چند پیوست آن اعلام بدارد، تا زمانی که اخبار اسناد یا سایر اطلاعاتی را که در اجرای این کنوانسیون فراهم آمده است در اختیار دارد نسبت به تعهد خود در مورد مفاد ماده ۵ این کنوانسیون باقی خواهد ماند.
ماده ۲۰ ـ ۱ ـ شورا می‌تواند اصلاحاتی را در مورد کنوانسیون توصیه کند.
۲ ـ متن هر اصلاحیه‌ای که بدین ترتیب توصیه می‌شود توسط دبیرکل شورا به کلیه اعضای این کنوانسیون و سایر دولتهای امضاء کننده کنوانسیون و دولتهای عضو شورا که عضو این کنوانسیون نیستند ابلاغ می‌شود.
۳ ـ هر اصلاحیه پیشنهادی که برابر بند پیشین ابلاغ می‌شود، پس از سه ماه از تاریخ پایان یک دوره دو ساله از تاریخ اصلاحیه پیشنهادی که در طول آن هیچ اعتراضی نسبت به اصلاحیه پیشنهادی یاد شده توسط دولتهای عضو به دبیرکل شورا ارایه نشده باشد درباره همه اعضاء لازم الاجرا می‌باشد.
۴ ـ اگر پیش از پایان دوره دو ساله یاد شده در بند (۳) این ماده توسط یکی از اعضای این کنوانسیون اعتراضی نسبت به اصلاحیه پیشنهادی به دبیرکل شورا ارایه شده باشد این اصلاحیه پذیرفته نشده و بدون اثر تلقی می‌شود.
ماده ۲۱ ـ ۱ ـ هر عضوی که این کنوانسیون را تنفیذ نموده یا بدان ملحق می‌شود به منزله این است که به صلاحیه‌های مربوط را که در تاریخ تسلیم سند تنفیذ یا الحاق آن عضو لازم الاجرا شده پذیرفته است.
۲ ـ هر عضوی که پیوستی را می‌پذیرد به منزله این است که همه اصلاحیه‌های آن پیوست را که در تاریخ ارایه پذیرش آن عضو به دبیرکل شورا لازم الاجرا شده پذیرفته است.
ماده ۲۲ ـ دبیرکل شورا مراتب زیر را به آگاهی اعضای این کنوانسیون سایر دولتهای امضا کننده آن، دسته از دولتهای عضو شورا که عضو این کنوانسیون نیستند و دبیرکل سازمان ملل متحد می‌رساند:
الف ـ امضاها، تنفیذها، الحاقها و اطلاعیه‌ها به موجب ماده (۱۵) این کنوانسیون.
ب ـ تاریخ لازم الاجرا شدن این کنوانسیون و هر یک از پیوستهای برابر ماده (۱۶)
پ ـ اطلاعیه‌های دریافت شده برابر ماده (۱۷)

ت ـ فسخ عضویت برابر ماده (۱۹)
ث ـ اصلاحیه‌های پذیرفته شده برابر ماده (۲۰) و تاریخ لازم الاجرا شدن آن.
ماده ۲۳ ـ این کنوانسیون از تاریخ لازم الاجرا شدن، برابر ماده (۱۰۲) منشور ملل متحد در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید.
بابه‌مراتب بالا امضا کنندگان زیر که دارای اختیارات لازم می‌باشند این کنوانسیون را امضا کرده‌اند.
این کنوانسیون به تاریخ نوزدهم خردادماه یکهزار و سیصد و پنجاه و شش هجری شمسی برابر با نهم ژوئن سال یکهزار و نهصد و هفتاد و هفت میلادی در نایروبی به زبانهای انگلیسی و فرانسوی در یک نسخه اصلی که نزد دبیرکل شورا سپرده خواهد شد تنظیم شد و هر دو متن به طور مساوی معتبر است. دبیرکل شورا نسخه‌های گواهی شده این کنوانسیون را برای کلیه دولتهای عضو یاد شده در بند (۱) ماده (۱۵) این کنوانسیون ارسال خواهد کرد.

پیوست شماره ۱۱

کمک به امر مبارزه با قاچاق اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی

۱ ـ مفاد این پیوست در مورد اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی اعمال می‌شود که به دلایل مذهبی یا غیرمذهبی دارای اهمیت باستان‌شناسی، ماقبل تاریخی، تاریخی، ادبی، هنری یا علمی به مفهوم بند (الف) الی (ک) ماده (۱) کنوانسیون یونسکو در مورد اتخاذ تدابیر برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی (پاریس ۱۳۴۹/۸/۲۳ هجری شمسی برابر با ۱۴ نوامبر ۱۹۷۰) تلقی می‌شود که البته در حدی این اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی موضوع قاچاق واقع شوند. این مقررات مانع اعمال اقدامات جاری در سطح داخلی در امر همکاری با بشخهای داخلی برای حمایت از اموال فرهنگی نیست و در زمینه گمرکی، اجرای مقررات کنوانسیون یونسکو توسط اعضای کنوانسیون مزبور راکه پیوست حاضر را پذیرفته‌اند تکمیل می‌کند.
۲ ـ مقررات پیوست حاضر در مورد قاچاق اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی در صورت اقتضا و در حدی که ادارات گمرک در این باره صالح می‌باشند نسبت به عملیات مالی مرتبط با قاچاق اعمال می‌شود.

مبادله اطلاعات توسط ادارات گمرک به ابتکار خود آنها

۳ ـ ادارات گمرک اعضا به ابتکار خود و بدون تأخیر هر نوع اطلاعاتی را که در موارد زیر در اختیار دارند به سایر ادارات گمرکی که به طور مستقیم ذی نفع هستند ارایه می‌دهند.
الف ـ عملیاتی که مشاهده شده است یا گمان آن می‌رود که تشکیل قاچاق اشیای هنری عتیقه و سایر اموال فرهنگی را بدهند یا عملیاتی که تصور می‌رود موجب قاچاق مزبور بشود.
ب ـ افرادی که به فعالیت در این زمینه شناخته شده‌اند در حدی که قوانین داخلی اجازه تبادل

اطلاعات مربوط به افراد مزبور را می‌دهد و افراد مظنونی که در عملیات یاد شده در بند (الف) اشتغال دارند همچنین وسایط نقلیه، کشتیها، هواپیماها و سایر وسایل حمل و نقل به کار گرفته شده یا مظنون به کار گرفته شدن در این گونه عملیات.

پ ـ وسایل یا روشهای جدید به کار رفته برای قاچاق اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی.

کمک در امر نظارت بنا به درخواست

۴ ـ بنا به درخواست اداره گمرک یک عضو اداره گمرک عضو دیگر در حدود صلاحیت و توانایی خود نظارت ویژه‌ای را در مدت زمان معین در موارد زیر اعمال کرده و گزارشی در مورد آن به اداره گمرک عضو درخواست کننده ارایه می‌کند:

الف ـ در مورد جابه جاییها بویژه به هنگام ورود و خروج از قلمرو خود در رابطه با برخی اشخاصی که دلایلی در دست است که می‌توان تصور کرد که به طور حرفه‌ای یا به طور عادت به قاچاق اشیای هنری و عتیقه یا سایر اموال فرهنگی در قلمرو عضو درخواست کننده می‌پردازند.

ب ـ در مورد نقل و انتقالات اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی که از طرف اداره گمرک عضو درخواست کننده به عنوان موجد داد و ستد غیر مجاز با اهمیت از سرزمین آن عضو گزارش شده است.

۱ ـ در مورد برخی وسایط نقلیه، کشتیها، هواپیماها یا سایر وسایل حمل و نقل که در مورد آنها دلایلی در دست است که می‌توان تصور کرد برای قاچاق اشیای هنری و عتیقه وسایر اموال فرهنگی از قلمرو عضو درخواست کننده به کار گرفته شده است.

انجام تحقیقات بنا به درخواست و از جانب عضو دیگر

۵ ـ بنا به درخواست اداره گمرک یک عضو اداره گمرک عضو دیگر در حدود امکانات خود و با رعایت قوانین و مقررات جاری در قلمرو خود اقدام به تحقیقات برای دریافت ادله در مورد قاچاق اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی موضوع تحقیقات در قلمرو عضو درخواست کننده می‌کند و اظهارات افراد ذی ربط در قاچاق مورد بحث یا شهود یا کارشناسان، را جمع آوری و نتایج تحقیقات و همچنین اسناد یا سایر ادله را به اداره گمرک عضو درخواست کننده ارایه می‌دهد.

اقدام مأموران گمرک یک عضو در قلمرو عضو دیگر

۶ ـ هرگاه ارایه مدرک صرفاً به صورت اظهارنامه کتبی کافی به مقصود نباشد بنا به درخواست اداره گمرک یک عضو اداره گمرک عضو دیگر به مأموران خود در حد امکانات اجازه می‌دهد در دیوانها یا دادگاههای واقع رد قلمرو عضو درخواست کننده به عنوان شاهد یا کارشناس برای دعوای مربوط به قاچاق اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی حاضر شوند. درخواست حضور در دادگاه بویژه تصریح می‌کند که موضوع به چه دعوایی مربوط است و مأمور گمرک به

چه عنوانی در دادگاه حاضر می‌شود. اداره گمرک عضوی که درخواست را می‌پذیرد در اجازه حضور، حدودی که مأموران آن عضو باید در ارایه ادله رعایت کنند بیان می‌کند.

۷ ـ بنا به درخواست کتبی اداره گمرک یک عضو اداره گمرک عضو دیگر وقتی صلاح تشخیص دهد در حدود صلاحیت و امکانات خود به مأموران اداره گمرک متقاضی اجازه می‌دهد که در قلمرو عضو درخواست کننده در رابطه با تحقیقات یا گزارش رسمی مربوط به قاچاق اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی مربوط به عضو درخواست کننده حضور به هم می‌رساند.

۸ ـ هرگاه هر دو عضو صلاح تشخیص دهند و با رعایت قوانین و مقررات جاری در قلمرو آنها مأموران اداره گمرک یک عضو بنا به درخواست عضو دیگر در تحقیقات انجام گرفته در قلمرو عضو دیگر شرکت می‌کنند.

تمرکز اطلاعات

۹ ـ ادارات گمرک اعضا اطلاعاتی که از این پس مشخص شده را در حدی که دارای نفعی در مقیاس بین‌المللی باشد در اختیار دبیرکل شورا قرار می‌دهند.

۱۰ ـ دبیرکل شورا یک فهرست راهنمای مرکز اطلاعات فراهم شده از اعضا را تأسیس و به روز نگه می‌دارد و داده‌های مندرج در آن را برای تهیه خاصه‌ها و بررسیهایی با گرایشهای دوباره مطرح شدن و جدید در زمینه قاچاق اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی مورد بهره برداری قرار می‌دهد. وی به طور ادواری اقدام به مرور فهرست راهنما برای حذف اطلاعاتی که به گمان او دیگر سودی ندارد و یا منسوخ شده می‌کند.

۱۱ ـ ادارات گمرک اعضا بنا به درخواست دبیرکل شورا و با رعایت سایر مفاد کنوانسیون و پیوست حاضر اطلاعات تکمیلی را که احتمالاً برای تهیه خلاصه‌ها و بررسیهای یاد شده در بند (۱۰) پیوست حاضر لازم باشد، در اختیار دبیرکل شورا قرار می‌دهند.

۱۲ـ دبیرکل شورا اطلاعات ویژه مندرج در فهرست راهنمای مرکزی را در حدی که انتشار آنها را سودمند تشخیص دهد همچنین خلاصه‌ها و بررسیهای یاد شده در بند (۱۰) پیوست حاضر را به دوایر و مأموران انتصابی ادارات گمرک اعضا ارایه می‌دهد.

۱۳ ـ جز در صورتی که خلاف آن از سوی عضو در اختیار قرار دهند اطلاعات مقرر شده باشد دبیرکل شورا اطلاعات مندرج در فهرست راهنمای مرکزی مربوط به قاچاق اشیای هنری و عتیقه و سیر اموال فرهنگی را در حدی که انتقال غیر مجاز مالکیت صورت گرفته باشد و دادن این اطلاعات را سودمند تشخیص دهد در اختیار یونسکو، سازمان بین المللی پلیس جنایی (انترپل) قرار می‌دهد. همچنین خلاصه‌ها و بررسیهایی را که در این زمینه در اجرای بند (۱۰) پیوست حاضر انجام داده است به آگاهی آنها می‌رساند.

۱۴ ـ دبیرکل شورا بنا به درخواست طرف متعاهدی که پیوست حاضر را پذیرفته است هر نوع اطلاعات دیگری را که در خصوص تمرکز اطلاعات پیش بینی شده در این پیوست در اختیار

دارد در اختیار وی قرار می‌دهد.

قسمت اول فهرست راهنمای مرکزی: اشخاص

۱۵ ـ اعلامیه‌های صادر به موجب این بخش از فهرست راهنمای مرکزی،اطلاعات مربوط به امور زیر را فراهم خواهد نمود.

الف ـ اشخاصی که به طور قطعی به دلیل ارتکاب قاچاق محکوم شده‌اند.

ب ـ در صورت اقتضا افراد مظنون به ارتکاب قاچاق یا دستگیر شده در حین ارتکاب جرم در قلمرو عضو اعلام‌کننده حتی اگر پیگرد قانونی تکمیل نشده باشد.

بدیهی است هنگامی که اعضا از اعلام نام و مشخصات افراد مورد بحث به دلیل منع قوانین داخلی خودداری می‌کنند با وجود این باید در اعلامیه ای تعداد هر چه بیشتر عناصر یاد شده در این بخش از فهرست راهنمای مرکزی را درج نمایند.

۱۶ ـ اطلاعاتی که باید داده شود در حد امکان شامل موارد زیر خواهد بود

الف ـ نام و نام خانوادگی

ب ـ نام

پ ـ در صورت لزوم نام دوران دوشیزگی

ت ـ لقب و کنیه

ث ـ شغل

ج ـ نشانی (فعلی)

چ ـ تاریخ و محل تولد

ح ـ تابعیت

خ ـ کشور محل اقامت و کشورهایی که شخص در (۱۲) ماه گذشته از آنها بازدید داشته است.

د ـ نوع و شماره شناسنامه به همراه تاریخ و کشور محل صدور

ذ ـ مشخصات بدنی

۱ ـ جنسیت

۲ ـ قد

۳ ـ وزن

۴ ـ جثه

۵ ـ مو

۶ ـ چشم

۷ ـ چهره

۸ ـ علایم مشخصه یا ویژه

ر ـ توصیف مختصر و موجز تخلف (از جمله نوع و مبدا کالاهای موضوع تخلف و اینکه آیا

انتقال غیر مجاز مالکیت وجود داشته یا خیر) و اوضاع و احوالی که منجر به کشف تخلف شده است.

ز ـ نوع و میزان مجازاتها و یا حکم صادر شده.

ژ ـ سایر ملاحظات، از جمله زبانهای تکلم شده و در (صورت وجود) محکومیتهای قبلی ثبت شده.

س ـ عضوی که اطلاعات را می‌دهد (از جمله شماره بازگشتی)

۱۷ ـ به عنوان یک قاعده کلی دبیرکل شورا اطلاعات مربوطه بخش اول فهرست راهنمای مرکزی را لااقل در اختیار کشورهایی که ذی نفع تبعه آن بوده و در آنجا اقامت دارد و کشورهایی که در مدت ۱۲ ماه آخر از آنها بازدید داشته‌است قرار می‌دهد.

قسمت دوم فهرست راهنمای مرکزی: روشها

۱۸ ـ اعلامیه‌هایی که به موجب این بخش از فهرست راهنمای مرکزی صادر گردد باید اطلاعات مربوط به روشهای قاچاق اشیای هنری و عتیقه و سایر اموال فرهنگی از جمله راههای اختفا در همه مواردی که دارای منافع مهم بین المللی می‌باشد فراهم آورند. اعضا تمامی موارد کاربرد هر روش شناخته شده قاچاق، همچنین روشها نوین و غیرمعمول یا احتمالی را به طوری که بتوان گرایشهای جاری را در این زمینه کشف کرد، گزارش خواهند نمود.

۱۹ ـ اطلاعاتی که باید فراهم شود در حد امکان به قرار زیر است:

الف ـ توصیف روشهای قاچاق و در صورت امکان توصیف وسیله حمل و نقل به کار گرفته شده (ساخت، مدل، شماره ثبت اگر موضوع مربوط باشد به وسیله حمل و نقل زمینی، نوع کشتی و مانند آن) و در صورت اقتضا فراهم آوردن اطلاعات مندرج در گواهینامهٔ پلاک تاییدیه کانتینرها یا وسایط نقلیه که شرایط فنی آنها به موجب یک کنوانسیون بین المللی به تصویب رسیده است. همچنین اطلاعات مربوط به هر نوع دستکاری مهر و مومها، قفلها، وسایل مربوط به ممهور کردن یا سایر قسمتهای کانتینرها یا وسایط نقلیه.

ب ـ در صورت لزوم توصیف محل اختفا از جمله در صورت امکان تصویر یا کروکی

پ ـ توصیف کالاهای مورد بحث

ت ـ سایر ملاحظات از جمله ذکر اوضاع و احوالی که منجر به کشف قاچاق، شده است

ث ـ عضوی که اطلاعات را می‌دهد (از جمله شماره بازگشتی)

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن کنوانسیون شامل مقدمه و بیست و سه ماده و یک پیوست در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیستم خردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رییس مجلس شورای اسلامی ـ علی اکبر ناطق نوری

الف ـ واژه‌نامه فارسی به فرانسه

«الف»

آبهای داخلی — Eaux Intérieurs
آبهای مجمع‌الجزایری — Eaux Archipélagiques
آتش‌بس — cessez-Le-Feu
آثار حقوقی — Effets Juridiques
آزادی دریاها — Liberté des Mers
آشتی — Conciliation
آکردیته — Accredité
آگرمان ـ پذیرش — Agrément
آلودگی آبها — Pollution des Eaux
آلودگی دریاها — Pollution des Mers
آمرانه — Autoritaire
اتحاد ـ پیمان — Concert-Aliance
اتحاد مقدس — Sainte Alliance
اتحادیه — Association=Ligue
اجازه‌نامهٔ کنسولی ـ روانامه — Exéquatur
اجلاسیه — session
احضار (احضار مأمور سیاسی) — appel
اختتام (معاهدات) — Extinction
اختلاف بین‌المللی — Differend International
اختلافات حقوقی — Differends Juridiques
اختلافات سیاسی — Differends politiques
اخراج (بیگانگان از کشور) — Expulsion
اختیارنامه — Lettre de Pleins Pouvoirs
ارادهٔ مشترک (نظریه) — Volonté Collective
ارتباطات بین‌المللی — Communications Internationales
اساسنامه — statut
استرداد (مجرمین) — Extradition
استعمار — Colonisation
استعمارگرایی — Colonialisme
استعمار نو — Néo Colonisation
استقلال — Independance
استوارنامه — Lettres de Créance
اسناد ضمیمه (معاهده) — Annexe
استنکاف از احقاق حق — Déni de justice
اشغال (سرزمین) — occupation
اصلاح (معاهده) — Amendement
اصول کلی حقوقی — Principes Généraux de Droit
اعتبار (معاهده) — Validité
اعضای دایم — Membres permancents
اعلام بی‌طرفی — Déclaration de Neutralité
اعلان جنگ — Déclaration de Guerre
اعلامی (نظریه) — Déclaratif
اعلام فسخ یک جانبه (معاهده) — Dénonciation
اعلامیه — Communiqué
اعلامیه — Déclaration
اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر — Déclaration Universelle des Droits de L'Homme
الحاق (به معاهده) — Accession=Adhésion
امتیازات دیپلماتیک — Priviléges Diplomatiques
امضای موقت (معاهده) ـ پاراف — Paraphe
امنیت دسته‌جمعی — Securité Collective
انتشار رسمی (معاهدات) — Promulgation
انعقاد (معاهده) — Conclusion
اولتیماتوم — Ultimatum

«ب»

بازار مشترک — Marché Commun

بازجویی ـ تحقیق	Enpuéte
بایکوت	Boycott
بستر یا کف دریا	Lit de la Mer
بسته یا محموله دیپلماتیک	Valise Diplomatique
بشردوستی	Humanisme
بدون تابعیت	Apatride
برون‌مرزی (نظریه)	Exterrltorialité
بطلان (معاهده)	Nullité
بی‌طرفی	Neutralité
بین‌المللی	International (e)
بین‌المللی‌کردن (رژیم)	Internationalisation

«پ»

پاراف (پاراف معاهده)	Paraphe
پاکدستی (مدعی)	Mains Propres
پایمردی ـ مساعی جمیله	Bons Offices
پذیرش ـ پذیرفتن	Admission
پروتکل	Protocole
پناهنده	Refugié
پناهندگی دیپلماتیک	Asile Diplomatique
پیک دیپلماتیک	Courrier Diplomatique
پیمان عمومی داوری	Acte Général d'Arbitrage

«ت»

تابعیت	Nationalité
تابعیت مضاعف	Double Nationalité
تأسیسات ـ نهادها	Institutions
تأسیسی (نظریه)	Constitutif
تالوگ (خط تالوگ) ـ خط القعر	Thalweg
تام‌الاختیار	Pleins Pouvoirs
تبعه	Ressortissant
تبعیض نژادی	Discrimination Raciale
تجاوز	Agression
تجاوز از اختیار و قدرت	Excés de Pouvoir
تجدید نظر (در معاهدات)	Révision
تحدید ارادی (نظریه)	Auto-Limitation
تحدید حدود	Delimitation
تحقیق ـ بازجویی	Enquéte
تدوین	Codification
تروریسم	Terrorisme
تساوی حقوقی کشورها	Egalité Juridique des Etats
تصادم کشتیها	Abordage
تصمیمات قضایی	Décisions Juridiques
تصویب (معاهده)	Ratification
تصویب ناقص یا بی‌قاعده	Ratification Imparfaite
تعقیب فوری	Poursuite Continue
تعهدات بین‌المللی	Obligations Internationales
تغییر اوضاع و احوال	Changement des Circonstances
تفاهم ـ سازش	Entente
تفسیر (معاهدات)	Interprélation
تقصیر یا خطای کشورها	Faute de L'Etat
تمامیت ارضی	Intégrité Territoriaie
تنگه بین‌المللی	Détroit International
توازن قدرتها ـ توازن قوا	Balance de Pouvoirs
توتالیتر	Totalitaire
توسل به زور	Recours à la force
توصیه‌نامه	Recomandation

«ج»

جامعهٔ بین‌المللی	Société Internationale
جامعهٔ بین‌المللی	Communauté Internationale
جامعهٔ ملل	Société Des Nations (S.D.N)
جبران خسارت	Dommage à réparer

جرم بین‌المللی Infraction Internationale

جنایات جنگی Crimes de Guerre

جنایات علیه بشریت

Crimes Contre L'Humanité

جنایات علیه صلح Crimes Contre la Paix

جنگ تمام‌عیار Guerre Totale

جنگ تدافعی Guerre Défensive

جنگ تعرضی Guerre Offensive

جنگ داخلی Guerre Civile

جنگ مشروع Guerre Licite=Guerre Juste

جهان سوم Tiers Monde

«ح»

حاکمیت ارضی Souveraineté Territoriale

حاکمیت کشور Souveraineté De L'etat

حاکمیت ملی Souveraineté Nationale

حالت ضرورت Etat de Necessité

حسن نیت Bonne Foi

حسن همجواری Bon Voisinage

حفظ صلح Mantien de la Paix

حق انتخاب Droit d' Option

حق پناهندگی Droit d' Asile

حق تعقیب Droit de Suite

حق عبور Droit de Passage

حق ملتها در تعیین سرنوشت خود

Droit des Peuples à disposer d' eux-mêmes

حق نمایندگی (نظریه) Droit de légation

حق وتو Droit de veto

حق ورود Droit daccés

حقوق بشر Droits de Lhommc

حقوق بین‌الملل خصوصی

Droit International Privé

حقوق بین‌الملل عمومی

Droit International public

حقوق تحققی ـ حقوق ذهنی Droit Subjectif

حقوق جنگ Droit de la Guerre

حقوق خصوصی Droit Privé

حقوق دریاها Droit de la Mer

حقوق دریایی Droit Maritime

حقوق سازنده Droit Constitutif

حقوق ضابطه‌ای یا هنجاری یا دستوری

Droit Normatif

حقوق طبیعی Droit Natural

حقوق عام Droit Général

حقوق عرفی Droit Coutumier

حقوق عمومی Droit Public

حقوق عینی ـ حقوق موضوعی Droit Objectif

حقوق قضا Droit de ? Espace

حقوق معاهدات Droit des Traités

حقوق معاهده‌ای Droit Conventionnel

حقوق عرفی Droit Commun

حقوق مکتسبه Droit Accquis

حقوق ملل Droit des Gens

حقوق وضعی Droit Positif

حقوق وضعی جدید (نظریه) Néo Positivisme

حکمیت ـ داوری Arbitrage

حکومت ـ دولت Gouvernement

حمایت دیپلماتیک Protection Diplomatique

حمایت شغلی (نظریه)

Protection Fonctionnelle

حل مسالمت‌آمیز اختلافات

Réglement Pacifique des Conflits

«خ»

خرید و فروش بردگان (برده‌فروشی)

Traite des Esclaves

خسارت Dommage

خط ساحلی Ligne de Côte

خط‌القعر ـ تالوگ Thalweg
خط مبدأ Ligne de Base
خلع سلاح عمومی Désarmement Général
خودمختاری Autonomie

«د»

دادگاه بین‌المللی Tribunal International
دادگستری بین‌المللی Justice International
داوری Arbitrage
دبیر اول Premier Secrétaire
دبیرخانه Secretariat
دبیر دوم Deuxlème Secrétaire
دبیر سوم Troisiême Secrétaire
دبیرکل Secrétaire Général
دریای داخلی Mer Intérieure
دریای آزاد Haute Mer
دریای ساحلی Mer Côtière
دریای سرزمینی Mer Territoriale
دزدی دریایی Piraterie
دفاع مشروع Légitime Défense
دکترین ـ عقاید علما Doctrine
دوام کشور (اصل) Continuilé de L'Etat
دوجانبه Bilatéral
دوگانگی حقوقی (نظریه) Dualisme
دولت مرد L'Homme d'Etat
دومینیون Dominion
دیپلمات Diplomate
دیپماتیک Diplomatique
دیوان بین‌المللی دادگستری
Cour Internationale de justice
دیوان بین‌المللی غنایم
Cour Internationale des Prises
دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی
Cour Permanente de Justice
دیوان دایم داوری
Cour Permanente d' Arbitrage

«ر»

رأی یا نظریهٔ مشورتی Avis Consultatif
روابط بین‌الملل Relations Internationales
روانامه ـ اجازه‌نامه کنسولی Exéquatur
رودخانه بین‌المللی Fleuve Internationale
رویهٔ قضایی بین‌المللی
Jurisprudence Internationale
رییس کشور Chef d' Etat

«ز»

زندانی جنگی Prisonnier de Guerre

«س»

سازمان بین‌المللی Organisation Internationale
Organisation des Nations
سازمان ملل متحد Unies (O.N.U)
سرپرستی یا نمایندگی (نظام) Mandat
سرزمینهای اشغالی Territioires occupés
سرزمینهای تحت قیمومت
Territioires Sous Tutelle
سرکنسول Consul Général
سفارت Ambassade
سفیر Ambassadeur
سفیر آکردیته Ambassadeur Accrédité
سفیر پاپ Nonce
سند Document
سوء استفاده از حق سیاست تبعیض نژادی آفریقا
Abus de Droit Apartheid

«ش»

شرط اختیاری Clause Facultative

شرط الحاق
Clause d' Adhesion=Clause d' accession
شرط داوری Clause de Compromis
شرط ملتهای کاملةالوداد
Clause des Nations la Plus Favorisée
شناسایی Reconnaissance
شناسایی دوژوره یا دایم
Reconnaissance de Jure
شناسایی دو فاکتور یا موقت محدود
Reconnaissance de Facto
شورای اقتصادی و اجتماعی
Conseil Economique et Social
شورای امنیت Conseil de Securité
شورای قیمومت Conseil de Tutelle
شهر مستقل ـ دولت شهر Citè

«ص»

صلاحیت ترافعی Compétence Contentieuse
صلیب سرخ Croix-Rouge
صورتجلسه Procès verbal

«ض»

ضمیمه الحاقی (به معاهده) Annexe

«ط»

طرز عمل بین‌المللی Pratique Internationale
طرف متعاهد Partie Contractante
طرفین معاهده Parties de Traitè
طریقهٔ اعلامی Réclamation

«ع»

عبور آزاد Libre Passage
عبور بی‌ضرر Passage Innocent
عبور بی‌ضرر Passage Inoffensif
عدم النفع Dommages-Intérêts
عدم تجاوز Non-Aggression
عدم مداخله Non-Intervention
عرف بین‌المللی Coutume Internationale
عضو جامعهٔ ملی National
عملیات حفظ صلح
Opérations de Maintien de la Paix
عهدنامه‌های قانونی یا قانونساز Traités-Lois
عهدنامه‌های قراردادی Traités-Contrats

«غ»

غرامت جنگی Indemnité de Guerre

«ف»

فرستاده مخصوص Envoyé Special
فسخ معاهده بر اثر اراده مشترک متعاهدین
Abrogation de Traité
فضای ماورای جو
Espace Extra-Atmosphérique
فلات قاره ـ سکوی ساحلی
Plateau Continental
فورس ماژور Force-Majeure

«ق»

قاضی کنسول Juge Consul
قاطعیت قدرت تصمیم‌گیری (نظریه)
Pouvoir de Décision Definitive
قدرت تسلط (نظریه) Pouvoir de Domination
قدرت تصمیم‌گیری (نظریه)
Pouvoir de Décision
قدرت عمومی ـ قدرت سیاسی Pouvoir Public
قدرت معاهده‌سازی
قدرتها (کشورهای قدرتمند) Puissances
قرارداد ـ عهدنامه ـ معاهده Traité-convention

موافقتنامه خاص رجوع به داوری
Compromis d' Arbitrage
قضاوت اجباری Juridiction Obligatoire
قضاوت بین‌المللی Juridiction Internationale
قضیه Affaire
قطعنامه Résolution
قلمرو کشور Domaine de L'Etat
قلمرو عمومی Domaine Public
قید احتمالات (در معاهدات)
Clause Résolutoire

«ک»

کابلهای زیر دریا Cables Sous-Marins
کاپیتولاسیون ـ قضاوت کنسولی Capitulation
کاردار دایم Chargé d'affaires Permanent
کاردار موقت Charge d`affaires Temporaire
کارمند بین‌المللی Fonctiunnaire International
کشتار دسته‌جمعی (ژنوسید) Génocide
کشتیرانی Navigation
کشور پذیرنده Etat de Réception
کشور محل مأموریت
کشور ساحلی Etat Riverain
کشور صاحب پرچم (کشتی) Etat de Pavillon
کشور فرستنده Etat de d! envoi
کنسول Consul
کنسولگری Consulat
کنسولیار vice consul

«گ»

گروههای بین‌المللی
Groupements Internationaux

«م»

مأمور دیپلماتیک Agent Diplomatique
مأموریت Mission
ماهیت حقوقی Nature Juridique
متارکهٔ جنگ Armistice
مجازات بین‌المللی Sanction Internationale
مجرم سیاسی Délinquant Politique
مجمع عمومی Assemblée Générale
محیط زیست دریایی Environement Marin
مداخلهٔ دسته‌جمعی Intervention Collective
مذاکره Négociation
مراجعه قبلی به مقامات داخلی
Epuisement des Recours Internes
مرز ـ سرحد Frontiére
مزایا و امتیازات دیپلماتیک
Privilèges Diplomatiques
مسابقه تسلیحاتی Course
مساعی جمیله ـ پایمردی Bons Offices
مستعمراتی ـ استعماری Colonial
مستعمره Colonie
مستقل Independant
مسؤولیت بین‌المللی
Responsabilité Internationale
مشروعیت (نظریه) Légitimité
مصلحت خدمت (نظریه)
Intérêt de la fonction
مصونیت از تعرض Inviolabilité
مصونیت دیپلماتیک Immunité Diplomatique
مصونیت قضایی Immunité de la Juridiction
مصونیت کیفری
Immunité de la Juridiction Panale
مصونیت مدنی
Immunité de la Juridiction Civile
معافیت گمرکی Franchise Douanière
معافیت مالیاتی Exemption fiscale
معرفینامه Lettre de Provision

مقدم‌السفرا Doyen du Corps Diplomatique
مقدمه (معاهده) Préambule
مقر (سازمان بین‌المللی) Siége
مکتب Ecole
مکتبهای ارادی Volontarisme
ملت Nation
ملل متحد Nations Unies
ملی ـ داخلی National
ملی‌کردن Nationalisation
مناسبات بین‌المللی Rapports Internationaux
منافع حیاتی Intérêts vitaux
منشور ملل متحد Charte des Nations unies
منطقهٔ سوق‌الجیشی Zone Stratégique
منطقهٔ مجاور Zone Contigue
موازنهٔ سیاسی Balance Politique
موافقت ـ تأکید Approbation
موافقتنامه Accord
موافقتنامه اجرایی یا ساده
Accord en Forme Simplifiée
موافقتنامه مذهبی Concordat
موافقتنامه نزاکتی یا اخلاقی
Engagement d'honneur=Engagement Moral
مؤسسه حقوق بین‌الملل
Institut du Droit International
میانجی Médiateur
میانجیگری Médiation
میراث مشترک بشریت
Patrimoine Commun de L'humanité
میثاق جامعه ملل Pacte de la S.D.N.

«ن»

نزاکت بین‌المللی Courtoisie Internationale
نسبی‌بودن معاهدات (اصل)
Relativite des Traités
نقض (معاهده) Violation
مرجع نگهدارندهٔ سند تصویب (معاهده)
Dépositaire
نمایندهٔ پاپ Legat
نمایندهٔ کنسولی Agent Consulaire
نظریهٔ تقصیر Théorie de la Faute
نظریهٔ خطر Théorie de la Risque

«و»

وابستهٔ دیپلماتیک Attaché
واتیکان Vatican=Saint-Siège
وتو Veto
وزارت امور خارجه
Ministère des Affaires Etrangères
وزیر امور خارجه
Ministre des Affaires Etrangères
وزیرمختار
Ministre Plénipotentiaire Statut Politique et
Territorial وضعیت سیاسی و ارضی

«هـ»

همبستگی اجتماعی (نظریه) Solidarité Sociale
همجواری ـ همسایگی Voisinage
همزیستی مسالمت‌آمیز Coéxistence Pacifique
هیأت نمایندگان سیاسی Corps Diplonatique

«ی»

یادداشت Mémorandum
یک‌جانبه Unilatéral
یگانگی حقوقی (نظریه) monisme

ب ـ واژه‌نامه فرانسه به فارسی

"A"

Abordage	تصادم کشتیها
Abrogation	اختتام معاهدات بر اثر ارادهٔ مشترک متعاهدین
Abus de droit	سوء استفاده از حق
Accéssion	الحاق
Accord	موافقتنامه
Accord en forme Simplifiée	موافقتنامه ساده یا اجرایی
Acte	پیمان ـ عمل حقوقی
Adhésion	الحاق (معاهده)
Admission	پذیرش ـ پذیرفتن
Affaire	قضیه ـ مورد
Agent	مأمور (سیاسی یا دیپلماتیک)
Agrement	پذیرش ـ آگرمان
Agression	تجاوز
Alliance	اتحاد ـ پیمان
Ambassade	سفارت
Ambassadeur	سفیر
Amendement	اصلاح (معاهده)
Annexe	اسناد ضمیمه (معاهده)
Annulation	لغو (معاهده)
Apartheid	سیاست تبعیض نژادی آفریقای جنوبی
appel	احضار (مأمور سیاسی)
Arbitrage	حکمیت ـ داوری
Armistice	متارکه جنگ
Arrêt	رأی ـ حکم ـ تصمیم (دادگاه)
Asile	پناهندگی
Association	اتحادیه
Attache	وابستهٔ دیپلماتیک
Auto-Limitation	نظریهٔ تحدید ارادی
Autonomie	خودمختاری
Autorité	اقتدار ـ مقام ـ مرجع
Autorité de la chose jugée	اعتبار قضیه محکوم بها
Avis Consultatif	رأی یا نظریهٔ مشورتی
Absence des députés	غیبت نمایندگان
Activité professionnelle	فعالیت شغلی
Administrations centrales	ادارات مرکزی
Adoption	تصویب
Ambassadeur	سفیر
Amendement	اصلاح ـ تغییر
Amnistie	عفو عمومی
Annulation	ابطال
Annulation d'éléction	ابطال انتخاب
Arbitrage	داوری ـ حکمیت
Arrestation	بازداشت
Article	ماده ـ بند ـ قسمتهای مختلف یک قانون
Assemblée	مجلس ـ مجمع ـ انجمن
Assemblées internationales	مجامع بین‌المللی
Assemblées locales	مجالس محلی ـ مجامع محلی
Assemblées territoriales	مجالس محلی سرزمینهای ماوراء بحار
Assemblées nationale	مجلس ملی
Automonie financiere	استقلال مالی
Avis	رأی ـ عقیده ـ نظر
Bureau de Congrés	دفتر کنگره
Bureau de l'Assemblée National	دفتر مجلس ملی

Contentieuse (x) ترافعی

Continuité de l'Etat اصل دوام کشور

convention قرارداد ـ معاهده ـ عهدنامه

هیأت نمایندگان دیپلماتیک

Corps diplomatique

Cour دیوان ـ دادگاه

Course مسابقه تسلیحاتی

Courtoisie نزاکت

Coutume عرف

Crime جنایت

Capacité des personnes اهلیت قانونی اشخاص

Clôture ختم ـ پایان

ختم جلسات ـ ختم اجلاسیه

Clôture des sessions

جلسه سری، جلسه خصوصی مجلس که معمولاً غیر از نمایندگان مجلس، کسی در آن حاضر نمی‌شود

Comité secret

کمیته عالی دفاعی

Comité superieurs de la défense nationale

کمیسیونهای پارلمان

Commissions du parlement

کمیسیون‌های مختلط متساوی‌الاعضاء

Commissions mixtes paritaires

بلوک ـ دهستان ـ کوچکترین تقسیمات کشوری

Commune

توطیه علیه امنیت دولت، حکومت

Complot contre la sûreté de l'Etat

محکومیت یک عضو پارلمان

Condamnation d'un membre du parlement

کنگره پارلمان، جلسه مشترک مجلس ملی و سنا

Congrès du parlement

Conseil constitutionnel شورای قانون اساسی

شورای اقتصادی و اجتماعی

Conseil économique et Social

"B"

Balance de Pouvoirs توازن قوا ـ موازنه قدرتها

Balance Politique موازنهٔ سیاسی

Bilatéral دوجانبه

Bonne foi حسن نیت

Bons offices پایمردی ـ مساعی جمیله

Bon Voisinage حسن همجواری

"C"

تغییر اوضاع و احوال

Changement des circonstances

Chargé d'affaires کاردار

Charte منشور (ملل متحد)

Chef de Ì Etat رییس کشور

Cité شهر مستقل ـ دولت شهر

Citoyen شهروند

Clause شرط

قید احتمالات (در معاهدات)

Clause Résolutoire

Codification تدوین

Coéxistence همزیستی

Collistion (Abordage) تصادم

Colonialisme استعمارگرایی

Colonisation استعمار

Communications ارتباطات

Communiqué اعلامیه

Compétence صلاحیت

Compromis موافقتنامه خاص

Conciliation آشتی ـ سازش

Conclusion انعقاد (معاهده)

Concordat موافقتنامه مذهبی

Conflit des lois تعارض قوانین

Consulat کنسولگری

Consul général سرکنسول

Conseil d'Etat	شورای دولتی
Conseil des ministres	شورای وزیران
Conseil supérieur de la magistrature	شورای عالی قضایی
Conseil supérieur de la défence national	شورای عالی دفاع ملی
Conseil général	شورای ایالتی
Conseilers généraux	اعضای شوراهای ایالتی
Conseil municipal	انجمن شهرداری ـ شورای شهرداری
Conseilers municipaux	اعضای شوراهای شهرداری
Constitution	قانون اساسی
Cntentieux électoral	امور مورد اختلاف و شکایت مربوط به انتخابات
Contreseign	امضای دوم ـ امضای کسی پس از اعضای مسؤول مستقیم
Contresigner	پس از امضای شخص مسؤول امضاکردن
Convocation du parlement	دعوت پارلمان
Convoquer	دعوت‌کردن ـ گردآوردن جلسه
Cour de cassation	دیوان کشور ـ دیوان تمیز
Cour de comptes	دیوان محاسبات
Cour d'appel	دادگاه استان ـ محکمه استیناف
Grédit	اعتبار
Crime	جنایت ـ جرم از درجه جنایت

"D"

Déclaratif	اعلامی (نظریه)
Déclaration	اعلامیه ـ اعلام
Décolonisation	استعمارزدایی
Délimitation	تحدید احدود
Délinquant	مجرم (سیاسی یا بین‌المللی)
Délit	جرم
Déni de Justice	استنکاف از احقاق حق
Dénonciation	فسخ یک جانبه
Dépositaire	مرجع نگهدارندهٔ سند تصویب ـ امین
Désarmement	خلع سلاح
Détroit	تنگه ـ بغاز
Deuxlème Secrètaire	دبیر دوم (سفارت)
Différend	اختلاف
Diplomatique	دیپلماتیک
Discrimination	تبعیض
Doctrine	دکترین ـ عقاید علما
Domaine	قلمرو
Domaine reservé	قلمرو خاص صلاحیت ملی
Dommages-Intérêts	عدم النفع
Dommage à réparer	جبران خسارت
Double nationalité	تابعیت مضاعف
Doyen du corps Diplomatique	مقدم‌السفرا
Droit acquis	حقوق مکتسبه
Droit Aérien	حقوق هوایی
Droit Commun	حقوق عرفی ـ کامن لاو
Droit Conventionnel	حقوق معاهده‌ای
Droit d' accès	حق ورود
Droit de coordination	حقوق ناشی از همکاری
Droit de la Mer	حقوق دریاها
Droit de légation	حق نمایندگی (نظریه)
Droit de L' éspace	حقوق فضا
Droits de L'homme	حقوق بشر
Droit de Passage	حق عبور
Droit des Peuples à disposer d' eux-mêmes	حق ملتها در تعیین سرنوشت خود
Droit des gens	حقوق ملل
Droit des Traités	حقوق معاهدات
Droit de subordination	حقوق ناشی از تبعیت
Droit de visite	حق بازدید و بازرسی

حق‌عینی، حق براشیاء واموال مانند حق مالکیت
Droit réel
حق دینی، حقی که شخص بر ذمه دیگری دارد
مانند حق طلب Droit de créance
حق کار Droit de travail
حق رأی Droit de vote
حق عفو Droit de grace
هزینه‌های عمومی Dépenses publiques
تسلیم ـ تقدیم Dépot
تسلیم تقاضای ابراز رأی عدم اعتماد مجلس ملی نسبت به دولت
Dépot de la motion de censure
تسلیم ـ تقدیم لوایح قانونی
Dépot des projets de loi
نماینده مجلس ملی Député
عدم موافقت ـ عدم توافق Désaccord
بازداشت ـ توقیف شخص ـ زندانی‌کردن
Détention
توقیف غیر قانونی Détention arbitraire
مذاکرات و محاورات پارلمانی
Débats parlementaires
اعلام جنگ Déclaration de guerre
اعلام سیاست عمومی
Déclaration de politiquegénéral
اعلام فوریت لایحه یا طرح قانونی
Déclaration d'urgence des textes législatifs
دستور پایان اجلاسیه
Décret de clôture des sessions
امریه ـ دستور ـ فرمان اجرای قانون Décret
دفاع ملی Défense nationale
تفویض اختیارات Délégation de pouvoirs
واگذاری حق رأی Délégation de vote
شور ـ تبادل افکار Délibération
جنحه ـ جرم از درجه جنحه Délit

حقوق بین‌الملل خصوصی
Droit International Privé
حق انتخاب Droit d' option
حقوق بین‌الملل عمومی
Droit International Public
حقوق عینی ـ حقوق موضوعی Droit objectif
حقوق وضعی Droit Positif
حقوق تحققی ـ حقوق موضوعه
Droit Subjectif
نظریه دوگانگی حقوقی Dualisme
شعار جمهوری Devise de la République
شعار ـ علامت Devise
مذاکره ـ مباحثه Discussion
مذاکره مربوط به قانونگذاری
Discussion législative
انحلال Dissolution
انحلال مجلس ملی
Dissolution de l'Assemblée nationale
قلمرو ـ حدود Domaine
قلمرو مربوط به قانونگذاری ـ حدود قانونگذاری
Domaine législatif
قلمرو مربوط به تنظیم مقررات ازطرف قوه مجریه
Domaine réglementaire
حق اصلاح و تغییر Droit d'amendement
حق اجتماعی ـ حق سیاسی ـ حق استفاده از مزایای رسمی تابعیت، حقوقی که ناشی از قوانین اساسی کشور بوده و فقط اتباع داخلی می‌توانند از آن استفاده کنند Droit civique
حقوق بشر یا حقوقی که برای اولین‌بار در تاریخ ۱۷۸۹ میلادی بر اثر انقلاب کبیر فرانسه شامل پاره‌ای از حقوق مدنی و سیاسی مثل حق آزادی، برابری، مصونیت جان و مال و خانه و غیره، در ۱۷ ماده اعلام شده و در قانون اساسی کشورهای مختلف منعکس گشته است Droit de l'homme

Démition	استعفاء
Démition du Gouvernement	استعفای دولت
Parlement	پارلمان ـ قوه‌قانونگذاری مرکب‌ازمجلس‌ملی‌وسنا

"E"

Eaux Intérieurs	آبهای داخلی
Effectivité	استقرار سلطه (شرط)
Engagement	تعهد
Engagement d'honneur	موافقتنامه نزاکتی یا اخلاقی
Enquête	بازجویی ـ تحقیق
Enregistrement	ثبت (معاهده)
Epuisement des recours internes	مراجعهٔ قبلی و مقدماتی به مراجع یا مقامات داخلی
Equité	انصاف
Espace Extra-Atmosphérique	فضای ماورای جو
Etat	کشور
Etat de nécessité	حالت ضرورت
Etat de dènvoi	کشور فرستنده
Etat de pavillon	کشور صاحب پرچم (کشتی)
Etat de réception	کشور پذیرنده ـ کشور محل مأموریت
Etat Riverain	کشور ساحلی
Etat sans Litoral	کشور بدون ساحل
Excès de Pouvoirs	تجاوز از اختیارات
Exemption fiscale	معافیت مالیاتی
Exéquatur	روانامه ـ اجازه‌نامهٔ کنسولی
Expulsion	اخراج (بیگانگان از کشور)
Extérritorialité	برون‌مرزی (نظریه)
Extinction	اختتام (معاهدات)
Extradition	استرداد (مجرمین)

"F"

Faute de L'Etat	خطا یا تقصیر کشور
Fond des Mers	اعماق دریاها
Fondements	مبانی (حقوق)
Formation	شکل‌گیری (معاهده)
Franchise douanière	معافیت گمرکی
Formel (lle)	شکلی (منابع)
Fixation de l'ordre du jour	تعیین دستور جلسه
Flagrant délit	جرم مشهود
Forces armées	نیروهای مسلح
Egalité des citoyens	برابری شهروندان
Election	انتخاب
Electoral	مربوط به انتخابات ـ انتخابی
Enseignement	مانع
Enseignement	آموزش ـ تعلیم
Entreprise	مؤسسه ـ بنگاه
Etablissenents publics	مؤسسات عمومی
Etat de siége	حکومت نظامی
Etat des personnes	احوال شخصی اشخاص
exercise financier	دوره اعتبار مالی

"G"

Génocide	کشتار جمعی ـ ژنوسید
Gouvernement	حکومت ـ دولت
Gouvernement de droit	حکومت قانونی
Gouvernement de fait	حکومت غیر قانونی یا غیر حقوقی
Guerre civile	جنگ داخلی
Guerre juste	جنگ مشروع
Guerre licite	جنگ مشروع
Guerre offensive	جنگ تعرضی
Gouvernement	دولت
Groupement politiques	گروه‌بندیهای سیاسی

"H"

Haute Mer دریای آزاد
Humanisme بشردوستی
Humanité بشریت
Haute cour de justice دیوان عالی عدالت
خیانت سنگین (قصور مهم ریاست‌جمهوری در
Haute trahision انجام وظایف قانونی خود)
Hymne national سرود ملی

"I"

Immunité مصونیت
Indemnité غرامت ـ تاوان
Indépendance استقلال
Indépendant مستقل
Infraction جرم
Institution نهاد ـ تأسیس
Integrité Territoriaie تمامیت ارضی
مصلحت خدمت (نظریه)
Intérêt de la fonction
Intérêts vitaux منافع حیاتی
International (e) بین‌المللی
Internationalisation نظام بین‌المللی‌کردن
Interprélation تفسیر (معاهدات)
Inviolabilité مصونیت از تعرض
Immunité مصونیت ـ معافیت از تعقیب کیفری
مصونیت پارلمانی ـ مصونیت اعضای مجلس ملی و سنا از تعقیب کیفری بیش از سلب مصونیت آنها به وسیله مجالس مزبور
Immunité parlementaire
Immunité judiciaire مصونیت قضایی
Immunité diplomatique مصونیت سیاسی
Impôt مالیات
Inamovibilité غیر قابل عزل‌بودن

غیر قابل عزل‌بودن قضات
Inamovibilité des magistrats
Incomptibilité مانعةالجمعی ـ باهم جمع‌نشدنی
Indemnité کمک خرج
کمک خرج اعضای پارلمان
Indemnité des membres du parlement
Indépendance استقلال
Indépendance nationale استقلال ملی
لایحه قانونی ـ لایحه‌ای که ابتکار آن از طرف
Initiative des lois دولت است
طرح قانونی ـ طرحی که ابتکار آن از طرف
Initiative parlementaire نمایندگان مجلس است
Irrécevabilité نپذیرفتنی‌بودن
نپذیرفتنی‌بودن تقاضای ابراز رأی عدم اعتماد
Irrécevabilité de motion de censure
نپذیرفتنی‌بودن پیشنهادات و اصلاحات
Irrécevabilité des propositions et amendements

"J"

Judiciare قضایی
Juge قاضی
Jugement قضاوت ـ رأی ـ حکم
Juridiction قضاوت
Juridique اختلافات حقوقی
Jurisprudence رویهٔ قضایی
Justice دادگستری (دیوان) ـ عدالت (اصل)
Journal officiel روزنامه رسمی
Juger مورد دادرسی و قضاوت قراردادن

"L"

Légat نمایندهٔ پاپ
légation نمایندگی
Légitimité مشروعیت (نظریه)

Lettres de créance استوارنامه

Lettre de Pleins Pouvoirs اختیارنامه

Lettre de Provision معرفینامه

Liberté des Mers آزادی دریاها

Ligne de base خط مبدأ

Ligne de Côte خط ساحلی

Ligue اتحادیه

Lit de la Mer بستر یا کف دریا

Lois Normatives اصول بنیادین

LaÏcité غیر مذهبی‌بودن

LaÏc LaÏque غیر مذهبی

Lecture مذاکره و شور

Légion d'honneur نام یکی از نشانهای افتخار فرانسه

Législateur قانونگذار ـ مقنن ـ عضو قوه مقننه

Législation قانونگذاری ـ حق وضع قوانین

Législature دوره قانونگذاری

Levée d'immunité رفع مصونیت ـ پایان یافتن مصونیت

Liberté آزادی ـ حریت

Loi قانون

Loi civile قانون مدنی

Loi de finance قانون مالی

Loi organique قانونی که با شرایط مقرر در ماده ۴۶ قانون اساسی فرانسه به تصویب پارلمان فرانسه برسد و مطابقت آن با قانون اساسی، در شورای قانون اساسی فرانسه تأیید شود

"M"

Mains Propres پاکدستی (مدعی)

Mandat نظام سرپرستی یا نمایندگی جامعهٔ ملل

Mantien de la paix حفظ صلح

Marché commun بازار مشترک

Materiel (lle) حقیقی یا اساسی (منابع)

Médiation میانجیگری

Membre عضو

Mémorandum یادداشت

Mer Adjecente منطقهٔ نظارت یا مجاور

Mer Intérieure دریای داخلی

Mer Territoriale دریای سرزمینی

Ministre Plénipotentiaire وزیرمختار

Minorités اقلیتها

Mission مأموریت ـ نمایندگی ـ هیأت نمایندگی

Monisme نظریهٔ یگانگی حقوقی

Multinational چند ملیتی (کشورهای)

Magistrat صاحب منصب قضایی

Majorité اکثریت در رأی

Majorité absolue اکثریت مطلق ـ اکثریت بیش از نصف

Majorité relative اکثریت نسبی

Membres du Gouvernement اعضای دولت

Message پیام

Message du président de la République پیام رییس‌جمهور

Ministre وزیر

Ministre de la justice وزیر دادگستری

Mise en accusation اعلام اتهام و تعقیب ـ تشخیص قابل تعقیب و یا غیر قابل تعقیب‌بودن متهم

Monnaie پول ـ سکه ـ مسکوک

Motion de censure تقاضای ابراز رأی عدم اعتماد (تقاضایی که علیه دولت، فقط در مجلس ملی از طرف حداقل یک‌دهم اعضای آن قابل طرح است و در صورت تصویب آن در این مجلس با اکثریت مطلق اعضای آن، دولت باید استعفاء دهد).

"N"

National ملی ـ عضو جامعه ملی ـ شهروند

تعهد Obligation

تعهدات مدنی و تجاری

Obligation civiles et commerciales

امراء Officiers généraux

تصویبنامه Ordonnance

دستور جلسه Ordre du jour

دستور جلسات مجلس ملی

Ordre du jour des assemblées

دستور جلسه شورای وزیران

Ordre du jour du conseil des ministres

دستور جلسه نشستهای فوق‌العاده پارلمان

Ordre du jour des sessions extraor-dinaires du parlement

پارلمان ـ قوه مقننه فرانسه مرکب از مجلس ملی و مجلس سنا du parlement

"P"

مسالمت‌آمیز ـ صلح‌آمیز Pacifique

میثاق Pacte

امضای موقت (معاهده) ـ پاراف Paraphe

طرف متعاهد Partie contractante

میراث مشترک Patrimoine Commun

دایم Permanent (e)

فلات قاره ـ سکوی ساحلی

Plateau continental

تام‌الاختیار Pleins Pouvoirs

کاملة‌الوداد Plus favorisé

سیاسی politique

آلودگی (آبها) Pollution

مکتب جامعه‌شناسی حقوقی

Positivisme sociologique

تعقیب فوری یا مداوم Poursuite continue

قاطعیت قدرت تصمیم‌گیری

Pouvoir de décision définitive

تابعیت Nationalité

ملل متحد Nations Unies

ماهیت (حقوقی) Nature

کشتیرانی Navigation

مذاکره Négociation

استعمار نو Néo-Colonisation

نظریهٔ حقوق وضعی جدید Néo-Positivisme

بی‌طرفی Neutralité

عطف به‌ماسبق‌نشدن (قوانین)

Non-Retroactivité

یادداشت (رسمی سیاسی) Note

سفیر پاپ Nonce

اخطار ـ ابلاغ Notification

بطلان (معاهده) Nullité

اصول مبتنی بر سلسله‌مراتب

Normes Hiérarchiques

ملی‌کردن Nationalisation

تابعیت Nationalité

تابعیت اکتسابی Nationalité acquise

تابعیت اصلی Nationalité d'origine

مذاکره در خصوص قرارداد یا عهدنامه

Négociation

مذاکره درباره عهدنامه‌ها

Négociation des traités

نصب ـ انتصاب Nomination

بررسی و شور جدید Nouvelle débibération

"O"

دستور جلسه ordre du jour

تعهدات (بین‌المللی) Obligations

اجباری (قضاوت) Obligatoire

اشغال (سرزمین) Occupation

ارکان (سازمان بین‌المللی) Organes

سازمان (بین‌المللی) Organisation

قوه مجریه
Pouvoir exécutif

حق انتخاب ـ اختیار انتخاب نماینده
Pouvoir de suffrage

قدرت عمومی ـ سازمانهایی که قدرت سیاسی را
در کشور، اعمال می‌کنند
Pouvoirs publics

استاندار ـ والی
Préfet

نخست‌وزیر
Premier ministre

رییس‌جمهور
Président de la République

رییس شورای قانون اساسی
Président du conseil constitutionnel

رییس مجلس ملی
Président de l'Assemblée nationale

رییس مجلس سنا
Président du Sénat

آیین دادرسی کیفری
Procédure pénale

برنامه دولت
Programme du Gouvernement

لایحه قانونی ـ لایحه‌ای که دولت برای تصویب
ه قوه مقننه تقدیم می‌کند
Projet de loi

لایحه تجدید نظر در قانون اساسی که از طرف
ولت تقدیم می‌شود
Projet de revision de la constitution

شیح ـ امضاءکردن
Promulgation

ضای قوانین به وسیله رییس‌جمهور
Promulgation des lois

ح قانونی ـ طرحی که اعضای پارلمان به قوه
نه برای تصویب تقدیم می‌کنند
Proposition de loi

ح تجدید نظر در قانون اساسی که از طرف
ای پارلمان تقدیم می‌شود
Proposition de revision de la constitutio

ت ـ حق تملک و انتفاع از مایملک
Propriété

Publication

قانون پس از تصویب و توشیح
Publication de loi

اصالت قدرت تصمیم‌گیری
Pouvoir de décision originaire

قدرت تسلط
Pouvoir de domination

قدرت سیاسی ـ قدرت حکومت
Pouvoir Public

طرز عمل ـ رویه (بین‌المللی)
Pratique

سابقه
Précédent

دبیر اول (سفارت)
Premiér Secrétaire

اصول کلی حقوقی
Principes généraux de droit

غنیمت (جنگی)
Prise

امتیازات ـ مزایا
Privilèges

صورتجلسه
Procès verbal

انتشار رسمی (معاهده)
Promulgation

حمایت
Protection

انتشار
Publication

نظامی هرمی‌شکل حقوق
Pyramide Juridique

احزاب سیاسی
Partis politiques

مجازات ـ کیفر
Peine

مجازات اصلی
Peine principale

مجازات تبعی ـ مجازاتی که نتیجه قهر و قانون
محکومیت به مجازات اصلی است بدون اینکه
قاضی در حکم خود آن را تعیین و قید کند مثل
محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی
peine accessoire

نقشه اقدام ـ نقشه ـ نقشه کار
Plan

سیاست ـ سیاست اداره امور کشور
Politique

سیاست کلی دولت
Politique générale du Gouvernement

سیاست اجتماعی
Politique sociale

تعقیب ـ پیگرد
Poursuite

قوه قضاییه
Pouvoir judiciaire

قوه مقننه
Pouvoir législatif

اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات
Pouvoir réglementaire

Publicité
آشکار و علنی‌بودن

علنی‌بودن جلسات مجلس ملی
Publicité des Séances des assemblée

"Q"

Question
سؤال

سؤال اعضای پارلمان از دولت
Question des membre du parlement au Gouvernement

"R"

Ratification
تصویب (معاهده)

Ratification imparfaite
تصویب ناقص

Réclamation
اعلامی (طریقه)

Recomandation
توصیه‌نامه ـ توصیه

Reconnaissance
شناسایی ـ به رسمیت‌شناختن

شناسایی دو فاکتور یا موقت
Reconnaissance de Facto

شناسایی دوژوره یا دایم
Reconnaissance de jure

Recours à la force
توسل به زور

éfugié
پناهنده

égional (e)
منطقه‌ای

eglement
حل و فصل (اختلافات)

lativite
نسبی‌بودن (اصل)

nvoi
احاله ـ ارجاع

solution
قطعنامه (سازمانهای بین‌المللی)

ponsabilité
مسؤولیت

sortissant
تبعه

ait
کناره‌گرفتن (از معاهده)

sion
تجدید نظر (در معاهدات)

ure
قطع (روابط)

ort
گزارش ـ شرح جریان امر

گزارش کمیسیونهای پارلمانی تحقیق و نظارت
Rapport des Commissions parlementaires d'enqûte et de contrôle

Ratification
تصویب

Recette
درآمد ـ عایدی

Recettes de l'Etat
درآمد دولت

رییس آکادمی ـ رییس فرهنگستان
Recteur d'accadémie

مراجعه مستقیم به آراء عمومی ـ همه‌پرسی
Référendum

Régime électoral
روش و طریق انتخاباتی

Régime dotal
رژیم مجزابودن اموال زن و شوهر

رژیم مشترک‌بودن اموال زن و شوهر
Régime matrimonial

مقررات داخلی مجلس ملی و مجلس سنا
Reglements des assemblées parlementaires

Remplaçant
جانشین

Réponse
جواب

Réponse du Gouvernement
جواب دولت

République
جمهوری ـ حکومت جمهوری

Responsabilité
مسؤولیت

مسؤولیت رییس‌جمهور
Responsabilité du président de la République

مسؤولیت اعضای دولت ـ مسؤولیت وزراء
Responsabilité pénale des membres du Gouvernement

مسؤولیت سیاسی دولت
Responsabilité politique du Gouvernement

Revision
تجدید نظر

تجدید نظر در قانون اساسی
Revision de la constitution

"S"

Sainte Alliance	اتحاد مقدس
Saint-Siège	واتیکان ـ مقر پاپ
Sanction	ضمانت اجرا ـ مجازات
Secrétaire general	دبیرکل
Secrétariat	دبیرخانه
Securité collective	امنیت دسته‌جمعی
Sentence Arbitrale	رأی داوری
session	اجلاسیه ـ اجلاس
Siége	مقر (سازمان بین‌المللی)
Société Des Nations	جامعهٔ ملل
Solidarité	همبستگی
source	منبع
Sous-sol	زیر کف (دریاها)
Sous Tutelle	تحت قیمومت
Souveraineté	حاکمیت
statut	اساسنامه (سازمان بین‌المللی) ـ وضعیت
Succession	جانشینی (کشورها)
Suspension	تعلیق (معاهده)
Sécurité Social	امنیت اجتماعی
Sénat	مجلس سنا
Sénateur	سناتور ـ عضو مجلس سنا
séance	اجلاس ـ اجلاسیه ـ نشست
Session	جلسه ـ نشست
Sessions extraordinaires	جلسات فوق‌العاده
Signature	امضاء
Signer	امضاءکردن
Statut civil	قانون مربوط به امور مدنی
Statut personnel	قانون مربوط به احوال شخصی
Statut politique	قانون مربوط به امور سیاسی
Succession	توارث ـ ارث‌بردن
Suffrage universel	انتخابات عمومی ـ حق انتخاب عموم مردم
Suppléance	جانشینی
Supléant	جانشین
Suppléer	جانشین‌شدن ـ جای کسی راگرفتن

"T"

Territoire sans Maitre	زمین بدون صاحب
Territorial	ی ـ سرزمینی
Thalweg	عر ـ تالوگ
Théorie Pure de Droit	حض حقوقی
Tiers Monde	وم
Traité	معاهده ـ عهدنامه
Traité des Noires	وش سیاه‌پوستان (برده‌فروشی)
Traités-Contrats	قراردادی
Traités-Lois	انونی
Troisième Secrétaire	رت)
Tutelle	(سازمان ملل)
Territoire	
Territoires	بحار
Traité	
Traité internationaux	

"U

Unilatéral	
Urgence	
Urgent	نی
Urgence des texte	

Validité	
Valise diplom	
vice consul	

Vote — رأی

Voter — تصویب‌کردن

"Z"

Zone contigue — منطقهٔ مجاور یا نظارت

Violation — نقض (معاهده)

Volontarisme — نظریهٔ ارادی

Volonté collective — ارادهٔ مشترک (نظریه)

Vacance — غیبت

Vacance de la président de la République — غیبت رییس‌جمهور

...شناسی قضائی
...پروفسور التاویلا
مرحوم دکتر مهدی کی‌نیا
...سی نظری
...سور گسن
...م دکتر مهدی کی‌نیا
... تطبیقی
... اسکینی
...ئی
...مدنی کرمانی
...ی کرمانی

فهرست کتابهای حقوقی «مجد»

دادرسی‌های خارج از نوبت
درامور کیفری
نوشته علی مهاجری
طلاق و آثار آن
نوشته علی رفیعی
بررسی حقوقی باروری مصنوعی
نوشته عباس نایب زاده
قانون آیین دادرسی مدنی در رویه قضایی
تدوین سید محمدرضا حسینی
قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی
تدوین سید محمدرضا حسینی
حقوق بین الملل عمومی
نوشته دکتر عباس تدینی
حقوق استخراج نفت دریاها
نوشته دکتر عباس تدینی
مباحث حقوقی شرح لمعه
بکوشش سید علی حسینی نیک
لویک در یک ...
نوشته امیر ...

منابع و ... حقوقی
آئین دادرسی ... دوره کامل
مرحوم دکتر ...
حقوق جزا ...
نوشته دکتر ...
حقوق ...
نوشته ...

متو...
Gcse law
A Level L...

... «مجد»
...حسینی‌نیک
...سینی نیک

قانون تجارت
بکوشش حسین ساعتچی یزدی
قانون شهرداری
بکوشش صالح شفیعی‌پور
قانون کار
بکوشش حسین ساعتچی یزدی
قانون شوراهای اسلامی
بکوشش سیدعباس حسینی‌نیک
قانون مجازات اسلامی
بکوشش سیدعباس حسینی‌نیک
قانون موجر و مستاجر
بکوشش حسین ساعتچی یزدی
قانون صدور چک
بکوشش حسین ساعتچی
قانون خانواده
بکوشش خانم عارفه مدنی
قانون ثبت اسناد و املاک
بکوشش حمید ابهری
قانون تامین اجتماعی
بکوشش محمد حسین قشقایی
قانون آیین دادرسی کیفری
بکوشش حسین ساعتچی یزدی
قانون آیین دادرسی مدنی
بکوشش حسین ساعتچی یزدی
قانون مالیاتهای مستقیم
بکوشش حسین ساعتچی یزدی
قانون ضابطین دادگستری
بکوشش حسینعلی امیری
قانون مطبوعات
بکوشش مطلب دوستدار
قانون جرایم نیروهای مسلح
بکوشش سرهنگ نقی جعفری
قانون خدمت وظیفه عمومی
بکوشش سرهنگ جعفری - کریمی
مجموعه قوانین راهنمایی ورانندگی
تدوین: محمد بلغاری
مجموعه قوانین حقوقی
تدوین محمدرضا خسروی
مستشار اداره حقوقی
مجموعه قوانین جزایی
تدوین محمدرضا خسروی
مستشار اداره حقوقی
مجموعه قوانین بین المللی
تدوین سید عباس پورهاش...

Recueil de lois et réglementation en droit international

ar:

Seyed Abb oorhashemi

ions du Méhéran, IRAN

مجد